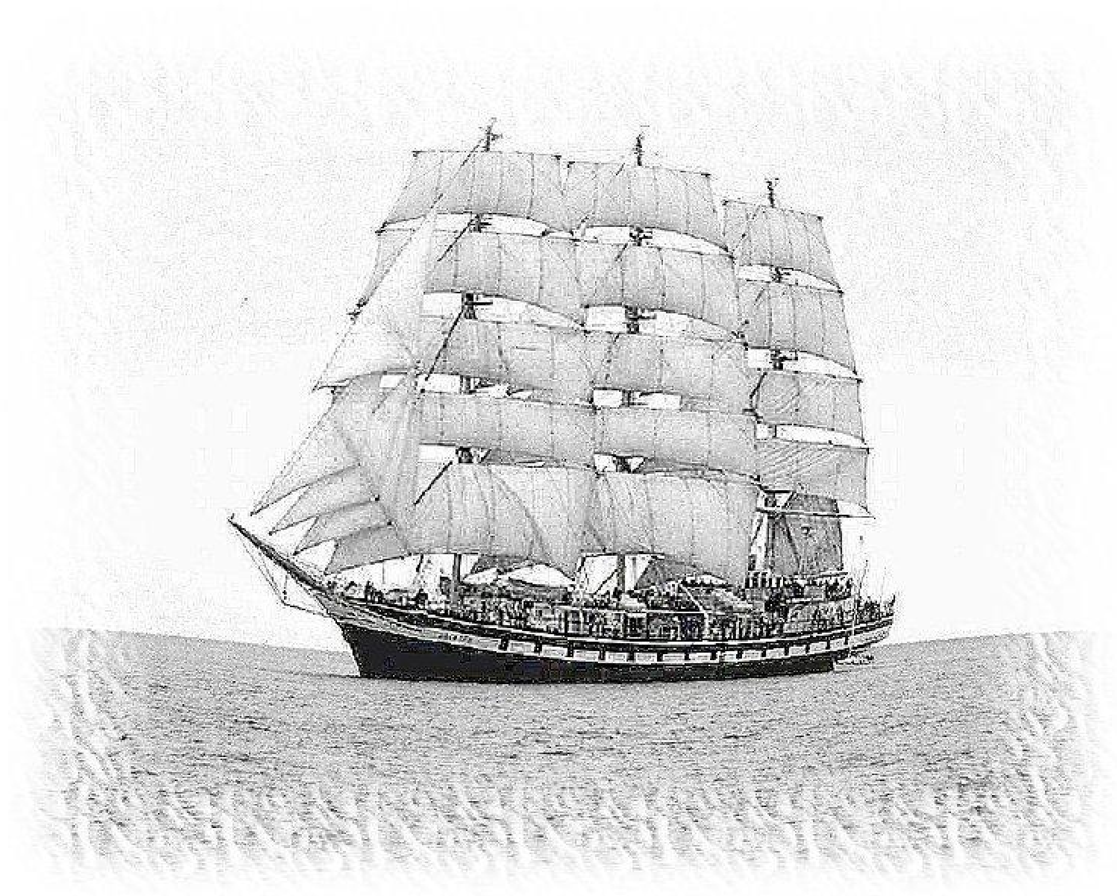
بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید



دوره شاگرد سازی از رادیو

دستورعمل بنای کلیسا - کتاب اول

مــقــدمـــه

کلیسا چیست؟

در سطح محلی، کلیسا همانا تجمع مسیحیان در یك خانه (رومیان ۱۶: ۵) یا یك شهر (اول قرنتیان ۱: ۲) می‌باشد. در سطح جهانی، کلیسا بدن مسیح (افسسیان ۱: ۲۲- ۲۳) می‌باشد و تمام مسیحیان اعضای آن بدن هستند (اول قرنتیان ۱۲: ۱۲). کلیسا بنایی روحانی است که هر فرد مسیحی یکی از سنگهای زنده آن می‌باشد (اول پطرس ۲: ۵) و یا مکانی است که خود خدا بواسطه روحش در آن سکونت می‌نماید (افسسیان ۲: ۲۱- ۲۲). کلیسا خانواده الهی می‌باشد (افسسیان ۲: ۱۹). خدا، پدر پرمحبت کلیسا و مسیحیان نیز برادران و خواهران یکدیگر می‌باشند. کلیسا گله گوسفندانی است که شبانی را که در جلوی آنها حرکت می‌کند، پیروی می‌کنند (اول پطرس ۵: ۲ ؛ ۲: ۲۵؛ ۵: ۴). کلیسا ملت مقدس خداست که متشکل از مردمی است که خدا آنها را از میان تمام ملل جهان انتخاب می‌کند (اول پطرس ۲: ۹- ۱۰). کلیسا تجلی قابل رؤیت ملکوت یا پادشاهی خدا بر روی زمین می‌باشد (متی ۱۳: ۳۶- ۴۳؛ ۱۶: ۱۸- ۱۹؛ ۲۱: ۴۲- ۴۴). کلیسا هنوز واقعیت کاملی نیست، بلکه در زمان بازگشت مسیح، عروس کامل عیسی خواهد بود (مکاشفه ۲۱: ۱- ۲ ، ۹- ۱۰؛ ۱۹: ۷). از طرفی کلیسا، " کلیسایی مبارز" در دنیا است که در آن مسیحیان در برابر حملات دشمن ایستادگی می‌کنند (متی ۱۶: ۱۸- ۱۹؛ افسسیان ۶: ۱۰- ۱۸؛ مکاشفه ۱۲: ۱۰- ۱۲). از طرف دیگر، کلیسا، " کلیسای پیروز" در آسمان می‌باشد، مکانی که مسیحیانی که از این جهان رفته‌اند در آنجا در حضور خدا سکونت می‌کنند (غلاطیان ۴: ۲۶؛ عبرانیان ۱۱: ۱۰، ۱۶؛ ۱۲: ۲۲- ۲۴؛ ۱۳: ۱۴).

کلیسای مسیح چگونه بنا می‌شود؟

مسیح کلیسای خود را بنا می‌کند و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت (متی ۱۶: ۱۸). مسیح در ابتدا از رسولان استفاده کرد تا کلیساهای تاریخی را در میان یهودیان، غیریهودیان و سامریان بنیان نهد (افسسیان ۲: ۲۰). امروزه او از مسیحیان معمولی جهت بنای کلیسای خود استفاده می‌کند. او کلیسای خود را بر روی مسیحیانی بنیان می‌گذارد که زندگی مسیحی درستی داشته (افسسیان ۴: ۱- ۲)، و متکی بر آموزه‌های صحیح از کلام خدا هستند (افسسیان ۴: ۳- ۶). او همچنین کلیسای خود را بر روی مسیحیانی که خدمات مختلف و تواناییهای روحانی متفاوتی دارند، بنا می‌کند (افسسیان ۴: ۷- ۱۲). او به ایمانداران جدید کمك می‌کند تا تبدیل به شاگردان او شوند (مسیحیان بالغ) (افسسیان ۴: ۱۳- ۱۴) و آنها را به جهت انجام خدمات مختلف عملی در داخل و خارج از کلیسا تجهیز می‌کند (افسسیان ۴: ۱۲) و اجتماعی مبتنی بر حقیقت و محبت بنا می‌کند که در آن ایمانداران دائماً در جهت شباهت به مسیح رشد می‌کنند (افسسیان ۴: ۱۵- ۱۶). و بدین ترتیب کلیسای خود را بنا می‌کند. امروزه، بنای کلیسای مسیح مسئولیت تمام مسیحیان می‌باشد.

هدف از چهار کتاب دستورعمل بنای کلیسای مسیح

این دوره درسی از طریق عنوان کردن موارد زیر به سر گروه، بنای کلیسای مسیح را امری عملی می‌سازد:

۱- هر کدام از چهار کتاب دستورعمل بنای کلیسای مسیح، حاوی ۱۲ درس می‌باشند که می‌توان در طول سه ماه آنها را به اتمام رساند.
۲- آیات مهم کتاب‌مقدسی به شاگردان کمك می‌کنند که مسیح، کلیسا و کتاب مقدس را بشناسند.
۳- دستورالعمل هایی که با حروف پررنگ چاپ شده مثل " **بخوانید**"، " **کشف و گفتگو کنید**" به سرگروه درهدایت گروه کمك می کند.
۴- " **ملاحظات** " جواب مختصری به هر سوال می دهند که می توانند بعنوان خطوط راهنما برای سرگروه مورد استفاده قرار گیرند.
۵- این دوره آموزشی روشهایی عملی، جهت بنای کلیسای مسیح و بررسی انجیل یوحنا به طور فردی یا جمعی ارائه می‌کند.
۶- هر درس دارای یك تکلیف خارج از کلاس می باشد.
۷- این دوره آموزشی را می‌توان در اختیار دیگران نیز گذاشت. پس از به اتمام رساندن بررسی یکی از کتب دستورعمل بنای کلیسای مسیح، تنها آن عده از شاگردان می‌توانند یك نسخه از آن کتاب دستورعمل را داشته باشند که مایلند این دوره درسی را در یك گروه کوچك دیگر تعلیم دهند.

دعای ما این است که خداوند به سرعت بر تعداد کلیساها و کلیساهای خانگی در منطقه شما بیفزاید.
عیسی می‌فرماید: "من کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت" (متی ۱۶: ۱۸).
باشد که خدا جلال یابد. "زیرا که از او و به او و تا او همه چیز است. و او را تا ابدالآباد جلال باد، آمین" (رومیان ۱۱: ۳۶).

دوره شاگردسازی از رادیو

حقوق مؤلف کتاب

توصیه:

این دوره آموزشی بدین منظور تهیه شده است که بطور گسترده استفاده شود و باعث برکت بسیاری گردد، اما از آنجا که هدف چهار کتاب دستور عمل شاگردسازی، آموزش یا مجهز کردن مسیحیان است، توصیه میشود که فقط سرگروه های این دوره آموزش شاگردسازی، از چهار کتاب دستورعمل شاگردسازی برابربا اصل، کپی یا رونوشت بردارند.

هر شاگرد فقط پس از آنکه یک درس یا یک کتاب دستورعمل را بپایان رسانده و میخواهد شخص یا گروه کوچك دیگری را تعلیم دهد، می تواند یك نسخه از آن درس یا کتاب دستورعمل را داشته باشد.

<u>دوره شاگرد سازی از رادیو</u>

فهرست مطالب
دستورعمل بنای کلیسای مسیح - کتاب اول

برنامه آموزشی ۱

يك برنامه هفتگی برای سه ماه - حدود ۲ ساعت در هفته - تعداد افراد گروه بین حدود ۳ تا ۱۰ نفرباشد - هر برنامه با دعا شروع می‌شود و با دعای در پاسخ به کلام خدا و يك تكليف برای منزل پایان می‌یابد.

برنامه آموزشی ۲

این برنامه فشرده را می‌توان هفته‌ای یکروز (یك روز کامل) و یا در یك دوره فشرده آموزشی شش روزه استفاده کرد. تمام گروه را با همراهی یك سرگروه آموزش دیده، به گروه های کوچك تقسیم کنید. تعداد افراد هرگروه بین حدود ۳ یا ۱۰ نفر باشد.

برنامه پیشنهادی:

۹:۰۰ - ۹:۳۰	پرستش (گروه)
۹:۳۰ - ۱۱:۰۰	تعلیم (گروه)
	وقت استراحت
۱۱:۳۰ - ۱۳:۰۰	بررسی کتاب مقدس (گروه)
	وقت استراحت
۱۶:۰۰ - ۱۷:۰۰	وقت اضافی برای پایان دادن تعلیم یا بررسی کتاب مقدس، برای پاسخ به سؤالات یا برای یک تعلیم دیگراحتمالی (گروه)
	وقت استراحت
۱۷:۳۰ - ۱۷:۴۵	تعمق و حفظ کردن آیات (دونفری)
۱۷:۴۵ - ۱۸:۳۰	مطالعه کتاب مقدس برای رازگاهان (به تنهایی)
۱۸:۳۰ - ۱۹:۰۰	رازگاهان (دو نفری)
۱۹:۰۰ - ۱۹:۴۵	در میان گذاشتن برکات و دعا (در گروههای کوچك حداکثر ده نفره)

روز اول (دروس ۱ و ۲)

دعا
تعلیم (عید کلیسایی: میلاد مسیح - جشنی که یادآور تولد مسیح می‌باشد)
بررسی کتاب‌مقدس (مقدمه‌ای بر انجیل یوحنا)
حفظ کردن (دوم قرنتیان ۳: ۱۸ و اول پطرس ۲: ۱۱)
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (مرقس ۱- ۷)
رازگاهان (دو نفری: مرقس ۷: ۱- ۲۳)
در میان گذاشتن برکات و دعا

روز دوم (دروس ۳ و ۴)

دعا
تعلیم (عید کلیسایی: جمعه الصلیب- روزی که یادآور مرگ مسیح می‌باشد)
بررسی کتاب‌مقدس (یوحنا ۱: ۱- ۱۸)
حفظ کردن (مرقس ۱۲: ۳۰- ۳۱ و رومیان ۴: ۲۰- ۲۱)
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (مرقس ۸- ۱۴)
رازگاهان (دو نفری: مرقس ۱۰: ۱۷- ۳۱)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز سوم (دروس ۵ و ۶)

دعا
تعلیم (عید کلسیایی: قیام، روزی که یادآور قیام عیسی می‌باشد)
بررسی کتاب‌مقدس (یوحنا ۱: ۱۹- ۵۱)
حفظ کردن (فیلیپیان ۲: ۳- ۴ و مرور مجموعه " شخصیت مسیحی ")
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (مرقس ۱۵- ۱۶؛ اول قرنتیان ۱- ۵)
رازگاهان (دو نفری: اول قرنتیان ۴: ۱- ۲۱)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز چهارم (دروس ۷ و ۸)

دعا
تعلیم (عید کلیسایی: پنطیکاست- روزی که یادآور ریزش روح‌القدس می‌باشد)
بررسی کتاب‌مقدس (یوحنا ۲)
حفظ کردن (یوحنا ۱: ۱۴ و یوحنا ۱: ۱۶)
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (اول قرنتیان ۶- ۱۲)
رازگاهان (دو نفری: اول قرنتیان ۹: ۱- ۲۷)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز پنجم (دروس ۹ و ۱۰)

دعا
تعلیم (عید کلیسایی: روز خداوند- روز استراحت، مشارکت و خدمت)
بررسی کتاب‌مقدس (یوحنا ۳)
حفظ کردن (یوحنا ۲: ۲۵ و یوحنا ۳: ۱۶)
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (اول قرنتیان ۱۳- ۱۶؛ دوم قرنتیان ۱- ۳)
رازگاهان (دو نفری: اول قرنتیان ۱۵: ۵۸- ۱۶: ۲۴)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز ششم (دروس ۱۱ و ۱۲)

دعا
تعلیم (عید سال جدید- روز تجدید نظر و وقف)
بررسی کتاب‌مقدس (یوحنا ۴)
حفظ کردن (یوحنا ۴: ۲۴ و ۵ آیه آخر حفظی را از انجیل یوحنا مرور کنید)
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (دوم قرنتیان ۴- ۱۰)
رازگاهان (دو نفری: دوم قرنتیان ۸: ۱- ۱۵)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

امکانات برای تعالیم دیگراحتمالی

ضمیمه شماره ۱ — نبوتی در رابطه با مرگ و قیام مسیح در عهدعتیق
ضمیمه شماره ۲ — نظریاتی در رابطه با زندگی پس از مرگ

درس ۱

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **مرقس**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (مرقس ۱: ۱-۴: ۲۰) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: شخصیت مسیحی**

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: شباهت به مسیح: دوم قرنتیان ۳: ۱۸

۴	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **عید میلاد مسیح - جشنی که یاد آور تولد مسیح می باشد**

مقدمه: میلاد مسیح (کریسمس)، عیدی مسیحی است که در آن تولد عیسی مسیح را به یاد می‌آوریم. در این درس، تعلیم کتاب‌مقدس را در خصوص آمدن عیسی‌مسیح به جهان خواهیم آموخت. همچنین خواهیم آموخت که چگونه ظهور او در نبوت‌های عهدعتیق پیشگویی شده بود، و به‌هنگام ولادت او چه رخ داد، و اینکه آمدن او به این جهان چه اهمیتی برای ما دارد.

الف - <u>قدیمی‌ترین تاریخ بشر بیانگر اولین وعدهٔ خدا به مردم می باشد.</u>

اولین وعده کتاب‌مقدس در پیدایش ۳: ۱۵ یافت می‌شود. زمانی که هیچ گناهی بر روی زمین وجود نداشت، شیطان بر اولین انسانها که آدم و حوا بودند به شکل ماری ظاهر شد. از چارچوب این متن آشکار است که در پشت این مار روح شریری قرار داشت که سخنگویی قوی بود. این روح شریر "ابلیس" نامیده می‌شود که به مفهوم متهم‌کننده، "شیطان"، دشمن، مخالف و حتی اژدها می باشد (مکاشفه ۱۲: ۹). او اولین مرد و زن را وسوسه کرد تا از حکم خدا نا اطاعتی کنند و ایشان از وضعیت پاکی که داشتند به طبیعت گناه آلود سقوط کردند.
خدا آنان را مجازات کرد و به ایشان گفت که از آن پس همواره بین ذریت شیطان (که روح‌های شریر و افرادی هستند که همواره طرفدار شیطان می‌باشند) و ذریت زن (افرادی که همواره طرفدار خدا هستند) دشمنی و منازعه خواهد بود. در آینده شخصی از ذریت زن سر شیطان را خواهد کوبید و شیطان نیز پاشنه وی را خواهد کوبید و به او بسیار آزار خواهد رسانید.
بنابراین خدا دوستی مخرب بین شیطان و مردم اولیه را به دشمنی تبدیل کرد. خدا ابتدا در مورد منازعه دائمی بین ذریت شیطان و ذریت زن و بعد در مورد پیروزی نهایی سخن گفت.
در پرتو مکاشفه عهدجدید، متوجه می‌شویم که این منازعه بین ابلیس و عیسی مسیح می‌باشد. عیسی باید ابتدا توسط قوم خود و پس از آن بر روی صلیب عذاب می‌کشید. عیسی مسیح در زمان آمدن خود بر روی زمین، قدرت شیطان را در هم کوبید.

ب - <u>تاریخ عهدعتیق بیانگر منازعه‌ای است که هدفش ممانعت از تحقق وعده خدا می‌باشد.</u>

۱- <u>منازعه‌ای که از زمان آدم شروع شد و تا زمان نوح ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.</u>

الف) <u>خدا نخستین وعده نجات را به اولین مرد و زن داد (مکاشفه ۳: ۱۵).</u> در ابتدا آنها تنها دو فرزند به نامهای قائن و هابیل داشتند. قائن نسبت به هابیل حسادت ورزیده، خشمگین شد و او را کشت (مکاشفه ۴: ۱- ۸). اینطور به‌نظر می رسد که شیطان می‌خواست ذریت زن را از بین ببرد تا بدین ترتیب وعده خدا در مورد نجات به تحقق نرسد. اما خدا به آدم و حوا پسران و

دختران دیگری را نیز عطا کرد (مکاشفه ۵: ۱-۵). سومین پسر آدم و حوا به نام شیث، مقدر شد تا حامل وعده نجات خدا باشد (پیدایش ۵: ۶-۳۲). نسل بشر به رشد و گسترش خود ادامه می داد. بنابراین انجام وعده خدا از طریق شخصی که می‌بایست در نسل بشری به دنیا بیاید، امری قابل اجرا به‌نظر می رسید.

ب) پس از سالهای زیاد، مردمان زیادی بر روی زمین می‌زیستند. شناخت خدای زنده که آدم و حوا آن را به نسلهای خود انتقال داده بودند، به اندازه ای مبهم شده بود که بشر خود را وقف زندگی کاملاً فاسدی کرد. "پسران خدا" که از ذریت شیث بودند، افرادی بودند که از خدا پیروی می‌کردند. ولی "دختران انسانها" که از ذریت قائن بودند، افرادی بودند که تنها از انسانهای دیگر پیروی می‌کردند. ایمانداران به خدا شروع به ازدواج با غیرایمانداران کردند (پیدایش ۶: ۱-۴؛ تثنیه ۷: ۱-۴؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۴). در نتیجه، شرارت انسان در زمین بسیار شد (پیدایش ۶: ۵-۷، ۱۱-۱۳). خدا بر آن شد تا تمامی بشر را از طریق طوفان هلاك سازد. باز چنین به‌نظر می‌رسید که شیطان بدین طریق پیروز شده و باعث از بین رفتن تمام بشر به همراه وعده نجاتی که به آنها داده شده بود، خواهد شد.
در آن زمان شخصی بر روی زمین بود که ترس خدا را در دل داشت. نوح شخص عادل و درستکاری در میان مردم‌زمان خود بود. و او با خدا راه می‌رفت (پیدایش ۶: ۸- ۹). خدا نوح و خانواده‌اش را از هلاکت طوفان نجات داد (پیدایش ۶: ۱۴- ۸: ۲۲). نسل بشری به رشد و گسترش خود ادامه داد و بدین گونه تحقق وعده نجات خدا توسط شخصی که می‌بایست در يك نسل بشری به دنیا بیاید، کماکان امری واقعی بود.

۲- **منازعه ای که از زمان آدم شروع شده تا زمان یهودا ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.**

الف) در قرن بیست و يك قبل از میلاد، خدا وعده‌ای در رابطه با آمدن نجات‌دهنده به ابراهیم (ابرام) و سارا (ساره) داد. خدا وعده داد که ذریت آنها به اندازه ستارگان آسمان و شنهای دریا بی‌شمار خواهد بود. خدا گفت: "از ذریت تو تمام قبایل زمین برکت خواهند یافت" (پیدایش ۱۱: ۲۶- ۳۲؛ ۱۲: ۱- ۳؛ ۱۵: ۵؛ ۲۲: ۱۷- ۱۸). از دیدگاه انسانی این وعده نمی‌توانست به تحقق برسد، زیرا بدن ابراهیم و سارا فرسوده شده بود و سارا هم نازا بود. باز اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان در این مورد پیروز می‌شود. ولی زمانی که ابراهیم ۱۰۰ ساله بود، خدا به‌طرز معجزه‌آسایی به او و سارا پسری به نام اسحاق بخشید (پیدایش ۲۱: ۱- ۷). سلسله وعده نجات خدا باز ادامه یافت.

ب) وعده مربوط به آمدن نجات‌دهنده به اسحاق داده شد (پیدایش ۱۹: ۱۷؛ ۲۶: ۴)، ولی همسر او ربکا نیز نازا بود (پیدایش ۲۵: ۲۱). باز اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان پیروز می‌شود. ولی اسحاق در حضور خدا دعا کرد و خدا به او دو فرزند به نامهای عیسو و یعقوب بخشید.

پ) وعده مربوط به نجات‌دهنده موعود به یعقوب داده شد (پیدایش ۲۸: ۱۳-۱۴)، ولی برادرش عیسو می‌خواست او را بکشد، زیرا یعقوب حق نخست‌زادگی را از او گرفته بود (پیدایش ۲۷: ۴۱). باز اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان از طریق ممانعت از تحقق وعده خدا پیروز می‌شود. ولی خدا به یعقوب وعده داد که در هر جایی که برود از او محافظت خواهد کرد (پیدایش ۲۸: ۱۵). یعقوب کشته نشد و سلسله وعده نجات خدا باز ادامه یافت.

ت) وعده مربوط به نجات‌دهنده موعود، به یهودا پسر یعقوب داده شد. طبق این وعده، سلطنت از قبیله یهودا دور نخواهد شد. منجی موعود، پادشاه خواهد بود و تمامی قبایل روی زمین روزی از او اطاعت خواهند کرد (پیدایش ۴۹: ۱۰).

۳- **منازعه‌ای که از زمان یهودا شروع شد و تا زمان موسی ادامه یافت ، بخشی از منازعه میان شیطان و عیسی بود.**

الف) بین قرنهای پانزده و یازده قبل از میلاد، وعده مربوط به نجات‌دهنده موعود از طریق نسل یهودا گسترش یافت. شیطان به دلیل اینکه نتوانست پاتریارخها یعنی ابراهیم، اسحاق و یعقوب را از بین ببرد، دشمنی خود را معطوف به بنی‌اسرائیل که از ذریت یعقوب بودند کرد.
در سرزمین مصر بنی‌اسرائیل ملتی بزرگ شدند. در کتاب خروج می‌خوانیم که چگونه پادشاه مصر فرمان کشتن تمام فرزندان ذکور اسرائیلی را صادر کرد (خروج ۱: ۷-۲۲). باز اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان در نابودی "ذریت زن" موفق شده است. ولی خدا موسی را در قصر پادشاهِ مصر محافظت کرد و بعد او را فراخواند تا قوم اسرائیل را در خروجشان از مصر و رفتنشان به سرزمین موعود رهبری کند (خروج ۳: ۱-۱۲).

ب) در طول سفر در بیابان بسوی سرزمین موعود، بنی‌اسرائیل دائماً به سمت بت‌پرستی گرایش پیدا می کردند. آنها گوساله‌ای طلایی ساختند و به پرستش آن پرداختند (خروج ۳۲: ۱-۶). خدا از این امر به خشم آمده، بر آن شد تا تمامی قوم اسرائیل را بجز موسی نابود سازد (خروج ۳۲: ۱۰). باز اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان در نابودی "ذریت زن" موفق می‌شود. ولی موسی در حضور خدا شفاعت کرد و برای بنی‌اسرائیل طلب رحمت نمود. و خدا دعای او را شنید. موسی در این چارچوب

"نمونه" ای از عیسی مسیح به‌عنوان بزرگترین شفیع می‌باشد، که نه تنها برای ما دعا می‌کند بلکه جان خود را برای ما فدا ساخت (عبرانیان ۷: ۲۵-۲۸).

۴- منازعه‌ای که از زمان موسی شروع شد و تا زمان داود ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.

در طول قرن یازده قبل از میلاد، وعده مربوط به نجات‌دهنده و پادشاه موعود به داود پادشاه داده شده بود. داود از قبیله یهودا بود. در اول تواریخ ۱۷: ۱۱-۱۴ خدا وعده استقرار پادشاهی یکی از پسران داود را داد. این پادشاه آینده قرار بود "خانه ای برای خداوند" بسازد (دوم قرنتیان ۶: ۱۶؛ افسسیان ۲: ۲۰-۲۲؛ اول پطرس ۲: ۴-۶، ۹-۱۰). خدا وعده داده بود که تخت پادشاهی‌اش را تا ابد استوار خواهد ساخت (اشعیا ۹: ۶؛ متی ۱۲ :۲۸؛ مکاشفه ۱۷: ۱۴؛ ۱۹: ۱۶). "خدا پدر او و او پسر خدا خواهد بود" (دوم سموئیل ۷: ۱۴؛ مزمور ۲: ۷؛ عبرانیان ۱: ۵). در ارمیا ۲۳: ۵ می‌خوانیم، "اینك ایامی می‌آید که شاخه ای عادل برای داود برپا می‌کنم و پادشاهی سلطنت نموده، به فطانت رفتار خواهد کرد و انصاف و عدالت را بر زمین مجرا خواهد داشت". به دلیل این وعده‌هایی که خدا به داود داده بود، شیطان در صدد نابودی او بود. دو بار شائول پادشاه سعی کرد داود را با نیزه‌اش از بین ببرد ولی موفق نشد (اول سموئیل ۱۸: ۱۰-۱۱). پس از آن پسر داود، ابشالوم، به همراه گروهی بزرگ از میان ملت اسرائیل سعی کردند داود را از بین ببرند ولی آنان نیز موفق نشدند (دوم سموئیل ۱۵: ۱-۱۹: ۴۳). داود به‌دست آنان کشته نشد.

۵- منازعه‌ای که از زمان داود آغاز شد و تا زمان آحاز ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.

الف) در طول قرن ده قبل از میلاد، وعده مربوط به نجات‌دهنده و پادشاه موعود، بوسیله پادشاهان حکومت جنوبی یهودا گسترش یافت. بارها پادشاهان حکومت شمالی اسرائیل (نه قبیله و نیم) وارد جنگ با حکومت جنوبی یهودا (دو قبیله و نیم) شدند. بارها اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان در نابودی "نسل زن" موفق می شود. ولی کتاب‌مقدس به ما تعلیم می‌دهد که هیچ کس نتوانست مانع انجام نقشه خدا شود. عتلیا، که دختر شرور اخاب، پادشاه حکومت شمالی اسرائیل و مادر اخزیا، پادشاهِ متوفی بود (دوم پادشاهان ۸: ۱۸، ۲۶-۲۷)، تصمیم گرفت که تمام اعضای خاندان سلطنتی داود پادشاه را هلاك سازد، زیرا می‌خواست تمامی قدرت را در دست داشته باشد. او تمام پسران پادشاه را کشت. اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان در نهایت موفق شده بود که سلسله وعده نجات خدا را قطع کرده، "نسل زن " را نابود کند. ولی بار دیگر خدا اجازه نداد که شیطان در این امر پیروز شود. یهوشبع، نوه اخاب پادشاه، یکی از پسران پادشاه را از میان دیگر پسران دزدیده و به مدت ۶ سال این شاهزاده را که نامش یوآش بود، در خانه خدا پنهان کرد، تا اینکه او پادشاه شد و عتلیا کشته شد (دوم پادشاهان ۱۱: ۱-۲۱). اگر عتلیا موفق به کشتار تمام نسل داود پادشاه شده بود، شیطان پیروز می‌شد و نجات‌دهنده موعود به دنیا نمی‌آمد.

ب) بعدها حکومت شمالی اسرائیل و حکومت ارام (مردم سوریه) نقشه‌ای جهت نابودی حکومت جنوبی یهودا کشیدند (دوم پادشاهان ۱۶: ۵). اینگونه به‌نظر می‌رسید که ملل اطراف، قوم خدا را (مردمی که به خدا ایمان داشتند) از بین می‌برند و شیطان به این طریق پیروز می‌شود. ولی اشعیای نبی به آحاز پادشاه گفت: "خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینك باکره حامله شده پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند" (اشعیا ۷: ۱-۱۴). خدا وعده داد که علیرغم شرایط سخت تاریخ، هیچ چیزی نمی‌تواند مانع از آمدن نجات‌دهنده موعود به این دنیا شود. نجات دهنده موعود، "عمانوئیل" نامیده می‌شود که به مفهوم "خدا با ما" می‌باشد. ملل اسرائیل و ارام موفق به هلاکت یهودا نشدند. بنابراین شیطان بار دیگر شکست خورد. کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که هیچ ملت شروری و هیچ رهبری از هیچ ملتی نمی‌توانند مانع از پیاده شدن نقشه خدا شوند.

۶- منازعه‌ای که از زمان آحاز شروع شد و تا زمان استر ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.

در طول قرن پنجم قبل از میلاد، یهودیان (نسل حکومت جنوبی یهودا) در هر نقطه‌ای از امپراطوری پارسها زندگی می‌کردند. هامان شریر از یهودیان متنفر بود (استر ۳: ۵-۶) و خشایارشا (اخشورش پادشاه) را وادار کرده بود که حکمی مبنی بر هلاکت تمام یهودیان در آن امپراطوری صادر کند (استر ۳: ۸- ۱۰). این نامه‌ها بوسیله قاصدان به تمام استانهای امپراطوری فرستاده شد که به‌موجب آن، تمام یهودیان می‌بایست در روز سیزدهم ماه دوازدهم که ماه آذار باشد قتل عام شوند و دارایی آنها به غنیمت گرفته شود (استر ۳: ۱۳-۱۴). اگر هامان در انجام این نقشه موفق می‌شد، شیطان پیروز می‌شد و مانع انجام نقشه نجات‌بخش خدا می‌گردید. استر، ملکه یهودی، خشایارشا (اخشورش پادشاه) را از این توطئه مطلع ساخت. و در نتیجه، پادشاه، هامان را به دار آویخت و حکم دیگری صادر کرد که بر اساس آن به تمام یهودیان امپراطوری‌اش، اجازه داده می‌شد که برای دفاع از خود و خانواده‌هایشان متحد شوند و تمام بدخواهان خود را از هر قوم و ملتی که باشند هلاك سازند (استر ۸: ۷-۱۱). خدا مانع از این بلای بزرگ شد و شیطان نتوانست در این مورد پیروز شود و پیروز نشد.

۷- منازعه‌ای که از زمان استر شروع شد و تا بیت‌لحم ادامه یافت، بخشی از منازعه بین شیطان و مسیح بود.

الف) در منازعه‌ای که بین شیطان و مسیح در طول قرون وجود داشته است، عیسی مسیح پیروزی را به دست آورده است. منازعه بین شیطان و مسیح در طول دوران عهد عتیق، در مکاشفه ۱۲: ۱-۵ توصیف شده است. "اژدها پیش آن زن که می زایید ایستاد تا چون بزاید فرزندش را ببلعد. پس پسر نرینه‌ای را زایید که همه امتهای زمین را به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد؛ و فرزندش به نزد خدا و تخت او ربوده شد." در واقع "زن"، نماد قوم خدا در زمان عهدعتیق می‌باشد. نجات‌دهنده موعود باید در میان آنها به دنیا می‌آمد (یوحنا ۴: ۲۲). "اژدها"، نماد شیطان می باشد. و "پسر نرینه"، نماد مسیحای موعود که عیسی مسیح است، می‌باشد. در طول تاریخ عهدعتیق، شیطان سعی کرده بود که مانع از تولد نجات‌دهنده موعود شود. با وجود این، نقشه نجات‌بخش خدا با شکست مواجه نشده و نخواهد شد (اشعیا ۱۴: ۲۴، ۲۷).

ب) وقتی که زمان مناسب برای تولد نجات‌دهنده موعود در بیت‌لحم، فرا رسید (میکا ۵: ۲)، شیطان تلاش نهایی خود را جهت ممانعت از وقوع این امر به‌عمل آورد. هیرودیس پادشاه که پادشاه شرور که دست‌نشانده رومیها بود، وقتی که خبر به دنیا آمدن پادشاه و نجات‌دهنده موعود را از زبان مجوسیانی که از شرق آمده بودند، شنید، ترسان شد. او فکر می‌کرد که این منجی موعود تهدیدی برای حکومت زمینی او خواهد بود، به همین دلیل دستور قتل عام تمام فرزندان ذکور پایینتر از ۲ سال در بیت‌لحم را صادر کرد (متی ۲: ۱-۱۸).
باز اینگونه به‌نظر می‌رسید که شیطان پیروز می‌شود. ولی نقشه ابدی خدا باطل نشده و نخواهد شد. در شب، فرشته خداوند به یوسف ظاهر شده از او خواست تا برخاسته، طفل و مادرش را بردارد و به مصر فرار کند. ایشان تا زمان مرگ هیرودیس در مصر ماندند.

پ) هنگامی که مسیح خدمت خود را بر روی زمین شروع کرد، شیطان از طریق وسوسه‌های سخت، بار دیگر تلاش کرد تا او را تحت تسلط خود درآورد. در ابتدا شیطان عیسی را وسوسه کرد به اینکه به خدا اعتماد نکند و خود مختار و مستقل از او باشد. او تلاش کرد که اعتماد عیسی را به خدای پدر در زمینه تأمین نیازهای او از میان ببرد (متی ۴: ۱-۴). پس از آن او را وسوسه کرد به اینکه اعتمادی دروغین به خدا داشته باشد و به وعده‌ای در کتاب‌مقدس ایمان داشته باشد که آن را کاملاً خارج از چارچوب واقعی خود در کلام، بیان کرده بود. شیطان تلاش کرد با نقل قول از کلام خودِ خدا خارج از چارچوب درستش، عیسی را متقاعد کند (متی ۴: ۵-۷). و در نهایت، شیطان عیسی را وسوسه کرد به اینکه حاکم بر تمامی ممالك روی زمین بشود بدون اینکه راه سخت صلیب را طی کند. او سعی کرد که عیسی را در رابطه با امور مادی مورد وسوسه قرار دهد تا بدین ترتیب عیسی خود را تحت کنترل و حاکمیت او قرار دهد (متی ۴: ۸-۱۱). عیسی مسیح بر هر نوع وسوسه‌ای غلبه یافت و ذات واقعی شیطان را به عنوان یك دروغگو افشا کرد (یوحنا ۸: ۴۴).

ت) عیسی مسیح در طول خدمت نجات‌بخش خود بر روی زمین، دیوها (فرشتگان سقوط کرده شیطان) را از میان مردم اخراج کرد و بدین طریق حاکمیت (پادشاهی) خدا را بر روی زمین مستقر کرد (متی ۱۲: ۲۸). عیسی مسیح به این دنیا آمده بود تا اعمال شیطان را باطل سازد (اول یوحنا ۳: ۸). عیسی مسیح توسط مرگش، شیطان و نیروهای شریر او را خلع سلاح کرده، بر آنها پیروز شد (کولسیان ۲: ۱۵). و توسط قیام، صعود و نشستن بر تخت سلطنتش در آسمان، شیطان را از مقامی که با تکبر به‌عنوان رئیس این جهان داشت بیرون افکند. از آن زمان به بعد، عیسی مسیح همه مردم را از تمام دنیا به سوی خود می‌کشد (یوحنا ۱۲: ۳۱-۳۲).
از طریق موعظه پیغام انجیل، مردم از حاکمیت شیطان به ملکوت عیسی‌مسیح منتقل می‌شوند (کولسیان ۱: ۱۳). بدین طریق وعده‌ای که خدا در پیدایش ۳: ۱۵ داده بود به تحقق می‌رسد. عیسی مسیح، که "از نسل زن" و "از نسل ابراهیم" بود (پیدایش ۲۲: ۱۸)، سر مار را کوبید. او از زمان آمدنش بر روی زمین، بر تمامی ریاسات و قدرتهای روی زمین سلطنت کرده است (افسسیان ۱: ۲۰-۲۲). از زمان آمدن عیسی مسیح به زمین، هیچ کس نتوانسته است مانع از عمل او در دعوت مردم تمامی ملل به سمت خود، بشود.

پ - انبیای عهدعتیق در رابطه با آمدن نجات‌دهنده نبوتهای زیادی کردند.

نبوت‌های عهدعتیق در رابطه با آمدن نجات‌دهنده، قدیمی‌ترین نبوتهایی در جهان بوده‌اند که به طور واقعی به تحقق رسیده‌اند. انبیا نبوت کردند که نجات‌دهنده موعود بزرگترین نبی، کاهن اعظم و پادشاه خواهد بود.

۱- **درست در ابتدای تاریخ بشر،** خدا نبوت کرد که نجات‌دهنده موعود سر شیطان را خواهد کوبید (پیدایش ۳: ۱۵).

۲- **بیش از ۲۱۰۰ سال قبل از میلاد،** خدا به ابراهیم وعده داد که نجات‌دهنده موعود "از نسل ابراهیم" خواهد بود و او تمامی امت‌های زمین را برکت خواهد داد (پیدایش ۱۲: ۳؛ ۲۲: ۱۸؛ غلاطیان ۳: ۱۶).

۳- **بیش از ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد،** موسی نبی نبوت کرد که نجات‌دهنده موعود بزرگترین نبی‌ای خواهد بود که تا به حال زیسته است. او کلام خدا را بیان خواهد کرد و خدا اطاعت از او را از تمام مردم مطالبه خواهد کرد (تثنیه ۱۸: ۱۵-۱۸).
۴- **بیش از ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد،** داود نبوت کرد که نجات‌دهنده موعود بزرگترین کاهنی خواهد بود که تا به حال زیسته است (مزمور ۱۱۰: ۴). اگرچه مردم او را تحقیر کرده، مصلوبش خواهند کرد و رخت او را میان خود تقسیم کرده، بر لباس او قرعه خواهند انداخت (مزمور ۲۲: ۱-۱۸)، او با مرگ خود کفاره گناهان آنها خواهد شد (اشعیا ۵۳: ۶، ۱۰).

۵- **بیش از ۷۰۰ سال قبل از میلاد،** میکای نبی نبوت کرد که نجات‌دهنده موعود در شهر بیت لحم به دنیا خواهد آمد (میکا ۵: ۲). و اشعیای نبی نبوت کرد که او "خدا با ما" نامیده خواهد شد (اشعیا ۷: ۱۴). او به‌خاطر تقصیرات مردم مصلوب می‌شود و آنها را عادل خواهد گردانید (اشعیا ۵۳: ۵، ۱۱). اشعیای نبی همچنین نبوت کرد که نجات‌دهنده موعود بزرگترین پادشاهی خواهد بود که تا به حال زیست کرده است. او با خدای پدر که خدای ابدی است، یك خواهد بود و پایه حکومتش را بر عدل و انصاف استوار خواهد ساخت و پادشاهی او را انتهایی نخواهد بود (اشعیا ۹: ۶-۷).

۶- **بیش از ۴۰۰ سال قبل از میلاد،** ملاکی نبی نبوت کرد که شخصی راه را برای نجات‌دهنده موعود آماده خواهد کرد (ملاکی ۳: ۱، ۴: ۵-۶). که منظور، یحیی تعمیددهنده است (متی ۱۱: ۱۱-۱۴؛ ۱۷: ۱۰-۱۳).

ت - وقایع مربوط به تولد عیسی مسیح

۱- جسم یافتن او: خدای ابدی در عیسی مسیح مجسم می شود.

حیات عیسی مسیح از زمان تولدش در بیت‌لحم شروع نشد. او از ابتدا با خدا بود و او خود خدا بود. او به‌گونه‌ای ابدی دارای طبیعتی الهی بوده است (یوحنا ۱: ۱-۵، ۱۴-۱۸). وقتی که زمان مناسب فرا رسید، عیسی مسیح طبیعت انسانی را در کنار طبیعت الهی‌اش بر خود گرفت و بر روی زمین بین انسانها متولد شد. پس از آن عیسی مسیح نه تنها دارای طبیعت الهی بود، بلکه طبیعتی انسانی نیز داشت. او خدای کامل و انسان کامل بود (غلاطیان ۴: ۴، فیلیپیان ۲: ۵-۸ ؛ کولسیان ۲: ۹). زمانی که او بر روی زمین بود، مردم شاهد رشد او بودند (لوقا ۲: ۵۲). آنها او را لمس کردند، شاهد معجزات و زندگی عاری از گناه او بودند، تعالیم او را شنیدند و نجات او را تجربه کردند (اول یوحنا ۱: ۱-۳).

۲- اعلام خبر به زکریا

قبل از تولد عیسی مسیح، فرشته‌ای به زکریا ظاهر شد و به او اعلام کرد که در سن پیری صاحب پسری خواهد شد. پسر او پیشرو برای نجات‌دهنده موعود خواهد بود. زکریا به کلام خدا شك کرد و به همین دلیل خدا به او علامتی داد و آن این بود که تا زمان تحقق کلام خدا، او قادر به سخن گفتن نخواهد بود (لوقا ۱: ۵-۲۵، ۵۷-۷۹). پس از تحقق کلام خدا، زکریا قادر به تکلم شد و با بیان این حقیقت که نجات‌دهنده موعود کسی خواهد بود که توسط او، خدا عهد خود را با ابراهیم به تحقق خواهد رسانید، به حمد و پرستش خدا پرداخت (آیات ۷۲-۷۳). عهد فیض خدا که ما لایق آن نبودیم، برای تمامی ملل دنیا توسط عیسی‌مسیح به حقیقت خواهد پیوست.

۳- اعلام خبر به مریم

قبل از تولد عیسی مسیح، جبرائیل فرشته به مریم ظاهر شد و به او اعلام کرد که خدا به طور خاص او را مورد التفات خود قرار داده است (لوقا ۱: ۲۶-۵۶). او مقرر شده بود که از نقطه نظر طبیعت انسانی عیسی، مادر او باشد. او توسط قدرت مافوق طبیعی روح‌القدس حامله گشت و آن مولود مقدس پسر خدا نامیده شد (آیه ۳۵). عیسی مسیح توسط تولدش خدا نشد. بلکه خدای ابدی توسط تولدش، طبیعت انسانی بر خود گرفت. عیسی همواره خدا بوده است و در زمان مناسب، در کنار طبیعت الهی‌اش، طبیعت انسانی را نیز بر خود گرفت. اگر چه چنین اتفاقی هیچوقت در تاریخ بشر به وقوع نپیوسته بود، فرشته اعلام کرد که هیچ امری نزد خدا محال نیست (آیه ۳۷). مریم بر خلاف زکریا، به کلام خدا شك نکرد، بلکه زندگی خود را وقف نقشه و اراده او کرد.

۴- اعلام خبر به یوسف

قبل از تولد عیسی مسیح، فرشته‌ای در خواب به یوسف ظاهر شد و به او اعلام کرد که زنی که با او نامزد بود (در آن زمان به این مفهوم بود که از نظر شریعت با او ازدواج کرده بود)، با قدرت روح خدا حامله خواهد شد. یوسف باید او را "عیسی" می‌نامید که به مفهوم "نجات‌دهنده" می‌باشد. او قوم خود را در تمامی دنیا از گناهانشان نجات خواهد داد. یوسف شوهر بسیار وقف شده‌ای بود. او به کلام خدا ایمان آورده، مریم را ترك نکرد و تا زمان به دنیا آمدن عیسی با او رابطه جنسی نداشت (متی

۱: ۸-۲۵). یوسف و مریم به منظور اسم نویسی طبق حکم امپراطور روم، از ناصره به بیت‌لحم رفتند و زمانی که در بیت‌لحم بودند عیسی متولد شد (لوقا ۲: ۱-۷).

۵- اعلام خبر به شبانان

پس از تولد عیسی مسیح، فرشته‌ای به شبانان ظاهر شد و به آنها اعلام کرد که منجی موعود در بیت‌لحم به دنیا آمده است و او همان مسیحای موعود می‌باشد. پس از آن گروه کثیری از فرشتگان ظاهر شده، در ستایش خدا می‌سراییدند و می گفتند که خدا بین تمام افراد روی زمین که او را خشنود می‌سازند و فیض او را می‌پذیرند آرامش و صلح را برقرار می‌سازد. پس از ملاقات شبانان با عیسی، آنها ماجرا را به گوش دیگران رساندند. عیسی را هشت روز پس از تولدش ختنه کردند (لوقا ۲: ۸-۲۴)، زیرا او "زیر شریعت" متولد شده بود (غلاطیان ۴: ۴).

۶- اعلام خبر به شمعون

مدتی پس از تولد عیسی، یوسف و مریم او را جهت تقدیم به خدا، به معبد اورشلیم بردند (لاویان ۱۲: ۱-۸؛ خروج ۱۳: ۲، ۱۲، ۱۵). روح القدس برای شمعون این حقیقت را آشکار ساخته بود که تا مسیح موعود را نبیند چشم از جهان فرو نخواهد بست. هنگامی که او عیسی را در معبد دید، در مورد او نبوت کرد که این عیسای نوزاد، آن نوری خواهد بود که بر امتها تابیده، جلال خدا را بر آنها و بر قوم بنی اسرائیل آشکار خواهد ساخت. او همچنین نبوت کرد که عیسی بی ایمانان را از ایمانداران در اسرائیل جدا خواهد کرد. مردم به دو قسمت تقسیم می شوند. برخی از آنها در مورد عیسی مسیح و برخی دیگر هم بر علیه او سخن خواهند گفت. عیسی مسیح اسرار قلبهای انسانها را آشکار خواهد ساخت (لوقا ۲: ۲۵-۳۵).

۷- اعلام خبر به مجوسیانی از مشرق زمین

یوسف، مریم و عیسی در آن زمان در خانه‌ای در بیت‌لحم زندگی میکردند. خدا از ستاره‌ای جهت راهنمایی برخی از مجوسیانی که از شرق بودند، استفاده کرد تا آنها را به سمت محل تولد پادشاه و منجی موعود جهان هدایت کند. این مجوسیان احتمالاً با نبوتهای عهدعتیق آشنایی داشتند و آنها را زمانی که یهودیان در تبعید در شرق (در بابل و امپراطوری پارس) به سر می بردند شنیده بودند. آنها پس از دیدن عیسی، هدایای گرانبهای خود را به او تقدیم کرده او را پرستش کردند. این گروه جزو اولین افرادی بودند که در حضور عیسی زانو زدند. پس از اینکه خدا به آنها در خواب هشدار داد که هیرودیس، پادشاه شرور را در رابطه با این واقعه مطلع نکنند، آنها از راه دیگری به وطن خود در شرق بازگشتند. هیرودیس پادشاه، و تمامی مردم اورشلیم در مورد خبر تولد پادشاه موعود بسیار ناراحت بودند. بسیاری از ایشان به‌جای پرستش او، در صدد نابودی او بودند (متی ۲: ۱-۱۲).

۸- فرار به مصر و بازگشت به اسرائیل

وقتی که مجوسیان مشرق‌زمین مکان تولد پادشاه موعود را به هیرودیس پادشاه اطلاع ندادند، او تصمیم گرفت از طریق کشتن تمام کودکان پایینتر از دو سال در بیت‌لحم، عیسی را نیز بکشد. در آن زمان فرشته‌ای به یوسف ظاهر شده، به او هشدار داد که خانواده‌اش را برداشته، به مصر فرار کند. پس از مرگ هیرودیس پادشاه، فرشته‌ای دیگر باز به یوسف ظاهر شد و از او خواست که به همراه خانواده‌اش به سرزمین اسرائیل روانه شود. آنها به ناصره جلیل مراجعت کردند، زیرا از پادشاه جدید که پسر هیرودیس بود و در اورشلیم، در نزدیکی بیت‌لحم (در یهودیه) فرمانروایی می‌کرد، ترسان بودند. بنابراین عیسی در ناصره جلیل بزرگ شد (متی ۲: ۱۳-۲۳).

ث - اهمیت تولد عیسی مسیح

۱- عیسی مسیح به این جهان آمد تا مردم توبه‌کار را از گناهانشان نجات دهد.

یوحنا ۳: ۱۶ می‌فرماید، "زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاك نگردد بلکه حیات جاودانی یابد." و اول یوحنا ۴: ۱۰ می فرماید: "و محبت در همین است، نه آنکه ما خدا را محبت نمودیم، بلکه اینکه او ما را محبت نمود و پسر خود را فرستاد تا کفاره گناهان ما بشود."
عید میلاد مسیح (کریسمس)، جشن محبت خداست. خدا در محبت عظیمش، بزرگترین هدیه خود را که عیسی مسیح است به جهان بخشید. کلمه "جهان" در یوحنا ۳: ۱۶، به مفهوم "جهانی است که انسانها در آن زندگی می کنند که دور از خدا، غرق در گناه، در معرض داوری و نیازمند نجات می‌باشد". این "جهانی است که در آن از هر نژاد و ملتی وجود دارند". از طرف دیگر، "جهانی است که هنوز تحت حمایت و مراقبت خدا می‌باشد". خدا عیسی مسیح را به جهان فرستاد تا مردم را نجات دهد. هر که به او ایمان آورد قطعاً هلاك نخواهد گشت بلکه حیات جاودانی خواهد داشت.

۲ - <u>عیسی مسیح به این جهان آمد تا مردمی را که توبه نمی کنند داوری کند.</u>

لوقا ۲: ۳۴-۳۵ می فرماید، "اینك این طفل قرار داده شد برای افتادن و برخاستن بسیاری از آل اسرائیل و برای آیتی که به خلاف آن خواهند گفت".
عید میلاد مسیح (کریسمس)، جشن جدایی مردم از یکدیگر می‌باشد. عیسی مسیح باعث برخاستن عده‌ای و افتادن برخی دیگر خواهد شد. بنابراین تمام مردم باید انتخاب کنند که آیا با عیسی مسیح هستند یا بر علیه او. بر طبق اول پطرس ۲: ۶-۸، عیسی مسیح برای بسیاری از مردم یك سنگ زاویه خواهد بود. افرادی که به او ایمان آورند، هرگز خجل نخواهند شد. برای برخی دیگر از مردم او سنگ لغزش خواهد بود. افرادی که از او نااطاعتی کنند قطعاً لغزش خورده، خواهند افتاد. هیچکس نمی‌تواند در رابطه با آمدن عیسی مسیح به این جهان موضعی خنثی داشته باشد. هیچکس نمی‌تواند در رابطه با پیام میلاد مسیح حالتی بی تفاوت داشته باشد.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - <u>تعهد</u> - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - <u>برای یك فرد یا گروه</u>، موضوع " میلاد مسیح (کریسمس) - جشنی که یادآور تولد مسیح می باشد " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - <u>رازگاهان</u> - هر روز نیمی از یك فصل از مرقس ۴: ۲۰-۷: ۳۷ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - <u>حفظ کردن</u> - آیه حفظی جدید (پاکی: اول پطرس ۲: ۱۱) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - <u>بررسی کتاب‌مقدس</u> - انجیل یوحنا را مطالعه کنید. در درس بعدی انجیل یوحنا معرفی خواهد شد.
۶ - <u>دعا</u> - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۷ - <u>آموخته های جدید</u> مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۲

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **مرقس**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (مرقس ۴: ۲۰- ۷: ۳۷) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: شخصیت مسیحی**

مرور: دو نفری مرور کنید. پاکی: اول پطرس ۲: ۱۱

۴	**بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه)** **مقدمه‌ای بر انجیل یوحنا**

این قسمت بررسی کتاب‌مقدس را مطالعه کرده، در مورد آن با یکدیگر گفتگو کنید.
آیات مطرح شده در این درس از انجیل یوحنا می باشند مگر اینکه به محل دیگری اشاره شده باشد.

الف - نویسنده انجیل یوحنا

عامل اصلی در نگارش انجیل یوحنا، خدای روح‌القدس می‌باشد (دوم تیموتاؤس ۳: ۱۶؛ دوم پطرس ۱: ۲۰- ۲۱) و نویسنده آن یوحنا می‌باشد.

۱- نویسنده یك یهودی بود.

الف) او با نقشه اسرائیل آشنایی داشت. به‌عنوان مثال او مکان‌هایی مانند قانا، کفرناحوم، و بیت صیدا در جلیل، عینون نزدیك سالیم (۳: ۲۳)، دهکده افرایم (۱۱: ۵۴) و مخصوصاً اورشلیم را می‌شناخت. او همچنین می‌دانست که "بیت عنیا در آن طرف رود اردن" (۱: ۲۸)، از بیت‌عنیایی که تنها دو مایل از اورشلیم فاصله دارد (۱۱: ۱۸)، متفاوت می‌باشد.

ب) او از موقعیت سیاسی حاکم در اسرائیل در آن زمان، آگاهی داشت. به‌عنوان مثال، او می‌دانست که بسیاری از یهودیان در میان ملل بت‌پرست زندگی می‌کنند (۱۱: ۵۲)، و اینکه "یهودیان با سامریها معاشرت نداشتند" (۴: ۹) و رومیان بر یهودیان حاکمیت داشتند (۱۱: ۴۸). او همچنین می‌دانست که سنهدرین یهود هیچ نوع قدرت سیاسی جهت محکوم کردن یك فرد به مرگ را نداشت و چنین تصمیمی را حاکم رومی می‌بایست اتخاذ کند (۱۸: ۲۸، ۳۱).

پ) او به‌طور کامل با عهدعتیق به زبانهای عبری و یونانی آشنایی داشت، زیرا از هر دو زبان در نقل قولهای خود استفاده می‌کند.

ت) او به اعتقادات یهودیان و سامریان اشاره می‌کند، به‌عنوان مثال: "نجات از یهود است" (۴: ۲۲) و "یهودیان در کوه جرزیم و نه در اورشلیم خدا را عبادت می‌کنند" (۴: ۲۰).

ث) او در مورد اعیاد مذهبی یهود آگاهی داشت، به‌عنوان مثال: "روز تهیه" (۱۹: ۳۱)، "عید فصح"، "عید خیمه ها" (۷: ۲) و "عید تجدید" (۱۰: ۲۲).

ج) او رسوم یهود را به‌گونه‌ای طبیعی معرفی و تشریح می‌کند. به‌عنوان مثال در جشنهای عروسی آن زمان بر طبق رسم یهود، ابتدا شراب خوب را به میهمانان می‌دادند و بعد شراب بد و کم ارزش را (۲: ۱۰). یا بر اساس رسم یهود، شخص مرده را در پارچه‌ای کتانی می‌پیچیدند، و در لابلای آن مواد خوشبو قرار داده، پارچه‌ای به دور سر او می‌بستند، و او را در غار یا مقبره‌ای گذاشته، سنگی بزرگ در قسمت ورودی مقبره قرار می‌دادند (۱۱: ۳۸، ۴۴؛ ۱۹: ۴۰).

۲- نویسنده یك شاهد عینی بود.

نویسنده، اعمال عیسی را با چشمان خود دیده بود. او از زمان وقوع اتفاقات آگاه بود، و در بسیاری مواقع ساعات دقیق آن را نیز قید کرده است. با توجه به این که او انجیل خود را در اواخر قرن اول خطاب به یهودیان نوشت، به احتمال زیاد از روش محاسبه زمانی رومیان استفاده کرده است، به این معنا که او زمان را از نیمه شب یا از ظهر محاسبه کرده است. به‌عنوان مثال، او به یاد دارد که اولین باری که عیسی را ملاقات کرد، یك روز پس از تعمیدش بود. و این ملاقات در حدود ساعت دهم بود که معادل با ساعت ۱۰ صبح می‌باشد (۱: ۳۵، ۳۹).
زمانی که عیسی شمعون را "پطرس" نامید، او سخنان عیسی را دقیقاً به یاد می‌آورد (۱: ۴۲). او همچنین سخنانی را که عیسی به دیگر شاگردان خود گفت، زمانی که او آنها را به پیروی از خود دعوت کرد و همینطور بسیاری از موعظه‌های او را دقیقاً به یاد دارد. با مطالعه انجیل یوحنا این احساس در ما ایجاد می‌شود که گویا نویسنده آن، نه تنها سخنان عیسی را شنیده بود، بلکه احتمالاً آنها را یادداشت‌برداری کرده و حتی آنها را به خاطر سپرده بود.

۳- نویسنده یکی از دوازده شاگرد عیسی بود.

نویسنده از اعمال، سخنان و احساسات شاگردان عیسی آگاهی داشت. به‌عنوان مثال، او می‌دانست که شاگردان از گفتگوی عیسی با یك زن متعجب شدند (۴: ۲۷)، یا زمانی که عیسی بر روی آب راه رفت، ترسان شدند (۶: ۱۹).

۴- نویسنده، یوحنای رسول بود.

الف) نویسنده هیچوقت خود را به اسم معرفی نمی‌کند، بلکه خود را "شاگردی که عیسی او را محبت کرد" معرفی می‌کند. او شاگردی بود که در شام آخر به سینه عیسی تکیه زد (۱۳: ۲۳). و به‌عنوان شاگرد عیسی بر آنچه که دیده و شنیده بود، شهادت داد (۲۱: ۲۰- ۲۴).

ب) نویسنده یکی از از اولین شاگردان عیسی بود. بر طبق یوحنا ۱: ۳۵- ۴۰ و مرقس ۱: ۱۶- ۲۰، اولین شاگردان عیسی، اندریاس و برادرش شمعون پطرس، یعقوب و برادرش یوحنا بودند. بر اساس اعمال فصل ۱۲، یعقوب به‌دستور هیرودیس کشته شد و بر طبق یوحنا ۲۱: ۱۸- ۱۹، پطرس در آن زمان شهید شده بود. بنابراین به احتمال زیاد نویسنده انجیل یوحنا، خودِ یوحنا می‌باشد که شخصاً شاهد عینی اتفاقات آن زمان بوده است.

پ) نویسنده، پسر زبدی بود. بر طبق متی ۲۷: ۵۶، مرقس ۱۶: ۱ و یوحنا ۱۹: ۲۵، اسم مادرش به احتمال زیاد سالومه بود که احتمالاً خواهر مریم، مادر عیسی بود. اگر این نکته صحت داشته باشد، بر اساس آن عیسی پسر خاله یوحنا بود. قبل از اینکه یوحنا پیرو عیسی باشد، از یحیای تعمیددهنده پیروی می‌کرد. بر طبق یوحنا فصل ۱، او عیسی را روز پس از تعمیدش ملاقات کرد. و به مدت یك سال پس از آن به کار ماهیگیری در قایق پدرش، ادامه داد. و پس از آن وقتی که عیسی او را دعوت کرد تا شاگرد او باشد، او کار ماهیگیری خود را ترك کرد تا "صیاد مردم" گردد (متی ۴: ۱۹).

ت) یوحنا و برادرش یعقوب افرادی احساساتی، عصبی، تندخو و عجول معرفی می‌شوند، زیرا مرقس ۳: ۱۷ آنها را "پسران رعد" خطاب کرده است. به‌عنوان مثال، در لوقا ۹: ۴۹- ۵۴، یوحنا نه تنها در خدمت یك شخص دیگر مداخله می‌کند، بلکه زمانی که مردم یك دهکده سامری، عیسی و شاگردانش را راه ندادند، یوحنا و یعقوب بسیار عصبانی شده، خواهان آن بودند که داوری هر چه سریع‌تر بر آن شهر بیاید. ایشان گفتند: "ای خداوند، آیا می‌خواهی بگوییم که آتش از آسمان باریده، اینها را فرو گیرد؟"

ث) یوحنا یکی از رسولان بسیار مهم بود. بر طبق اناجیل و کتاب اعمال رسولان، یوحنا غالباً همراه با پطرس بود. پس از قیام مسیح، یوحنا به همراه پطرس و یعقوب، برادر عیسی، یکی از سه "رکن کلیسا" بود (غلاطیان ۲: ۹؛ اعمال ۱۵: ۶). هنگامی که یهودیان در سال ۶۶ میلادی، بر علیه روم شورش کردند، به احتمال زیاد یوحنا و تمام مسیحیان، شهر اورشلیم را ترك کردند. بر اساس تاریخ کلیسا، یوحنا جهت زندگی و خدمت به افسس رفت.

ب- تاریخ و مکان نگارش انجیل یوحنا

۱- مکان نگارش انجیل یوحنا

بر اساس نوشته ایرنیوس، پدر کلیسا، که در سال ۱۷۰ میلادی می‌زیست، انجیل یوحنا زمانی به نگارش در آمد که یوحنا در افسس که یکی از شهرهای ترکیه امروزی می‌باشد، زندگی می‌کرد.

۲- تاریخ نگارش انجیل یوحنا

الف) انجیل یوحنا قبل از سال ۱۱۰ میلادی به نگارش در آمد
پدر کلیسا، ایرنیوس، که در سال ۱۷۰ میلادی می‌زیست، نوشت: "کلیسای افسس توسط پولس بنیان گذاشته شد و یوحنا تا زمان تراژان، امپراطور روم به‌طور دائم در آنجا ماند". تراژان بین سالهای ۹۸ الی ۱۱۷ میلادی فرمانروایی کرد. نوشته های ایگنانیوس، پدر کلیسا، که در سال ۱۱۰ میلادی شهید شد، به وضوح نشاندهنده این حقیقت است که او انجیل لوقا را مطالعه کرده بود. بنابراین انجیل لوقا به احتمال زیاد قبل از پایان قرن اول به نگارش در آمده بود.

ب) انجیل یوحنا پس از سال ۷۰ میلادی به نگارش در آمد
یوحنای رسول مطالب سه انجیل دیگر را با این فرض که مردم از مطالب آنها آگاهند، تکرار نمی‌کند. هدف او این بود که به‌طور خاص در رابطه با آن اموری بنویسد که در اناجیل دیگر ثبت نشده، و مردم ترغیب را می‌کرد که به عیسی به‌عنوان مسیح موعود ایمان بیاورند و به الوهیت کامل او پی ببرند. بنابراین انجیل یوحنا احتمالاً بعد از اناجیل دیگر پس از سال ۶۳ میلادی به نگارش در آمده است. با توجه به اینکه یوحنا در رابطه با افراد معروفی چون پطرس و پولس سخن نمی‌گوید، به‌نظر می‌رسد که این افراد وفات یافته بودند. در رابطه با خرابی اورشلیم و معبد آن نیز هیچ گونه اشاره‌ای در این انجیل نشده است. بنابراین انجیل یوحنا به احتمال زیاد چند سال پس از خرابی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، نوشته شده است.

پ) نتیجه می‌گیریم که انجیل یوحنا بین سالهای ۷۰ الی ۹۸ میلادی نوشته شد
کلمنت اسکندرانی، که یکی از پدران کلیسا بود و در سال ۱۹۰ میلادی می‌زیست، نوشت که یوحنا، حتی پس از بازگشتش از پطمس، به‌عنوان مسؤول اداری کلیساهایی که در منطقه افسس بودند، شخصی فعال بود. در این خصوص که انجیل یوحنا قبل یا بعد از تبعید یوحنا به پطمس نوشته شده است، آگاهی نداریم. همچنین در مورد اینکه این انجیل قبل یا بعد از کتاب مکاشفه نوشته شده است نیز اطلاعی نداریم.

پ- بخش بندی انجیل یوحنا

انجیل یوحنا را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: خدمت عمومی عیسی و خدمت خصوصی او. این دو بخش را نیز می‌توان به هفت قسمت تقسیم‌بندی کرد:

۱- بخش اول: خدمت عمومی عیسی

این بخش متشکل از فصل‌های ۱- ۱۲ می‌باشد. این بخش را می‌توان به سه قسمت زیر تقسیم کرد.

الف) اولین قسمت یوحنا: یوحنا فصل‌های ۱- ۶. قبل از عید خیمه‌ها (۷: ۲).
عیسی مسیح، به‌عنوان کلمه، خود را به گروه بسیاری از مردم آشکار ساخت ولی در نهایت از سوی آنان طرد شد.

۱) منصوب شدن عیسی مسیح: یوحنا ۱: ۱-۱۴. دسامبر سال ۲۶ میلادی الی آوریل سال ۲۷ میلادی (۴ ماه).
- § یوحنا ۱: ۱- ۱۴، جلال کلمه را قبل از خلقت جهان، در زمان خلقت، و پس از سقوط آن و همچنین مجسم شدن خدا بر زمین در عیسی مسیح را بیان می‌کند.
- § یوحنا ۱ : ۱۵ الی ۲: ۱۲ این حقیقت را بیان می‌کند که عیسی مسیح به‌عنوان کلمه، خود را به یحیی تعمیددهنده و شاگردان او آشکار ساخت.

۲) خدمت اولیه عیسی‌مسیح در یهودیه: یوحنا ۲: ۱۳ الی ۴: ۴۲. آوریل سال ۲۷ میلادی الی دسامبر سال ۲۷ میلادی (۸ماه).
- § یوحنا ۲: ۱۳ الی ۳: ۳۶ این حقیقت را بیان می‌کند که عیسی‌مسیح به‌عنوان کلمه، خود را به جمعی از مردم اورشلیم که نیقودیموس هم شامل آنها می‌شد، آشکار ساخت.
- § یوحنا فصل ۴، این حقیقت را بیان می‌کند که عیسی‌مسیح به‌عنوان کلمه، خود را به سامریان آشکار ساخت.

۳) خدمت بزرگ عیسی‌مسیح در جلیل: یوحنا ۴: ۴۳ الی ۶: ۷۱. دسامبر سال ۲۷ میلادی الی آوریل سال ۲۹ میلادی (۱۶ ماه).

- § یوحنا ۴: ۴۳- ۵۴ این حقیقت را بیان می‌کند که عیسی‌مسیح، به‌عنوان کلمه خود را بر مردم جلیل آشکار ساخت.
- § یوحنا فصل ۵ این حقیقت را بیان می‌کند که عیسی مسیح به‌عنوان کلمه، پس از انجام معجزه‌ای در بیت صیدا، در یهودیه از طرف مردم طرد شد.
- § یوحنا فصل ۶ این حقیقت را بیان می‌کند که عیسی مسیح به‌عنوان کلمه، پس از تغذیه ۵ هزار نفردر جلیل، از طرف مردم آن مکان طرد شد.

ب) دومین قسمت یوحنا: یوحنا فصل‌های ۷ الی ۱۰. از عید خیمه ها تا عید تجدید
عیسی مسیح به‌عنوان کلمه، به طور جدی از گناهکاران درخواست توبه می‌کند.

۱) خدمت عیسی‌مسیح در دوره کناره‌گیری: یوحنا ۷: ۱- ۹. از آوریل سال ۲۹ میلادی الی اکتبر سال ۲۹ میلادی (۶ ماه).

- § یوحنا ۷: ۱- ۹، این حقیقت را بیان می‌کند که عیسی مسیح به‌عنوان کلمه، در جلیل می‌گشت، ولی نهایتاً به طور مخفیانه به یهودیه رفت.

۲) خدمت مؤخرتر عیسی مسیح در یهودیه: یوحنا ۷: ۱۰ الی ۱۰: ۳۹. از اکتبر سال ۲۹ میلادی الی دسامبر سال ۲۹ میلادی (۲ ماه).

- § یوحنا ۷: ۱۰- ۵۳ بیانگر درخواست عیسی مسیح از جماعت واقع در معبد جهت توبه می‌باشد. او می‌فرماید: "هر که تشنه باشد، نزد من آید و بنوشد. کسی که به من ایمان آورد چنانکه کتاب می‌گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد." (۳۷- ۳۸).
- § یوحنا ۸: ۱- ۵۹ بیانگر درخواست عیسی‌مسیح از زن زناکار جهت توبه می‌باشد. او می‌فرماید: "برو و دیگر گناه مکن" (۱۱). این قسمت همچنین بیانگر درخواست او از جمع مردم به جهت توبه است. او می‌فرماید: "من نور عالم هستم. کسی که مرا متابعت کند، در ظلمت سالك نشود بلكه نور حیات را یابد" (۱۲).
- § یوحنا ۹: ۱- ۴۱ بیانگر درخواست عیسی از کور مادرزاد جهت توبه می‌باشد. او می‌فرماید: "آیا تو به پسر خدا ایمان داری. تو او را دیده‌ای و آنکه با تو تکلم می‌کند همان است". (۳۵، ۳۷).
- § یوحنا ۱۰: ۱- ۳۹ بیانگر درخواست عیسی از فریسیان و شاگردان جهت توبه است. او می‌فرماید: "من شبان نیکو هستم. شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می‌نهد. گوسفندان من آواز مرا می‌شنوند و من آنها را می‌شناسم و مرا متابعت می‌کنند (۱۱، ۲۷).

پ) سومین قسمت یوحنا: یوحنا ۱۰: ۴۰ الی ۱۲: ۵۰. پس از عید تجدید (۱۰: ۲۲).
عیسی مسیح به‌عنوان کلمه، از طریق دو معجزه تحت عناوین: زنده کردن ایلعازر و ورود مظفرانه‌اش به اورشلیم، به وضوح خود را به‌عنوان مسیحای موعود آشکار ساخت.

۱) خدمت عیسی‌مسیح در پیریه: یوحنا ۱۰: ۴۰ الی ۱۱: ۵۷. از دسامبر سال ۲۹ میلادی الی آوریل سال ۳۰ میلادی (۴ ماه).

- § یوحنا ۱۱: ۱- ۴۴. عیسی از طرف دیگر رود اردن تا بیت عنیا، که در نزدیکی اورشلیم می‌باشد جهت زنده کردن ایلعازر مرده سفر کرد.
- § یوحنا ۱۱: ۴۵- ۵۷ به شورای رهبران یهودی در سنهدرین اشاره می‌کند که در آن نقشه قتل عیسی را کشیدند.
- § یوحنا ۱۲: ۱- ۵۰ بیانگر تدهین عیسی در بیت عنیا و ورود مظفرانه‌اش به اورشلیم می‌باشد.

۲- بخش دوم: خدمت خصوصی عیسی مسیح

خدمت نهایی عیسی مسیح: یوحنا ۱۳ الی ۲۱. از آوریل سال ۳۰ میلادی الی می سال ۳۰ میلادی (۷ هفته).
این بخش متشکل از فصل‌های ۱۳ الی ۲۱ یوحنا می‌باشد و وقایع مربوط به هفت هفته آخر خدمت عیسی بر روی زمین را در بر می‌گیرد. این بخش را می توان به چهار بخش زیر تقسیم کرد.

الف) چهارمین قسمت یوحنا: یوحنا فصل ۱۳. شام آخر
عیسی به شاگردانش حکمی جدید داد که یکدیگر را محبت کنند. و این موضوع را از طریق شستن پاهای آنها به تصویرکشید.

ب) پنجمین قسمت یوحنا: یوحنا فصل‌های ۱۴ الی ۱۷. سخنان و دعای عیسی در شام آخر

- § در یوحنا فصل ۱۴، عیسی شاگردان خود را تسلی داده، به آنها وعده داد که حضور دائمی روح‌القدس با آنها بوده و
- § آنها با قوت روح، قادر به انجام کارهای بزرگی خواهند بود.
- § در یوحنا فصل ۱۵، عیسی شاگردانش را ترغیب کرد به اینکه دائماً در او بمانند، اجازه دهند که کلام او همیشه در آنها بماند، دعا کنند، میوه بسیار آوردند، یکدیگر را دوست داشته باشند، از احکام او اطاعت کنند و در جهان شهادت دهند.

- § در یوحنا فصل ۱۶، عیسی به شاگردانش وعده داد که آنها را ترك نخواهد کرد بلکه روح‌القدس را بر آنها خواهد فرستاد و پس از قیامش، ایشان باز او را خواهند دید.
- § در یوحنا فصل ۱۷، عیسی برای خود (۱- ۵)، برای شاگردانش (۶- ۱۹) و برای کلیسا در دنیا، دعا کرد (۲۰- ۲۶).

پ) ششمین قسمت یوحنا: یوحنا فصل‌های ۱۸ الی ۱۹. زحمات عیسی

- § در یوحنا فصل ۱۸، عیسی دستگیر شده، در حضور حنا محاکمه شد، یکبار توسط پطرس انکار شده، پس از آن در حضور
- § قیافا محاکمه گردید، سپس دو بار دیگر از سوی پطرس انکار شده و در نهایت محاکمه دیگری از او در حضور پیلاطس به عمل آمد.
- § در یوحنا فصل ۱۹، عیسی از سوی سربازان رومی مورد شکنجه واقع شده، توسط یهودیان در مکانی به نام جلجتا (به مفهوم کاسه سر) مصلوب شد و پس از مرگش، توسط یوسف رامه‌ای و نیقودیموس در مقبره جدیدی دفن شد.

ت) هفتمین قسمت یوحنا: یوحنا فصل‌های ۲۰ الی ۲۱. قیام و ظهور عیسی

- § در یوحنا فصل ۲۰، عیسی بر مریم مجدلیه، بر شاگردانش بدون حضور توما و یك هفته بعد به شاگردانش با حضور توما، ظاهر شد. در یوحنا ۲۰: ۳۰- ۳۱، نویسنده هدف از نگارش انجیل را بیان می‌کند.
- § در یوحنا فصل ۲۱، عیسی بر هفت نفر از شاگردانش در کناره دریای جلیل ظاهر شد و شمعون پطرس را دوباره به خدمت گماشت. نویسنده پس از آن انجیل خود را با شهادت‌های همسوی متحد از مردم در رابطه با اعتبار تمام مطالب ثبت شده در انجیل یوحنا، خاتمه می‌دهد.

ت - هدف و عنوان انجیل یوحنا

یوحنای رسول به وضوح هدف خود را در یوحنا ۲۰: ۳۰- ۳۱ بازگو می‌کند. هدف او این است که خوانندگانش در ایمان خود به عیسی در مقام مسیحای موعود (مسح شده و وعده داده شده در طول عهدعتیق) و "پسر خدا" (در الوهیت کامل خود، کولسیان ۱: ۱۵؛ ۲: ۹)، رشد کنند. و بوسیله ایمان به او که واسط و میانجی بین خدا و انسان می‌باشد، صاحب حیات ابدی شوند.

در مقایسه با اناجیل دیگر، موارد خاصی به‌گونه‌ای مشخص در یوحنا ذکر شده‌اند که ذیلاً به آنها می‌پردازیم:

- § در فصل ۱، عیسی به‌عنوان خدایی که انسان شد، نمایان شده است. او خدای غیر قابل رؤیت را به انسان آشکار ساخت.
- § در فصل ۳، عیسی خود را به‌عنوان تنها پسر خدا، که توسط او خدا حیات جاودانی را به تمام ایمانداران عطا می‌کند، به نیقودیموس آشکار ساخت.
- § در فصل ۵، عیسی این حقیقت را به فریسیان آشکار کرد که خدا پدر اوست و او با خدا یك می‌باشد (۵: ۱۷- ۱۸).
- § در فصل ۷، عیسی به جماعتی که در اورشلیم بودند این حقیقت را آشکار ساخت که تنها اوست که می‌تواند تشنگی روحانی هر انسانی را بر طرف سازد (۷: ۳۷- ۳۹).
- § در فصل ۸، عیسی این حقیقت را بر رهبران مذهبی یهود آشکار ساخت که تنها او می‌تواند مردم را از گناه و مرگ آزاد سازد. او ادعا کرد به اینکه تنها خودِ اوست که بدون گناه می‌باشد و هر که به او ایمان نیاورد در گناهان خود خواهد مرد (۸: ۴۶؛ ۲۴).
- § در فصل ۱۲، عیسی خود را به‌عنوان پادشاهی که همه مردم را به سوی خود خواهد کشید، آشکار ساخت (۱۲: ۱۳، ۳۲).
- § در فصل ۱۳، این حقیقت بر یوحنا آشکار شده بود که خدای پدر همه چیز را به دست پسرش سپرده است (یوحنا ۳: ۳۵؛ ۱۳: ۳) و هر که او را قبول کند، خدای پدر را نیز قبول می‌کند (۱۳: ۲۰).

5	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " مقدمه‌ای بر انجیل یوحنا " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از مرقس ۸: ۱- ۱۱: ۱۹ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (محبت: مرقس۱۲: ۳۰- ۳۱) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۳

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **مرقس**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (مرقس ۸: ۱- ۱۱: ۱۹) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: شخصیت مسیحی**

مرور: دو نفری مرور کنید. محبت: مرقس ۱۲: ۳۰- ۳۱.

۴	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **جمعه یادبود مرگ مسیح – روزی که یادآور مرگ مسیح می باشد**

مقدمه: جمعه یادبود مرگ مسیح (جمعه الصلیب)، عیدی مسیحی است که در آن، مرگ عیسی مسیح را به یاد می‌آوریم. در این درس در رابطه با آنچه که کتاب‌مقدس در باره مرگ عیسی مسیح به خاطر گناهان مردم جهان تعلیم می‌دهد، مطالبی خواهیم آموخت. همچنین خواهیم آموخت که چگونه در مورد مرگ او در عهد عتیق نبوت شده بود، و وقتی که او بر روی صلیب جان سپرد چه اتفاقی افتاد، و چرا مرگ او بر روی صلیب برای ما حائز اهمیت است.

بر اساس تقویم یهودی، روز جمعه با غروب آفتاب در روز پنجشنبه آغاز می‌شد و با غروب آفتاب در روز جمعه به پایان می‌رسید. عیسی مسیح در روز جمعه تسلیم دشمنان خود شده، مصلوب شد، مرد و در روز جمعه دفن شد. مرگ عیسی مسیح به‌عنوان مجازاتی برای گناهان ما و به جای ما بود، و نجاتی که در نتیجه آن مهیا شده است، بهترین چیزی است که می توانست برای ما اتفاق بیفتد. اگرچه آن جمعه، برای شاگردان عیسی روز بسیار غمگینی بود، بعد از قیام مسیح آن روز تبدیل به روز شادی شده است. مرگ عیسی مسیح یکی از مهمترین وقایع تاریخ بشر می‌باشد. واقعه مهم دیگر قیام اوست.
هیچ واقعه‌ای که تا به حال در تاریخ به وقوع پیوسته است، و پیام هیچ کتاب و مجله ای و اخبار هیچ برنامه رادیویی و تلویزیونی و برنامه‌های دیگر به اندازه واقعه مرگ و قیام عیسی مسیح حائز اهمیت، ضروری و حیاتی نمی‌باشد.

الف- نبوتهای مربوط به مرگ عیسی مسیح

۱- اعداد فصل ۲۱ مثالی در عهد عتیق راجع به مرگ عیسی مسیح می‌باشد.

الف) **بخوانید:** اعداد ۲۱: ۴-۹.
تعلیم دهید: بر اساس آنچه که در کلام می‌خوانیم، متوجه می‌شویم که بیش از ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد، قوم اسرائیل به ستوه آمده، بر علیه خدا و موسی سخن گفتند. آنها در مورد سختیهای سفر، مخصوصاً در مورد غذایی که باید در بیابان می‌خوردند لب به اعتراض گشودند. خدا به اعتراضات آنان گوش فرا داد و متوجه طرز برخورد منفی آنها شد و به همین دلیل مارهای سمی به میان ایشان فرستاد. پس از اینکه موسی نزد خدا برای قوم شفاعت کرد، خدا از موسی خواست که یك مار برنجی بسازد و آن را بر سر یك تیر بیاویزد، به طوری که هر کس بتواند آن را ببیند. طبق دستور خداوند، هر که مار او را گزیده بود، اگر به این مار برنجی نگاه می‌کرد، زنده می‌ماند. ولی هر که از کلام خدا نااطاعتی می‌کرد و به آن مار برنجی نگاه نمی‌کرد، قطعاً می‌مرد. خدا طالب این است که مردم گناهکار به او ایمان آورده از کلام او اطاعت کنند.

ب) **بخوانید:** یوحنا ۳: ۱۴-۱۶
تعلیم دهید: در عهد جدید، عیسی مسیح تصویر مار را توضیح داد. مار برنجی که بر سر تیری آویخته شده بود، تصویری از عیسی مسیح می‌باشد که بر روی صلیب قرار گرفت. مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب، تحقق تصویری است که در عهد عتیق نشان داده شده بود. هر که به عیسی مسیح ایمان بیاورد هلاك نمی‌شود بلکه حیات جاودانی می‌یابد.

۲- اشعیا ۵۲: ۱۳- ۵۳: ۱۲ نبوت مهمی در عهد عتیق در رابطه با مرگ عیسی مسیح می‌باشد.

به ضمیمه شماره ۱ مراجعه کنید.

۳- نبوتهای مهم دیگر در عهد عتیق در رابطه با مرگ عیسی

الف) **بخوانید:** زکریا ۱۲:۱۱-۱۳.
تعلیم دهید: این نبوت در رابطه با مبلغی است که یهودا جهت تسلیم کردن عیسی پرداخت؛ و همچنین در مورد نوع استفاده یهودا از این پول؛ و اینکه این پول بعداً برای چه کاری استفاده شد، می‌باشد (متی ۲۶: ۱۴-۱۶؛ ۲۷: ۳-۱۰).

ب) **بخوانید:** زکریا ۱۲: ۱۰.
تعلیم دهید: این نبوت در رابطه با سربازی است که پهلوی عیسی را با نیزه‌ای سوراخ کرد. یوحنا شاهد تمام این وقایع بود (یوحنا ۱۹: ۳۴-۳۷).

پ) **بخوانید:** مزمور ۲۲ و ۶۹: ۲۰-۲۱.
تعلیم دهید: این نبوتها در رابطه با رنجهای بسیار عیسی بر روی صلیب می‌باشند. مردم شریر او را مصلوب کرده (آیه ۱۶؛ یوحنا ۱۹: ۱۶- ۱۸)، جامه های او را به چند قسمت تقسیم نموده، بر آن قرعه خواهند انداخت (آیه ۱۸؛ یوحنا ۱۹: ۲۳-۲۴)، او را احاطه کرده، اهانت، مسخره و تحقیرش خواهند کرد (آیات ۶-۷؛ متی ۲۷: ۳۹-۴۴). او به شدت تشنه خواهد شد (آیه ۱۵؛ یوحنا ۱۹: ۲۸)، و به تلخی، طرد شدن از سوی خدا را تجربه خواهد کرد (آیه ۱؛ متی ۲۷: ۴۶).

ت) **بخوانید:** مزمور ۳۱: ۵.
تعلیم دهید: این نبوت در رابطه با آخرین سخنان عیسی بر روی صلیب می‌باشد (لوقا ۲۳: ۴۶).

ث) **بخوانید:** مزمور ۴۰: ۶- ۸.
تعلیم دهید: این نبوت در رابطه با قربانی شدن بدن عیسی است که جانشین و تحقق‌بخش تمامی قربانیهای حیوانی می‌باشد. و باعث تقدیس ایمانداران می‌شود.(عبرانیان ۱۰: ۵-۱۰).

ب- وقایع مربوط به مرگ عیسی مسیح

۱- نبوتهای موجود در عهد جدید در رابطه با مرگ مسیح

بخوانید: مرقس ۸: ۳۱؛ ۹: ۳۱؛ ۱۰: ۳۳-۳۴
تعلیم دهید: عیسی مسیح حداقل سه بار قبل از مرگش، در رابطه با مرگ و قیامش نبوت کرد. او به وضوح در رابطه با جزئیات آنچه که بر او واقع خواهد شد، عاملین آن، زمان و مکان واقعه، نبوت کرد. او گفت که توسط رهبران یهودی اورشلیم تسلیم خواهد شد. و آنها او را به عنوان مسیح موعود نخواهند پذیرفت، بلکه او را به مرگ محکوم کرده، به دست رومیان غیر یهودی خواهند سپرد. غیریهودیان او را مسخره کرده، بر او آب دهان خواهند انداخت و در نهایت او را خواهند کشت. و پس از سه روز او قیام خواهد کرد. او نبوت کرد که تمام این امور باید واقع شوند، زیرا بخشی از نقشه ابدی خدا می‌باشند که در عهدعتیق ثبت شده است و این تنها طریق کفاره گناهان بشر می‌باشد.
عیسی مسیح نه تنها در مورد مرگ و قیام خود نبوت کرد، بلکه تمام امور دقیقاً بر طبق نبوتهای او و دیگر انبیای عهد به وقوع پیوستند. هیچ نبی دیگری نمی‌تواند همطراز با مقام عیسی مسیح باشد. نبوتهای هیچ نبی دیگری به اندازه نبوتهای عیسی، دقیق و درست نبوده است. عیسی به مفهوم واقعی، مصلوب شد و از میان مردگان قیام نمود. هیچ نبی دیگری که در طول تاریخ زندگی کرده، یا ادعا کرده است که نبی است، از میان مردگان قیام نکرده است. بسیاری از انبیای مذاهب دیگر هنوز در قبر خود آرامیده‌اند. عیسی مسیح تنها انسانی است که از میان مردگان قیام کرده است و هنوز هم زنده است. این موضوع، این حقیقت را ثابت می‌کند که عیسی مسیح نه تنها بزرگترین نبی تمام زمانها بوده، بلکه بزرگتر از یك نبی بوده است.

۲- تسلیم عیسی به دشمنان، دستگیری و زحمات او

در چهار انجیل، ما در رابطه با اینکه چگونه یهودا با سی پاره نقره به عیسی خیانت کرده، او را به دست دشمنان سپرد، می‌خوانیم. پس از دعای عیسی در باغ جتسیمانی، نگهبانان معبد او را دستگیر کردند.

الف) **بخوانید:** یوحنا ۱۸: ۱۲-۱۴، ۱۹-۲۴؛ متی ۲۶: ۵۷-۶۸؛ لوقا ۲۲: ۶۶-۷۱.
تعلیم دهید: بین نیمه شب تا صبح زود روز جمعه، عیسی، ابتدا توسط حنا، پدر زن قیافا محاکمه شد. پس از آن قیافا که در آن سال رئیس کاهنان بود، او را محاکمه کرد. ودر نهایت تمام رهبران یهود در سنهدرین جهت محاکمه او جمع شدند.

ب) **بخوانید:** لوقا ۲۳: ۱-۲۵؛ یوحنا ۱۸: ۲۸-۴۰.
تعلیم دهید: روز جمعه، صبح بسیار زود، ابتدا پیلاطس، رهبر رومی یهودیه، و پس از آن هیرودیس پادشاه، فرمانروای رومی جلیل او را محاکمه کردند.در انتها پیلاطس بار دیگر او را محاکمه کرد. عیسی مسیح پس از تمام این محاکمات، از طرف یهودیان و غیر یهودیان طرد شد. او توسط مقامات مدنی و مذهبی دنیا محکوم شده، کشته شد. ولی کماکان بدون تقصیر و بی گناه بود.

۳- مصلوب شدن عیسی

بخوانید: لوقا ۲۳: ۲۶-۵۶؛ یوحنا ۱۹: ۱۶-۴۲.
تعلیم دهید: در حدود ساعت ۹ صبح روز جمعه، عیسی بر روی تپه‌ای به نام "جلجتا" (به مفهوم کاسه سر)، به صلیب کشیده شد. سربازان دستها و پاهای او را بر روی صلیبی چوبی میخکوب کردند (مزمور ۲۲: ۱۶؛ لوقا ۲۴: ۳۹-۴۰؛ یوحنا ۲۰: ۲۵). پس از آن صلیب را بلند کردند و قسمت پایینی آن را در سوراخی قرار دادند تا به طور قائم بایستد. میخکوب کردن دستها و پاها، برافراشتن صلیب و وجود میخها، برای ساعات طولانی، روش دردناکی برای شکنجه يك فرد بود. مصلوب کردن، یکی از روشهای وحشتناك جهت اعدام شخص بود. درد ناشی از آن باعث می شد که شخص به تدریج در نتیجه خفگی، بمیرد. بر اساس رسم رومی، باید عنوان جرم فرد اعدامی، روی قطعه‌ای چوب حك شده بر بالای صلیب میخکوب می‌شد. به دلیل اینکه پیلاطس هیچ گونه خطایی در عیسی نیافته بود، در مورد او نوشت: "این است عیسی، پادشاه یهود". سربازان از طریق انداختن قرعه، جامه‌های او را به چند قسمت کردند. یهودیان و افراد دیگری که از کنار صلیب رد می شدند او را مسخره کرده، ترغیبش می کردند که از صلیب پایین آمده خود را نجات دهد. دو دزد همراه با عیسی در دو طرف او مصلوب شدند. وقتی که عیسی بر روی صلیب بود، مصلوب‌کنندگان خود را بخشید.
از ۱۲ ظهر تا ۳ بعد از ظهر آن روز، تاریکی سطح زمین را فرا گرفت. در نهایت او روح خود را به دستهای پدر آسمانی خود سپرد. وقتی که عیسی جان سپرد، پرده قدس از میان دوپاره گشت. این عمل نمایانگر این حقیقت است که با مرگ عیسی مسیح، معابد و قربانیها، مفهوم خود را از دست دادند (متی ۲۷: ۵۱). هیچ نوع ساختمان مذهبی و مراسمی قادر به نجات مردم از گناهانشان نمی‌باشد.

۴- واکنشهای مختلف نسبت به مرگ عیسی

مقدمه: بسیاری از مردم در رابطه با وقایع مربوط به مرگ عیسی مسیح در آن روز جمعه، دخیل بودند. در آن روز مردم مختلفی در اطراف صلیب ایستاده بودند، ولی هر کدام واکنش متفاوتی نسبت به مسیح داشتند.
کشف و گفتگو کنید: چگونه مردم مختلف نسبت به عیسی و مرگ او واکنش نشان دادند؟
ملاحظات:
الف) یهودا ظاهراً خود را شاگرد عیسی مسیح نشان می‌داد، ولی در حق او خیانت کرد. او به خاطر این عمل خود غمگین شد ولی توبه نکرد (دوم قرنتیان ۷: ۱۰-۱۱). او سی پاره نقره را برگرداند و بعد خود را به دار آویخت (متی ۲۷: ۳-۵؛ عبرانیان ۶: ۵-۶).
ب) پطرس افتخار می‌کرد به این که حاضر است حتی با عیسی بمیرد، ولی او را سه بار انکار کرد. (یوحنا ۱۳: ۳۶-۳۸؛ ۱۸: ۱۵-۱۸، ۲۵-۲۷)
پ) یوحنا از ترس گریخت ولی بعد عیسی را از فاصله‌ای دور پیروی کرد چون او را دوست می‌داشت (متی ۲۶: ۵۶؛ یوحنا ۱۸: ۱۵).
ت) حنا، اولین قاضی عیسی، بدون حضور شاهدین صادق که طبق شریعت عهدعتیق امری ضروری بود، او را محاکمه کرد. او از آنچه که حقیقت داشت اجتناب ورزید. او بیشتر به "موفقیت" عیسی علاقه مند بود تا به "حقیقت". ولی عیسی مایل نبود شاهدی بر علیه خود باشد. او گفت که همواره آشکارا سخن گفته است و هر کس می‌توانست به تعالیم او گوش دهد. این حقیقت در تناقض کامل با توطئه مخفیانه سنهدرین بود. (یوحنا ۱۸: ۱۲-۱۴، ۱۹-۲۴)

ث) قیافا، قاضی دوم، در حضور شاهدین دروغین، به طور تشریفاتی و مقدماتی و با تعجیل عیسی را محاکمه کرد. او تظاهر کرد به اینکه قاضی عادلی است، ولی نتیجه محاکمه تعیین شده بود. رؤسای کهنه و فریسیان تصمیم گرفته بودند که عیسی را بکشند. ولی به منظور کشتن او باید شورای عالی یهود (سنهدرین) ابتدا او را محاکمه می‌کرد (متی ۱۲: ۱۴؛ لوقا ۲۲: ۲؛ یوحنا ۱۱: ۴۹-۵۳، ۵۷؛ ۱۸: ۱۴؛ متی ۲۶: ۵۷- ۶۸).

ج) سنهدرین که متشکل از رهبران سیاسی و مذهبی مردم بود، قاضی سوم عیسی بود. آنها نیز به طور تشریفاتی و با تعجیل او را رسماً محاکمه کردند. آنها به عیسی به خاطر تأثیر بزرگی که بر روی مردم داشت حسادت می‌ورزیدند. در این جلسه رسمی، آنها تصمیمی را که در توطئه مخفیانه‌شان بر علیه عیسی گرفته بودند به تصویب رساندند. آنها دلیل اصلی جهت کشتن عیسی را مخفی کردند و بدین ترتیب در حضور پیلاطس او را به دروغ متهم کردند به اینکه عامل توطئه سیاسی بین قوم می‌باشد (لوقا ۲۲: ۶۶-۷۱؛ ۲۳: ۱-۲؛ متی ۲۷: ۱۸).

چ) پیلاطس، قاضی چهارم عیسی، او را باز به طور ناعادلانه محاکمه کرد. اگرچه او به طور کامل متقاعد شده بود که عیسی بی‌تقصیر است، با وجود این او را سپرد تا مصلوبش کنند. او بیشتر به خاطر علائق خود عمل کرد، زیرا نگران بود از این که موقعیت سیاسی خود را از دست بدهد. (متی ۲۷: ۱۱-۲۶؛ یوحنا ۱۸: ۲۸-۱۹: ۱۶)

ح) هیرودیس پادشاه، قاضی پنجم عیسی، تنها می‌خواست عیسی باعث سرگرمی او شود. او امیدوار بود که عیسی معجزاتی چند انجام دهد. وقتی دید که عیسی سکوت اختیار کرده است، او و سربازانش، عیسی را مورد اهانت قرار داده، مسخره کردند. (لوقا ۲۳: ۵-۱۲)

خ) زنان اورشلیم، که برخی از آنان پیرو عیسی بودند، برای او بسیار گریه و ماتم کردند. آنها بدون اینکه از خطراتی که متوجه خودشان می‌شد مطلع باشند، دلشان به حال عیسی می‌سوخت. آنها متوجه نبودند که آینده عیسی محفوظ است، و اگر توبه نکنند، آینده خود و فرزندانشان محفوظ نخواهد بود. اکثریت جمعیت اورشلیم متشکل از مردم گناهکار بود. عیسی مسیح افرادی را که مایل به توبه نباشند، بدون مجازات نخواهد گذاشت. بنابراین مردم اورشلیم در صورتی که توبه نکنند، هلاك خواهند شد. (لوقا ۲۳: ۲۷-۳۱).

د) سربازانی که او را مصلوب کردند، از فرامینی که به آنها داده می‌شد، اطاعت می‌کردند و فکر می‌کردند که بدین ترتیب وظیفه خود را انجام می‌دهند. ولی آنها پا فراتر از مسئولیت خود گذاشته، به عیسی اهانت کرده، با او بد رفتاری کردند. (متی ۲۷: ۲۷-۳۱)

ذ) یهودیان به او حرفهای توهین‌آمیز می‌زدند. (متی ۲۷: ۳۹)

ل. یکی از دزدان حرفهای توهین‌آمیز به عیسی زد، در حالیکه دزد دیگر به گناه خود اعتراف کرد و خود را به مسیح سپرد. (لوقا ۲۳: ۳۹-۴۳).

ر) یوزباشی که فرماندار نظامی سربازان رومی بود، یکی از اولین افرادی بود که به عیسی به عنوان پسر خدا اعتراف کرد (متی ۲۷: ۵۴).

ز) یوسف و نیقودیموس، که پیروان مخفی مسیح بودند، به طور آشکارا او را خدمت کردند و بدن او را از صلیب پایین آورده، آن را دفن کردند. (یوحنا ۱۹: ۳۸-۴۲)

تعلیم دهید: امروزه هر شخصی در دنیا در برابر صلیب عیسی ایستاده است. عیسی مسیح مرد تا کفاره گناهان مردم شود و آنهایی را که به او ایمان می‌آورند، ببخشد. خدا از هر انسانی مطالبه می‌کند که نسبت به عیسی مسیح واکنش نشان دهد. من و تو هم در برابر صلیب عیسی ایستاده‌ایم. واکنش تو نسبت به عیسی و مرگ او بر روی صلیب چیست؟ آیا از این حقیقت فرار می‌کنی یا از عیسی پیروی می‌کنی؟ آیا ادعا می‌کنی به اینکه شخص عادلی هستی یا به گناهان خود اعتراف می‌کنی؟ آیا نسبت به این حقیقت غافل بوده، موضعی خنثی و بی‌تفاوت داری یا دلیل مرگ مسیح بر روی صلیب را درك کرده‌ای؟ آیا به آزار و اذیت عیسی و مسیحیان ادامه می‌دهی یا به سمت او رفته و حاضر هستی که او را با محبت خدمت کنی؟ آیا او را رد خواهی کرد یا با ایمان او را خواهی پذیرفت؟ واکنش تو چه خواهد بود؟

پ - مفهوم مرگ عیسی مسیح برای ما

۱- اولین دلیل مرگ عیسی به خاطر گناهان ما

بخوانید: رومیان ۳: ۲۳-۲۵؛ ۸: ۷-۱۰؛ یوحنا ۶: ۳۵-۴۴.

تعلیم دهید: اولین دلیل مرگ عیسی مسیح به خاطر ما، به منظور کفاره گناهان ما بود. او ما را نزد خدا عادل گردانیده، ما را با او مصالحه داد. هیچ انسانی در وضعیت گناهکارش نمی‌تواند خدا را خشنود ساخته، نزد او برود، و خود را وقف و سرسپرده او سازد. هنگامی که تمام مردم در گناه بودند، خدا راه نجات را برای آنها فراهم کرد. او عیسی مسیح را در مرگش بر روی صلیب به عنوان قربانی عرضه داشت، که برای گناهان بشر کفاره شد. عیسی مسیح مرد تا جریمه گناهان ما را بپردازد. او برای گناهان ما کفاره شد و ما را عادل ساخت. عیسی مسیح همچنین عقوبت گناهان ما را از ما دور کرد. این بدان مفهوم است که او خشم خدای قدوس و عادل را در رابطه با گناهان ما، از ما دور نگاه داشت و ما را با خدای پدر مصالحه داد.

۲- دومین دلیل مرگ عیسی مسیح به خاطر گناهان ما

بخوانید: خروج ۲۰: ۱-۲؛ غلاطیان ۲: ۲۱؛ ۳: ۱۰-۲۹.
تعلیم دهید: دلیل دوم مرگ مسیح به خاطر ما، بـه منظـور رهـایی مـا از لعنـت شریعت بـود. او مـا را از هـر نـوع شریعتی آزاد ساخت تا بدین وسیله ما را نجات دهد.
در عهدعتیق، هیچ وقت شریعت وسیله‌ای برای عادل شمردگی و نجات نبوده است. پس از آنکه خدا قوم خود را نجات داد، بـه آنها ده فرمان یا قانون اخلاقی را داد تا بدان وسیله بدانند چگونه باید به عنوان قوم خدا زندگی جدیدی داشته باشند (خروج ۲۰: ۱-۲). البتـه بعدها معلمین مذهبی یهود مفهوم شریعت را تغییر داده، آن را وسیله ای بـرای نجات تلقی کردنـد. از آن بـه بعد بسیاری از یهودیان، مسلمانان و مسیحیان شریعتی، که تحت عنوان "اهل کتاب" نامیده می‌شوند، سـعی کرده‌اند از طریق حفظ شریعت خود را نجات دهند. البته کتاب‌مقدس هشدار داده می‌فرماید: "ملعون است هر کـه ثابت نماند در تمـام نوشته‌های کتاب شریعت تا آنها را به جا آرد" (غلاطیان ۳: ۱۰). عیسی مسیح به خاطر ما ملعون شد تا ما را از لعنت شریعت آزاد سازد، زیرا مکتوب است: "ملعون است هر کـه بر دار آویختـه شـود" (غلاطیـان ۳: ۱۳). مـا از لعنـت شـریعت نجـات یافتـه‌ایم. دیگر "زیر شریعت" زندگی نمی‌کنیم، بلکه "زیر فیض" هستیم.

۳- دلیل سوم مرگ مسیح به خاطر گناهان ما

بخوانید: متی ۵: ۱۷؛ افسسیان ۲: ۱۳-۱۸؛ کولسیان ۲: ۱۴.
تعلیم دهید: دلیل سوم مرگ مسیح به خاطر ما، به منظور از بین بردن جدایی میان قوم اسرائیل و ملل غیر یهودی بود. او ما را خلق کرد تا با قوم خدا که متشکل از ایمانداران تمامی ملل جهان می‌باشد، در اتحاد باشیم. مدت زمان زیادی قبل از پیدایش ملت اسرائیل، خدا وعده داد کـه تمـامی ملـل روی زمین را از طریـق "نسل" ابـراهیم کـه مسیح موعـود مـی‌باشد، برکـت خواهـد داد (پیدایش ۲۲: ۱۸). تا زمان آمدن مسیح موعود، شریعت مانعی بین ملت اسرائیل و دیگر ملل غیر یهودی بود. شریعت تشریفاتی با تمام قوانین مذهبی مربوط به مردم، مکانها، زمانها و اعمال مقدس آن، قوم اسرائیل را از ملل غیر یهودی متمـایز مـی‌کرد. هدف خدا برای قوم اسرائیل این نبود که از طریق آنها تمام ملل غیر یهودی را تبدیل به مللی "تحت شریعت" بکند، بلکه هدف او این بود که از طریق قوم اسرائیل، نجات‌دهنده را به آنها معرفی کند. هنگامی که عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده آمد، توسط زندگی و مرگش تمام ملزومات عادلانه شریعت را بـه تحقق رسـاند. بدین ترتیب او بـه تمـام قوانین تشریفاتی آن زمـان بعنوان ابزاری برای نزدیک شدن و خدمت به خدا پایان داد و تعالیم خود را در رابطه با ملکوت خدا، جانشین قـانون مـدنی (اجتمـاعی) اسرائیل کرد. مرگ عیسی مسیح دشمنی و مانعی را که بین یهودیان و غیر یهودیان وجود داشت از میان برداشت و ایمانداران یهودی و غیر یهودی را با خدا و با یکدیگر مصالحه داد. او ایمانداران یهودی و غیر یهودی را به صورت قوم واحد خدا (اول پطرس ۲: ۴-۱۰)، به طور متحد در کلیسا (افسسیان ۲: ۱۹-۲۲) یا در ملکوت واحد خدا (متی ۲۱: ۴۲-۴۴) شکل داد.

۴- دلیل چهارم مرگ مسیح به خاطر گناهان ما

بخوانید: دوم قرنتیان ۵: ۱۵؛ فیلیپیان ۲: ۱- ۸.
تعلیم دهید: دلیل چهارم مرگ مسیح به خاطر ما، به این منظور بود که به ما هدف دیگری برای زندگی عطا کند. ما دیگر برای خود زندگی نمی‌کنیم، بلکه برای خدا و به دیگران فداکارانه خدمت می‌کنیم.

۵- دلیل پنجم مرگ مسیح به خاطر گناهان ما

بخوانید: عبرانیان ۲: ۱۴-۱۵؛ رومیان ۸: ۳۱-۳۹.
تعلیم دهید: دلیل پنجم مرگ مسیح برای ما، به این منظور بود که علیرغم شرایط سخت زندگیهای ما، به ما اطمینان نجات ابدی را بدهد. چون خدا با ماست هیچ کس و هیچ چیزی نمی‌تواند در برابر ما بایستد. هیچکس نمی‌تواند ما را از محبت عیسی مسیح جدا کند. عیسی مسیح برای ما مرد تا ترس از مردم، شرایط، شیطان و مرگ را از ما بردارد.

5	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " جمعه یادبود مرگ مسیح (جمعه الصلیب) - جشنی که یادآور مرگ مسیح می‌باشد " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از مرقس ۱۱: ۲۰- ۱۴: ۷۲ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (ایمان: رومیان ۴: ۲۰- ۲۱) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱: ۱- ۱۸) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۴

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) مرقس

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (مرقس ۱۱: ۲۰- ۱۴: ۷۲) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: شخصیت مسیحی

مرور: دو نفری مرور کنید. ایمان: رومیان ۴: ۲۰- ۲۱.

۴	بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۱: ۱- ۱۸

هدف از بررسی کتاب‌مقدس در یك گروه، رشد در مشارکت با عیسی مسیح و شراکت با همدیگر می‌باشد. هدف، کمك به یکدیگر جهت حصول دانش و درك کتاب‌مقدس و کاربرد حقایق آن در زندگیهایمان می‌باشد. به همین دلیل مهم است که اعضای گروه یکدیگر را جهت شرکت در گفتگوهایی که در طول بررسی کتاب‌مقدس می‌شود، تشویق کنند. سعی و تلاش و نظرات هر عضو مهم می‌باشد. نباید هیچ عضوی در گروه، به دلیل داشتن نظری که ممکن است از نظر الهیاتی کاملاً درست نباشد، احساس کند وجودش مفید نیست. رهبر گروه باید اعضای گروه را تشویق کند به اینکه به کمك یکدیگر حقایق موجود در کتاب‌مقدس را کشف کرده در مورد آنها گفتگو کنند. هر عضو گروه باید احساس کند زمانیکه صحبت می‌کند، دیگر اعضای گروه او را پذیرفته و سخنانش را جدی می‌گیرند. اعضای گروه نباید با هم در رابطه با یادگیری کلام خدا در رقابت باشند، بلکه باید یکدیگر را ترغیب کنند تا در این قسمت رشد کنند و بتوانند با اعتماد به نفس نظراتشان را بازگو کنند.
نمونه بررسی کتاب‌مقدس که ذیلاً بیان شده، به طرز بسیار خوبی آماده شده است تا رهبر گروه را در چگونگی بررسی قسمتی از کلام خدا یا پاسخگویی به سؤالات سخت اعضای گروه، کمك کند.
وقتی که شما با اعضای گروه خود قسمتی از کتاب‌مقدس را بررسی می‌کنید، ممکن است اعضای گروهتان موضوعات مختلفی را کشف کرده، در مورد آنها از شما سؤال کنند.
از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس، جهت بررسی یوحنا ۱: ۱- ۱۸ استفاده کنید.

مقدمه: یوحنا فصل‌های ۱- ۱۲ مربوط به خدمت عمومی عیسی می‌باشند. او خود را به مردم بسیاری آشکار ساخت ولی در نهایت توسط آنها طرد شد. یوحنا ۱: ۱- ۱۴ جلال و عظمت کلمه را قبل از خلقت، در زمان خلقت، پس از ورود گناه به جهان و در زمانی که خدا در عیسی جسم پوشید، توصیف می‌کند. یوحنا ۱: ۱۵ الی ۲: ۲۲ این حقیقت را بازگو می‌کند که عیسی مسیح، به عنوان کلمه، خود را بر یحیی تعمید دهنده و شاگردان اولیه او آشکار ساخت.

<u>قدم ۱: بخوانید</u> **بخوانید:** یوحنا ۱: ۱- ۸ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت یك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

کشف ۱) در یوحنا ۱: ۱۲- ۱۳ حقیقت مهمی برای من در رابطه با فرزند خدا شدن، وجود دارد. این آیه می‌فرماید: "و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم، بلکه از خدا تولد یافتند." این آیات به من تعلیم می‌دهند که چگونه می‌توانم فرزند خدا شوم.

الف) هر کس که کلام خدا را بشنود، می‌تواند فرزند خدا گردد. اگرچه عیسی مسیح این جهان را خلق کرد و حتی به جهان آمد و بین مردم زندگی کرد، بسیاری از مردم او را نپذیرفتند. ولی از طرف دیگر بسیاری از مردم هم او را پذیرفتند. او نبوت موجود در لوقا ۲: ۳۴ را به تحقق رساند که می‌فرماید، "اینك این طفل قرار داده شد برای افتادن و برخاستن بسیاری نه تنها در اسرائیل " بلکه بر طبق ۱ پطرس ۲: ۶- ۸ در جهان. "او نشانه و آیتی خواهد بود که بر خلاف آن خواهند گفت تا افکار قلوب بسیاری مکشوف شود". هنگامی که یوحنا می‌گوید: "و کسانی که او را قبول کردند"، منظورش هر کس از هر ملتی در دنیا می‌باشد. عیسی مسیح تنها به جهت نجات یهودیان نیامد، بلکه آمد تا همه مردم از همه ملل و زبانهای دنیا را نجات دهد.

ب) تنها کسانی که به او ایمان آورند فرزندان خدا خوانده خواهند شد. ایمان آوردن به اسم عیسی مسیح، به مفهوم ایمان آوردن به او به آن صورتی است که او خود را در کتاب‌مقدس آشکار کرده است. هر کس که به این حقیقت در قلب خود ایمان داشته باشد، عیسی مسیح را در قلب و زندگی خود خواهد پذیرفت. پذیرفتن، به مفهوم دعوت عیسی مسیح به قلب و زندگی خود، و درك این حقیقت است که او نجات دهنده است و همینطور به این مفهوم است که اجازه دهیم عیسی مسیح زندگی ما را کاملاً تحت تسلط خود داشته باشد.

پ) عیسی به آنها قدرت می‌دهد تا فرزندان خدا شوند. در حالیکه یهودیان خود را فرزندان ابراهیم می‌پندارند، ایمانداران از خدا قدرت دریافت می‌کنند تا به طور واقعی فرزندان خدا شوند. این بدان مفهوم است که عیسی به آنها اقتدار می‌دهد که به طور واقعی فرزندان خدا باشند ، نه صرفاً فرزندان ابراهیم. فرزند خدا شدن به این مفهوم نیست که ایمانداران، تنها در آینده فرزندان خدا خواهند شد، بلکه اشاره به این عمل در زمان حال می‌کند و اینکه ایمانداران از طریق عمل آنی خدا در آنها که در کتاب‌مقدس تجدیدحیات نامیده می‌شود، فرزندان خدا می‌شوند. آنها عادل شمرده شده، بخشش گناهان را دریافت می‌کنند و صاحب حیات ابدی می‌شوند. و در مقام فرزندان خدا قرار می‌گیرند.
آنها همچنین به مرور و به طور تدریجی بیشتر به شباهت فرزند خدا در می‌آیند که این عمل در کتاب‌مقدس تحت عنوان تقدیس شدن، ذکر شده است. در واقع ایمانداران هر چه بیشتر در عیسی مسیح رشد کنند، بیشتر از قبل شبیه او خواهند شد.
مرحله نهایی فرزند خدا شدن، مربوط به بازگشت عیسی و زمانی است که عیسی را آنگونه که هست خواهیم دید (اول یوحنا ۳: ۱ - ۳)

ت) فرزند خدا شدن عمل مقتدرانه خدا می‌باشد. کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که، هر که به خدا ایمان داشته باشد، از او تولد یافته است.
هنگامیکه من پیغام انجیل را شنیدم، بواسطه آنچه که از نسل والدینم به من رسیده بود، یا به خاطر علائق و اراده و تصمیم شخصی من نبود که فرزند خدا شدم، بلکه این فیض خدا بود. خدا از طریق روح‌القدس در قلب من عمل کرد و مرا نسبت به گناهانم ملزم کرده، حضور عیسی مسیح را برای من واقعی ساخت و به من هشدار داد که در صورتیکه عیسی را در زندگی خود نپذیرم داوری خواهم شد. خدای روح‌القدس در من کار تجدیدحیات را انجام داد و از آن زمان به بعد دائماً مرا تبدیل و تقدیس کرده است.

کشف ۲) در یوحنا ۱: ۱۶- ۱۷ حقیقت مهمی برای من در رابطه با تفاوت موجود بین شریعت و فیض وجود دارد. این قسمت می‌فرماید، "و از پری او جمیع ما بهره یافتیم و فیض به عوض فیض، زیرا شریعت به وسیله موسی عطا شد، اما فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح رسید". این آیات در مورد تفاوت واقعی میان شریعت و فیض تعلیم می‌دهند.
شریعت در عهد عتیق، متشکل از قوانین اخلاقی، تشریفاتی و مدنی (اجتماعی) بود. هیچ گونه مشکلی در رابطه با این شریعت وجود نداشت. خدا آن را به موسی عطا کرده بود. هدف از آن این بود که مردم بدینوسیله آماده پذیرفتن عیسی به‌عنوان مسیحای

موعود شوند. شریعت وضعیت گمراه مردم را به آنها نشان می‌داد و همینطور از قبل حکایت از نجات خدا می‌کرد. شریعت قادر به انجام دو کار نبود: قادر نبود آن فیضی را مهیا کند که انسان جهت بخشایش گناهانشان و همچنین در مواقع بحرانی به آن نیاز دارد. همچنین قادر نبود حقیقتی را عرضه دارد که واقعیت نمونه‌هایی را که بدان اشاره داشت، آشکار می‌کرد.
به عنوان مثال، شریعت ماهیت واقعی معبد عهد عتیق، کهانت، قربانیها و غیره را که تصاویر یا نمونه‌هایی از واقعیت‌های عهدجدید بودند، آشکار نکرد (کولسیان ۲: ۱۷؛ عبرانیان ۱۰: ۱). تنها عیسی مسیح قادر بود از طریق مرگ و قیامش، فیض و حقیقت را مهیا کند: فیض را جهت بخشش گناهان و حقیقت را جهت آشکار ساختن ماهیت واقعی نقشه نجات خدا. تنها عیسی مسیح مستحق فیض بود و تنها او تصاویر (نمونه‌های) شریعت عهد عتیق را به تحقق رساند.

<u>قدم ۳: سؤال</u>
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به اول تیموتاؤس ۶: ۳ - ۱۹ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برایشان پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۱: ۱- ۳) <u>"کلمه" کیست و چه کاری را انجام داد؟</u>
ملاحظات: کلمه، عنوان مهمی برای عیسی مسیح می‌باشد.

الف) <u>عیسی مسیح کلمه نامیده شده است، زیرا او خدا را آشکار و توصیف می‌کند.</u> در یك سخنرانی معمولی، کلمه بیان کننده افکار یك شخص و آشکار ساختن آن فکر به دیگران می‌باشد. به همین ترتیب عیسی مسیح کلمه نامیده می‌شود، زیرا بازگو کننده افکار و وجود درونی خدا بوده و خدا را به مردم آشکار می‌سازد. مسیح تجلی قابل رؤیت خدای نادیده می‌باشد (کولسیان ۱: ۱۵) و خدای پرجلال را به ما انسانها در قالب کلمات و وجود محدود بشری ما آشکار می‌سازد. تنها عیسی مسیح در نزد خدای پدر حاضر بوده است و به همین دلیل است که از افکار، نقشه‌ها و سخنان او آگاهی دارد. عیسی مسیح آنچه را که ما در رابطه با خدا و نقشه او نیاز داریم بدانیم، برای ما آشکار ساخته است (متی ۱۱: ۲۵- ۲۷).

ب) <u>عیسی مسیح خداست.</u> انجیل یوحنا مؤکد این حقیقت است که مسیح در رتبه‌ای پایینتر از خدا نبود (عبرانیان ۱: ۳؛ ۱ یوحنا ۵: ۲۰). او از ازل بوده و صاحب همان طبیعتی بوده است که خدای پدر دارا می‌باشد.

پ) <u>عیسی مسیح همواره با خدا بوده است.</u> او هیچوقت مخلوق نبوده است. جهت تأکید براین حقیقت، در آیات ۱ و ۲، افعال در زمان استمراری خود آمده‌اند. او از ازل به طور همیشگی وجود داشته و همواره در نزدیکترین نوع شراکت با خدای پدر بوده است. و از همان ازل به عنوان یك شخصیت مجزا از خدای پدر بوده است. بنابراین انجیل یوحنا بیانگر سه حقیقت در رابطه با عیسی مسیح می‌باشد: او دارای الوهیت کامل بوده، از ازل وجود داشته است، و در عین حال که در شراکت نزدیك و دائمی با خدای پدر می‌باشد به عنوان شخصیتی مجزا از او بوده است.

ت) <u>عیسی مسیح جهان را خلق کرد.</u> جهت تأکید بر این حقیقت که عیسی مسیح بدون استثنا همه چیز را خلق کرد، آیه ۳ از زمان گذشته فعل استفاده می‌کند. عیسی مسیح آسمانها را با ستارگان بی‌شمارش، و زمین و هر آنچه که در آن است، و همینطور انسانها را خلق کرد.

سؤال ۲) (یوحنا ۱: ۴- ۵) <u>"عیسی حیات و نور است" به چه مفهومی می‌باشد؟</u>
ملاحظات: عیسی مسیح، حیات نامیده می‌شود، زیرا صفات خدا را بازگو می‌کند. و او نور نامیده می‌شود، زیرا صفات خدا را متجلی و به صورت قابل رؤیتی آشکار می‌کند.
به منظور تأکید بر این حقیقت که از ازل مسیح دارای حیات بود، آیه ۴ از زمان استمراری فعل استفاده می‌کند. اصطلاح حیات، به کمال وجود خدا، به صفات پرجلالش (به عنوان مثال به علم، حکمت، صداقت)، به قدرت، حضور، قدوسیت، محبت، حاکمیت او بر هر چیزی و دیگر موارد اشاره می‌کند. این حیات صرفاً در برگیرنده حیات روحانی نیست، بلکه منشأ تمام حیات فیزیکی (جسمانی) و روحانی بر روی زمین است. این حیات همچنین منشأ مکاشفه عام و خاص خدا به بشر می‌باشد.
هنگامی که این حیات به طور قابل رؤیت متجلی می‌گردد، نور نامیده می‌شود. بنابراین عیسی مسیح مکاشفه و تجلی قابل رؤیت خدا و صفات پرجلال او می‌باشد (یوحنا ۱۴: ۹؛ کولسیان ۱: ۱۵). ما تنها از طریق عیسی مسیح می‌توانیم در مورد خدا و

محبتش آگاه شده، آن را تجربه کنیم. در طول دوران عهد عتیق، عیسی مسیح به عنوان نوری در نبوتها، وعده‌ها، دعوتها و تصاویر (نمونه‌های) عهدعتیق درخشان بود. به عنوان مثال بره فصح اشاره به عیسی مسیح داشت که خون او گناهان انسانها را پاك کرده و ایمانداران را از خشم خدا برحذر می‌دارد. قربانیهای روزانه در معبد، به مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب اشاره می‌کرد. ماری که بر روی تیری برافراشته شده بود، اشاره به صلیب عیسی مسیح می‌کرد. عیسی مسیح نه تنها در دوران عهدعتیق، بلکه در طول دوران عهدجدید نیز می‌درخشد. او فرمود، "هر که مرا دیده است، پدر را دیده است". تمام صفات، سخنان و اعمال عیسی مکشوف کننده خدای غیر قابل رؤیت می‌باشند.

سؤال ۳) (یوحنا ۱: ۹) <u>عیسی مسیح به چه طریقی همه انسانها را منور می‌سازد؟</u>
ملاحظات: وقتی که شخص پیغام انجیل را می‌شنود، عیسی او را منور می‌سازد. این بدین مفهوم است که عیسی مسیح به او فهم جهت درك امور روحانی را عطا می‌کند. شخص ممکن است متوجه شود که خدا به راستی وجود دارد. یا ممکن است متوجه شود که خود به راستی گناهکار است و در تاریکی زندگی می‌کند و خدا راه نجات را برای تمام کسانی که به او ایمان بیاورند، مهیا کرده است.
ولی چنین درك و فهمی صرفاً منجر به نجات نمی‌شود. بر اساس چهارچوب متن، متوجه می‌شویم که همه نجات نمی‌یابند. آیه ۵ می‌فرماید، همه این نور را تصاحب نکردند. (در ترجمه NIV به مفهوم درك نکردند، می‌باشد). آیه ۱۰ می‌فرماید، همه این نور را نشناختند (در ترجمه NIV: تشخیص ندادند). و آیه ۱۱ می‌فرماید، همه این نور را نپذیرفتند (در ترجمه NIV: دریافت نکردند). بسیاری از مردم، وقتی که پیغام انجیل را می‌شنود، ترجیح می‌دهند در تاریکی زندگی کنند. برخی از مردم نیز بر اساس فیض خدا، مسیح را به عنوان نجات دهنده خود دریافت می‌کنند و نجات می‌یابند. انجیل یوحنا در مورد کفاره‌ای محدود تعلیم می‌دهد که به این مفهوم است که همه در جهان نجات نمی‌یابند. این انجیل همچنین در رابطه با اطمینان نجات تعلیم می‌دهد که به این مفهوم است که هر که نجات می‌یابد، در وضعیت نجات یافته خود باقی می‌ماند.

سؤال ۴) (یوحنا ۱: ۱۰) <u>کلمه "جهان" به چه مفهومی است؟</u>
ملاحظات: کلمه "جهان" دارای معانی متفاوتی در انجیل یوحنا می‌باشد.

الف) یوحنا ۱۷: ۵؛ ۱: ۱۰. عیسی قبل از خلقت جهان در حضور خدا صاحب جلال بود و جهان توسط او خلق شد. در اینجا، جهان به مفهوم دنیایی است که در انتظام خلق شده است.

ب) یوحنا ۷: ۴. برادران عیسی می‌گفتند، عیسی باید خود را به جهان آشکار سازد. در اینجا، جهان به مفهوم، عموم مردم می‌باشد.

پ) یوحنا ۱: ۹؛ ۳: ۱۹. عیسی می‌فرماید که نور به جهان آمده است. در اینجا، جهان اشاره به بشر گمراه و گناهکاری می‌کند که دور از خدا، غرق در گناه، زیر محکومیت خدا و نیازمند نجات می‌باشد.

ت) یوحنا ۱: ۲۹. یوحنا می‌فرماید، عیسی بره خداست که گناه جهان را برمی‌دارد. در اینجا، جهان به مفهوم هر فردی که تا به حال در جهان زیست کرده است، نمی‌باشد، زیرا کتاب‌مقدس تعلیم نمی‌دهد که همه مردم نجات خواهند یافت. بلکه در این چهارچوب، جهان به مفهوم مردم گمراه و گناهکار از هر قبیله، ملت و زبانی بر روی زمین می‌باشد. در واقع این مفهوم، معادل مفهومی است که در قسمت ج، آمده است، با این تفاوت که در این قسمت به این حقیقت اشاره شده است که هیچ تمایزی بین مردم از نظر نژاد و ملیت وجود ندارد. بنابراین جهان، دربرگیرنده تمام مردم از تمام قبایل و ملل دنیا می‌باشد. معادل این مفهوم در یوحنا ۳: ۱۶ وجود دارد که می‌فرماید، خدا مردم را از هر قبیله، ملت و زبانی در دنیا دوست دارد.

سؤال ۵) (یوحنا ۱: ۱۴) <u>مفهوم کلمه "جسم" چیست؟</u>
ملاحظات: کلمه جسم، در انجیل یوحنا حاوی مفاهیم متفاوتی می‌باشد.

الف) یوحنا ۱: ۱۳- ۱۴. یوحنا می‌فرماید که شخص ایماندار از خدا متولد می‌شود، نه از جسم. در اینجا جسم، به مفهوم انسان یا طبیعت انسانی، بدون هیچ‌گونه ارزش منفی اخلاقی، می‌باشد. کار تجدیدحیات از ابتدا تا انتها کار خدا است، نه کار انسان. یوحنا همچنین در یوحنا ۱: ۱۴ می‌فرماید، عیسی جسم گردید. باز در این چهارچوب، جسم به مفهوم انسان یا طبیعت انسانی، بدون هیچ‌گونه ارزش منفی اخلاقی، می‌باشد. بنابراین عیسی اگرچه بدون گناه بود، ولی به خاطر لعنت گناه که بر بشر قرار داشت، تا زمان قربانی‌اش بر روی صلیب، مانند هر انسانی، خصوصیات طبیعتِ انسانی ضعیف را در خود داشت (مانند خستگی، درد، سختی و مرگ).

ب) یوحنا ۳: ۶. عیسی می‌فرماید، آنچه که از جسم مولود شده باشد، جسم است، و آنچه که از روح مولود شده باشد، روح است. در اینجا جسم به معنای طبیعت انسانی به عنوان جایگاه و وسیله‌ای برای خواسته‌های گناه‌آلود می‌باشد؛ و در واقع

اصطلاحی است که طبیعت انسان را آنطور که هست توصیف می‌کند. پولس رسول غالباً از کلمه جسم، در این مفهوم استفاده می‌کند.

پ) یوحنا ۶: ۵۱- ۵۶. عیسی می‌فرماید، "اگر جسد پسر انسان را نخورید و خون او را ننوشید، در خود حیات ندارید". در اینجا عیسی به طور مرموز و غیر مستقیم در رابطه با قربانی نیابتی خود بر روی صلیب صحبت می‌کند. وقتی عیسی می‌گوید که باید بدن او را بخوریم، منظورش این است که باید با ایمان آن را قبول کنیم تا صاحب حیات جاودان شویم.

ت) یوحنا ۸: ۱۵. عیسی می‌فرماید، فریسیان به حسب جسم حکم می‌کنند. در اینجا، جسم به ظاهر انسان و معیارهای انسانی اشاره می‌کند.

سؤال ۶) (یوحنا ۱: ۱۴، ۱۸). ما چگونه باید اصطلاح "پسر یگانه خدا" را درك کنیم؟
ملاحظات: اصطلاح پسر یگانه خدا به هیچ چیزی که وابسته و مربوط به دنیای انسانی باشد، و همچنین به هیچ نقطه آغازی در گذشته اشاره نمی‌کند. این اصطلاح به رابطه پدر و پسر در چهارچوب تثلیث، اشاره دارد. یوحنا ۳: ۱۶ این حقیقت را ثابت می‌کند که مسیح، پسر یگانه پدر قبل از تجسمش بود. در بهترین و قدیمی‌ترین نسخه‌های کتاب‌مقدس، به جای اصطلاح "پسر یگانه خدا" در یوحنا ۱: ۱۸، اصطلاح "خدای یگانه" آمده است. و به خاطر اینکه خدا ابدی است، اصطلاح "یگانه" اشاره به ابدی بودن مسیح به عنوان پسر خدا در چهارچوب تثلیث می‌کند. این بدین مفهوم است که مسیح از ازل پسر خدا بوده است. از ازل، خدای پدر، خدای پسر و خدای روح‌القدس در ارتباط منحصر به فردی، با هم بوده‌اند.

قدم ۴: بکار ببرید
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و
فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۱: ۱- ۱۸ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (یوحنا فصل ۱)

- ۱: ۱۲؛ صرفاً داشتن دانش و آگاهی در مورد عیسی مسیح کافی نیست. او را در قلب و زندگیتان بپذیرید.
- ۱: ۱۳؛ شخصی که از خدا مولود شده باشد، عیسی مسیح را در قلب و زندگیش می‌پذیرید.
- ۱: ۱۶؛ به واسطه پری و کاملیتی که در عیسی مسیح وجود دارد، برکات خدا را دریافت کنید. این برکات مانند موجهای دریا به سمت شما سرازیر می‌شود.
- ۱: ۱۷؛ مفهوم واقعی تصاویر (نمونه‌های) عهدعتیق، مانند معبد، قربانیهای خونی، و روز سبت، تنها توسط عیسی مسیح در دوران عهدجدید مکشوف شده است.
- ۱: ۱۸؛ عیسی مسیح خدای غیر قابل رؤیت را به ما آشکار می‌سازد.

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) من می‌خواهم به مسیحیان کمك کنم تا در مورد پذیرش عیسی مسیح در قلب و زندگی‌شان اطمینان داشته باشند. یوحنا فصل ۱ هشدار می‌دهد به این که در این جهان بسیاری هستند که تاریکی را بیشتر از نور دوست دارند. این افراد عیسی مسیح را نمی‌پذیرند، و ارزش حضور او را در زندگی‌شان درك نکرده، او را انکار می‌کنند. عیسی مسیح می‌فرماید، هر کس که او را قبول کند، در همان لحظه فرزند خدا می‌شود و در طول زندگی خود در شباهت به مسیح رشد می‌کند.

ب) من می‌خواهم دائماً تحت فیض و راستی زندگی کنم نه تحت شریعت. در اطراف خود افرادی را می‌بینم که این اعتقاد را دارند که مذهب و اعمال خوب باعث نجات آنها می‌شود. ولی یوحنا فصل ۱ تعلیم می‌دهد که اعمال شریعت قادر به بخشش و نجات ما نیست. مردم تنها زمانی نجات می‌یابند که عیسی مسیح را در قلب و زندگی خود بپذیرند، در این زمان است که زندگی‌شان معنا و مفهومی جدید پیدا خواهد کرد.

قدم ۵: دعا کنید در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۱: ۱- ۱۸ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروههای دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای يك فرد يا گروه، موضوع " یوحنا ۱: ۱- ۱۸" را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از يك فصل از مرقس ۱۵: ۱- ۱۶: ۲۰ و اول قرنتیان فصل ۱ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (فروتنی: فیلیپیان ۲: ۳- ۴) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۵

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **مرقس و اول قرنتیان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (مرقس ۱۵: ۱- ۱۶: ۲۰ و اول قرنتیان ۱) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: شخصیت مسیحی**

مرور: دو نفری مرور کنید. فروتنی: فیلیپیان ۲: ۳- ۴.

۴	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **عید قیام- جشنی که یاد آور رستاخیز (قیام) مسیح می باشد**

مقدمه: قیام، عیدی مسیحی است که در آن روز ما رستاخیز (قیام) عیسی مسیح را به یاد می‌آوریم. در این درس در رابطه با آنچه که کتاب‌مقدس در رابطه با قیام عیسی مسیح و تأثیر آن بر مسیحیان تعلیم می‌دهد مطالبی خواهیم آموخت. همچنین خواهیم آموخت که چگونه در مورد قیام او پیشگویی شده بود، چه اتفاقی در زمان قیام او افتاد، و چرا قیام او برای ما حائز اهمیت است.

الف - نبوتهای موجود در رابطه با قیام عیسی مسیح

۱- نبوتهای موجود در عهدعتیق در رابطه با قیام عیسی مسیح

الف) **بخوانید:** ایوب ۱۹: ۲۵- ۲۷.
تعلیم دهید: کتاب ایوب به احتمال زیاد قدیمی‌ترین کتاب در عهدعتیق و مربوط به سالهای ۱۹۰۰ سال قبل از میلاد می‌باشد. در چنین زمان دوردستی از تاریخ، ایوب می‌گوید که او در رابطه با قیام رهاننده خود در آینده (یعنی عیسی که خداست و بر زمین بر خواهد خاست)، و اینکه او خود نیز قیام خواهد کرد، آگاه می‌باشد. او می‌گوید: "می‌دانم که رهاننده من زنده است و در ایام آخر بر زمین خواهد برخاست و بعد از آنکه این پوست من تلف شود، بدون جسدم نیز خدا را خواهم دید."

ب) **بخوانید:** مزمور ۱۶: ۸- ۱۱.
تعلیم دهید: در حدود ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد، داود پادشاه گفت که خدا عیسی را در عالم اموات ترک نخواهد کرد، و قدوس خود را نخواهد گذاشت که فساد را ببیند (اعمال ۲: ۲۲- ۲۳).

پ) **بخوانید:** مزمور ۱۱۸: ۲۲- ۲۴.
تعلیم دهید: سنگی را که معماران رد کردند، همان "سنگ زاویه" شده است. سنگ زاویه، سنگ اصلی و بنیادین ساختمان بود. مسیحای موعود، که یهودیان او را رد کرده، مصلوبش کردند، منجی قیام کرده است. او سرنوشت تمام انسانهای روی زمین را مشخص خواهد نمود (متی ۲۱: ۴۲- ۴۴؛ ۱ پطرس ۲: ۴- ۸).

ت) **بخوانید:** اشعیا ۵۳: ۱۱- ۱۲. به ضمیمه ۱ مراجعه کنید.
تعلیم دهید: در حدود ۷۰۰ سال قبل از میلاد، اشعیای نبی نبوت کرد که بنده عادل خدا (عیسی) قیام کرده، تا ابد زیست خواهد کرد.

ث) **بخوانید:** اشعیا ۲۵: ۸.
تعلیم دهید: اشعیا همچنین در رابطه با قیام جسمانی انسانها نبوت کرد. او در حالیکه نظر به بازگشت عیسی مسیح داشت، نبوت کرده، گفت: "و موت را تا ابدالاباد نابود خواهد ساخت و خداوند یهوه اشکها را از هر چهره پاك خواهد نمود...". عیسی مسیح در زمان بازگشتش، هم عادلان و هم شریران را برمی‌خیزاند و آنان را بر اساس ایمان یا بی ایمانی‌شان داوری خواهد کرد. ایمانداران حیات ابدی را و بی ایمانان مجازات ابدی را وارث خواهند شد (متی ۲۵: ۴۶؛ اعمال ۲۴: ۱۵).

۲- <u>نبوتهای موجود در عهدجدید در رابطه با قیام عیسی</u>

تعلیم دهید: عیسی مسیح، بارها قبل از مرگ و قیامش، در مورد این دو واقعه پیشگویی کرد. در مرقس ۸: ۳۱، ۹: ۳۱ و ۱۰: ۳۳- ۳۴، او به وضوح نبوت کرد که سه روز پس از مرگش قیام خواهد کرد. عیسی مسیح در رابطه با طول زمان سخن نمی‌گوید (پس از سه روز کامل)، بلکه به نقطه خاصی از زمان اشاره می‌کند (در روز سوم پس از مصلوب شدنش) (یوحنا ۲: ۱۹، در سه روز).

ب - <u>وقایع مربوط به قیام عیسی مسیح</u>

۱- <u>زمان قیام عیسی مسیح</u>

بخوانید: مرقس ۱۶: ۱-۶.
تعلیم دهید: عیسی سه روز پس از مصلوب شدنش قیام کرد. او روز یکشنبه، صبح بسیار زود، که در کتاب مقدس "روز اول هفته" نامیده می‌شود، قیام کرد. به خاطر واقعه قیام عیسی در روز یکشنبه، مسیحیان در تمام جهان، عید قیام را در روز یکشنبه جشن می‌گیرند و هر یکشنبه جهت پرستش خدا با هم جمع می‌شوند.

۲- <u>زنانی که بر سر قبر آمدند.</u>

بخوانید: متی ۲۸: ۱؛ مرقس ۱۶: ۱؛ لوقا ۲۴: ۹-۱۰؛ یوحنا ۲۰: ۱-۲.
کشف و گفتگو کنید: روز یکشنبه، صبح زود، چند نفر زن بر سر قبر آمدند؟
ملاحظات: در میان نوشته‌های چهار انجیل، هیچ تناقضی در مورد واقعه رفتن زنان بر سر قبر وجود ندارد. لوقا اشاره می‌کند به اینکه بیش از سه زن در آنجا حضور داشتند، در حالیکه متی تنها به دو مریم اشاره می‌کند. مرقس در گزارش خود به سالومه، و لوقا به یونا اشاره می‌کند. یوحنا نیز فرض را بر این می‌گیرد که خوانندگانش از گزارشهای سه انجیل دیگر مطلع هستند. اگر چه یوحنا ۲۰: ۲ به بیش از یك زن اشاره می‌کند، یوحنا داستان خود را محدود به مریم مجدلیه می‌کند. همچنین هیچ تناقضی بین نوشته‌های چهار انجیل در رابطه با زمانی که زنان بر سر قبر رفتند وجود ندارد. زمانیکه زنان شروع به رفتن کردند هنوز هوا تاریك بود (یوحنا)، و زمانیکه بر سر قبر رسیدند آفتاب تازه طلوع کرده بود (مرقس).

۳- <u>نگهبانانی که سر قبر بودند.</u>

بخوانید: متی ۲۷: ۶۲- ۲۸: ۱۵.
کشف و گفتگو کنید: چگونه وجود نگهبانان سر قبر، این حقیقت تاریخی را که عیسی به راستی قیام کرده است به طور قوی اثبات می‌کند؟
ملاحظات: به منظور اینکه بدن عیسی دزدیده نشود، فرماندار، از رؤسای کهنه و فریسیان خواست که سنگ را مختوم کرده، نگهبانانی جهت محافظت آن مقرر کنند. قبر با مهر امپراطوری روم و نقش و نشان پیلاطس مختوم شد. نگهبانانی متشکل از ده الی سی سرباز رومی در قسمت بیرونی قبر قرار گرفته بودند تا هیچ کس نتواند به آن نزدیك شود. البته در زمان وقوع زلزله، که همزمان با قیام مسیح واقع شد، این سربازان وحشت زده شده، فرار کردند. سپس رهبران مذهبی یهود به این سربازان مقدار زیادی رشوه دادند تا این شایعه را پخش کنند که زمانیکه شب هنگام آنها خواب بودند، شاگردان، بدن عیسی را دزدیدند. البته سربازان رومی جرأت نمی‌کردند از وظیفه خود تخطی کرده، به خواب بروند. در هر صورت امروزه این شایعه که بدن عیسی قیام نکرده بلکه دزدیده شده است، کماکان توسط برخی از مردم پخش می‌شود.

۴- <u>سنگی که قسمت ورودی قبر را بسته بود.</u>

بخوانید: مرقس ۱۵: ۴۶- ۱۶: ۴؛ متی ۲۸: ۲
کشف و گفتگو کنید: چه کسی سنگی را که قسمت ورودی قبر را بسته بود، غلطاند؟
ملاحظات: یك سنگ گرد و مسطح، قسمت ورودی قبر را بسته بود. این سنگ به حدی سنگین بود که جهت غلطاندن آن، نیاز به چهار مرد نیرومند بود.

در متی می‌خوانیم که در ابتدا زلزله‌ای واقع شد و بعد فرشته خداوند از آسمان نازل شد. این فرشته سنگ را از شیاری که در آن قرار گرفته بود غلطاند به صورتی که این سنگ به پهلو بر زمین قرار گرفت. سپس فرشته روی آن سنگ نشست. غلطانده شدن سنگ از قسمت ورودی قبر به سمتی دیگر بدون کمك هیچ انسانی، نشانه‌ای از غلبه خدا بر مرگ بود. زنان شاهد این ماجرا نبودند بلكه تنها نتیجه آن را دیدند. فرشته سنگ را غلطانده بود نه به خاطر این که عیسی از قبر بیرون بیاید بلكه به این دلیل که زنان و دیگران بتوانند وارد قبر شوند.

۵- فرشتگانی که سر قبر بودند.

بخوانید: متی ۲۸: ۲-۳؛ مرقس ۱۶: ۵؛ لوقا ۲۴: ۴؛ یوحنا ۲۰: ۱۱-۱۲.
کشف و گفتگو کنید: چند نفر فرشته سر قبر بودند؟
ملاحظات: متی به یك فرشته که روی سنگ قبر نشسته بود، مرقس به یك فرشته که در طرف راست قبر نشسته بود، و لوقا به دو فرشته که به طور ناگهانی در مقابل زنان در داخل قبر ایستادند، اشاره می‌کنند. یوحنا این موضوع را عنوان می‌کند که مریم مجدلیه کمی پس از آن، دو فرشته را در داخل قبر مشاهده کرد. در بین چهار انجیل هیچ تناقضی در رابطه با تعداد فرشتگان وجود ندارد، زیرا متی و مرقس بیان نمی‌کنند که تنها یك فرشته وجود داشت. حداقل دو فرشته در این واقعه وجود داشت که با زنان نیز سخن گفتند.

۶- پارچه کتانی که در قبر وجود داشت.

بخوانید: یوحنا ۱۹: ۳۸- ۲۰: ۹؛ مرقس ۱۶: ۱-۸؛ لوقا ۲۴: ۱-۱۲.
کشف و گفتگو کنید: چگونه پارچه کتانی داخل قبر، بدون وجود بدن عیسی در آن، می‌تواند حقیقت تاریخی قیام عیسی را به طور قوی اثبات کند؟
ملاحظات: بر طبق رسم آن زمان، یوسف رامه‌ای و نیقودیموس بدن عیسی را در پارچه‌ای کتانی که با مواد خوشبو معطر شده بود، پیچیدند. پس از آن او را در قبری تازه که متعلق به یوسف بود قرار دادند. زمانیکه زنان به سر قبر رسیدند، متوجه شدند که سنگ جلوِ قبر، به سمتی دیگر غلطانده شده است. فرشتگان آنها را به سمت داخل قبر هدایت کردند تا مکانی را که عیسی بر آن قرار گرفته بود مشاهده کنند. و وقتیکه ایشان داخل شدند و بدن عیسی را نیافتند، ترسان و لرزان از قبر خارج شده و از آن مکان دور شدند. در ابتدا به هیچ کس چیزی در این مورد نگفتند (مرقس)، ولی پس از آن، شاگردان عیسی را از این امر مطلع ساختند. مریم مجدلیه فکر می‌کرد که بدن عیسی به جای دیگری منتقل شده است. او با سرعت به نزد پطرس و یوحنا رفته، موضوع را به آنان گفت (یوحنا). زنان دیگر نیز این موضوع را به شاگردان دیگر عیسی اطلاع دادند، ولی ایشان سخنان زنان را افسانه پنداشته، باور نکردند (مرقس و لوقا).
در همان حین، پطرس و یوحنا به سمت قبر دویدند . وقتیکه داخل قبر شدند، پارچه کتانی را که دور عیسی پیچیده شده بود، دیدند بدون اینکه بدن عیسی در آن باشد. آنها همچنین پارچه‌ای را که دور سر عیسی پیچیده شده بود، و جدا از پارچه دیگر بود، دیدند (یوحنا).
پارچه‌های کتان که کماکان به شکل پیله ابریشم خالی مانده بود، نشان‌دهنده این است که به‌هنگام قیام مسیح، این پارچه‌ها نمی‌توانستد بدن عیسی را نگاه دارند. این موضوع که پارچه‌های کتان حتی پس از قیام مسیح دست‌نخورده در داخل قبر بود (اما به شکل پیله‌ای خالی)، به طور قوی این حقیقت را ثابت می‌کند که هیچ کدام از شاگردان یا دشمنان عیسی، بدن او را از آنجا برنداشته بود. این شواهد برای پطرس و یوحنا جهت ایمان آوردن به این واقعه کافی بود. آنها شاهد اموری بودند که خدا اجازه داده بود اتفاق بیفتد تا بدین وسیله ایمان آنها تقویت شود. از آن زمان به بعد کلام خدا نیز دارای مفهوم دیگری برای آنها شد. قبلاً آنها قسمت‌هایی از کلام را مانند مزمور ۱۶: ۱۰-۱۱، مزمور ۱۱۸: ۲۲-۲۴ و اشعیا ۵۳: ۱۱-۱۲ درك نکرده بودند. ولی پس از این واقعه، مفهوم این قسمت‌ها برای آنها آشکار شد. آنها فهمیدند که قیام عیسی مسیح یکی از الزامات الهی بود (لوقا ۹: ۲۲، ۴۴-۴۵؛ ۱۸: ۳۱-۳۴؛ ۲۲: ۳۷؛ ۲۴: ۴۴). پس از پنطیکاست، این حقیقت حتی بیشتر از قبل برای آنها آشکار شد.

۷- ملاقات در جلیل

بخوانید: متی ۲۸: ۵-۷، ۱۶-۱۷؛ لوقا ۲۴: ۳۳-۳۶؛ یوحنا ۲۰: ۱۷-۲۰.
کشف و گفتگو کنید: عیسی مسیح پس از قیامش، شاگردان خود را در کجا ملاقات کرد؟
ملاحظات: فرشته‌ها به زنان گفتند که عیسی قبل از شاگردانش به جلیل می‌رود. البته چنین به نظر می‌رسد که اولین ظهورات عیسی بر مردم پس از قیامش، در اورشلیم بود، نه در جلیل. این موضوع بیانگر نوعی تناقض نیست، زیرا عیسی قادر به انجام کارهایی ورای آنچه که وعده داده هست می‌باشد. البته وقتی که بعدها به جلیل رفت، شاهدی دال بر این حقیقت وجود ندارد که او قبل از شاگردانش به جلیل نرسیده باشد.

۸- **<u>شاهدین عینی قیام عیسی مسیح</u>**

بخوانید: اعمال ۱: ۳؛ مرقس ۱۶: ۹-۱۴؛ اول قرنتیان ۱۵: ۱-۸..
کشف و گفتگو کنید: چگونه این موضوع که عیسی پس از قیام خود بر افراد مختلف ظاهر شد، این حقیقت تاریخی را اثبات می‌کند که او به راستی قیام کرده بود؟
ملاحظات: قیام عیسی مسیح در خفا صورت نگرفت. در عین حال که علوم طبیعی متکی به آزمایشها و اثبات تجربی یك موضوع هستند، علوم تاریخی متکی به شهادت شاهدین قابل اعتماد می‌باشد. صدها نفر شاهد واقعه قیام بودند. بنابراین واقعه قیام یك حقیقت تاریخی غیر قابل انکار می‌باشد، و علوم طبیعی مدرن هیچ توضیح و دلیلی برای این واقعه مافوق الطبیعی ندارند.
در اعمال ۱: ۳ می‌خوانیم که عیسی پس از زحماتش، خود را به طور خاص به شاگردان خود آشکار کرد و به آنها دلایل متقاعد کننده زیادی دال بر زنده بودنش نشان داد. او به مدت چهل روز بر آنها آشکار شد. هنگامیکه شما چهار انجیل را همزمان با هم مطالعه کنید، متوجه خواهید شد که در روز یکشنبه‌ای که او قیام کرد، حداقل پنج بار خود را به اشخاص آشکار کرد. ابتدا در صبح آن روز، او به مریم مجدلیه در کنار باغ نزدیك به قبر، (یوحنا ۲۰)، سپس به زنان دیگری که قبر خالی را مشاهده کرده بودند، ظاهر شد (متی ۲۸). در بعد از ظهر آن روز او به پطرس و سپس به دو نفر از پیروانش در راه عموآس ظاهر شد (لوقا ۲۴). در عصر آن روز او به شاگردانش به جز توما (لوقا ۲۴)، و یك هفته پس از قیام، به تمام شاگردانش که توما هم در بین آنها بود، ظاهر شد (یوحنا ۲۰). پس از آن خود را به افراد زیر ظاهر ساخت: به هفت نفر از شاگردان در کناره دریای طبریه (یوحنا ۲۱)، بر یازده شاگرد بر روی کوه جلیل (متی ۲۸)، به بیش از ۵۰۰ نفر از برادران، به یعقوب، و جمیع رسولان (اول قرنتیان ۱۵: ۶-۷)، به رسولان در اورشلیم (اعمال ۱: ۴)، به یازده شاگرد بر کوه زیتون در زمان صعودش (اعمال ۱: ۶)، و در نهایت به پولس در راه دمشق (اول قرنتیان ۱۵: ۸).
قیام عیسی یك حقیقت تاریخی بنیادین می‌باشد.

پ - <u>اهمیت قیام عیسی مسیح برای ما</u>

تعلیم دهید: هیچ پیامبری که در طول تاریخ وجود داشته یا ادعای پیامبری کرده است، تا به حال از میان مردگان قیام نکرده است. تمام پیامبران مذاهب دیگر کماکان در قبر خود آرامیده‌اند. عیسی مسیح، تنها انسانی است که از میان مردگان برخاسته و زنده است. این موضوع اثبات کننده این حقیقت است که عیسی مسیح بزرگترین پیامبر تمام اعصار می‌باشد. قیام او ثابت کننده این حقیقت است که خدا مرگ او را به عنوان کفاره‌ای برای گناهان بشر قبول کرده و از تمام ادعاهای او را تأئید کرده است.
قیام عیسی مسیح تجلی قابل رؤیت مقام پرجلال او، شاهدی بر معتبر بودن تمام ادعاهای او، و اعلام قوی و مؤثر حقیقی بودن تمام تعالیم او می باشد.

۱- **<u>اولین نتیجه قیام مسیح</u>**

بخوانید: فیلیپیان ۲: ۵-۱۱؛ اول قرنتیان ۱۵: ۴۲- ۴۶؛ رومیان ۱: ۳-۴.
تعلیم دهید: اولین نتیجه قیام و جلال یافتن مسیح در رفیع‌ترین جایگاه در عالم هستی، این حقیقت را آشکار کرد که خدای پدر کار تکمیل شده نجات توسط مسیح را قبول کرده است. چون عیسی مسیح خود را فروتن ساخته تا به موت صلیب مطیع گردید، از این جهت خدا نیز او را به غایت سرافراز نمود و نامی را که فوق از جمیع نامهاست بدو بخشید تا به نام او هر زانویی خم شود.

الف) <u>طبیعت انسانی عیسی مسیح قبل و پس از قیامش</u>
رومیان ۱: ۳-۴ تعلیم می‌دهد که این جایگاه رفیع عیسی مسیح چه خصوصیاتی داشت. جهت درك رومیان ۱ :۲- ۴، بیان ساده زیر از همین آیات به ما کمك خواهد کرد: "انجیل خدا مربوط است به پسر ابدی خدا در دو مرحله زمانی از طبیعت انسانی او: پیش و پس از قیامش".

۱) <u>طبیعت انسانی او پیش از قیامش.</u> پسر ابدی خدا به دنیا آمد. این بدان معنی است که او بدون کنار گذاشتن طبیعت الهی‌اش، طبیعتی انسانی بر خود گرفت. این عمل "تجسم یا حقیر شدن" خوانده می‌شود. به خاطر اینکه عیسی از نسل داود بود، طبیعت انسانی او به صورت بدنی با تمام ضعفهای انسانی نمایانگر شد.
۲) <u>طبیعت انسانی او پس از قیامش.</u> پسر ابدی خدا در مقام "پسر قدرتمند خدا" مقرر شد. این را "وضعیت جلال‌یافته او" می‌نامند. به دلیل قیام عیسی از مردگان، وجه مشخصه این بعد از طبیعت انسانی او، "روح کامل قدوسیت" بوده است . مقرر گشتن او در مقام "پسر قدرتمند خدا"، همچنین به خداوندی او اشاره دارد، که وجه مشخصه آن قدرت کامل روح‌القدس می‌باشد. بنابراین او "عیسی مسیح خداوند ما" نامیده می‌شود.

ب) تناقض موجود میان رومیان ۱: ۳ و ۱: ۴.
این تناقض میان طبیعت انسانی و الهی مسیح نیست، زیرا عیسی مسیح به طور ابدی پسر خدا و دارای طبیعت الهی میباشد. آیه ۳ بازگوکننده این حقیقت است که انجیل خدا در رابطه با "پسر" میباشد. اصطلاح "پسر" در این آیه اشاره به طبیعت الهی و ابدی عیسی میکند که قبل از تجسم، بههنگام قیام و پس از قیامش آن را دارا بوده است. تقابل موجود میان آیات ۳ و ۴ بیشتر میان دو عنصر موجود بین طبیعت انسانی او، یکی پس از تولد و دیگری پس از قیامش میباشند. در هر دو برهه از زمان، این دو عنصر طبیعت انسانی او، قابل تفکیك از طبیعت الهی او نمیباشند. تضاد موجود، میان "پست و حقیر بودن " طبیعت انسانی عیسیِ پس از تولد، و "جلال یافتن " این طبیعت پس از قیام او از میان مردگان میباشد. آیه ۳ توصیفکننده جایگاهی است که عیسی در زمان تولدش داشت، در حالیکه آیه ۴ بیانگر جایگاهی است که در نتیجه قیام از مردگان آن را کسب کرد.

۱) در آیه ۳، عیسی مسیح به عنوان پسر خدا به تصویر کشیده شده است که با تولدش طبیعت انسانی بر خود گرفت. اولین بُعد تجسم مسیح، بین تولد و قیامش میباشد که مؤکد این حقیقت است که عیسی مسیح کاملاً انسان و دارای بدنی جسمانی بود. واقعه تاریخی تولد عیسی، بیانگر این موضوع است که او از نظر تاریخی از نسل داود و از قبیله یهودا بود که زیر شریعت یهود، و از یك باکره به دنیا آمد. او از طریق تولدش، به طور کامل طبیعت انسانی را مشابه طبیعت انسانی یك انسان سقوط کرده بر خود گرفت، با این تفاوت که او مانند دیگر انسانها مرتکب گناه نشد. طبیعت انسانی عیسی، نه به دلیل اینکه در او گناهی بود، بلکه به خاطر گناهان بشر خطاکار و اینکه به خاطر گناهان آنها بر روی صلیب مصلوب میشد، طبیعتی ضعیف و ناتوان بود.
۲) در آیه ۴، عیسی مسیح به عنوان پسر ابدی خدا به تصویر کشیده شده است که توسط قیامش در جایگاه رفیع خداوندی قرار گرفت. دومین بُعد تجسم مسیح، پس از قیامش بود، که وجه مشخصه آن، "روح بودن آن" به طور کامل (روح قدوسیت به مفهوم روحالقدس است) میباشد. واقعه تاریخی قیام مسیح، او را از نظر شرایط تاریخی و ابدی، درجایگاهی قرار داد که کاملاً تحت تسلط روحالقدس بود. عیسی مسیح بهواسطه قیامش، طبیعت انسانی ضعیف خود را کنار گذاشته، با گناه و مرگ قطع رابطه کرد. از آن زمان به بعد طبیعت انسانی او تغییر شکل یافته، به طور کامل تحت کنترل روحالقدس قرار گرفته و با او یك شده است. به همین دلیل است که در دوم قرنتیان ۳: ۱۷ نوشته شده است، "خداوند (مسیح) روح است." در اول قرنتیان ۱۵: ۴۶، مسیح، "روح حیاتبخش" نامیده شده است. به همین ترتیب، در رومیان ۱: ۴، وجه مشخصه طبیعتِ قیام کرده انسانی او، "روح قدوسیت" میباشد. او پیروزمندانه در جایگاه و مقام قدرتمندی قرار گرفت، به طوری که ورای تمام آن چیزهایی بود که در زمان تجسم او بر زمین به خاطر محدودیتهای طبیعت انسانیاش به او نسبت داده شده بود (متی ۲۸: ۱۸). پس از قیام، طبیعت انسانی عیسی مسیح، خداوندی کامل قدرت روحالقدس میباشد.

۲- دومین نتیجه قیام مسیح

بخوانید: یوحنا ۲: ۱۸- ۲۲؛ مرقس ۱۴: ۵۷- ۵۸.
نتیجه دوم قیام مسیح این بود که عیسی معبدی جدید با نظام جدید پرستشی، بنیان گذاشت. این معبد، کلیسا است که در آن خدای پدر در روح و راستی پرستش میشود.
تعلیم دهید: یوحنا ۲: ۱۸- ۲۲ مرگ عیسی تفسیر و تعبیر میکند؛ این تفسیر در قالب موضوع خراب شدن معبد زمان عهد عتیق با تمام مراسم و آیینهای آن صورت میگیرد؛ همین آیهها قیام عیسی را در رابطه با ساختن معبدی جدید با پرستش مخصوص به آن بررسی میکند.

الف) تصویر و مفهوم آن
مفهوم عیسی از این جمله چه بود: "این قدس (معبد) را خراب کنید و من در سه روز آن را بر پا خواهم نمود"؟ این جمله تصویری است در عهدجدید در رابطه با مرگ و قیام مسیح. عیسی مسیح بیش از سه سال قبل از مصلوب شدن و قیامش، این نبوتِ مهم را در رابطه با مرگ و قیامش کرد. این نبوت به شکل یك معما بود، زیرا کلمات موجود در آن هر کدام دارای دو مفهوم بودند. کلمه "معبد" ممکن است هم اشاره به "معبد ساخته شده به سنگها" در اورشلیم، و هم اشاره به " معبد بدن" داشته باشد. کلمه "خراب کردن" می تواند هم اشاره به "در هم کوبیدن " ساختمان، و هم اشاره به "از بین بردن " بدن داشته باشد . و کلمه "برپا نمودن" ممکن است هم اشاره به "بنای مجدد" یك ساختمان، و هم اشاره به "قیام" بدن بکند.
پس مفهوم تمام این جمله بدین صورت است: "اگر چه توسط مصلوب کردن من، شما یهودیان معبد بدن مرا از بین می برید، من در سه روز قیام خواهم کرد. و اگر چه در نتیجه کشتن من، شما همچنین معبدهای سنگی خود و تمام آیینهای مذهبی مربوط به آن را در هم می کوبید، من با قیام خود معبدی جدید با شیوههای جدید پرستش بنا خواهم کرد. منظور عیسی بنای کلیسا بود که در آن خدای پدر در روح و راستی پرستش خواهد شد (یوحنا ۴: ۲۳- ۲۴).

ب) تصویر نمیتواند جدا از تحقق خود باشد.
در اصطلاح الهیاتی، "نمونه نمیتواند از اصل خود جدا باشد". نمونه یعنی شخص، واقعه یا چیزی که به عنوان یك تصویر عمل میکند. در واقع نمونه، تصویر واقعهای در آینده میباشد، که اصل نامیده میشود. خیمه یا معبد اسرائیل، به عنوان مکانی که خدا در آن سکونت می کرد، یك تصویر میباشد. و بدن عیسی که به مفهومی برتر، محل سکونت خدا میباشد، تحقق این

تصویر می باشد (یوحنا ۱: ۱، ۱۸؛ ۱۴: ۹-۱۰؛ کولسیان ۱: ۱۵؛ ۲: ۹). بنابراین هر کس که بدن عیسی مسیح را رد کند یا آن را تخریب نماید، معبد اورشلیم را با تمام سیستم پرستشی آن تخریب خواهد کرد.
هنگامی که عیسی مسیح مصلوب شد، ساختمان معبد و تمام سیستم پرستشی آن دیگر مفهوم خود را از دست داد. به همین دلیل است که وقتی که عیسی بر روی صلیب مرد، پرده معبد از میان شکافت (متی ۲۷: ۵۱). بر اساس این واقعه، پس از قیام مسیح، مسیحیان موعظه کرده، می‌گفتند که ساختمان معبد دیگر هیچ نوع عملکردی ندارد (اعمال ۲: ۴۸-۵۰؛ ۱۷: ۲۴-۲۵). در سال ۷۰ میلادی، جنایت وخیم مصلوب کردن عیسی، منجر به خرابی اورشلیم و معبد سنگی آن شد (لوقا ۱۹: ۴۱-۴۴). از زمان مرگ عیسی، ایمانداران یهودی و غیریهودی قادر بوده‌اند که به طور مستقیم با خدای پدر، توسط فرزندش عیسی مسیح، ارتباط داشته باشند (افسسیان ۲: ۱۸؛ ۳: ۱۲).

پ) قیام بدن عیسی مسیح دلالت بر بنای کلیسا دارد.
در زمان محاکمه عیسی، سخنان او به‌طور تحت‌اللفظی مورد تعبیر قرار گرفت و شاهدان تصور کردند که منظور عیسی، ویرانی معبد اورشلیم و بنای معبدی جدید در اورشلیم بوده است، به همین جهت شهادتی که بر علیه او در این رابطه داده شد، شهادتی دروغ بود. در واقع منظور عیسی، بنای "معبدی جدید بود که به دست انسانها ساخته نمی‌شود" (مرقس ۱۴: ۵۸) و با سنگ و مصالح فیزیکی بنا نمی‌گردد. این "معبدِ دیگر" اشاره به کلیسا دارد که متشکل از انسانها (و نه ساختمانهای کلیسا) می‌باشد. در عهد جدید، کلیسا یا بدن ایمانداران به عنوان معبد خدا در نظر گرفته شده است (اول قرنتیان ۳: ۱۶-۱۷؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۶؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۴؛ ۱ پطرس ۲: ۴- ۱۰). کلیسا یا معبد عهدجدید، مکانی است که خدا توسط روحش در آن ساکن می‌باشد (افسسیان ۲: ۲۱- ۲۲). و سنگهای زنده‌ای که توسط آنها معبد عهدجدید بنا شده است، مسیحیان از تمام ملل می‌باشند (اول پطرس ۲: ۹- ۱۰).

ت) مردم متوجه نشدند که این تصویر اشاره به معبد اورشلیم داشته و تحقق آن مربوط به قیام عیسی بود.
یهودیان در یوحنا فصل ۲، تنها شاهد معبد سنگی اورشلیم بودند که بنای آن به مدت ۴۶ سال به طول انجامیده بود. اگر کلام را با قلبی با ایمان مطالعه کرده بودند، متوجه می‌شدند که معبد اورشلیم، با وسایل و مراسم آن، صرفاً تصویری (نمونه‌ای) بود که به زودی خراب می‌شد. قسمتهای دیگر عهدعتیق بیانگر این حقیقت هستند که ساختمان معبدی که در عهدعتیق وجود داشت، به همراه تابوت عهد و قربانیهای آن، تماماً موقتی بودند.

۱) اول پادشاهان ۸: ۲۷ و ۲ تواریخ ۲: ۵- ۶ به وضوح تعلیم می‌دهند که خدای زنده که خالق جهان است، در معبد ساخته شده به دست انسانها ساکن نمی‌شود. به همین دلیل است که استیفان و پولس تعلیم دادند : "خدایی که جهان را و هر آنچه که در آن است آفرید، چونکه او مالك آسمان و زمین است، در هیکلهای ساخته شده به دستها ساکن نمی‌باشد" (اعمال ۷: ۴۸- ۴۹؛ ۱۷: ۲۴- ۲۵).
۲) در ارمیا ۳: ۱۶، ارمیا نبوت کرد که تابوت عهد دیگر ذکر نشده، به یاد مردم آورده نخواهد شد و بار دیگر ساخته نخواهد شد.
۳) عبرانیان ۱۰: ۵- ۷ نقل قولی از مزمور ۴۰: ۶- ۷، بر اساس عهدعتیق یونانی می‌باشد. این قسمت می‌فرماید، : "تو قربانی و هدیه را نخواستی، بلکه جسدی برای من مهیا ساختی. به قربانی سوختنی و قربانیهای گناه رغبت نداشتی. آنگاه گفتم، اینك می‌آیم تا اراده تو را ای خدا به جا آورم." این قسمت تعلیم می‌دهد که مرگ عیسی مسیح، تحقق قربانیهای عهد عتیق بود.
نه تنها یهودیان، بلکه شاگردان عیسی نیز متوجه نبودند که "معبدی" که عیسی در مورد آن در یوحنا فصل ۲ سخن می‌گفت، معبدِ بدن خود بود. آنها مفهوم روحانی سخنان عیسی را فقط زمانی درك کردند که او در روز سوم پس از مرگش قیام فرمود.

۳- سومین نتیجه قیام مسیح

بخوانید: متی ۲۸: ۱۸؛ یوحنا ۱۳: ۳؛ افسسیان ۱: ۲۰- ۲۳؛ فیلیپیان ۲: ۸- ۱۱؛ اول پطرس ۳: ۲۱- ۲۲.
تعلیم دهید: نتیجه سوم قیام مسیح این است که مسیح جهان را در جهت منفعت کلیسا فرمانروایی می‌کند.
عیسی مسیح قیام کرد و الآن در دست راست خدای پدر نشسته است تا هم بر جهان و هم بر کلیسای روی زمین فرمانروایی کند. خدا همه چیز را زیر پایهای او قرار داد. و او را مقرر کرد تا حاکم و فرمانروا بر هر مقام و موقعیتی در تاریخ، در هر برهه از زمان باشد. تمام فرشتگان آسمان و تمامی ریاسات و قدرتهای روی زمین تحت حاکمیت او هستند. او سر کلیسا و حاکم بر تمام جهان می‌باشد. او قادر است تمام اتفاقات جهان و وقایع مربوط به تاریخ آن را طوری هدایت کند که در جهت منفعت کلیسا خدمت کنند. عیسی مسیح که خداوندِ قیام کرده است، "پادشاه پادشاهان" و "خداوند خداوندان" می‌باشد. هیچ اتفاقی بر روی زمین، خارج از کنترل و اجازه او به وقوع نمی‌پیوندد.

۴- <u>چهارمین نتیجه قیام مسیح</u>

بخوانید: رومیان ۶: ۴-۷.
تعلیم دهید: چهارمین نتیجه قیام مسیح این است که او در زمان حاضر، به مسیحیان حیاتی جدید و تقدیس شده، عطا می‌کند. ایمانداران، به وسیله ایمان (رومیان ۱:۵؛ افسسیان ۱: ۱۳)، از نظر روحانی در مرگ و قیام مسیح شریك هستند. شراکت آنها با قیام مسیح در رومیان ۶: ۴- ۷، اولاً به زندگی قیام کرده و تازه آنها با مسیح و ثانیاً به قیامت بدنهای آنها در آینده اشاره دارد. بر اساس رومیان ۶: ۵ متوجه می شویم که شراکت روحانی در مرگ و دفن مسیح، از شراکت روحانی در قیام او قابل تفکیك نمی‌باشد. وقتی صحبت از زمان آینده می‌شود، منظور انجام عملی در آینده نیست بلکه قطعیت حقیقتی در زمان حال می‌باشد. این حقیقتی قطعی است که مسیحیان در مرگ و دفن مسیح شریك بوده‌اند و این موضوع به "عادل شمردگی آنها از نظر قانونی" منجر شده است. به همین صورت مسیحیان در قیام مسیح شریك شده‌اند و این موضوع منجر به "قداست آنها از نظر اخلاقی" شده است. "عادل شمردگی از نظر قانونی" به این مفهوم است که ایمانداران از جریمه گناهانشان آزاد شده، بخشیده شده، و عادل شمرده شده‌اند. "قداست از نظر اخلاقی" به این مفهوم است که ایمانداران از قدرت گناه آزاد شده، دیگر تحت تسلط طبیعت گناهکارشان نیستند و قادرند که در مسیر تقدیس رشد کنند. مرگ عیسی مسیح به عنوان کفاره گناهان، برای عادل شمردگی ایمانداران حائز اهمیت است و قطعاً منجر به عادل شمردگی آنان شده است. به همین طریق، زندگی قیام کرده عیسی مسیح برای داشتن زندگی مقدس لازم است و قطعاً منجر به تقدس ایمانداران می‌شود. مسیحیان، قطعاً، زمانی که بر روی زمین هستند در شباهت به عیسی، در تقدس رشد خواهند کرد. تمام گفتگوی که در رومیان فصل ۶ مطرح شده است، حول ارتباط ضروری میان عادل شمردگی و تقدس می‌باشد.

۵- <u>پنجمین نتیجه قیام مسیح</u>

بخوانید: یوحنا ۵: ۲۸- ۲۹؛ فیلیپیان ۳: ۲۰- ۲۱؛ اول قرنتیان ۱۵: ۴۲- ۵۴.
تعلیم دهید: پنجمین نتیجه قیام مسیح این است که قیام او، قیامت بدنهای مسیحیان را در آینده تضمین می‌کند. قیام عیسی، ضامنی است بر اینکه بدنهای مسیحیان نیز از میان مردگان قیام خواهند کرد. در زمان بازگشت عیسی مسیح، تمام مسیحیانی که مرده‌اند، قیام کرده و با روحهای ابدی خود یك می‌شوند. و تمام مسیحیانی که در زمان بازگشت مسیح زنده باشند، در لحظه‌ای متبدل می‌شوند. بنابراین تمام مسیحیان مانند عیسی مسیح، زندگی پرجلالی در روحها و بدنهای فانی خود خواهند داشت.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - <u>تعهد</u> - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - <u>برای یك فرد یا گروه</u>، موضوع " قیام- عیدی که یادآور قیام مسیح از مردگان می‌باشد " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - <u>رازگاهان</u> - هر روز نیمی از یك فصل از اول قرنتیان ۲- ۵ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - <u>حفظ کردن</u> - هر روزه ۵ آیه حفظی را در مورد " شخصیت مسیحی " مرور کنید.
۵ - <u>بررسی کتاب مقدس</u> - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱: ۱۹- ۵۱) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
۶ - <u>دعا</u> - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۷ - <u>آموخته های جدید</u> مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۶

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **اول قرنتیان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اول قرنتیان ۲- ۵) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: شخصیت مسیحی**

مرور: دو نفری ۵ آیه حفظی را که در مورد "شخصیت مسیحی" است، مرور کنید.

۴	**بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه)** **یوحنا ۱: ۱۹- ۵۱**

مقدمه: یوحنا فصل‌های ۱- ۱۲ مربوط به خدمت عمومی عیسی مسیح می‌شوند. یوحنا ۱: ۱۵- ۲: ۱۲ در باره کلمه، عیسی مسیح و ظهور او بر یحیی و شاگردان توضیح می دهد.

<u>قدم ۱: بخوانید</u>
بخوانید: یوحنا ۱: ۱۹- ۵۱ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت یك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

<u>قدم ۲: کشف کنید</u>
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

<u>کشف ۱)</u> در یوحنا ۱: ۳۹ و ۴۶ در رابطه با <u>آمدن و دیدن</u>، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. زمانی که دو نفر از شاگرادان به نامهای یوحنا و اندریاس، از عیسی در مورد محل اقامتش پرسیدند، او به آنها پاسخ نداد و به جای آن، آنها را دعوت کرده، گفت: "بیایید و ببینید". عیسی مایل بود دیگران در مورد زندگی و منزل او آشنایی داشته باشند. او برای آنها فرصتهایی را مهیا کرد تا از نزدیك او را بشناسند. او می‌خواست آنها بدانند که او چه کسی است و چگونه زندگی می‌کند. او می‌خواست آنها شاهد زندگی او باشند. به زودی شاگردان نیز همان کار را انجام دادند. وقتی که نتنائیل این سؤال را پرسید که چگونه می‌شود عیسی همان مسیحای موعود باشد، در حالیکه از مکانی به نام ناصره می‌آید که نام و نشان خوبی ندارد، فیلیپس در پاسخ به او گفت: "بیا و ببین". شاگردان مایل بودند که دیگران هم در مورد عیسی و زندگی او آگاه شوند. بنابراین آنها را دعوت کردند تا نزد عیسی آمده، خود تجربه کنند که آیا او به راستی مسیح موعود است یا نه. اگر مسیحیان می‌خواهند مردم دیگر بدانند که عیسی

کیست، مسیحیان چه کسانی هستند و چگونه زندگی می‌کنند، باید آنها را به خانه‌های خود دعوت کنند و در مورد زندگی خود با آنها صحبت کنند. من می‌خواهم از نمونه شاگردان الگو بردارم. من نیز می‌خواهم با دیگران در مورد کار خدا در زندگیم صحبت کنم و حتی آنها را به خانه خود دعوت کنم، تا بدین ترتیب آنها بدانند که یك مسیحی چگونه زندگی می‌کند و به این طریق با عیسی مسیح آشنا شوند.

کشف ۲) در یوحنا ۱: ۴۲، در رابطه با، نوع نگرش به مردم، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. زمانی که اندریاس، برادرش شمعون را نزد عیسی آورد، عیسی به قلب او نگاه کرد. او می‌دانست که شمعون مردی است درشت‌اندام با قلبی کوچك. او همچنین می‌دانست که شمعون ممکن است وعده‌های زیادی بدهد ولی قادر به انجام آنها نباشد. او می‌دانست که شمعون شخصی است که بدون تفکر عمل می‌کند. ولی از طرف دیگر عیسی نبی بزرگی است که نه تنها در مورد وضعیت فعلی شخص، بلکه در مورد آینده او نیز مطلع می‌باشد. او به خوبی از این حقیقت آگاه بود که زندگی شمعون تغییر کرده، شخصیتی محکم، ثابت قدم و سازش‌ناپذیر خواهد شد. عیسی مسیح به شمعون، تنها در وضعیت فعلی‌اش و شخصیتی که داشت نگاه نمی‌کرد، بلکه او را به عنوان شخصی مبدل شده در آینده می‌دید. عیسی مسیح در مورد آنچه که خدا بر اساس فیضش در زندگی شاگردش متحقق خواهد ساخت، پیشگویی کرد. به همین جهت او را "پطرس" نامید، یعنی صخره. پس از آن، عیسی در متی ۱۶: ۱۸ ، در این مورد پیشگویی کرد که او کلیسایش را بر پطرس، که صخره است، بنا خواهد کرد. و در اعمال می‌خوانیم که چگونه عیسی از پطرس استفاده کرد تا اولین کلیساها را بین یهودیان، سامریان و غیریهودیان تأسیس کند. من می‌خواهم شبیه عیسی شوم. من می‌خواهم مردم را نه تنها در وضعیت فعلی‌شان، بلکه در آینده، در آنچه که به فیض و قوت خدا خواهند شد ببینم. خدا بر اساس فیضش قادر است زندگی هر انسانی را تبدیل کند. من می‌خواهم مردم را به این حقیقت امیدوار سازم که فیض خدا قادر به تبدیل زندگی‌شان می‌باشد. من می‌خواهم، به جای انتقاد از مردم و نگاه کردن به خطاهایشان، متوجه پیشرفتهای روحانی آنها بشوم و آنها را تشویق کنم.

قدم ۳: سؤال
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۱: ۱۹- ۵۱ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برایشان پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۱: ۲۱) آیا یحیی تعمید دهنده "الیاس" بود یا نه ؟
ملاحظات: یهودیان انتظار داشتند که الیاس نبی قبل از ظهور مسیح موعود، به زمین بازگردد. عقیده آنها بر اساس تفسیر تحت‌اللفظی‌شان از ملاکی ۴: ۵- ۶ بود. البته در لوقا ۱: ۱۷، فرشته خداوند پیشگویی کرد که یحیی تعمید دهنده راه را برای عیسی آماده خواهد کرد و او این کار را "به روح و قوت الیاس" انجام خواهد داد. او قوم خدا را به نزد خداوند خدایشان باز خواهد گرداند. دلهای پدران را به طرف فرزندانشان و دلهای نافرمانان را به حکمت عادلان برخواهد گرداند. او قومی آماده برای خداوند مهیا خواهد ساخت. در متی ۱۷: ۱۲- ۱۳، عیسی مسیح، یحیی تعمید را "الیاس" نامید. اگرچه یحیی تعمید دهنده در واقع، الیاس نبود، ولی بر طبق گفته فرشته خداوند و خود عیسی مسیح، او تحقق‌بخشنده نبوتی بود که ملاکی فصل ۴ به آن اشاره می‌کند. عیسی به وضوح می‌فرماید که الیاس آمد و کار مهیاسازی خود را به کمال رساند، ولی مردم او را نشناختند و در نهایت او را کشتند.

سؤال ۲) (یوحنا ۱: ۲۵) چرا یحیی تعمید دهنده مردم را تعمید می‌داد؟
ملاحظات: یحیی تعمید دهنده به وضوح فرمود که او آن پیشرو و آن مسیح موعودی نیست که یهودیان انتظارش را داشتند. پس از آن، فریسیان سؤال کردند که اگر چنین است، چرا یحیی کاری را انجام می‌دهد که مربوط به مسیح موعود یا فرستاده خاص خدا می‌باشد؟ آنها فکر می‌کردند که تنها، مسیح موعود یا الیاس یا آن نبی خدا قادر به تعمید مردم خواهد بود. فریسیان قطعاً می‌دانستند که همه قادر به انجام مراسم طهارت نمی‌باشند. در لاویان ۱۴: ۱- ۷، تنها کاهنان اجازه داشتند که پرنده زنده را در داخل ظرفی که حاوی آب و خون پرنده سر بریده بود، فرو کنند. و تنها کاهنان اجازه داشتند که مخلوط خون و آب را بر سر شخصی که از جذام شفا یافته بود، بپاشند. در واقع رسم طهارت مردم، به طور مشخص، عملی مسیحایی بود. در حزقیال ۳۶: ۲۵ خداوند قادر مطلق فرمود، "آب پاك بر شما خواهم پاشید و طاهر خواهید شد و شما را از همه نجاسات و از همه بتهای شما طاهر خواهم ساخت". در حزقیال ۳۷: ۲۳ او می گوید: "ایشان را از میان جمیع مساکن ایشان که در آنها گناه ورزیده‌اند نجات داده، طاهر خواهم ساخت".

اگر یحیی تعمید دهنده آن پیشرو و مسیح موعودی نبود که آنها انتظار داشتند، پس چرا او مردم را تعمید می‌داد؟ این روشن است که فریسیان به هویت یحیی پی نبرده بودند. آنها این سخنان یحیی را درك نکردند که گفت او آن کسی است که اشعیای نبی در موردش پیشگویی کرده که راه خداوند را مهیا خواهد ساخت. یحیی به وضوح این حقیقت را بیان کرد که او کسی است که راه را برای آمدن مسیح موعود مهیا می‌کند. و بعد در یوحنا ۱: ۳۳، یحیی تعمید دهنده فرمود که او مردم را تنها به آب تعمید می‌دهد در حالیکه مسیح موعود آنها را به روح القدس تعمید خواهد داد. یحیی به وضوح این موضوع را بیان کرد که بین او و مسیح موعود تفاوت عمده‌ای وجود خواهد داشت. یحیی به آب که علامتی برای طهارت بود، مردم را تعمید می‌داد، ولی مسیح موعود، عمل طهارت و تجدیدحیات را به قدرت روح القدس انجام خواهد داد (یوحنا ۳: ۵).
یوحنا به یهودیان گفت که، این مسیح موعود در میان آنها است ولی آنها او را نشناخته‌اند. یحیی به آنها در این مورد هشدار داد که علیرغم اشتیاق زیادی که جهت آشکار کردن مسیح های دروغین داشتند، متوجه نبودند که در مورد مسیح موعود واقعی غافل مانده‌اند. در یوحنا ۱: ۳۱، یحیی تعمید دهنده گفت که به این دلیل مردم را به آب تعمید می‌دهد تا مسیح موعود واقعی را به قوم یهود آشکار سازد. بر طبق مرقس ۱: ۴، یحیی تعمید دهنده در مورد تعمید توبه، به جهت آمرزش گناهان، موعظه می‌نمود. او موعظه کرده می‌گفت که یهودیان باید از گناهانشان توبه کنند و قلبشان را جهت دریافت مسیح موعود آماده سازند. او آنها را تعمید داد تا علامتی باشد حاکی از اینکه آنها قلبشان را برای دریافت و پذیرش مسیح موعود آماده ساخته‌اند. آب تعمید، نمایانگر نیاز روحانی مردم برای تقدیس روحانی بود. تعمید یحیی کماکان مربوط به رسوم طهارت عهدعتیق بود، که مردم طبق رسوم آن زمان تطهیر می‌شدند. تنها کسی که می‌توانست مردم را از نظر روحانی تقدیس کند، مسیح موعود یعنی عیسی ناصری بود. بنابراین یحیی تعمید دهنده یهودیان را تعمید داد تا بدینوسیله آنها را جهت دریافت مسیح موعود آماده سازد. در طول موعظه و تعمید مردم، او تمام توجه یهودیان را معطوف به بره خدا کرد، بره‌ای که گناه جهان را برمی‌دارد.

سؤال ۳) (یوحنا ۱: ۲۹) چرا عیسی مسیح "بره خدا" نامیده می‌شود؟
ملاحظات: عیسی مسیح بره خدا نامیده می‌شود، زیرا او تحقق‌بخش تصاویر (نمونه‌های) مربوط به بره در عهدعتیق بود. در عهدعتیق بره‌های مختلفی وجود داشت که به عنوان تصاویری از مسیح موعود آینده، نمایانگر شدند.

الف) بره فصح. بره فصح در روز فصح قربانی شده، خون آن بر سر در خانه‌های ایمانداران مصر قرار گرفت تا بدین ترتیب از داوری خدا بر مردم خطاکار مصر، مصون بمانند. در اول قرنتیان ۵: ۷، عیسی مسیح، "بره فصح ما" نامیده شده است. بر طبق ۱ پطرس ۱: ۱۹، او بر روی صلیب قربانی شد تا بدین وسیله خشم مقدس و عادلانه خدا را در مورد گناهان ما، از ما دور نگاه دارد. خون گرانبهای او ما را از زندگی توخالی و بی‌مفهومی که داشتیم، رهایی داد.

ب) بره‌هایی که برای قربانی‌های سوختنی روزانه، وجود داشت. بر طبق اعداد ۲۸: ۴، کاهنان باید هر روز صبح و بعد از ظهر یك بره را قربانی می‌کردند. بر طبق لاویان فصل ۱، بره باید بدون عیب می‌بود که نمایانگر این حقیقت است که عیسی بدون خطا و تقصیر است. کاهن باید دست خود را بر روی سر بره می‌گذاشت. این عمل نمایانگر این حقیقت است که گناه بشر بر روی عیسی قرار می‌گرفت. در عهدعتیق، "قربانی سوختنی" از طرف این شخص خطاکار، به منظور کفار گناهانش، پذیرفته می‌شد. به همین ترتیب در عهدجدید، قربانی عیسی مسیح بر روی صلیب، تنها طریق مؤثر جهت کفاره گناهان ما می‌باشد (رومیان ۳: ۲۵).

پ) بره‌ای که در مورد آن در اشعیا ۵۳ نبوت شده بود. اشعیا ۵۳: ۶- ۷، ۱۰ می‌فرماید، "جمیع ما مثل گوسفندان گمراه بودیم و هر یکی از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه جمیع ما را بر وی نهاد. او ... مثل بره‌ای بود که برای ذبح می‌برند... اما خداوند را پسند آمد ... او را به دردها مبتلا سازد ... و جان او را چون قربانی گناه سازد". بر طبق لاویان ۵: ۱ ۴- ۱۶، "قربانی گناه"، عملی نیابتی در رابطه با اعمالی است که انسان طبق حکم خدا باید آنها را انجام می‌داد، ولی از انجام آنها غافل مانده بود. قربانی گناه، عمل کفاره را انجام می‌داد، به این مفهوم که خشم خدا را در رابطه با گناه انسان، از او دور نگاه می‌داشت.
بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که هر سه نوع بره در عهدعتیق، تصاویری (نمونه‌هایی) هستند که در عیسی مسیح (اصل)، در عهدجدید تحقق یافته‌اند.

سؤال ۴) (یوحنا ۱: ۳۲) چرا برای عیسی مسیح دریافت روح‌القدس، امری ضروری بود؟
ملاحظات: نویسنده انجیل یوحنا آشکارا فرض را بر این می‌گیرد که خوانندگانش با مطالب سه انجیل دیگر آشنایی دارند که در آنها اشاراتی به تعمید عیسی توسط یحیی در رود اردن، شده است. در زمان تعمید عیسی، روح‌القدس مانند کبوتری بر روی او قرار گرفت. هر چند که روح‌القدس بدن جسمانی ندارد و با چشمان فیزیکی نیز قابل رؤیت نمی‌باشد، خدا اجازه داد که عیسی و یحیی تعمید دهنده روح‌القدس را در نماد یك کبوتر ببینند. احتمالاً خدا به این دلیل از یك کبوتر برای این منظور استفاده کرد که کبوتر مظهر پاکی، صلح و آرامش است و روح‌القدس به طور نامحدود دارای این خصوصیات می‌باشد. روح‌القدس، پاك و مقدس است، و به همین جهت بر طبق افسسیان ۴: ۳۰، هر نوع گناهی او را محزون می‌سازد. روح‌القدس، روح ملایمی است، زیرا بر طبق یوحنا ۱۶: ۸، ۱۳، او مردم را مجبور نمی‌کند حقیقت را بپذیرند، بلکه به ملایمت آنها را نسبت به گناه، عدالت و داوری ملزم می‌سازد. روح‌القدس، روح صلح و آرامش است، زیرا بر طبق رومیان ۱۴: ۱۷- ۲۰، او عملی را انجام نمی‌دهد

که باعث لغزش مردم شود، بلکه آنچه را که باعث بنای ایمان آنهاست، انجام می‌دهد. روح‌القدس برای مدتی در جلوه‌ای قابل رؤیت، بر روی عیسی قرار داشت. سپس صدای پدر از آسمان به وضوح شنیده شد که فرمود و عیسی پسر خداست و او آن کسی است که خدا دوستش دارد و از او خشنود می‌باشد. در اینجا متوجه می‌شویم که "خدای تثلیث" خود را به صورت پدر، پسر و روح‌القدس بر ما متجلی می‌سازد.

ولی چرا برای عیسی مسیح دریافت روح‌القدس امری ضروری بود؟ عیسی روح‌القدس را در زمان تعمیدش، در طبیعت انسانی خود دریافت کرد. و بدین ترتیب او به وسیله روح‌القدس مسح شده، توسط خدا مقرر شد تا به عنوان شفیع و میانجی عمل کند، و توسط روح‌القدس جهت انجام این کار تجهیز شد. در لوقا ۴: ۱۸- ۱۹، عیسی تعلیم می‌دهد که نبوت موجود در اشعیا ۶۱: ۱- ۲ ، در او متحقق شده است. این آیات می‌فرمایند، "روح خداوند یهوه بر من است، زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته دلان را التیام بخشم و اسیران را به رستگاری و محبوسان را به آزادی ندا کنم، و تا از سال پسندیده خداوند و از یوم انتقام خدای ما ندا نمایم و جمیع ماتمیان را تسلی بخشم". و در یوحنا ۳: ۳۴، یوحنا می‌فرماید، خدا روح را به فراوانی به عیسی عطا کرده است. این قسمت بیانگر همان مطلبی است که پولس در کولسیان ۲: ۹، می‌فرماید که، "در مسیح از جهت جسم، تمامی پری الوهیت ساکن است".

سؤال ۵) (یوحنا ۱: ۴۷) <u>چرا عیسی نتنائیل را "آن اسرائیلی حقیقی که در او مکری نیست"، نامید؟</u>
ملاحظات: با در نظر گرفتن آیه ۵۱، که اشاره به صعود و نزول فرشتگان می‌کند، به نظر می‌رسد، وقتی که عیسی نتنائیل را مورد خطاب قرار داد، یعقوب، پاتریارخ را در ذهن خود داشت. در پیدایش ۲۷: ۳۵- ۳۶، اسحاق به عیسو گفت که برادرش یعقوب به حیله و فریب حق نخست زادگی‌اش را از وی گرفته است. عیسو گفت، به راستی، برادرش یعقوب نامیده شده است که به مفهوم حیله‌گر می‌باشد. این خصوصیت یعقوب که تنها به فکر خواسته‌های خود بود و با حیله و فریب می‌خواست آنها را بدست آورد، نه تنها محدود به او بود بلکه شامل حال پسران یعقوب یعنی یهودیان نیز می‌شد. در پیدایش ۳۴، آنها با نیرنگ مردم شهر را فریب داده، کشتند و اموالشان را تصاحب کردند. يك اسرائیلی واقعی و صادق، که در او حیله‌ای وجود نداشته باشد، جزء موارد استثنا محسوب می‌شد، طوری که وقتی عیسی نتنائیل را ملاقات کرد، بی‌درنگ در مورد او شهادت داده گفت، "اسرائیلی حقیقی که در او مکری نیست". حیله و نیرنگ احتمالاً خصوصیت بسیاری از مردم از ملل مختلف می‌باشد. در یوحنا ۲: ۲۴- ۲۵ می‌خوانیم که عیسی همه انسانها را می‌شناخت و در مورد آنچه که در آنها بود، آگاهی داشت. عیسی مرا می‌شناسد و از افکار، انگیزه‌ها و طرزبرخورد من، و آنچه که در من است، آگاه است. او همچنین می‌داند، چه زمانی من متوسل به نیرنگ می‌شوم. بنابراین مهم است که من اجازه دهم تا روح‌القدس، افکار، انگیزه‌ها و عملکردهای مرا متبدل سازد.

سؤال ۶) (یوحنا ۱: ۵۱) <u>منظور از صعود و نزول کردن فرشتگان خدا بر پسر انسان، چه می‌باشد؟</u>
ملاحظات: عیسی هنوز در رابطه با یعقوب پاتریارخ فکر می‌کرد. در پیدایش ۲۸، یعقوب در رؤیایی نردبانی را دید که سرش به آسمان می‌رسید و فرشتگان خدا بر روی آن صعود و نزول می‌کردند. خود عیسی در سر آن نردبان ایستاده بود و یعقوب را برکت می‌داد. او به یعقوب وعده داده، گفت: "و اینك من با تو هستم و تو را در هر جایی که روی محافظت فرمایم..تا آنچه را که به تو گفته‌ام انجام ندهم، تو را رها نخواهم کرد...و از تو و از نسل تو جمیع قبایل زمین برکت خواهند یافت". حال در انجیل یوحنا، عیسی به این موضوع اشاره می‌کند که تصویر (نمونه) نردبان یعقوب، در او تحقق (اصل) خود را می‌یابد. عیسی مسیح خود رابط بین آسمان و زمین است. او تنها شفیع و میانجی میان خدا و انسان می‌باشد. او توسط مرگش بر صلیب، خدا را با انسانهای گناهکار و انسانهای گناهکار را نیز با خدا مصالحه می‌دهد. عیسی به نتنائیل می‌فرماید که او شاهد چیزهای بزرگتری خواهد بود. این"چیزهای بزرگتر" چه بودند؟ شاگردان متوجه بودند که عیسی علم و دانایی مطلق دارد و از درون قلب نتنائیل مطلع است. از آن زمان به بعد، طبق گفته عیسی، آنها شاهد خصوصیات الهی بیشتری از او بوده، به طور خاص شاهد مصلوب شدن او، شکافته شدن آسمان، نزدیک شدن خدا به انسانها و مصالحه انسانها با خدا می‌شوند (یوحنا ۸: ۲۸؛ ۱۲: ۳۲). و در انتها او را خواهند دید که با قدرت بر تخت داوری نشسته ، مردم را محاکمه می‌کند و پس از آن فرمانروای آسمان و زمین جدیدی می‌شود (دانیال ۷: ۱۳- ۱۴).

<u>قدم ۴: بکار ببرید</u>
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و
فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۱: ۱۹- ۵۱ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به يك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از يك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

<u>نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر (یوحنا فصل ۱)</u>

- ۱: ۲۲- ۲۳ * وقتی مردم در مورد دعوت و وظیفه شما در زندگی‌تان از شما سؤال می‌کنند، به وضوح به آنها پاسخ دهید.
- ۱: ۲۹ * توجه مردم را از خود به عیسی مسیح، که بره خداست، معطوف کنید. مردم را با عیسی مسیح آشنا سازید.
- ۱: ۳۳ * موضوع تعمید به روح‌القدس به خوبی در اول قرنتیان ۱۲: ۱۲- ۱۳ توضیح داده شده است.
- ۱: ۳۹ * مردم را از نحوه زندگی مسیحی آگاه سازید و در مشارکتهای آنان، آنها را دعوت کنید. به آنها بگویید، "بیایید و ببینید" (آیه ۴۶).
- ۱: ۴۲ * اعضای خانواده خود را به سمت عیسی مسیح دعوت کنید.
- ۱: ۴۲ * به مردم نه تنها در وضعیت فعلی‌شان نگاه کنید، بلکه آنها را در آینده در آنچه که توسط عیسی مسیح خواهند شد، ببینید.
- ۱: ۴۳ * عیسی ما را دعوت می‌کند که نه تنها او را تحسین کنیم، بلکه تا او را پیروی کنیم و شاگرد او شویم.
- ۱: ۴۴ * با دوستانتان در مورد عیسی مسیح سخن بگویید. انبیای عهدعتیق در مورد او نبوتهایی را نوشته‌اند.
- ۱: ۴۷ * مردم را به خاطر نقاط مثبتی که دارند، تشویق کنید.
- ۱: ۴۹ * در این مورد فکر کنید که "چه اعترافی در رابطه با عیسی مسیح دارید؟"

<u>نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی</u>

الف) به دلیل اهمیتِ "رفتن و دیدن"، من به طور دائم در جلسات مسیحی شرکت می‌کنم، تا شاهد شخصیت و اعمال مسیحیان باشم. من می‌خواهم عیسی را بهتر بشناسم. به همین دلیل است که به یك گروه بررسی کتاب مقدس ملحق شده‌ام.

ب) عیسی مسیح به شمعون، تنها در وضعیت فعلی‌اش با شخصیتی که داشت نگاه نکرد، بلکه او را به عنوان شخصی مبدل شده در آینده می‌دید. این موضوع بسیار باعث تشویق من می‌باشد، زیرا عیسی مسیح به من آنطور که در آینده با فیض او خواهم شد، نگاه می‌کند. به همین دلیل است که من از عیسی مسیح انتظار دارم که مرا به آن شخصی مبدل سازد که او مایل است باشم.

<u>قدم ۵: دعا کنید</u> در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۱: ۱۹- ۵۱ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروههای دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - <u>تعهد</u> - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - <u>برای یك فرد یا گروه</u>، موضوع " یوحنا ۱: ۱۹- ۵۱ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - <u>رازگاهان</u> - هر روز نیمی از یك فصل از اول قرنتیان ۶- ۸ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - <u>حفظ کردن</u> - آیه حفظی جدید (یوحنا ۱: ۱۴) را مورد تعمق قرار داده و حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - <u>دعا</u> - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۶ - <u>آموخته های جدید</u> مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۷

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **اول قرنتیان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اول قرنتیان ۶- ۸) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: یوحنا**

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ۱: ۱۴.

۴	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **پنطیکاست- روزی که یادآور ریزش روح‌القدس می‌باشد**

مقدمه: پنطیکاست عیدی مسیحی است که یادآور ریزش روح‌القدس می‌باشد. ما در رابطه با تعلیم کتاب‌مقدس در مورد ریزش روح‌القدس و تأثیرات آن بر مسیحیان مطالبی خواهیم آموخت. خواهیم آموخت که چگونه در مورد ریزش روح‌القدس در عهدعتیق نبوت شده است، در زمان ریزش روح‌القدس چه اتفاقی افتاد، و چرا ریزش روح‌القدس برای ما حائز اهمیت است.

الف - نبوتهای مربوط به ریزش روح‌القدس

۱- عید حصاد در عهدعتیق، تصویری از ریزش روح‌القدس می‌باشد.

تعلیم دهید: در عهدعتیق، پنطیکاست عید حصاد و زمان پایان برداشت محصول بود (خروج ۲۳: ۱۶). این عید، پنجاه روز پس از سَبَّتِ عید فصح (که تصویری از قربانی کفاره‌ای مسیح بود) برگزار می‌شد. پنطیکاست "عید هفته‌ها" نیز نامیده می‌شد که خود تصویری از ریزش روح‌القدس بود (لاویان ۲۳؛ تثنیه ۱۶). اسرائیلیها باید بخشی از محصول خود را متناسب با آن مقداری که خدا آنها را برکت داده بود، به معبد می‌آوردند ودر آنجا با خانواده، خادمان، لاویان، بیگانگان و فقرا عید را به شادی جشن می‌گرفتند. بنابراین، پنطیکاست عید شکرگزاری از خدا به‌جهت محصول بود.
در عهدجدید، روح‌القدس در زمان عید حصاد بر پیروان عیسی فرو ریخت (اعمال ۲). رسولان انجیل را موعظه کرده، ۳۰۰۰ نفر به عیسی مسیح ایمان آوردند و اولین کلیسای محلی در اورشلیم بنیان گذاشته شد. بدین ترتیب بود که "عید حصادِ زمان عهدعتیق" تبدیل به "عید حصاد زمان عهدجدید" شد، که متشکل از مسیحیان و کلیساهای محلی جدید در هر نقطه از دنیا می‌باشد.

۲- نبوتهای مربوط به ریزش روح‌القدس در عهدعتیق

کشف و گفتگو کنید: چگونه انبیای زیر در رابطه با ریزش روح‌القدس نبوت کرده‌اند؟

الف) **بخوانید:** اشعیا ۳۲: ۱۵؛ ۴۴: ۳.
ملاحظات: خدا گفت که روحش را بر قوم خود فرو خواهد ریخت. و همانگونه که باران بر زمین خشك و بی‌آب می‌بارد، و بیابان را به بوستان و جنگل تبدیل می‌کند، روح خدا نیز بر مردم ریخته، برکات را بر آنها جاری خواهد ساخت.

ب) **بخوانید:** حزقیال ۳۶: ۲۵- ۲۸.
ملاحظات: خدا گفت که او آب پاك بر مردم خواهد پاشید و آنها را از همه نجاسات، گناهان و بتهایشان، طاهر خواهد ساخت. دل سنگی را از آنها گرفته، دلی گوشتین به آنها خواهد داد، و به این ترتیب آنها از احکام و فرامین خدا اطاعت خواهند کرد.

پ) **بخوانید:** یوئیل ۲: ۲۸- ۳۲
ملاحظات: خدا گفت که او روح خود را بر تمام بشر خواهد ریخت. آنها نبوت کرده، خوابها و رؤیاها خواهند دید. و هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت.

ت) **بخوانید:** زکریا ۴: ۶.
ملاحظات: خدا گفت که او کار خود را نه به قدرت و قوت انسان، بلکه به روح خود انجام خواهد داد.

ث) **خلاصه:** بنابراین، ریزش روح‌القدس بر قوم خدا، منجر به این موارد می‌شود: قلبی مبدل و طاهر، اطاعت از کلام خدا، خدمت به خدا از طریق اعلام کلامش، عملی شدن خوابها و رؤیاها در زندگی مردم که موجب جلال خدا می‌شوند، و در نهایت نجات هر کس که نام خداوند را بخواند.

۳- <u>نبوتهای مربوط به ریزش روح‌القدس در عهدجدید</u>

کشف و گفتگو کنید: عیسی مسیح چه نبوتی را در رابطه با ریزش روح‌القدس نمود؟

الف) **بخوانید:** یوحنا ۷: ۳۷- ۳۹.
ملاحظات: در انجیل یوحنا، عیسی مسیح بارها وعده داد که روح‌القدس بر انسان خواهد آمد. او گفت، ایمانداران به او، پس از جلال یافتنش (پس از قیام، صعود و جلوسش بر تخت پادشاهی) روح‌القدس را دریافت خواهند کرد. و در آن موقع است که روح‌القدس مانند نهرهای آب حیات از بطن ایشان جاری خواهد شد.

ب) **بخوانید:** اعمال ۱: ۵.
ملاحظات: درست قبل از صعود عیسی به آسمان، او گفت که ایشان پس از چند روز به روح‌القدس تعمید خواهند یافت. این اتفاق در روز پنطیکاست به وقوع پیوست که شرح آن در اعمال ۲؛ ۱۱: ۱۴- ۱۸ و ۱۵: ۶- ۱۱ آمده است. این قسمتها از کلام خدا، تعلیم می‌دهند که تعمید با روح‌القدس به همان مفهوم ریزش روح‌القدس بر ایمانداران جدید می‌باشد.

ب - <u>وقایع مربوط به ریزش روح‌القدس</u>

۱- <u>ریزش روح‌القدس در روز پنطیکاست.</u>

بخوانید: اعمال ۲: ۱- ۴۷.
کشف و گفتگو کنید: چگونه روح‌القدس در روز پیطیکاست بر مردم ریخت؟
ملاحظات:

الف) <u>نزول روح‌القدس بر مردم در دوران عهدعتیق</u>
اگرچه روح‌القدس در زمان عهدعتیق بر مردم نازل شد، سکونت دائمی او در آنها، وعده‌ای برای دوران عهدجدید می‌باشد (اعداد ۱۱: ۱۷، ۲۵، ۲۹؛ اول سموئیل ۱۰: ۶؛ ۱۶: ۱۳- ۱۴؛ ۱۹: ۲۰- ۲۱، دوم سموئیل ۲۳: ۲؛ همچنین به یوحنا ۲۰: ۲۱- ۲۳ مراجعه کنید).

ب) <u>زمان پنطیکاست.</u>
ده روز پس از صعود عیسی مسیح به آسمان و نشستن او به دست راست خدای پدر به عنوان شاه شاهان و خداوند خداوندان، او روح خود را بر تمام قوم خود یعنی بر تمام ایمانداران به عیسی مسیح در آن زمان فرو ریخت. آن روز، یکی از اعیاد یهود، به مناسبت برداشت محصول بود. بنابراین یهودیان از تمام نقاط دنیا به منظور این جشن به اورشلیم آمده بودند.

پ) <u>علامات منحصر به فرد در روز پنطیکاست.</u> اصطلاح "آوازی مانند صدای وزیدن باد شدید"، نمایانگر قدرت عظیم و غیر قابل رؤیت روح‌القدس بود، که کار تجدید حیات را در انسان انجام می‌دهد (یوحنا ۳: ۳-۸) و در هر جایی که مایل است، عمل می‌کند (اعمال ۱۶: ۶- ۱۰). اصطلاح "زبانه‌های منقسم شده، مثل زبانه‌های آتش بر ایمانداران قرار گرفت"، نمایانگر توانایی روح‌القدس در اعلام انجیل با غیرت، شجاعت، محبت و ایجاد الزام می‌باشد (یوحنا ۲: ۳).

ت) ریزش روح‌القدس بر اولین یهودیانی که به مسیح ایمان آورده بودند. در روز پنطیکاست، روح‌القدس ابتدا برحدود ۱۲۰ نفر از شاگردان اولیه عیسی ریخت. اگر چه همه این افراد ایماندار بودند، نتوانسته بودند وعده روح‌القدس را زودتر از آن دریافت کنند، زیرا عیسی هنوز جلال نیافته بود (یوحنا ۷: ۳۹). ولی پس از جلال یافتنش یعنی پس از قیام، صعود و جلوسش بر تخت شاهی، یهودیان اولین افرادی بودند که روح‌القدس را دریافت کردند، و روح‌القدس در آنها به طور دائمی سکونت گزید (یوحنا ۱۴: ۱۶- ۱۷).

ث) ریزش روح‌القدس بر اولین یهودیانی، که تبدیل به ایمانداران شدند. پس از آن، پیغام انجیل موعظه شد، و ۳۰۰۰ نفر یهودی تحول یافته، به این پیغام ایمان آورده، روح‌القدس را دریافت کردند. پنطیکاست عیدی است که یادآور ریزش روح‌القدس بر اولین ایمانداران دوران عهدجدید می‌باشد. هر که به عیسی مسیح ایمان آورد، روح‌القدس را دریافت کرد. اعمال ۲: ۴۲ می‌فرماید، ایمانداران خود را وقف تعلیم رسولان، مشارکت ایشان، شکستن نان و دعا کردند. از کتب عهدجدید و تاریخ کلیسا متوجه می‌شویم که وجود کلیسای فعال، شاهدی بر حضور و دریافت روح‌القدس توسط انسانها بوده است.

۲- ریزش روح‌القدس پس از روز پنطیکاست.

کشف و گفتگو کنید: چگونه روح‌القدس پس از روز پنطیکاست بر مردم ریخت؟

الف) قدرت جهت گشودن درهای ملکوت خدا برای مردم.
بخوانید: متی ۱۶: ۱۸- ۱۹؛ ۱۸: ۱۸.
ملاحظات: عیسی مسیح کلیدهایی را که توسط آن درهای ملکوت خدا برای مردم گشوده می‌شد، تنها به شاگردان خود داده بود، که بعدها به عنوان رسولان او معروف شدند. این وظیفه آنها بود که به یهودیان در یهودیه و اورشلیم، به سامریان در سامره و جلیل و تا اقصای عالم بشارت دهند (اعمال ۱: ۸). این وظیفه شاگردان بود که درهای ملکوت خدا را برای اولین یهودیان (اعمال فصل ۲)، اولین سامریان (اعمال فصل ۸) و اولین غیریهودیان (اعمال فصل ۱۰) بگشایند.

ب) ریزش روح‌القدس بر اولین ایمانداران سامری.
بخوانید: اعمال ۸: ۴- ۱۷.
ملاحظات: سامریان بلافاصله پس از ایمان آوردنشان، روح‌القدس را دریافت نکردند، زیرا باید منتظر می‌ماندند تا رسولان عیسی مسیح درهای ملکوت خدا را برای آنها بگشایند. پطرس و یوحنای رسول برای اولین ایمانداران سامری دعا کردند و درهای ملکوت خدا را جهت ورود آنها گشودند.

پ) ریزش روح‌القدس بر اولین غیریهودیان ایماندار.
بخوانید: اعمال ۱۱: ۱۴- ۱۸؛ ۱۵: ۷- ۱۱.
ملاحظات: خدا باید از طریق رؤیایی خارق‌العاده، کرنیلیوس غیریهودی را ترغیب می‌کرد به اینکه پطرس را دعوت کند تا او پیغام انجیل را برای خانواده و دوستان وی موعظه کند (اعمال ۱۰: ۱- ۲۳). وقتی که اولین غیریهودیان، پیغام انجیل را شنیدند، در قلبشان به آن ایمان آوردند و روح‌القدس را دریافت کردند. و پس از ایمان آوردن و دریافت تولد تازه، تعمید آب را هم دریافت کردند (اعمال ۱۰: ۲۴- ۴۸). بدین ترتیب پطرس رسول پیغام انجیل را موعظه کرد و درهای ملکوت خدا را برای اولین غیریهودیان گشود.

ت) کلیسای عهدجدید بر بنیاد رسولان بنا شده است.
بخوانید: افسسیان ۲: ۲۰؛ مکاشفه ۲۱: ۱۴.
ملاحظات: به دلیل اینکه عیسی مسیح از رسولان خود جهت گشودن درهای ملکوت خدا برای سه گروه مهم از مردم که در عهدجدید نام برده شده‌اند، استفاده کرد، رسولان، بانیان کلیسا نامیده شده‌اند. پس از شروع کلیسای مسیحی میان اولین یهودیان، اولین سامریان و اولین غیریهودیان، مردم در هر جایی که پیغام انجیل را می‌شنوند و به عیسی مسیح ایمان می‌آورند، روح‌القدس را دریافت می‌کنند (افسسیان ۱: ۱۳؛ تیطس ۳: ۳- ۸؛ اعمال ۲: ۳۹؛ ۴: ۴؛ ۵: ۳۲؛ ۶: ۷).

پ - شخصیت و عملکردهای روح‌القدس

۱- شخصیت روح‌القدس

الف) شخصیت او. روح‌القدس یك نیروی غیرشخصی نمی‌باشد، بلکه شخصیت دارد و خودِ خداست (اعمال ۵: ۳- ۴). به طور مشخص، او شخصیت سوم تثلیث است که در عین وحدتی که با سه اقنوم دیگر در طبیعت الهی دارد، شخصیتی مجزا از آنها می‌باشد (متی ۲۸: ۱۹).

ب) صفات او. او دارای صفات ذاتی خدا مانند ابدی بودن (عبرانیان ۹: ۱۴)، می‌باشد. او همچنین دارای صفاتی همانند خدا در ارتباطش با جهان می‌باشد. به عنوان مثال حضور مطلق خدا در همه جا (مزمور ۱۳۹: ۷- ۱۰)، از صفات روح‌القدس نیز می‌باشد.

پ) نامهای او. نامهای روح‌القدس به الوهیت او (رومیان ۸: ۹- ۱۰)، شخصیت او بعنوان حقیقت، محبت و فیض (یوحنا ۱۴: ۱۷؛ رومیان ۱۵: ۳۰؛ عبرانیان ۱۰: ۲۹) یا به کار او در انسانها به عنوان حکمت، اشاره می‌کند (اشعیا ۱۱: ۲).

ت) نمادهای او. نمادهای روح‌القدس به کار او در ایمانداران اشاره می‌کنند. او به عنوان "بادی غیرقابل پیش بینی و غیرقابل مقاومت"، در مردم عمل تجدیدحیات را انجام می‌دهد (یوحنا ۳: ۳- ۸). به عنوان "آب حیات‌بخش"، او باعث نجات و اقناع روحانی مردم می‌شود و آنها را ترغیب می‌کند به اینکه مجرایی برای انتقال برکات به دیگران باشند (یوحنا ۷: ۳۷- ۳۹). به عنوان "زبانه‌های آتش"، او ایمانداران را ترغیب می‌کند که پیغام انجیل را بدون ترس و با شجاعت اعلام کنند (اعمال ۲: ۱- ۴). به عنوان "روغن"، او ایمانداران را به جهت وظایف کهانتی، نبوتی و ملوکانه‌شان مسح می‌کند. به عنوان "مُهر"، او بر روی ایمانداران قرار گرفته، آنها را به عنوان فرزندان خدا مُهر می‌کند (رومیان ۸: ۱۶). و به عنوان "بیعانه"، او به ایمانداران ضمانت می‌دهد که قطعاً در آینده، پری و فراوانی برکات روحانی را تجربه خواهند کرد (دوم قرنتیان ۱: ۲۱- ۲۲).

۲- عملکردهای روح‌القدس در انسان

الف) روح‌القدس جهان را به گناه، عدالت و داوری ملزم می‌سازد (یوحنا ۱۶: ۸).

ب) روح‌القدس نماینده عیسی مسیح بر روی زمین می‌باشد (یوحنا ۱۵: ۲۶؛ ۱۶: ۱۳- ۱۵). او با قرار گرفتن بر ایمانداران، آن اعمالی را انجام می‌دهد که اگر عیسی بر روی زمین بود، انجام می‌داد.

پ) روح‌القدس کار تجدیدحیات را در انسانها انجام می‌دهد (یوحنا ۳: ۳- ۸؛ تیطس۳: ۳- ۷)، و ایشان را ترغیب می‌کند تا کلام خدا را بشنوند (یوحنا ۱۴: ۲۶؛ افسسیان ۶: ۱۸) و از کلام خدا اطاعت کنند (اول پطرس ۱: ۲). او مسیحیان را ترغیب می‌کند تا بیشتر تقدیس شوند (غلاطیان ۵: ۱۳- ۲۶)، و علیرغم سختیهایی که با آنها مواجه می‌شوند، آنان را تقویت می‌کند (رومیان ۸: ۲۶- ۲۷).

۳- عملکردهای روح‌القدس در کلیسا

الف) روح‌القدس در تجارب و زندگی مسیحیان، عیسی مسیح را جلال می‌دهد (یوحنا ۱۶: ۱۴).

ب) روح‌القدس کلیسا را اداره و رهبری می‌کند. از طریق کار تجدیدحیاتِ روح‌القدس در زندگی فرد مسیحی، آن شخص عضو واقعی کلیسا می‌شود (اول قرنتیان ۱۲: ۱۲- ۱۳). روح‌القدس مسیحیان را با هم متحد می‌سازد تا مسکنی باشند جهت سکونت خدا (افسسیان ۲: ۲۲؛ ۱ پطرس ۲: ۴- ۵). او پیران کلیسا را ترغیب می‌کند تا کلیسای مسیح را به خوبی نظارت کنند (اعمال ۲۰: ۲۸). او در رابطه با تعالیم صحیح و اعمال کلیسای مسیحی، مسؤول می‌باشد (اعمال ۱۵: ۲۸). او جلسات کلیسایی را رهبری می‌کند (افسسیان ۵: ۱۸- ۱۹). و با قدرت عطایای روحانی را به مسیحیان می‌بخشد تا بدینوسیله دیگران را خدمت کنند و باعث بنای کلیسای مسیح شوند (رومیان ۱۲: ۴- ۸).

پ) روح‌القدس، مجری و اداره‌کننده خدمات رسالت بشارتی در جهان می‌باشد. او مسیحیان مختلف را انتخاب کرده، آنها را دعوت به خدمت بشارت انجیل، شاگردسازی و پایه گزاری کلیسا می‌کند (اعمال ۱۳: ۱- ۴). او مسئولیت هر خادم مسیحی را مشخص می‌کند (اول قرنتیان ۳: ۵- ۹؛ ۱۲: ۴- ۶، ۱۱). و در مواقع سختیها و جفاها، آنها را تشویق و تقویت می‌کند (اعمال ۱۳: ۴۹- ۵۲).

ت - تعمید با روح‌القدس

۱- اصطلاح "تعمید با روح‌القدس"

الف) اصطلاح "تعمید با روح‌القدس"، تنها ۷ بار در عهدجدید آمده است (متی ۳: ۱۰- ۱۲؛ مرقس ۱: ۸؛ لوقا ۳: ۱۶؛ یوحنا ۱: ۳۳؛ اعمال ۱: ۵؛ ۱۱: ۱۴- ۱۸ و اول قرنتیان ۱۲: ۱۲- ۱۳). و در هر ۷ مورد اشاره به شروع حیات روحانی يك شخص می‌کند. "تعمید با روح‌القدس" مربوط به اجتماع ایمانداران در ملکوت خدا می‌باشد، در حالیکه "تعمید با آتش"، مربوط به داوری نهایی بی‌ایمانان است (متی ۳: ۱۰- ۱۲).

ب) پیشگویی و تحقق آن. در مورد تعمید با روح‌القدس در عهدعتیق پیشگویی شده بود (حزقیال ۳۶: ۲۵- ۲۷؛ یوئیل ۲: ۲۸- ۳۲). موضوع متحقق شدن تعمید با روح‌القدس، برای اولین شاگردان مسیح در اعمال ۲: ۱- ۴ بیان شده است، و برای اولین یهودیان ایماندار در اعمال ۲: ۳۷- ۴۱ (اعمال ۱: ۸ - اورشلیم و یهودیه)، برای اولین سامریان ایماندار در اعمال ۸: ۱۲- ۱۷ (اعمال ۱: ۸ - سامره)، و برای اولین غیریهودیان ایماندار در اعمال ۱۰: ۳۴- ۳۸ (اعمال ۱: ۸ - دورترین نقطه دنیا؛ ۱۱: ۱۴- ۱۸؛ ۱۵: ۷- ۱۱).
بنابراین هر که کلام خدا را بشنود و به عیسی مسیح ایمان بیاورد، روح‌القدس را دریافت خواهد کرد (اعمال ۲: ۳۸- ۳۹)، به این معنا که این شخص "با روح‌القدس مختوم شده" (افسسیان ۱: ۱۳- ۱۳) یا "با روح‌القدس تعمید یافته" است (اول قرنتیان ۱۲: ۱۲- ۱۳).

۲- مفهوم تعمید با روح‌القدس

الف) در مورد مفهوم تعمید با روح‌القدس اصطلاحات مختلفی در کلام به کار رفته است:

۱) تعمید با روح‌القدس (اعمال ۱: ۵؛ ۱۱: ۱۶؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۳).
۲) دریافت ریزش روح‌القدس (اعمال ۲: ۱۷، ۳۳؛ تیطس ۳: ۶).
۳) دریافت روح‌القدس (اعمال ۸: ۱۵؛ ۱۰: ۴۶).
۴) دریافت نزول روح‌القدس (اعمال ۸: ۱۶؛ ۱۰: ۴۴؛ ۱۱: ۱۵).
۵) دریافت عطای روح‌القدس که دربرگیرنده خود روح‌القدس است (اعمال ۲: ۳۸؛ ۱۱: ۱۷؛ ۱۵: ۸).
۶) مختوم شدن با روح‌القدس (افسسیان ۱: ۱۳).
۷) دریافت نجات با غسل تولد تازه و تازگی‌ای که از روح‌القدس است (تیطس ۳: ۵؛ اعمال ۱۱: ۱۴، ۱۸؛ یوحنا ۳: ۳- ۵).

همه موارد بالا بیان کننده مفهوم دریافت روح‌القدس در زمان ایمان آوردن شخص به عیسی مسیح می‌باشند.

ب) تعمید با روح‌القدس، به مفهوم دریافت روح‌القدس است که توسط آن شخص، تولد تازه یافته، نجات می‌یابد.
هنگامی‌که نخستین غیریهودیان پیغام انجیل را شنیدند و به عیسی مسیح ایمان آوردند، روح‌القدس بر آنها نازل شد به همان طریقی که ابتدا بر اولین شاگردان از میان یهودیان نازل شده بود. خدا به آنها عطای روح‌القدس را که دربرگیرنده خود روح‌القدس می‌باشد، داد و این واقعه تعمید با روح‌القدس نامیده می‌شود (اعمال ۱۱: ۱۵- ۱۷، پنطیکاستِ اولین غیریهودیان). نتیجه این بود که غیریهودیانی که به عیسی مسیح ایمان آوردند، همانند یهودیان ایماندار، نجات را دریافت کردند (اعمال ۲: ۱۸، ۲۱؛ ۱۱: ۱۴؛ ۱۵: ۱۱؛ افسسیان ۱: ۱۳). خدا به آنها توبه حیات‌بخش را عطا کرد (اعمال ۱۱: ۱۸). و قلبهای آنها را طاهر ساخت (اعمال ۱۵: ۹).

پ) تعمید با روح‌القدس، به مفهوم دریافت روح‌القدس به طریقی است که پس از آن شخص متعلق به مسیح و کلیسای او (یعنی بدن او) می‌شود.
یحیی تعمید دهنده گفت که مسیح مردم را با روح‌القدس تعمید خواهد داد و به این ترتیب آنها را مانند گندمی در انبار خود ذخیره خواهد کرد (متی ۳: ۱۱- ۱۲). پولس ۲۶ سال پس از پنطیکاست خطاب به ایمانداران یهودی و غیریهودی قرنتس نوشت که نه تنها گروه برگزیده‌ای با روح‌القدس تعمید یافتند، بلکه "جمیع ما به یك روح در یك بدن (بدن مسیح)، تعمید یافتیم". این برکت شامل تمام رسولان و ایمانداران جهان می‌شود (اول قرنتیان ۱۲: ۱۲- ۱۳). بنابراین وقتی انسانها به عیسی مسیح ایمان می‌آورند، توسط یك روح در بدن مسیح تعمید می‌یابند (افسسیان ۱: ۲۲- ۲۳).

ت) تعمید با روح‌القدس، به مفهوم دریافت روح‌القدس به طریقی است که روح‌القدس در زندگی و اعمال فرد ایماندار ساکن می‌شود. در زمان تعمید با روح‌القدس، روح‌القدس در بدن ایماندار ساکن می‌شود (یوحنا ۷: ۳۷- ۳۹؛ اول قرنتیان ۶: ۱۹- ۲۰). و پس از آن کار تمام شده نجات توسط عیسی مسیح را در زندگی ایمانداران عملی می‌سازد. و به مرور زمان عطایای مختلفی را به مسیحیان می‌بخشد.

ث - پری روح‌القدس

۱- مفهوم پری روح‌القدس

الف) شخصیتی مقتدر، نه قدرتی بی‌جان
اگر روح‌القدس قدرتی بیجان بود که شما می‌توانستید از آن به مقدار مشخصی برخوردار شوید، آنگاه این نگرش را می‌داشتید که "چگونه می‌توانم از مقدار بیشتری از روح‌القدس را برخوردار شوم؟" ولی اگر روح‌القدس دارای شخصیتی مقتدر یعنی

شخصیت خدا می‌باشد که می‌تواند به مقدار کم یا زیاد شما را تصاحب کند، در آن زمان نگرش شما باید اینگونه باشد: "چگونه روح‌القدس می‌تواند قسمت بیشتری از مرا تصاحب کند؟" مسیحیان هیچ وقت روح‌القدس را تصاحب نمی‌کنند بلکه این روح‌القدس است که آنان را تصاحب می‌کند. سؤال مربوط به پری روح‌القدس، در واقع سؤالی در رابطه با خداوندی عیسی مسیح توسط روحش در قلب و زندگی من می‌باشد. "چگونه عیسی مسیح به عنوان پادشاه و خداوند، می‌تواند بیشتر در زندگی من نفوذ کرده، آن را هدایت کند؟" پر شدن از روح‌القدس به این مفهوم است که من خود را کاملاً وقف خداوند کرده، و اینکه خدا تمامیت وجود مرا کنترل می نماید. به این مفهوم است که خدا زندگی مرا از طریق کتاب مقدس هدایت کرده، و مرا ترغیب می‌کند تا بیشتر شبیه مسیح شوم و خدمتم پرثمرتر گردد.

ب) <u>وعده مربوط به پری روح‌القدس.</u>
عیسی به مسیحیان وعده داد که از بطن ایشان نهرهای آب زنده جاری خواهند شد (یوحنا ۷: ۳۷- ۳۹). او به طور خاص به شاگردانش وعده داد که آنان قدرت دریافت می‌کنند تا شاهدان او در تمام عالم باشند (اعمال ۱: ۸).

۲- <u>تعلیم در رابطه با پری روح‌القدس</u>

بخوانید: افسسیان ۵: ۱۵- ۲۱.
کشف و گفتگو کنید: تعلیم واضح کتاب‌مقدس در رابطه با پری روح‌القدس چیست؟
ملاحظات:

الف) <u>مسیحیان نیاز دارند، همواره توسط و با روح‌القدس پر شوند.</u>
فعل اصلی در افسسیان ۵: ۱۸- ۲۱ "از روح پر شوید" می‌باشد (۵: ۱۸)، که حالت دستوری دارد، و همواره در زمان حال می‌تواند کاربرد داشته باشد. این عمل مقتدرانه توسط خدا انجام می‌شود. بنابراین کتاب‌مقدس به وضوح به مسیحیان حکم می‌کند که همواره و به طور دائمی باید از روح‌القدس پر شوند. زندگی پر از روح به عنوان زندگی معمول مسیحی قلمداد می‌شود.

ب) <u>وجه مشخصه مسیحیان پر از روح، سخنان و سرودها و ترنم و شکرگزاری و اطاعت و سرسپردگی ایشان می‌باشد.</u>
۵ فعلی که به دنبال فعل اصلی پری از روح در افسسیان ۵: ۱۹- ۲۱ می‌آید، عبارت است از: "بگویید، بسرایید، ترنم نمایید، خدا را شکر کنید و اطاعت کنید". این افعال به فعل اصلی وابسته هستند و به طور همزمان با فعل اصلی عمل می‌کنند و می‌توانند همواره مانند فعل اصلی در زمان حال کاربرد داشته باشند. بنابراین کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که وجه مشخصه مسیحیان پر از روح موارد ذیل می‌باشند:

۱) یك مسیحی پر از روح در مهمانیهای دنیوی که در آنها مستی، عیاشی و انحرافات اخلاقی وجود دارد، شرکت نمی‌کند (افسسیان ۵: ۳- ۱۳؛ اول پطرس ۴: ۳- ۴). بلکه به منظور صحبت در مورد امور روحانی، سراییدن و شکرگزاری خدا، با دیگران جمع می‌شود تا باعث بنای آنها شود و بدین ترتیب خدا جلال بیابد. این یك نمونه از ثمره روح، به نام پرهیزگاری می‌باشد (غلاطیان ۵: ۲۳؛ اول قرنتیان ۷: ۹؛ ۹: ۲۴- ۲۷).
۲) یك مسیحی پر از روح در رابطه با مردم و شرایط موجود، دارای شخصیتی منفی، منتقد و محکوم‌کننده نمی‌باشد. او مانند شخصی نیست که دائماً اعتراض و مجادله کرده، از هیچ چیز ارضا نمی‌شود و روحیه شکرگزار و قدردان ندارد. (فیلیپیان ۲: ۱۴). بلکه او همواره قانع است (فیلیپیان ۴: ۱۱؛ اول تیموتاؤس ۶: ۶) و از خدا برای همه شرایط شکرگزار می‌باشد (اول تسالونیکیان ۵: ۱۸). این یك نمونه از ثمره روح به نام شادی می‌باشد (غلاطیان ۵: ۲۲).
۳) یك مسیحی پر از روح، مغرور و فردگرا نمی‌باشد. او شخصیتی نیست که تنها به فکر خود بوده، نیازها و منافع دیگران را در نظر نداشته باشد. بلکه حلیم و فروتن است. به عنوان مثال او مایل است که کوچکترین و آخرین نفر باشد و در جایی که که شخص دیگری توانایی یا تمایل جهت خدمت به دیگران را ندارد، حاضر به همکاری است (یوحنا ۱۳: ۱- ۱۷). او دیگران را بیشتر از خود احترام می‌نماید (رومیان ۱۲: ۱۰). او علائق و مسائل دیگران را ملاحظه کرده، با آنها دوستانه و با ملایمت و فروتنی برخورد می‌کند (فیلیپیان ۲: ۴). این یك نمونه از ثمره روح به نام تواضع (فروتنی) می‌باشد (غلاطیان ۵: ۲۳).

پ) <u>وجه مشخصه مسیحیان پر از روح، طرز برخورد، حکمت، دانش، اطاعت و اولویت‌هایشان می‌باشد.</u>
در متن اصلی یونانی عهدجدید، بین آیات افسسیان ۵: ۱۷ و افسسیان ۵: ۱۸ حرف ربط "و" وجود دارد. بنابراین یك مسیحی پر از روح توسط آنچه که در آیات ۱۵ الی ۱۷ نوشته شده است، متمایز می‌شود.

۱) یك مسیحی پر از روح، مراقب زندگی و رفتار خود می‌باشد. او شخصی نیست که تنها آنچه را که باعث خشنودی خودش می‌شود انجام دهد، بدون اینکه رضایت و خشنودی خدا را در نظر داشته باشد (داوران ۲۱: ۲۵). بلکه در هر جنبه از زندگی‌اش، روشهای گذشته زندگی را ترك کرده، متوسل به زندگی جدید و مقدسی شده است.
۲) یك مسیحی پر از روح، پر از حکمت عملی است. او از بهترین روشها جهت متوسل شدن به بالاترین اهداف استفاده می‌کند. او دانشی را که از کتاب‌مقدس دارد، به زندگی روزانه‌اش کاربرد می‌دهد، به طوری که خدا در زندگی‌اش جلال بیابد.
۳) یك مسیحی پر از روح، از زمانها و موقعیتهایی که خدا به او عطا کرده است، بهترین استفاده را می‌کند.

۴) یك مسیحی پر از روح، دائماً و فعالانه در صدد درك و انجام اراده خدا، آنگونه که در کتاب‌مقدس آشکار شده است، می‌باشد.

ج - <u>ثمره روح‌القدس</u>

بخوانید: رومیان ۸: ۹-۱۶؛ غلاطیان ۵: ۱۳- ۲۵.
کشف و گفتگو کنید: حضور طبیعت گناهکار یا حضور روح‌القدس در شما چگونه متجلی می‌شود؟
ملاحظات:

۱- <u>متجلی شدن طبیعت گناهکار</u>

طبیعت گناهکاری که در شخص ساکن است، خود را از طریق گناهان جسم، مانند فساد جنسی و فجور، گناهان روحانی، مانند بت‌پرستی و جادوگری، و گناهان اخلاقی مانند جاه‌طلبی، خودخواهی، نزاع و شقاق، متجلی می‌سازد.

۲- <u>تجلی روح‌القدس</u>

روح‌القدس حضور خود را از طریق ثمره روح در شخص، متجلی می‌سازد. او خود را از طریق خصوصیات بنیادین روحانی مانند محبت، خوشی و سلامتی آشکار می‌سازد؛ و از طریق خصوصیاتی که در زندگی اجتماعی ابراز می‌شوند، مانند حلم، مهربانی و نیکویی؛ و همچنین از طریق ایمان و وفاداری به خدا، تواضع نسبت به دیگران و پرهیزگاری در وجود خود. شما اگر مسیحی باشید، به عیسی مسیح تعلق دارید و روح او در بدنهای شما ساکن می‌باشد. در آن زمان دیگر تحت کنترل طبیعت گناهکارتان زندگی نمی‌کنید، بلکه تحت کنترل و حاکمیت روح‌القدس هستید. روح‌القدس با طبیعت گناهکاری که در شما وجود دارد، در تضاد می‌باشد و به شما کمك می‌کند که نسبت به آن طبیعت خود را مرده انگارید. در آن زمان، روح‌القدس ثمره روح را که متشکل از محبت، خوشی، سلامتی، حلم، مهربانی، نیکویی، ایمان، تواضع و پرهیزگاری است، در شما تولید می‌کند، و شما را به طریقی که خدا مایل است بروید، هدایت می‌نماید. بنابراین روح‌القدس، روح حاکم در زندگی شما بوده، زندگی شما را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، و در نتیجه شما بیشتر خود را وقف او کرده، با همکاری می‌کنید.

چ - <u>عطایای روحانی روح‌القدس</u>

۱- <u>ماهیت عطایای روح‌القدس</u>

الف) <u>عطایای روحانی، به مفهوم لغوی، "عطایای فیض مطلق خدا" هستند، که ممکن است متشکل از تواناییها و عملکردها باشند.</u>
ممکن است تواناییها و عملکردهای معمولی یا مخصوص وجود داشته باشد. به عنوان مثال، برخی از مسیحیان توانایی (خدمت) معمولی یا مخصوص نبوت، تعلیم یا تشویق را دریافت می‌کنند (رومیان ۱۲: ۶- ۸) و مسیحیان دیگر عملکرد (مقام) معمولی یا مخصوص نبی، معلم یا شبان را دریافت می‌کنند (افسسیان ۴: ۱۱؛ رومیان ۱۲: ۴).

ب) <u>عطایای روحانی، "تجلیات" مختلف قدرت، حکمت و دیگر صفات خدا می‌باشند.</u>
این صفات توسط ایمانداران متجلی می‌شوند (اول قرنتیان ۱۲: ۷).

پ) <u>عطایای روحانی در "خدمات" متفاوتی نمایان می‌شوند.</u>
(اول قرنتیان ۱۲: ۵). به عنوان مثال: عطایای روحانی ممکن است در اعلام کلام خدا به مردم، در بشارت به جانهای گمشده و در تعلیم و شبانی افراد نجات‌یافته نمایان شوند (افسسیان ۴: ۱۱- ۱۲).

ت) <u>عطایای روحانی "تأثیرات" (نتایج) متفاوتی دارند.</u>
(اول قرنتیان ۱۲: ۶). به عنوان مثال: عطایای روحانی شفا دادن (به صورت جمع)، به عطایایی اشاره می‌کنند که ممکن است باعث شفای جسمی، عاطفی و روحانی مردم شوند. این عطایای روحانی ممکن است به شفای افراد به روشی معمولی و یا شفای آنها به روشی معجزه‌آسا اشاره کنند (اول قرنتیان ۱۲: ۹).

۲- محدودیتهای عطایای روحانی

الف) عطایای روحانی، در هر فهرست از عطایا، به طور محدود بیان شده‌اند.
عطایای روحانی زیادی در رومیان ۱۲: ۴- ۸؛ اول قرنتیان ۷: ۱، ۷؛ ۱۲: ۷- ۱۰، ۲۸- ۳۰؛ ۱۴: ۶، ۲۶؛ افسسیان ۴: ۱۱؛ ۱ پطرس ۴: ۱۰- ۱۱ به طور فهرست‌وار بیان شده‌اند. و هیچ کدام از این فهرستها کامل نیستند. احتمالاً عطایای روحانی بسیار زیاد دیگری هم وجود داشته که در این فهرستها بیان نشده‌اند. به عنوان مثال مهارت در تهیه لباس (خروج ۲۸: ۳؛ ۳۵: ۲۵، ۳۵)، مهارت در انجام کارهای هنری (خروج ۳۱: ۱- ۶)، مهارت در ساختن ساختمان (خروج ۳۵: ۱۰؛ ۳۶: ۱)، مهارت در سراییدن سرود (مزمور ۳۳: ۲- ۳)، مهارت در نوشتن شعر یا سرود (مزمور ۴۵: ۱۰) و مهارت در رهبری (مزمور ۷۸: ۷۲).

ب) عطایای روحانی توسط دهنده این عطایا محدود می‌باشند.

۱) خدا بر اساس فیض و اراده مطلق خود، عطایای روحانی متفاوتی را به مردم عطا می‌کند. او اراده می‌کند به هر کس چه عطایی را بدهد (اول قرنتیان ۱۲: ۱۱).
۲) هیچ کس تمام عطایای روحانی را دریافت نمی‌کند و همه مسیحیان نیز یك نوع عطا را دریافت نمی‌کنند. به عنوان مثال، همه مسیحیان عطای رهبری را ندارند، یا همه به زبانها صحبت نمی‌کنند (اول قرنتیان ۱۲: ۲۹- ۳۰).
۳) مسیحیان در رابطه با این موضوع که هر کدام از آنها عطایی روحانی را دریافت کرده است یا نه، با هم فرق می‌کنند. کلمه "هر یك" می‌تواند به طور عام به مفهوم هر انسان (رومیان ۲: ۶) یا هر فرد مسیحی باشد که تا به حال زیست کرده است (اعمال ۲: ۳۸؛ رومیان ۱۲: ۳؛ ۱۴: ۱۲). بنابراین، برخی از مسیحیان معتقدند که کلمه "هر یك" در اول قرنتیان ۷: ۷، ۱۲: ۷، ۱۴: ۲۶ و ۱ پطرس ۴: ۱۰، به این مفهوم است که هر فرد مسیحی یك عطای روحانی را دریافت کرده است (که احتمال این امر وجود دارد).
از طرف دیگر کلمه "هر یك" می‌تواند از نظر تعلق هر فرد به یك طبقه بندی یا گروهی، دارای مفهومی محدود باشد. به عنوان مثال، هر فرد ریاکار (لوقا ۱۳: ۱۵)، هر فرد در جمعیتی بزرگ (یوحنا ۶: ۷) یا هر فرد مسیحی نیازمند در یهودیه (اعمال ۴: ۳۵). بنابراین گروه دیگر از مسیحیان معتقدند که کلمه "هر یك" در اول قرنتیان ۷: ۷، ۱۲: ۷، ۱۴: ۲۶ و اول پطرس ۴: ۱۰، دارای مفهوم محدودی در متن است که اشاره به هر فرد مسیحی در بدن مسیح می‌کند که روح‌القدس بر اساس اقتداری که دارد، به او یك عطای روحانی را بخشیده است (اول قرنتیان ۱۲: ۱۱، ۲۸- ۳۰). بنابراین لزومی ندارد، اینگونه فکر کنیم که روح‌القدس به هر مسیحی در دنیا، یك عطای روحانی را بخشیده است.
۴) افسسیان ۴: ۷ می‌فرماید، "لیکن هر یکی از ما را فیض بخشیده شد بحسب اندازه بخشش مسیح". این آیه نمی‌گوید هر مسیحی یك عطای روحانی را دریافت کرده است، بلکه می‌گوید، هر مسیحی فیض را دریافت کرده است. فیض خدا چیزی بیش از صرفاً دادن عطایای روحانی به مسیحیان است. هر فرد مسیحی به اندازه‌ای از تأثیرات فیض خدا برخوردار بوده است. به عنوان مثال، خدا به برخی از مسیحیان مهارت خاصی جهت گذاشتن بنیادی روحانی بخشیده است (اول قرنتیان ۳: ۱۰)، در حالیکه به دیگران قدرت و توانایی خاصی را بخشیده که قادرند از مسیحیان دیگر بیشتر کار کنند (اول قرنتیان ۱۵: ۱۰). خدا به برخی از مسیحیان قدرت جهت تحمل و استقامت در شرایط سخت را عطا کرده است (دوم قرنتیان ۱۲: ۹)، در حالیکه به برخی دیگر مهارتهای خاصی جهت انجام خدمات رسالت بشارتی بین ملل دیگر، داده است (غلاطیان ۲: ۹). به همین شکل، برخی از مسیحیان تواناییها یا عملکردهای خاصی را از خدا دریافت کرده‌اند که عطایای روحانی نامیده می‌شوند (افسسیان ۴: ۱۱؛ اول پطرس ۴: ۱۰- ۱۱).

پ) عطایای روحانی از نظر مقدار و اندازه، محدود می‌باشند.
نه تنها فیض خدا، بلکه عطایای روحانی نیز همواره اندازه‌گیری می‌شوند (افسسیان ۴: ۷). این بدان مفهوم است که مسیحیان عطایای روحانی را به طور محدود، و به اندازه‌ای که خدا به آنها نصیب کرده است، دریافت کرده‌اند. به عنوان مثال، برخی از مسیحیان عطای روحانی تعلیم به بچه‌ها را و دیگران، عطای تعلیم به افراد بالغ را دریافت می‌کنند. برخی از مسیحیان عطای تعلیم در ارتباط با گفتن داستان به مخاطبینشان، و دیگران عطای روحانی تعلیم در زمینه توضیح و تفسیر کلام خدا را دریافت می‌کنند. هیچ کس همه مردم دنیا را تعلیم نمی‌دهد و هیچ معلمی هم وجود ندارد که دارای تمام تواناییها جهت تعلیم به افراد مختلف باشد (به جز عیسی مسیح).

۳- **<u>هدف از عطایای روحانی</u>**

عطایای روحانی دارای چهار هدف متمایز از هم می‌باشند.

الف) عطایای روحانی باید جهت خدمت به دیگران به کار گرفته شوند، نه جهت خودنمایی (اول پطرس ۴: ۱۰- ۱۱).

ب) عطایای روحانی باید جهت بنای کلیسا به کار گرفته شوند (اول قرنتیان ۱۲: ۷؛ ۱۴: ۱۲).

پ) عطایای روحانی باید جهت تجهیز مسیحیان به منظور انجام خدمات در کلیسا، به کار گرفته شوند (افسسیان ۴: ۱۲).

ت) عطایای روحانی باید جهت جلال دادن خدا در هر امری، به کار گرفته شوند (اول پطرس ۴: ۱۱).

ح - <u>درسهای دیگری در رابطه با روح‌القدس</u>

۱- شخصیت و عملکردهای روح‌القدس: به مجموعه "بروید و شاگردان بسازید"، در کتاب دوم، درس ۲۱ مراجعه کنید.

۲- تعمید، پری و ثمره روح‌القدس: به مجموعه "بروید و شاگردان بسازید"، در کتاب چهارم، درس ۴۵ مراجعه کنید.

۳- عطایای روحانی روح‌القدس: به مجموعه "بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید"، در کتاب سوم، درس ۳۶ مراجعه کنید.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - <u>تعهد</u> - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - <u>برای یك فرد یا گروه</u>، موضوع " پنطیکاست- روزی که یادآور ریزش روح‌القدس می‌باشد " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - <u>رازگاهان</u> - هر روز نیمی از یك فصل از اول قرنتیان ۹- ۱۲ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - <u>حفظ کردن</u> - آیه حفظی جدید (یوحنا ۱: ۱۶) را مورد تعمق قرار داده و حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - <u>بررسی کتاب مقدس</u> - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۲) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
۶ - <u>دعا</u> - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۷ - <u>آموخته های جدید</u> مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۸

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **اول قرنتیان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اول قرنتیان ۹- ۱۲) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: یوحنا**

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ۱: ۱۶.

۴	**بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه)** **یوحنا ۲: ۱- ۲۵**

مقدمه: یوحنا ۲: ۱- ۱۱، در مورد ظهور عیسی بر اولین شاگردانش، و یوحنا ۲: ۱۲- ۲۵ در مورد ظهور او بر جماعت اورشلیم می‌باشد.

قدم ۱: بخوانید
بخوانید: یوحنا ۲: ۱- ۲۵ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت یك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

کشف ۱) در یوحنا ۲: ۱۱ در رابطه با این موضوع که عیسی جلال خود را به واسطه نشانه‌ای معجزه‌آسا آشکار می‌سازد، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. جلال عیسی مسیح، تمامی صفات الهی او هستند که از طبیعت انسانی او درخشش می‌یابد. یکی از نمونه‌های جلال او، فیض و راستی او است. یوحنا ۱: ۱۴- ۱۸ می‌فرماید: "ما جلال او را دیدیم...پر از فیض و راستی". دیدن جلال او به مفهوم آزمودن و متمرکز شدن بر صفات الهی او می‌باشد. در این قسمت، جلال خدا بیانگر فیض و راستی اوست که در اعمال و سخنان او نمایان گشته است.
نمونه دیگری از تجلی جلال او، نشانه‌های معجزه‌آسای او هستند. در یوحنا ۲: ۱۱، عیسی جلال خود را توسط نشانه‌ای معجزه‌آسا آشکار کرد. او صفات الهی خود را از طریق تبدیل آب به شراب در یك جشن عروسی، متجلی ساخت. در این قسمت جلال خدا به این موارد اشاره می‌کند: او ارزشهای کامل اخلاقی خود را از طریق احترام به رسم ازدواج، و بخشش الهی خود

را از طریق تهیه شراب آشکار کرد و بدین ترتیب میزبانان را از شرمساری به‌علت نبودن شراب در آن مهمانی رهایی داد. من مایلم نگاهی عمیقتر به موضوع جلال عیسی مسیح در عهدعتیق و عهدجدید بیفکنم.

کشف ۲) در یوحنا ۲: ۲۴- ۲۵، در رابطه با اعتماد نکردن عیسی به هیچ کس، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. وقتی که جماعت در اورشلیم نشانه‌های معجزه‌آسای عیسی را دیدند، بسیاری به او ایمان آوردند (۲۳). ولی عیسی به آنها اعتماد نکرد، زیرا از درون آنان آگاه بود. در نتیجه افرادی را که به او ایمان آوردند، به عنوان ایمانداران واقعی تلقی نکرد. تنها عیسی است که همه مردم را می‌شناسد و از درون آنها آگاهی دارد. تنها عیسی است که می‌داند چه کسی به راستی تولد تازه یافته است. آیه ۲۵ می‌فرماید که عیسی نیاز نداشت شهادتی در مورد مردم بشنود، زیرا خود او قادر بود با چشمان بانفوذش، اعماق قلب انسانها را ببیند.
در یوحنا فصل ۱، وقتی عیسی شمعون را برای بار اول دید، نیاز نداشت کسی او را معرفی کند. او با چشمان بانفوذش درون شمعون را دید. همچنین وقتی عیسی نتنائیل را برای بار اول دید، لازم نبود کسی نتنائیل را به او معرفی کند، زیرا او می‌دانست که نتنائیل آن اسرائیلی واقعی بود که در او هیچ مکری وجود ندارد. بنابراین در فصل ۲، عیسی می دانست که ایمان بسیاری از مردم در اورشلیم، ایمانی اصیل و نجاتبخش نبود. او قادر بود با چشمان بانفوذش اسرار درون انسان را بخواند. او از افکار، انگیزه‌ها و نگرشهای آنان آگاه بود. و در یوحنا فصل ۳، وقتی عیسی نیقودیموس را برای بار اول ملاقات کرد، نیاز نداشت کسی به او بگوید او که بود. این آیات برای من حائز اهمیت زیادی هستند، زیرا بر اساس آنها متوجه می‌شوم که عیسی همه چیز را در مورد من می‌داند. چشمان نافذ او قادرند درون افکار، قلب و تمامی زندگی مرا ببینند (دوم تواریخ ۱۶: ۹؛ عبرانیان ۴: ۱۳). او همان گونه که از ضعفهای پطرس آگاه بود، از ضعفهای من نیز آگاه است. او همان گونه که از صداقت و بی‌ریایی نتنائیل آگاه بود، از صداقت و خلوص من نیز آگاه است. او همانند مردم دیگر، از ایمان من آگاه است و همانند نیقودیموس او سؤال قلبی مرا می‌داند.

<u>**قدم ۳: سؤال**</u>
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۲: ۱- ۲۵ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برایشان پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۲: ۱۱) <u>هدف از معجزات در کتاب‌مقدس چه می‌باشد؟</u>
ملاحظات: یوحنا مایل است از کلمه "نشانه‌ها" به جای کلمه "معجزات" استفاده کند.

الف) <u>نشانه، معجزه‌ای است که اقتدار و عظمت الهی را ثابت می‌کند.</u>
هدف از معجزه این است که توجه بیننده را از خودِ عمل، معطوف به عامل الهی آن بکند. معجزات در کتاب‌مقدس، غالباً در زمان وقوع مکاشفه‌ای جدید واقع شده‌اند.

۱) وقتی که خدا شریعت را بر موسی مکشوف ساخت، از طریق او معجزاتی انجام داد. او ده بلا بر علیه دشمنان او فرستاد، دریای سرخ را از وسط شکافت تا قوم اسرائیل بتوانند از مسیری خشك عبور کنند و آب تلخ را به آبی شیرین تبدیل کرد، و غیره. توسط این معجزات، این حقیقت بر موسی ثابت شد که شریعت از طرف خدا، و با اقتدار الهی او داده شده است.
۲) هنگامی که خدا واقعی بودن حضور خود را در زمانی که مردم یهودا و اسرائیل از او رویگردان شده بودند، بر آنان مکشوف ساخت، از طریق انبیایی مانند ایلیا و الیشع، معجزاتی را انجام داد. او برای بیوه‌زنی فقیر خوراك مهیا کرد، و از آسمان آتش فرستاد تا قربانی، آب و حتی سنگهای مذبح را ببلعد، تا بدین ترتیب ثابت کند که بتها از خود هیچ قدرتی ندارند. او به کودکان مرده حیاتی دوباره بخشید، خادمین خود را از طریق عرابه‌های آتش محافظت کرد و غیره.
۳) هنگامی که عیسی طبیعت انسانی بر خود گرفت و به میان ما آمد، بیشترین و بزرگترین معجزات را انجام داد. او بیماران را شفا داد، افرادی را که در اسارت دیوها بودند رهایی بخشید، مفلوجان و نابینایان و ناشنوایان را بهبود داد، مردگان را برخیزانید، جماعتی گرسنه را خوراك داد و طوفان دریا را آرام ساخت.
موارد ذیل بیان کننده بزرگترین معجزات هستند: او از طریق یك باکره که با قدرت روح‌القدس حامله شده بود متولد شد، از میان مردگان برخاست و به آسمان صعود نمود. او همواره میلیونها انسان را از مرگ و هلاکت ابدی نجات داده، زندگی آنها را مبدل می‌سازد تا بدینوسیله شهروندان ملکوت خدا شوند.

۴) هنگامی که خدا کلیسای خود را توسط اعمال و نوشته‌های رسولان در نقاط مختلفی بنا کرد، معجزات بسیاری را مخصوصاً از طریق آنها به انجام رساند. آنها نیز بیماران را شفا داده، مردمی را که در اسارت دیوها بودند رهایی بخشیدند، مفلوجین و نابینایان را بهبود دادند و مردگان را برخیزانیدند. ولی مهمتر از آن، خدا از آنها استفاده کرد تا پیغام انجیل را در اقصا نقاط جهان موعظه کرده، زندگی بسیاری را تغییر دهند. آنها همچنین کلیساهای بسیاری را بین یهودیان، سامریان و غیریهودیان تأسیس کردند و آخرین کتب کتاب‌مقدس را به نگارش در آوردند.

ب) <u>نشانه، عمل قدرتمندی در قلمرو فیزیکی است و اصلی را نمایان می‌سازد که در قلمرو روحانی قابل اجرا و عملی می‌باشد.</u>
نشانه، هدف مشخصی دارد. معجزه‌ای که در محدوده فیزیکی خلقت به وقوع می‌پیوندد، توجه انسان را از آن به معجزه‌ای معطوف می‌دارد که در محدوده روحانی نجات و رهایی، واقع می‌شود. به عنوان مثال، در یوحنا ۶: ۱۴، نشانه (معجزه) برکت نان با این هدف انجام شد که توجه مردم را به عیسی مسیح که بخشنده نان حیات است معطوف سازد، و به این مفهوم است که عیسی مسیح به آنانی که به او ایمان آورند، حیات جاودانی عطا می‌کند (۶: ۳۵). در یوحنا ۹: ۱۶، نشانه باز شدن چشمان شخصی که نابینای مادرزاد بود، به این حقیقت اشاره دارد که عیسی نور جهان است، و به افرادی که به او ایمان آورند، نور روحانی عطا می‌کند (۸: ۱۲). در یوحنا ۱۱: ۴۷ و ۱۲: ۱۸، نشانه زنده شدن ایلعازر معطوف به این حقیقت است که عیسی قیامت و حیات می‌باشد، و به ایمانداران حیات روحانی می‌بخشد و در زمان قیامت مردگان، بدن فانی ما را به صورت بدن پرجلال خود متبدل می‌سازد (۱۱: ۲۵) (فیلیپیان ۳: ۲۱). تنها از چهارچوبِ هر متن متوجه می‌شویم که آن نشانه خاص، مفهوم ثانوی و عمیقتر روحانی دارد یا نه. در هر مورد، متوجه می‌شویم که یك نشانه، همواره توجه شخص را معطوف به عامل اصلی آن می‌کند. در یوحنا ۲: ۱۱، نشانه تبدیل آب به شراب، اولین نشانه معجزه‌آسای عیسی نامیده می‌شود و هدف از آن بیان این حقیقت است که عیسی مسیح به این جهان آمده است تا آیین و روش قدیمی را متحقق ساخته، به آن پایان دهد و آیین و روشی جدید را جانشین آن سازد (یوحنا ۲: ۱۹- ۲۱؛ متی ۵: ۱۷). آمدن عیسی مسیح به جهان، به آیین و روش عهد عتیق (معبد، قربانیها، و غیره) پایان داد و به جای آن آیین و روش جدیدی عرضه داشت (پرستش خدا در روح و راستی، قربانی عیسی مسیح به عنوان کفاره‌ای برای گناهان تمامی بشر، آمدن مردم از هر قوم و نژادی به حضور خدا و غیره). روش جدید از روش قدیم بسیار برتر می‌باشد، همانگونه که شراب با آب متفاوت و از آن بهتر است.

پ) <u>نشانه، به منظور ایجاد ایمان در شخص نیست، بلکه به منظور تقویت آن است.</u>
متن اصلی یونانی یوحنا ۲۰: ۳۰- ۳۱ بطور تحت اللفظی می‌فرماید، " این نشانه‌ها نوشته شده‌اند تا شما به ایمانتان ادامه دهید".
این آیه نمی‌فرماید "نشانه‌ها به این منظور هستند تا در شما ایمان ایجاد شود"، بلکه می‌گوید، "تا شما به ایمانتان ادامه دهید".
هدف معجزات به عنوان نشانه، ایجاد ایمان نیست، بلکه تقویت ایمانی راستین و نجات‌بخش می‌باشد. تنها روح‌القدس است که ایمان را در شخص ایجاد می‌کند و معجزات و تعالیم مربوطه، صرفاً جهت تقویت ایمان فرد هستند. یوحنای رسول انجیل یوحنا را نوشت تا بدینوسیله ایمان ایمانداران را در مواجهه با معلمین دروغین و دشمنان کلام، تقویت و محافظت کند.

سؤال ۲) (یوحنا ۲: ۱۴- ۱۷). <u>چرا عیسی معبد را پاك می‌کند؟</u>
ملاحظات: همه یهودیان باید هر سال عید فصح را در اورشلیم جشن می‌گرفتند (خروج ۲۳: ۱۴- ۱۷) و مالیات معبد را می‌پرداختند (خروج ۳۰: ۱۱- ۱۶). در طول هفت روز عید فصح، حیوانات زیادی به عنوان قربانی به خداوند تقدیم می‌شدند (اعداد ۲۸: ۱۶- ۲۵). با توجه به اینکه بسیاری از یهودیان از کشورهای دوردستی جهت شرکت در این مراسم می‌آمدند، آنها باید حیوانات خود را جهت قربانی، در اورشلیم می‌خریدند. رئیس بدکار شورای عالی یهود (سنهدرین) به نام حنا، می‌خواست از این شرایط سوءاستفاده کند. به همین دلیل او به فروشندگان و صرافان اجازه داد تا از قسمتی از معبد به نام صحن غیریهودیان، جهت کار خود استفاده کنند. فروشندگان گاو و گوسفند، وسوسه می‌شدند که حیوانات خود را به قیمتهای گزافی بفروشند و از عبادت کنندگان، در رابطه با کارشان بهره‌برداری کنند. صرافان نیز از این قسمت از معبد جهت کار خود استفاده می‌کردند. هر پرستنده ذکوری باید در سال، به اندازه نیم شکیل مالیات به معبد می‌پرداخت. بنابراین، یهودیانی که در کشورهای دیگر زندگی می‌کردند باید پول خود را به سکه‌های یهودی تبدیل می‌کردند. به طور طبیعی، صرافان برای هر تبدیل پولی که انجام می‌دادند، کارمزدی نیز مطالبه می‌کردند. این افراد موقعیتهای زیادی جهت فریب دادن مردم و سوءاستفاده از آنها داشتند. وقتی که عیسی وارد معبد شد، متوجه شد که مردم در صحن معبد، گاو و گوسفند و کبوتر می‌فروشند و بعضی دیگر نیز در پشت میزهایشان مشغول صرافی می‌باشند. بنابراین معبدی که باید جای دعا و پرستش می‌بود (اشعیا ۵۶: ۷)، به خانه تجارت و دزدی تبدیل شده بود.

الف) <u>عیسی در مقام پسر خدا معبد را پاك کرد.</u>
عیسی معبد را خانه پدر خود خواند (لوقا ۲: ۴۹). او از طریق پاکسازی معبد، قدرت خود را در مقام پسر یگانه خدا اعمال کرد تا بدین ترتیب خانه پدر خود را پاك کرده، آن را به حالت اولیه خود، یعنی خانه دعا و پرستش خدا باز گرداند.

ب) <u>عیسی در مقام مسیح موعود معبد را پاك کرد.</u>
یهودیان از کتب مقدسه خود نیز آگاهی نداشتند. هزار سال قبل از میلاد، داود پادشاه نبوت کرده، گفته بود: "غیرت خانه تو مرا خورده است" (مزمور ۶۹: ۹). پاکسازی معبد، به نوعی در مرگ عیسی مسیح نقش داشت. میکای نبی نبوت کرد که خداوند به

طور ناگهانی وارد معبد خود خواهد شد و مانند آتش سوزانی خواهد بود...و افراد قبیله لاوی را پاك خواهد كرد (ملاكی ۳: ۱- ۳). بنابراین عهدعتیق این حقیقت را ثابت می‌كند كه مسیح موعود قدرت و اختیار جهت پاكسازی معبد را دارد. وقتی عیسی معبد را پاك كرد، شاگردانش نبوتهایی را كه در رابطه با او در عهدعتیق نوشته شده بود، به یاد آوردند. عیسی مسیح با اقتدار معبد را پاك كرد، زیرا به عنوان پسر یگانه خدا و مسیح موعود، اختیار و قدرت جهت انجام این كار را داشت.

سؤال ۳) (یوحنا ۲: ۱۸- ۲۲). <u>منظور از خرابی معبد و بازسازی آن در سه روز چه می‌باشد؟</u>
ملاحظات:

الف) <u>معمای عیسی.</u>
عیسی فرمود، "این قدس (معبد) را خراب كنید و در سه روز آن را برپا خواهم نمود". این نوعی معما بود، زیرا كلمات موجود در آن هر كدام دارای دو مفهوم هستند. كلمه "معبد" ممكن است هم اشاره بكند به "معبد ساخته شده به سنگها" در اورشلیم، و هم به " معبد بدن". كلمه "خراب كردن" نیز می‌تواند هم اشاره كند به "در هم كوبیدن " ساختمان، و هم به "از بین بردن" بدن . و كلمه "برپا نمودن" ممكن است هم اشاره بكند به "بنای مجدد" یك ساختمان، و هم به "قیام" بدن.

ب) <u>مفهوم معما.</u>
ذیلاً به منظور عیسی از بیان این معما می‌پردازیم.
۱) اگر چه یهودیان، معبدِ بدن مسیح را از بین خواهند برد، او در سه روز قیام خواهد كرد.
۲) یهودیان، در نتیجه از بین بردن معبد بدن مسیح، معبدهای سنگی خود و تمام آیینهای مذهبی مربوط به آن را نیز در هم می‌كوبند.
۳) عیسی مسیح، در نتیجه قیامش، معبدی جدید و روحانی با شیوه های جدید پرستش بنا خواهد كرد كه در آن مردم خدای پدر را در روح و راستی پرستش خواهند كرد (دوم قرنتیان ۶: ۱۶؛ افسسیان ۲: ۲۲؛ اول پطرس ۲: ۴- ۵).

پ) <u>تصویر (نمونه) و تحقق (اصل) آن نمی‌توانند در كتاب‌مقدس جدا از هم باشند.</u>
تصویر (نمونه)، خیمه یا معبد قوم اسرائیل است كه به عنوان مكانی كه خدا در آن سكونت می‌كند تلقی شده است (خروج ۲۵: ۲۲). تحقق (اصل) آن، بدن مسیح است كه در مفهوم برتری، محل سكونت خدا می‌باشد (كولسیان ۲: ۹).
بنابراین هر كس كه بدن مسیح را از بین ببرد، معبد اورشلیم را نیز با تمام مراسم مذهبی آن در هم می‌كوبد. زمانی كه عیسی مصلوب شد، ساختمان معبد و تمام روشهای مذهبی آن دیگر معنا و مفهومی نداشت. پرده معبد از بالا تا پایین دوپاره شد (متی ۲۷: ۵۱). مسیحیان به وضوح تعلیم می‌دادند كه معبد دیگر هیچ مفهومی ندارد (اعمال ۷: ۴۸- ۴۹؛ ۱۷: ۲۴- ۲۵). همچنین رساله به عبرانیان به وضوح تعلیم می‌دهد كه عیسی مسیح، با كار نجات‌بخش خود، یكبار برای همیشه به معبد و تمام مراسم مذهبی آن پایان داد. مدتی بعد، در سال ۷۰ میلادی، رومیان اورشلیم و معبد آن را از بین بردند.
دقیقاً به همین ترتیب، قیام بدن عیسی مسیح، دلالت بر ایجاد معبدی جدید می‌كند، كه ساخته شده به دست انسان نمی‌باشد (مرقس ۱۴: ۵۸). عهدجدید تعلیم می‌دهد كه جمع ایمانداران (یعنی كلیسا)، معبد (یا هیكل) خداست (اول قرنتیان ۳: ۱۶- ۱۷، دوم قرنتیان ۶: ۱۶، افسسیان ۲: ۲۱- ۲۲؛ اول پطرس ۲: ۴- ۵).

ت) <u>یهودیان متوجه تحقق (اصل) موضوع نشدند.</u>
آنها تنها شاهد معبد سنگی اورشلیم بودند كه بنای آن به مدت ۴۶ سال به طول انجامیده بود. اگر كلام را با قلبی با ایمان مطالعه كرده بودند، متوجه می‌شدند كه معبد اورشلیم، با وسایل و مراسم آن، صرفاً تصویری (نمونه‌ای) بود كه به زودی خراب می‌شد (عبرانیان ۸: ۵). اشعیای نبی نبوت كرد كه معبد نمی‌تواند به مفهوم واقعی، خانه خدا باشد (اشعیا ۶۶: ۱- ۲). ارمیای نبی نبوت كرد كه تابوت عهد ذكر نخواهد شد و تابوت عهد دیگری ساخته نخواهد شد (ارمیا ۳: ۱۶). در عهدعتیق به زبان یونانی، در مزمور ۴۰: ۶- ۷ (عبرانیان ۱۰: ۵- ۷)، نوشته شده است، "در قربانی و هدیه رغبت نداشتی، لكن جسدی (بدنی) برای من مهیا ساختی. به قربانیهای سوختنی و قربانیهای گناه رغبت نداشتی. آنگاه گفتم، اینك می‌آیم تا اراده تو را ای خدا بجا آوردم". قربانی عیسی مسیح جانشین تمام قربانیها دیگر شد.

ث) <u>شاگردان متوجه نشدند كه معبدی كه عیسی در مورد آن سخن می‌گفت، معبد بدنش بود.</u>
تنها پس از مصلوب شدن عیسی و شكافته شدن پرده معبد از بالا تا پایین، و همچنین پس از قیام او در روز سوم بود كه شاگردان متوجه مفهوم روحانی سخنان عیسی شدند.

سؤال ۴) <u>در چه نمونه‌های دیگری از كتاب‌مقدس، وقایع فیزیكی نمایانگر حقایقی روحانی هستند؟</u>
ملاحظات: یهودیان بارها و بارها متوجه نشدند كه وقایع فیزیكی نمایانگر حقایقی روحانی هستند. و بارها سخنان عیسی را كه مفهومی روحانی داشت، به طور تحت‌اللفظی تفسیر كردند. در اینجا به چند نمونه از انجیل یوحنا در این رابطه اشاره می‌كنیم: در یوحنا فصل ۳، اصطلاح "از نو مولود شدن" مفهومی روحانی دارد. در یوحنا فصل ۴، منظور از اصطلاح "آبی كه عیسی

مسیح می‌دهد"، روح‌القدس است. در یوحنا فصل ۶، اصطلاح "خوردن بدن عیسی"، به مفهوم پذیرفتن عیسی با ایمان، می‌باشد. و در یوحنا فصل ۸، کلمه "مرگ"، به مفهوم جدایی ابدی از حضور و توجه محبت آمیز خدا می‌باشد.

قدم ۴: بکار ببرید
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۲: ۱- ۲۵ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر (یوحنا فصل ۲)

- ۲: ۱ * موضوع ازدواج را از این نظر که خدا بانی و مؤسس آن است، محترم بشمارید.
- ۲: ۱ * به عنوان یك فرد مسیحی، در فعالیتها و برنامه‌های عادی افراد دیگر شرکت کنید.
- ۲: ۱۱ * در رابطه با جلال خدا که در عهدعتیق و عهدجدید بازگو شده است، تفکر کنید.
- ۲: ۱۲ * با خانواده و دوستان خود وقت صرف کنید.
- ۲: ۱۵- ۱۶ * در رابطه با شرارت و بی‌عدالتی، خشمگین شوید، ولی مرتکب گناه نشوید (افسسیان ۴: ۲۶).
- ۲: ۲۲ * به عهدعتیق و عهدجدید و به سخنان عیسی ایمان داشته باشید.
- ۲: ۲۳ * به هر کس اعتماد نکنید.
- ۲: ۲۵ * حضور مسیح را تجربه کنید. او همه چیز را می‌بیند و بر همه چیز واقف است.

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) من می‌خواهم جلال خدا را در عهدعتیق و عهدجدید کشف کنم. بنابراین هر بار که قسمتی از کتاب‌مقدس را مطالعه می‌کنم، از خود این سؤال را خواهم کرد که: "از این قسمت چه مطالب بیشتری را می‌توانم در مورد عیسی بیاموزم"؟ امروز آموختم که مرگ عیسی مسیح به معبد و مراسم مذهبی آن پایان داد. و اینکه قیام او معبدی جدید را به وجود آورد که متشکل از ایماندارانی است که خدا توسط روح‌القدس در آنها زندگی می‌کند (افسسیان ۲: ۲۲)، و جایی است که انسان خدا را در روح و راستی پرستش می‌کند.

ب) من می‌خواهم ایمان و پرستشی حول محور رسالت بشارتی داشته باشم. معبد عهدعتیق دارای صحن یا محوطه‌ای برای غیریهودیان بود تا آنها نیز بتوانند خدای حقیقی را پرستش کنند. البته برخی از رهبران مذهبی مانند حنا، و تاجران یهودی، این صحن را به مکانی جهت تجارت گاو و گوسفند و به پناهگاه دزدان تبدیل کرده بودند؛ ایشان در آنجا با مردم داد و ستد کرده، آنها را فریب می‌دادند. مکانی که خدا مقرر کرده بود تا باعث برکت ملل غیریهود بشود، مورد سوء استفاده یهودیان قرار گرفته بود. بدین ترتیب، یهودیان ثابت کردند که مخالف با فعالیتهای بشارتی هستند. آنها می‌خواستند ایمانشان را تنها برای خود حفظ کنند. عیسی به عنوان مسیح موعود آمد و تمام این چیزها را تغییر داد. او هم برای یهودیان آمد و هم برای غیریهودیان. او تمام وعده‌هایی را که به ایمانداران داده شده بود، به تحقق رساند و کلیسایی را برای ایمانداران از تمام ملل و قبایل و زبانها بنا کرد. امیدوارم کلیسای من و خودم هیچوقت در کلیسای خود را به روی مردم ملل دیگر که پیغام انجیل را نشنیده‌اند، نبندیم.

قدم ۵: دعا کنید
در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۲: ۱- ۲۵ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروههای دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ۲ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از اول قرنتیان ۱۳- ۱۶ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۲: ۲۵) را مورد تعمق قرار داده و حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۹

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **اول قرنتیان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اول قرنتیان ۱۳- ۱۶) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: یوحنا**

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ۲: ۲۵.

۴	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **روز خداوند – روز استراحت، مشارکت و خدمت**

مقدمه: روز خداوند، روزی است که در آن مسیحیان استراحت می‌کنند، با دیگران مشارکت دارند و عبادت و خدمت می‌کنند. ما در رابطه با سَبَت که روز هفتم هفته بود، مطالبی خواهیم آموخت. ما همچنین در رابطه با روز خداوند، که همواره اولین روز هفته بوده، خواهیم آموخت. چرا مسیحیان در تمام دنیا در روز خداوند با هم جمع شده، خدا را عبادت می‌کنند؟ و مسیحیان در روز خداوند چه کاری را باید انجام دهند؟
در فرهنگهای مختلف، روزهای هفته به طرق مختلفی تقسیم‌بندی شده‌اند. در دوران عهدعتیق، روز استراحت یا سبت، آخرین روز هفته بود که هفتمین روز یا شنبه نامیده می‌شد. مسیحیان دوران عهدجدید، روز خداوند را در اولین روز هفته که روز یکشنبه بود، جشن می‌گرفتند. بسیاری از مسیحیان در دنیا از این الگو پیروی می‌کنند و روز خداوند را در اولین روز هفته‌شان که روز یکشنبه است، جشن می‌گیرند. ولی از طرف دیگر، بسیاری از مسیحیان دیگر روز خداوند را در روز ملی استراحت یا تعطیلشان که ممکن است روز پنجشنبه، جمعه یا شنبه باشد، جشن می‌گیرند. آنچه حائز اهمیت می‌باشد، هدف از روز خداوند است نه آن روز خاص در هفته که به این مناسبت جشن گرفته می‌شود.

الف - __سبت در عهدعتیق و عهدجدید__

۱- __نگاه داشتن سبت، بخشی از شریعت عهدعتیق بود.__

کشف و گفتگو کنید: هدف خدا از روز سبت چه بود؟

الف) **بخوانید:** خروج ۲۰: ۸- ۱۱؛ تثنیه ۵: ۱۲- ۱۴.
ملاحظات: خدا ده فرمان را به قوم خود داد تا آن را اجرا کنند. چهارمین حکم آن این است که روز سبت را مقدس نگاه دارند. در عهدعتیق، خدا روز هفتم هفته (شنبه) را به عنوان روزی که باید مقدس نگاه داشته می‌شد، مقرر کرده بود. کلمه "مقدس"، در اینجا به مفهوم جدا بودن آن روز خاص از روزهای دیگر هفته، و وقف آن روز به خدا به جهت هدفی است که او در نظر دارد.

ب) **بخوانید:** پیدایش ۲: ۲- ۳؛ خروج ۲۳: ۱۲.
ملاحظات: هدف خدا از روز سبت این بود که یك روز از هفت روز کاری هفته جهت استراحت مردم، کنار گذاشته شود.

پ) **بخوانید:** لاویان ۲۳.
ملاحظات: هدف دوم خدا از روز سبت، این بود که یك روز از هفت روز کاری هفته کنار گذاشته شود تا در آن روز مردم جهت عبادت خدا با دیگر ایمانداران جمع شوند. بنابراین، حکم چهارم در رابطه با اهمیت استفاده از یك روز هفته، جهت استراحت و عبادت خدا می‌باشد.

۲- رهبران و معلمین مذهبی یهود، روح شریعت عهدعتیق را تغییر دادند.

کشف و گفتگو کنید: رهبران و معلمین مذهبی یهود، چگونه شریعت عهدعتیق را تغییر دادند؟

الف) رهبران مذهبی یهود چهارمین حکم را تغییر دادند.
بخوانید: اشعیا ۲۹: ۱۳؛ مرقس ۲: ۲۳- ۳: ۶.
ملاحظات: در زمان اشعیای نبی (سالهای ۷۴۰- ۶۸۰ قبل از میلاد)، رهبران مذهبی شروع به ایجاد قوانین مختلف انسانی در رابطه با عبادت مذهبی، کردند. مخصوصاً در طول ۴۰۰ سال موجود میان آخرین کتاب عهدعتیق و اولین کتاب عهدجدید، آنها بر اساس تفسیری که از قوانین عهدعتیق کرده بودند، قوانین زیاد دیگری نیز به وجود آوردند. آنها فهرستی از ۳۹ عمل ممنوع در روز سبت، تهیه کردند و حکم چهارم را در زیر این فهرست دفن کردند و تمام این فهرست را به عنوان حکم چهارم تفسیر کردند. به عنوان مثال آنها تعلیم می‌دادند که رفتن به سفر، پختن غذا، یا حمل هر چیزی در روز سبت ممنوع می‌باشد. آنها شاگردان مسیح را که یهودی بودند، متهم کردند به اینکه حکم چهارم ده فرمان را زیر پا گذاشته‌اند، زیرا آنها در روز سبت خوشه‌های گندم را جهت خوردن چیده بودند. از دیدگاه رهبران مذهبی یهود، انجام این عمل در روز سبت ممنوع بود. به این ترتیب به نظر می‌آمد که "انسان به جهت سبت مقرر شده بود"، به این مفهوم که خدا انسان را خلق کرده بود تا سبت را نگاه دارد. رهبران مذهبی یهود، با اضافه کردن ۳۹ عمل ممنوع در روز سبت به حکم چهارم ده فرمان، روز سبت را به روزی تبدیل کردند که انجام قوانین آن برای مردم امری دشوار بود.

ب) رهبران مذهبی یهود مفهوم شریعت عهدعتیق را به طور کامل تغییر دادند.
بخوانید: غلاطیان ۳: ۲۵- ۲۷؛ کولسیان ۲: ۱۷؛ عبرانیان ۱۰: ۱؛ اعمال ۱۵: ۱، ۵؛ رومیان ۹: ۳۰- ۳۳؛ متی ۲۳: ۳- ۴.
ملاحظات: رهبران و معلمین مذهبی یهود، به جای اینکه شریعت عهدعتیق را به عنوان شریعتی که معطوف به منجی موعود است، برداشت کنند، آن را به وسیله‌ای برای نجات مردم، تبدیل کردند. آنها تعلیم داده، می‌گفتند که تنها از طریق رعایت قوانین شریعت، شخص می‌تواند نجات بیابد. منظور آنها تنها شریعت عهدعتیق نبود، بلکه آنها تفسیر خودشان از شریعت، به اضافه صدها قانون انسانی دیگر را که خود ابداع کرده بودند، در کنار آن در نظر داشتند. آنها به طور خاص انجام ختنه و حفظ روز سبت را اموری ضروری جهت دریافت نجات تلقی می‌کردند. این رهبران، افراد ریاکاری بودند، زیرا از طرفی خود آنچه را که تعلیم می‌دادند انجام نمی‌دادند، و از طرف دیگر انتظار داشتند که پیروانشان آن قوانین را انجام دهند. آنها، شریعت عهدعتیق را به بار سنگینی تبدیل کرده بودند که هیچ کس قادر به حمل آن نبود.

پ) رهبران مذهبی یهود، رسوم خود را به عنوان احکام خدا در نظر داشتند.
بخوانید: مرقس ۷: ۱- ۱۳.
ملاحظات: عیسی گفت که رهبران و معلمین مذهبی یهود احکام خدا را کنار گذاشته‌اند تا بدینوسیله مراسم انسانی خود را به اجرا درآورند. آنها شریعت عهدعتیق را در زیر ۳۶۵ نهی و ۲۴۸ امر به معروف دفن کرده بودند. تفسیر آنها از شریعت عهدعتیق در تضاد با آن چیزی بود که خدا در نظر داشت. در نظر خدا، شریعت عهدعتیق تصویری بود که معطوف به نجات دهنده موعود و ملکوت او بود. ولی رهبران و معلمین مذهبی یهود آن را تبدیل به وسیله‌ای جهت نجات کرده بودند. آنها تعلیم می‌دادند که اطاعت از شریعت، باعث عادل شدن آنها در نظر خدا می‌شود. ایشان در اشتباه بودند.

۳- مناسكِ شریعت عهدعتیق توسط عیسی مسیح به تحقق رسیده و خاتمه یافته است.

مقدمه: مناسك و فرایض شریعت عهدعتیق دارای مقررات و آدابی در زمینه چهار قلمرو بود: افراد مقدس، اماکن مقدس، زمانهای مقدس، و اعمال مقدس. افراد مقدس متشکل از کاهنان و لاویان بودند. اماکن مقدس متشکل از خیمه اجتماع (و بعدها معبد بزرگ) بود. زمانهای مقدس متشکل از روزه‌ها، اعیاد، و مخصوصاً روز سبت بود. اعمال مقدس متشکل از ختنه، خوردن خوراك حلال، تقدیم قربانیها، آوردن اولین ثمره محصول و دادن دهیك بود.
کشف و گفتگو کنید: عهدجدید در رابطه با ابعاد مختلف مناسك و فرایض شریعت چه تعلیمی می‌دهد؟

الف) **بخوانید:** عبرانیان ۸: ۵، ۱۳؛ ۱۰: ۱. قوانین مربوط به مناسك شریعت تنها سایه‌ای از واقعیت امور آینده بودند. رسالات رومیان، غلاطیان و عبرانیان در عهدجدید، به وضوح تعلیم می‌دهند که عیسی مسیح مناسك شریعت عهدعتیق را به تحقق رسانید و حقایق آن را آشکار ساخت.
ب) **بخوانید:** عبرانیان ۷: ۲۳- ۲۸. تنها کاهن مسیحیان، که ابدی و کامل است، عیسی مسیح است.

پ) **بخوانید:** افسسیان ۲: ۲۱- ۲۲. تنها معبد مسیحیان، کلیسا است که متشکل از ایمانداران تمام جهان می‌باشد.
ت) **بخوانید:** رومیان ۳: ۲۵. تنها قربانی نیابتی برای مسیحیان، مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب می‌باشد.
ث) **بخوانید:** کولسیان ۲: ۱۱. تنها ختنه مسیحیان، ختنه قلب گناهکار آنها می‌باشد.
ج) **بخوانید:** عبرانیان ۴: ۱- ۱۱. تنها سبت مسیحیان، زمانی است که وارد حضور ابدی و آرام خدا در آسمان می‌شوند.
چ) **بخوانید:** مرقس ۲: ۱۸- ۲۲؛ یوحنا ۱۶: ۱۷- ۲۴. روزه و ماتم مسیحیان تبدیل به جشن و شادی شده است، زیرا هر چند عیسی پس از مرگ و قیامش از آنها جدا شد، توسط روح‌القدس در میان آنها حاضر است.
ح) **بخوانید:** دوم قرنتیان ۹: ۶- ۱۵. مسیحیان در رابطه با دادن دهیك، می توانند آن مقداری را که در قلبشان هست، سخاوتمندانه بدهند و این موضوع جانشین روش دادن دهیك در عهدعتیق شده است که به منظور حمایت از معبد و تمام مراسم آن بوده وامری ضروری بود.
خ) **بخوانید:** مرقس ۷: ۱۹. در عهدجدید، عیسی مسیح هر نوع غذایی را جهت خوردن، حلال شمرد.
د) **بخوانید:** متی ۵: ۱۷؛ کولسیان ۲: ۱۴؛ افسسیان ۲: ۱۵. کتاب‌مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که عیسی مسیح شریعت را کنار نگذاشت، بلکه آن را به تحقق رساند. او به مناسك شریعت و تمام مقررات آن، پایان بخشید. کتاب‌مقدس همچنین تعلیم می‌دهد که مناسك شریعت منسوخ گشته و دیگر در کلیسا کاربردی ندارند و باعث ایجاد اختلاف بین ایمانداران نخواهند شد.
خلاصه: مناسك و فرایض شریعت عهدعتیق به تحقق رسیده و منسوخ گشته است.

۴- <u>تفسیر عیسی از سبت در عهدجدید</u>

کشف و گفتگو کنید: نظر عیسی در مورد سبت چیست؟

الف) <u>سبت به منظور کمك به انسان بود.</u>
بخوانید: مرقس ۲: ۱۸- ۲۷؛ متی ۵: ۴؛ رومیان ۱۲: ۱۵؛ دوم قرنتیان ۱: ۳- ۷.
ملاحظات: عیسی می‌فرماید که شراب نو باید در مشکهای نو ریخته شود. او در واقع تعلیم می‌دهد که تحقق نمونه‌های عهدعتیق و "محتوای" واقعیتهای عهدجدید، که او آنها را به ارمغان آورده است، باید شکل جدیدی بگیرند. به عنوان مثال او می‌گوید، آنهایی که در حضور او زندگی می‌کنند باید به جای روزه، جشن بگیرند، و به جای غم و ماتم، شادی کنند. این جشن و شادی، نوعی شادی روحانی و درونی به خاطر کار تحقق یافته عیسی مسیح در رابطه با نجات بشر و به خاطر حضور او در زندگی ما می‌باشد و منظور این نیست که ما نباید در غمهای دیگران شریك شویم. عیسی مسیح با آمدنش بر روی زمین، آیین و محتوای (واقعیتهای) جدیدی را آورد که مستلزم شکل و روشهای جدیدی هستند. تجلیات بیرونی روزهای روزه و سبت به نظام قبلی مربوط می‌شود. عیسی فرمود: "سبت برای انسان مقرر شد، نه انسان برای سبت". سبت پس از خلقت انسان به وجود آمد و جهت برکت انسان بود نه اینکه باری بر دوش او باشد. بنابراین اولین هدف سبت این بود که به انسان کمك کند تا بتواند موقعیتی جهت استراحت داشته، با دیگر ایمانداران جمع شده، خدا را عبادت کند.

ب) <u>سبت به منظور خدمت به خدا مقرر شده بود.</u>
بخوانید: مرقس ۲: ۲۸- ۳: ۶.
ملاحظات: عیسی می‌فرماید: "پسر انسان مالك سبت نیز هست". رهبران مذهبی یهود هیچ اختیار و قدرتی جهت مقرر کردن اصولی به منظور فرمانروایی بر روز سبت ندارند. تنها عیسی اقتدار و اختیار این کار را دارد. به عنوان مثال، زمانی که نیازی واقعی جهت شفا یا نجات زندگی اشخاصی مانند داود بود (اول سموئیل ۲۱: ۱- ۶؛ ۲۲: ۱۴- ۲۰)، یا شفا دادن افراد مثل نمونه مطرح در این متن، در آن صورت لزومی نداشت قوانین الهی مربوط به روز سبت به‌گونه‌ای خشك و بی‌روح و به‌دور از محبت اجرا شود. عیسی می‌فرماید: "در روز سبت کدام جایز است؟ نیکویی کردن یا بدی؟ نجات دادن جان یا هلاك کردن آن؟" (مرقس ۳: ۴). بنابراین هدف دوم سبت، خدمت به خدا از طریق انجام کارهای نیك یا نجات دادن زندگی مردم است. به عنوان مثال، رهایی مردم از اسارتها و فراهم کردن خوراك و پوشاك برای آنها، نمونه‌ای از اعمالی است که لازم است در صورت نیاز در آن روز انجام شود. تعالیم مسیح بیانگر این حقیقت هستند که شکل و جنبه تشریفاتی حکم چهارم ده فرمان توسط اصول حکیمانه، روحانی و مفیدی جانشین شده است. مسیحیان اولیه این اصول را در مورد روز اول هفته به‌کار بردند و آن روز را "روز خداوند" نامیدند.

ب - <u>روز خداوند در عهدجدید</u>

روز خداوند برای مسیحیان، بسیار حائز اهمیت می‌باشد، زیرا تمام اتفاقات تاریخی مربوط به عیسی مسیح در آن روز به وقوع پیوست. در زمان عهدجدید، اولین روز هفته آنها، روز یکشنبه بود.

کشف و گفتگو کنید: چرا روز خداوند برای مسیحیان حائز اهمیت فراوان می‌باشد؟

۱- **عیسی مسیح در روز اول هفته قیام کرد.**

الف) **بخوانید:** متی ۲۸: ۱.
ملاحظات: اناجیل به وضوح بیان می‌کنند که بعد از سبت (روز هفتم)، در صبح بسیار زود روز اول هفته (یکشنبه)"، عیسی مسیح از میان مردگان قیام نمود.

ب) **بخوانید:** اول قرنتیان ۱۵: ۵۴- ۵۷؛ عبرانیان ۲: ۱۴؛ فیلیپیان ۲: ۸- ۱۱.
ملاحظات: قیام جسمانی عیسی مسیح این حقیقت را ثابت کرد که گناه، مرگ و شیطان مغلوب شده‌اند. و خدای پدر قربانی عیسی را که به خاطر گناهکاران بود، پذیرفته و بالاترین مقام در جهان را به عیسی بخشیده است.

پ) **بخوانید:** عبرانیان ۸: ۶، ۱۳؛ ۱۰: ۱.
ملاحظات: مرگ عیسی مسیح به عصر قدیمی عهدعتیق خاتمه داد و قیام او، عصر جدیدِ عهدجدید را آغاز کرد. عهدجدید، که ما در آن زندگی می‌کنیم، دوره‌ای است که در آن سایه‌ها، تصاویر (اصطلاح الهیاتی آن نمونه‌هاست) و نبوتهای عهدعتیق در عیسی مسیح به تحقق رسیده‌اند. و تاریخ نجات عهدعتیق، و سبت که بخشی از مناسك شریعت عهدعتیق بود، به پایان رسیده است.

تعلیم دهید: مرگ و قیام عیسی مسیح سایه‌ها، تصاویر و نبوتهای عهدعتیق را به تحقق رساند. این واقعه به تاریخ نجات عهدعتیق پایان داد و واقعیتهای عهدجدید را معرفی کرد. به عنوان مثال، مرگ عیسی مسیح جانشین قربانیهای حیوانی عهدعتیق شده است (عبرانیان ۱۰: ۸- ۱۰). یا شام خداوند جانشین فصح شده است که یادآور گذر خدا به منظور داوری گناه و کفاره آن می‌باشد (اول قرنتیان ۱۱: ۲۳-۲۶). تعمید جانشین ختنه شده است که به عنوان علامتی جهت ورود به عهد پرفیض خدا می‌باشد (کولسیان ۲: ۱۱- ۱۲). خدمت کهانتی عیسی بر رتبه ملکیصدق، جانشین خدمت کهانتی زمینی، بر رتبه هارون شده است (عبرانیان ۷: ۱۱- ۲۸). کلیسا به عنوان بدن مسیح که متشکل از یهودیان و غیریهودیان تمام ملل دنیا است، جانشین معبد و ملت برگزیده اسرائیل به عنوان قوم خدا، شده است (یوحنا ۲: ۱۹- ۲۱؛ افسسیان ۲: ۱۱- ۲۲؛ اول پطرس۲: ۴- ۱۰). پرستش خدا به روح و راستی، جانشین پرستش خدا از طریق مناسك شریعت شده است (یوحنا ۴: ۲۳- ۲۴). و اصول ملکوت خدا جانشین قانون مدنی ملت اسرائیل شده است (متی ۵- ۷؛ ۸: ۱۰- ۱۲؛ ۱۳: ۴۰- ۴۳؛ ۲۱: ۴۲- ۴۴).
به همین ترتیب، روز خداوند (روز اول هفته) جانشین سبت (هفتمین روز هفته) شده است، روزی که باید مقدس نگاه داشته شود. در عهدعتیق، روز آخر هفته (هفتمین روز هفته)، به عنوان روزی که یادآور تکمیل کار خلقت توسط خدا است، حائز اهمیت بود (پیدایش ۲: ۲- ۳). در حالی که در عهدجدید، روز اول هفته به عنوان روزی که یادآور تکمیل کار خدا در نجات انسانها می‌باشد، اهمیت دارد (یوحنا ۱۹: ۳۰؛ ۲۰: ۱). قیام عیسی مسیح بیانگر این حقیقت است که خدا کار تکمیل شده مسیح در نجات بشر را پذیرفته است. به خاطر قیام عیسی مسیح، روز اول هفته (یکشنبه) حائز اهمیت زیادی شده است. بخشی از چهارمین حکم ده فرمان مبنی بر مقدس نگاه داشتن روز سبت، تشریفاتی بود و لازم بود که تغییری در نماد عهدعتیق در خصوص روز سبت ایجاد شود. نماد روز هفتم در عهدعتیق و روز استراحت (سبت) توسط نماد عهدجدیدی روز قیام (یکشنبه) جایگزین شده است. در عهدجدید روز اول هفته و نه روز آخر آن، اهمیت زیادی دارد و روزی است که در آن قیام پیروزمندانه عیسی از میان مردگان، جشن گرفته می‌شود. مرگ و قیام عیسی مسیح سایه‌ها، تصاویر (نمونه‌ها)، نبوتها و تاریخ عهدعتیق را به تحقق رساند و بر شریعت عهدعتیق و انبیا که شامل جنبه‌های تشریفاتی حکم سبت نیز بود، برتری یافت.

۲- **عیسی مسیح قیام کرده در روز اول هفته بر شاگردان ظاهر شد.**

بخوانید: مرقس ۱۶: ۹- ۱۴؛ یوحنا ۲۰: ۲۶.
ملاحظات: حقایق دیگر بازگو کننده این موضوع هستند که روز اول هفته (یکشنبه) برای مسیحیان حائز اهمیت زیادی می‌باشد. عیسی مسیح، پس از قیامش، بیش از هر زمانی دیگر، خود را در روز اول هفته (یکشنبه) بر شاگردان ظاهر ساخت: در صبح آن روز، به مریم مجدلیه و دیگر زنان، در بعدازظهر آن روز، بر پطرس و دو شاگرد دیگر در راه عموآس، و در عصر آن روز، به ده نفر از شاگردانش و دوستانشان ظاهر شد. این اولین ظهور او به تجمعی از ایمانداران بود. یك هفته بعد، باز در روز اول هفته (یکشنبه)، عیسی مسیح خود را بر یازده شاگرد خود که توما هم بین آنها بود، ظاهر کرد.

۳- **روح‌القدس در روز اول هفته بر مردم ریخت.**

بخوانید: اعمال ۲: ۱؛ لاویان ۲۳: ۱۵- ۱۶.
ملاحظات: ریزش روح‌القدس در روز پنطیکاست، باز در روز اول هفته (یکشنبه) بود.

۴- اولین کلیسا در روز اول هفته تأسیس شد.

بخوانید: اعمال ۲: ۴۲.
ملاحظات: در روزی که روح‌القدس بر مردم فرو ریخت، اولین کلیسای محلی در اورشلیم تأسیس شد. به نظر می‌آید که خدا برای روز اول هفته (یکشنبه)، احترام خاصی قائل بود زیرا در آن روز، هم عیسی مسیح قیام کرد و هم کلیسای عهدجدید متولد شد.

۵- مسیحیان در روز اول هفته با هم جمع می‌شدند.

الف) مسیحیان یهودی، در روز اول هفته (یکشنبه) با هم جمع می‌شدند.
بخوانید: اعمال ۲: ۴۲؛ ۲۱: ۲۰- ۲۱؛ اول قرنتیان ۹: ۱۹- ۲۳.
ملاحظات: به نظر می‌آید که پس از پنطیکاست، جامعه مسیحیان یهودی‌تبار، روز هفتم هفته (شنبه) را به عنوان روز سبت، جشن می‌گرفتند. بر طبق اعمال ۲: ۴۲، آنها همچنین در روز اول هفته (یکشنبه) با هم جمع می‌شدند تا روز خداوند را جشن بگیرند. آنها مانند قبل، در اجتماعشان با یهودیان دیگر در روز هفتم هفته، از عهدعتیق بخوانید: می‌کردند و به موعظات گوش کرده، با هم دعا می‌کردند، زیرا خود را یهودی می‌پنداشتند.
در رابطه با اینکه یهودیان مسیحی، شام خداوند را در روز هفتم هفته برگزار می‌کردند، هیچ اشاره و شاهدی در عهدجدید وجود ندارد.

ب) مسیحیان غیریهودی در روز اول هفته با هم جمع می‌شدند (یکشنبه).
بخوانید: اعمال ۲۰: ۵- ۱۲؛ اول قرنتیان ۱۶: ۲.
ملاحظات: آنها جهت عبادت، شنیدن موعظه، شرکت در شام خداوند، صحبت در مورد اعمال خدا و تقدیم هدایای خود، با هم جمع می‌شدند.

پ) مسیحیان در طول تاریخ، در روز اول هفته (یکشنبه) با هم جمع شده‌اند.
بخوانید: مکاشفه ۱: ۱۰.
ملاحظات: اصطلاح روز خداوند در مکاشفه ۱: ۱۰، در نوشته‌های پدران کلیسا و حتی در یونانی امروزی، به روز اول هفته اشاره می‌کند. جامعه مسیحی به جمع شدن با هم در روز اول هفته (یکشنبه) ادامه دادند و بدین ترتیب این روز را "روز خداوند" نامیدند.

خلاصه: بنابراین، از زمان عهدجدید، اولین روز هفته (یکشنبه)، برای مسیحیان به عنوان روزی تلقی شده است که جهت عبادت، موعظه، شرکت در شام خداوند، و صحبت در مورد اعمال خدا، با هم جمع می‌شوند. چند صد سال پس از شروع اولین کلیسا، کنستانتین، امپراطور روم، روز اول هفته (یکشنبه) را به‌طور رسمی به عنوان روز تعطیل جهت استراحت مردم امپراطوری روم، اعلام کرد.
احتمال دارد مسیحیان فرهنگهای دیگر، روز خداوند را در روز تعطیل ملی‌شان که ممکن است روز پنجشنبه، جمعه و یا شنبه باشد، جشن بگیرند. آنچه حائز اهمیت است، هدف از روز خداوند است و نه آن روز خاصی که به این مناسبت جشن گرفته می‌شود.

پ - هدف از روز خداوند

مقدمه: در کتاب‌مقدس، روز هفتم هفته (شنبه)، روز سبت و روز اول هفته (یکشنبه)، روز خداوند نامیده شده است.
در عهدجدید، هیچ حکم مشخصی دال بر اینکه روز اول هفته (روز خداوند) باید مانند روز هفتم هفته (سبت) در عهدعتیق، نگاه داشته شود، وجود ندارد. همچنین هیچ ممانعتی جهت نگاه داشتن این دو روز، همانند هم، وجود ندارد. مسیحیان اعصار و نقاط مختلف اینگونه فکر می‌کنند که روح حکم سبت (خروج ۲۰: ۸- ۱۱)، در روز اول هفته (روز خداوند) نیز ادامه دارد. اگرچه مسیحیان جنبه تشریفاتی حکم چهارم ده فرمان را پایان یافته تلقی می‌کنند، ولی اصول حکیمانه آن را در رابطه با روز اول هفته که روز خداوند است، حفظ کرده‌اند.

۱- هدف از روز خداوند، رشد، عبادت، مشارکت، خدمت و استراحت می‌باشد.

کشف و گفتگو کنید: مسیحیان، چگونه باید روز خداوند را مقدس نگاه دارند؟

با توجه به اینکه هیچ حکم مشخصی دال بر اینکه روز اول هفته (روز خداوند) باید همانند روز هفتم هفته (سبت) در عهدعتیق، نگاه داشته شود، ۴ مورد زیر به مسیحیان کمك می‌کنند تا بدانند چه اعمالی را می‌توانند در روز خداوند انجام دهند. البته این اعمال نباید تبدیل به شریعتی جدید شوند و یا باری بر دوش آنها باشند.

الف) مسیحیان می‌توانند در روز خداوند، در حضور خدا وقت صرف کنند و در مسیر تقدیس رشد کنند.
بخوانید: اشعیا ۵۶: ۶- ۷؛ ۵۸: ۱۳- ۱۴.
ملاحظات: هدف از روز خداوند این نیست که مسیحیان آن چه را که آنها را خشنود می‌سازد انجام دهند، بلکه باید اعمالی را انجام دهند که خدا را خشنود می‌سازند. آنها باید شادی واقعی را در خدا بیابند نه در خود. هدف از روز خداوند، خدمت، محبت و عبادت خداست.

ب) مسیحیان می‌توانند در روز خداوند، با یکدیگر جمع شوند.
بخوانید: لاویان ۲۳: ۳؛ اعمال ۲: ۴۲؛ ۲۰: ۵- ۱۲.
ملاحظات: هدف از روز خداوند، داشتن اجتماعی روحانی می‌باشد. مسیحیان باید جهت عبادت خدا، شرکت در شام خداوند، موعظه کلام خدا، صحبت با دیگران در رابطه با کلام خدا، دعا و مشارکت با یکدیگر، جمع شوند.

پ) مسیحیان می‌توانند در روز خداوند، به افراد نیازمند رسیدگی کنند.
بخوانید: مرقس ۳: ۴؛ اشعیا ۵۸: ۶- ۱۲؛ لوقا ۴: ۱۶- ۲۱. **ملاحظات:** هدف از روز خداوند، این نیست که شخص هیچ فعالیتی نداشته باشد، بلکه هدف، انجام کارهای نیك و نجات جانها می‌باشد. مسیحیان باید در رابطه با خدا، اعمال نیك مانند عبادت، محبت و خدمت به او را انجام دهند. آنها باید در رابطه با دیگران نیز اعمال نیکوکارانه انجام دهند مانند، رهایی آنها از اسارتهایشان، فراهم کردن خوراك و پوشاك و رساندن پیغام انجیل به آنها.

ت) مسیحیان می‌توانند در روز خداوند استراحت کنند.
بخوانید: خروج ۲۳: ۱۲؛ مرقس ۲: ۱۸- ۲۷.
ملاحظات: هدف از روز خداوند این است که مسیحیان از کار شش روز هفته خود، آرامی گیرند. این زمان فرصت خوبی است که آنها بر روی زندگی خود متمرکز شده، استراحت کنند و با خانواده و دوستان خود مشارکت داشته باشند. هدف از روز خداوند، کمك به انسان می‌باشد، نه گذاشتن باری بر دوش او.

۲- هدف از هر روز هفته، این است که شخص هر روز را با در نظر داشتن ابدیت، زندگی کند.

بخوانید: عبرانیان ۴: ۹- ۱۱.
تعلیم دهید: آن چه باقی می‌ماند، "آرامی سبت" است، نه "روز سبت". این قسمت از کتاب‌مقدس در رابطه با روز هفتم هفته (شنبه)، به عنوان روز آرامی و استراحت صحبت نمی‌کند، بلکه در رابطه با آرامی مربوط به ابدیت صحبت می‌کند که برای مسیحیان حقیقتی است در مورد آینده. "آرامی سبت"، اصطلاحی برای آسمان است. زمانی که زندگی و کار مسیحیان بر روی این زمین به انتها برسد، وارد آرامی خدا در آسمان می‌شوند و همان گونه که خدا از کار خلقت خود بر زمین، آرامی گرفت، آنها نیز از اعمال خود بر روی زمین، آرامی خواهند یافت. با توجه به اینکه مسیحیان در مورد آرامی ابدیت، آگاهند، تمام تلاش خود را جهت اعتماد به خدا و اطاعت از او بر روی این زمین به کار می‌گیرند. آنها طبعاً مایل نیستند که موقعیت ورود به آرامی خدا (آسمان) را به خاطر بی‌ایمانی و ناطاعتی (مانند قوم بنی اسرائیل) از دست بدهند. مسیحیان، نه تنها در روز خداوند، بلکه در هر روز از زندگی‌شان باید با شادی در انتظار ورود به آرامی خدا باشند، زیرا این تنها حقیقتی است که برای آنها باقی خواهد ماند. با توجه به آنچه که گفته شد، متوجه می‌شویم چرا مهم است اهدافی که در بالا در رابطه با روز خداوند بیان شدند، تنها محدود به آن روز هفته نباشند. اهداف مربوط به خدمت، محبت، عبادت خدا، جمع شدن با دیگر ایمانداران جهت بررسی کتاب‌مقدس (عبرانیان ۱۰: ۲۴- ۲۵)، دعا و مشارکت و انجام کارهای نیك در حق دیگران (غلاطیان ۶: ۹- ۱۰)، و نجات جانها، تماماً اهدافی هستند که می‌توان آنها را در روزهای دیگر هفته نیز انجام داد.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " روز خداوند- روز استراحت، مشارکت و خدمت " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای جمعی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از دوم قرنتیان ۱- ۳ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۳: ۱۶) را مورد تعمق قرار داده و حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۳) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۰

دعا	۱

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) دوم قرنتیان	۲

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (دوم قرنتیان ۱- ۳) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا	۳

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ۳: ۱۶.

بررسی کتابمقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۳: ۱- ۳۶	۴

مقدمه: یوحنا ۳: ۱- ۲۱، توضیح می‌دهد که عیسی چگونه خود را بر نیقودیموس مکشوف ساخت و یوحنا ۳: ۲۲- ۳۶ توضیح می‌دهد که عیسی چگونه به مکشوف ساختن خویش بر شاگردان ادامه داد.

قدم ۱: بخوانید
بخوانید: یوحنا ۳: ۱- ۳۶ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت یك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

کشف ۱) در یوحنا ۳: ۱۶، حقیقت مهمی برای من در رابطه با نجات از طریق ایمان، وجود دارد. یوحنا ۳: ۱۶ می‌فرماید، "زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاك نگردد بلکه حیات جاودانی یابد."

الف) خدا اینقدر محبت نمود. این فعل (زمان گذشته) به یك عمل خدا اشاره می‌کند. محبت خدا تنها حقیقت بزرگ، مرکزی و واقعی در کتاب‌مقدس می‌باشد. این محبت از ازل بوده، و در طول تاریخ آشکار گشته است و امروزه در زندگی ما ثمر می‌آورد. محبتی که سبب شد خدا ما را قبل از آفرینش جهان برگزیند، به‌طرز والایی در تجسم و مرگ عیسی متجلی گشته است، و زمانی که ما به عیسی مسیح ایمان می‌آوریم، این محبت در نجات ما آشکار می‌شود.

ب) خدا جهان را اینقدر محبت نمود. کلمه "جهان" معانی متفاوتی در کتاب‌مقدس و در انجیل یوحنا دارد. در یوحنا ۳: ۱۶، کلمه "جهان" به جهان انسانهای گمراه و خطاکار، بدون در نظر داشتن هیچ تمایزی در رابطه با نژاد و ملیت آنها، اشاره می‌کند. و در واقع خطاب آن به انسانهایی از قبایل، زبانها و ملل مختلف است که از خدا دور بوده، زیر بار گناه، تحت داوری خدا و نیازمند نجات هستند. البته جهانی که در اینجا به آن اشاره شده است، به عنوانی جهانی در نظر گرفته نشده است که در قلمرو شیطان، و در دشمنی با خدا و مسیح و مسیحیان است. (یوحنا ۱۵: ۱۸ به این نوع جهان اشاره می‌کند). خدا از شرارت متنفر می‌باشد. او همینطور افراد شریری را که از خدا و مسیح و مسیحیان متنفرند، دوست ندارد (رومیان ۱: ۱۸). خدا جهان انسانهای گمراه و خطاکار را بدون در نظر داشتن هیچ تمایزی در رابطه با نژاد و ملیت آنها دوست دارد.

پ) خدا بر اساس محبتش، باارزش‌ترین هدیه خود را داد. خدا "پسر یگانه خود را داد". این عمل، پسر خدا بودن مسیح در تثلیث را بیان می‌کند، که به این مفهوم است که مسیح از ازل خدا بوده است. منظور از این که خدا پسر یگانه خود را داد، این است که خدا پسر خود را به عنوان قربانی در راه گناهان ما عطا کرد تا بمیرد.

ت) تنها ایمانداران صاحب حیات جاودانی می‌شوند. عیسی در رابطه با کسانی صحبت می‌کند که او را با ایمان دریافت می‌کنند. با توجه به اینکه فعل "ایمان آوردن" در زمان حال استمراری به کار برده شده است، این فعل به افرادی اشاره نمی‌کند که تنها یك بار ایمان آوردند، و بعد از آن به خاطر بی‌ایمانی لغزش خوردند. در این صورت، چنین افرادی ایمانی بر اساس منطق و احساس خود داشته‌اند، نه ایمانی نجات‌بخش. ایمان راستین و واقعی، ایمانی است که به طور مداوم با عیسی مسیح ارتباط داشته و تا به انتها استقامت می‌کند. اگرچه پیغام انجیل می‌تواند در دسترس مردم از هر قبیله، ملت و زبانی در جهان قرار گیرد، همه افرادی که این پیغام را می‌شنوند، نجات را دریافت نمی‌کنند، بلکه هر که به آن ایمان آورد، چه یهودی باشد، چه غیریهودی، حیات جاودانی را در لحظه ایمان آوردن به خدا دریافت می‌کند.

ث) ایمانداران واقعی حیات جاودانی را دریافت می‌کنند. "حیات جاودانی" به مفهوم شناخت شخصی از عیسی مسیح و مشارکت با او از لحظه ایمان آوردن به او می‌باشد (یوحنا ۱۷: ۳). این حیات، زندگی جدیدی است که شامل اطمینان نجات، مشارکت با خدا، آرامش، شادی، محبت به خدا در قلب خود، و داشتن هدف از زندگی بر روی این زمین، می‌باشد. این حیات، حیاتی نیست که فقط از نظر کیفیت، با حیاتی که مشخصه زمان حاضر است متفاوت باشد، بلکه حیاتی بی پایان نیز می‌باشد که به شما این اطمینان را می‌دهد که در آینده نیز پس از بازگشت عیسی مسیح، در زندگی پرجلال او در آسمان و زمین جدید نصیب خواهید داشت.

کشف ۲) در یوحنا ۳: ۱۷- ۲۱ در مورد داوری خدا بر علیه بی‌ایمانی، حقیقت مهمی برای من وجود دارد.

الف) یهودیان معتقد بودند که تنها خودشان قوم برگزیده خدا هستند. آنها فکر می‌کردند مسیح موعود، قوم اسرائیل را محاکمه نخواهد کرد، بلکه ملل غیریهود را به خاطر این که قوم اسرائیل را تحت ظلم و ستم قرار داده بودند، محاکمه خواهد نمود. عاموس نبی به یهودیان هشدار داد که روز داوری نهایی شامل حال آنان نیز خواهد شد (عاموس ۳: ۲).

ب) عیسی تعلیم می‌دهد که نقشه نجات‌بخش خدا تمام ملل جهان را در بر می‌گیرد. او می‌فرماید، خدا پسر خود را به جهت محکومیت جهان نفرستاد، بلکه او را فرستاد تا جهان توسط او نجات یابد. مانند یوحنا ۳: ۱۶، کلمه جهان در اینجا به مفهوم جهان مردم گمراه و سرگردان، از هر نژاد، ملت و زبانی است. هدف خدا، تنها نجات مردم از مجازات گناه نبود، بلکه نجات آنها از خود گناه و دادن حیات جاودانی به آنها بود.

پ) عیسی تعلیم می‌دهد که موضوع نجات یا محکومیت در این دنیا تعیین می‌شود. اگرچه هدف اصلی از آمدن عیسی مسیح بر روی زمین، نجات مردم بود، این بدان مفهوم نیست که هدف اصلی بازگشت او محاکمه مردم خواهد بود. یوحنا ۳: ۱۸ می‌فرماید، "هر که به او ایمان آرد، بر او حکم نشود، اما هر که ایمان نیاورد، الآن بر او حکم شده است، به جهت آن که به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است". لازم نیست شخص به جهت محاکمه شدن، تا روز داوری صبر کند. این تصمیم مبنی بر این که شما نجات می‌یابید یا محاکمه خواهید شد، در زندگی فعلی شما گرفته شده است. بر طبق یوحنا ۵: ۲۴، در روز داوری نهایی، هیچیك از افرادی که به عیسی مسیح ایمان دارند، محاکمه نخواهند شد، زیرا آنها بخشش خدا را دریافت کرده‌اند. هیچ حکم محکومیتی بر علیه آنها نخواهد بود .
اما بر طبق یوحنا ۵: ۲۸- ۲۹، در روز داوری نهایی، تمام افرادی که مرتکب گناه و شرارت شده‌اند، برای محکومیت برخواهند خاست. این بدان مفهوم نیست که آنها تنها در آن روز محاکمه و داوری خواهند شد، بلکه داوری آنها بر عموم مردم آشکار خواهد گشت. تمام مردمی که به عیسی مسیح ایمان نیاورده و او را نپذیرفته‌اند، نیاز ندارند تا زمان داوری نهایی صبر کنند، با این تفکر که ممکن است محاکمه آنها به آن روز موکول شود. تمام بی‌ایمانان، در حال حاضر نیز مورد محکومیت هستند. یوحنا ۳: ۳۶ می‌فرماید که نارضایتی و خشم خدا بر روی تمام افرادی که از طریق نپذیرفتن مسیح با ایمان، از او نااطاعتی

می‌کنند، می‌ماند. پس از مرگ، دیگر فرصتی جهت ایمان آوردن به مسیح نخواهد بود. موضوع نجات و محکومیت در این دنیا تعیین می‌شود.

قدم ۳: سؤال
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۳: ۱- ۳۶ را درك كنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برایشان پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۳: ۳، ۵، ۷) "از سر نو مولود گشتن" (تولد تازه) به چه مفهومی می‌باشد؟
ملاحظات: آنچه که نیقودیموس مایل بود بداند، این بود که "چه کارهای نیکی باید انجام دهم تا بتوانم وارد ملکوت خدا شوم؟" سؤالی که او در مد نظر داشت این بود، "چگونه می‌توانم صاحب حیات جاودانی شوم؟"عیسی از طریق معمایی پاسخ او را داد. معما گفته‌ای است با مفهومی پنهانی. عیسی فرمود: "اگر کسی از سر نو مولود نگردد، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید".

الف) از سر نو مولود گشتن، به مفهوم مولود گشتن از بالا و از روح خداست. اصطلاح "از سر نو مولود گشتن" به صورت لغوی به مفهوم مولود گشتن از بالا، یا از خدایی است که در آسمان می‌باشد (یوحنا ۳: ۳۱). همچنین به معنای از نو مولود گشتن از نظر روحانی، پس از تولد جسمانی می‌باشد (غلاطیان ۴: ۹- از سر نو). در یوحنا ۳: ۶، عیسی می‌فرماید: "آنچه از جسم مولود شد، جسم است و آنچه از روح مولود گشت، روح است". مولود گشتن از جسم به مفهوم تولد جسمانی با طبیعت انسانی گناهکار می‌باشد، و مولود گشتن از روح، به مفهوم تولد روحانی، با طبیعت جدید روحانی است.

ب) تعمید به آب، صرفاً علامت و مُهر تعمید به روح‌القدس می‌باشد. در یوحنا ۳: ۵، عیسی می‌فرماید: "اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود". در متی ۳: ۱۱ نیز در باره آب و روح می‌خوانیم. یحیی تعمید دهنده می‌فرماید: "من شما را به آب تعمید می‌دهم...ولی او (مسیح) شما را به روح‌القدس تعمید خواهد داد". منظور این است که مردم تنها توسط عمل روح‌القدس در قلب و زندگی‌شان، از نو مولود می‌شوند. روح‌القدس از طریق موعظات و تعالیم کلام خدا کار تجدیدحیات را در مردم انجام می‌دهد و در این زمان است که آنها تولدی تازه دریافت می‌کنند (اول پطرس ۱: ۲۳).
مردم صرفاً توسط تعمید به آب، تولد تازه (از نو مولود گشتن) را دریافت نمی‌کنند. تعمید به آب علامت و مُهر یا تأیید آن کاری است که تعمید به روح‌القدس در شخص انجام داده است. مظهر يك چیز تنها زمانی دارای ارزش می‌شود که با اصلِ خود همراه شود. تعمید به آب، تنها زمانی نشانه و مظهری با ارزش و با مفهوم خواهد بود که این حقیقت را تأیید کند که شما به واسطه تعمید به روح‌القدس، تولدی تازه یافته‌اید. با توجه به اینکه ما در یوحنا ۳: ۶، ۸ دیگر در رابطه با مولود گشتن از آب نمی‌خوانیم، بلکه تأکید اصلی در مورد مولود گشتن از روح است، متوجه می‌شویم که مولود شدن از روح‌القدس، امری بسیار ضروری می‌باشد.

پ) مولود گشتن از روح‌القدس یکی از امور بسیار ضروری است و کار قدرتمند خدا می‌باشد. در یوحنا ۳: ۷- ۸، عیسی می‌فرماید: "عجب مدار که به تو گفتم باید از سر نو مولود گردی. باد هر جا که می‌خواهد می‌وزد و صدای آن را می‌شنوی لیکن نمی‌دانی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. همچنین است هر که از روح خدا مولود گردد". نیقودیموس مانند بسیاری از یهودیان دیگر معتقد بود به این که مردم می‌توانند از طریق اطاعت از احکام شریعت عهدعتیق و قوانین انسانی دیگر، خود را نجات دهند. ولی عیسی با گفتن این موضوع که نجات، هدیه خدا به انسان است نه نتیجه کاری که انسان انجام می‌دهد، نیقودیموس را متعجب ساخت. عیسی به او گفت که شخص نمی‌تواند از طریق انجام احکام شریعت نجات یابد، بلکه به منظور حصول نجات، باید از روح‌القدس مولود شود.
نجات در مرحله اول، کار قدرتمند خداست و انسان در این موضوع کاملاً منفعل می‌باشد. هیچ کس قادر نیست باد را هدایت کند، زیرا هر جا که بخواهد می‌وزد. به همین ترتیب هیچ کس قادر نیست نجات خود را هدایت و کنترل کند. روح قدوس خدا، با اقتدار و مستقل از انسان عمل می‌کند. تجدیدحیات، عمل خداست که در آن انسان هیچ نقشی ندارد. قاعدتاً نیقودیموس بر اساس آگاهی و علمی که از عهدعتیق داشت، باید می‌دانست که گناهکار بوده (پیدایش ۶: ۵؛ ایوب ۱۴: ۴؛ مزمور ۵۱: ۵؛ ارمیا ۱۷: ۹) و قادر به نجات خود نمی‌باشد (اشعیا ۴۳: ۱۰- ۱۱). او نباید اینقدر از تعالیم و سخنان عیسی متعجب می‌شد.

سؤال ۲) (یوحنا ۳: ۳، ۵). "ملکوت خدا" به چه مفهومی میباشد؟
ملاحظات:

الف) ملکوت خدا، قلمرویی است که در آن مردم حاکمیت و خداوندی خدا را توسط عیسی مسیح درك کرده، از او اطاعت میکنند، و در آن فیض خدا غالب میشود. ملکوت خدا، در این موارد متجلی میشود: در نجات ایمانداران، (مرقس ۱۰: ۲۴- ۲۷)؛ در حاکمیت خدا بر قلب و زندگی آنان (لوقا ۱۷: ۲۰- ۲۱)؛ در اجتماع و رشد آنها به عنوان یك کلیسا بر روی زمین (متی ۱۶: ۱۸-۱۹) و در نهایت در آسمان و زمین جدید (عبرانیان ۱۲: ۲۲- ۲۴؛ دوم پطرس ۳: ۱۰- ۱۳).

ب) ورود به ملکوت خدا همان دریافت نجات یا حیات جاودانی میباشد. بنابراین با مقایسه یوحنا ۳: ۳- ۸ و یوحنا ۳: ۱۶- ۱۷، متوجه میشویم که عمل قدرتمند خدا بر هر عمل انسانی مقدم میباشد؛ در واقع از نو مولود شدن بر ایمان آوردن به مسیح مقدم میباشد. مبدل شدن انسان به فرزند خدا، در مرحله اولیه خود، بر توبه و ایمان آوردن او برتری دارد. این تعلیم را میتوان در یوحنا ۱: ۱۲- ۱۳ و ۶: ۴۴، ۳۷ و ۱۷: ۶ یافت.

سؤال ۳) (یوحنا ۳: ۹- ۱۳) وقتی که عیسی در رابطه با شناخت و تصدیق امور آسمانی صحبت میکند، منظورش چیست؟
ملاحظات: در یوحنا ۳: ۱۱، عیسی میفرماید که یحیی تعمید دهنده و خود او در مورد امور آسمانی آگاهی داشته، آنها را تصدیق نمودند. ولی فریسیان و نیقودیموس شهادت آنها را قبول نکردند. عیسی این موضوع را درك کرده بود، زیرا با چشمان نافذش به قلب نیقودیموس نگاه کرده، متوجه تردید او در ایمان آوردن به تعالیم الهی شده بود (۲: ۲۵).

الف) امور زمینی. در یوحنا ۳: ۱۲، عیسی میفرماید: "من با شما در مورد امور زمینی سخن گفتم، ولی شما آنها را باور نکردید". او در رابطه با اموری سخن گفته بود که از نظر منشأ و مشخصات، اموری الهی بودند ولی بر روی زمین واقع میشدند، مانند تعمید و تجدید حیات. اگرچه در مورد تجدیدحیاتِ انسان توسط روحالقدس، به وضوح در عهدعتیق در حزقیال ۳۶: ۲۵- ۲۷ تعلیم داده شده است، بسیاری از یهودیان آن را باور نکردند. خدا فرموده بود: "شما را از تمام نجاسات و از همه بتهای شما طاهر خواهم ساخت. و دل تازه به شما خواهم داد و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد. و دل سنگی را از جسد شما دور کرده، دل گوشتین به شما خواهم داد. و روح خود را در اندرون شما خواهم نهاد و شما را به فرایض خود سالك خواهم گردانید تا احکام مرا نگاه داشته، آنها را به جا آورید."
عمل تجدیدحیات در محدوده تجربه انسانی بر روی زمین به وقوع میپیوندد. بنابراین هر کس که از عهدعتیق آگاهی داشته و به عنوان یك انسان متوجه ناتوانی خود جهت خشنود ساختن خدا شده باشد، ضرورتِ از نو مولود گشتن را درك خواهد کرد. امور دیگر زمینی شامل: آمدن مسیح موعود در میان قوم خود، مرگ و قیام او و اعلام خبر خوش نجات به غیریهودیان در سراسر جهان میباشد. ولی وقتی که نیقودیموس و افرادی مانند او امور زمینی را باور نمیکنند، چگونه میتوانند به سخنان عیسی در رابطه با امور آسمانی، ایمان داشته باشند؟

ب) امور آسمانی. امور آسمانی به طور خاص شامل نقشه ابدی خدا برای نجات میباشند که عیسی آن را در یوحنا ۳: ۱۳- ۱۸ بیان کرده است. تنها پسر خدا دائماً در حضور خدا بوده و از تصمیماتی که در آسمان گرفته شده است، آگاه میباشد. بنابراین درك نقشه خدا جهت نجات مردم از تمام قبایل دنیا و چگونگی این عمل از طریق صلیب، تا زمانی که بر انسانها آشکار شود، کاملاً خارج از حوزه آگاهی آنها میباشد. تنها عیسی از آسمان به زمین آمد. و تنها او از نقشه ابدی نجات آگاهی دارد. و تنها اوست که این نقشه را برای مردم آشکار میسازد و آن را برای انسانها به تحقق میرساند.

سؤال ۴) (یوحنا ۳: ۱۴- ۱۵) وقتی عیسی میفرماید که "او باید بلند کرده شود"، منظورش چیست؟
ملاحظات:

الف) نقشه نجات خدا در مفهوم واقعی خود، تا حدی در تصاویر (نمونههای) عهدعتیق آشکار شده بود، ولی به طور کامل زمانی آشکار شد که عیسی مسیح (اصل)، آن را به تحقق رساند. در عهدعتیق، در کتاب اعداد فصل ۲۱، برافراشته شدن مار بر روی تیری در بیابان، تصویر (نمونه) نقشه نجات خدا بود. نقشه نجات خدا در بلند کرده شدن عیسی بر روی صلیب، به تحقق میرسد.

ب) بین این تصویر عهدعتیق و تحقق آن در عهدجدید شباهتهایی وجود دارد. در هر دو مورد، مرگ مجازاتی است برای گناه. و در هر دو مورد خدای قادر مطلق بر اساس فیضش، راه نجاتی را مهیا میکند. و در هر مورد چیزی یا کسی باید در انظار عموم مردم برافراشته شود. و در هر دو مورد تنها کسانی که به آن چیز یا شخصی که برافراشته شده است، با ایمان نگاه کنند، نجات مییابند.

پ) تحقق یك تصویر همواره بر خود تصویر برتری دارد. در عهدعتیق، مردم با مرگ فیزیکی (جسمانی) مواجه میشدند، ولی امروزه مردم به خاطر گناهانشان دچار مرگ فیزیکی (جسمانی) و روحانی و ابدی میشوند. در عهدعتیق، ماری که برافراشته

شده بود، هیچ قدرتی جهت شفای شخص نداشت؛ بلکه تنها يك مظهر و نماد بود. ولی عیسی مسیح قدرت جهت شفا، نجات و نابودی افرادی را دارد که او را نمی‌پذیرند.

ت) بلند کرده شدن عیسی بر روی صلیب يك حقیقت حتمی است. عیسی می‌فرماید، او باید بلند کرده شود. بلند کرده شدن او بر روی صلیب یکی از چند طریق نجات مردم نیست، بلکه تنها طریق نجات آنها از گناهانشان می‌باشد. تنها مرگ و قیام عیسی مسیح می‌تواند آنچه را که عدالت و خشم مقدس خدا (بر علیه گناه) و همچنین محبت او مطالبه می‌کند، برآورده سازد. بلند کرده شدن عیسی، در وهله اول به بلند کرده شدن او بر روی صلیب اشاره می‌کند که این امر جدا از قیام، صعود و جلوس او بر تخت پادشاهی نمی‌باشد. (اعمال ۲: ۳۳). اگر چه عیسی مسیح در انظار مردم بلند کرده شده است، همه نجات نمی‌یابند.

قدم ۴: بکار ببرید
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و
فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۳: ۱- ۳٦ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به يك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از يك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر (یوحنا فصل ۳)

- ۳: ۱ * اگر از آمدن نزد خدا در روز می‌ترسید، در شب به نزد او بروید.
- ۳: ۳، ۸ * در نظر داشته باشید که آیا "تولد تازه" (از نو مولود گشتن) را دریافت کرده‌اید؟" خود را امتحان کنید تا ببینید آیا در ایمان هستید یا نه؟ (دوم قرنتیان ۱۳: ۵).
- ۳: ۱۶ * این آیه را حفظ کنید. این آیه، جوهر پیغام انجیل است.
- ۳: ۱۸ * در رابطه با این موضوع یقین داشته باشید که افرادی که از میان خانواده، همسایگان، همکاران، شهروندان شما، پیغام انجیل را شنیده‌اند ولی به آن ایمان نیاورده‌اند، از هم اکنون محکومند.
- ۳: ۱۹- ۲۱ * هیچ عملی را در ظلمت انجام ندهید. بلکه در نور زندگی کنید. در حضور خدا شفاف و خالص باشید.
- ۳: ۳۰ * همواره خود را در برابر عیسی مسیح کوچك و فروتن ساخته، اجازه دهید او بزرگ و بلند کرده شود.
- ۳: ۳۶ * در رابطه با این موضوع یقین داشته باشید که افرادی که عیسی مسیح را نپذیرند، حیات جاودانی را نیز تجربه نخواهند کرد.

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) من می‌خواهم همواره به محبتی که خدا در حق من داشته است، متمرکز بشوم. من یوحنا ۳: ۱۶ را حفظ کرده‌ام که می‌فرماید: "زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاك نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد". من هیچ وقت نمی‌خواهم این حقیقت را فراموش کنم که قبل از اینکه من خدا را دوست داشته باشم، او مرا دوست داشته است. خدا ابتدا مرا دوست داشت. من هرگز فراموش نخواهم کرد که بهای محبت خدا، قربانی یگانه پسرش بود. این محبتی فداکارانه بود. من هیچوقت نمی‌خواهم فراموش کنم که خدا مرا همواره دوست داشته است.

ب) من می‌خواهم در زمینه فروتنی رشد کنم. می‌خواهم زندگی و خدمت من به گونه‌ای باشد که عیسی بزرگتر و من کوچکتر باشم. می‌خواهم در این مورد فکر کنم که چگونه می‌توانم مردم بیشتری را به سمت مسیح هدایت کنم. من نمی‌خواهم کلیسا یا مقامی برای خود به وجود آورم. بلکه تنها می‌خواهم نام عیسی مسیح را جلال دهم و کلیسای او را بنا کنم.

قدم ۵: دعا کنید
در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۳: ۱- ۳٦ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروههای دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ۳ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از دوم قرنتیان ۴- ۶ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۴: ۲۴) را مورد تعمق قرار داده و حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۱

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) دوم قرنتیان

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (دوم قرنتیان ۴-۶) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ۴: ۲۴.

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) عید سال جدید- روز تجدید نظر و وقف

مقدمه: عید سال جدید برای بسیاری از مردم حائز اهمیت فراوان می‌باشد. ما در رابطه با موارد زیر در این درس خواهیم آموخت: چگونه مسیحیان آغاز سال جدید را جشن می‌گیرند؟ چرا مهم است که سال گذشته خود را ارزیابی کنیم؟ چرا اتخاذ تصمیم گیری و انتخاب درست در سال جدید حائز اهمیت می‌باشد؟ و چرا مهم است اجازه دهیم خدا در هر کاری که در این سال انجام می‌دهیم، ما را هدایت کند.

مزمور ۹۰: ۱۰- ۱۲ می‌فرماید: "ایام عمر ما هفتاد سال است و اگر از بنیه هشتاد سال باشد. لیکن فخر آنها محنت و بطالت است، زیرا به زودی تمام شده، پرواز می‌کنیم. ما را تعلیم ده تا ایام خود را بشماریم تا دل خردمندی را حاصل نماییم."
عید هر سال جدید برای تمام مردم جهان یادآور این حقیقت است که عمر آنها بر روی این زمین محدود می‌باشد، سال جدید تمام شده، و به زودی به پایان عمر خود نزدیك می‌شوند. عید هر سال جدید فرصتی برای مردم جهت ارزیابی سال گذشته، و اتخاذ تصمیمات مهم می‌باشد. خانواده مسیحی یا گروهی از دوستان می‌توانند در عصر آخرین روز سال گذشته، مدتی وقت صرف کنند و سؤالات مهمی در رابطه با آن سال از خود بپرسند.

کتاب‌مقدس کتابی است که به شما در رابطه با "آغاز تمام امور مهم" تعلیم می‌دهد. به عنوان مثال، این حقیقت را آشکار می‌سازد که خدا از ازل بوده است. کلام خدا در رابطه با پیدایش جهان و مخلوقات، آغاز هدف خدا و مأموریت انسان در جهان نیز تعلیم می‌دهد. کتاب‌مقدس همچنین "انتهای امور" را نیز آشکار می‌سازد. به عنوان مثال، در رابطه با انتهای این جهان و همه حکومت‌ها به‌هنگام بازگشت عیسی مسیح، تعلیم می‌دهد. عیسی مسیح پس از بازگشتش، تمام مردم را بر اساس نوع ارتباطشان با او و چگونگی زندگی‌شان بر روی زمین، داوری خواهد کرد. مسیحیان از این حقیقت آگاهند که خدا آغاز و پایان همه امور است. و آنها تنها با کمك خدا قادر خواهند بود سال بعد را به خوبی شروع کرده، آن را به خوبی نیز به پایان برسانند. بنابراین عید سال جدید فرصتی برای مسیحیان جهت ارزیابی سال گذشته، اصلاح اشتباهاتشان، اتخاذ تصمیمات و انتخابات جدید و به‌طور خاص وقف مجدد زندگی خود به خدای زنده می‌باشد.

الف - عید سال جدید، فرصتی است جهت آزمودن خود

مقدمه: عید سال جدید، زمان مناسبی است که جهت آزمودن خود، چند سؤال مهم از خود بپرسید تا بدین ترتیب بتوانید سال گذشته خود را ارزیابی کنید.

۱- اولین سؤال سال جدید: "آیا من ایماندار هستم؟"

بخوانید: یوحنا ۳: ۱۶- ۱۸، ۳۶؛ یوحنا ۵: ۲۴؛ اول یوحنا ۳: ۹- ۱۰؛ دوم قرنتیان ۱۳: ۵.
کشف و گفتگو کنید: مهمترین سؤالی که هر شخص می‌تواند از خود بپرسد چیست؟
ملاحظات: مهمترین سؤالی که شما می‌توانید قبل از شروع سال جدید از خود بپرسید، در مورد نجاتتان است، و این که "آیا من یك مسیحی هستم یا نه؟" دوم قرنتیان ۱۳: ۵ می‌فرماید: "خود را امتحان کنید که در ایمان هستید یا نه. خود را باز یافت کنید. آیا خود را نمی‌شناسید که عیسی مسیح در شما است، اگر مردود نیستید؟" بسیاری از مردم، سال جدید را بدون حضور عیسی مسیح که خدای زنده است، شروع می‌کنند. هر که به عیسی مسیح ایمان نداشته باشد، گمراه است، و گناهانش بخشیده نشده است. خشم خدا بر روی چنین شخصی قرار می‌گیرد و او بدین ترتیب مجازات ابدی را تصاحب می‌کند. هر که به ارتکاب گناه ادامه داده، آن چه را که درست است انجام ندهد و برادرش را نیز دوست نداشته باشد، فرزند شیطان می‌باشد. ولی هر که به نزد خدا بازگشت کند و به عیسی مسیح ایمان بیاورد، محکوم به هلاکت نخواهد بود، بلکه حیات جاودانی را به دست خواهد آورد. چنین شخصی دیگر به ارتکاب گناه ادامه نمی‌دهد زیرا از خدا مولود شده است. او آنچه را که درست است انجام می‌دهد، و برادرش را نیز محبت می‌کند. و یقین دارد که فرزند خداست. بنابراین، هر کس باید خود را تفتیش کند.
تذکر. اگر هیچگاه عیسی مسیح را به عنوان منجی در زندگی‌تان قبول نکرده‌اید، این کار را الآن انجام دهید. این گونه در حضور خدا دعا کنید: "ای پدر آسمانی، من اعتراف می‌کنم به اینکه شخصی گناهکار و گمشده هستم. من ایمان دارم که عیسی مسیح بر روی صلیب به جای گناهان من مرد. من ایمان دارم که او از مردگان قیام کرده، به عنوان پادشاه پادشاهان سلطنت می‌کند. در این لحظه از عیسی مسیح دعوت می‌کنم تا وارد زندگی من شده، گناهانم را ببخشد و به من حیاتی جدید عطا کند. من می‌خواهم از عیسی مسیح به عنوان معلمم، سرمشق بگیرم و از او به عنوان خداوند زندگی‌ام، اطاعت کنم. از تو به‌خاطر این که به دعای من گوش دادی، متشکرم. در نام عیسی. آمین."

۲- دومین سؤال سال جدید: "من در طول سال گذشته، چگونه زندگی کرده‌ام؟"

بخوانید: مزمور ۱۳۹: ۱- ۷، ۲۳- ۲۴؛ یوحنا ۸: ۳۲.
کشف و گفتگو کنید: دومین سؤال مهمی که هر شخص باید از خود بپرسد، چیست؟
ملاحظات: دومین سؤال مهمی که هر شخص باید از خود بپرسد، این است: "من در طول سال گذشته، چگونه زندگی کرده‌ام؟" مزمور ۱۳۹ دعایی جهت آزمودن خویش است. داود متوجه می‌شود که او کامل و بدون خطا نیست. او همچنین متوجه می‌شود که همواره از این موضوع آگاه نیست که چه چیزهایی در زندگی‌اش باعث نارضایتی خدا می‌شود. بنابراین از خدا می‌خواهد تا گناهانش را به وی نشان دهد. او این گونه دعا می‌کند: "ای خداوند، تو مرا آزموده و شناخته‌ای. تو نشستن و برخاستن مرا می‌دانی؛ و فکرهای مرا از دور فهمیده‌ای. راه و خوابگاه مرا تفتیش کرده‌ای و همه طریق‌های مرا دانسته‌ای. زیرا که سخنی بر زبان من نیست، جز این که تو ای خداوند آن را تماماً دانسته‌ای. از روح تو کجا بروم؟ و از حضور تو کجا بگریزم؟ ای خدا مرا تفتیش کن و دل مرا بشناس. مرا بیازما و فکرهای مرا بدان، و ببین که آیا در من راه فساد است. و مرا به طریق جاودانی هدایت فرما."
توجه کنید: پزشکان تنها زمانی قادرند به درمان بیمارشان بپردازند که شخص متوجه شود که بیمار است. تا زمانی که شخص حاضر نباشد بیماری و ضعف خود را باور کند، متوجه نخواهد شد که به پزشك نیاز دارد. ولی وقتی که او بیماری خود را باور داشته و اعتراف کند به این که نیازمند معالجه می‌باشد، پزشك قادر خواهد بود او را در جهت درمانش كمك کند. به همین ترتیب، عیسی می‌فرماید: "تندرستان احتیاج به طبیب ندارند بلکه مریضان. و نیامده‌ام تا عادلان بلکه تا عاصیان را به توبه بخوانم" (لوقا ۵: ۳۱- ۳۲). هر کس متوجه عصیان خود بشود و آن را به عیسی اعتراف کند، از بهترین طبیب جهان، جهت بهبود وضعیت خود، كمك دریافت خواهد کرد. هر که این حقیقت را باور کند، از آزمودن عمیق خویش به جهت یافتن ترسهای پنهانی و خطایای گذشته خود، ترسان نخواهد بود، زیرا او متوجه خواهد بود که انجام این کار، بهترین و سریعترین طریق برای بهبودی و درمانش می‌باشد.
بنابراین قبل از شروع سال جدید، سؤال مهمی که باید از خود بپرسید، در رابطه با احتمال وجود گناه در زندگی‌تان است. "آیا گناه خاصی در زندگی من وجود دارد، که آن را به عیسی مسیح اعتراف نکرده‌ام؟" آیا انگیزه‌های پنهانی در من وجود دارند که باعث خشنودی خدا نمی‌شوند؟" "آیا گناه مخفی در من وجود دارد که مرا به اسارت خود در آورده است؟" در مورد سال گذشته فکر کرده، رفتار، سخنان، انگیزه‌ها، نگرشها و تصمیم‌گیریهای مربوط به آن سال را ارزیابی کنید. وقتی که احساس کردید که در قسمتهایی از زندگی‌تان درست عمل نکرده‌اید، ولی متوجه نمی‌شوید خطایاتان چه بوده است، در آن صورت مزمور ۱۳۹ را به صورت "دعایی تفتیشی"، به حضور خدا بیاورید. با استفاده از چنین دعایی در مزامیر، از خدا بخواهید تا افکار پنهانی شما و احساسات عمیقتان را بیازماید. از او بخواهید تا ترسها، زخمها و رفتار توهین‌آمیز شما را به شما نشان دهد. خدا از آن چه که در فکر و قلب و زندگی شما مخفی است آگاه می‌باشد، ولی مایل است که از او بخواهید تا آنها را به شما نشان دهد. خدا می‌خواهد شما متوجه این موارد بشوید، چون می‌خواهد شما را از آنها رهایی دهد. در یوحنا ۸: ۳۲، عیسی وعده داد و فرمود: "حق را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد ساخت". این حقیقت (حق)، می‌تواند شما را حتی از تاریکترین قسمتهای طبیعتتان آزاد سازد.

۳- سؤال سوم سال جدید: "در طول سال گذشته به چه پیشرفتهایی نائل شده‌ام؟"

بخوانید: کولسیان ۲: ۶- ۷؛ اول تیموتاؤس ۴: ۱۵- ۱۶.
کشف و گفتگو کنید: سومین سؤال مهمی که هر کس باید از خود بپرسد، چیست؟
ملاحظات: سومین سؤال مهمی که هر شخص باید از خود بپرسد، این است: "در طول سال گذشته به چه پیشرفتهایی نائل شده‌ام؟" انسان موجودی است زنده؛ هر موجود زنده‌ای یا پیشرفت می‌کنند یا پسرفت. ممکن است مردم فکر کنند که جهت مواجهه و برخورد با مشکل خاصی، باید برای مدتی حالتی ساکن و بدون تحرك داشته باشند. ولی حتی مواجهه با يك مشكل نیز خود يك نوع پیشرفت محسوب می‌شود. تنها موجودات بی‌جان هستند که برای مدت طولانی، به طور ساکن و آن گونه که هستند باقی می‌مانند. پولس رسول، تیموتاؤس را تشویق می‌کند که پیشرفت نماید. او می‌فرماید: "در این امور تأمل نما و در اینها راسخ باش تا ترقی تو بر همه ظاهر شود. خویشتن را و تعلیم را احتیاط کن و در این امور قائم باش که هر گاه چنین کنی، خویشتن را و شنوندگان خویش را نیز نجات خواهی داد".
توجه کنید: سؤال مهمی که شما باید قبل از شروع سال جدید از خود بپرسید، در مورد پیشرفتهایی شما در طول سال گذشته می‌باشد. "آیا به عنوان يك مسیحی در زمینه رشد روحانی خود، پیشرفت کرده‌ام یا نه؟" به چه طریقی باعث پیشرفت کار خدا و ملکوت او شده‌ام؟" "خدا از من می‌خواهد در این سال جدید، در چه قسمتهایی تغییر یا پیشرفت کنم؟" مدتی وقت صرف کنید تا مواردی را که در زندگی‌تان نیاز به تغییر دارند، مورد ملاحظه قرار دهید. از طریق مطالعه کلام خدا و دعا، در رابطه با این سؤالات خود را تفتیش کنید.

ب - عید سال جدید، فرصتی است جهت وقف وسرسپردگی

مقدمه: عید هر سال جدید، فرصت بسیار خوبی است جهت اتخاذ تصمیمات مهم در زندگی‌تان. برخی از تصمیماتی که باید بگیرید، می‌تواند از این قبیل باشد: "زندگی من در این سال جدید در چه مسیری پیش خواهد رفت؟" "اعتماد خود را بر روی چه کسی قرار خواهم داد؟" "چگونه از وقت، استعدادها، موقعیتها، پول و... خود در این سال استفاده خواهم کرد؟" "اهداف و اولویتهای من در زندگی چه هستند؟" با هم به تصمیم‌گیریهایی که برخی از مردم در کتاب‌مقدس اتخاذ کرده‌اند، نگاهی می‌اندازیم. پس از آن سعی کنید به تصمیم وانتخابی درست دست بزنید.

۱- اولین تصمیم سال جدید: "من تصمیم درستی در زندگی خود خواهم گرفت".

بخوانید: ارمیا ۶: ۱۶. "بر طریق‌ها بایستید و ملاحظه کنید و در مورد طریق درست سؤال نمائید تا طریق نیکو کدام است تا در آن سلوك نموده تا برای جان خود راحت بیابید".
توجه و گفتگو کنید: شما چه طریقی را می‌خواهید انتخاب کنید؟ زندگی شما در طول سال جدید در چه جهتی هدایت خواهد شد؟
ملاحظات: تصمیم مهمی که باید پیش از شروع سال جدید بگیرید، در رابطه با جهت یا مسیر زندگی شما است. عید هر سال جدید به منزله ایستادن بر سر يك چهارراه می‌باشد که باید تصمیم بگیرید به سمت راست بروید یا چپ، در مسیر مستقیم حرکت کنید یا به سمت عقب برگردید. باید تصمیم بگیرید که آیا می‌خواهید به سمت خدا رفته او را پیروی کنید و طریق درست و نیکو را طی کنید یا می‌خواهید از خدا رویگردان شده، طریق اشتباه را بپیمایید. "طریق درست و نیکو" طبق این آیه، در ارتباط با "طرق قدیمی "می‌باشد. "طرق قدیمی" به طریقی اشاره می‌کند که خدا آن را از زمانهای قدیم (از زمان خلقت جهان)، در کتاب‌مقدس آشکار کرده است. دعا کنید و از خداوند بخواهید که به شما طریق یا مسیر درست و نیکو را نشان دهد.
البته ممکن است با چنین چهارراههایی در مواقع دیگری از زندگی‌تان نیز مواجه شوید.

۲- دومین تصمیم سال جدید: "من به شخص مناسب و درستی در زندگی خود، اعتماد خواهم کرد."

توجه و گفتگو کنید: در طول این سال، به چه کسی می‌خواهید اعتماد کنید؟
ملاحظات: تصمیم مهمی که قبل از شروع سال جدید باید بگیرید، این است که در این سال جدید به چه کسی می‌خواهید اعتماد کنید؟

الف) **بخوانید:** ارمیا ۱۷: ۵- ۱۰. باید انتخاب کنید یا بر انسانها و آن چه که به آنها متعلق است اعتماد کنید، یا به خدا و کلامش. هر که اعتماد خود را بر انسان بنهد، مانند بوته‌ای خشك در بیابان خواهد بود. ولی هر که اعتماد خود را بر خدا نهد، مانند درختی نشانده در نزد نهر آب خواهد بود. خدا بر علیه هر نوع وابستگی و اعتماد ناسالم به هر انسانی هشدار می‌دهد.

ب) **بخوانید:** امثال ۲۳: ۴- ۵؛ متی ۶: ۲۵- ۳۴. کسانی که اعتماد خود را بر مادیات، از جمله اموال و پول می‌گذارند، متوجه می‌شوند که تلاششان برای کسب ثروت بی‌نتیجه است و ثروتشان فانی خواهد بود. مردمی که به خدا اعتماد می‌کنند، تمام وقت و تلاش خود را صرف کسب مادیات نمی‌کنند، بلکه ابتدا در طلب ملکوت خدا و آن اموری هستند که در نظر خدا پسندیده می‌باشد.

پ) **بخوانید:** مزمور ۲۰: ۴- ۸. آنانی که به قدرتهای نظامی یا سلاح‌های خودشان اعتماد می‌کنند، متوجه خواهند شد که آنها روزی "خم شده، خواهند افتاد". ولی هر که به خداوند اعتماد کند، نجات خواهد یافت؛ خداوند دعای او را می‌شنود و او "برخاسته، خواهد ایستاد".

ت) **بخوانید:** هوشع ۴: ۶؛ اول قرنتیان ۱: ۱۸- ۲۵. آنانی که تنها به دانش انسانی، مانند امور فلسفی یا علمی اعتماد می‌کنند، متوجه خواهند شد که در نظر خدا جاهل و نادان هستند. ولی هر که به خداوند و کلامش اعتماد کند، فردی حکیم خواهد بود. او هلاك نشده، بلکه نجات خواهد یافت.

ث) **بخوانید:** مزمور ۲۳: ۱- ۶. مردمی که به خداوند به عنوان شبانشان اعتماد کنند، این حقیقت را تجربه خواهند کرد که خدا آنها را در مسیری درست هدایت می‌کند، و حتی وقتی که از وادی سایه موت نیز عبور کنند، با ایشان حاضر است، و به آنها بر علیه دشمنانشان پیروزی می‌بخشد.

۳- <u>سومین تصمیم سال جدید: "من در زندگی‌ام پیشرفت خواهم کرد".</u>

توجه و گفتگو کنید: خدا می‌خواهد در این سال جدید، در چه قسمتهایی از زندگی‌تان پیشرفت کنید؟
ملاحظات: تصمیم مهمی که شما باید قبل از شروع سال جدید بگیرید در رابطه با قسمتهایی از زندگی‌تان است که باید در آنها پیشرفت کنید. برخی از مردم تنها زمانی که در مدرسه مشغول تحصیل هستند، به پیشرفتهایی نائل می‌شوند. پس از آن، در طول سالهای بعدی زندگی خود بیشتر به جای پیشرفت، پسرفت می‌کنند. خداوند ما عیسی مسیح و پولس رسول مسیحیان را ترغیب می‌کنند که در طول زندگی‌شان پیشرفت کنند.

الف) **بخوانید:** متی ۲۵: ۱۴- ۳۰. خدا به هر انسانی یك یا چند "قنطار" عطا کرده است. هر "قنطار" مقدار هنگفتی پول بود. یك کارگر معمولی در زمان عیسی، باید به مدت بیست سال کار می‌کرد تا می‌توانست یك قنطار کسب کند. نکته مهمی که در این مثل وجود دارد، این است که هر شخص باید در استفاده از موقعیتهایی که خدا در اختیار او قرار داده است، وفادار باشد. او باید از آنها به طریقی استفاده که خدا جلال یافته، ملکوت او گسترش بیابد و برادران کوچکترین (متی ۲۵: ۴۰) نیز بهره بیابند. خدا افرادی را که نسبت به این موضوع غافل مانده باشند، مجازات می‌کند، ولی به افراد فروتن پاداش خواهد داد. اگرچه اشخاص از موقعیتهای متفاوتی در زندگی خود بهره‌مند شده‌اند، با وجود این، باید همواره سعی کنند در زندگی‌شان پیشرفت کرده، از آن چیزی که خدا در اختیار آنها قرار داده است، استفاده کنند و از آنها بهره ببرند.

ب) **بخوانید:** افسسیان ۵: ۱۵- ۱۷. مردمان حکیم، اشخاصی هستند که با خدا راه رفته، در مورد اراده او آگاهی دارند. آنها در صدد رسیدن به بالاترین هدف از بهترین طرق ممکنه هستند. آنها به بهترین نحو از تواناییها و موقعیتهایشان جهت حصول موفقیت استفاده می‌کنند. برای نیل به پیشرفت، شخص باید حکیم باشد.

پ) **بخوانید:** فیلیپیان ۳: ۷- ۱۶. پولس هدف خود را توضیح می‌دهد تا بدین وسیله ایمانداران فیلیپی را ترغیب کند تا از نمونه او پیروی کنند. هدف او، شناخت مسیح، دریافت او، و شباهت به او می‌باشد. هدف او تکامل مذهبی و اخلاقی است. پولس به موضوع برگزیدگی افراد قبل از بنای خلقت (افسسیان ۱: ۴)، و به اطمینان نجات (دوم تیموتاؤس ۲: ۱۹) ایمان دارد. ولی او به موضوعاتِ برگزیدگی الهی بدون وجود مسؤولیت انسانی، نجات الهی بدون وجود تلاشی انسانی، و اطمینان نجات بدون استفاده مداوم از وعده‌های خدا، اعتقاد ندارد. اگرچه مسیحیان نمی‌توانند تا زمانی که بر روی این زمین هستند به طور کامل تقدیس شوند، اما باید همواره تلاش کنند تا در مسیر تقدس رشد کنند.

ت) **بخوانید:** اول تیموتاؤس ۴: ۱۱- ۱۶. پولس تیموتاؤس را تشویق می‌کند تا در زندگی، محبت، ایمان و تقدس نمونه باشد. و خود را وقف مطالعه کلام خدا، موعظه و تعلیم کند و مراقب زندگی و تعالیم خود باشد. هر گاه در این امور ثابت قدم باشد، مردم شاهد ترقی و پیشرفت او خواهند بود.

پ - <u>عید سال جدید، فرصتی است جهت برخورداری از وعده‌های خدا</u>

مقدمه: خدا در اراده مقتدرانه خود، به ما آزادی محدودی جهت انتخاب و تصمیم‌گیری بخشیده است که در رابطه با آنها، ما باید به او حساب پس دهیم. به عنوان مثال او از ما در رابطه با رد کردن یا قبول تعالیم او، و اطاعت یا نااطاعتی از احکام او مطالبه و بازخواست خواهد کرد. ولی در رابطه با قسمتهای دیگر زندگی‌مان به ما آزادی نداده است. به عنوان مثال ما قادر نیستیم زمان و مکان تولد و در بسیاری از مواقع، حتی شرایط زندگی خود را تعیین کنیم. ولی خدا به ما در رابطه با انتخابِ نوع نگرش و عکس‌العمل‌هایمان در قبال شرایط موجود در زندگی، آزادی داده است.

عید هر سال جدید، فرصت خوبی جهت وقف و سرسپردگی به اراده خدا می‌باشد. خدا از ما می‌خواهد با تمام وجود خود را وقف اراده او در کلامش بکنیم و تصمیم بگیریم به تعالیم او ایمان بیاوریم و احکام او را انجام دهیم. او همچنین از ما می‌خواهد که خود را کاملاً سرسپرده آن موقعیتها و شرایطی بکنیم که او بر حسب اراده مقتدرانه خود اجازه داده تا در زندگی ما وجود داشته باشند. بنابراین بیایید اجازه دهیم که خدا ما را در تمام تصمیم‌گیریهای سال جدیدمان هدایت کند.

۱- اولین وعده سال جدید: "من به حضور خدا در زندگی‌ام، متکی خواهم بود".

کشف و گفتگو کنید: کتاب‌مقدس در مورد حضور خدا چه وعده‌ای می‌دهد؟
ملاحظات: موضوع مهمی که هر مسیحی باید قبل از شروع سال جدید خود را به آن وقف کند، اتکا به حضور خدا، مخصوصاً در شرایط سخت زندگی می‌باشد.

الف) **بخوانید:** تثنیه ۱: ۲۹- ۳۳. خدا پیش روی قوم خود رفته، برای آنها جنگ می‌کند. در سال جدید به هر جایی که برویم، خدا قبل از ما در آنجا خواهد بود، و در کنار ما برای ما جنگ خواهد کرد. در واقع خدا مشکلات ما را از ما دور نمی‌سازد، بلکه از طریق مشکلات، ما را پیش می‌برد. همان گونه که یك پدر، از پسر خود در بیابان مشکلات مراقبت می‌کند، خدا نیز از طریق مشکلات، ما را پیش می‌برد تا به سرنوشت نهایی خود برسیم.

ب) **بخوانید:** دوم پادشاهان ۶: ۱۵- ۱۷. گاهی خدا اجازه می‌دهد ما با شرایط بسیار سختی مواجه شویم. دشمنان الیشع، او و تمام شهر را احاطه کرده بودند. خادم الیشع بسیار ترسان بود. آنگاه خدا چشمان روحانی او را باز کرد و او لشکری از سواران و ارابه‌ها را دید که شهر را احاطه کرده بودند. اگرچه ما به عنوان انسان، تنها می‌توانیم خطرات فیزیکی و دشمنان اطراف خود را ببینیم، در همان لحظه خدا و فرشتگانش حاضر هستند. مزمور ۳۴: ۷ می‌فرماید: "فرشته خداوند گرداگرد ترسندگان اوست؛ اردو زده ایشان را می‌رهاند". در اشعیا ۴۱: ۱۰، خدا وعده می‌دهد و می‌فرماید: "مترس زیرا که من با تو هستم و مشوش مشو زیرا من خدای تو هستم. تو را تقویت خواهم نمود و البته تو را معاونت خواهم داد و تو را به دست راست عدالت خود دستگیری خواهم کرد." و در اشعیا ۴۳: ۱- ۷ نیز می‌فرماید: "چون از آبها بگذری من با تو خواهم بود و چون از میان آتش روی، سوخته نخواهی شد."

۲- دومین وعده سال جدید: "من به فیض خدا در زندگی‌ام، متکی خواهم بود".

کشف و گفتگو کنید: کتاب‌مقدس در مورد فیض چه تعلیمی می‌دهد؟
ملاحظات: موضوع مهمی که هر مسیحی باید قبل از شروع سال جدید خود را به آن وقف کند، اتکا به فیض خدا در زندگی‌اش می‌باشد".

الف) **بخوانید:** مکاشفه ۳: ۷- ۸. تنها به‌واسطه فیض خداست که درهای موقعیتهای مختلف برای ایمانداران گشوده می‌شود. او ممکن است به ما موقعیت جهت تحصیل، برخورداری از شغلی خوب و یا ازدواج و غیره عطا کند. او همچنین درهایی جهت بشارت در مورد عیسی مسیح و خدمت در ملکوت او برای ما می‌گشاید. حتی وقتی دیگران سعی کنند دری را ببندند، قادر به انجام آن نخواهند بود زیرا عیسی می‌فرماید که " آن دری را که من بگشایم، هیچ کس قادر به بستن آن نخواهد بود، و آن دری را که من ببندم، هیچ کس قادربه گشودن آن نمی‌باشد." رهبران سیاسی، نظامی و مذهبی در دنیا، ممکن است درهایی را به روی ما ببندند، ولی این کار را تنها با اجازه خدا می‌توانند انجام دهند. و خدا بر اساس قدرت مطلقش، می‌تواند درهای دیگری را برای ما بگشاید که هیچ کس قادر به بستن آنها نخواهد بود. مسیحیان به قدرت مطلق خدا و همچنین به عیسی مسیح ایمان دارند. بنابراین آنها باید در زمینه گشوده شدن درهای موقعیتهای زیادی برای خود در این سال جدید، متکی به فیض خدا باشند.

ب) **بخوانید:** امثال ۲۷: ۱؛ یعقوب ۴: ۱۳- ۱۷. کتاب‌مقدس در مورد فخر کردن به آنچه که در آینده انجام خواهید داد، هشدار می‌دهد. هیچ کس از فردای خود مطلع نیست. هیچ کس نمی‌داند آیا فردا زنده خواهد بود یا نه. بنابراین هر مسیحی وقتی برای آینده خود برنامه‌ریزی می‌کند، باید به فیض خدا متکی باشد. مسیحیان باید بگویند: "اگر خدا بخواهد زنده می‌مانیم و چنین و چنان می‌کنیم."

پ) **بخوانید:** دوم قرنتیان ۱۲: ۹. البته هر مسیحی با مشکلات مواجه می‌شود. ولی خدا از مشکلاتی که شما فردا یا در طول سال جدید با آنها مواجه می‌شوید، هدفی دارد. پولس تعلیم می‌دهد که وقتی شما با مشکلات، بیماریها و جفاها مواجه می‌شوید، باید به فیض خدا اتکا کنید. خدا مشکلات پولس را از او دور نکرد، بلکه به او فرمود: "فیض من تو را کافی است، زیرا که قوت من در ضعف کامل می‌گردد." بنابراین در زمان مواجهه با سختیها و مشکلات در این سال جدید، باید همواره به فیض خدا متکی باشید. خدا از مشکلات شما استفاده می‌کند تا شما را بیشتر به شباهت مسیح درآورده، زندگی‌تان پرثمرتر گردد.

۳- سومین وعده سال جدید: "من به پیروزی خدا در زندگی خود متکی خواهم بود".

کشف و گفتگو کنید: کتاب‌مقدس در مورد پیروزی خدا چه وعده‌ای می‌دهد؟
ملاحظات: موضوع مهمی که هر مسیحی باید قبل از شروع سال جدید، خود را به آن وقف کند، اتکا به پیروزی خدا در زندگی‌اش می‌باشد. وقتی که مردم روزنامه می‌خوانند یا به اخبار جهان از طریق رادیو گوش می‌دهند، غالباً خبرهای بدی می‌شنوند. ملتی با ملتی دیگر وارد جنگ می‌شود، مردم مرتکب دروغ، دزدی، قتل و جنایت می‌شوند. برخی از تاجران و سیاستمداران در فساد هستند. برخی از پلیسها و قاضیان از حق مردم فقیر و نیازمند دفاع نمی‌کنند، و در عوض در مورد مردمی که به آنها باج و خراج می‌دهند، تبعیض قائل می‌شوند. ولی مردمی که کتاب‌مقدس را مطالعه می‌کنند، همواره خبر خوشی به گوششان می‌رسد.

الف) **بخوانید:** رومیان ۸: ۲۸-۳۹. خدا تعلیم می‌دهد که پیروزی نهایی متعلق به قوم خدا می‌باشد، نه مردم شریر و فاسد. این آیه می‌فرماید: "هر گاه خدا با ماست کیست به ضد ما؟ کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ آیا مصیبت یا دلتنگی یا جفا یا قحط یا عریانی یا خطر یا شمشیر؟ در همه این امور از حد زیاده نصرت یافتیم." مهم نیست که برای يك فرد مسیحی در سال جدید چه اتفاقی بیفتد، او می‌داند که در پیروزی نهایی خدا سهمی دارد.

ب) **بخوانید:** متی ۱۳: ۴۱؛ اعمال ۳: ۲۱؛ مکاشفه ۲۱: ۲۷. هر اتفاقی که در این جهان رخ دهد، پایان کار نیست. پایان این جهان ناقص فعلی، بازگشت عیسی مسیح، قیامت مردگان، داوری نهایی، محکومیت مردم شریر و ایجاد آسمان و زمین جدیدی می‌باشد که تنها مردم عادل در آن سکونت خواهند کرد. بنابراین وقتی که شما سال جدید را شروع می‌کنید، توجه‌تان معطوف به آن پیروزی نهایی باشد که آن را در انتهای زندگی خود بر روی این زمین بدست خواهید آورد.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " عید سال جدید- روز تجدید نظر و وقف " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از يك فصل از دوم قرنتیان ۷- ۱۰ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی از انجیل یوحنا را مرور کنید.
۵ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۴) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۲

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) دوم قرنتیان

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (دوم قرنتیان ۷- ۱۰) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا

مرور: ۵ آیه آخر حفظی یوحنا را دو نفری مرور کنید.

۴	بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۴: ۱- ۵۴

مقدمه: یوحنا ۴: ۱- ۴۲، توضیح می‌دهد که عیسی چگوه خود را بر سامریان مکشوف می‌سازد و یوحنا ۴: ۴۳- ۵۴ توضیح می‌دهد که چگونه او خود را به جلیلیان می‌شناساند.

قدم ۱: بخوانید
بخوانید: یوحنا ٤: ۱- ٥٤ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

کشف ۱) در یوحنا فصل ۴ در رابطه با تفاوت موجود میان آب معمولی و آب زنده و حیات‌بخش که عیسی عطا می کند، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. در یوحنا ۴: ۱۰، عیسی می‌فرماید: "اگر بخشش خدا را می‌دانستی و کیست که به تو می‌گوید آب به من بده، هر آینه تو از او خواهش می‌کردی و به تو آب زنده عطا می‌کرد". وقتی که عیسی در رابطه با آب زنده و حیات‌بخش صحبت می‌کرد، زن سامری فکر کرد منظور او آب معمولی چاه است و یا به‌طور خاص آبی است که در اعماق چاه فوران می‌کند و در زیر آبِ سطحی چاه قرار گرفته است و عیسی دلوی جهت کشیدن آب از قسمتهای عمیق چاه ندارد.
این چاه را یعقوب پاتریارخ حفر کرده بود و برای زن این سؤال پیش آمده بود که آیا عیسی بزرگتر از یعقوب است. عیسی به او فرمود: "هر که از این آب بنوشد، باز تشنه گردد، لیکن کسی که از آبی که من به او می‌دهم بنوشد ابداً تشنه نخواهد شد، بلکه آن آبی که به او می‌دهم در او چشمه آبی گردد که تا حیات جاودانی می‌جوشد." عیسی در مورد آب زنده و حیات‌بخشی به نام نجات

صحبت می‌کرد، که به قوت روح‌القدس به او عطا می‌شد. او آب معمولی را با آب زنده مقایسه کرد. وقتی که شما آب معمولی می‌نوشید، باز تشنه می‌شوید، ولی وقتی که آب زنده و حیات‌بخش (نجات) را که عیسی مسیح می‌دهد بنوشید، تا به ابد تشنه نخواهید شد. آب معمولی که شما می‌نوشید، خارج از جان شما قرار می‌گیرد و نمی‌تواند نیاز جان و روحتان را برطرف سازد. ولی وقتی که آب زنده و حیات‌بخش (نجات و تمام برکات حاصله از آن) وارد جان شما شود، عمیقترین نیازهای آن را ارضا خواهد کرد. تأثیر آب معمولی پس از نوشیدن آن، به زودی از بین می‌رود. ولی آب زنده به منزله چشمه پایان ناپذیری است که شما را دائماً سیراب خواهد کرد.

<u>کشف ۲)</u> در یوحنا فصل ۴ در رابطه با این که چگونه عیسی زن را متقاعد ساخت تا به او ایمان بیاورد، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. در امثال ۱۱: ۳۰ نوشته شده است: "کسی که جانها را صید کند، حکیم است". عیسی به ما نمونه‌ای می‌دهد از این که او چگونه جان زن سامری را صید کرد. عیسی بر سر راهش از یهودیه به جلیل، باید از سامره رد می‌شد. در آنجا روزی به‌هنگام ظهر، او خسته و تشنه بر سر چاهی نشست. در آن حین شاگردانش جهت تهیه خوراك به شهر مجاور رفته بودند. عیسی سر چاه، با زنی صحبت می‌کرد که شهرت خوبی نداشت؛ او قصد داشت جان او را برای ملکوت خدا صید کند.

الف) <u>عیسی ابتدا از طریق درخواست یك جرعه آب از زن، از او طلب کمك و همدردی کرد.</u> یکی از مؤثرترین طرق جهت تسخیر قلب یك شخص، این است که برای او موقعیتی فراهم کنید تا کاری برای شما انجام دهد، یا شما لطفی در حق او بکنید. عیسی از هر دو روش استفاده کرد. او از زن آب معمولی طلب کرد و بعد به او آب حیات را عطا کرد.

ب) <u>عیسی حس کنجکاوی زن را با گفتن این جمله برانگیخت:</u> "اگر بخشش خدا را می‌دانستی و کیست که به تو می‌گوید آب به من بده". زن فکر می‌کرد که عیسی یك یهودی است که طالب کمك می‌باشد و او به عنوان یك زن سامری توانایی جهت کمك به او را دارد. ولی عیسی به نوعی زن را متوجه ساخت که خود او نیاز به آب زنده دارد و عیسی خود، چشمه ای است که می‌توانست آن آب را فراهم کند. عیسی با گفتن این حرف، حس کنجکاوی زن را برانگیخت. بهترین روش جهت برانگیختن حس کنجکاوی انسانها این است که به آنها در مورد خدا و آنچه که او می‌خواهد به آنها عطا کند، صحبت کنید.

پ) <u>عیسی اشتیاق زن را جهت برآورده شدن نیازش، با گفتن این جمله برانگیخت:</u> "لیکن کسی که از آبی که من به او می‌دهم بنوشد، ابداً تشنه نخواهد شد، بلکه آن آبی که به او می‌دهم در او چشمه آبی گردد که تا حیات جاودانی می‌جوشد". عیسی آب معمولی را با آب زنده مقایسه کرد. وقتی که شما آب معمولی می‌نوشید، باز تشنه خواهید شد. این آب خارج از جان شما قرار می‌گیرد و نمی‌تواند نیاز جان و روحتان را برطرف سازد. و به زودی تأثیر آن از بین می‌رود. ولی وقتی که آب زنده و حیات‌بخشی را که عیسی مسیح به شما می‌دهد بنوشید، تا به ابد سیراب خواهید شد. این آب وارد جان شما شده، عمیقترین نیازهای آن را ارضا خواهد کرد. این آب به منزله چشمه‌ای پایان ناپذیر خواهد بود که شما را دائماً سیراب خواهد کرد. یکی از طرقی که می‌توانید اشتیاق شخصی را جهت بدست آوردن حیات جاودانی برانگیزانید، مقایسه آن با زندگی معمولی می‌باشد.

ت) <u>عیسی زمانی که از زن خواست تا شوهر خود را بیاورد، وجدان او را بیدار کرد.</u> عیسی می‌دانست این زن تنها در صورتی نیاز به آب زنده و حیات‌بخش را در خود احساس خواهد کرد که از گناهان خود آگاه شود. وقتی عیسی به شوهر او اشاره کرد، او احساس تقصیر کرد، زیرا شوهری نداشت. او زندگی فاسدی از نظر اخلاقی داشت. بهترین طریق جهت برانگیختن اشتیاق نجات در مردم، کمك به آنها است تا متوجه گناهانشان بشوند.

ث) <u>عیسی تدریجاً خود را بر زن مکشوف ساخت.</u> همان گونه که عیسی تدریجاً حقیقت وجودی خود را بر زن مکشوف می‌سازد، زن نیز تدریجاً به شناخت عیسی نائل می‌شود. او در ابتدا عیسی را به عنوان یك فرد یهودی، بعد به عنوان یك نبی و در نهایت به عنوان مسیح موعود می‌پذیرد.

<u>قدم ۳: سؤال</u>
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ٤: ١- ٥٤ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برایشان پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۴: ۲۰- ۲۴) پرستش حقیقی چیست؟
ملاحظات:

الف) مکانی که مسیحیان خدا را در آن پرستش می‌کنند. سامریان و یهودیان فکر می‌کردند محل عبادت خدا، بسیار مهم است. ایشان گمان می‌کردند برای این منظور نیاز به یك عمارت دارند، آن هم در کشور خود. ولی عیسی پاسخ داده فرمود: "لیکن ساعتی می‌آید که نه در این کوه و نه در اورشلیم پدر را پرستش خواهید کرد. لیکن ساعتی می‌آید بلکه الآن است که در آن پرستندگان حقیقی پدر را به روح و راستی پرستش خواهند کرد. زیرا که پدر مثل این پرستندگان خود را طالب است." عیسی تعلیم می‌دهد که در پرستش خدا، مهم مکان پرستش نیست، بلکه حالت پرستش و صداقت ما در پرستش حائز اهمیت می‌باشد. بنابراین پرستش حقیقی محدود به مکانهای فیزیکی نیست. مسیحیان می‌توانند خدا را در هر مکانی عبادت کنند، در خانه‌هایشان، در کلیسا، در زندان و در فضای آزاد.

ب) راستی و حقیقتی که به واسطه آن مسیحیان خدا را پرستش می‌کنند. حالتی که ما بر اساس آن خدا را می‌پرستیم، به وسیله حقیقتِ موضوع پرستش ما، تعیین می‌شود. ما خدا را می‌پرستیم. ولی حقیقت در مورد خدا چیست؟ حقیقت در مورد خدا آن چیزی نیست که مردم در مورد او می‌گویند یا به آن باور دارند، بلکه آن چیزی است که خدا در کتاب‌مقدس برای ما آشکار کرده است. خدا به ما آشکار کرده است که کیست و همانند چیست. خدا شخصیت، صفات، سخنان و اعمال خود را در کتاب‌مقدس برای ما مکشوف کرده است.
یکی از حقایقی که خدا برای ما مکشوف کرده است، این است که او روح است. خدا ماهیتی کاملاً روحانی دارد. او خدایی در قالب سنگ، درخت یا کوه نیست که به صورت بتی تراشیده شده از سنگ، در زیر درخت، یا روی کوه مخصوص یا در معبد خاصی یا طبق دیدگاه پیامبری خاص مورد پرستش قرار گیرد. خدا باید بر اساس آن طریقی که خود را در کتاب‌مقدس آشکار کرده است، عبادت شود. خدا ذاتی کاملاً روحانی دارد. این به این مفهوم است که او بدن فیزیکی (جسمانی) ندارد و توسط انسانها قابل رؤیت نمی‌باشد. او وابسته به انسانها نیست و نیازمند کمك آنها نمی‌باشد. او یك وجود شخصی است و انسانها باید به طریقی شخصی با او در ارتباط باشند. انسان نمی‌تواند به طریق همه‌خدایی یا وحدت وجود با خدا یکی شود. در یوحنا ۴: ۲۴، عیسی می‌فرماید: "خدا روح است و هر که او را پرستش کند می‌باید به روح و راستی بپرستد." بنابراین پرستش حقیقی معطوف به خدای حقیقی است، به آن طریقی که او خود را در کتاب‌مقدس و در نقشه نجات بشر، آشکار کرده است.

پ) روحی که به واسطه آن مسیحیان خدا را می‌پرستند. حالتی که ما بر اساس آن خدا را می‌پرستیم به وسیله اطاعت ما از حقیقتی که خدا در رابطه با روش پرستش مقرر کرده است، تعیین می‌شود. بسیاری از مردم مذهبی معتقدند که روش پرستش متشکل از دعاهایی مشخص و نوشته شده یا تکراری، مکانهای مشخص جهت عبادت و اعیاد مخصوص می‌باشد. البته باید در نظر داشت که هر نوع پرستشی خدا را خشنود نمی‌سازد. و هر نوع روش پرستشی را نمی‌توان در کلیسا به کار برد. به عنوان مثال، در اشعیا ۱: ۱۳- ۱۵، خدا می‌فرماید: "هدایای باطل دیگر میاورید. بخور نزد من مکروه است ... گناه را با محفل مقدس نمی‌توانم تحمل نمایم ... عیدهای شما را جان من نفرت دارد ... چون دعاهای بسیار می‌کنید، اجابت نخواهم نمود." بنابراین مسیحیان نباید تظاهر به پرستش بکنند، بلکه پرستش آنان باید از درونی باشد. مسیحیان باید با روح بخشش، با اعتراف به گناهانشان، با سرسپردگی و وقف زندگی‌شان، و با حمد و شکرگزاری، خدا را به خاطر آنچه که هست و آنچه که انجام داده است، بپرستند. بنابراین پرستش حقیقی باید از تمامیت درون انسان باشد.

ت) حالت تواضعی که به واسطه آن مسیحیان خدا را می‌پرستند. یوحنا ۴: ۲۳ می‌فرماید: پدر طالب پرستندگانی است که او را در روح و راستی پرستش می‌کنند. این بدین منظور نیست که پدر به دنبال افرادی است که خود را تبدیل به چنین پرستندگانی کنند. بلکه منظور این است که پدر طالب این است که افرادی که او نجات داده است، چنین پرستندگانی باشند. خدای پدر قدم اول را در نجات انسانها برداشته است. او همچنین مایل است که از طریق تبدیل انسانهای نجات یافته به پرستندگانی در روح و راستی، نجات آنها را به کمال برساند.

سؤال ۲) (یوحنا ۴: ۲۷) چرا شاگردان از صحبت عیسی با یك زن متعجب شدند؟
ملاحظات: در یوحنا ۴: ۲۷، شاگردان از این موضوع که عیسی با یك زن صحبت می‌کرد بسیار متحیر شدند. آنها به این دلیل متعجب شدند که زیرا علمای یهود چنین تعلیم می‌دادند که "هیچ کس اجازه ندارد در خیابان با یك زن، حتی اگر زن خودش باشد صحبت کند". امروزه بسیاری از معلمین مذهبی بار سنگینی را بر دوش زنان خود می‌گذارند. آنها معتقدند که زنان صرفاً جهت خشنودی و رضایت مرد خلق شده‌اند؛ آنها باید به روش خاصی لباس بپوشند؛ همواره باید در خانه بمانند؛ مردان نباید با زنان دیگر صحبت کنند؛ یك مرد می‌تواند با زنان مختلف ازدواج کند؛ او می‌تواند زن خود را به هر دلیلی طلاق دهد؛ و می‌تواند زن خود را بزند و حتی او را بکشد.
عیسی فرهنگ و طرز تفکر یهودی را در رابطه با مقام زن در جامعه تغییر داد. او آزادی واقعی زنان را به شاگردان خود نشان داد. آزادی واقعی زن به این مفهوم نیست که مسیحیان باید در مورد تفاوتهای موجود بین مرد و زن و یا مسؤولیتهایی که خدا به آنها در چهارچوب ازدواج و در کلیسا داده است، بی‌تفاوت باشند. در نظر خدا زن به اندازه مرد ارزش دارد. و کارهایی که زن در خانه و در کلیسا انجام می‌دهد به اندازه فعالیتهای مرد، حائز اهمیت می‌باشد. زن همچنین به اندازه مرد در جامعه باید مورد

احترام واقع شود. عیسی در رابطه با زنان انگیزه و طرز برخورد پاك و نجیبی داشت. اگرچه شاگردان از صحبت عیسی با آن زن متعجب شدند، ولی هیچ کدام از آنها از عیسی نپرسید، "از آن زن چه می‌خواهی؟" البته اگر این سؤال را از او کرده بودند، او در جواب می‌گفت: "از او می‌خواهم به من جرعه‌ای آب بدهد". و هیچ کس از او نپرسید: "چرا با این زن صحبت می‌کنی". در آن صورت عیسی پاسخ می‌داد: "می‌خواهم به او آبی زنده و حیات‌بخش بدهم." عیسی همواره با زنان با احترام و محبت برخورد می‌کرد.

سؤال ۳) (یوحنا ۴: ۳۵- ۳۸) <u>عیسی در مورد ارتباط موجود میان کارندگان و دروندگان چه تعلیمی می‌دهد؟</u>
ملاحظات:

الف) <u>کارندگان، عیسی و زن سامری هستند.</u> عیسی برای زن سامری نجات را مهیا ساخت. و او نیز به شهر خود بازگشت تا پیغام نجات را به گوش مردم شهر خود برساند. وقتی که زن سامری به شهر خود رسید (کاری که مستلزم ده دقیقه پیاده‌روی از سرچاه بود)، به مردم نگفت که عیسی همان مسیح موعود است، بلکه مردم را ترغیب کرد که خود متوجه این موضوع شوند. او به ایشان گفت: "بیایید و ببینید..."، درست همان گونه که عیسی با دو شاگرد اولش برخورد کرد. او به آنها گفت: "این مرد هر آنچه کرده بودم، به من گفت. آیا این مسیح نیست؟" سامریها نیز مانند یهودیان انتظار داشتند که مسیح موعود، نبی قید شده در تثنیه ۱۸: ۱۸- ۱۹ باشد. بسیاری از مردم از شهر بیرون شده، نزد عیسی رفتند.

ب) <u>حصاد روحانی، محدود به فصل خاصی نمی‌باشد.</u> در همان هنگام عیسی به شاگردانش فرمود: "آیا شما نمی‌گویید که چهار ماه دیگر موسم درو است؟" زمان برداشت محصول (درو) در آن منطقه در اواسط ماه فروردین (ماه آوریل) بود. و زمانی که عیسی زن سامری را ملاقات کرد، ماه دسامبر و احتمالاً دسامبر سال ۲۷ میلادی بود. این ماه، زمان مناسبی برای درو محصول نبود. ولی حصاد روحانی مردم، محدود به فصل خاصی نیست. چون این محصول همواره رسیده و آماده است. بنابراین در رابطه با زن سامری، زمان خاصی میان کاشتن تخم انجیل و برداشت محصول حیات جاودانی وجود نداشت. عیسی شاهد آمدن انبوه مردم از شهر و مزارع به سمت چاه بود و در این اثنا به شاگردان گفت: "به شما می‌گویم، چشمان خود را بالا افکنید و مزرعه‌ها را ببینید زیرا که الآن به جهت درو سفید شده است." عیسی می‌خواست شاگردان را بسوی مردم بفرستد تا آنها را بسوی ملکوت خدا دعوت کنند. در این زمان نبوت موجود در عاموس ۹: ۱۳ در حال تحقق بود. این نبی نبوت کرد که "ایامی می‌آید که شیار کننده به درو کننده خواهد رسید و پایمال کننده انگور به کارنده تخم."

پ) <u>دروکنندگان، شاگردان هستند.</u> در یوحنا ۴: ۳۸، عیسی می‌فرماید: "من شما را فرستادم تا چیزی را که در آن رنج نبردید، درو کنید. دیگران محنت کشیدند و شما در محنت آنها داخل شده‌اید." عیسی و زن سامری هر دو میان سامریان کار کرده بودند- عیسی به طور غیرمستقیم از طریق زن سامری، و زن سامری پس از دریافت پیغام انجیل، به طور مستقیم بین مردم شهر خود فعالیت کرده بود. پس از آن عیسی شاگردان خود را فرستاد تا محصول روحانی مردم را برداشت کنند.

ت) <u>در قلمرو روحانی، الگوی معمول این است که در جایی که شخصی تخمی را کاشته است، شخص دیگری آن را درو کند.</u> در در یوحنا ۴: ۳۷، عیسی می‌فرماید: "این کلام راست است که یکی می‌کارد و دیگری درو می‌کند". هر کس که در ملکوت خدا کار می‌کند در عین حال که یك کارنده است، یك دروکننده نیز می‌باشد. او آنچه را که توسط دیگران کاشته شده است، درو می‌کند. او همچنین تخمی را می‌کارد که در زمان مناسب توسط دیگران درو خواهد شد. بنابراین در نقشه متعال خدا، همواره محصولی جهت برداشت وجود دارد. یا شما موقعیت جهت درو آن را خواهید داشت یا شخص دیگری تخمی را که شما کاشته‌اید درو خواهد کرد. به این ترتیب، هم کارنده و هم درونده هر دو خوشحال خواهند بود. خادمین مسیحی باید همواره از کار کاشتن و درویدن محصول روحانی خشنود باشند. پولس رسول در اول قرنتیان ۱۵: ۵۸ می‌فرماید: "بنابراین ای برادران حبیب من، پایدار و بی‌تشویش شده، پیوسته در عمل خداوند بیفزایید، چون می‌دانید که زحمت شما در خداوند باطل نیست."

سؤال ۴) (یوحنا ۴: ۴۴- ۴۵) <u>چرا عیسی به ولایت خود جلیل می‌رود، در حالی که می‌داند که یك نبی در شهر خود حرمت ندارد؟</u>
ملاحظات: در متی ۱۳: ۵۳- ۵۸، عیسی به شهر خود ناصره که در جلیل واقع شده است، رفت. مردم او را نپذیرفتند و عیسی فرمود: "نبی بی‌حرمت نباشد مگر در وطن و خانه خویش". جلیل ولایتی بود که او در آن بزرگ شده بود. هنگامی که در اورشلیم بود، بسیاری از مردم به خاطر معجزاتی که از او دیده بودند، به او ایمان آوردند. پس از پاکسازی معبد، او اولین برخورد جدی را با فریسیان داشت. او با هدف خاصی به جلیل رفته بود، زیرا در جلیل نیاز نبود از این موضوع نگران باشد که مردم او را طوری حرمت خواهند کرد که باعث ایجاد تنش بین او و فریسیان شده، بحرانی زودرس ایجاد شود. جلیلیان او را پذیرفتند، زیرا او معجزه انجام می‌داد (۴۵). ولی با وجود این، او را حرمت نکردند (۴۸). و اگر معجزات او را نمی‌دیدند، به او ایمان نمی‌آوردند. هنگامی که عیسی تعلیم داد که اگر آنها او را با ایمان در قلب و زندگی خود نپذیرند، صاحب حیات جاودانی نخواهند شد، بسیاری از جلیلیان نیز او را ترك کردند (۶: ۶۶).

قدم ۴: بکار ببرید
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و
فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ٤: ١- ٥٤ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر (یوحنا فصل ۴)

- ۴: ۱ * مانند عیسی، بروید و شاگرد بسازید (متی ۲۸: ۱۹).
- ۴: ۷ * سعی کنید با مردم ارتباط داشته باشید و از آنها بخواهید کاری برای شما انجام دهند، یا شما کاری نیك برای آنها انجام دهید.
- ۴: ۱۰ * حس کنجکاوی مردم را از طریق صحبت در مورد خدا و اعمال او، برانگیزانید.
- ۴: ۱۳- ۱۴ * از طریق مقایسه حقایق روحانی با حقایق فیزیکی، علائق مردم را در مورد امور روحانی برانگیزانید.
- ۴: ۱۶- ۱۸ * به مردم کمك کنید تا متوجه گناهانشان بشوند و بدین ترتیب در آنها علاقه‌ای واقعی در رابطه با موضوع نجات ایجاد کنید.
- ۴: ۱۹ * خود را تدریجاً به مردم بشناسانید، تا زمانی که در مورد حقیقت با آنها صحبت می‌کنید، ترسان نشوند.
- ۴: ۲۱- ۲۴ * خدا را با طرز فکری درست پرستش کنید. خدایی را بپرستید که خود را در کتاب‌مقدس مکشوف کرده است.
- ۴: ۲۱- ۲۴ * خدا را در روح بپرستید. خدا را نه از طریق مراسم مذهبی، بلکه با خلوص و صداقت بپرستید.
- ۴: ۲۷ * با زنان همان طرز برخوردی را داشته باشید که با مردان دارید. به آنان بدون داشتن حس تبعیض، احترام بگذارید.
- ۴: ۳۲، ۳۴ * غذای مورد نیاز جسمتان را بخورید، ولی هیچ وقت از خوردن غذای روحانی که شامل انجام اراده خدا و اتمام کاری است که او به شما سپرده است، غافل نمانید.
- ۴: ۳۷- ۳۸ * در هر جایی که می‌توانید، تخم انجیل را بکارید و در هر زمان که می‌توانید، محصول روحانی را برداشت کرده، مردم را بسوی ملکوت خدا دعوت کنید.
- ۴: ۴۲ * از این موضوع مطمئن شوید که ایمان شما به عیسی مسیح تنها بر روی سخنان مردم بنا نشده است، بلکه بر پایه ایمان و تجربه شخصی شما از عیسی مسیح می‌باشد.
- ۴: ۴۴ * زمانی که به عنوان یك واعظ در شهر خود حرمت ندارید، به شهر دیگری بروید (متی ۱۰: ۱۱- ۱۵).
- ۴: ۴۸- ۵۳ * این حقیقت را بپذیرید که اگر علیرغم دیدن عیسی مسیح و معجزات او، به او ایمان آورده‌اید، برکات بیشتری را به‌دست خواهید آورد (یوحنا ۲۰: ۲۹).

نمونه‌های از کاربردهای شخصی

الف) من می‌خواهم مانند عیسی، کار خود را به کمال برسانم. من به عیسی مسیح ایمان آورده‌ام و می‌خواهم علیرغم مشکلاتی که با آنها مواجه می‌شوم، در ایمان و اعتماد خود بر او، رشد کنم. عیسی فرمود: "خوراك من آن است که خواهش فرستنده خود را به عمل آورم و کار او را به انجام رسانم". من هم می‌خواهم خود را وقف اراده خدا کنم و کاری را که او به من سپرده است، به کمال برسانم.

ب) من می‌خواهم در این حقیقت شادی کنم که می‌توانم در زندگی برخی از مردم تخم انجیل را بکارم، حتی اگر نتوانم محصول روحانی را برداشت کنم. و حتی اگر بتوانم آنچه را که دیگران کاشته‌اند برداشت کنم، باز شادی خواهم کرد. من می‌خواهم از آن کاری که خدا به من سپرده است، راضی و قانع باشم. بعضی وقتها من می‌کارم و بعضی وقتها هم درو می‌کنم. من می‌دانم در نقشه الهی خدا همواره محصولی روحانی جهت برداشت وجود دارد. یا من افتخار برداشت آن محصول را خواهم داشت، یا در این حقیقت شادی خواهم کرد که شخص دیگری تخم محصولی را که من کاشته‌ام، درو خواهد کرد. به این ترتیب کارنده و درونده هر دو خوشحال خواهند بود.

قدم ۵: دعا کنید در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ٤: ١- ٥٤ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروههای دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
٢ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ۴ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
٣ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از دوم قرنتیان ١١- ١٣ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (هر دو ایماندار: دوم قرنتیان ۶: ۱۴) را مورد تعمق قرار داده و حفظ کنید.
هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

ضمیمه ۱
نبوتی در رابطه با مرگ و قیام مسیح در عهدعتیق

اشعیای نبی این نبوت را بیش از ۷۰۰ سال قبل از میلاد ثبت کرد. این نبوت به ۵ بند که هر کدام ۳ آیه دارد، تقسیم بندی شده است. این نبوت از جلال و عظمت به ژرفای رنج فرود می‌آید و بار دیگر به اوج جلال بر می‌شود.
بخوانید: بند به بند.

۱- بند ۱. اشعیا ۵۲: ۱۳- ۱۵. عیسی مسیح تنها از طریق رنج کشیدن، در مقامی رفیع قرار خواهد گرفت.
اولین بند، عنوان این نبوت را معرفی می‌کند. "مسیح موعود تنها از طریق رنج کشیدن در مقامی رفیع قرار خواهد گرفت." در این بند خود خداوند سخن می‌گوید.

الف) آیه ۱۳، مقام رفیع و بلند او را توصیف می‌کند.
این آیه به قیام او پس از مرگ، صعودش به آسمان و نشستن او بر تخت سلطنت در دست راست خدای پدر، اشاره می‌کند (اعمال ۳: ۱۳؛ فیلیپیان ۲: ۹- ۱۱).

ب) آیه ۱۴ خوار شدن او را توصیف می‌کند.
این آیه به خشونت و بدرفتاری مردم نسبت به او اشاره می‌کند که باعث شد ظاهر او زیبایی خود را از دست داده، شکل واقعی خود را به عنوان یك انسان نداشته باشد (مرقس ۱۴: ۶۵؛ ۱۵: ۱۵، ۱۷، ۱۹؛ یوحنا ۱۹: ۱- ۵).

پ) آیه ۱۵ جلال یافتن او را توصیف می‌کند.
این آیه، خوار شدن او را در آیه ۱۴ با جلال یافتن و مقام رفیع او در آینده مقایسه می‌کند. کلمه "پاشیدن" را می‌توان به صورت "بر پا شدن" نیز ترجمه کرد. پادشاهان و ملتهای جهان از حیرت بر پا شده، از مشاهده منظر او متعجب خواهند شد (۴۹: ۷؛ ایوب ۲۹: ۹- ۱۰، ۲۱- ۲۲؛ مزمور ۲۲: ۲۹). آنها چیزهایی را خواهند دید که کسی برای آنها تعریف نکرده و چیزهایی را خواهند فهمید که از کسی نشنیده بودند، که این همان منظور انجیل و تعالیم عهدجدید می‌باشد. بسیاری از مردم، وقتی که شاهد تغییر عظیم در سرنوشت عیسی مسیح در زمان آمدن او بر زمین بشوند، از مکاشفه خدا در حیرت خواهند افتاد.

۲- بند ۲. اشعیا ۵۳: ۱- ۳. عیسی مسیح از سوی مردم مطرود و خوار شمرده خواهد شد.
بند دوم خوار شدن عیسی مسیح را توصیف می‌کند. مردم با بی‌ایمانی او را مورد تمسخر قرار داده، نسبت به او بدرفتاری خواهند کرد. در اینجا اشعیای نبی به عنوان نماینده قوم واقعی خدا سخن می‌گوید.

الف) آیه ۱ می‌فرماید که از نظر مذهبی، با او با بی‌ایمانی برخورد خواهد شد.
خدا خود را و پیغام خود را از طریق خادم خود، عیسی مسیح، مکشوف ساخت. با وجود این، بسیاری به او ایمان نیاوردند.

ب) آیه ۲ می‌فرماید که او از نظر اجتماعی، خوار شمرده خواهد شد.
اجداد انسانی عیسی افراد مقدسی نبودند، بلکه گناهکاران بزرگی بودند. به عنوان مثال راحاب یك فاحشه و داود پادشاه یك قاتل بود. او در ناصره که شهری مطرود در منطقه جلیل بود، پرورش یافته بود. او در زمانی از تاریخ زندگی کرد که اسرائیل به‌عنوان قوم خدا، از نظر روحانی، قومی مرده و خشك بود. خانواده و ملت او باعث سرافرازی او نبودند. او زیبایی و منظر خاصی نداشت که مردم را بسوی خود جذب کند.

پ) آیه ۳ می‌فرماید که از نظر جسمانی، با او بدرفتاری خواهد شد.
اعضای شورای عالی یهود (سنهدرین) بر صورت او سیلی زده، با مشتهای خود بر او می‌کوفتند. سربازان رومی او را برهنه کرده، تازیانه زده، تاجی از خار بر سر او گذاشتند، و بارها با چوب بر سر او زدند. او آنچنان صدمه و ضربه خورده بود که مردم نمی‌توانستند به ظاهر نامطبوع او نگاه کنند.

۳- بند ۳. اشعیا ۵۳: ۴- ۶. عیسی مسیح به‌خاطر گناهان ما مصلوب خواهد شد.
بند سوم، مرکز یا قلب این نبوت است و در رابطه با نقشه نجات خدا پیشگویی می‌کند. خادم خداوند (مسیح موعود، عیسی مسیح) به جای قوم خود زحمت خواهد دید و به عنوان یك قربانی به جای آنها فدا خواهد شد. در این قسمت تقابلی بین "گناهان ما" و "رنجهای او"؛ "رنجهای او" و "شفای ما" وجود دارد. کلمه "ما"، تنها اشاره به قوم واقعی خدا می‌کند. آنها مردمی هستند که ایمان آورده، بازوی خداوند بر آنها منکشف شده است (آیه ۱).

الف) آیه ۴ می‌فرماید که او غمها و دردهای ما را حمل خواهد کرد.
این آیه این حقیقت را توصیف می‌کند که چگونه خادم خداوند در زمان نیاز، به مردم کمك خواهد کرد. کلمه "دردها" می‌تواند اشاره به بیماریها و زخمها بکند. کلمات "دردها" و "غمها" بیانگر هر نوع مصیبت جسمی و روحی می‌باشند. تمام این مصائب نتایج سقوط بشر به واسطه گناه، می‌باشد. او با میل قلبی دردها و غمهای ما را بر خود حمل خواهد کرد. با وجود این، مردم رنجهای او را به عنوان بلا و مجازاتی از طرف خدا بر او، قلمداد خواهند کرد.

ب) آیه ۵ می‌فرماید که او به‌خاطر گناهان ما مصلوب خواهد شد.
این آیه طریق مرگ او را پیشگویی می‌کند. او ناعادلانه مورد خشونت قرار گرفته، مجروح و مضروب خواهد شد. این آیه به رنجهای او در طول حیاتش بر زمین اشاره می‌کند که در مرحله نهایی خود، در زمان مصلوب شدنش نمایان می‌شوند. بدن او سوراخ خواهد شد. اینها اشاره به مرگِ فجیع او دارد که در اثر جراحاتی به‌وقوع می‌پیوندد که انسانها بر او وارد می‌آورند.
این آیه همچنین دلیل مرگ او را پیشگویی می‌کند. او به خاطر سرکشی و نافرمانی ما از الزامات اخلاقی و روحانی، خواهد مرد. او همچنین به خاطر شرارتهای ما و تخطی ما از حقیقت الهی و کلام خدا جان خود را فدا خواهد کرد. او به خاطر تقصیرات ما مجازات خواهد شد. و بدین طریق صلح و آرامش خدا را بر ما خواهد آورد. آرامش خدا، تفقد و شفای کامل خدا می‌باشد.
بله، او مجروح خواهد شد تا ما شفا بیابیم. عیسی مسیح نه تنها به خاطر ما، بلکه به جای ما خواهد مرد.

پ) آیه ۶ می‌فرماید که او به خاطر استقلال ارادی ما مجازات خواهد شد.
این آیه وضعیت وخیم ما را پیشگویی می‌کند. هر یك از ما به راه خود رفته‌ایم، با این تفکر که این راه درست است، در حالی که ما را از خدا دور می‌کند. با وجود این، خدا گناه همه ما را بر عیسی مسیح خواهد نهاد. او به خاطر استقلال‌طلبی و سرکشی ارادی ما مجازات خواهد شد.

۴- بند ۴. اشعیا ۵۳: ۷- ۹. عیسی مسیح تسلیم رنجهای خود خواهد شد.
چهارمین بند به‌طور مفصل تسلیم و وقف کامل خادم خداوند به نقشه خدا را بازگو می‌کند، یعنی "نجات توسط رنجهای نیابتی".
در آیات ۷ الی ۱۰، نبی، دیگر به عنوان نماینده قوم ایماندار خدا سخن نمی‌گوید (به عنوان یك کاهن)، بلکه به عنوان اعلام‌کننده نقشه نجات خدا (به عنوان یك نبی).

الف) آیه ۷ رنجهای او را به عنوان بره توصیف می‌کند.
این آیه، رنجهای عیسی را توضیح می‌دهد. او بدون مقابله با جفاکنندگانش، رنج خواهد کشید. مردم با او بدرفتاری خواهند کرد. او اجازه خواهد داد مردم او را تحقیرکنند- و او با اراده شخصی خود، تسلیم رنجهای خود خواهد شد، زیرا بدینوسیله قادر خواهد شد نقشه نجات خدا را تکمیل کند. مردم سخنان بد و دروغ به او خواهند گفت، ولی او به آنها پاسخ نخواهد داد. او خود را تسلیم اتهامات دروغین، تحقیر، تمسخر و طرد شدن از طرف مردم خواهد کرد. مردم جامه او را درآورده، او را عریان مصلوب خواهند کرد. ولی حتی یك بار هم دهان خود را به جهت دفاع از خویش نخواهد گشود. و در نهایت مصلوب خواهد شد.

ب) آیه ۸ مرگ او را به عنوان یك جنایتکار توصیف می‌کند.
خادم خداوند به‌خاطر بدرفتاریهای مردم ستم خواهد دید و رنج خواهد کشید (نه به‌سبب درد و رنج صرف). قاضیان ستمگر او را داوری خواهند کرد. در نهایت سربازان او را جهت مصلوب کردن خواهند برد. جمله "از طبقه او که (چه کسی) تفکر نمود"، بهتر است این گونه ترجمه شود: "چه کسی می‌تواند محل سکونت او را پیدا کند (عمق این سِر را کشف کند)؟" نبی از این موضوع غمگین و سوگوار است که قوم اسرائیل پادشاه خود را نپذیرفته، او را خواهند کشت و مسیح موعود به مکانی که آنها از آن مطلع نیستند، برده خواهد شد. در طول دوران عهدعتیق تا پیش از فرا رسیدن دوران عهدجدید (زمانی که شاگردان به خاطر مرگ عیسی مسیح سوگوار بودند)، در رابطه با زندگی پس از مرگ اطلاعات محدودی وجود داشت. خادم خداوند با مرگ طبیعی و در آرامش وفات نخواهد یافت (همانند زمانهای قدیم)، بلکه به عنوان جنایتکاری محکوم به مرگ، و کسی که مستحق مجازات الهی می‌باشد، خواهد مرد. او به جای گناهان و تقصیرات مردم جان خود را فدا خواهد کرد.

پ) آیه ۹ بیانگر این موضوع است که او همچون مردی ثروتمند دفن خواهد شد.
فرمانروایان و قدرتمندان، قبر او را با خطاکاران تعیین خواهند کرد (اشعیا ۱۴: ۱۸- ۲۰؛ ارمیا ۸: ۱). این یکی از بدترین اموری است که در آن روزها واقع خواهد شد. ولی خدا حاکم بر اوضاع بوده، اجازه خواهد داد خادمش همانند یك مرد ثروتمند تدفین شود (اشعیا۲۲: ۱۶). با توجه به اینکه او در نظر خدا کاملاً مبرا از گناه خواهد بود، با احترام دفن خواهد شد.

۵- بند ۵. اشعیا ۵۳: ۱۰- ۱۲. عیسی مسیح پاداشی پرجلال دریافت خواهد کرد.
بند پنجم، پاداش خدا برای مسیح موعود، و جلال نهایی او را توصیف می‌کند. در آیه ۱۰، نبی به عنوان نماینده قوم ایماندار خدا صحبت نمی‌کند (یعنی به‌عنوان کاهن)، بلکه به‌عنوان اعلام‌کننده نقشه نجات خدا (یعنی به‌عنوان نبی). در آیات ۱۱ الی ۱۲، خداوند بار دیگر رشته سخن را به‌دست می‌گیرد.

الف) <u>آیه ۱۰ رنجهای نیابتی و قیام او را به‌عنوان بخشی از نقشه خدا بازگو می‌کند.</u>
این آیه نقطه عطف نبوت می‌باشد. سؤال این است: "اگر خادم خداوند به طور کامل مصون از گناه بود، چرا باید می‌مرد؟" پاسخ این سؤال این است که اهداف عالی خدا توسط رنجها و مرگ عیسی به تحقق می‌رسند. رنجهای مسیح طبق اراده و نقشه ابدی خدا بوده است. در حوزه تاریخ عمومی و دنیوی بشر، مرگ او به خاطر محکومیت غیرمنصفانه دادگاههای دنیوی بود. در حالی که در حوزه تاریخ نجات خدا، مرگ او به خاطر حکم عادلانه خدا در مورد گناه بشر می‌باشد. خدا زندگی و مرگ او را به‌عنوان قربانی گناه پذیرفت. اگرچه قربانیهای نیابتی گناه در چهارچوب قربانیهای عهدعتیق به تصویر کشیده شده‌اند، قربانی شخصی و ارادی پسر خدا قابل تصور نبود. مرگ او به عنوان قربانی گناه، دو نتیجه خواهد داشت: اولاً او ذریت خود را خواهد دید، یعنی تمام افرادی که او آنها را عادل ساخته (آیه ۱۱)، برکت خواهد داد (پیدایش ۱۲: ۳). ثانیاً، او حیات را در طول ایام خواهد دید، به این مفهوم که او قیام کرده، تا ابد زنده خواهد بود (مکاشفه ۱: ۱۸). این موضوع قابل توجه است، زیرا آموزه قیام در عهدعتیق به خوبی شکل نگرفته بود (اشعیا ۲۶: ۱۹). خادم خداوند پس از مرگ و قیامش، کماکان وظیفه بزرگی بر دوش خواهد داشت؛ "مسرت خداوند در دست او میسر خواهد بود". مسرت یا اراده خداوند نه تنها به خاطر رنجهایش (آیه ۱۰)، بلکه به خاطر آینده درخشان او نیز خواهد بود (آیه۱۰). این آینده در آیه ۱۱ توصیف شده است. بوسیله او (به دست او)، نقشه خداوند، در هر زمان میسر خواهد شد. عیسی مسیح از طریق مرگ و قیامش، صاحب نسل روحانی بی‌شماری خواهد گشت، نسلی که از حیات جاودانی برخوردار خواهند شد (یوحنا ۱۲: ۳۲).

ب) <u>آیه ۱۱ کار او را به عنوان کاهن اعظم توصیف می‌کند که پس از قیامش باعث عادل شدن بسیاری خواهد شد.</u>
آیه فوق را می‌توان این گونه تشریح کرد: "او نتیجه رنجهای جان خویش را خواهد دید و به خاطر آن خشنود و راضی خواهد شد؛ به واسطه معرفت خود، بسیاری را عادل خواهد گردانید، زیرا متحمل گناهانشان خواهد شد." توصیف نتیجه یا پاداش رنجها و مشقتهای او ادامه پیدا می‌کند. او ثمره کار نجات‌بخش خود را خواهد دید و این موضوع باعث رضایت او خواهد شد. در این آیه، به طور خاص به عمل عادل شمردگی انسان توسط مسیح و خشنودی او از این حقیقت اشاره شده است. بسیاری از انسانها به واسطه معرفتی که خادمِ مصون از خطای خداوند به آنها می‌دهد، عادل شمرده خواهند شد. خادم خداوند به خاطر این که گناهان آنها را بر خود حمل کرده است، آنها را عادل خواهد ساخت.

پ) <u>آیه ۱۲ بیانگر این حقیقت است که عیسی مسیح پاداش رنجهای نیابتی خود را که "عادل شدن بسیاری از مردم" می‌باشد، دریافت می‌کند".</u>
ترجمه ساده این آیه اینچنین است: "بنابراین بسیاری را نصیب او خواهم کرد و غنیمتِ بسیاری دریافت خواهد کرد، زیرا جان خود را تا به مرگ ریخت، و از خطاکاران محسوب شد و گناهان بسیاری را بر خود گرفت و برای خطاکاران شفاعت نمود."
با توجه به این که آیه ۱۱ به وضوح بیان می‌کند که هدف اصلی، "عادل گرداندن بسیاری" می‌باشد، جمله "او را در میان بزرگان نصیب خواهم داد"، بهتر است این گونه ترجمه شود: "من بسیاری را نصیب او خواهم کرد". این قسمت این موضوع را بیان نمی‌کند که خادم خداوند بخشی از "بسیاری" را، به عنوان میراث خود دریافت می‌کند، بلکه منظور این است که او "بسیاری" را به عنوان تمام یا کل میراث خود دریافت می‌کند. با توجه به این که او گناهان و خطایای "بسیاری" را حمل خواهد کرد" (آیه ۱۲)، و "بسیاری" را عادل محسوب می‌کند (آیه ۱۱)، خدا "بسیاری" را به عنوان میراث (غنیمت)، نصیب او خواهد ساخت. او به واسطه رنجهای نیابتی‌اش،"بسیاری" را به عنوان پاداشی از خدا دریافت خواهد کرد. رنجهای نیابتی او همچنین زمینه‌ای برای جلال یافتن او می‌باشد.
ترجمه "او غنیمت را با زورآوران تقسیم خواهد کرد"، شایسته مقام رفیع او نمی‌باشد. او صرفاً یکی از قدرتمندان و بزرگانی نیست که در غنیمت سهمی داشته باشد، بلکه او در مقامی برتر از هر کس و هر چیزی می‌باشد. پادشاهان در حضور او به پا خواهند خاست و سروران او را سجده خواهند نمود (۴۹: ۷). پادشاهان و ممالك جهان از حیرت برپا شده، از مشاهده منظر او متعجب خواهند شد (۵۲: ۱۵؛ فیلیپیان ۲: ۹- ۱۱؛ کولسیان ۱: ۱۸). بنابراین او نمی‌تواند با بزرگان روی زمین در یك مقام و رتبه قرار گیرد. "صاحب غمها" تبدیل به پادشاه پیروزمندی شده است که بواسطه رنجهای خود، پیروزی را کسب کرده، ملل بی‌شماری را به عنوان غنیمت دریافت کرده است (منظور تمام مردم عادل شده، از دید خدا هستند).
او تمام شخصیت، بدن و جان خود را خواهد ریخت و از خطاکاران یا "جنایتکاران" (یعنی از افرادی که شمشیر در دست داشته، به نظر می‌رسد می‌خواهند به دیگران آسیب برسانند) محسوب خواهد شد (لوقا ۲۲: ۳۷). این حقیقت بر همه آشکار خواهد بود که خادم خداوند به فکر منافع خود نیست زیرا اجازه می‌دهد تمامی این چیزها در مورد او گفته و انجام شوند، در حالی که حقیقت چیز دیگری است. در واقع او حیات مردم را از آنها نمی‌گیرد، بلکه زندگی خود را فدای آنها می‌سازد. او حتی برای افرادی که او را می‌کشند، و همچنین برای خطاکارانی که به خاطر آنها جان خود را فدا می‌سازد، دعا می‌کند (آیه ۵).

ضمیمه ۲
نظریاتی در رابطه با زندگی پس از مرگ

کتاب مقدس به وضوح حقایق زیر را در رابطه با حیات پس از مرگ تعلیم می‌دهد.
(همچنین به دستورعمل بنای کلیسای مسیح - کتاب دوم، درس ۲۳ و ضمیمه ۵ در آن کتاب مراجعه کنید).

- کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که هر فرد دارای بدن و روح یا جان می‌باشد؛
- روح یا جان پس از مرگ بدن باقی می‌ماند؛
- روح یا جان يك فرد مسیحی بلافاصله پس از مرگ به آسمان می‌رود؛
- روح یا جان يك فرد مسیحی به طور کامل هشیار است و دیگران را در آسمان تشخیص می‌دهد؛
- زمانی که روح یا جان يك شخص از بدن او جدا می‌شود، قادر نیست با اشخاصی که بر روی زمین زندگی می‌کنند، ارتباط داشته باشد.

تکذیب نظریات مختلف غیرکتاب‌مقدسی در رابطه با وقایع پس از مرگ انسان

الف - <u>نظریه عالم مردگان</u>

۱- <u>نظریه عالم مردگان مبتنی بر کتاب‌مقدس نیست.</u>

این نظریه تعلیم می‌دهد که عالم مردگان که در زبان عبری عهدعتیق "شئول (هاویه)" و در زبان یونانی عهدجدید "هادِس" نامیده می‌شود، محل سکونت تمام مردگان می‌باشد، چه ایماندار و چه بی‌ایمان. نظریه عالم مردگان در اشکال زیر یافت می‌شود:

الف) <u>اولین نظریه عالم مردگان</u> می‌گوید وقتی که هر دو گروه مردم عادل و شریر می‌میرند، بدنها و جانهای آنها به مکانی در زیر زمین به نام هاویه نزول می‌کند. این مکان، در نقطه‌ای در زیر زمین قرار گرفته و خصوصیتی خنثی دارد. این مکان، سرزمین فراموشیهاست، جایی که تمام مردگان محکوم به فنا هستند، و تنها انعکاسی خیالی از حیات بر روی زمین از آنها باقی می‌ماند. مذاهب دیگر هم چنین تفکری دارند. آنها معتقدند که مردم همان گونه که بر روی زمین زیست می‌کنند، در عالم مردگان زندگی می‌کنند. آنها این باور را دارند که شخص مرده نیازمند پول، خوراك، لباس و دیگر ملزومات زمینی جهت بقا در عالم مردگان می‌باشد، و این موارد باید توسط آشنایان زمینی آنها، برایشان مهیا شوند. به نظر آنها عالم مردگان مکانی است که در آن هیچ نوع هشیاری اخلاقی، و هیچ نوع شادی و فعالیتی وجود ندارد. و مکانی جهت دریافت پاداش یا مجازات نیست.

ب) <u>نظریه دوم عالم مردگان</u> می‌گوید که عالم مردگان، مکانی خنثی نیست، بلکه به دو بخش به نامهای فردوس، برای مردم خوب، و جهنم برای مردم بد، تقسیم شده است. تا زمان داوری نهایی، مردمان خوب تا اندازه‌ای از پاداش بهشت لذت می‌برند، در حالی که مردمان بد تا اندازه‌ای از مجازات جهنم، عذاب می‌کشند. يك گروه معتقد است که بهشت تنها برای یهودیان است و گروه دیگری معتقد است که بهشت تنها متعلق به آن دسته از یهودیانی است که شریعت را نگاه داشته‌اند و یهودیان دیگر و غیریهودیان همه به جهنم خواهند رفت. این گروه از یهودیان معتقدند که مسیح موعود تمام یهودیان را از عالم مردگان رهایی خواهد داد، در حالی که غیریهودیان برای همیشه در عالم مردگان، که مکان تاریکی است، باقی خواهند ماند. يك گروه از مسیحیان بر این باورند که قبل از صعود مسیح، تمام ایمانداران به بهشت رفتند، ولی پس از صعودش آنها به "آسمان" می‌روند. هر دو نظریه عالم مردگان، غیرکتاب‌مقدسی هستند.

۲- <u>تعلیم مبتنی بر کتاب‌مقدس در رابطه با عالم مردگان (هاویه)</u>

کلمه "هاویه" در کتاب‌مقدس همیشه از مفوهمی یکسان برخوردار نیست. این کلمه سه جنبه مختلف از مرگ را توضیح می‌دهد. به طور مجازی حالت مرگ، و یا به طور لغوی، مکان مرگ را توصیف می‌کند، که ممکن است یا اشاره به قبری بکند که بدن مردم مرده به آنجا می‌روند یا به جهنم اشاره بکند، که تنها جانهای مردم شریر در آنجا قرار می‌گیرد. بر اساس چهارچوب هر قسمت از کتاب‌مقدس، باید متوجه شویم که به طور خاص به کدام مفهوم از این کلمه در آن قسمت اشاره شده است. در چهارچوب لوقا ۱۶: ۱۹- ۳۱، این کلمه بیانگر مکانی به نام جهنم می‌باشد.

الف) <u>کلمه هاویه (عالم مردگان)، گاهی به مفهوم حالت مرگ می‌باشد.</u>
هاویه، حالت جدایی بدن از جان می‌باشد.

۱) حالت مرگ به عنوان قلعه‌ای با دروازه‌ها. در کتاب‌مقدس، حالت مرگ، غالباً مکانی پنداشته شده که قلمرو مرگ است. این مکان همچون قلعه‌ای با دروازه‌ها نموده شده که تنها مسیح کلیدهای آن را در دست دارد (متی ۱۶: ۱۸؛ مکاشفه ۱: ۱۸). این تصویرِ مکانی به احتمال قوی تعمیم اندیشه قبر است (بازگشت به خاك)، یعنی جایی که همه انسانها پس از ورود به حالت مرگ بدان فرود می‌آیند (جامعه ۳: ۱۹- ۲۱). با توجه به این که هم مسیحیان و هم غیرمسیحیان وقتی که می‌میرند، وارد حالت مرگ می‌شوند و بدن آنها در قبر قرار می‌گیرد، به طور مجازی می‌توان گفت که هیچ تمایزی بین آنها در هاویه وجود ندارد (جامعه ۹: ۲- ۳). "خداوند می‌میراند و زنده می‌کند؛ به قبر (یا هاویه، حالت مرگ) فرود می‌آورد و برمی‌خیزاند (حالت زنده بودن) (۱ سموئیل ۲: ۶)". مفهوم نزول به هاویه، در قسمتهای زیر از کتاب‌مقدس یافت می‌شود: ایوب ۱۴: ۱۳- ۱۴؛ ۱۷: ۱۳- ۱۴؛ مزمور ۸۹: ۴۸؛ هوشع ۱۳: ۱۴؛ اعمال ۲: ۲۷، ۳۱؛ و در مکاشفه ۶: ۸ و ۲۰: ۲۸ به آن شخصیت داده شده است. برخی از قسمتهای کتاب‌مقدس مانند مزمور ۱۶: ۱۰، ۳۰: ۳۴، ۴۹: ۱۵ و ۸۹: ۴۸ در مورد رفتن جانها به هاویه یا بودن آنها در این مکان صحبت می‌کنند. ولی این موضوع آشکار است که در زبان عبری، ضمیر ملکی "من"، اگر همراه با کلمه جان (در عبری: نِفِش) به‌کار رود، اصطلاح مجازی است که معادل با ضمیر شخصی "من" می‌باشد. به عنوان مثال، مزمور ۸۹: ۴۸ می‌فرماید، "کدام آدمی زنده است که موت را نخواهد دید؟ و جان خویش را از دست قبر خلاص خواهد ساخت؟". این آیه به این مفهوم است که "چه انسانی قادر است خود را از مرگ و قدرت آن خلاصی دهد؟" امثال ۲۳: ۱۳- ۱۴ می‌فرماید که اگر تو فرزند خود را با چوب تنبیه کنی، جان او را از هاویه نجات خواهی داد، که در این جا منظور این است که تو او را یا از مرگ زودرس (حالت مرگ) و یا از نابودی در جهنم، نجات خواهی داد.

۲) حالت مرگ به عنوان مکانی یأس‌آور و تاریك. مکاشفه خدا در رابطه با حالت و وضعیت انسان بین مرگ و رستاخیز او، در عهدعتیق هنوز کامل نشده بود. بعضی‌ها حالت مرگ، مخصوصاً پوسیدگی و تباهی انسان در قبر را، به عنوان مکانی تاریك و اندهناك تلقی می‌کردند. در ایوب ۷: ۹- ۱۰، ۱۰: ۱۹- ۲۲، ۱۶: ۲۲ و ۱۷: ۷- ۱۶، ایوب نقطه نظر خود را در مورد مرگ بازگو می‌کند. در این آیات، هاویه به عنوان حالت مرگ، به صورت "مکانی که در آن برگشتی به جهان حاضر نیست"، "زمین سایه موت وظلمت" و "زمین سایه موت و بی‌ترتیب" توصیف شده است. همچنین به صورت "مکانی تاریك که شخص در آن ساکن می‌شود"، "جایی که ارتباط نزدیکی بین کرمها و پوسیدگی بدن وجود دارد"، و "جایی که مردگان با تمام نقشه‌ها و آمال و آرزوهای خود در پشت دروازه‌هایی بسته قرار می‌گیرند"، توصیف شده است.
در ایوب ۱۴: ۷- ۱۱، ایوب هاویه (حالت مرگ) را به عنوان چیزی "نا‌امید کننده" تلقی می‌کند؛ درختان و گیاهان از بین می‌روند، ولی هر سال شکوفه داده، محصول می‌آورند. ولی انسان می‌میرد و پس از آن هیچ وقت به حیات قبلی خود باز نمی‌گردد. حیات انسان محدود است و بر خلاف گیاهان و درختان، تنها یك بار فرصن زیستن بر روی این زمین را دارد.

۳) امید به حیات پس از مرگ در عهدعتیق. در ایوب ۱۴: ۱۲- ۱۷، ایوب آرزوی خود را بازگو می‌کند. آیا امکان دارد که انسان پس از مرگ باز موقعیت برای زیستن داشته باشد؟ آیا خدا برای مرگ زمان محدودی در نظر نخواهد گرفت و او را تا زمانی که زمین و آسمان جهان حاضر به انتها برسند، در حالت مرگ، پنهان نخواهد کرد؟ آیا خدا او را ندا داده، از هاویه بر نخواهد خیزانید؟ در آن زمان او با امید، انتظار مبدل شدن توسط خدا را خواهد کشید. این افکار مثبت نبوتی، بلافاصله در ایوب ۱۴: ۱۸- ۱۹ به ناامیدی تبدیل می‌شوند. و در ایوب ۱۶: ۱۹- ۲۱ و ۱۹: ۲۵- ۲۷، این افکار نبوتی باز در ذهن ایوب بیدار می‌شوند. اگرچه ایوب به زمان مرگ خود نزدیك شده بود، می‌دانست که رهاننده او زنده است، و در انتهای تاریخ جهان، خدا بر روی این زمین می‌ایستد، و در اتفاقات آن سهیم خواهد بود. و پس از این که بدن او از بین برود، بدون جسدش نیز خدا را خواهد دید. او در واقع خدا را در روح خواهد دید.
افکار نبوتی ایوب در کتب دیگر عهدعتیق به وضوح بیشتری بیان شده است. در این قسمتها، همانگونه که در عهد جدید نیز به آن اشاره شده است، انتظار دیدن خدا با شادی، علیرغم مرگ فیزیکی (جسمانی)، نمایان می‌باشد. به عنوان مثال خنوخ با خدا راه می‌رفت و به حضور خدا بالا برده شد (پیدایش ۵: ۲۲- ۲۴). ایلیا در گردباد به آسمان صعود کرد (دوم پادشاهان ۲: ۱۱). خنوخ و ایلیا به عالم مردگان منتقل نشدند (عبرانیان ۱۱: ۵). مزمور ۱۱۶: ۱۵ می‌فرماید: "موت مقدسان خداوند در نظر وی گرانبهاست." عادلان می‌میرند تا از مصیبتی که در راه است، خلاصی یابند، و بدین ترتیب از آرامش و سلامتی خدا برخوردار شوند (اشعیا ۵۷: ۱- ۲). در زمان مرگ، بدن انسان به جایی که از آن آمده است، باز می‌گردد (به زمین)، ولی روح او به نزد عطا کننده آن، که خداست، برمی‌گردد (جامعه ۱۲: ۷). بدن عادلان در سلامتی و آرامش کامل قرار می‌گیرد و در حضور خداوند کمال شادی را تجربه خواهند کرد (مزمور ۱۶: ۹، ۱۱؛ ۱۷: ۱۵؛ ۴۹: ۱۵؛ ۷۳: ۲۴- ۲۶؛ امثال ۱۴: ۳۲؛ اشعیا ۲۵: ۸؛ دانیال ۱۲: ۲).

۴) امید به حیات پس از مرگ در عهدجدید. خدا، خدای مردگان نیست، بلکه خدای اشخاص زنده‌ای همچون ابراهیم، اسحاق و یعقوب می‌باشد (متی ۲۲: ۳۲). ایمانداران عهدعتیق در انتظار وطنی بهتر بودند که وطنی آسمانی است (عبرانیان ۱۱: ۱۳- ۱۶). عهدجدید با وضوح بیشتری چهره شادمان مسیحیان را آشکار میسازد و در مورد شادی آگاهانه آنها پس از مرگ فیزیکی‌شان (جسمانی‌شان) تعلیم می‌دهد. به عنوان مثال، پس از این که بدن یا خیمه زمینی ما فرو ریزد، عمارتی از خدا داریم، خانه‌ای جادوانی در آسمان. هنگامی که از بدن خود جدا شویم، در حضور خداوند خواهیم بود (دوم قرنتیان ۵: ۱، ۸؛ لوقا ۱۶: ۲۲- ۲۵؛ ۲۳: ۴۳؛ اعمال ۷: ۵۹؛ افسسیان ۳: ۱۴- ۱۵؛ فیلیپیان ۱: ۲۱، ۲۳؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۰؛ مکاشفه ۶: ۹، ۱۱؛ ۱۴: ۱۳).

ب) کلمه هاویه گاهی به مفهوم جهنم می‌باشد.
هاویه مکان مجازات ابدی می‌باشد.

۱) هاویه به عنوان جهنم. در برخی از قسمتهای کتاب‌مقدس، مقایسه موجود میان مرگ و هاویه، بیشتر به صورت تهدید و اخطاری عرضه شده است تا به صورت حالت و وضعیت مرگ (امثال ۵: ۵؛ ۷: ۲۷؛ ۹: ۱۷- ۱۸؛ ۱۵: ۲۴؛ ۲۳: ۱۴). بدین ترتیب مفهوم آن بیشتر به جهنم نزدیك است. به عنوان مثال، امثال ۱۵: ۲۴ می‌فرماید که طریق حیات برای عادلان به سوی بالاست، تا او را از رفتن به سمت هاویه دور نگاه دارد. در این جا منظور از هاویه، جهنم می‌باشد. شریران تهدید شده‌اند که به عنوان مجازات اعمالشان، به جهنم خواهند رفت. در تثنیه ۳۲: ۱۹- ۲۲، خدا می‌فرماید که آتشی در خشم او بر علیه بت‌پرستی قوم اسرائیل برافروخته شده که تا هاویه پایین‌ترین (که منظور جهنم است) شعله‌ور شده است. بنابراین خشم خداوند در هاویه در مفهوم جهنم، شعله‌ور می‌شود. مزمور ۹: ۱۷- ۱۸ در مورد این حقیقت اخطار می‌دهد که شریران و تمام مللی که خدا را فراموش می‌کنند به هاویه خواهند رفت، که منظور جهنم است، و در آن جا بر خلاف عادلان، فراموش شده، امیدشان از بین خواهد رفت. مزمور ۴۹: ۱۳- ۱۵ اخطار می‌دهد که مردمی که بر خود اعتماد کنند، برخلاف عادلان، از هاویه، که منظور جهنم است، خلاصی نخواهند یافت و وارد حضور خدا نخواهند شد. شریران بدون داشتن امید، و حضور پرمحبت خدا و بدون خلاصی، در جهنم خواهند ماند.
برخی از مفسرین سعی می‌کنند به منظور پرهیز از این مشکل، اندیشه عالم مردگان را در مفهوم خنثای آن انکار می‌کنند و عالم مردگان را دارای دو قسمت به نامهای بهشت، به عنوان محل سکونت عادلان و جهنم، به عنوان محل سکونت شریران، در نظر می‌گیرند. البته در هیچ جای کتاب‌مقدس، چنین تقسیم‌بندی را مشاهده نمی‌کنیم. عهدعتیق در مورد هاویه به عنوان مکانی جهت مجازات شریران صحبت می‌کند. و عهدجدید به وضوح بهشت را با آسمان یکی تلقی می‌کند (دوم قرنتیان ۱۲: ۲، ۴) و نه به عنوان مکانی که در عالم مردگان قرار دارد. عهدجدید همچنین هاویه را با جهنم یکی تلقی می‌کند (متی ۱۱: ۲۳- ۲۴؛ لوقا ۱۶: ۲۳). در لوقا ۱۶: ۲۳- ۲۴، مرد ثروتمندِ خودخواه، پس از مرگ و تدفینش، خود را در هاویه یافت، که همان جهنم است، جایی که در آن عذاب می‌کشید. در تمامی این موارد، تنها شریران به هاویه، که به مفهوم جهنم می‌باشد، می‌روند، زیرا عادلان به آسمان می‌روند. بنابراین هیچ وقت نمی‌توان هاویه را بر طبق نظریه دوم عالم مردگان که در بالا عنوان شده است، به عنوان عالم مردگان با دو تقسیم‌بندی قلمداد کرد.
۲) هاویه به عنوان مکان سکونت شیطان و نیروهای شریر. اصطلاح هاویه با اصطلاح ابدون که به مفهوم ویرانی است، مترادف می‌باشد (ایوب ۲۶: ۶؛ امثال ۱۵: ۱۱؛ ۲۷: ۲۰). این اندیشه‌ای است سخت که در مورد فرشته چاه هاویه به‌کار رفته و مکانی است که شیطان و نیروهای شریر در آن سکونت دارند (مکاشفه ۱۹: ۱۱؛ مکاشفه ۹: ۱- ۵؛ ۱۱: ۷؛ ۱۷: ۸؛ ۲۰: ۱- ۳). بنابراین، بر خلاف نظریه اول عالم مردگان، هاویه هیچ وقت نمی‌تواند از مفهومی خنثی برخوردار باشد.

پ) کلمه هاویه گاه به مفهوم قبر می‌باشد.
هاویه قبری است که بدن تمام مردگان به آن جا نزول می‌کنند.
مفهوم اولیه هاویه، به احتمال زیاد، "مکان ویرانی" بوده و بعد در وهله اول در مفهوم جهنم، به عنوان مکانی جهت انهدام ابدی شریران تلقی شده است. تنها در مفهوم ثانوی خود، به آن به عنوان قبر یا مکانی جهت انهدام بدن، اشاره شده است. در مکاشفه تکامل نیافته عهدعتیق، کلمه هاویه بیشتر در مفهوم قبر به کار رفته است تا در مفهوم جهنم، در حالیکه در مکاشفه کامل عهدجدید این اصطلاح در عهدجدید بیشتر در مفهوم جهنم به کار رفته است.
کار آسانی نیست که بخواهیم تعیین کنیم که کلمه هاویه به حالت مرگ اشاره دارد یا به قبر، همان گونه که قسمتهای قید شده در بالا از کتاب ایوب این موضوع را بیان می‌کند (ایوب ۱۴: ۱۳؛ ۱۷: ۱۳؛ ۲۱: ۱۳). در قسمتهای زیر کاربرد مفهوم قبر برای کلمه هاویه، محتمل‌تر می‌باشد. در پیدایش ۴۲: ۳۸، یعقوب می‌گوید که ماتم به جهت از دست دادن پسرش، مویهای سفید او را به هاویه، که به مفهوم قبر است، فرود خواهد برد (همچنین پیدایش ۳۷: ۳۵؛ ۴۴: ۲۹؛ ۱ پادشاهان ۲: ۶، ۹). مزمور ۸۸: ۳ می‌فرماید که زندگی او به هاویه (قبر) نزدیك شده است، که به این مفهوم است که او در حال مرگ است. مزمور ۶: ۵ می‌فرماید که شخص در موت به یاد خدا نمی‌باشد و هیچ کس در هاویه (که به مفهوم قبر می‌باشد)، او را حمد نمی‌گوید. مزمور ۴۹: ۶- ۱۵ می‌فرماید که سرنوشت مردمی که به خود و ثروت خود و همچنین بر افرادی که کارهای آنان را تأیید می‌کنند، اعتماد دارند، هاویه می‌باشد، که منظور قبر است، مکانی که در آن علیرغم تمام ثروتی که داشته‌اند، بدنشان رو به فساد و تباهی می‌رود. ولی سرنوشت عادلان، یا کسانی که به خدا اعتماد می‌کنند، نجات و رهایی از جانب خدا می‌باشد. خدا بدن آنان را از قبر برخیزانده، ایشان را به حضور خود خواهد برد. البته قبل از قیامت مردگان، در زمان مرگ، "خاك به زمین برمی‌گردد به طوری که بود، و روح نزد خدا که آن را بخشیده بود، رجوع می‌نماید" (جامعه ۱۲: ۷).
جامعه ۹: ۶- ۱۰ به حالت مرگ اشاره می‌کند، مخصوصاً به بدنی که در قبر نهاده می‌شود. این قسمت می‌فرماید که در هاویه، که منظور حالت مرگ در قبر می‌باشد، هیچ نقشه، عملکرد و حکمت و دانشی وجود ندارد. افرادی که در قبر نهاده شده و در وضعیت مرگ قرار دارند، در اعمالی که بر روی زمین صورت می‌گیرد، دخیل نیستند و هیچ تأثیری بر زمین فعلی ندارند. شخص مرده در هیچ نوع رابطه‌ای با دنیا و فعالیتهای آن نمی‌باشد.همانطور که یقیناً بدن مرده در قبر از زندگی در این دنیا جدا شده است، یقیناً شخص در وضعیت مرگ از تمام فعالیتهای این دنیای حاضر جدا گردیده است. اعمال ۲: ۲۷، ۳۱ تعلیم می‌دهد که هاویه به وضعیت مرگ اشاره می‌کند، مخصوصاً به بدنی که در قبر فاسد می‌شود.

<u>نتیجه‌گیری:</u> هاویه، وضعیت مرگ پیش از قیامت بدنها می‌باشد. این کلمه بسته به چهارچوب آن، می‌تواند به "وضعیت مرگ (جدایی روح از بدن)، "به قبر" یا "به جهنم" اشاره کند. هیچ قسمتی در کتاب‌مقدس این تعلیم را نمی‌دهد که جان (روح) تمام مردم، پس از مرگ همه به یك جا می‌روند. بدن تمام مردم شریر و عادل به قبر می‌رود، ولی جانهای (روحها) آنها به جاهای مختلف. جانهای (روحهای) مسیحیان (عادلان) به آسمان می‌روند (جامعه ۱۲: ۷؛ دوم قرنتیان ۵: ۸؛ فیلیپیان ۱: ۲۳؛ عبرانیان ۱۲: ۲۳)، در حالی که جانهای (روحهای) غیرمسیحیان (شریران) به جهنم (متی ۱۱: ۲۳- ۲۴؛ لوقا ۱۶: ۲۳).

ب - <u>نظریه برزخ</u>

۱- <u>نظریه برزخ مبتنی بر کتاب‌مقدس نیست.</u>

الف) نظریه برزخ تعلیم می‌دهد که در زمان مرگ، تنها روح مسیحیانی که پاك هستند، به آسمان می‌رود. اینها مقدسینی هستند که در متی ۲۵: ۴۶ و فیلیپیان ۱: ۲۳ به آنها اشاره شده است. روح تمام مسیحیان قبل از رفتن به آسمان، ابتدا به برزخ، که مکان غذاب و رنج و آتش است، می‌رود. در برزخ، آنها باید از مرحله‌ای عبور کنند که طی آن، از گناهانی که بر روی زمین مرتکب شده و قابل بخشش هستند، تطهیر می‌شوند. بر طبق نظر کلیسای کاتولیك روم، برزخ مکانی جهت مجازات نیست، بلکه مکانی جهت تطهیر شدن و آمادگی برای رفتن به آسمان می‌باشد.

ب) دوره زمانی برزخ و درجه طهارت به تعداد گناهانی بستگی دارد که شخص باید از آنها تطهیر شود. این دوره زمانی را می‌توان کوتاه کرد و درجه رنج و عذاب نیز می‌تواند به واسطه دعاها، و اعمال نیکی که کاتولیکهای در قید حیات بر روی زمین انجام می‌دهند کاهش یابد، مخصوصاً توسط انجام مراسم عشای ربانی در کلیسای کاتولیك روم. پاپ در حوزه قدرت خود، قادر به بخشیدن و عفو شخص می‌باشد، که بدین وسیله دوره رنج و عذاب او در برزخ کوتاهتر شده، حتی ممکن است به اتمام برسد.

پ) کاتولیکها مبنای نظریه خود را بر اساس کتاب‌مقدس قرار نمی‌دهند، بلکه بر اساس یك کتاب آپوکریفا به نام دوم مکابیان ۱۲: ۴۲- ۴۵. البته این قسمت از کتاب مکابیان تعالیمی دارد که حتی کاتولیکها نیز برخی از آنها را نمی‌پذیرند. یکی از این تعالیم در رابطه با رهایی احتمالی سربازانی در برزخ است که در گناه مهلك بت‌پرستی مرده بودند.

۲- <u>استدلالات مبتنی بر کتاب‌مقدس در برابر نظریه برزخ</u>

الف) <u>تمام مسیحیان در زمان مرگ، بلافاصله به آسمان می‌روند.</u>
تمام مسیحیان، مقدس هستند. کتاب‌مقدس در رابطه با وضعیت مسیحیان پس از مرگ، در قالب اصطلاحات مختلفی تعلیم می‌دهد. مکان زیبایی که مسیحیان پس از مرگ به آنجا می‌روند به عنوان فردوس (لوقا ۲۳: ۴۳)، به عنوان مکانی که در آن منازل بسیاری وجود دارد (یوحنا ۱۴: ۲)، به عنوان مکان پر جلال (مزمور ۷۳: ۲۴- ۲۵)، به عنوان بودن با عیسی (فیلیپیان ۱: ۲۳) و همچنین به عنوان متوطن شدن در نزد خدا (دوم قرنتیان ۵: ۸)، توصیف شده است. بر طبق دوم قرنتیان ۵: ۸، "غربت از بدن" به منظور "بودن نزد خدا" و بر طبق فیلیپیان ۱: ۲۳، "رحلت از بدن" به مفهوم "بودن با مسیح" می‌باشد.

ب) <u>هیچ کس نمی‌تواند چیزی را بر کار تمام شده نجات توسط عیسی‌مسیح بیفزاید.</u>
در زمان مرگ، مسیحیان بلافاصله به آسمان می‌روند، زیرا مسیح جریمه تمام گناهانشان را پرداخت کرده است.

۱) نظریه برزخ سعی دارد بر کار تکمیل شده نجات بر روی صلیب (یوحنا ۱۹: ۳۰)، چیزی بیفزاید. مکاشفه ۲۲: ۱۸- ۱۹ به مردم هشدار می‌دهد که هیچ چیزی را از تعالیم کتاب‌مقدس کم نکنند یا به آن اضافه نکنند. مسیح عدالت و قدوسیت کامل آنها می‌باشد (اول قرنتیان ۱: ۳۰).
۲) نظریه برزخ اعمال نیك و دعاهای مسیحیان دیگر را وسیله‌ای جهت نجات انسان تلقی می‌کند. این نظریه به طور خاص، زیادتی اعمال نیك، مانند کارهای نیکوکارانه قدیسین خاص و همچنین عشای ربانی را عاملی جهت نجات انسان تلقی می‌کند. افسسیان ۲: ۸- ۹ تعلیم می‌دهد که هیچ کس توسط اعمال نیك نجات نمی‌یابد. اگرچه کاتولیکها ادعا می‌کنند که کلیدهای مرگ و هاویه را در دست دارند، مکاشفه ۱: ۱۸ به وضوح تعلیم می‌دهد که تنها مسیح این کلیدها را در دست دارد.

پ - <u>نظریه به خواب رفتن روح</u>

۱- <u>نظریه به خواب رفتن روح، مبتنی بر کتاب‌مقدس نیست.</u>

الف) این نظریه می‌فرماید که پس از مرگ، روح انسان در حالتی قرار می‌گیرد که بیدار و آگاه نیست. تنها در زمان قیامت بدن او، روحش نیز آگاهی و هشیاری خود را بدست می‌آورد.

ب) این نظریه غالباً با نظریات نیستی و فرصت دوم همراه می‌باشد. پس از مرگ، بدن و روح، هر دو به قبر نزول کرده، در حالت نیستی قرار می‌گیرد. تنها در زمان قیامت بدن، روح انسان هشیار و آگاه می‌شود، و فرصت دومی به جهت توبه، نجات و دریافت بدنی تازه بدست می‌آورد. او همچنین می‌تواند از این موقعیت استفاده نکند و در حالت ناتوبه‌کار و نیستی کامل قرار گیرد.

پ) این معلمین کاذب نظریه خود را بر اساس قسمتهایی از کتاب‌مقدس مانند یوحنا ۱۱: ۱۱ و اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ قرار می‌دهند که مرگ را به حالت خواب تشبیه می‌کند. آنها همچنین نظریه خود را مبنی بر قسمتهایی مانند مزمور ۶: ۵ و جامعه ۹: ۱۰ قرار می‌دهند که مرگ را به حالتی تشبیه می‌کند که شخص در آن کاملاً ناآگاه می‌باشد. قسمتهای دیگری که آنها اساس نظریه خود را بر آن قرار می‌دهند، دوم قرنتیان ۵: ۱۰ و مکاشفه ۲۰: ۱۱- ۱۵ می‌باشند؛ بر طبق این قسمتها آنها معتقدند که سرنوشت مردم تنها در روز داوری نهایی معین می‌شود نه قبل از آن.

۲- استدلالات مبتنی بر کتاب‌مقدس در برابر نظریه به خواب رفتن روح

الف) کتاب‌مقدس هیچ وقت تعلیم نمی‌دهد که روح یا بدن به خواب می‌رود.
کتاب‌مقدس تنها تعلیم می‌دهد که شخص مرده، به خواب می‌رود. این اصطلاح بیانگر تشابه موجود میان بدن شخص مرده و شخص خوابیده می‌باشد و به عنوان بیان تعبیری نیکوتر ، به جای کلمه مرگ به کار رفته است.

ب) کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که روح مردگان بسیار هشیار و آگاه می‌باشد.
آن قسمتهایی از کتاب‌مقدس که ظاهراً این تعلیم را می‌دهد که انسانهای مرده هشیار و آگاه نیستند، هدفشان تأکید بر این موضوع است که در حالت مرگ، انسانها قادر نیستند در فعالیتهای جهان فعلی دخیل باشند. به عنوان مثال، جامعه ۹: ۵- ۱۲ می‌فرماید، "مردگان هیچ نمی‌دانند...و دیگر تا به ابد برای ایشان از هر آنچه که زیر آفتاب کرده می‌شود، نصیبی نخواهد بود...در عالم اموات که به آن می‌روی، نه کار و نه تدبیر و نه علم و نه حکمت است." بنابراین پس از مرگ، کارگر قادر به کار کردن، خواننده قادر به خواندن، و پادشاه قادر به حکمرانی بر روی زمین نخواهند بود. بنابراین کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که در حالیکه بدن انسان در قبر آرامیده است، روح او از اموری که بر روی زمین واقع می‌شوند آگاهی ندارد (اشعیا ۶۳: ۱۶). ولی نسبت به اموری که در آسمان یا در جهنم واقع می‌شوند هشیار می‌باشد. به عنوان مثال، لوقا ۱۶: ۲۲- ۲۸ می‌فرماید، وقتی که مرد ثروتمند خودخواه مرد و دفن شد، چشمان خود را در جهنم گشود و درد و عذاب آن مکان را تجربه کرد. عبرانیان ۱۲: ۲۲- ۲۴ و مکاشفه ۶: ۹- ۱۰ می‌فرمایند که هنگامی که مسیحیان می‌میرند، از ارتباط آگاهانه با خدای تثلیث و دیگر مسیحیانی که قبلاً مرده‌اند، لذت می‌برند.

پ) در روز داوری نهایی، سرنوشت ابدی مردم، معین نمی‌شود، بلکه اعلام می‌شود.
سرنوشت ابدی مردم به نوع ارتباط آنها با عیسی مسیح در زمانی که بر روی زمین هستند، بستگی دارد. عیسی در یوحنا ۳: ۱۸، ۳۶ می‌فرماید: "هر که ایمان نیاورد الآن بر او حکم شده است، به جهت آنکه به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیاورده". "و آن که به پسر ایمان نیاورد، حیات را نخواهد دید، بلکه غضب خدا بر او می‌ماند". بر طبق متی ۲۵ و دوم تسالونیکیان ۱، سرنوشت ابدی تمام مردم تنها زمانی که آنها در قید حیات بر روی زمین هستند، مشخص می‌شود. بر طبق مثل قنطارها در متی ۲۵: ۱۴- ۳۰، پاداش یا مجازات هر شخص، قبل از مرگ او و قبل از بازگشت عیسی معین می‌شود.
بنابراین پس از مرگ، فرصت دیگری جهت نجات وجود نخواهد داشت. بر طبق متی ۲۵: ۳۴، ۴۱ و دوم تسالونیکیان ۱: ۵- ۱۰، داوری نهایی به منظور اعلام قاطعانه حکم خدا، و مکاشفه عدالت و جلال او در حضور فرشتگان و تمام مردمی است که تا به حال زیست کرده‌اند. موضوعی که در روز داوری نهایی باعث تعجب مردم می‌شود، مربوط به بنیان و اساسی است که بر طبق آن داوری انجام می‌شود، نه خود داوری. اساس داوری نهایی، فیض خدا می‌باشد (متی ۲۵: ۳۴) و این که مردم چگونه به واسطه این فیض با مسیح و برادران او شراکت داشته‌اند.

ت - نظریه نیستی

۱- نظریه نیستی، مبتنی بر کتاب‌مقدس نمی‌باشد.

الف) این نظریه تعلیم می‌دهد که پس از مرگ، روح و بدن، هر دو نیست و نابود می‌شوند. بدن و روح انسان به قبر نزول می‌کنند، در حالت نیستی کامل قرار می‌گیرند. پیروان این نظریه معتقدند که در زمان قیامت، این گونه نیست که بدن و روح انسان دوباره هشیاری و آگاهی خود را بدست آورد، بلکه در آن زمان بدن و روحی جدیدی به وجود خواهد آمد.
این نظریه همچنین تعلیم می‌دهد که حیات شریران پس از مرگ خاتمه می‌یابد، در نتیجه جهنمی جهت درد و عذاب وجود ندارد. شریران برای همیشه نیست و نابود خواهند شد.

بر طبق این نظریه، حیات عادلان پس از مرگ خاتمه می‌یابد، بنابراین مرحله دیگری پس از مرگ وجود ندارد. در زمان قیامت، عادلان بدن و روحی کاملاً جدید خواهند داشت.

ب) برخی از مردم تعلیم می‌دهند که خدا همه انسانها را موجوداتی غیرفانی خلق کرد، ولی انسان به واسطه نااطاعتی تبدیل به موجودی فانی شده است. زمانی که انسان مرتکب گناه شد، خدا حیات غیرفانی را از او گرفت. خدا به روح توبه کار حیات غیرفانی را دوباره عطا می‌کند، ولی گناهکارانی را که توبه نمی‌کنند، از بین می‌برد.
برخی دیگر از مردم نیز تعلیم می‌دهند که خدا تمام انسانها را موجوداتی فانی خلق کرد، ولی انسان به واسطه اطاعت از او قادر بوده است به موجودی غیرفانی تبدیل شود. انسان پس از ارتکاب به گناه، به صورت فانی باقی می‌ماند. خدا به روح توبه کار حیات غیرفانی را عطا می‌کند، ولی گناهکارانی را که توبه نمی‌کنند، از بین می‌برد.

پ) آنها نابودی گناهکار را یا به منزله از بین رفتن آگاهی او و یا به منزله از بین رفتن تمام موجودیت او تلقی می‌کنند. بعضی معتقدند که شریران مدتی پس از متحمل شدن رنج و عذابی آگاهانه، از بین می‌روند. برخی دیگر نیز بر این باورند که شریران بلافاصله پس از مرگ نابود می‌شوند.

ت) آنها اساس نظریه خود را بر روی این حقیقت قرار می‌دهند که تنها خدا، غیرفانی است؛ و حیات ابدی به ایمانداران داده شده است؛ و بی‌ایمانان نابود می‌شوند که آنرا تنزل یافتن به وجود نداشتن تفسیر می کنند.

۲- استدلالات مبتنی بر کتاب‌مقدس در برابر نظریه نیستی

الف) خدا به طور ابدی غیرفانی است، ولی مسیحیان حیات غیرفانی را دریافت می‌کنند.

۱) خدا ذاتاً غیرفانی است. بر طبق ۱ تیموتاؤس ۶: ۱۶، "تنها خدا غیرفانی است"، که به این مفهوم است که او به طور ابدی غیرفانی است و هرگز نمی تواند بمیرد.
۲) خدا انسان را موجودی غیرفانی خلق کرد. آدم و حوا که جزو اولین انسانها بودند، به صورت انسانهایی فانی خلق نشده بودند، بلکه آنها به صورت خدا و در شباهت او (پیدایش ۱: ۲۷)، و در ابتدا آنها حیاتی فانی نداشتند. در زمان خلقت انسانها، خدا ابدیت را در دلهای ایشان نهاده بود (جامعه ۳: ۱۱). هم بدن و هم روح آنها، دارای حیاتی غیرفانی بود. هدف خدا این بود که انسانها به طور دائم در حضور او زیست کنند. آدم و حوا، قبل از ارتکاب گناه، مرگ و تباهی را تجربه نکردند. البته حیات غیرفانی آنها طوری نبود که نتوانند به هیچ وجه مرگ را تجربه کنند. اگر آنها از خدا نااطاعتی می‌کردند، حیات غیرفانی خود را از دست داده، می‌مردند (پیدایش ۲: ۱۵- ۱۷). پیدایش فصل ۳ بیانگر این موضوع است که چگونه گناه منجر به مرگ آنها شد.
۳) در زمان قیامت، مسیحیان غیرفانی خواهند شد. آنها به وضعیت غیرفانی تبدیل خواهند یافت. بدن فانی آنها تبدیل به بدن غیرفانی می‌شود (اول قرنتیان ۱۵: ۴۲- ۵۰). این بدین مفهوم است که در زمان قیامت، انسان، غیرفانی شده، حیاتی ابدی و کامل در حضور خداوند خواهد داشت. سپس مسیحیان نمی توانند بمیرند و هیچ وقت نخواهند مرد. در کتاب‌مقدس، تنها مسیحیانی که حیاتی ابدی در مسیح دارند و خدا را در دائماً از طریق بدن و روحشان جلال می‌دهند، انسانهای غیرفانی نامیده می‌شوند.

ب) روح انسان قطعاً پس از مرگ باقی می‌ماند.
در خروج ۳: ۶ خدا به موسی فرمود: "من هستم خدای پدرت، خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب." بر طبق گفته عیسی در متی ۲۲: ۳۲، "خدا، خدای مردگان نیست بلکه خدای زندگان است." وقتی که ابراهیم، اسحاق و یعقوب مردند، از بین نرفتند. اگرچه بدن آنها هنوز در قبر آرمیده و روزی قیام خواهد کرد، روح آنها وجود دارد و زنده است. خدا، خدای روحهای زنده می‌باشد نه روحهای که وجود ندارد. بنابراین در زمان مرگ، روح انسان از بین نمی‌رود، بلکه پس از مرگ نیز باقی می‌ماند.

پ) بدن انسان قطعاً در آینده نیز دارای حیات خواهد بود.
بر طبق پیدایش ۳: ۱۹، در زمان مرگ، بدن انسان در زیر خاك قرار گرفته، فاسد می‌شود (اعمال ۲: ۲۹- ۳۱). ولی این به این منظور نیست که حیات آن خاتمه می‌یابد. یوحنا ۵: ۲۸- ۲۹، اعمال ۲۴: ۱۵ و مکاشفه ۲۰: ۱۲- ۱۵ به وضوح تعلیم می‌دهند که در زمان بازگشت مسیح، بدن انسانها مجدداً خلق نمی‌شود، بلکه برخیزانده می‌شود. بدن شریران و عادلان قیام خواهد کرد. هیچ قسمت از کتاب‌مقدس بیانگر این موضوع نیست که همه مردم در همان لحظه قیام نخواهند کرد. کتاب‌مقدس تنها در مورد يك قیامت مردگان تعلیم می‌دهد که آن هم در زمان بازگشت مسیح به وقوع خواهد پیوست.
اول قرنتیان ۱۵: ۳۵- ۴۲ و فیلیپیان ۳: ۲۱ تعلیم می‌دهند که بدن فیزیکی آنان متبدل شده و بدن قیام کرده آنان به صورت بدن پرجلال عیسی مسیح خواهد بود. بنابراین قیامت بدن مردم، به مفهوم خلقت بدن جدید برای آنها نیست، بلکه مبدل شدن بدن آنها به بدنی پرجلال می‌باشد.

متی ۲۵: ۴۶ به وضوع تعلیم می‌دهد که پس از روز داوری نهایی، شریران و عادلان برای ابد به حیات خود ادامه می‌دهند. بنابراین نه حیات روح و نه بدن انسان در زمان مرگ پایان نمی یابد. و نه بدن انسان و نه روح او پس از قیامت و روز داوری، از موجودیت ساقط نخواهد شد.

ت) <u>غیرفانی بودن یا زندگی دائمی به مفهوم حیات ابدی نمی‌باشد.</u>
حیات ابدی به راستی هدیه‌ای از طرف خدا می‌باشد، که تنها به عادلان یا انسانهایی که به عیسی مسیح ایمان می‌آورند عطا می‌شود. ولی با توجه به این که شریران صاحب حیات ابدی نمی‌شوند، این بدین منظور نیست که آنها به موجودیت خود ادامه نخواهند داد. بر طبق یوحنا ۵: ۲۸- ۲۹ و اعمال ۲۴: ۱۵، بدنهای هر دو گروه مسیحیان و غیرمسیحیان قیام خواهند کرد. و بر طبق متی ۲۵: ۴۶، تنها مسیحیان صاحب حیات ابدی می‌شوند، در حالیکه غیرمسیحیان مجازات ابدی را خواهند یافت. کتاب‌مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که زندگی هیچ کس خاتمه نمی‌یابد. هر دو گروه عادلان و شریران، بطور دائمی زیست خواهند کرد. عادلان از حیات ابدی لذت خواهند برد، در حالیکه شریران از مجازات ابدی در عذاب خواهند بود.

ث) <u>ویرانی یا هلاکت، به مفهوم نیستی یا پایان یافتن حیات انسان نیست.</u>

۱) در کتاب‌مقدس، کلمات مرگ، ویرانی و هلاکت در ارتباط با انسان، به مفهوم خاتمه یافتن حیات انسان نمی‌باشند. بر طبق اول قرنتیان ۵: ۵، کلمه هلاکت، به مفهوم نیستی نیست، بلکه به مفهوم مجازات است. این قسمت می‌فرماید: "چنین شخصی را به دست شیطان بسپارید به جهت هلاکت جسم تا روح او در روز خداوند عیسی نجات یابد." کلیسا شخص گناهکار را به منظور هلاکت طبیعت گناهکارش به وسیله بیماری یا مصائب دیگر، به دست شیطان می‌سپارد به این امید که روح او برای روز داوری حفظ شود. شیطان تنها قادر است به علت طبیعت گناهکار انسان توسط نابودی یا مجازات سختی ضربه ای وارد آورد، اما فقط عیسی مسیح قادر به از بین بردن طبیعت گناهکار انسان به واسطه عمل نجات‌بخش خود می‌باشد.
۲) بر طبق دوم تسالونیکیان ۱: ۸- ۹، هلاکت در روز داوری، به مفهوم خاتمه یافتن زندگی انسان نمی‌باشد. در آنجا شریران به طور ابدی مجازات می‌شوند، که به این مفهوم است که آنها به طور ابدی از حضور خداوند و جلال او دور خواهند بود. انتقامی که خدا از آنها خواهد کشید یا مجازاتی که خدا بر آنها تحمیل خواهد کرد، دوری آنها از محبت، رحمت و محافظت خدا و شگفتی عظمت و جلال عیسی‌مسیح می‌باشد. بر طبق مکاشفه ۲۰: ۱۰، و ۲۱: ۸، مرگ ثانوی به منظور افکنده شدن شریران به مکانی است که در آنجا در آتشی افروخته شده، شبانه روز برای همیشه عذاب خواهند کشید.

ث - <u>نظریه فرصت دوم</u>

۱- <u>نظریه فرصت دوم مبتنی بر کتاب‌مقدس نیست.</u>

الف) نظریه فرصت دوم تعلیم می‌دهد که نجات بوسیله عیسی مسیح حتی پس از مرگ انسان نیز کماکان امکان پذیر می‌باشد. کسانی که به این نظریه معتقدند می‌گویند که تمام مردمی که موقعیتی جهت شنیدن پیغام انجیل را نداشته‌اند یا سخنان و ادعاهای عیسی را جدی نگرفته‌اند و یا در زمانی که نوزاد بودند چشم از این جهان فروبسته‌اند، پس از مرگ، فرصت دومی جهت ایمان به عیسی مسیح خواهند داشت. آنها معتقدند که هیچ کس بدون داشتن فرصت مناسبی جهت شنیدن پیغام انجیل و ایمان آوردن به آن، محکوم به جهنم و هلاکت ابدی نخواهد شد. بنابراین آنها این نتیجه‌گیری را می‌کنند که سرنوشت ابدی شخص به طور قطعی، در فاصله بین مرگ فیزیکی (جسمانی) و روز داوری نهایی مشخص نمی‌شود.

ب) آنها اساس نظریه دوم خود را بر روی درکی انسانی از محبت و عدالت خدا قرار می‌دهند. آنها به آیاتی مانند یوحنا ۳: ۱۸، ۳۶ اشاره می‌کنند و طبق نظر آنها این آیات تعلیم می‌دهند که تنها بی‌ایمانی عمدی زمینه‌ای برای محکومیت شخص می‌باشد. آنها همچنین با اشاره به ۱ پطرس ۳: ۱۹ و ۴: ۶، تعلیم می‌دهند که عیسی در فاصله موجود میان مرگ و قیامش، به روحهایی که در زندان بودند، موعظه نمود؛ ایشان این مکان را هاویه یا عالم مردگان تلقی می‌کنند. آنها همچنین اساس نظریه خود را بر روی قسمتهایی از کتاب‌مقدس مانند دوم قرنتیان ۵: ۱۰ و مکاشفه ۲۰: ۱۱- ۱۵ قرار می‌دهند که بر طبق آنها، می‌فرمایند که سرنوشت مردم تنها در روز داوری نهایی معین می‌شود.

۲- <u>استدلالات کتاب‌مقدسی در برابر نظریه فرصت دوم</u>

الف) <u>سرنوشت ابدی مردم بر اساس ایمان و زندگی ایمانی آنها، در زمانی که هنوز بر روی زمین هستند، معین می‌شود.</u>
اعمالی را که مردم در جسم بر روی زمین انجام می‌دهند، سرنوشت نهایی آنها را تعیین می‌کند. اعمالی که در فاصله موجود میان مرگ و قیامت بدن آنها به وقوع می‌پیوندند هیچ گاه سرنوشت ابدی آنها را تعیین نمی‌کنند.
یوحنا ۳: ۱۸- ۲۱ تعلیم می‌دهد که سرنوشت ابدی مردم به رابطه شخصی آنها با عیسی مسیح، در زمانی که بر روی زمین هستند، بستگی دارد. تعلیم یوحنا فصل ۳، در چهارچوبی است که آمدن عیسی به جهان و طرز برخورد مردم با او در جهان

فعلی را بیان می‌کند. عیسی تعلیم می‌دهد که هر که به او ایمان نیاورد هم اکنون زیر محکومیت قرار دارد. و هر که او را نپذیرد، صاحب حیات ابدی نخواهد شد، بلکه خشم خدا بر او خواهد ماند.
سرنوشت ابدی انسانها به نوع زندگی آنها بر روی زمین بستگی دارد. در متی ۷: ۲۲- ۲۳، ۱۰: ۳۲- ۳۳ و ۲۵: ۳۱- ۴۶، عیسی به وضوع تعلیم می‌دهد که انجام اراده خدا بر روی زمین، اقرار عیسی پیش مردم و انجام اعمال نیکوکارانه در حق دیگران (برادران عیسی) بر روی زمین، سرنوشت ابدی مردم را معین می‌کند. البته مردم به واسطه اعمال نیکشان نجات نمی‌یابند بلکه از طریق انجام اراده خدا. اراده خدا این است که آنها به عیسی مسیح به عنوان تنها نجات دهنده و خداوند خود ایمان آورند (یوحنا ۶: ۲۹). و اعمال آنها این حقیقت را ثابت خواهد کرد که آیا ایمانشان، ایمانی راستین و خالص بوده است یا نه (یعقوب ۲: ۱۴- ۲۲). در زمان بازگشت عیسی مسیح، پاداش و تقدیر یا محکومیت و مجازات او بستگی به این خواهد داشت که مردم چگونه از تواناییها و موقعیتهایی که او به هر کدام از آنها بر روی زمین سپرده است، استفاده کرده‌اند (متی ۲۵: ۲۱، ۳۰؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۰؛ مکاشفه ۲۰: ۱۱- ۱۵). در زمان داوری نهایی، مردم فرصت دومی جهت ایمان آوردن به عیسی مسیح نخواهند داشت، بلکه در آن زمان سرنوشت ابدی آنها بر عموم مردم آشکار خواهد شد. بنابراین، سرنوشت ابدی مردم به واسطه ایمان و زندگی ایمانی آنها بر روی این زمین، تعیین خواهد شد.

ب) <u>وضعیت بی‌ایمانان پس از مرگ، وضعیت و حالتی مشخص و قطعی است.</u>
عیسی تعلیم می‌دهد که خدا شریران را بلافاصله پس از مرگشان، مجازات می‌کند (لوقا ۱۶: ۱۹- ۲۳). پطرس رسول تعلیم می‌دهد که خدا در عین حال که به مجازات شریران ادامه می‌دهد، داوری نهایی آنها را به روز داوری موکول خواهد ساخت. شریران برای هدف و زمان مشخصی نگاه داشته شده‌اند. پس از مرگ فیزیك (جسمانی) آنها، مجازات آنها ادامه می‌یابد و آنها تا روز داوری نهایی در عذاب خواهند بود (دوم پطرس ۲: ۹). پس از روز داوری نهایی، رنج و عذاب آنها سنگینتر خواهد شد. خدا داوری و مجازات آنها را بر عموم مردم آشکار خواهد ساخت و این موضوع باعث شرمندگی آنها شده، به درد و رنج آنها می‌افزاید. آنها نه تنها روحاً، بلکه جسماً نیز در جهنم در عذاب خواهند بود (متی ۱۰: ۲۸؛ ۲۵: ۴۱، ۴۶). آنها همچنین به خاطر دوری ابدی از حضور خدا، در رنج و سختی خواهند بود (دوم تسالونیکیان ۱: ۸- ۱۰). برای شریران تاریکی ظلمت جاودانی مقرر شده است (یهودا ۷- ۱۳).

پ) <u>نظریه فرصت دوم غالباً بهانه‌ای جهت اعلام نکردن پیغام انجیل می‌باشد.</u>
این نظریه بشارت انجیل را امری ضروری تلقی نمی‌کند. انجیل باید به مردم اعلام شود تا بر اساس آن مردم یا به عیسی مسیح ایمان بیاورند و یا در بی‌ایمانی خود باقی بمانند (مرقس ۱۶: ۱۵- ۱۶). انجیل تا قبل از بازگشت عیسی مسیح در تمام جهان موعظه خواهد شد تا شهادتی برای تمام ملل دنیا باشد (متی ۲۴: ۱۴).

ت) <u>قطعاً انجیل به مردم پس از مرگشان موعظه نخواهد شد.</u>
برخی از قسمتهای کتاب‌مقدس مانند اول پطرس ۳: ۱۸- ۲۲ و ۴: ۱- ۶ در رابطه با یك موضوع واحد تعلیم نمی‌دهند، بنابراین نمی‌توان بر اساس این دو قسمت، نظریه فرصت دوم را شکل داد. هیچ کدام از این قسمتها در رابطه با موضوع موعظه پیغام انجیل به مردم پس از مرگشان، صحبت نمی‌کنند. با توجه به این که این قسمتها، غالباً به اشتباه تفسیر شده‌اند، ما به بررسی آنها می‌پردازیم.

۳- <u>نظریه فرصت دوم بر اساس تفسیر خاصی از اول پطرس ۳: ۱۸- ۲۲ و ۴: ۱- ۶</u>

الف) <u>موعظه به مردمی که در هاویه هستند.</u> بر طبق نظریه فرصت دوم، اول پطرس ۳: ۱۸- ۲۲ می‌فرماید که روح یا جان عیسی مسیح پس از مرگ و قیامش، به زندان رفت که همان هاویه تلقی شده است. هاویه نیز همان عالم مردگان تفسیر می‌شود، که محل سکونت روحهایی است که قبل از آمدن عیسی می‌زیستند.

ب) <u>موعظه انجیل.</u> بر طبق نظریه فرصت دوم، اول پطرس ۴: ۶ می‌فرماید که عیسی انجیل را به روح مردم پس از مرگشان موعظه کرد، تا بدین صورت به آنها فرصت دومی جهت نجات عطا کند.

پ) <u>تفسیر درست</u>

۱) اول پطرس ۳: ۱۸- ۲۲ در مورد نزول عیسی به عالم مردگان جهت موعظه انجیل صحبت نمی‌کند، بلکه در رابطه با صعود پیروزمندانه او به آسمان، و اعلام پیروزی نهایی او می‌باشد.
۲) اول پطرس ۴: ۱- ۶ در مورد موعظه انجیل به مردگان نیست، بلکه در مورد موعظه انجیل به مردم در زمانی است که در قید حیات بوده‌اند. بنابراین نظریه فرصت دوم، غیرکتاب‌مقدسی می‌باشد.

۴- تفسیر درست اول پطرس ۳: ۱۸- ۲۲

واقعه مهمی که در اول پطرس ۳: ۱۸- ۲۲ توصیف شده است، صعود پیروزمندانه عیسی به آسمان و اعلام این پیروزی بر هر چیزی در این جهان می‌باشد.

الف) آیه ۱۸ در مورد کار کفاره‌ای و مصالحه‌آمیز مسیح توسط مرگ و قیامش گفتگو می‌کند.

۱) جمله عیسی "به حسب جسم مرد" به مفهوم این است که او با طبیعت انسانی ضعیفی که بر خود گرفته بود و بار گناهان انسان را بر آن حمل می‌کرد، مرد (رومیان ۱: ۳). عیسی توسط مرگش، طبیعت ضعیف انسانی خود را کنار گذاشته با گناه و مرگ کاملاً قطع رابطه کرد. او در زمان مرگش، روح خود را به دستهای پدر آسمانی خود سپرد (لوقا ۲۳: ۴۶). بنابراین وقتی که عیسی مرد، جسم او در قبر قرار گرفت، در حالی که روح او در حضور خدای پدر بود. در هیچ قسمت از کتاب‌مقدس نمی‌خوانیم که روح عیسی به هاویه رفت، چه در مفهوم عالم مردگان و چه در مفهوم جهنم.

۲) جمله عیسی "به حسب روح زنده گشت" به این مفهوم است که بدن انسانی او به واسطه روح‌القدس زنده گشته، قیام کرد. پس از قیامش، بدن او، بدنی پرجلال و کاملاً تحت کنترل روح‌القدس بود (رومیان ۱: ۴؛ کولسیان ۲: ۹). از آن زمان به بعد، عیسی بر حسب جسم، دیگر بدنی با ضعفهای طبیعت انسانی نداشته است، بلکه بدن او کاملاً تحت کنترل روح‌القدس بوده است. و از آن زمان به بعد خدای پدر بر اساس قدرت غیرقابل قیاس خود، عیسی مسیح را در دست راست خود و برتر از هر قدرتی در جهان قرار داده است (متی ۲۸: ۱۸؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۵؛ افسسیان ۱: ۲۰- ۲۳؛ فیلیپیان ۲: ۹- ۱۱؛ مکاشفه ۱: ۵).

ب) آیات ۱۹- ۲۰ در مورد رفتن و موعظه عیسی صحبت می‌کنند.

۱) "رفتن" عیسی، پس از قیام او بود.
عیسی مسیح به قدرت روح‌القدس قیام کرد و در حالت قیام کرده خود، با هدایت روح‌القدس، به جایی رفت و چیزی را موعظه کرد. بر طبق آیات ۱۸- ۱۹، "رفتن" عیسی، پس از قیامش بود، نه قبل از آن. بنابراین عیسی قبل از مرگ و قیامش به جایی نرفت تا چیزی را در روح، موعظه کند. ولی پس از قیامش، به جایی رفت و چیزی را در بدن قیام کرده خود موعظه کرد.

۲) "رفتن" عیسی، رفتن به سمت بالا بود.
بر طبق آیه ۲۲، این "رفتن"، رفتن به سمت مکانی در پایین نبود، بلکه رفتن به آسمان بود. بنابراین، عیسی به نزد روحهای مردم مرده در عالم مردگان نرفت، بلکه به آسمان رفت و در دست راست خدای پدر قرار گرفت. در یوحنا ۱۲: ۳۲، قیام، صعود و جلوس عیسی بر تخت شاهی، به مفهوم "بلند کرده شدن به نزد خدا" و در مکاشفه ۱۲: ۵، به مفهوم "ربوده شدن به نزد خدا" و همچنین در ۱ پطرس ۳: ۱۹- ۲۲، به مفهوم "بالا رفتن به نزد خدا" قلمداد شده است.

۳) "رفتن" مسیح، اعلام پیروزی او بود.
آیه ۱۹ نمی‌فرماید که موعظه عیسی، موعظه انجیل به همه بود. کلمه اصلی در این قسمت به مفهوم اعلام کردن می‌باشد. محتوای اعلام او چه بود؟ در زبان اصلی "رفتن" و "اعلام کردن" عیسی به هم متعلق می‌باشند. "او با رفتن خود (صفت مفعولی در یونانی)، به روحهایی که در زندان بودند، چیزی را اعلام کرد (فعل اصلی)". رفتن پیروزمندانه او به آسمان، خود، اعلام (موعظه) یك حقیقت بود. صعود پیروزمندانه مسیح به آسمان، اثبات و اعلام پیروزی نهایی او بود. آیه ۱۹ در مورد اعلام پیغام انجیل صحبت نمی‌کند، بلکه در رابطه با اعلام پیروزی نهایی مسیح سخن می‌گوید که در نتیجه صعود پیروزمندانه او به آسمان بود.

۴) "رفتن" مسیح، اعلامی برای تمام انسانهای بی‌تفاوت و نامطیع بود.
آیات ۱۹- ۲۰ می‌فرماید که اعلام پیروزی او به طور خاص خطاب به "روحهایی در زندان است که در زمان نوح، وقتی که کشتی ساخته می‌شد، از خدا نااطاعتی کردند". این روحهای نامطیع در زندان، روحهای چه کسانی هستند؟ آنها روحها یا جانهای کسانی هستند که در زمان طوفان هلاك شدند و در جهنم زندانی شده‌اند. پیدایش ۶: ۵ می‌فرماید که آنها نسلی شریر بودند و ۲ پطرس ۲: ۵ می‌فرماید که نوح واعظ عدالت بود. وقتی که نوح از کلام خدا اطاعت کرده، کشتی را ساخت، مردم خدانشناس، سخنان و هشدارهای او را در رابطه با آمدن طوفان به منزله داوری خدا، جدی نگرفتند و او را تمسخر کردند. آنها نه تنها به سخنان او ایمان نیاوردند، بلکه نسبت به ساخته شدن کشتی نیز، که یادآور قابل رؤیت هلاکت آنها بود، غافل ماندند. آنها از سخنان و هشدارهای خدا فرمانبرداری نکردند و صبر و تحمل خدا را برای احتمالاً صدها سال، جدی نگرفتند (اول پطرس ۳: ۲۰؛ پیدایش ۵: ۳۲؛ ۶: ۳؛ ۷: ۶). در زمان طوفان، ایمان نوح به خدا ثابت شد، ولی نسل شریر و بی‌ایمان، محکوم شدند (عبرانیان ۱۱: ۶).
بر طبق متی ۲۴: ۳۷- ۳۹، عیسی خود تعلیم می‌دهد که "مردم زمان نوح" نمایانگر تمام مردم بی‌تفاوت و نامطیع در جهان هستند. بنابراین صعود عیسی‌مسیح به آسمان، اعلام پیروزی او بر تمام مردم بی‌تفاوت، نامطیع و شریر می‌باشد، چه آنهایی که قبل از آمدن او به جهان، زیسته‌اند، و چه آنهایی که بعد از آمدن او بوده‌اند. بر اساس قسمتهای دیگر کتاب‌مقدس، ما

متوجه می‌شویم که مرگ، قیام، صعود و جلوس مسیح بر تخت شاهی؛ اعلام پیروزی او بر تمام قدرتهای شریر روحانی (افسسیان ۱: ۲۰- ۲۲)، مانند شیطان و دیوها (یوحنا ۱۲: ۳۱- ۳۲؛ مکاشفه ۱۲: ۵- ۹؛ ۲۰: ۱، ۳، ۷)، بر روحهای شریر (فرشتگان سقوط کرده) (لوقا ۸: ۳۱؛ کولسیان ۲: ۱۵؛ دوم پطرس ۲: ۴؛ یهودا ۶؛ مکاشفه ۹: ۱) و بر تمامی ممالك و حکومتهای شریر در دنیا می‌باشد (مزمور ۲: ۸- ۱۲). صعود مسیح به آسمان اعلام پیروزی نهایی و کامل او می‌باشد.

پ) <u>آیات ۲۱- ۲۲ در مورد قیام، صعود و جلوس مسیح بر تخت شاهی سخن می‌گوید.</u>

۱) بر طبق دوم قرنتیان ۲: ۱۴ و افسسیان ۴: ۸، وقتی که عیسی به آسمان صعود کرد، تمام مسیحیان را مانند اسرا، در صف پیروزمندانه خود قرار داد. او آنها را با محبت و فیض خود، همان گونه که در اناجیل ابراز شده است، تسخیر کرد. صف پیروزمندانه مسیح، این حقیقت را نمایان می‌سازد که مسیح بر روی صلیب، بر مرگ و گناه پیروز شد و در صعود پیروزمندانه‌اش به آسمان، مسیحیانی را که او به واسطه رحمت و محبتش مطیع خود ساخته بود، به دنیا آشکار ساخت.
۲) بر طبق کولسیان ۲: ۱۵، نیروهای شکست خورده شریر نیز در زمان ورود مظفرانه مسیح به آسمان، مانند زندانیان جنگ که به زنجیر کشیده شده‌اند، در پشت او صف کشیده‌اند.
۳) بر طبق اول پطرس ۳: ۲۱- ۲۲، پس از صعود، قیام و جلوس عیسی بر تخت شاهی، تمام فرشتگان خوب و روحهای شریر و تمام قدرتها و حکومتهای روی زمین تحت حاکمیت خدا قرار گرفته‌اند (چه به طور ارادی و چه به طور غیرارادی). مسیح پادشاه پادشاهان و خداوند خداوندان می‌باشد (متی ۲۸: ۱۸؛ مکاشفه ۱۷: ۱۴). بر طبق اول قرنتیان ۱۵: ۲۵ و فیلیپیان ۲: ۱۰- ۱۱، تمام کسانی که خود را وقف و تسلیم رحمت خدا نکنند، روزی باید تسلیم داوری او شوند.

۵- <u>تفسیر درست اول پطرس ۴: ۱- ۶</u>

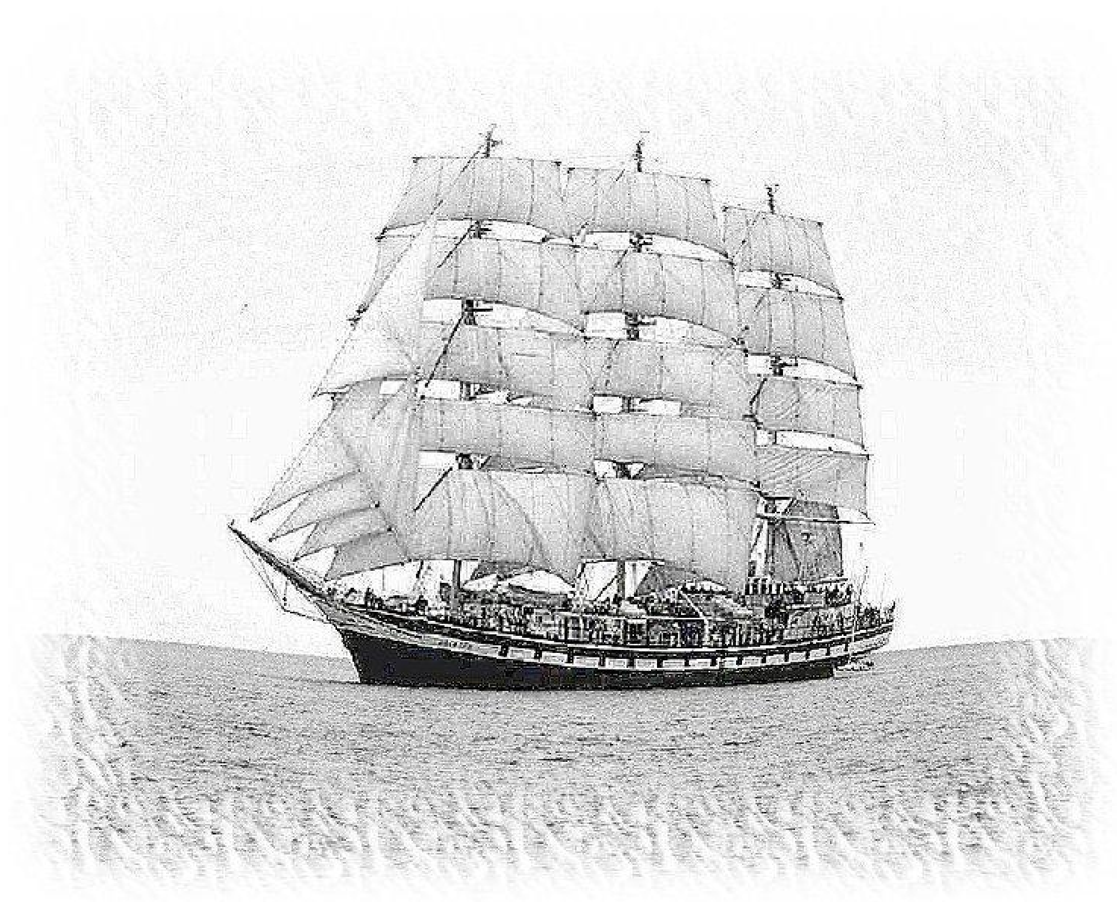
واقعه‌ای که در اول پطرس ۴: ۱- ۶ به آن اشاره شده است، موعظه انجیل به اشخاص به‌هنگام حیاتشان می‌باشد، ولی در زمانی که پطرس رساله خود را به نگارش در می‌آورد، آنها دیگر مرده بودند. این قسمت در مورد موعظه انجیل به مردمی است که هنوز جسماً زنده و بر روی زمین بودند، تا بدینوسیله نجات را دریافت کنند و زندگی مقدسی بر روی زمین داشته باشند. این قسمت در رابطه با اهمیت داشتن زندگی روحانی بر حسب جسم در زمان حاضر، علیرغم مرگ فیزیکی (جسمانی) در آینده صحبت می‌کند. اول پطرس ۴: ۶ می‌فرماید: "زیرا که از این جهت نیز به مردگان (مرده به مفهوم لغوی) بشارت داده شد تا بر ایشان موافق مردم به حسب جسم حکم شود و موافق خدا به حسب روح زیست نمایند".

الف) <u>آیه ۶ در رابطه با هدف از موعظه انجیل تعلیم می‌دهد.</u>
هدف اصلی از موعظه انجیل به مردم، این است که یا باعث نجات آنها شود، و یا آنها را مورد داوری قرار دهد. آیات ۳- ۵ می‌فرماید که مردمی که زندگی خود را در گناه و فساد اخلاقی ادامه می‌دهند، مورد محاکمه واقع خواهند شد. و آیات ۱- ۲ و ۶ می‌فرماید که مسیحیانی که بقیه عمر خود را بر روی زمین موافق اراده خدا به سر می‌برند، نجات خواهند یافت.. تمام مردم، حتی مسیحیان، در آینده "موافق مردم، بر حسب جسم داوری خواهند شد". این بدین مفهوم است که "بدن فانی آنها از هم‌اکنون محکوم است که روزی بمیرد" همان گونه که برای همه مردم جهان رخ می‌دهد (عبرانیان ۹: ۲۷). مسیحیان باید از نظر جسمانی بمیرند، زیرا جسم و خون فعلی آنها قادر به تصاحب ملکوت خدا نمی‌باشد (اول قرنتیان ۱۵: ۵۰).
تمام مردمی که نسبت به پیغام انجیل واکنش مثبتی نشان می‌دهند، "موافق خدا بر حسب روح" زیست خواهند کرد. این بدین مفهوم است که مسیحیان با روح تازه خود برای خدا زیست کرده، او را پرستش و خدمت خواهند کرد، حتی اگر بسیاری از آنها در نتیجه جفاها بمیرند. آنها با انسانیت باطنی خود در طرق و کلام خداوند شادی خواهند کرد (یوحنا ۴: ۲۳- ۲۴؛ رومیان ۷: ۲۲، ۲۵). به طور خلاصه، تمام مسیحیان واقعی زندگی تقدیس‌شده‌ای خواهند داشت.
انجیل به "مردگان" موعظه شده بود. مفهوم این جمله این است که مردمی که در طول زندگی خود بر روی زمین پیغام انجیل را شنیده بودند، یا به طور طبیعی مرده بودند یا در نتیجه جفاها به قتل رسیده بودند و در زمانی که پطرس رساله اول خود را می‌نوشت دیگر در قید حیات نبودند. ایمان آوردن ایشان به‌هنگام حیاتشان، مانع از مرگ جسمانی آنها در زمان جفاها و سختیها نشد. بلکه آنها را از مجازات گناه و مرگ ابدی نجات داده، به آنها قدرت داد تا علیرغم سختیها و جفاها، زندگی‌های مقدسی بر روی زمین داشته باشند.

ب) <u>آیه ۶ در رابطه با نظریه فرصت دوم تعلیم نمی‌دهد و نمی‌تواند چنین تعلیمی را بدهد.</u>
آیه ۶ نمی‌تواند به این مفهوم باشد که به دلیل این که روح مردم مرده، دیگر بدن فیزیکی (جسمانی) ندارد، انجیل، در عالم مردگان یا در جهنم به آنها موعظه شد. بنابراین تنها تفسیر احتمالی آیه ۶ این است که انجیل به این مردم موعظه شد، قبل از این که آنها موافق مردم، بر حسب جسم داوری شوند، که منظور این است که قبل از این که آنها از نظر فیزیکی (جسمانی) بمیرند. نمی‌توان این آیه را این گونه تفسیر کرد که انجیل، پس از مرگ فیزیکی (جسمانی) مردم، به روحهای آنها موعظه شد، زیرا این روحها دیگر بدنی نداشتند که پس از شنیدن پیغام انجیل، محکوم به مرگ شوند.
نتیجه‌گیری: آیه ۶ این تعلیم را نمی‌دهد که انجیل به روح مردم در عالم مردگان یا در جهنم موعظه شده است.

خلاصه: هیچ قسمت از کتاب‌مقدس بیانگر این موضوع نیست که مردم پس از مرگ، فرصت دومی جهت شنیدن پیغام انجیل و دریافت نجات خواهند داشت. انجیل، تنها زمانی که مردم هنوز بر روی این زمین زندگی می‌کنند، به آنها موعظه می‌شود. ایمان یا بی‌ایمانی آنها زمانی که هنوز بر روی این زمین هستند، سرنوشت ابدی آنها را معین خواهد کرد. بنابراین "اینك الحال، زمان مقبول است؛ اینك الآن روز نجات است" (دوم قرنتیان ۶: ۲). "ملکوت خدا نزدیك است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید" (مرقس ۱: ۱۵).

بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید



دوره شاگرد سازی از رادیو

دستورعمل بنای کلیسا - کتاب دوم

مــقــدمـــه

کلیسا چیست؟

در سطح محلی، کلیسا همانا تجمع مسیحیان در یك خانه (رومیان ۱۶: ۵) یا یك شهر (اول قرنتیان ۱: ۲) می‌باشد. در سطح جهانی، کلیسا بدن مسیح (افسسیان ۱: ۲۲- ۲۳) می‌باشد و تمام مسیحیان اعضای آن بدن هستند (اول قرنتیان ۱۲: ۱۲). کلیسا بنایی روحانی است که هر فرد مسیحی یکی از سنگهای زنده آن می‌باشد (اول پطرس ۲: ۵) و یا مکانی است که خود خدا بواسطه روحش در آن سکونت می‌نماید (افسسیان ۲: ۲۱- ۲۲). کلیسا خانواده الهی می‌باشد (افسسیان ۲: ۱۹). خدا، پدر پرمحبت کلیسا و مسیحیان نیز برادران و خواهران یکدیگر می‌باشند. کلیسا گله گوسفندانی است که شبانی را که در جلوی آنها حرکت می‌کند، پیروی می‌کنند (اول پطرس ۵: ۲ ؛ ۲: ۲۵؛ ۵: ۴). کلیسا ملت مقدس خداست که متشکل از مردمی است که خدا آنها را از میان تمام ملل جهان انتخاب می‌کند (اول پطرس ۲: ۹- ۱۰). کلیسا تجلی قابل رؤیت ملکوت یا پادشاهی خدا بر روی زمین می‌باشد (متی ۱۳: ۳۶- ۴۳؛ ۱۶: ۱۸- ۱۹؛ ۲۱: ۴۲- ۴۴). کلیسا هنوز واقعیت کاملی نیست، بلکه در زمان بازگشت مسیح، عروس کامل عیسی خواهد بود (مکاشفه ۲۱: ۱- ۲ ، ۹- ۱۰؛ ۱۹: ۷). از طرفی کلیسا، " کلیسایی مبارز" در دنیا است که در آن مسیحیان در برابر حملات دشمن ایستادگی می‌کنند (متی ۱۶: ۱۸- ۱۹؛ افسسیان ۶: ۱۰- ۱۸؛ مکاشفه ۱۲: ۱۰- ۱۲). از طرف دیگر، کلیسا، " کلیسای پیروز" در آسمان می‌باشد، مکانی که مسیحیانی که از این جهان رفته‌اند در آنجا در حضور خدا سکونت می‌کنند (غلاطیان ۴: ۲۶؛ عبرانیان ۱۱: ۱۰، ۱۶؛ ۱۲: ۲۲- ۲۴؛ ۱۳: ۱۴).

کلیسای مسیح چگونه بنا می‌شود؟

مسیح کلیسای خود را بنا می‌کند و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت (متی ۱۶: ۱۸). مسیح در ابتدا از رسولان استفاده کرد تا کلیساهای تاریخی را در میان یهودیان، غیریهودیان و سامریان بنیان نهد (افسسیان ۲: ۲۰). امروزه او از مسیحیان معمولی جهت بنای کلیسای خود استفاده می‌کند. او کلیسای خود را بر روی مسیحیانی بنیان می‌گذارد که زندگی مسیحی درستی داشته (افسسیان ۴: ۱- ۲)، و متکی بر آموزه‌های صحیح از کلام خدا هستند (افسسیان ۴: ۳- ۶). او همچنین کلیسای خود را بر روی مسیحیانی که خدمات مختلف و تواناییهای روحانی متفاوتی دارند، بنا می‌کند (افسسیان ۴: ۷- ۱۲). او به ایمانداران جدید کمك می‌کند تا تبدیل به شاگردان او شوند (مسیحیان بالغ) (افسسیان ۴: ۱۳- ۱۴) و آنها را به جهت انجام خدمات مختلف عملی در داخل و خارج از کلیسا تجهیز می‌کند (افسسیان ۴: ۱۲) و اجتماعی مبتنی بر حقیقت و محبت بنا می‌کند که در آن ایمانداران دائماً در جهت شباهت به مسیح رشد می‌کنند (افسسیان ۴: ۱۵- ۱۶). و بدین ترتیب کلیسای خود را بنا می‌کند. امروزه، بنای کلیسای مسیح مسئولیت تمام مسیحیان می‌باشد.

هدف از چهار کتاب دستورعمل بنای کلیسای مسیح

این دوره درسی از طریق عنوان کردن موارد زیر به سر گروه، بنای کلیسای مسیح را امری عملی می‌سازد:

۱- هر کدام از چهار کتاب دستورعمل بنای کلیسای مسیح، حاوی ۱۲ درس می‌باشند که می‌توان در طول سه ماه آنها را به اتمام رساند.
۲- آیات مهم کتاب‌مقدسی به شاگردان کمك می‌کنند که مسیح، کلیسا و کتاب مقدس را بشناسند.
۳- دستورالعمل هایی که با حروف پررنگ چاپ شده مثل " **بخوانید**"، " **کشف و گفتگو کنید**" به سرگروه درهدایت گروه کمك می کند.
۴- " **ملاحظات** " جواب مختصری به هر سوال می دهند که می توانند بعنوان خطوط راهنما برای سرگروه مورد استفاده قرار گیرند.
۵- این دوره آموزشی روشهایی عملی، جهت بنای کلیسای مسیح و بررسی انجیل یوحنا به طور فردی یا جمعی ارائه می‌کند.
۶- هر درس دارای یك تکلیف خارج از کلاس می باشد.
۷- این دوره آموزشی را می‌توان در اختیار دیگران نیز گذاشت. پس از به اتمام رساندن بررسی یکی از کتب دستورعمل بنای کلیسای مسیح، تنها آن عده از شاگردان می‌توانند یك نسخه از آن کتاب دستورعمل را داشته باشند که مایلند این دوره درسی را در یك گروه کوچك دیگر تعلیم دهند.

دعای ما این است که خداوند به سرعت بر تعداد کلیساها و کلیساهای خانگی در منطقه شما بیفزاید.
عیسی می‌فرماید: "من کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت" (متی ۱۶: ۱۸).
باشد که خدا جلال یابد. "زیرا که از او و به او و تا او همه چیز است. و او را تا ابدالآباد جلال باد، آمین" (رومیان ۱۱: ۳۶).

<u>دوره شاگردسازی از رادیو</u>

حقوق مؤلف کتاب

توصیه:
این دوره آموزشی بدین منظور تهیه شده است که بطور گسترده استفاده شود و باعث برکت بسیاری گردد، اما از آنجا که هدف چهار کتاب دستورعمل بنای کلیسای مسیح، آموزش یا مجهز کردن مسیحیان است، توصیه میشود که فقط سرگروه های این دوره آموزشی، از چهار کتاب دستورعمل بنای کلیسای مسیح برابربا اصل، کپی یا رونوشت بردارند.
هر شاگرد فقط پس از آنکه یک درس یا یک کتاب دستورعمل را بپایان رسانده و میخواهد شخص یا گروه کوچك دیگری را تعلیم دهد، می تواند يك نسخه از آن درس یا کتاب دستورعمل را داشته باشد.

<u>دوره شاگرد سازی از رادیو</u>

فهرست مطالب
دستورعمل بنای کلیسای مسیح - کتاب دوم

برنامه آموزشی ۱

يك برنامه هفتگی برای سه ماه - حدود ۲ ساعت در هفته - تعداد افراد گروه بين حدود ۳ تا ۱۰ نفرباشد - هر برنامه با دعا شروع می‌شود و با دعای در پاسخ به کلام خدا و يك تکليف برای منزل پايان می‌يابد.

ضمیمه‌های دستور عمل شاگردسازی - کتاب اول " بروید و شاگردان بسازید " را ملاحظه کنید:
روش‌های رازگاهان، بررسی کتاب مقدس، تعمق و حفظ کردن

برنامه آموزشی ۲

این برنامه فشرده را می‌توان هفته‌ای یکروز (یك روز کامل) و یا در یك دوره فشرده آموزشی شش روزه استفاده کرد. تمام گروه را با همراهی یك سرگروه آموزش دیده، به گروه های کوچك تقسیم کنید. تعداد افراد هرگروه بین حدود ۳ یا ۱۰ نفر باشد.

برنامه پیشنهادی:

۹:۳۰ - ۹:۰۰	پرستش (گروه)
۱۱:۰۰ - ۹:۳۰	تعلیم (گروه)
	وقت استراحت
۱۳:۰۰ - ۱۱:۳۰	بررسی کتاب مقدس (گروه)
	وقت استراحت
۱۷:۰۰ - ۱۶:۰۰	وقت اضافی برای پایان دادن تعلیم یا بررسی کتاب مقدس، برای پاسخ به سؤالات یا برای یک تعلیم دیگراحتمالی (گروه)
	وقت استراحت
۱۷:۴۵ - ۱۷:۳۰	تعمق و حفظ کردن آیات (دونفری)
۱۸:۳۰ - ۱۷:۴۵	مطالعه کتاب مقدس برای رازگاهان (به تنهایی)
۱۹:۰۰ - ۱۸:۳۰	رازگاهان (دو نفری)
۱۹:۴۵ - ۱۹:۰۰	در میان گذاشتن برکات و دعا (در گروههای کوچك حداکثر ده نفره)

روز اول (دروس ۱۳ و ۱۴)

دعا
تعلیم (آیین کلیسایی: تعمید مسیحی)
بررسی کتاب‌مقدس (یوحنا ۵)
حفظ کردن (دوم قرنتیان ۶: ۱۴ و عاموس ۳: ۳)
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (دوم قرنتیان ۱۱- ۱۳ و غلاطیان ۱- ۴)
رازگاهان (دو نفری: غلاطیان ۳: ۱- ۲۹)
در میان گذاشتن برکات و دعا

روز دوم (دروس ۱۵ و ۱۶)

دعا
تعلیم (آیین کلیسایی: شام خداوند)
بررسی کتاب‌مقدس (یوحنا ۶)
حفظ کردن (اول تسالونیکیان ۴: ۳- ۵ و جامعه ۸: ۵ - ۶)
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (غلاطیان ۵- ۶ و افسسیان ۱- ۵)
رازگاهان (دو نفری: غلاطیان ۵: ۱- ۲۶)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز سوم (دروس ۱۷ و ۱۸)

دعا
تعلیم (آیین کلیسایی: انتصاب رهبران کلیسا)
بررسی کتاب‌مقدس (یوحنا ۷)
حفظ کردن (متی ۶: ۳۳ و مرور مجموعه " آمادگی مسیحی برای ازدواج")
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (افسسیان ۶ و فیلیپیان ۱- ۴ و کولسیان ۱- ۲)
رازگاهان (دو نفری: فیلیپیان ۳: ۱- ۲۱)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز چهارم (دروس ۱۹ و ۲۰)

دعا
تعلیم (آیین کلیسایی: ازدواج مسیحی)
بررسی کتاب‌مقدس (یوحنا ۸)
حفظ کردن (یوحنا ۵: ۲۴ و یوحنا ۶: ۳۷)
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (کولسیان ۳- ۴ و اول تسالونیکیان ۱- ۵)
رازگاهان (دو نفری: اول قرنتیان ۹: ۱- ۲۷)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز پنجم (دروس ۲۱ و ۲۲)

دعا
تعلیم (آیین کلیسایی: تدفین مسیحی)
بررسی کتاب‌مقدس (یوحنا ۹)
حفظ کردن (یوحنا ۷: ۳۸ و یوحنا ۸: ۱۲)
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (دوم تسالونیکیان ۱- ۳ و اول تیموتاؤس ۱- ۴)
رازگاهان (دو نفری: اول تیموتاؤس ۴: ۱- ۱۶)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز ششم (دروس ۲۳ و ۲۴)

دعا
تعلیم (کلیسا و فرهنگ: فرهنگ انسان و فرهنگ ملکوت خدا)
بررسی کتاب‌مقدس (یوحنا ۱۰)
حفظ کردن (یوحنا ۱۰: ۲۸ و ۵ آیه آخر حفظی را از انجیل یوحنا مرور کنید)
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (اول تیموتاؤس ۵- ۶ و دوم تیموتاؤس ۱- ۴)
رازگاهان (دو نفری: دوم تیموتاؤس ۲: ۱- ۲۶)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

امکانات برای تعالیم دیگراحتمالی

ضمیمه شماره ۱	رسم تعمید مسیحی
ضمیمه شماره ۲	عید فصح و شام خداوند
ضمیمه شماره ۳	دستیاران و معاونین زن در کلیسا
ضمیمه شماره ۴	ارتباط با والدینی که در قید حیات هستند
ضمیمه شماره ۵	ارتباط با اجداد متوفی

درس ۱۳

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **دوم قرنتیان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (دوم قرنتیان ۱۱- ۱۳)، با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: آمادگی مسیحی برای ازدواج**

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: هر دو ایماندار: دوم قرنتیان ۶: ۱۴

۴	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **تعمید مسیحی**

مقدمه: آموزه تعمید مسیحی، در بین کلیساها موضوع بحث‌برانگیزی است. این درس کمك می‌کند تا جوامع مختلف مسیحی دیدگاههای یکدیگر را بهتر درك کنند. هر یك از جوامع مسیحی و رهبران آن باید در نهایت تصمیم بگیرند که می‌خواهند تأکیدشان بر کدام جنبه از تعمید باشد. ما در این درس خواهیم آموخت که کتاب‌مقدس درمورد مبانی، مفهوم و نحوه انجام تعمید مسیحی چه تعلیم می‌دهد.

یك تعمید که در افسسیان ۴: ۵ از آن صحبت شده است، به خود واقعه تعمید و مفهوم آن اشاره دارد، نه به روش تعمید. اگرچه مفهوم تعمید مسیحی به وضوح در عهدجدید تعلیم داده شده است، اما در هیچ جای کتاب‌مقدس در مورد زمان یا شیوه‌ای بخصوص برای انجام تعمید تعلیمی داده نشده و مطلبی تجویز یا منع نشده است.

الف - <u>بنیان تعمید مسیحی</u>

بخوانید: متی ۲۸: ۱۸- ۲۰.
کشف و گفتگو کنید: عیسی آیین تعمید را در چه چارچوبی بنیان نهاد؟
ملاحظات: عیسی مسیح تعمید مسیحی را در چارچوب حکم اعظم مبنی بر اعلام پیام انجیل (مرقس ۱۶: ۱۵- ۱۶) و شاگردسازی (ایمانداران بالغ) (متی ۲۸: ۱۸- ۲۰)، بنیان نهاد.

ب - <u>مفهوم تعمید مسیحی</u>

تعمید مسیحی، نشانه و مهر اتحاد با عیسی مسیح و شراکت در جنبه‌های مختلف عمل نجات‌بخش او در زمان گذشته، حال و آینده است.

۱- <u>تعمید مسیحی، نشانه و مهر اتحاد با عیسی مسیح و شراکت در عدالت او است. تعمید، مهر و نشانه‌ای است از اینکه گناهان‌مان شسته و پاك شده است (بخشش گناهان، عادل شمردگی).</u>

بخوانید: اعمال ۲: ۳۷- ۴۱؛ ۲۲: ۱۶.
کشف و گفتگو کنید: تعمید مسیحی در آیات کتاب‌مقدسی فوق به چه معنا است؟
ملاحظات:

الف) <u>چارچوب تعمید.</u>
ریزش روح‌القدس بر حدود ۱۲۰ نفر از شاگردان اولیه عیسی مسیح و موعظه انجیل به یهودیان در عید برداشت محصول که پنطیکاست نامیده می‌شد، باعث گردید بسیاری از یهودیان توبه کنند و نجات یابند. این یهودیان نجات یافته، روح‌القدس را نیز که به آنها وعده داده شده بود، دریافت کردند. آنها روح‌القدس را نه بخاطر تعمید، بلکه بواسطه ایمان‌شان به عیسی مسیح دریافت کردند (اعمال ۱۱: ۱۶- ۱۸؛ ۱۵: ۷- ۹؛ ۲۶: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۱۳- ۱۴). در آن روز حدود ۳۰۰۰ نفر به پیغام انجیل ایمان آوردند و "در نام" (در یونانی: epi to onomati, به معنای به زبان آوردن اسم) عیسی مسیح تعمید گرفتند، "به جهت آمرزش گناهان". این افراد به جمع اولین اجتماع مسیحیان آن زمان پیوستند (کلیسا)(اعمال ۲: ۱۷- ۴۱).
مدتی پس از این واقعه، عیسی مسیح بر پولس ظاهر شد، او را دعوت به توبه کرد و رسالتی را که باید بر دوش می‌گرفت بر او آشکار نمود (اعمال ۲۶: ۱۵- ۱۹). شاگردی به نام حنانیا، پولس را تشویق کرد تعمید بگیرد. تعمید او نشاندهنده شسته شدن گناهانش بود که بواسطه اقرار به نام عیسی مسیح عملی شد (اعمال ۲۲: ۳- ۱۶).

ب) <u>مفهوم تعمید.</u>
تعمید مسیحی علامت و مهر تطهیر روحانی یا شسته شدن گناهان است. به عبارت دیگر، تعمید علامت و مهر بخشش گناهان یا عادل شمرده شدن انسان توسط خدا است. طهارت روحانی یا شسته شدن گناهان (بخشش گناهان یا عادل شمردگی) زمانی صورت می‌گیرد که شخص به عیسی مسیح (یعنی به کار تمام شده نجات توسط او آنگونه که در انجیل آمده است) ایمان می‌آورد، نه در زمان تعمید گرفتن شخص. تعمید مسیحی، علامت و مهر مرئی واقعه نجات است که به طور سمبلیك در قالب واقعه تعمید بیان می‌شود.
انسان بواسطه فیض خدا و با ایمان است که بخشیده می‌شود (یعنی عادل شمرده می‌شود، یا نجات می‌یابد)، نه بواسطه تعمید (افسسیان ۲: ۸). تعمید مسیحی علامت و مهر طهارت روحانی یا شسته شدن گناهان است. این عمل، نشانه و علامتی است مرئی از عادل شمردگی یا نجاتی که مبتنی بر فیض خدا است و شخص آن را با ایمان دریافت می‌کند. طهارت روحانی یا شسته شدن گناهان، اساسی‌ترین مفهوم تعمید مسیحی می‌باشد.

پ) <u>تعمید مسیحی، یك نشانه و مهر است.</u>
۱) بخوانید: رومیان ۴: ۳، ۱۱- ۱۲. در پیمان عهد عتیق، ابراهیم علامت ختنه را زمانی که هنوز ختنه نشده بود، به عنوان نشانه یا مهری از عادل شمرده شدنش محض ایمان، دریافت کرد (رومیان ۴: ۱۱- ۱۲). در پیمان عهدجدید، مسیحیان علامت تعمید را به عنوان مهر عادل‌شمردگی یا نجات‌شان دریافت می‌کنند؛ عادل‌شمردگی و نجاتی که نتیجه ایمان آوردن به عیسی مسیح است (مرقس ۱۶: ۱۶). آنها علامت تعمید را به عنوان مهر توبه جهت بخشش گناهان (مرقس ۱: ۴؛ لوقا ۲۴: ۴۷) یا بازگشت به سوی خدا جهت زدوده شدن گناهان (اعمال ۳: ۱۹) یا شسته شدن تقصیرات‌شان (اعمال ۲۲: ۱۶) دریافت می‌کنند.
۲) یك نشانه، حقیقتی روحانی است که نه تنها بصورت کلمات، بلکه در قالب یك عمل بیرونی مرئی و قابل مشاهده نیز بیان می‌گردد. تعمید مسیحی عمل بیرونی قابل مشاهده‌ای است که بیانگر این حقیقت است که خدا عدالت کامل عیسی مسیح را به حساب فرد ایماندار گذاشته است. به عبارت دیگر، خدا فرد ایماندار را بخشیده، عادل شمرده یا نجات داده است. تعمید مسیحی، علامت بیرونی و قابل رؤیتی است از عمل درونی و غیرقابل رؤیت نجات فرد ایماندار توسط خدا.
۳) یك مهر، سمبل بیرونی و قابل رؤیتی است که ثابت می‌کند حقیقتی خاص، قطعی و واقعی است. تعمید مسیحی مهر بیرونی و قابل مشاهده خدا است و ضامن این حقیقت است که شسته شدن گناهان انسان (بخشش گناهان، عادل شمردگی و نجات) عملی است واقعی و قطعی. تعمید مسیحی مهر قابل رؤیت خدا است که به فرد ایماندار اطمینانی درونی می‌بخشد و ضامن این حقیقت است که خدا او را کاملاً عادل اعلام کرده و او از این پس در نظر خدا عادل محسوب می‌شود.

ت) <u>مبنای تعمید مسیحی.</u>
شالوده و مبنای تعمید مسیحی نه در خود انسان، بلکه فقط و فقط بر فیض خدا استوار است - فیضی که انسان به هیچ وجه استحقاق آن را ندارد. تعمید مسیحی به این معنا است (یعنی نشانه یا سمبول این است) که خدا برای نجات انسان ابتکار عمل را بدست گرفته و او را بواسطه فیض خود نجات داده است.

<u>۲- تعمید مسیحی نشانه و مهر اتحاد با مسیح و شراکت در تولدی تازه است. تعمید، نشانه و مهر ختنه روحانی (یعنی تولد تازه) است.</u>

بخوانید: کولسیان ۲: ۸- ۱۲.
کشف و گفتگو کنید: تعمید در آیات کتاب‌مقدسی فوق به چه معنا است؟
ملاحظات:
الف) <u>چارچوب</u>
۱) "اصول ساده و اولیه دنیوی" (کولسیان ۲: ۸) یا "اصول اولیه توسعه نیافته دنیوی" (در یونانی: ta stoicheia tou kosmou) به شریعت و جسم اشاره دارند. این اصول، تعالیم اولیه‌ای هستند که بر اساس شریعت و احکام و قوانینی خاص

تدوین شده‌اند. یهودیان و غیریهودیان تا پیش از ظهور عیسی مسیح کوشیده‌اند با تکیه بر این اصول، نجات را کسب کنند و اسباب رضایت خدا یا خدایان‌شان را فراهم آورند. تلاشهای آنها ریشه در طبیعت تولد تازه نیافته آنها (جسم‌شان) داشت.
۲) احکام و قوانین یهودیان و غیریهودیان بهنگام ظهور مسیح. هدف از شریعت خدا در عهد عتیق این بود که قوم خدا را برای حقایق روحانی که در زمان عهد جدید تحقق می‌یافت آماده سازد. در فلسطین و آسیای صغیر، معلمین مذهبی و پیروان آنها (یهودیان و غیریهودیانی که بتازگی به این مذهب پیوسته بودند) شریعت را نوعی وسیله کسب نجات تصور می‌کردند. آنها سعی می‌کردند شریعت عهد عتیق را بصورت ۶۱۳ قانون خلاصه کنند و این قوانین را در قالب هزاران حکم و تفسیر توضیح دهند. آنان مخصوصاً بر انجام ختنه و رعایت ۳۹ حکم مربوط به سبت تاکید داشتند و اجرای این قوانین را برای کسب نجات کاملاً ضروری می‌دانستند. بدین ترتیب، شریعت عهد عتیق آنگونه که نزد معلمین و رهبران مذهبی یهود تفسیر می‌شد، تبدیل به باری شده بود که هیچ کس قادر به حمل آن نبود (متی ۲۳: ۴) و همه را برده و اسیر خود کرده بود (غلاطیان ۵: ۱). این امر در مورد احکام و قوانین مذاهب غیریهود نیز صدق می‌کرد. آنها سعی می‌کردند به پیروانشان بقبولانند که انسان می‌تواند با تلاش و کوشش بشری خود نجات یابد.
۳) احکام و قوانین معلمین کذبه در کلیساهای آسیای صغیر. این معلمین در گذشته اسیر بتهای سابق خود بودند، و اکنون نیز هم در اسارت آداب و قوانین مذاهب بت‌پرستی سابق خود بسر می‌بردند و هم اسیر احکام و قوانینی بودند که از سوی برخی معلمین کذبه یهود ارائه می‌شد. آنها احکام خاصی را درمورد " روزه، ختنه، و روزها و ماههایی بخصوص" رعایت می‌کردند (غلاطیان ۴: ۱۰؛ ۵: ۱- ۴)؛ در این مورد که باید چه "بخورند یا بیاشامند" احکام و قوانین داشتند. همچنین در مورد "اعیاد یهود و روز سبت" و اینکه "چه چیزهایی را باید لمس کرد و چه چیزهایی را نباید" انواع و اقسام قوانین داشتند. افتخار آنان این بود که خواب و رؤیا می‌بینند (که البته زاییده ذهن خودشان بود) و بدنهای خود را ریاضت می‌دهند (کولسیان ۲: ۱۴- ۲۳).
۴) ختنه و تعمید (کولسیان ۲: ۱۱- ۱۲). ختنه جسمانی که عملی است انسانی (بریدن پوست ختنه‌گاه) هیچ فایده خاصی ندارد و کاملاً غیرضروری است. ولی ختنه روحانی که در آن عیسی مسیح (روح‌القدس) طبیعت کهنه و تولدتازه نیافته ما را برمی‌دارد، ختنه‌ای است کاملاً حیاتی و ضروری. شخص زمانی تولد تازه می‌یابد که به عیسی‌مسیح ایمان می‌آورد. ختنه یا تجدید حیات روحانی، در قالب عمل تعمید مسیحی به‌گونه‌ای قابل رؤیت نمایان می‌شود.

ب) <u>مفهوم</u>
تعمید مسیحی علامت و مهری است از اینکه طبیعت تولدتازه نیافته فرد ایماندار، مرده و دفن شده است. درست همانگونه که مرگ مسیح را نمی‌توان از قیام او جدا دانست، برداشته شدن طبیعت تولدتازه نیافته انسان را نیز نمی‌توان از دریافت طبیعتی تازه که از نو مولود شده است، امری مجزا تصور کرد. تعمید مسیحی علامت و مهر قابل رؤیت ختنه روحانی یا تولد تازه است. تعمید با آب که امری است قابل رؤیت، به واقعه تعمید با روح‌القدس (تجدید حیات توسط روح‌القدس) که امری است غیرقابل رؤیت، اشاره دارد.

<u>۳- تعمید مسیحی، نشانه و مهر اتحاد با مسیح و شراکت در کار تمام شده نجات است که او در گذشته، حال و آینده انجام داده و می‌دهد. تعمید مخصوصاً عبارت است از نشانه و مهر شراکت در عادل شمردگی از لحاظ شریعت، و تقدس از لحاظ اخلاقی، که کاملاً به تقدیس شدن در زمان حال و جلال یافتن در زمان آینده مرتبط می‌باشد.</u>

بخوانید: رومیان ۶: ۱- ۸.
کشف و گفتگو کنید: تعمید مسیحی در این قسمت از کتاب‌مقدس به چه معنا است؟
ملاحظات:
الف) <u>چارچوب</u>
بر اساس استدلال پولس، غیرممکن است که یك فرد مسیحی کماکان در گناه زندگی کند. در شهر رم، جناح شریعتگرا به دروغ چنین تعلیم می‌دادند که انسان با عمل به احکام شریعت است که عادل شمرده می‌شود. برعکس، جناح مخالف (که به آنتینومیانها شهرت داشتند) به اشتباه چنین تعلیم می‌دادند که کسی که عادل شمرده شده دیگر لازم نیست مطابق شریعت خدا زندگی کند، و حتی می‌تواند به گناه ادامه دهد. پولس رسول در اینجا هر دوی این تعالیم غلط را مردود می‌شمرد. او در رد ادعای شریعتگرایان، چنین تعلیم می‌دهد که انسان بر اساس فیض خدا و به‌توسط ایمان به عیسی مسیح است که عادل شمرده می‌شود، نه بواسطه اعمال شریعت. و در رد تعالیم آنتینومیانزها اعلام می‌دارد که کسی که بر اساس فیض خدا و با ایمان به عیسی مسیح عادل شمرده شده است، کماکان مطابق احکام اخلاقی شریعت (یعنی ده فرمان) زندگی خواهد کرد. چنین شخصی که تولد تازه یافته است باید زندگی پاك و مقدسی داشته باشد. پولس می‌فرماید که شریعت وسیله کسب نجات نیست، بلکه معیاری است که بر اساس آن مردم، نجات را دریافت می‌کنند و زندگی جدیدی را آغاز می‌نمایند.
۱) رومیان ۶: ۱-۲ تعلیم می‌دهد که آموزه آنتینومیانها دارای تناقض است. پولس می‌گوید این اعتقاد که انسان باید نزد مسیح بیاید تا از گناه آزاد شود و بعد بتواند کماکان در گناه زندگی کند، اعتقادی است تناقض‌آمیز.
۲) رومیان ۶: ۳- ۴ تعلیم می‌دهد که فرد مسیحی در مرگ مسیح شریك شده و بر گناه غلبه یافته است. پولس در تایید استدلال خود، به تعمید مسیحی اشاره می‌کند. تعمید "در" (به یونانی: eis) عیسی مسیح به معنای (یا نمایانگر) داشتن رابطه‌ای شخصی با مسیح، و مخصوصاً شراکت در مرگ او است. پولس می‌گوید کسانی که در مسیح تعمید یافته‌اند، در موت او شریك گشته‌اند. بنابراین چون مسیح "به خاطر کفاره گناه" مرد، مسیحیان نیز "نسبت به انجام گناه" مرده‌اند. مسیحیان یکبار برای همیشه نسبت

به گناه مرده‌اند. برای يك فرد مسيحی نجات از گناه (رهايی) صرفاً برای اين نيست كه از تاوان گناهانش خلاصی يابد (يعنی صرفاً نجات يافته و عادل شمرده شده باشد)، بلكه بدين معنا است كه او از قيد قدرت گناه آزاد شده است (يعنی تقديس شده و مقدس گشته است)(اول قرنتيان ۱: ۳۰). هر كس كه با مسيح متحد شده است، نسبت به قدرت گناه مرده است. و ديگر بنده گناه نيست. بنابراين يك فرد مسيحی نمی‌تواند به زندگی در گناه ادامه دهد. او ديگر به داشتن چنين زندگی راغب نيست. و ديگر در گناه زندگی نخواهد كرد. و اگر فرد مسيحی كماكان به زندگی در گناه ادامه می‌دهد، يك مسيحی واقعی نيست. مسيحی واقعی مايل و قادر است كه زندگی تازه و مقدسی داشته باشد و اينچنين زندگی خواهد كرد.

۳) روميان ۶: ۵- ۸ تعليم می‌دهد كه يك فرد مسيحی در قيام مسيح با او شريك شده و بنابراين قادر است و ميخواهد زندگی تازه‌ای داشته باشد و چنين زندگی ای خواهد داشت. پولس در تاييد استدلال خود به قيام عيسی اشاره می‌كند. او می‌گويد كسی كه در مرگ مسيح با او شريك شده، قطعاً در قيام مسيح نيز با او متحد گشته است. بين مرگ و قيام رابطه‌ای نزديك وجود دارد. همانگونه كه نتيجه مرگ مسيح قيام او بود، نتيجه مردن فرد ايماندار نسبت به گناه و قدرت آن نيز داشتن يك زندگی تازه و مقدس است (آيه ۵). "انسانيت كهنه" يك ايماندار (طبيعت تولدتازه نيافته)، بواسطه اتحاد با عيسی مسيح يكبار برای هميشه مصلوب شده است. "جسد گناه" (انسانی كه تحت كنترل گناه است، يعنی طبيعت انسانی تولدتازه نيافته) يكبار برای هميشه معدوم گشته و قدرت طبيعت گناهكار او (يعنی گناهی كه در او ساكن است) يكبار برای هميشه در هم شكسته شده است، بطوريكه چنين شخصی ديگر بنده طبيعت گنهكار خود نيست.

چنين فردی اگرچه هنوز كامل نيست و ممكن است هر آن مرتكب گناه شود، اما ديگر هيچگاه بنده گناه نيست و در گناه زندگی نمی‌كند. او بواسطه اتحاد با عيسی‌مسيح، مايل و قادر است كه با گناه و طبيعت گناهكار خود مقابله كند. و مطمئناً بر عليه گناه ميجنگد و بر طبيعت گناهكار خود غلبه خواهد يافت. او مايل و قادر است كه زندگی پاك و مقدسی داشته باشد. و چنين زندگی را خواهد داشت. مرگ و قيام عيسی مسيح بيانگر عادل شمردگی فرد ايماندار به لحاظ شريعت، و مقدس بودن او به‌لحاظ اخلاقی است. فرد مسيحی در مرگ مسيح شريك می‌شود تا از اين طريق بتواند در حيات او نيز سهيم باشد. مسيحيان تنها زمانی قادر خواهند بود از بركات مرگ مسيح بهره‌مند شوند كه در قدرت قيام او نيز شريك شده باشند. اگر كسی مايل است زندگی مقدسی داشته باشد، بايد ابتدا توسط خدا عادل شمرده شود. هيچ كس نمی‌تواند بدون عادل شمرده شدن زندگی مقدسی داشته باشد. در كتاب‌مقدس عادل شمردگی و قدوسيت جدا از هم نيستند (آيه ۶). بنابراين فرد ايماندار يقين دارد كه نسبت به گناه مرده و عادل شمرده شده است و يا به مفهومی ديگر، او عادل اعلان شده و از اسارت طبيعت گناهكار خويش رهايی يافته است (آيه ۷). افعالی كه در آيات ۵ و ۸ در زمان آينده بكار رفته‌اند، بيانگر عملی در آينده نيستند، بلكه به قطعيت اين عمل اشاره دارند.

ب) <u>مفهوم</u>

تعميد مسيحی علامت و مهر شراكت در مرگ عيسی مسيح است كه باعث می‌شود فرد مسيحی يكبار برای هميشه نسبت به گناه بميرد. تعميد مسيحی علامت و مهر شراكت در عادل شمردگی است از لحاظ شريعت، و تقدس از لحاظ اخلاقی، كه كاملاً به تقديس شدن در زمان حال و جلال يافتن در زمان آينده مرتبط می‌باشد. تعميد مسيحی گواه اين حقيقت است كه فرد ايماندار در تمام جنبه‌های كار عيسی مسيح در زمان گذشته، حال و آينده نسبت به او متعهد است. اين حقيقت به فرد ايماندار اين قطعيت و تضمين را می‌دهد كه او عادل شمرده شده و مقدس گشته است (۱ قرنتيان ۱: ۳۰)، يا به مفهومی ديگر، در حال تقديس شدن است و در آينده نيز قطعاً به جلال خواهد رسيد (روميان ۸: ۲۹- ۳۰ ؛ فيليپيان ۱: ۶).

<u>۴- تعميد مسيحی علامت و مهر اتحاد با خدای تثليث و شراكت در امر شاگردسازی است. تعميد علامت و مهر تعهد به خدای تثليث است كه خود بخشی از رسالت شاگردسازی است.</u>

بخوانيد: متی ۲۸: ۱۹

كشف و گفتگو كنيد: تعميد مسيحی در اين قسمت از كتاب‌مقدس به چه معنا است؟

ملاحظات:

الف) <u>چارچوب</u>

عيسی مسيح پس از مرگ و قيام خود به شاگردانش مأموريت بزرگی محول كرد. او به آنان فرمود نزد مردم ملل مختلف بروند و آنها را شاگرد مسيح سازند. بر شاگردان بود كه نزد مردم مختلف دنيا بروند، پيغام انجيل را برای آنها موعظه كنند، كسانی را كه ايمان می‌آورند به نام خدای تثليث تعميد دهند، و به آنها ياد بدهند كه از سخنان عيسی مسيح اطاعت كنند.

ب) <u>مفهوم</u>

تعميد به نام سه شخصيت خدای تثليث، نشانه و مهر تعهد نسبت به خدايی است كه خود را بصورت خدايی واحد در سه شخصيت مجزا كه در عين حال در ذات الهی با هم يك هستند، آشكار كرده است. به‌علاوه، تعميد علامت و مهر شراكت در آن كاری است كه خدا در جهان انجام می‌دهد. بنابراين تعميد مسيحی علامت و مهر تعهد نسبت به خدای تثليث و نيز نسبت به آن كاری است كه خدا در جهان انجام می‌دهد - كاری كه همانا عبارت است از شاگردسازی مردم جهان از هر قوم و ملتی.

۵- تعمید مسیحی علامت و مهر اتحاد با مسیح و شراکت در بدن او است. تعمید علامت و مهر تعمید به روح‌القدس است که در نتیجه آن فرد ایماندار عضوی از بدن مسیح (جامعه مسیح، کلیسای مسیحی) می‌شود.

بخوانید: اول قرنتیان ۱۲: ۱۲- ۱۳.
کشف و گفتگو کنید: تعمید مسیحی در این قسمت از کتاب‌مقدس به چه معنا است؟
ملاحظات:
الف) چارچوب
تمام کسانی که پیغام انجیل را می‌شنوند و به عیسی‌مسیح ایمان می‌آورند، بوسیله روح‌القدس تعمید می‌گیرند. به عبارت دیگر، تولد تازه می‌یابند و عضوی از بدن مسیح می‌شوند. منظور از بدن مسیح، کلیسای مسیحی در سراسر دنیا است. تمام ایمانداران از یك روح "نوشانده شده‌اند" که روح‌القدس است، یعنی روح‌القدس را در قلب و زندگی خود پذیرفته‌اند. روح‌القدس مانند نهرهای آب زنده از بطن هر ایماندار جاری می‌شود (یوحنا ۷: ۳۷- ۳۹).
هنگامی که ایمانداران اولیه یهودی روح‌القدس را دریافت کردند، به نام (در یونانی: epi to onomat، یعنی بر زبان آوردن یا خواندن نام) عیسی مسیح تعمید یافتند و به جامعه مسیحی آن زمان پیوستند (اعمال ۲: ۳۷- ۴۱). وقتی که روح‌القدس بر ایمانداران غیریهودی نازل شد، خدا محض فیض خود آنان را نجات داد، آنان را به توبه واداشت، و کاری کرد که قلبهای‌شان بواسطه ایمانشان به عیسی مسیح پاك و تطهیر شود (اعمال ۱۱: ۱۴- ۱۸؛ ۱۵: ۷- ۱۱). بدین ترتیب آنها در نام (در یونانی: en to onomati، در ارتباط با) عیسی مسیح تعمید یافتند (اعمال ۱۰: ۴۴- ۴۸).

ب) مفهوم
تعمید مسیحی علامت و مهر تعمید با روح‌القدس است که در نتیجه آن فرد ایماندار عضوی از بدن مسیح می‌شود. تعمید مسیحی علامت و مهر تعهد است نسبت به مسیح (بعنوان سر بدن)، نسبت به کلیسای مسیحی در سراسر جهان (یعنی تمامی اعضای بدن مسیح در سراسر جهان) و نسبت به کلیسای محلی (یعنی اعضای بدن مسیح در محل زندگی فرد ایماندار).

۶- تعمید مسیحی علامت و مهر اتحاد با مسیح و شراکت با قوم عهد خدا می‌باشد. تعمید، نشانه و مهر تعلق داشتن به عهد خداست که در نتیجه آن فرد ایماندار جزوی از قوم خدا می‌شود و خدای زنده، خدای او می‌گردد.

بخوانید: غلاطیان ۳: ۲۶- ۲۹.
کشف و گفتگو کنید: تعمید مسیحی در این قسمت از کتاب‌مقدس به چه معنا است؟
ملاحظات:
الف) چارچوب
وعده بزرگ عهد خدا به ابراهیم این بود که تمام قبایل یا ملل جهان، از "ذریت" او (یعنی از عیسی، مسیح موعود) برکت خواهند یافت (پیدایش ۱۲: ۱- ۳؛ ۲۲: ۱۷- ۱۸). تمامی این برکت‌یافتگان جزو قوم خدا می‌شوند و خدای زنده، خدای آنان خواهد بود (لاویان ۲۶: ۱۲). ایمان ایمانداران دوران عهد عتیق معطوف آمدن عیسی مسیح و نیز معطوف آن کاری بود که او با آمدنش بر زمین، به انجام می‌رساند. و اما ایمان ایمانداران دوران عهد جدید معطوف آن کاری است که عیسی‌مسیح پس از آمدن به این دنیا، توسط مرگ و قیامش به انجام رساند. تمام ایمانداران دوران عهد جدید در نام (یعنی در ارتباط و مشارکت با) عیسی مسیح تعمید یافته و او را پوشیده‌اند (یعنی عدالت و قدوسیت او را در بر کرده‌اند). با توجه به اینکه عیسی مسیح از نسل ابراهیم است که خدا این وعده را به او داده بود (غلاطیان ۳: ۱۶)، تمام ایمانداران دوران عهد جدید همراه با ابراهیم در عهد خدا شریك هستند، به قوم خدا تعلق دارند و خدای زنده، خدای ایشان است.

ب) مفهوم
تعمید مسیحی علامت و مهر تعلق به مسیح و شراکت در عدالت و قدوسیت او است در چارچوب عهدی که او خود ضامن آن است (اشعیا ۴۲: ۶؛ عبرانیان ۷: ۲۲؛ ۸: ۶- ۱۳). تمام ایمانداران، چه یهود و چه غیریهود، چه غلام و چه آزاد، چه مرد و چه زن، همگی جزو قوم عهد خدا محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، متعلق به قوم خدا هستند، خدای زنده، خدای ایشان است (دوم قرنتیان ۶: ۱۶؛ اول پطرس ۲: ۹- ۱۰) و همگی وارثان خدا هستند.

پ - آیین تعمید مسیحی

۱- ارتباط بین عمل خدا و مسؤولیت انسان در تعمید مسیحی.

الف) خدا همیشه اولین است.
بخوانید: مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۲: ۳۷- ۴۲.
کشف و گفتگو کنید: چه کسی اولین قدم را برداشت؟ آیا شما بودید که اولین قدم را به‌سوی خدا برداشتید؟ یا اینکه خدا بود که در مسیح قدم اول را برداشت و نزد شما آمد؟
ملاحظات: شما به عنوان فردی ایماندار بر این حقیقت واقف‌اید که خدا قبل از اینکه شما به سوی او بروید، خود ابتکار عمل را بدست گرفت و قدم اول را به سوی شما برداشت. خدا این کار را بدین طریق انجام داد که کسی را نزد شما فرستاد تا پیغام انجیل را به شما اعلام نماید. تنها پس از شنیدن پیغام انجیل است که می‌توانید تصمیم بگیرید آیا حاضرید با ایمان نزد عیسی مسیح بروید و زندگی خود را به او بسپارید یا خیر. به همین خاطر است که شما خود نمی‌توانید خودتان را تعمید دهید، بلکه باید شخص دیگری شما را تعمید دهد. تعمید مسیحی تصویری است مشهود و مرئی از این حقیقت که خود خدا قدم اول را به سوی شما برداشته و بواسطه فیضش روح قدوس خود را به شما عطا کرده است.

ب) اعتراف علنی ایمان.
بخوانید: اعمال ۲۲: ۱۶.
کشف و گفتگو کنید: بهنگام تعمید، به چه چیز اعتراف می‌کنید؟
ملاحظات: شما با به زبان آوردن یا خواندن نام عیسی مسیح تعمید می‌گیرید. به عبارت دیگر، به طور علنی و در حضور مردم اعتراف می‌کنید که به عیسی مسیح ایمان دارید.
در این مورد، جوامع مختلف مسیحی به طرق مختلفی عمل می‌کنند. کسانی که هنوز تعمید نگرفته‌اند بهنگام تعمید به ایمانشان اعتراف می‌کنند، ولی کسانی که در کودکی تعمید گرفته‌اند تا نشانی باشد از تعمید کل اهل یك خانه (اعمال ۱۶: ۱۵، ۱۶: ۳۳، اول قرنتیان ۱: ۱۶، ۲: ۳۸؛ ۱۱: ۱۴)، زمانی به طور علنی به ایمان خود اعتراف می‌کنند که مسؤولیت ایمان شخصی‌شان را به عیسی مسیح پذیرفته باشند. (مراجعه کنید به ضمیمه شماره ۱).

پ) تعهد.
بخوانید: متی ۲۸: ۱۹- ۲۰؛ افسسیان ۲: ۸- ۱۰.
کشف و گفتگو کنید: هنگامی که به طور علنی به ایمان خود اعتراف می‌کنید و تعمید می‌گیرید، در واقع خود را به چه چیزهایی متعهد می‌سازید؟
ملاحظات: هنگامی که در زمان تعمید به ایمان‌تان اعتراف می‌کنید، در واقع متعهد می‌شوید که از تعالیم عیسی اطاعت کرده، در زندگی خود ثمر خواهید آورد. تعمید مسیحی، علامت و مهر تعهد شما است در قبال خدای تثلیث، و این امر بخشی از شاگردسازی محسوب می‌شود. زیرا شاگردسازی یعنی اینکه یاد بگیریم از آن اموری که خدا در کلامش حکم کرده است اطاعت کنیم.
همچنین تعمید مسیحی علامت و مهر نجاتی است که بر اساس فیض خدا و محض ایمان‌تان متعلق به شما است. شما تنها زمانی می‌توانید به ایمان خود اعتراف کنید که فیض خدا را که مستحق آن نبودید با دستان خالی دریافت کرده باشید. نجات بواسطه اعمال نیك شخص حاصل نمی‌شود بلکه نتیجه فیض خدا است. خدا بواسطه فیض خود، شما را فردی کاملاً عادل اعلام می‌کند و بدین ترتیب در نظر او عادل محسوب می‌شوید. این عمل نتیجه کار تمام شده نجات است که مسیح به خاطر شما بر صلیب انجام داد. شما عدالت خدا را با ایمان به‌عنوان عدالت شخصی خود دریافت می‌کنید. و اعمال نیك‌تان ثمره روح‌القدس خواهد بود که در زندگی شما عمل می‌کنند. ارتباط بین فیض، ایمان و اعمال نیك را می‌توان در قالب یك درخت به تصویر کشید. ریشه‌های این درخت نمایانگر فیض خدا هستند، تنه آن ایمان شما است و میوه‌های آن نیز اعمال نیك‌تان است. در کتاب‌مقدس، فیض، ایمان و اعمال نیك جدا از هم نیستند.

۵	دعا (۸ دقیقه) دعای در پاسخ به کلام خدا

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " تعمید مسیحی " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از غلاطیان ۱- ۴ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (اهداف مشترک زندگی: عاموس ۳: ۳) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - بررسی کتاب‌مقدس - انجیل یوحنا فصل ۵ را مطالعه کنید. از روش ۵ قدم برای بررسی کتاب‌مقدس استفاده کنید.
۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۴

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **غلاطیان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (غلاطیان ۱- ۴) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: آمادگی یك فرد مسیحی جهت ازدواج**

مرور: دو نفری مرور کنید. اهداف مشترک زندگی: عاموس ۳: ۳.

۴	**بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه)** **یوحنا ۵: ۱- ۴۷**

مقدمه: یوحنا ۵: ۱- ۴۷ ، عیسی مسیح را به عنوان کلمه توصیف می‌کند که پس از انجام معجزه‌ای در بیت‌صیدا، در یهودیه از سوی مردم طرد شد.

<u>قدم ۱: بخوانید</u>
بخوانید: یوحنا ۵: ۱- ۴۷ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت یك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

<u>قدم ۲: کشف کنید</u>
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

<u>کشف ۱)</u> در یوحنا ۵: ۱۷- ۲۳، در مورد <u>ادعاهای عیسی</u> حقیقت مهمی برای من وجود دارد. عیسی ادعاهایی در مورد خود داشت که یهودیان متوجه آنها شده بودند.

الف) <u>در یوحنا ۵: ۱۷- ۱۸، عیسی ادعا می‌کند که در ذات با خدای پدر برابر است.</u> عیسی خدا را "پدر خود" خطاب می‌کرد. یهودیان بلافاصله متوجه این حقیقت شدند که عیسی مدعی است وجودی الهی به والاترین معنی کلمه می‌باشد. آنها متوجه شدند که عیسی ادعای برابری با خدای پدر را دارد. ادعای عیسی یا بدترین کفر ممکن بود و مجازات آن مرگ بود، و یا پرجلالترین حقیقتی بود که باید با ایمان پذیرفته می‌شد. خدای پدر و خدای پسر دارای یك طبیعت هستند. به همین دلیل عیسی ادعا کرد که از نظر ماهیت وجودی با خدا برابر است. به خاطر این ادعای عیسی بود که یهودیان در صدد کشتن او بودند.

نیز یهودیان عیسی را محکوم به شکستن روز سبت می‌کردند. یهودیان معتقد بودند که در روز سبت هیچ کس نباید کاری انجام دهد. عیسی به آنها گفت که اگر آنچه در مورد روز سبت می‌گویند حقیقت دارد، در آن صورت خدا نیز متهم به شکستن روز سبت است، زیرا خدا همواره در حال مراقبت از آفریده‌های خود و مشغول نجات جان مردم است. خدا هیچوقت کارش را متوقف نمی‌سازد. او پیوسته از آفریده‌های خود مراقبت می‌کند و مردم را نجات می‌دهد. به همین ترتیب، پسر نیز که نزدیکترین رابطه را با پدر دارد مانند او مشغول کار است. در آیه ۱۷، عیسی می‌فرماید: "پدر من تاکنون کار می‌کند و من نیز کار می‌کنم". مفهوم سخنان عیسی این است که یهودیان با متهم کردن عیسی به شکستن روز سبت، در واقع به خدا نیز چنین اتهامی می‌بندند، زیرا خدای پسر از نظر ماهیت وجودی با خدای پدر برابر است.

ب) در یوحنا ۵: ۱۹- ۲۲ عیسی ادعا می‌کند که او دست به همان کارهایی می‌زند که خدای پدر انجام می‌دهد، و از این جهت نیز با او برابر می‌باشد. عیسی می‌فرماید، "پسر از خود هیچ نمی‌تواند کرد مگر آنچه بیند که پدر به عمل آرد، زیرا که آنچه او می‌کند، پسر نیز می‌کند". عملی که با پدر آغاز می‌شود و پدر خاستگاه آن است، در پسر متجلی می‌گردد. پسر آنچه را که پدر به او نشان می‌دهد می‌بیند و با اعمال و گفتار خود، افکار خدا را بر مردم آشکار می‌سازد. پسر اراده پدر را می‌داند و آن را به اجرا درمی‌آورد. عیسی یهودیان را از این حقیقت مطمئن می‌سازد که او قدرت دارد اعمالی بس بزرگتر از صرفاً شفای یك شخص مفلوج انجام دهد. اگر آنها به خاطر آن کارهایی که عیسی تا به آن لحظه انجام داده بود متعجب بودند، چقدر بیشتر به خاطر اعمال بزرگتری که او انجام می‌داد در حیرت می‌افتادند. در اینجا دو عمل بزرگ مد نظر است: برخیزاندن مردگان و انجام داوری.
عیسی ادعا می‌کند: "همچنان که پدر مردگان را برمی‌خیزاند و زنده می‌کند، همچنین پسر نیز هر که را می‌خواهد زنده می‌کند." عیسی نمی‌گوید صرفاً عاملی است در دستان خدا که خدا به‌توسط او مردگان را زنده می‌کند، نظیر وضعیت انبیایی چون ایلیا و الیشع که خدا از آنها برای زنده کردن مردگان استفاده کرد. بلکه او ادعا دارد که نه تنها می‌تواند زندگی اخلاقی انسانها را بر روی زمین احیا کند، بلکه حتی قدرت دارد مردگان را از مرگ برخیزاند. عیسی ادعا می‌کند که همانند پدر این قدرت را دارد که به انسانهایی که از لحاظ روحانی مرده‌اند حیاتی روحانی عطا کند و بهنگام قیامت مردگان در آینده، قادر است به بدنهای مرده بشر، حیاتی غیرفانی عطا کند.
عیسی ادعا می‌کند: "پدر هیچ کس را داوری نمی‌کند بلکه تمام داوری را به پسر سپرده است". در طول دوران عهد عتیق، خدا به عنوان "داور جهان" شناخته شده است (پیدایش ۱۸: ۲۵). داوری او به طور مداوم در زندگی مردم و ملل مختلف اِعمال می‌شد. هنگامی که آخر زمان فرا رسد، یك داوری نهایی وجود خواهد داشت. عیسی همچنین ادعا می‌کند که قدرت اِعمال داوری نهایی نیز در اختیار اوست. در واقع او می‌گوید که خدای پدر کار داوری را یکسره به دست او سپرده است. خدا به این دلیل کار داوری را به دست پسر سپرده است تا همگان همانطور که پدر را حرمت می‌دارند، پسر را نیز حرمت نهند.

پ) در آیه ۲۳ عیسی ادعا می‌کند که از نظر حرمتی که خدای پدر دارد نیز با او برابر است. او می‌فرماید: "تا آنکه همه پسر را حرمت بدارند، همچنانکه پدر را حرمت می‌دارند. و کسی که به پسر حرمت نکند، به پدری که او را فرستاد احترام نکرده است". در فیلیپیان ۲: ۹- ۱۱ می‌خوانیم که پدر به پسر که تا به مرگ مطیع بود، به‌عنوان پاداش نامی بالاتر از جمیع نامها عطا کرده است؛ تا به نام عیسی هر زانویی خم شود و هر زبانی اعتراف کند که عیسی مسیح خداوند است. این حرمت و احترام در اشعیا ۴۵: ۲۲ فقط و فقط از آن خداوند است. بنابراین وقتی عیسی مسیح حرمت گذاشته می‌شود، چیزی از جلال خدا کاسته نمی‌شود یا این جلال به کس دیگری واگذار نمی‌گردد. بلکه جلال او فزونی می‌یابد، زیرا عیسی مسیح تمام حرمت و احترام را برای "تمجید و جلال خدای پدر" دریافت می‌کند (فیلیپیان ۲: ۱۱). هر وقت پسر بلند کرده می‌شود، پدر جلال می‌یابد. و هر وقت زانوان مردم در حضور عیسی مسیح خم می‌شود و آنان به زبانهای خود اعتراف می‌کنند که عیسی‌مسیح منجی و خداوندشان است، خدای پدر است که جلال می‌یابد.

کشف ۲) در یوحنا ۵: ۳۰- ۴۷ در رابطه با شهادت در باره عیسی مسیح حقیقت مهمی برای من وجود دارد. در آیه ۳۱، عیسی می‌فرماید که شهادت او درمورد خود حتی اگر راست باشد، از دید یهودیان معتبر نیست. البته شهادت یك شخص درمورد خودش شهادت محسوب نمی‌شود. هیچ کس نمی‌تواند بر خودش شهادت دهد. اگر در پس ادعاهای عیسی اقتدار پدر وجود نمی‌داشت، هیچ کس موظف نبود ادعاهای او را بپذیرد. شهادت عیسی راست است، زیرا توسط شهادت خدای پدر تأیید شده است (یوحنا ۸: ۱۳- ۱۸). اگرچه شهادت عیسی راست است، یهودیان حقانیت و اعتبار آن را انکار می‌کنند. به همین دلیل است که عیسی توجه آنها را به پنج شهادت دیگر درمورد خود جلب می‌کند. یهودیان نمی‌توانند این شهادتها را در مورد عیسی نادیده بگیرند و فاقد اعتبار بپندارند.

الف) شهادت خودِ خدای پدر. در یوحنا ۵: ۱۹ ، ۳۰، عیسی می‌فرماید که پسر از خود هیچ نمی‌تواند بکند، بلکه از الگوی پدر پیروی می‌کند. وجه مشخصه رابطه ابدی که بین پدر و پسر وجود دارد این است که پسر اراده پدر را انجام می‌دهد، از طرف پدر سخن می‌گوید، مانند پدر داوری می‌کند و باعث خشنودی او می‌شود. و به همین خاطر نیز قادر است راحت و مطمئن، کار اثبات حقانیت خود را به خود خدا واگذار کند. بدین ترتیب پدر از پسر حمایت می‌کند و حقانیت او را آشکار می‌سازد.
در آیه ۳۲، عیسی از "شاهدی دیگر" سخن می‌گوید. بر اساس آیات ۳۶- ۳۷ می‌دانیم که این شاهد دیگر همانا خدای پدر است. خدای پدر پیوسته درمورد عیسی مسیح که پسر خداست، شهادت می‌دهد. خدای پدر به سه طریق بر خدای پسر شهادت می‌دهد: توسط نوشته‌های عهد عتیق، از طریق سخن گفتن مستقیم از آسمان در واقعه جسم پوشیدن خدای پسر، و بلاخره توسط اعمالی که

خدای پدر به خدای پسر سپرده است تا توسط او تحقق یابند. تمام شهادتهایی که در زیر می‌آید، جزئی از شهادت خدای پدر می‌باشند:
ب) شهادت یحیی تعمید دهنده. عیسی در یوحنا ۵: ۳۳- ۳۵، یحیی تعمید دهنده را به عنوان شاهد خود معرفی می‌کند. دعوت و وظیفه یحیی تعمید دهنده نشان می‌داد که او بر نور شهادت می‌دهد (یوحنا ۱: ۷). او به یهودیانی که از اورشلیم آمده بودند، شهادت داد که عیسی "آن نور حقیقی است که هر انسانی را منور می‌سازد". و او "خداوند موعود می‌باشد که یحیی تعمید دهنده راه او را مهیا می‌سازد" (مرقس ۱: ۳)، نیز او "بره خداست که گناه جهان را برمی‌دارد"، "او به روح‌القدس تعمید می‌دهد" و "پسر خداست" (یوحنا ۱: ۷، ۹، ۲۳، ۲۹، ۳۳، ۳۴). یحیی آن نور نبود، بلکه همچون چراغی بود که مردم را به سمت عیسی‌مسیح جذب و هدایت می‌کرد. یحیی وظیفه خود را به خوبی انجام داد. اینك "آن نور" خود در آنجا بود و شهادتی بس بزرگتر از شهادت یحیی به حقانیت او گواهی می‌داد.

پ) شهادت اعمال عیسی. عیسی در یوحنا ۵: ۳۶ در مورد کارهایی صحبت می‌کند که خدای پدر به او محول فرموده؛ کارهایی که بر او شهادت می‌دهند. کاری که خدای پدر به عیسی مسیح سپرده بود، این بود که خدای نادیدنی را آشکار سازد و به عنوان کفاره گناهان مردم، جان خود را فدا نماید تا بدین وسیله مردم را نجات داده، آنها را با خدا مصالحه دهد. تمام کارهای دیگر عیسی مانند موعظه، تعلیم و شفا، بخشی از همین کار بزرگ و اصلی او بود. معجزات او علاماتی بودند که به واقعی بودن وجود خدا و کار نجات‌بخش او گواهی می‌دادند. تمام این معجزات آشکارا ثابت می‌کرد که عیسی مسیح را خدای پدر فرستاده است، و هم او است که بر حقانیت عیسی مسیح مهر تأیید می‌زند.

ت) شهادت کتب مقدس. عیسی در یوحنا ۵: ۳۹- ۴۰، کتب عهد عتیق را به عنوان کتبی که بر او شهادت می‌دهند، معرفی می‌کند. او می‌فرماید که اگرچه یهودیان کلام خدا را در اختیار داشتند، اما آن را در قلب خود نگاه نداشتند. آنها با اینکه عهد عتیق را در اختیار داشتند، به آن ایمان نیاوردند و از احکام آن اطاعت نکردند. و با اینکه عهد عتیق به کرات در مورد مسیح موعود صحبت کرده بود، یهودیان در آن کتب متوجه عیسی‌مسیح نشدند و جهت دریافت حیات جاودانی نزد او نرفتند. عیسی در لوقا ۲۴: ۲۷ و ۴۴، به شاگردان خود در مورد آنچه در کتب عهد عتیق در مورد او پیشگویی شده بود، توضیح داد. و دوم تیموتاؤس ۳: ۱۵ نیز تعلیم می‌دهد که کتاب مقدس می‌تواند درمورد نجات به انسان آگاهی و حکمت دهد و این نجات تنها از طریق ایمان داشتن به عیسی مسیح حاصل می‌شود. معلمین یهودی به‌دفعات در کتب خود نوشته‌اند که مطالعه شریعت تنها راه نیل به حیات در عصر حاضر است. عهد جدید در رومیان ۱۰: ۴ بوضوح بر این حقیقت صحه می گذارد که این حیات تنها در عیسی مسیح یافت می‌شود که خود کامل‌کننده شریعت است. بنابراین هر که ایمان داشته باشد، عادل محسوب می‌گردد.

ث) شهادت موسی. عیسی در یوحنا ۵: ۴۵- ۴۷، موسی را به عنوان شاهد خود معرفی می‌کند. اگرچه یهودیان موسی را والاترین نبی خود می‌پنداشتند، اما عیسی می‌گوید که آنان به آنچه موسی نوشته بود، ایمان نیاوردند. موسی در تثنیه ۱۸: ۱۵ چنین نبوت کرده بود: "یهوه خدایت نبی‌ای را از میان تو از برادرانت، مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید، او را بشنوید". موسی خود نبوت کرده بود که حکم و دستور خدا این است که تمام مردم باید از مسیح موعود اطاعت کنند. اما یهودیان سخت‌دل درنیافتند که عیسی همان مسیح موعود است (آنها ندای خدا و جلوه الهی او را در عیسی ندیدند)، به همین جهت قلب خود را سخت ساخته، مسیح موعود را که پسر خدا بود نپذیرفتند و او را طرد کردند.

قدم ۳: سؤال
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۵: ۱- ٤۷ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برایشان پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۵: ۸). چرا مرد مفلوج بلافاصله شفا یافت؟
ملاحظات: یك شخص مفلوج قادر به حرکت و قدم زدن نیست. همچنین قادر نیست بایستد و چیزی بردارد. این مرد مفلوج از اینکه کسی نبود به او کمك کند، شاکی بود. عیسی به او گفت: "برخیز و بستر خود را برداشته، روانه شو." این جمله چالش بزرگی برای شخصی بود که کمی پیش به ناتوانی خود اعتراف کرده بود.
عیسی هیچوقت فرمانی را صادر نمی‌کند که قابل اجرا نباشد. بنابراین وقتی او سخن می‌گوید یا فرمانی می‌دهد، می‌خواهد مطابق گفته‌اش عمل شود. کلام او قدرتمند و مؤثر است. در این داستان، عیسی مایل است که مرد مفلوج بار دیگر راه برود. این شخص به کلام عیسی ایمان آورد. و برای اثبات ایمانش، از فرمان عیسی اطاعت کرد. او بلافاصله برخاست، بستر خود را برداشت و

روانه شد. شخص مفلوج در نتیجه سخن قدرتمند و مؤثر عیسی و ایمان آوردن به آن، شفا یافت. شفای او تدریجی نبود و اینطور نبود که تنها قسمتی از بدن او شفا پیدا کند، بلکه شفایی آنی و کامل بود. در این ماجرا نیز بار دیگر جلال عیسی آشکار می‌شود.
سؤال ۲) (یوحنا ۵: ۲۴- ۲۵). چگونه پسر خدا به مردگان حیات می‌بخشد؟
ملاحظات:
الف) کلام عیسی قدرتمند و حیات‌بخش است. در یوحنا ۵: ۲۴، عیسی مسیح، پسر خدا می‌فرماید: "آمین آمین به شما می‌گویم هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد، حیات جاودانی دارد و در داوری نمی‌آید بلکه از موت تا به حیات منتقل گشته است". عیسی مسیح توسط کلامش به انسانها حیات می‌بخشد. "کلام او" عبارت است از پیغام او خطاب به جهانیان. او کلام خود را با اقتدار پدرش بیان می‌کند. معجزه شفای مرد مفلوج، "علامتی" است از این حقیقت که خدا از طریق کلامش به مردم حیات روحانی عطا می‌کند. مرد مفلوج بواسطه کلام قدرتمند عیسی مسیح شفای جسمانی یافت. به همین ترتیب، مردم نیز تنها بوسیله کلام حیات‌بخش عیسی مسیح شفای روحانی را دریافت خواهند کرد.

ب) کلام عیسی باعث می‌شود روح‌القدس عمل کند. در یوحنا ۵: ۲۵، عیسی می‌فرماید: "آمین آمین به شما می‌گویم که ساعتی می‌آید بلکه اکنون است که مردگان آواز پسر خدا را می‌شنوند و هر که بشنود، زنده گردد". چگونه "مردگان" قادر به شنیدن خواهند بود؟ در حزقیال ۳۷: ۴، نبی خدا می‌فرماید: "ای استخوانهای خشك کلام خداوند را بشنوید." و روح خداوند بر آنها قرار گرفت و آنها زنده شدند. امروزه نیز همان روح خدا "افرادی را که از نظر روحانی مرده هستند"، قادر می‌سازد صدای خدا را بشنوند و از حیاتی تازه برخوردار گردند.

پ) کلام خدا تنها بر افرادی قرار می‌گیرد که او بر حسب اراده مطلق خود آنها را برگزیده است. کدامیك از انسانهایی که از نظر روحانی مرده‌اند، این صدا را می‌شنوند و زنده می‌شوند؟ در یوحنا ۵: ۲۱، مسیح می‌فرماید، او هر که را بخواهد زنده می‌کند. عیسی مسیح حیات جاودانی را به افرادی عطا می‌کند که آنها را از قبل بر حسب اراده مطلق خود انتخاب کرده است. روح‌القدس باعث می‌شود آنها صدای خدا را بشنوند و زندگی روحانی تازه و نوینی را از او دریافت کنند.

سؤال ۳) (یوحنا ۵: ۲۶). منظور از این عبارت که "پسر در خود حیات دارد" چیست ؟
ملاحظات: تنها خدای پدر به طور ذاتی از این حیات برخوردار است، زیرا تنها اوست که مولود و خلق نشده است. او بنا به ذات خود خدایی زنده است و به هیچ چیز و هیچ کس وابسته نیست. عیسی می‌فرماید: "زیرا همچنان که پدر در خود حیات دارد، همچنین پسر را نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد". خدای پدر از ازل این حق و امتیاز مخصوص را به خدای پسر عطا کرده است که او در خود حیات داشته باشد. به همین دلیل است که او پسر یگانه نامیده می‌شود. عیسی مسیح یگانه مولود است، ولی موجودی مخلوق نیست. خدای پدر در زمان تجسم یا تعمید عیسی حیات ذاتی خود را به خدای پسر اعطا نکرد. بلکه این حیات عملی الهی و بخشی از رابطه ویژه‌ای است که از ازل بین پدر و پسر وجود داشته است. خدای پدر در چارچوب نظم و ترتیب ابدی چنین مقرر فرمود که پسر در خود حیات داشته باشد، و پسر نیز این حیات را بر مردم آشکار می‌سازد. در یوحنا ۱: ۲، خدای پسر به عنوان مجسم کننده حیات ابدی مکشوف گشته است که "با خدای پدر بود و بر ما آشکار گشت". مخلوقات بشری در خود این حیات را ندارند، زیرا مخلوق هستند. خالق آنها خدا، به آنها حیات می‌بخشد.

قدم ۴: بکار ببرید
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۵: ۱- ۴۷ کنید.
توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر از یوحنا فصل ۵

- ۵: ۱- ۷ * بیت حسدا یعنی "خانه رحمت". ولی بیمارانی که آنجا بودند هر یك برای پریدن به داخل حوض و دریافت شفا چنان یکدیگر را هل می‌دادند که آن مکان بیشتر به جنگلی بی‌رحم می‌مانست. بنابراین اجازه ندهید خانه شما یا کلیسای شما تبدیل به مکانی بی‌رحم شود و در آن از رحمت خبری نباشد.
- ۵: ۸- ۱۰ * نحمیا در مقام فرماندار اجازه نمی‌داد تاجران در روز سبت برای خرید و فروش وارد اورشلیم شوند (نحمیا ۱۳: ۱۵- ۲۲). اما معلمین مذهبی یهود حکم چهارم از ده احکام را که در مورد حرمت نهادن به روز سبت بود، به قوانینی سخت و دست و پاگیر تبدیل کرده بودند نظیر اینکه نباید در چنین روزی هیچ گونه باری حمل کرد. عیسی در این مورد

هشدار داده گفت: "پس به تقلید خود (به خاطر رسوم و قوانین خود)، حکم خدا را باطل نموده‌اید"، زیرا چنین "عبادتی بیهوده می‌باشد" و چنین "تعالیمی، احکامی انسانی هستند" (متی ۱۵: ۱- ۹).

- ۵: ۲۳ * همانگونه که خدای پدر را حرمت می‌نهید، خدای پسر را نیز حرمت نهید. هر که مسیح را حرمت نهد، خدا را حرمت نهاده است (یوحنا ۵: ۲۳). هر که مسیح را می‌شناسد، خدا را می‌شناسد (یوحنا ۸: ۱۹). هر که به مسیح ایمان دارد، به خدا ایمان دارد (یوحنا ۱۲: ۴۴). هر که مسیح را قبول کند، خدا را قبول کرده است (یوحنا ۱۳: ۲۰). هر مسیح را دریافت کند، خدا را دریافت کرده است (متی ۱۰: ۴۰). هر که مسیح را حقیر شمارد، خدا را حقیر شمرده است (لوقا ۱۰: ۱۶). هر که مسیح را قبول نکند، نمی‌تواند به نزد خدای پدر برود (یوحنا ۱۴: ۶). هر که مسیح را دیده است، خدای پدر را دیده است (یوحنا ۱۴: ۹- ۱۰). هر که از احکام مسیح اطاعت کند، خدا را محبت می‌کند (یوحنا ۱۴: ۲۱، ۲۳). هر که را پدر به عیسی‌مسیح عطا کند، به جانب او خواهد رفت و هرگز بیرون افکنده نخواهد شد (یوحنا ۶: ۳۷، ۴۴؛ ۱۷: ۲، ۶، ۹). هر که مسیح را اقرار کند، خدا را اقرار می‌کند (اول یوحنا ۲: ۲۳).
- ۵: ۲۴ * پیغام انجیل را اعلام کنید. هر که کلام را بشنود و ایمان بیاورد، بلافاصله از حیات جاودان برخوردار می‌گردد و در داوری نهایی محکوم نخواهد شد، بلکه از مرگ به حیات منتقل خواهد گردید.
- ۵: ۲۸- ۲۹ * خود را برای بازگشت مسیح آماده سازید. در آن زمان تمام زندگان و مردگان صدای او را خواهند شنید و مردگان از قبرهای خود برخواهند خاست تا نجات یابند یا به مجازات ابدی برسند.
- ۵: ۳۱- ۴۷ * خود را تفتیش کنید و ببینید آیا براستی به عیسی مسیح ایمان دارید و شهادت خدای پدر را در مورد عیسی مسیح پذیرفته‌اید یا خیر.
- ۵: ۳۹ * کتاب‌مقدس را مطالعه کنید، زیرا بر عیسی مسیح شهادت می‌دهد. و درمورد دریافت نجات به شما حکمت می‌بخشد (۲ تیموتاؤس ۳: ۱۵).
- ۵: ۴۴ * چه چیزی برای‌تان بیشتر مهم است: اینکه خانواده، دوستان، و همشهریان‌تان شما را تحسین کنند، یا اینکه از جانب خدا تحسین شوید؟

<u>نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی</u>

الف) من می‌خواهم به سخنان عیسی ایمان بیاورم. وقتی عیسی به آن مرد مفلوج گفت: "برخیز، بسترت را بردار و روانه شو."، شاید چنین کاری از دید مردم غیرممکن به نظر می‌رسید، ولی در نظر خدا هیچ امری محال نیست. هنگامی که عیسی از طریق کلامش به من تعلیم می‌دهد، این بدان معنا است که او می‌خواهد من تعالیم او را در زندگی خود به کار ببندم. سخن او قدرتمند و مؤثر است. عیسی قادر است به آنچه می‌گوید عمل کند، و می‌خواهد که چنین نماید. بنابراین من می‌خواهم به سخنان او ایمان داشته باشم. من نیز مثل مرد مفلوج به ناتوانی خود اعتراف می‌کنم. و مانند او از سخنان عیسی اطاعت خواهم کرد.

ب) من می‌خواهم در اعتراف ایمان خود تاکید کنم که عیسی مسیح با خدا برابر است. هیچ کس نمی‌تواند طبیعت خدا را توصیف کند، چون هیچ کس از خدا بزرگتر نیست. فکر و سخنان خدا همچون اقیانوسی بزرگ است، اما فکر انسان تنها به به اندازه یك لیوان آب گنجایش دارد. بنابراین من گرچه قادر به درك طبیعت الهی خدا نیستم، ولی به آنچه او در کتاب‌مقدس در مورد خود آشکار کرده است، اعتراف خواهم کرد. اولاً: عیسی در متی ۲۸: ۱۹ می‌فرماید که مسیحیان "به نام "خدای پدر، خدای پسر و خدای روح‌القدس تعمید می‌گیرند. خدا یك نام دارد، نه سه نام. خدا یك ذات دارد ولی خود را در تاریخ در قالب سه شخصیت آشکار کرده است. عیسی مسیح دومین "شخصیت" طبیعت الهی است که در عین اتحاد با دیگر شخصیتهای ذات الهی، از آنها متمایز است.
ثانیاً: در یوحنا ۵: ۲۶، خدای پدر چنین مقرر داشته است که خدای پسر <u>در خود حیات داشته باشد</u>. به عبارت دیگر، خدای پدر و خدای پسر از ازل دارای طبیعتی یکسان و مشترك بوده‌اند.

<u>قدم ۵: دعا کنید</u> در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ٥: ١- ٤٧ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروههای دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یک فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ۵ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یک فصل از غلاطیان ۵- ۶ و افسسیان فصل ۱ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (پرهیزگاری: اول تسالونیکیان ۴: ۳- ۵) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۵

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **غلاطیان و افسسیان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (غلاطیان ۵- ۶ و افسسیان فصل ۱) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: آمادگی یك فرد مسیحی جهت ازدواج**

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: پرهیزگاری: اول تسالونیکیان ۴: ۳- ۵

۴	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **شام خداوند**

مقدمه: این تعلیم در رابطه با شام خداوند است. در این قسمت خواهیم آموخت که کتاب‌مقدس درمورد آیین شام خداوند و شالوده و مفهوم آن چه تعلیمی می‌دهد.
بخوانید: متی ۲۶: ۲۶- ۲۹؛ اول قرنتیان ۱۱: ۲۳- ۳۲.

الف - شالوده و مبنای آیین شام خداوند

۱- اسامی کتاب مقدسی شام خداوند.
تعمید و شام خداوند دو آیین مسیحی هستند. آیین، مراسمی مذهبی است که نشانه بیرونی و مرئی فیضی درونی و روحانی دانسته می‌شود.

الف) این آیین در اول قرنتیان ۱۱: ۲۰، شام خداوند نامیده شده است. این نام از آن رو انتخاب شد تا این شام از شام دوستانه‌ای که اهالی قرنتس هر از گاه ترتیب می‌دادند متمایز شناخته شود. شام خداوند شامی نبود که در آن ثروتمندان، فقرا را مهمان کنند ولی بعد حقیرانه با آنان رفتار نمایند.

ب) این آیین در اول قرنتیان ۱۰: ۲۱، سفره خداوند نامیده شده است. علت این نامگذاری، متمایز ساختن شام خداوند از سفره دیوها بود. غیریهودیانی که در قرنتس بودند عادت داشتند پس از تقدیم قربانی‌های‌شان به بتها، در معابد خود بر سر سفره آن قربانیها بنشینند. چنین شامی "سفره دیوها" نامیده می‌شد، زیرا تقدیم قربانی به بت در واقع تقدیم قربانی به دیوها است، و شرکت در چنین شامی در واقع شراکت با دیوها است.

پ) این آیین در اعمال ۲: ۴۲ و ۲۰: ۷، شکستن نان نامیده شده است، که در واقع اصطلاحی است برای شام دوستانه‌ای که مفهوم شام خداوند را نیز در بر دارد.

ت) این آیین در اول قرنتیان ۱۰: ۱۶، "تبرک" نامیده شده است، یعنی آیین شکرگزاری.

۲- حکم مسیح درمورد برگزار کردن شام خداوند.

الف) اساس و بنیاد شام خداوند.
عیسی آیین شام خداوند را در زمان عید فصح مقرر داشت. به ضمیمه شماره ۲ مراجعه کنید. عیسی در زمان عید فصح مصلوب شد. ما در سه انجیل اول درمورد این واقعه می‌خوانیم. به عنوان مثال، واقعه شام خداوند در متی ۲۶: ۲۶- ۲۹ و اول قرنتیان ۱۱: ۲۳- ۲۹ شرح داده شده است. عیسی در دوران عید فصح، در شبی که باید مصلوب می‌شد نان را گرفته، برکت داد و پاره کرد. سپس آن را به شاگردان خود داد و گفت: "بگیرید و بخورید. این است بدن من." پس از آن پیاله را گرفته، شکر نمود و بدیشان داده گفت: "همه شما از این بنوشید، زیرا که این است خون من در عهد جدید که در راه بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود."

ب) توضیح یوحنا ۶: ۵۴.
"هر که جسد مرا خورد و خون مرا نوشد، حیات جاودانی دارد و من در روز آخر او را خواهم برخیزانید".
یوحنا ۶: ۴۸- ۵۹ توصیفی از شام خداوند نیست، بلکه این قسمت در مورد ایمان آوردن اولیه به عیسی مسیح است. خود عیسی در آیه ۴۰ توضیح می‌دهد که منظورش از آیه ۵۴ چیست: "هر که به پسر ایمان آورد، حیات جاودانی خواهد داشت، و من در روز بازپسین او را خواهم برخیزانید". عیسی تعلیم نمی‌دهد که شراب و نان به طرزی معجزه‌آسا تبدیل به خون و بدن مسیح می‌شود، بلکه خوردن و نوشیدن سمبولی است از اینکه انسان گنهکار به عیسی مسیح ایمان بیاورد و او را در قلب و زندگی خود بپذیرد. عیسی در این چارچوب، در واقع به بی‌ایمانان می‌گوید که باید به او ایمان بیاورند. برعکس آنچه گاه تصور می‌شود، عیسی در این قسمت با ایمانداران درمورد شام خداوند صحبت نمی‌کند.
بدن جسمانی عیسی مسیح در واقعه شام خداوند یا در هیچ جای دیگری روی زمین به‌گونه‌ای اسرارآمیز و مرموز حضور ندارد. عیسی مسیح در ارتباط با بدن جسمانی خود به آسمان صعود کرد و به دست راست خدای پدر نشسته است (اعمال ۱: ۹- ۱۱). بنابراین، هیچ کس روی زمین قادر نیست عملی در رابطه با بدن جسمانی و پرجلال عیسی مسیح در آسمان انجام دهد.

پ) چگونه باید شام خداوند را برگزار کرد؟
پولس رسول درخصوص چگونگی برگزاری شام خداوند به پنج نکته مهم اشاره می‌کند:
۱) يك حکم. شام خداوند حکمی بود که پولس آن را از خداوند دریافت کرده بود، و تمام مسیحیان نیز باید از این حکم اطاعت کرده، شام خداوند را برگزار کنند.
۲) يك برکت و شکرگزاری. متی می‌گوید که عیسی نان را برکت داد، و پولس می‌گوید که او برای نان شکرگزاری کرد. برکت دادن یعنی طلبیدن فیض قدرتمند خدا، و شکرگزاری یعنی اعتراف قلبی به فیض خدا. این دو لغت به احتمال زیاد هر دو به يك معنایند و مفاهیم برکت و شکرگزاری را القا می‌کنند.
۳) يك یادگار. خداوند عیسی به مسیحیان تعلیم داد که شام خداوند را به یادگاری او برگزار کنند.
۴) يك اعلام. وقتی مسیحیان شام خداوند را برگزار می‌کنند، موت خداوند را ظاهر و اعلام می‌کنند، تا آنگاه که او بازگردد.
۵) جشنی شایسته. شام خداوند باید به طرز شایسته برگزار شود. بنابراین هر فرد مسیحی باید قبل از خوردن نان و نوشیدن پیاله، خود را تفتیش کند. يك فرد مسیحی باید بتواند بدن خداوند را تمییز دهد، و بداند از طریق شرکت در شام خداوند چه کاری را انجام می‌دهد. در غیر اینصورت، با خوردن نان و نوشیدن پیاله در واقع بر خود حکم می‌کند.

ب - مفهوم شام خداوند

مقدمه: شام خداوند علامت و مهری است که توسط عیسی مسیح عطا شده است. شراکت در شام خداوند یعنی ایجاد مشارکت واقعی با عیسی مسیح.
بخوانید: متی ۲۶: ۲۶- ۳۰؛ اول قرنتیان ۱۱: ۲۳- ۲۶.

۱- شام خداوند يك علامت است.

الف) يك علامت، سمبلی بیرونی و قابل رؤیت از يك مفهوم روحانی است.
ویژگی آیین‌های مسیحی این است که از طریق آنها، يك یا چند حقیقت روحانی به توسط نشانه‌هایی بیرونی و قابل رؤیت بیان می‌گردد.

ب) سمبلهای موجود در شام خداوند.
سمبلهای بیرونی و قابل رؤیت در شام خداوند عبارتند از: عناصر نان و شراب، شکستن نان و ریختن شراب، خوردن نان و نوشیدن شراب، و انجام این همه در چارچوب مشارکت با دیگر مسیحیان. حقایق روحانی که از طریق این سمبلهای بیرونی و قابل رؤیت بیان می‌گردند به قرار زیرند:
۱) نان و شراب نمایانگر بدن و خون عیسی است.

۲) شکستن نان نمایانگر بدن عیسی است که بر روی صلیب پاره شد، و ریختن شراب نشانه خون عیسی است که بر صلیب ریخته شد. هر دو عنصر نان و شراب به طور سمبلیك بیانگر مرگ عیسی مسیح به عنوان کفاره‌ای برای گناهان ما هستند، تا ما از مجازات گناه خلاصی یابیم.
۳) عیسی به عنوان کسی که آیین شام خداوند را بنیان نهاد، چنین تعلیم می‌دهد که مرگ او یك مرگ نیابتی بود. او وقتی می‌فرماید: "این است بدن من که برای شما پاره می‌شود" (اول قرنتیان ۱۱: ۲۴) و "این است خون من در عهد جدید که به جهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود"(متی ۲۶: ۲۸)، در واقع به ما تعلیم می‌دهد که مرگش بر صلیب یك قربانی برای قومش بود.
۴) خوردن نان و نوشیدن شراب نمایانگر این حقیقت است که فرد مسیحی با عیسی مسیح شراکت دارد و به طور سمبلیك از برکات و منافع مرگ مسیح بهره‌مند می‌شود و آنها را از آن خود میکند. درست همانگونه که بدن جسمانی شخص از طریق خوردن نان و نوشیدن شراب تغذیه می‌شود، شرکت در شام خداوند نیز شخص را از لحاظ روحانی احیا و تغذیه می‌کند.
۵) برگزاری شام خداوند به‌اتفاق دیگر مسیحیان نمایانگر اتحاد ایمانداران با یکدیگر می‌باشد.
اول قرنتیان ۱۰: ۱۷ تعلیم می‌دهد که سهیم شدن در نان نمایانگر این حقیقت است که مسیحیان اعضای بدن مسیح هستند - بدنی که کلیسای مسیح در جهان است.

۲- <u>شام خداوند یك مهر است.</u>

الف) یك مهر، سمبلی برونی و قابل رؤیت است که قطعیت و واقعی بودن حقیقتی روحانی را تضمین می‌کند.
آیین شام خداوند تنها علامتی از مرگ مسیح نیست، بلکه مهری نیز هست که برکات ناشی از مرگ مسیح را برای ما تضمین می‌کند.

ب) <u>شام خداوند گواه چیست؟</u>
۱) شام خداوند به فرد مسیحی این اطمینان را می‌دهد که مسیح او را به طور خاص دوست دارد.
۲) شام خداوند به فرد مسیحی این وعده را می‌دهد که می‌تواند از تمام برکات ناشی از مرگ مسیح (مانند بخشش گناهان، رهایی از مجازات گناه و داشتن وجدانی آسوده) برخوردار شود.
۳) شام خداوند به فرد مسیحی این اطمینان را می‌دهد که او می‌تواند تا به ابد از برکات نجات برخوردار شود.
۴) شام خداوند وجه مشخصه یك فرد مسیحی است. فرد ایماندار با خوردن نان و نوشیدن شراب، اعتراف می‌کند که به عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده و پادشاه خود ایمان دارد و نسبت به او وفادار است. او با اینکار، به طور جدی قول می‌دهد که از عیسی مسیح و کلامش اطاعت کند. هر بار که فرد مسیحی در شام خداوند شرکت می‌کند، پیغام انجیل را اعلام می‌کند که می‌فرماید، عیسی مسیح برای گناهان ما مرد و هر که به او ایمان آورد گناهانش آمرزیده شده، نجات خواهد یافت.

۳- <u>شام خداوند یک وسیله و عامل فیض است.</u>

الف) <u>آغاز عمل فیض‌بخش خدا.</u>
خدا عمل فیض‌بخش خود را از طریق شام خداوند در قلوب گناهکاران آغاز نمی‌کند، بلکه این عمل را از طریق برگزیدگی و دعوت آنها توسط پیغام انجیل، تجدید حیات و تقدیس آنها توسط روح‌القدس و نیز از طریق عادل شمردن آنها که نتیجه ایمان به عیسی مسیح است، انجام می‌دهد (یوحنا ۳: ۳- ۸؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳- ۱۴).

ب) <u>تداوم عمل فیض‌بخش خدا.</u>
خدا عمل فیض‌بخش خود را در قلوب مسیحیان بوسیله شام خداوند ادامه می‌دهد. پیاله به "خون عهد مسیح، که در راه بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود"، اشاره دارد (متی ۲۶: ۲۷- ۲۸؛ افسسیان ۱: ۷). بدون ریخته شدن خون بخششی وجود ندارد (لاویان ۱۷: ۱۱؛ عبرانیان ۹: ۲۲). بدون ریخته شدن خون عهدی در کار نیست. به عبارت دیگر، بدون ریختن خون هیچ رابطه ویژه‌ای بین خدا و قومش وجود ندارد. آشتی با خدا همواره مستلزم وجود قربانی کفاره بوده که با ریخته شدن خون همراه است. و از آنجا که خود انسان قادر به فراهم کردن چنین قربانی نیست، خدا قربانی نیابتی مقرر داشت و از انسان خواست این قربانی را با ایمان بپذیرد.
عهد و پیمان الهی از طریق مرگ نیابتی مسیح به اجرا در می‌آید. شام خداوند، علامت و مهری است که نشان می‌دهد عهد فیض‌بخش خدا که باعث می‌گردد مردم از گناهان‌شان بخشوده و آزاد شوند، امری است حقیقی. شام خداوند اطمینان شخص را در مورد نجات خود و نجات تمام کلیسای مسیحی افزایش می‌دهد. البته این کار خودبه‌خود صورت نمی‌گیرد. شام خداوند یك آیین اسرارآمیز نیست که جادو کند، بلکه درك و نگرشی که فرد مسیحی از این آیین دارد نیز دارای اهمیت فراوان است.

۴- <u>شام خداوند یك مشارکت واقعی است.</u>

بخوانید: یوحنا ۱۶: ۷، ۱۲- ۱۵؛ افسسیان ۱: ۱۳- ۱۴؛ دوم قرنتیان ۱: ۲۱- ۲۲؛ ۵: ۵.

کشف و گفتگو کنید: مسیح به چه طریقی در شام خداوند حضور دارد؟
ملاحظات:
الف) بدن و خون جسمانی عیسی در آسمان است.
در رابطه با بدن و خون جسمانی، عیسی مسیح در آسمان است (یوحنا ۱۶: ۷؛ اعمال ۱: ۹- ۱۱).

ب) خصوصیات و تأثیرات روحانی بدن و خون عیسی، بر روی زمین حضور دارد.
۱) در رابطه با روح‌القدس، عیسی مسیح بر زمین حضور دارد (متی ۲۹: ۲۰). روح‌القدس یك فرد مسیحی را به جمیع راستی هدایت می‌کند و عیسی مسیح را در کلیسا جلال می‌دهد (یوحنا ۱۶: ۱۳- ۱۵). روح‌القدس میراث یك مسیحی را ضمانت می‌کند (افسسیان ۱: ۱۳- ۱۴). روح‌القدس مهر الهی است که ثابت می‌کند ما به خدا تعلق داریم. و ضامن این حقیقت است که خدا آنچه را که در زندگی‌های ما شروع کرده است، به پایان خواهد رساند (دوم قرنتیان ۱: ۲۱- ۲۲؛ ۵: ۵).
۲) هر جا که مراسم شام خداوند برگزار می‌شود، عیسی مسیح در آنجا حضور دارد و عملی روحانی در زندگی مسیحیان انجام می‌دهد. او از طریق روح‌القدس تمام خصوصیات و تأثیرات قربانی بدن و خون خود را در مراسم شام خداوند آشکار می‌سازد و بدینوسیله مسیحیان را تشویق می‌کند. شام خداوند تنها یك علامت یا سمبل از واقعه‌ای در گذشته نیست، بلکه مهری است که واقعی بودن کار تمام شده محبت و فیض خدا را در زمان حال تضمین می‌کند. شام خداوند مهری است که به فرد مسیحی اطمینان می‌دهد که کار تمام شده مسیح بر روی صلیب، در حال حاضر متعلق به او می‌باشد. و این حقیقت را تضمین می‌کند که گناهان شخص کفاره شده، او نجات یافته و عادل گشته است. شام خداوند صرفاً یادآور مرگ مسیح در گذشته نیست، بلکه یادآور مشارکت با مسیح قیام کرده در آسمان در حال حاضر نیز هست. مسیح در جریان مراسم شام خداوند، حیات روحانی فرد ایماندار را بر روی زمین احیا و تقویت می‌کند.

پ - مراسم شام خداوند

۱- کسانی که به طرز شایسته در شام خداوند شرکت می‌کنند.

بخوانید: اول قرنتیان ۱۱: ۲۷- ۲۹.
کشف و گفتگو کنید: چه کسی می‌تواند در مراسم شام خداوند شرکت کند؟
ملاحظات:
الف) تنها مسیحیانی که قادرند بدن مسیح را تمیز دهند می‌توانند در مراسم شام خداوند شرکت کنند. بنابراین غیرایمانداران و کودکان مسیحی نمی‌توانند در این مراسم شرکت کنند، زیرا آنها بدن مسیح را تمیز نمی‌دهند و متوجه نیستند که بهنگام این مراسم چه کاری انجام می‌دهند.

ب) مسیحیان بالغی که خود را تفتیش نمی‌کنند و بدن مسیح را تمیز نمی‌دهند نیز نمی‌توانند در شام خداوند شرکت کنند.

پ) هر که بخواهد به طرزی ناشایست رفتار کند و بین شام معمولی و شام خداوند تمیز قائل نشود، نمی‌تواند در شام خداوند شرکت کند.

ت) افرادی که در شام خداوند شرکت می‌کنند، کسانی هستند که خود را تفتیش می‌کنند و جداً از گناهان خود توبه می‌کنند و ایمان دارند که خون مسیح تمام گناهان آنها را پاك کرده است، و مایلند در ایمان و قدوسیت رشد کنند. گناهکارانی که از گناهان خود توبه کرده و اعتراف نموده‌اند که بدون مسیح گمشده و گمراه هستند، می‌توانند در شام خداوند شرکت کنند.

۲- نحوه برگزاری مراسم شام خداوند.

الف) کلیساهای مسیحی چند وقت یکبار باید مراسم شام خداوند را برگزار کنند؟
عیسی یا رسولان در این مورد تعلیم خاصی نداده‌اند. بنابراین برخی از کلیساهای مسیحی هر یکشنبه این مراسم را برگزار می‌کنند، ولی اکثر کلیساها آن را یکبار در ماه یا هر سه ماه یکبار برگزار می‌کنند.

ب) از چه نوع نان و شرابی باید استفاده کرد؟
عیسی و رسولان در این مورد نیز تعلیم خاصی نداده‌اند. در این مورد نیز که چه کسی باید نان و شراب را تهیه کند، تعلیمی نداده‌اند. به همین جهت برخی کلیساها از نان بدون خمیرمایه استفاده می‌کند و برخی کلیساهای دیگر از نان معمولی. برخی کلیساها از شراب واقعی استفاده می‌کنند و برخی دیگر شراب را با آب مخلوط می‌کنند یا حتی بجای شراب، آب انگور بکار می‌برند. نان و شراب را می‌توان شخصاً تهیه کرد یا از بیرون خرید. این عناصر بخودی خود مهم نیستند، بلکه مهم حقیقتی است که توسط آنها بازگو می‌شود.

پ) چگونه باید نان و شراب را بین مسیحیان تقسیم کرد؟
عیسی و رسولان تعلیمی در این مورد نداده‌اند. برخی از کلیساها یك قرص نان را به تکه‌های کوچك تقسیم می‌کنند و پیاله‌ای شراب را نیز قبل یا در طول مراسم شام خداوند به پیاله‌های کوچکتر تقسیم می‌کنند. برخی از کلیساها نیز اجازه می‌دهند خود مردم تکه‌ای از قرص نان اصلی بردارند و همه اعضا با هم از یك پیاله اصلی بنوشند. آنچه مهم است نه تعداد تکه‌های نان یا پیاله‌های شراب، بلکه درك مردم از مفهوم این مراسم و شرکت نمودن در آن با نگرشی صحیح می‌باشد. داشتن نگرش صحیح قطعاً به معنای پذیرفتن هم و محبت کردن به یکدیگر است.

ت) چه کسی باید مراسم شام خداوند را اجرا کند؟
عیسی و رسولان در این مورد نیز تعلیمی نداده‌اند. برخی از کلیساها به هر فرد مسیحی بالغی اجازه می‌دهند در این زمینه خدمت کند، اما اکثر کلیساها معتقدند که تنها پیران کلیسا می‌توانند مراسم شام خداوند را اجرا کنند. آنها معتقدند که تعلیم کلام خدا و بجا آوردن آیینها به هم مرتبطند. البته در هیچ قسمت از کتاب‌مقدس خدمت تعلیم کلام و اجرای آیینها به گروه خاصی از مسیحیان محدود نشده است. ولی برای اجتناب از تعالیم غلط و عدم سوءاستفاده از آیینها، بهتر است تنها پیران کلیسای محلی مراسم شام خداوند را اجرا کنند.

ث) در مورد موقعیت شخص و کلماتی که باید در جریان مراسم شام خداوند گفته شود، چه توصیه‌ای شده است.
عیسی و رسولان در این رابطه نیز هیچ تعلیمی نداده‌اند. کلیساها شام خداوند را به طرق مختلفی برگزار می‌کنند. در برخی از کلیساها، مردم در طول مراسم در حالت نشسته باقی می‌مانند، و حال آنکه در برخی کلیساهای دیگر مردم بدین منظور می‌ایستند یا به قسمت جلوی کلیسا می‌روند و زانو می‌زنند. در برخی از کلیساها نیز شرکت‌کنندگان برای دریافت نان و شراب، به سمت شخصی که مسئول اجرای این مراسم است می‌روند.
اکثر کلیساها در جریان برگزاری این مراسم، برای ایمانداران از متی ۲۶: ۲۶- ۲۹ و ۱ قرنتیان ۱۱: ۲۳- ۲۹ قرائت می‌کنند و مفهوم شام خداوند را برای آنها توضیح می‌دهند. سپس به آنها فرصت می‌دهند تا زندگی خود را تفتیش کنند و نزد خداوند به گناهان‌شان اعتراف نمایند. آنگاه در حین تقسیم عناصر شام خداوند، سخنان عیسی یا پولس را نقل می‌کنند. برخی از مسیحیان به محض دریافت نان و شراب آنها را می‌خورند، در حالی که برخی دیگر از مسیحیان منتظر می‌مانند تا وقتی بقیه نیز این عناصر را دریافت کردند، همه با هم در این مراسم شرکت کنند. در انتها نیز با دعا یا خواندن سرود، خدا را بخاطر برکات بی‌شمارش در عیسی مسیح شکر می‌گویند.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " شام خداوند " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از افسسیان ۲- ۵ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (زمان مناسب: جامعه ۸: ۵- ۶) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - بررسی کتاب‌مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۶) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۶

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) افسسیان

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (افسسیان ۲- ۵) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: آمادگی يك فرد مسيحی جهت ازدواج

مرور: دو نفری مرور کنید. زمان مناسب: جامعه ۸: ۵- ۶.

۴	بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۶: ۱- ۷۱

مقدمه: یوحنا فصل ۶، عیسی مسیح را به تصویر می‌کشد که پس از خوراك دادن بـه پنج هزار نفر، در جلیل از سوی مردم طرد شد.

قدم ۱: بخوانید
بخوانید: یوحنا ٦: ۱- ۷۱ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

کشف ۱) در یوحنا ۶: ۵- ۱۳ در مورد ضرورت بکار بردن ایمان، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. عیسی و شاگردانش در مکانی خلوت کرده بودند که ناگاه جمع کثیری از مردم به سوی آنها رفتند. در بین آنها پنج هزار نفر مرد و نیز زنـان و کودکـان بسیاری وجود داشتند. عیسی از روی امتحان به یکی از شاگردان خود به نام فیلیپس گفت: "از کجا نان بخریم تا اینها بخورند؟" فیلیپس در پاسخ گفت: "دویست دینار نان نیز اینها را کفایت نکند تا هر يك اندکی بخورنـد." فیلیپس بـه جـای آنکـه ایمـان خـود را بکار برد، مشغول محاسبه شد. او به جای آنکه به آن کاری که عیسی مسیح قادر به انجامش بود ایمان داشته باشد، مثل مردم دنیا مشغول محاسبه شد. عیسی فیلیپس را امتحان کرد. او به فیلیپُس فرصتی داد تا ببیند آیا دلش به حال مردم گرسنه می‌سوزد و بـه مفهوم معجزات عیسی به عنوان "آیت" یا نشانه، پی برده است یا نه. معجزات عیسی به عنوان آیت، به عظمت، قدرت و جلال او و اشتیاق و توانایی‌اش جهت برآورده ساختن تمام نیازهای مردم اشاره دارد. وقتی پولس مشغول محاسبه شد، کاملاً فراموش

کرده بود که قدرت عیسی ورای تمام محاسبات و معیارهای انسانی است. فیلیپس متوجه نبود که عیسی قادر است همانطور که در عروسی قانای جلیل آب را به شراب تبدیل کرد، برای آن جماعت بزرگ نیز نان فراهم کند.
اندریاس که یکی دیگر از شاگردان عیسی بود گفت: "در اینجا پسری است که پنج نان جو و دو ماهی دارد و لیکن این از برای این گروه چه می‌شود؟" اندریاس هم با نگاه کردن به جماعت بزرگ، شروع کرد به محاسبه کردن آنها. او نیز به جای آنکه ایمان خود را بکار گیرد، مانند مردم دنیا شروع کرد به محاسبه. تنها پنج نان و دو ماهی. تمام شاگردان عیسی در آن وضعیت تنها به عقل و منطق خودشان تکیه می‌کردند.
آنها که تکیه‌شان صرفاً بر محاسبات بشری خودشان بود، مردد بودند که آیا برای این مشکل راه حلی وجود دارد یا نه. آنها معجزات قبلی عیسی را از یاد برده بودند، و ایمان خود را درخصوص قدرت و توانایی عیسی بکار نگرفتند.
بزرگترین حقیقت برای من این است که عیسی متکی به این دنیای جسمانی که آن را خود خلق کرده است، نمی‌باشد. اگر او تمام جهان را خلق کرده، قادر است شراب و نان (یوحنا فصل ۲)، نان و ماهی (یوحنا فصل ۶) و هر چیز دیگری را نیز که اراده کند، بوجود آورد. من باید یاد بگیرم که تنها به زندگی و مشکلات خودم نگاه نکنم، بلکه به عیسی مسیح نگاه کنم که هیچ چیز نزد او غیرممکن نیست. من باید یاد بگیرم به عیسی مسیح نگاه کنم که قادر است تمام مشکلات را حل کند. باید یاد بگیرم ایمان خود را به عیسی مسیح و سخنان او، در عمل بکار ببندم.

کشف ۲) در یوحنا ۶: ۳۵- ۴۶ در مورد رابطه بین برگزیدگی الهی و مسؤولیت انسان حقیقت مهمی برای من وجود دارد.
الف) خدای پدر بر اساس حاکمیت و قدرت مطلقش، مردم را به عیسی عطا می‌کند. در یوحنا ۶: ۳۷، عیسی می‌فرماید: "هر که را پدر به من عطا کند به جانب من می‌آید و هر که به جانب من آید، او را بیرون نخواهم نمود." بین خدای پدر و خدای پسر هماهنگی و همکاری کامل وجود دارد. تمام افرادی را که خدای پدر عطا می‌کند، خدای پسر می‌پذیرد. عیسی در این آیه بر انتخاب مقتدرانه خدا مبنی بر عطا کردن برخی افراد خاص به عیسی، تأکید می‌ورزد. این آیه در مورد برگزیدگی الهی صحبت می‌کند.
در یوحنا ۶: ۳۶، عیسی می‌فرماید: "شما مرا هم دیدید و ایمان نیاوردید." در این آیه عیسی بر مسؤولیت انسان در واکنش نشان دادن به پیغام انجیل تأکید می‌ورزد. بسیاری از افرادی که در آن روز به سخنان عیسی گوش دادند، پیغام انجیل را شنیدند و حتی شاهد معجزات عیسی نیز بودند، ولی به او ایمان نیاوردند. عیسی آشکارا خود این افراد بی‌ایمان را مقصر می‌شمرد، زیرا آنان بابت اعمال و رفتاری که انجام می‌دهند مسئولند و باید حساب پس دهند.

ب) خدای پدر به طرزی مقاومت‌ناپذیر مردم را به سوی عیسی جذب می‌کند. در یوحنا ۶: ۴۴ عیسی می‌فرماید: "کسی نمی‌تواند نزد من آید مگر آنکه پدری که مرا فرستاد او را جذب کند". در این قسمت عیسی در مورد برگزیدگی مطلق خدا صحبت می‌کند که در طول تاریخ آشکار شده است. جذب کردن، مفهومی بیش از صرفاً "دادن آگاهی و القای تأثیری اخلاقی بر شخص" دارد. خدا انسانها را تنها پند و اندرز نمی‌دهد، بلکه آنها را به طرزی مقاومت‌ناپذیر به سمت عیسی مسیح جذب می‌کند.
واژه جذب کردن در یوحنا ۱۲: ۳۲ بکار رفته است که می‌فرماید، عیسی پس از مصلوب شدن، همه مردم را از تمام دنیا به سوی خود خواهد کشید (یا: جذب خواهد کرد). همین واژه در یوحنا ۱۸: ۱۰ نیز بکار رفته است؛ در این قسمت می‌خوانیم که شمعون پطرس شمشیری را که داشت کشید. یوحنا ۲۱: ۶، ۱۱ در مورد کشیدن دامی پر از ماهی صحبت می‌کند؛ اعمال ۱۶: ۱۹ از کشیده شدن پولس و سیلاس نزد حکام سخن می‌راند، و در اعمال ۲۱: ۳۰ نیز می‌خوانیم که پولس را از هیکل بیرون کشیدند. این کلمه همچنین در یعقوب ۲: ۶ بکار رفته است، آنجا که می‌فرماید، دولتمندان فقرا را به محکمه می‌کشند. بنابراین روشن است که عیسی در اینجا در مورد نیرویی مقاومت‌ناپذیر سخن می‌گوید که خدای پدر به توسط آن انسانها را به سمت عیسی مسیح جذب می‌کند (می‌کشد). البته وقتی خدا انسانها را جذب می‌کند، با آنها به عنوان افرادی مسئولیت‌پذیر برخورد می‌کند. او به طرزی قدرتمند افکار، اراده، قلب و تمامی شخصیت آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا به‌گونه‌ای درست عمل کنند.
خدای پدر مردم را با قدرت به سمت خود جذب می‌کند، و این امر در نهایت منجر به ایمان آوردن آنها می‌شود. برگزیدگی الهی خدا، مسؤولیت انسان را نادیده نمی‌گیرد. با وجود این، هم در آغاز و هم در طی روند دریافت نجات، خدا است که ابتکار عمل را در دست دارد و قدم نخست را برمی‌دارد. خدا به طرزی نیرومند و واقعی، مردم را جذب می‌کند. او است که ابتکار عمل را در دست دارد.
در یوحنا ۶: ۴۵، عیسی می‌فرماید: "همه از خدا تعلیم خواهند یافت. پس هر که از پدر شنید و تعلیم یافت نزد من می‌آید". در روند نجات یافتن انسان، اینطور نیست که تعلیم خدا و گوش فرا دادن به این تعلیم توسط انسان از لحاظ اهمیت در یك سطح باشند. تعلیم کتاب‌مقدس این است که همیشه خدا است که قدم اول را برمی‌دارد و ابتکار عمل را در دست دارد و بر همه چیز از ابتدا تا انتها مسلط است. قبل از اینکه مردم به سوی عیسی بروند، خدای پدر باید آنها را جذب کند. قبل از اینکه مردم بتوانند بشنوند و یاد بگیرند، خدای پدر باید تعلیم دهد. برگزیدگی خدا در جذب برخی افراد، مستلزم این است که آنها مسؤولیت خود را در شنیدن و یادگیری از او جدی بگیرند. اما تا خدای پدر مردم را جذب نکند، کسی قادر نخواهند بود به سوی عیسی رود. و اگر خدای پدر تعلیم ندهد، هیچ کس نمی‌تواند بشنود و در نتیجه شنیدن یاد بگیرد. و اما خبر خوش این است که کسانی را که خدا جذب کند، قطعاً به سمت عیسی رفته، خواهند شنید و یاد خواهند گرفت و قطعاً نجات خواهند یافت. فیض خدا همواره غالب می‌شود و خدا همواره کاری را که منظور نظرش بوده است، انجام می‌دهد. هیچ کس نمی‌تواند در برابر فیض خدا مقاومت کند.

قدم ۳: سؤال
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ٦: ١- ٧١ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۶: ۲۶- ۲۹). منظور عیسی از این گفته که "ما نباید برای خوراك فانی کار کنیم" چیست؟
ملاحظات: در این گفته، معنایی عظیم نهفته است. درست همانطور که زن سامری سخن عیسی را در مورد آب حیات درك نکرد، یهودیان نیز نتوانستند سخن عیسی را در مورد خوراکی که تا حیات جاودان باقی است درك کنند. هم زن سامری و هم یهودیان سخنان عیسی را در مورد آب حیات و خوراك جاودان در معنای تحت‌اللفظی تفسیر کردند. خوراك فانی، همان خوراکی معمولی است که هیچگاه نمی‌تواند عطش قلب انسان را سیراب کند، بلکه فانی است و از بین می‌رود. ولی خوراك جاودان، خود عیسی مسیح است که خود را به عنوان کفاره در راه آمرزش گناهان ما می‌دهد. این خوراك، حیات جاودانی را برای ما فراهم می‌آورد. خدای پدر مهر تأیید خود را بر عیسی مسیح زده است (۶: ۲۷). خدای پدر از طریق تمام آن شهادتهایی که در یوحنا فصل ۵ ذکر شده است، بر این موضوع گواهی می‌دهد که عیسی، مسیح موعود و پسر خدا است.
خدا از ما می‌خواهد به عیسی مسیح ایمان بیاوریم. ایمان بدین معنا است که مردم نمی‌توانند از طریق انجام برخی "کارهای انسانی" نجات بیابند و حیات جاودانی را دریافت کنند، بلکه از طریق ایمان است که فرد ایماندار عطای رایگان نجات را دریافت می‌کند. نجات همواره عبارت است از عمل مقتدرانه فیض خدا در قلوب و افکار مردم. نجات هدیه‌ای است که بر اساس فیض خدا عطا می‌گردد و با ایمان دریافت می‌شود. بنابراین عیسی از یهودیان می‌خواهد که برای خوراك فانی کار نکنند، بلکه حیات جاودانی را از او دریافت کنند.

سؤال ۲) (یوحنا ۶: ۳۹- ۴۰). کتاب‌مقدس در مورد پایداری و استقامت مسیحیان چه تعلیمی می‌دهد؟
ملاحظات:
الف) ایمانداران واقعی تا به آخر پایدار و وفادار می‌مانند. در یوحنا ۶: ۳۹- ۴۰، عیسی می‌فرماید: اراده خدای پدر این است که عیسی هیچ کدام از افرادی را که خدای پدر به او عطا کرده است از دست ندهد، بلکه آنها را در روز بازپسین برخیزاند. عیسی همچنین می‌فرماید، اراده خدای پدر این است که مردمی که به خدای پسر نگاه می‌کنند و به او ایمان می‌آورند، حیات جاودان داشته باشند و بدنهای آنها در زمان بازگشت عیسی مسیح از میان مردگان برخیزانده شوند. این دو آیه این حقیقت را تعلیم می‌دهند که ایمانداران واقعی تا به آخر پایدار و وفادار خواهند ماند و استقامت خواهند کرد. منظور از "روز بازپسین"، روز بازگشت عیسی مسیح و زمان قیامت مردگان و داوری نهایی است.

ب) اطمینان از پایداری و استقامت، به معنای نفی مسؤولیت انسان نیست. موضوع پایداری و استقامت مسیحیان در آیه ۳۹ از نقطه‌نظر برگزیدگی الهی بررسی می‌شود و در آیه ۴۰، از نقطه‌نظر مسؤولیتی که متوجه خود انسان است. از دیدگاه خدا، تمام مسیحیان جمعاً به عیسی مسیح عطا شده‌اند و او قادر است آنها را تا به آخر حفظ کند. عیسی مسیح این کار را بخوبی انجام خواهد داد و در حفظ ایمانداران عاجز نخواهد ماند. و اما از نقطه‌نظر انسانی، هر فرد شخصاً مسؤول است که تا به آخر فقط و فقط به عیسی مسیح ایمان داشته باشد.

پ) در سراسر کتاب‌مقدس راجع به پایداری و استقامت ایمانداران تعلیم داده شده است. مطابق یوحنا ۱۰: ۲۸، عیسی به مسیحیان حیات جاودانی عطا می‌کند و آنها تا به ابد هلاك نخواهند شد و هیچ کس آنها را از دست وی نخواهد ربود. در رومیان ۸: ۲۸- ۳۳ نیز می‌خوانیم که خدا تمام کسانی را که از ازل برگزیده است دعوت می‌کند، عادل می‌گرداند و سرانجام به جلال می‌رساند. رومیان ۱۱: ۲۹ نیز می‌گوید که خدا هیچگاه دعوت الهی و برکات خود را بازپس نمی‌گیرد. در فیلیپیان ۱: ۶ آمده که خدایی که عمل نیکو را در مسیحیان شروع کرد، آن را تا روز بازگشت عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید.
در دوم تیموتاؤس ۲: ۱۹ نیز می‌خوانیم که بنیاد مستحکمی که خدا پی افکنده است تا به ابد پا بر جا است و با این عبارت مهر شده است که "خداوند کسان خود را می‌شناسد". در اول پطرس ۱: ۴- ۵ آمده که خدا به ما میراثی عطا کرده است که هیچگاه فاسد نمی‌شود، از بین نمی‌رود و پژمرده نمی‌گردد. این میراث در آسمان برای ما نگاه داشته شده است. در این قسمت همچنین آمده که ما به قوت خدا محفوظ هستیم به ایمان، به جهت نجاتی که برای‌مان مهیا شده است تا در ایام آخر ظاهر شود. بنابراین وعده کتاب‌مقدس این است که نقشه خدا قابل تغییر نیست. در دعوت او بازگشتی نیست. میراث ما که از طرف خداست، فاسد نمی‌شود. بنیاد خدا متزلزل نمی‌گردد، مهر خدا شکسته نمی‌شود، و حیات ما در خدا از بین نمی‌رود. اصطلاح حیات جاودان آشکارا به پایداری و استقامت مسیحیان اشاره دارد.

سؤال ۳) (یوحنا ۶: ۵۰- ۵۸). منظور از "خوردن جسد عیسی" و "نوشیدن خون عیسی" چیست؟
ملاحظات: در یوحنا ۶: ۵۱، ۵۴ عیسی بار دیگر از عبارتی استفاده می‌کند که مفهومی نهانی در آن نهفته است. او می‌فرماید: "من هستم آن نان زنده که از آسمان نازل شد. اگر کسی از این نان بخورد تا به ابد زنده خواهد ماند. و نانی که من عطا می‌کنم جسم من است که آن را به جهت حیات جهان می‌بخشم ... هر که جسد مرا بخورد و خون مرا بنوشد، حیات جاودانی دارد و من او را در روز آخر خواهم برخیزانید."

الف) این عبارات را نمی‌توان به طور تحت‌اللفظی تفسیر کرد. بسیاری از مردم این عبارات را کمابیش به طور تحت‌اللفظی تعبیر کرده‌اند و در نتیجه مفهوم سخنان عیسی را درك نکرده‌اند. یهودیان قطعاً سخنان عیسی را به طور تحت‌اللفظی تفسیر کرده بودند، و فکر می‌کردند منظور عیسی این است که مردم باید براستی بدن جسمانی او را بخورند. از نظر یهودیان، نوشیدن خون امری کریه و زننده بود. در شریعت یهود آمده بود که خدا روی خود را از کسی که خون خورده باشد، برمی‌گرداند (لاویان ۱۷: ۱۰). بنابراین منظور عیسی مسیح قطعاً آدمخواری نبود.

ب) بدن و خون، سمبل بدن و جان عیسی هستند. اگر یهودیان کتاب‌مقدس را مطالعه کرده بودند، می‌توانستند سمبلهایی را که عیسی بکار می‌برد درك کنند. کلام خدا در لاویان ۱۷: ۱۰ می‌فرماید: "زیرا که جان جسد در خون است، و من آنرا بر مذبح به شما داده‌ام تا برای جانهای شما کفاره شود، زیرا که خون است که جان را کفاره می‌دهد." خون منشاء حیات و مظهر جان دانسته می‌شد. خون جدای از جان، به خودی خود هیچ ارزشی ندارد. در عبرانیان ۹: ۲۲ نوشته شده است، "بدون ریختن خون آمرزش نیست". درست همانطور که در عهد عتیق باید برای کفاره گناهان شخص خون یك بره ریخته می‌شد، عیسی مسیح نیز باید خون خود را می‌ریخت تا از این طریق گناه تمام مردم جهان را کفاره دهد. با ریخته شدن خون عیسی که در واقع ریخته شدن جان یا حیات او است، تاوان گناهان ما را پرداخته شد و خشم خدا که بخاطر گناهان ما بود، فرونشست. این کار عیسی، مهمترین واقعه در تاریخ بشر است.

پ) خوردن و نوشیدن سمبل دریافت نمودن و جذب کردن می‌باشند. درست همانطور که خوراك و نوشیدنی داده و پذیرفته می‌شوند، به همین ترتیب قربانی مسیح نیز به ایمانداران داده می‌شود و از سوی آنان پذیرفته و دریافت می‌گردد. درست همانطور که بدن انسان خوراك و نوشیدنی را جذب می‌کند، جان او نیز قربانی مسیح را در خود جذب می‌کند. بدن و خون عیسی به طور سمبلیك نمایانگر کار کفاره‌ای است که عیسی بر صلیب انجام داد. خوردن و نوشیدن بدن و خون او به طور سمبلیك نمایانگر آن است که فرد ایماندار عیسی را به عنوان تنها کفاره گناهان خود می‌پذیرد. منظور عیسی هیچگاه این نبود که سخنانش بطور تحت‌اللفظی تعبیر شود، بلکه آنچه او می‌گفت مفهوم سمبلیك داشت. منظور عیسی این بود که "هر کس مرا به عنوان تنها کفاره گناهان در زندگی خود بپذیرد، حیات جاودانی دارد یا به عبارت دیگر، نجات را دریافت کرده است". مطابق یوحنا ۶: ۶۶- ۶۹، پیروی کردن از عیسی در مقام شاگرد بدین معنا است که به او به عنوان منجی و خداوند خود ایمان بیاوریم و به طور کامل با او یك شویم. بنابراین، خوردن بدن و نوشیدن خون عیسی یعنی ایمان آوردن به عیسی مسیح و یکی شدن با او. زندگی روحانی فرد ایماندار توسط قربانی عیسی مسیح بر روی صلیب، تغذیه و احیا می‌شود.

ت) این تعلیم با توجه به خود متن دارای مفهومی روحانی است، نه تحت‌اللفظی. با توجه به آنچه در خود یوحنا ۶: ۳۵ آمده است، روشن است که مقصود عیسی از نزد او رفتن، ایمان آوردن به او است. با مقایسه آیه ۵۴ با آیه ۴۰ می‌بینیم که هدف عیسی این بود که سخنانش در مفهوم سمبلیك تعبیر شود. آیه ۵۴ در این رابطه از زبان سمبلیك استفاده می‌کند و آیه ۴۰ از زبان عامیانه، اما معنا در هر دو آیه یکی است. خوردن بدن و نوشیدن خون عیسی در آیه ۵۴ و نگریستن به عیسی و ایمان آوردن به او در آیه ۴۰، هر دو به معنای برخورداری از حیات جاودان و قیامت از مردگان در روز آخر می‌باشند. نتیجه دریافت و پذیرفتن قربانی عیسی به عنوان تنها طریق نجات، بر طبق آیه ۵۴ حیات جاودانی، و بر طبق آیه ۵۶، ماندن در او و ماندن او در ما است. تمام این موارد مفاهیمی روحانی هستند و این حقیقت را ثابت می‌کنند که این قسمت از کتاب‌مقدس را نباید بطور تحت‌اللفظی تعبیر کرد، بلکه بیانگر مفاهیمی روحانی است.
و سرانجام در آیه ۶۳، عیسی به وضوح تعلیم می‌دهد که سخنان او راجع به اموری روحانی است، نه مسائل روزمره دنیوی (یا مفاهیم تحت‌اللفظی). او در این آیه می‌فرماید: "روح است که زنده می‌کند و اما از جسد فایده‌ای نیست. کلامی که من به شما می‌گویم روح و حیات است". عیسی می‌فرماید که جسد او و که در مفهوم لغوی همان بدن جسمانی او است، فایده‌ای به آنها نمی‌رساند. منظور عیسی این نبود که شاگردان واقعاً باید بدن او را بخورند و از خون او بنوشند. این روح اوست که در نتیجه پاره شدن بدن و ریخته شدن خونش بر صلیب، به فرد ایماندار حیات جاودانی عطا می‌کند. کلمات و عبارات عیسی مفهوم تحت‌اللفظی ندارد، بلکه حاوی مفاهیم روحانی است و به کسانی که او را بپذیرند، حیات روحانی عطا می‌کنند.

قدم ۴: بکار ببرید
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ٦: ١ - ٧١ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر از یوحنا فصل ۶

- ۶: ۵- ۹ * وقتی عیسی چیزی به شما می‌گوید، دلیل و منطق نیاورید و محاسبات ریاضی انجام ندهید. عیسی می‌خواهد ما سخنان او را با ایمان بپذیریم.
- ۶: ۱۵ * بهتر است از کسانی که می‌خواهند ما را به زور به انجام کاری وادار کنند یا اراده خودشان را بر ما تحمیل کنند، دوری کنیم.
- ۶: ۲۷ * وقت، توان و پول خود را صرف امور موقتی و فانی نسازید، بلکه خودتان و تمام اموال‌تان را وقف امور جاودانی کنید. تنها عیسی قادر است به شما برکات جاودانی عطا کند
- ۶: ۲۸- ۲۹ * آنچه خدا را خشنود می‌کند، انجام "اعمال انسانی" نیست، بلکه خدا از ما می‌خواهد به کلام او، به اعمال او، و به پسر او عیسی مسیح ایمان داشته باشیم.
- ۶: ۳۵ * اگر به عیسی مسیح ایمان بیاورید، هیچگاه از لحاظ روحانی گرسنه و تشنه نخواهید شد. همواره به عیسی مسیح ایمان داشته باشید تا بتوانید دائماً از حیات ابدی برخوردار باشید و از نظر روحانی اغنا شوید.
- ۶: ۳۷ * به عیسی مسیح ایمان بیاورید، زیرا او هرگز شما را از خود نخواهد راند.
- ۶: ۳۸ * خدا شما را بر روی این زمین قرار داده است تا اراده او را بجا آورید، نه خواست و اراده خودتان را.
- ۶: ۳۹ * ایمان داشته باشید که عیسی مسیح هیچوقت شما را رها نخواهد کرد. (یوحنا ۱۷: ۱۲)
- ۶: ۴۰ * ایمان داشته باشید که عیسی مسیح بهنگام بازگشت خود در روز قیامت، بدنهای شما را برخواهد خیزاند.
- ۶: ۴۴، ۶۵ * سعی نکنید این حقیقت را که خدای پدر مردم را به سمت عیسی مسیح جذب می‌کند زیر سؤال ببرید، بلکه این حقیقت را به خوبی درك نموده، با ایمان و شکرگزاری آن را پذیرا شوید.
- ۶: ۴۵ * به خدای پدر گوش کنید و از او تعلیم بگیرید، زیرا خدا بدینوسیله شما را به سمت عیسی مسیح خواهد کشید.
- ۶: ۵۴ ، ۴۰ * مطالب کتاب‌مقدس را به طور تحت‌اللفظی تفسیر نکنید، بلکه سعی کنید کلام خدا را آنگونه که خدا از شما می‌خواهد درك کنید. حتی اصطلاحات سمبلیك و مجازی کتاب‌مقدس نیز به حقایقی واقعی و لغوی اشاره دارند که دارای مفهومی بس عظیم‌تر از مفهوم لغوی آنها است. به عنوان مثال اصطلاح سمبلیك یا مجازی "بره خدا" (یوحنا ۱: ۲۹) به مفهومی بس عظیم‌تر از یك بره معمولی (در مفهوم لغوی) اشاره دارد و منظور در واقع خود عیسی مسیح است.

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) من نمی‌خواهم ظواهر و آنچه پیرامون من است باعث شود نگاه من به عیسی مسیح نباشد، بلکه می‌خواهم یاد بگیرم که ایمان خود را بکار ببندم. می‌خواهم در مواجه با مشکلات به جای آنکه به محاسبات و عقل و منطق خودم تکیه کنم، ایمان خود را به عظمت، قدرت و جلال عیسی مسیح بکار ببندم. همانطور که عیسی مسیح آب را به شراب تبدیل کرد و نان را برکت داد، امروز نیز قادر است نیازهای مرا برآورده سازد.

ب) من می‌خواهم ایمان داشته باشم که خدا کاملاً بر تمامی جنبه‌های زندگی من حاکم است. او بر حسب حاکمیت و قدرت مطلق خود، مرا به سمت عیسی مسیح جذب کرده و مرا به او بخشیده است. او به طرزی قدرتمند مرا تعلیم و نجات داده است، و زندگی مرا در کنترل خود دارد. همیشه قدم اول را او برمی‌دارد، و از من نیز می‌خواهد که به او پاسخ مثبت دهم. من می‌خواهم حس مسؤلیت داشته باشم و همواره نسبت به او و کاری که برای من انجام داده است، واکنش نشان دهم. من در این حقیقت شادی می‌کنم که فیض خدا مقاومت‌ناپذیر است و همواره غالب می‌شود.

قدم ۵: دعا کنید
در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ٦: ١ - ٧١ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروههای دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " انجیل یوحنا فصل ۶ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از افسسیان فصل ۶ و فیلیپیان ۱- ۲ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (اولویتهای درست: متی ۶: ۳۳) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۷

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **افسسیان و فیلیپیان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (افسسیان فصل ۶ و فیلیپیان ۱- ۲) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: آمادگی يك فرد مسیحی جهت ازدواج**

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: اولویتهای درست: متی ۶: ۳۳

۴	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **انتصاب رهبران کلیسا**

مقدمه: در رابطه با خصوصیات يك رهبر مسیحی، به دستورعمل شاگردسازی - کتاب چهارم، درس ۴۷ مراجعه کنید. این درس در مورد انتصاب رهبران یا پیران کلیسا می‌باشد. ابتدا خصوصیات و وظایف پیران را به طور خلاصه بیان خواهیم کرد، و سپس خواهیم دید که کتاب‌مقدس در مورد نحوه انتخاب پیران و منصب آنها در کلیسا، چه تعلیمی می‌دهد.

الف - <u>خصوصیات پیران کلیسا بر اساس کتاب‌مقدس</u>

بخوانید: اول تیموتاؤس ۳: ۱- ۷، تیطس ۱: ۶- ۹.

۱- <u>رفتار شخصی.</u>
پیران و رهبران کلیسا باید در رفتار و خواسته‌های خویش، معتدل و خویشتندار باشند. همچنین باید در مسائل مالی صادق باشند و هدف زندگی‌شان کسب اموال زمینی نباشد.

۲- <u>زندگی خانوادگی.</u>
رهبر کلیسا باید در برخورد با زنان، نمونه خوبی از وفاداری به همسرش باشد. اگر ازدواج نکرده است، باید عفت و پاکی را در برخورد با زنان رعایت کند و در این زمینه نمونه باشد. در ارتباط با فرزندانش نیز باید آنها را کمك کند تا به مسیح اعتماد کرده، از او اطاعت کنند و به والدینشان احترام بگذارند.

۳- <u>قابلیت خدمت.</u>
از لحاظ رشد و بلوغ روحانی، نباید نوایمان یا کسی باشد که هنوز به بلوغ روحانی نرسیده است. همچنین باید تعالیم کتاب‌مقدس را بخوبی بداند و از این تعالیم در موعظه کلام، تعلیم و هدایت مردم استفاده کند.

ب - <u>مسئولیتهای پیران کلیسا بر اساس کتاب‌مقدس</u>

۱- <u>اولین کار پیران کلیسا این است که گله خدا را شبانی کنند</u>

بخوانید: اعمال ۲۰: ۲۸- ۳۱؛ مزمور ۲۳؛ یعقوب ۵: ۱۴- ۱۵؛ اول پطرس ۲: ۲۵؛ اول تیموتاؤس ۵: ۱۶؛ یعقوب ۱: ۲۷.
ملاحظات: وظیفه پیران کلیسا به عنوان شبانان، شبانی مردم در کلیساهای محلی است.

رهبران و پیران کلیسا در مقام شبانان، وظیفه دارند بر کلیسای محلی نظارت کنند، درست همانگونه که عیسی مسیح در مقام شبان نیکو بر کلیسای جهانی نظارت می‌کند. پیران کلیسا اعضای کلیسای محلی را از لحاظ روحانی تغذیه، محافظت و هدایت می‌کنند. آنها همچنین وظیفه دارند به نیازهای آندسته از اعضا که در احتیاج خاصی هستند، نظیر افراد یتیم، بیوه و یا نوایمانان رسیدگی کنند و آنها را محبت نمایند. پیران کلیسا باید افراد بیمار را ملاقات کرده، برای‌شان دعا کنند. باید نسبت به تعالیم غلط هوشیار باشند و از رخنه کسانی که می‌خواهند گوسفندان گله آنان را گمراه کنند، جلوگیری نمایند. هر یك از پیران کلیسا باید همانطور که بر اعضای کلیسای محلی خود نظارت می‌کند، بر دیگر پیران کلیسا نیز نظارت داشته باشد. بدین ترتیب هم پیران کلیسا و هم اعضای کلیسا در قبال یکدیگر مسئول و پاسخگو خواهند بود.

۲- <u>دومین کار پیران کلیسا، مدیریت و نظارت بر کلیسای خدا است.</u>

بخوانید: اول تسالونیکیان ۵: ۱۲، اول تیموتاؤس ۳: ۵، ۵: ۱۷؛ تیطس ۱: ۷.

ملاحظات: وظیفه پیران کلیسا به عنوان ناظران کلیسا، اداره و هدایت فعالیتها و نظارت بر اموال کلیسای محلی می‌باشد. بر اساس رسالات تسالونیکیان و تیموتاؤس، وظیفه پیر کلیسا عبارت است از هدایت، رهبری و مدیریت کلیسا. منظور این است که پیران کلیسا از طریق رهبری کردن گله خدا و یا با نمونه بودن برای مردم (در یونانی: pro-histemi)، آنها را رهبری می‌کنند. در رساله تیطس می‌خوانیم که وظیفه پیران کلیسا، نظارت، مدیریت و اداره خانه خدا است (در یونانی: oikonomos).

الف) <u>پیران کلیسا در جلسات کلیسایی حضور دارند و عملکردهای مختلف کلیسا را اداره می‌کنند.</u>
آنان هم جلسات عادی را رهبری می‌کنند، هم جلسات ویژه را.
۱) منظور از جلسات عادی، جلسات پرستشی یکشنبه، گروههای کوچك بررسی کتاب‌مقدس، گروههای دعا و مشارکت است (اعمال ۲: ۴۲).
۲) جلسات ویژه عبارتند از جلسات تعمید، مراسم شام خداوند، جشنها و مراسم خاصی چون عید قیام، ازدواج، خاکسپاری و همچنین ملاقاتها و جلسات مخصوصی که به‌هدف نبرد روحانی با نیروهای ظلمت برگزار می‌شود.

ب) <u>پیران کلیسا عملکردهای کلیسای محلی در کل دنیا را اداره می‌کنند.</u>
آنان مشوق و مروج فعالیتهای زیر هستند:
۱) اعضای کلیسا را تشویق می‌کنند که در بین خانواده‌ها و همسایگان خود دست به فعالیتهای بشارتی بزنند و در فرهنگ خود و در اماکنی چون مدارس، سازمانهای دولتی و دیگر جوامع، شاهد خوبی برای مسیح باشند (متی ۵: ۱۳- ۱۶؛ ۱۰: ۳۲- ۳۷؛ اعمال ۵: ۴۲). نیز اعضای کلیسا را تشویق می‌کنند که پیوسته برای تمام مردم جهان دعا کنند (اول تیموتاؤس ۲: ۱- ۲).
۲) آنان از فعالیتهای رسالت بین المللی کلیسا در مناطق مختلف دنیا حمایت می‌کنند؛ همچنین به سازمانهای مسیحی که اهداف مشخصی دارند و به کلیساهای نیازمند در هر جا که باشند، کمك می‌کنند (رومیان ۱۶: ۲۳- ۲۴؛ فیلیپیان ۱: ۵؛ ۴: ۱۵- ۱۶؛ سوم یوحنا ۵- ۸؛ دوم قرنتیان فصل ۸).

پ) <u>پیران کلیسا بر ارائه برنامه‌های تعلیمی در کلیسای محلی نظارت دارند.</u>
آنان فعالیتهای ذیل را اداره می‌کنند (افسسیان ۴: ۱۱- ۱۶؛ عبرانیان ۱۰: ۲۴- ۲۵):
۱) در کلیسای خود برنامه‌هایی جهت شاگردسازی ترتیب می‌دهند. تمام اعضای کلیسا باید از لحاظ روحانی رشد کنند. پیران کلیسا اعضا را تشویق می‌کنند به اینکه اساس روابط خود را بر محبت و انجام اعمال نیك بنا نهند.
۲) آنان برنامه‌هایی ترتیب می‌دهند تا تمام اعضای کلیسا برای انجام خدمات مختلف سازماندهی شوند.

ت) <u>پیران کلیسا بر عملکردهای شخصی اعضای کلیسا بعنوان افرادی مسیحی، نظارت می‌کنند.</u>
۱) آنان با صبر فراوان به اعضای کلیسا تعلیم می‌دهند و آنان را اصلاح، توبیخ و تشویق می‌کنند (دوم تیموتاؤس ۴: ۱- ۵؛ تیطس ۲: ۱۵).
۲) به اعضایی که در مشکل و زحمت هستند، مشورت می‌دهند (اول تسالونیکیان ۵: ۱۲- ۱۵).
۳) اعضایی را که مرتکب گناهان جدی می‌شوند، تأدیب می‌کنند (متی ۱۸: ۱۵- ۱۷).

ث) <u>پیران کلیسا بر وظائف و عملکردهای شخصی اعضای کلیسا نظارت می‌کنند.</u>
آنان بر فعالیتهای زیر نظارت دارند:
۱) اعضای کلیسای محلی را تشویق می‌کنند که بر حسب عطایای روحانی و وظیفه‌ای که مسیح به هر یك از آنها محول کرده است، خدمات مختلفی را انجام دهند.
۲) به اعضای کلیسای خود کمك می‌کنند که به عطایای روحانی خود پی ببرند، و به آنها فرصت می‌دهند که این عطایا را بکار بگیرند. وظیفه پیران کلیسا در قبال عطایای روحانی که افراد دارند عبارت است از شعله‌ور نمودن این عطایا، تمیز دادن و آزمودن عطایا، و نظارت بر نحوه بکارگیری عطایا بر طبق تعالیم کتاب‌مقدس (اول تیموتاؤس ۴: ۱۴؛ دوم تیموتاؤس ۱: ۶؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۹- ۲۱؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۰؛ اول یوحنا ۴: ۱؛ اول قرنتیان ۱۴: ۲۶- ۴۰).

۳- سومین کار پیران کلیسا این است که معلمین کلام خدا باشند.

بخوانید: اول تسالونیکیان ۵: ۱۲؛ اول تیموتاؤس ۳: ۲؛ ۵: ۱۷ و تیطس ۱: ۹.
ملاحظات: پیران کلیسا در مقام معلمین مردم وظیفه دارند کتاب‌مقدس را موعظه کنند، مردم را تعلیم دهند و آنان را نصیحت و اصلاح نمایند.
پیران کلیسا روی هم رفته در دوران عهد جدید بطور تمام وقت شبان، واعظ و معلم نبودند. بااینحال باید قادر به تعلیم می‌بودند (اول تیموتاؤس ۳: ۲) و تعلیم صحیح را می‌دانستند (تیطس ۱: ۹).
برخی از پیران کلیسای دوران عهد جدید در وهله نخست واعظ و معلم کلام بودند (اول تیموتاؤس ۵: ۱۷)، ولی کتاب‌مقدس نمی‌گوید که خدمت‌شان به طور تمام وقت بود. در کتاب‌مقدس نیامده است که تنها پیرانی می‌توانند کلام خدا را تعلیم و وعظ کنند که رسماً در دانشگاه الهیات یا مدرسه کتاب‌مقدس تعلیم دیده‌اند.
اگرچه برخی از افراد نظیر تیموتاؤس و تیطس را می‌توان شبان تمام وقت قلمداد کرد، وظایف آنها صرفاً به شبانی يك کلیسای محلی محدود نمی‌شد. آنها با پولس رسول به سفرهای زیادی می‌رفتند و بیشتر به عنوان مبلغ خدمت می‌کردند تا شبان. تیموتاؤس و تیطس هیچکدام در دانشگاه الهیات یا مدرسه کتاب‌مقدس تعلیم ندیده بودند، ولی در طول انجام خدمات خود تعالیمی را از پولس دریافت کرده بودند، درست همانطور که رسولان نیز از خود عیسی مسیح تعلیم گرفته بودند.

الف) وظایف شورای پیران کلیسا درخصوص کتاب‌مقدس.
۱) وظیفه دارند کلام خدا را هم به مسیحیان و هم به غیر مسیحیان موعظه کنند (اول تیموتاؤس ۵: ۱۷).
۲) با استفاده از کتاب‌مقدس در مورد عیسی مسیح با غیر مسیحیان و مسیحیان صحبت می‌کنند.
۳) در مورد اراده خدا آنگونه که در کتاب‌مقدس مکشوف شده است به اعضای کلیسای محلی تعلیم می‌دهند (اعمال ۲۰: ۲۰، ۲۷).
۴) به اعضای کلیسا تعلیم می‌دهند که از احکام عیسی اطاعت کنند (متی ۲۸: ۲۰).
۵) با استناد به حکمت کلام مسیح، کلام خدا را به اعضای کلیسا وعظ می‌کنند تا پیغام آن در افکار و قلوب آنها حك شود. همچنین افراد کم جرأت را تشویق می‌کنند، کاهلان را هشدار می‌دهند و مخالفین را به‌نرمی ارشاد می‌نمایند (کولسیان ۳: ۱۶؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۲- ۱۵؛ دوم تیموتاؤس ۲: ۲۳- ۲۶).
۶) در خصوص مسائل آموزه‌ای بحث و تصمیم‌گیری می‌کنند (اعمال فصل ۱۵؛ دوم تیموتاؤس ۱: ۱۳)، تعالیم اشتباه را مردود می‌شمرند، وغیره.

ب) پیران کلیسا که از لحاظ سنی جوان هستند از اقتدار برخوردارند.
اگرچه مردان جوان باید تسلیم و مطیع مردان مسن تر و باتجربه‌تر کلیسا باشند (اول پطرس ۵: ۵)، پیران کلیسا که جوانترند این اقتدار و وظیفه را دارند که در صورت لزوم به پیران کلیسا که از خودشان مسن ترند تعلیم دهند و آنها را اصلاح و حتی توبیخ نمایند (اول تیموتاؤس ۱: ۳- ۵؛ ۴: ۱۱- ۱۳؛ دوم تیموتاؤس ۲: ۲۲- ۲۶). با وجود این تمام پیران کلیسا باید با احترام با یکدیگر رفتار کنند (اول تیموتاؤس ۳: ۲؛ ۵: ۱- ۲؛ تیطس ۱: ۷).

۴- چهارمین کار پیران کلیسا این است که خدمتگزار خدا و مردم باشند.

بخوانید: متی ۲۰: ۲۵- ۲۸؛ اول پطرس ۵: ۲- ۳.
ملاحظات: پیران کلیسا به عنوان خادمان، وظیفه دارند خدا و مردم را داوطلبانه و با میل و اشتیاق قلبی خدمت کنند.
آنان به عنوان خادم، اعمالی را در جهت منفعت دیگران انجام می‌دهند.
خدمت کردن تنها يك وظیفه نیست، بلکه یکی از خصوصیات پیر کلیسا است و بیانگر شیوه رهبری است که خدا از پیران کلیسا انتظار دارد. شیوه رهبری رهبران کلیسا باید با شیوه رهبری رهبران دنیا فرق داشته باشد. پیران کلیسا باید داوطلبانه و با اشتیاق و میل قلبی خدمت کنند. هم عیسی مسیح و هم پولس رهبران کلیسا را از "خداوندی" بر مردمی که به آنها سپرده شده‌اند، بر حذر می‌دارند. رهبران کلیسا باید برای ایمانداران نمونه باشند. پیران کلیسا باید به جای آنکه مردم از طریق حکم راندن بر آنان هدایت کنند، مانند يك رهبر پیشاپیش آنها حرکت کنند. و به جای اینکه انتظار داشته باشند مردم آنها را خدمت کنند، خود باید خدمتگزار آنها باشند (مرقس ۱۰: ۴۵؛ لوقا ۲۲: ۲۵- ۲۷).

پ - انتصاب پیران کلیسا.

مقدمه: هر کلیسایی باید پیران کلیسای خود را مطابق اصول کتاب‌مقدس انتخاب و انتصاب نماید.

۱- مبنای انتخاب پیران کلیسا

بخوانید: اول تیموتاؤس ۳: ۱۴- ۱۵؛ ۳: ۱- ۷.
کشف و گفتگو کنید: پیران کلیسا بر چه پایه و اساسی باید انتخاب شوند؟
ملاحظات: پیران کلیسا باید بر اساس کتاب‌مقدس و عملکرد و رفتار کاندیدهای این منصب، انتخاب شوند.
الف) کتاب‌مقدس. نحوه انتخاب پیران کلیسا باید بر اساس خصوصیات و توانایی‌هایی باشد که در کتاب‌مقدس در این زمینه برای انجام مسئولیتهای کتاب مقدسی آمده است.
ب) اثبات قابلیت خود در این زمینه. کسانی که توانایی خود را در امر رهبری از طریق روش زندگی و خدمت خود ثابت کرده‌اند، بهترین کاندید برای این منصب می‌باشند (لوقا ۱۶: ۱۰). هیچ کس نمی‌تواند خود را به‌عنوان پیر کلیسا منصوب کند. ممکن است برادری در کلیسا مایل باشد به طور داوطلبانه به عنوان پیر کلیسا خدمت کند، ولی باید خصوصیات يك پیر را داشته باشد و کلیسای محلی نیز باید حاضر باشد او را برای این خدمت تایید کند (اول تیموتاؤس ۳: ۱).

۲- انتخاب پیران کلیسا

بخوانید: اعمال ۱۴: ۲۴؛ تیطس ۱: ۵.
کشف و گفتگو کنید: در عهد جدید پیران کلیسا چگونه انتخاب و منصوب می‌شدند؟
ملاحظات:
الف) در کلیساهای جدید.
مبشرینی که کلیساها را تأسیس کرده بودند، اولین پیران کلیسا را برای این خدمت منصوب نمودند.

ب) در کلیساهای تأسیس شده.
۱) پیران کلیسا که قبلاً در این کلیساها خدمت می‌کردند به‌اتفاق اعضای کلیسا، پیران جدید کلیسا را به این خدمت منصوب می‌نمودند. با توجه به اینکه اعضای کلیسا در انتخاب رسولان (اعمال ۱: ۱۵- ۲۶) و خادمین (اعمال ۶: ۱- ۷) نقش داشته‌اند، به احتمال زیاد در انتخاب پیران کلیسا نیز سهیم بوده‌اند. بااینحال پیرانی که در آن زمان در کلیسا بودند، با بیان خصوصیات و شرایطی که داوطلب مقام پیر کلیسا می‌بایست بر اساس کتاب‌مقدس واجد آن می‌بود، اعضای کلیسا را در انتخابی صحیح راهنمایی می‌کردند (اعمال ۶: ۲- ۴).
۲) در عهد جدید، رسولان، همکاران آنها و اعضای کلیساهای محلی، افرادی را که روح‌القدس آنان را به خدمت نظارت بر گله خدا گماشته بود (اعمال ۲۰: ۲۸) و در زندگی و خدمت خود این دعوت را ثابت کرده بودند (دوم قرنتیان ۱۰: ۱۸؛ لوقا ۱۶: ۱۰- ۱۲) مشخص می‌کردند.
۳) پیران کلیسا نه صرفاً به رأی مردم، بلکه بر اساس آنچه کتاب‌مقدس درمورد خصوصیات و مقتضیات پیر کلیسا تعلیم می‌داد و نیز با توافق اعضای کلیسای محلی، انتخاب می‌شدند. وقتی اعمال ۱۴: ۲۳ می‌فرماید پیران کلیسا را منصوب کردند، از لحاظ لغوی منظور این است که با بلند کردن دست به نشانه تأیید، به پیران کلیسا رأی دادند. یعنی درست شبیه کاری که در جوامع حقوقی آتن آن روزگار انجام می‌شد. ولی این عبارت را در این آیه نباید در مفهوم لغوی تعبیر کرد، زیرا منصوب کردن در اعمال ۱۰: ۴۱ تنها می‌تواند به مفهوم برگزیدن باشد. واژه منصوب کردن یا گماشتن در تیطس ۱: ۵، به معنای انتصاب پیر کلیسا و برخورداری او از قدرت و اقتدار است. کلمه گماشتن به دستگذاری شخص به يك مقام رسمی اشاره نمی‌کند، بلکه به مقام و اقتداری اشاره می‌کند که شخص در نتیجه گماشته شدن از آن برخوردار می‌گردد، و بر کلیساهای محلی در هر شهری است که این قدرت و اقتدار را برسمیت بشناسند.

۳- انتصاب پیران کلیسا

بخوانید: اعمال ۱۴: ۲۳؛ اول تیموتاؤس ۵: ۲۲.
کشف و گفتگو کنید: در عهد جدید پیران کلیسا چگونه منصوب می‌شدند؟
ملاحظات: پیران کلیسا از طریق دعا و گذاردن دستها، به خدا سپرده می‌شدند. گذاشتن دست نمایانگر انتقال قدرت و عطای روحانی به شخص بود تا از این طریق بتواند وظایف محوله را به انجام رساند (اعمال ۶: ۶؛ اول تیموتاؤس ۴: ۱۴؛ دوم تیموتاؤس ۱: ۶). کتاب‌مقدس جداً درمورد دستگذاری و انتصاب عجولانه پیران کلیسا هشدار می‌دهد.

پیران کلیسا (یا شبان یا فردی مبشر) قبل از آنکه بر فردی که داوطلب احراز مقام پیر کلیسا است دست بگذارند و در حضور همگان برایش دعای برکت بکنند، باید این سؤالات را از او بپرسند:

۱) آیا ایمان داری که عیسی مسیح تو را به مقام پیر کلیسا منصوب کرده است؟
۲) آیا ایمان داری که کتاب‌مقدس کلام خدا و معیار کامل زندگی و تعلیم مسیحی است؟
۳) آیا قول می‌دهی وظیفه خود را با امانت و توکل به خدا انجام دهی؟
۴) آیا مایلی که خود را بطور کامل وقف تعلیم کلام خدا، هدایت کلیسا و در صورت لزوم تأدیب کلیسا نمایی؟

تمام کسانی که قرار است به مقام پیر کلیسا منصوب شوند باید به این سؤالات پاسخ مثبت دهند.

۴- دوران تصدی مقام پیران کلیسا

بخوانید: اعمال ۶: ۳- ۶؛ ۸: ۴- ۵ و ۲۱: ۸.
کشف و گفتگو کنید: دوران خدمت پیران کلیسا چه مدت است؟
ملاحظات:
الف) کتاب‌مقدس.
کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که پطرس و یوحنا در تمام طول زندگی در کلیسای اورشلیم عهده‌دار مقام پیر کلیسا نبودند. کتاب‌مقدس درمورد اینکه پیران کلیسا تا چه مدت در این مقام خدمت می‌کردند چیزی نمی‌گوید. بنابراین هر کلیسای محلی باید با حکمت در مورد دوران خدمت پیران کلیسای خود تصمیم بگیرد.

ب) از لحاظ عملی.
برای آنکه از هر نوع سوءاستفاده احتمالی از این مقام اجتناب شود، بهتر است هر پیر برای مدت زمان محدودی در این مقام انجام وظیفه کند. بدین ترتیب کلیسا از رهبرانی که به اشتباه در این مقام قرار می‌گیرند مصون می‌ماند، و در عین حال پیران کلیسا نیز که به طور جدی در این مقام خدمت کرده‌اند موقعیتی جهت استراحت خواهند داشت و به دیگر ایماندارانی نیز که جهت رهبری کلیسا دارای تواناییهایی هستند فرصت داده می‌شود به عنوان پیر در کلیسا خدمت کنند. بسیاری از کلیساها دوره خدمت پیران کلیسا را به ۴ سال محدود می‌کنند. هر سال یك چهارم پیران کلیسا از مقام خود کنار می‌روند و افراد جدیدی به این مقام منصوب می‌شوند. بدین ترتیب شورای پیران کلیسا همواره تداوم خواهد داشت. البته اگر فردی از پیران کلیسا به طرزی بسیار مفید خدمت کرده باشد، ممکن است برای دوره‌های بعدی نیز انتخاب شود.

ت- سایر نکات مربوط به پیران کلیسا

۱- احترام ویژه و حمایت مالی از آنها

بخوانید: اول تیموتاؤس ۵: ۱۷- ۱۸؛ اول قرنتیان ۹: ۱۴؛ غلاطیان ۶: ۶؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۲- ۱۳.
کشف و گفتگو کنید: عهد جدید در رابطه با احترام به پیران کلیسا و حمایت مالی از آنها چه تعلیمی می‌دهد؟
ملاحظات: پیران کلیسا که به نیکویی کلیسا را رهبری کرده‌اند، شایسته حرمتی دوچندان هستند. واژه "دوچندان" از یك سو به احترام به آنان اشاره دارد و از سوی دیگر به حمایت مالی از آنان.
این قسمت از کتاب‌مقدس نمی‌گوید که پیران کلیسا که به طور تمام وقت خدمت می‌کنند و در دانشگاههای الهیات یا مدارس کتاب‌مقدس تحصیل کرده‌اند، که امروزه آنها را کشیشان مینامند، در مقایسه با پیران کلیسا که چنین تعالیمی ندیده‌اند در موقعیت برتری قرار دارند. مقایسه در این قسمت نه بین پیران تمام‌وقت و پیران نیمه وقت، بلکه بین پیران کلیسا است که وظایف‌شان را به خوبی انجام می‌دهند و آنهایی که وظایف خود را به خوبی انجام نمی‌دهند. تعلیم این قسمت این است که آن دسته از پیران کلیسا، اعم از تمام‌وقت و نیمه‌وقت، که وظایف خود را به نیکویی انجام می‌دهند، شایسته احترام هستند و باید از لحاظ مالی از آنان حمایت کرد.

۲- اقتدار پیران کلیسا

بخوانید: اول تسالونیکیان ۵: ۱۲- ۱۳؛ عبرانیان ۱۳: ۷، ۱۷؛ اول پطرس ۵: ۱- ۶.
کشف و گفتگو کنید: عهد جدید در مورد اقتدار پیران کلیسا چه تعلیمی می‌دهد؟
ملاحظات:
الف) منشأ و عامل اقتدار پیران کلیسا، خدا است.
تمام قدرتها از جانب خدا مقرر شده است. بنابراین کسی که علیه قدرتی طغیان می‌کند، در حقیقت بر ضد آنچه که خدا مقرر داشته است طغیان ورزیده، و شایسته مجازات است (رومیان ۱۳: ۱-۲). بااینحال تمام قدرت‌ها دارای محدودیت هستند (اعمال ۴: ۱۹- ۲۰؛ ۵: ۲۹). پیران کلیسا تنها در حوزه وظایفی که خدا در کتاب‌مقدس به آنها سپرده است اقتدار دارند. اعضای کلیسای محلی باید از پیران کلیسا در چهارچوب وظایف و عملکردهایی که طبق کلام خدا به آنان محول شده است، اطاعت کنند (اول تسالونیکیان ۵: ۱۲- ۱۳؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷).

ب) اقتدار پیران کلیسا محدود است.
۱) اقتدار واقعی یك پیر کلیسا به روش زندگی، ایمان و خدمت او مطابق کلام خدا، بستگی دارد (عبرانیان ۱۷: ۷). اعضای کلیسای محلی این اختیار را دارند که از پیران کلیسا که از اقتدار خود بـه طرز شایسته استفاده نمی‌کنند، اطاعت ننمایند (دوم یوحنا ۱: ۱۰- ۱۱).
۲) پیران کلیسا اقتدار محدودی دارند، زیرا اقتدار مبنی بر نجات مردم (یوحنا ۳: ۱۷)، تغییر زندگی افراد (دوم قرنتیان ۳: ۱۸)، بکار بردن مردم (اعمال ۹: ۱۵)، و برکت دادن مردم (یوحنا ۱۵: ۵)، تنها از آن عیسی مسیح است. به همین ترتیب، اقتدار جهت هدایت نمودن مردم از طریق کلام (مزمور ۱۱۹: ۱۰۵؛ افسسیان ۶: ۱۷) و روح‌القدس (یوحنا ۱۶: ۱۳)، بخشیدن عطایای روحانی (اول قرنتیان ۱۲: ۱۱)، محول کردن وظایفی خاص به کلیساهای محلی و کلیسای جهانی (مرقس ۱۳: ۳۴؛ اول قرنتیان ۳: ۵- ۶) و دعوت از مردم جهت انجام خدماتی خاص (غلاطیان ۲: ۸- ۹)، همگی تنها متعلق به عیسی مسیح است، نه پیران کلیسا.

۳- پاسخگو بودن پیران کلیسا

بخوانید: اعمال ۱۴: ۲۷؛ ۲۰: ۲۸؛ اول تیموتاؤس ۵: ۱۹- ۲۲؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷.
کشف و گفتگو کنید: عهد جدید در رابطه با پاسخگو بودن پیران کلیسا چه تعلیمی می‌دهد؟
ملاحظات: تمام کسانی که دارای مقام و منزلت خاصی هستند، در برابر کسی پاسخگو مـی‌باشند. پیران کلیسا در وهلـه اول بـه عیسی مسیح، در وهله دوم به دیگر پیران کلیسا و سرانجام به اعضای کلیسایی که مسئولیت پیر کلیسا را به آنان محول کرده‌اند، پاسخگو می‌باشند (اعمال ۱۴: ۲۷). پیران کلیسا که مرتکب گناه شوند باید تأدیب گردند (اول تیموتاؤس ۵: ۱۹- ۲۰).

۴- اولویتهای پیران کلیسا

بخوانید: امثال ۲۳: ۴- ۵؛ جامعه ۳: ۱؛ ۸: ۵- ۶؛ یوحنا ۱۵: ۵؛ اول تیموتاؤس ۳: ۴- ۵؛ تیطس ۱: ۶.
کشف و گفتگو کنید: در چه شرایطی ممکن است اولویتهای پیر کلیسا اشتباه باشند؟
ملاحظات: کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که برای هر کار زمانی است. پیران کلیسا علاوه بر وظایف کلیسایی مسؤولیتهای دیگری نیز بر عهده دارند. آنها وظیفه دارند که شخصاً با مسیح مشارکت داشته باشند و از او تعلیم بگیرند. آنها مسئولند که خرج خود را تأمین کنند، ولی این امر نباید باعث شود تمام فکر و ذکر آنها معطوف پول درآوردن باشد. نیز آنها مسئولند خانواده خود را به خوبی اداره کنند. وظایف پیران کلیسا نباید چنان وقت و توان آنها را بگیرد که از مسؤولیتهای مهمتری که خدا به آنان محول کرده است غافل بمانند. پیران کلیسا همچنین باید بر زندگی دیگران نظارت کنند (اعمال ۲۰: ۲۸)، و اگر یک پیرکلیسا عملکرد درستی ندارد باید یا خود از این مقام کناره بگیرد و یا از این منصب برکنار شود.

خلاصه: پیران کلیسا انتخاب شده‌اند تا تمام عملکردهای یك کلیسای محلی را اداره کنند. شورای پیران کلیسا متشکل است از پیران کلیسا عادی و احتمالاً یك یا چند پیر تمام وقت که امروزه معمولاً شبان یا خادم یا کشیش نامیده می‌شوند. کتاب‌مقدس شرایط و وظایف پیران کلیسا را معین کرده است. پیران کلیسا وظیفه شبانی مسیحیان، اداره فعالیتهای مسیحی و تعلیم کلام خدا را بر عهده دارند. بهتر است هر پیر کلیسا برای مدت محدودی در این مقام باشد، و پس از آن جهت انتخاب پیران جدید کلیسا مجدداً رأی گیری بعمل آید.

ث- انتصاب خادمین

عهد جدید در رابطه با انتخاب خادمین به برخی از محدودیتها اشاره می‌کند.

۱- در انتصاب خادمین محدودیتهای وجود دارد.

الف) تعلیم کتاب‌مقدس.
کتاب‌مقدس گرچه تعلیم می‌دهد که کلیسای محلی باید پیران کلیسا را انتصاب کند، در مورد انتصاب خادمین از سوی کلیسای محلی تعلیم خاصی ارائه نمی‌دهد.

ب) تاریخ کتاب‌مقدس.
به جز کلیسای اورشلیم، در کتاب‌مقدس می‌خوانیم که تنها دو کلیسای دیگر، یعنی کلیساهای فیلیپی و افسس، دارای خادمین بودند.

۲- خادمین از نظر رهبری کلیسا دارای محدودیتهای هستند.

الف) خادمین نمی‌توانند جای پیران کلیسا را بگیرند.
وظایف خادمین با وظایف پیران کلیسا فرق دارد. یك خادم هیچگاه این اختیار را ندارد که بر تمام کلیسای محلی رهبری کند. شورای خادمین هیچگاه نمی‌تواند بجای شورای پیران کلیسا (در یونانی: presbyterion، اول تیموتاؤس ۴: ۱۴) کلیسای محلی را رهبری کند. وظیفه خادمین هدایت امور کلیسای محلی نیست، بلکه وظیفه آنها صرفاً خدمت کردن است.

ب) ممکن است پیران کلیسا رهبری برخی از خدمات یا فعالیتهای خاص را به خادمین واگذار کنند.
پیران کلیسا حتی آنگاه که انجام برخی فعالیتهای خاص را به خادمین واگذار کنند، کماکان به عنوان رهبران اصلی کلیسا مسئول خدمات و فعالیتهای آن می‌باشند. فرد خادم ممکن است مطابق مسؤولیتی که شورای پیران کلیسا به او واگذار کرده است، گروهی از اعضای کلیسا را در خدمت خاصی هدایت کند. به عنوان مثال، خادمین در چهارچوب کلیسای محلی ممکن است به‌عنوان معلم بچه ها، مسئول جوانان، هماهنگ کننده فعالیتهای بشارتی و غیره انجام وظیفه کنند.

۳- وظایف خادمین دارای محدودیتهایی است.

وظایف خادمین با وظایف اعضای معمولی کلیسا فرق دارد. کلمه خادم به معنی خدمتگزار است. در اعمال ۶: ۱- ۷ می‌خوانیم که خادمین به منظور انجام خدماتی خاص در کلیسای محلی انتخاب می‌شدند. البته شایان ذکر است که مطابق اول پطرس ۴: ۱۰- ۱۱، تمام اعضای کلیسا باید با بکارگیری توانایی‌ها و عطایای روحانی خود خدماتی فعال در کلیسا داشته باشند. بنابراین خدمت خادمین جایگزین خدمات اعضای دیگر کلیسای محلی نیست.

الف) وظیفه خادمین این است که به شرایط جدیدی که در نتیجه وعظ کلام و رشد کلیسا بوجود می‌آید رسیدگی کنند.
بخوانید: اعمال ۶: ۱- ۷.
ملاحظات: در کلیسای اولیه اورشلیم، خادمین به دلیلی خاص انتخاب می‌شدند. وقتی تعداد شاگردان به بیش از ۵۰۰۰ نفر افزایش یافت، نیاز خاصی در کلیسا بوجود آمد- برخی از افراد از جیره روزانه غذایی محروم می‌ماندند. بنابراین رسولان و اعضای کلیسا از میان خود افرادی را برگزیدند تا این خدمت خاص را انجام دهند. خادمین به منظور انجام این خدمت برگزیده شدند، زیرا پیران کلیسا وظایف مخصوص به خود را داشتند و وقت و توان رسیدگی به نیازمندان کلیسا را نداشتند.
بنابراین وظایف خادمین محدود به انجام خدماتی است که مستلزم داشتن مهارتهای خاصی است، یا خدماتی که ایمانداران کلیسا چندان متوجه آن نیستند.

ب) وظیفه خادمین بطور سنتی این بوده که به اعضای نیازمند کلیسا رسیدگی کنند.
بخوانید: اعمال ۶: ۱- ۲؛ اول قرنتیان ۱۶: ۲- ۳؛ یعقوب ۱: ۲۷؛ ۲: ۱۵- ۱۷؛ اول یوحنا ۳: ۱۶- ۱۸.
ملاحظات: وظیفه خاص خادمین این است که هدایایی را که مسیحیان به خدا تقدیم می‌کنند جمع‌آوری کرده، آنها را به طور متناسب بین افراد نیازمند کلیسای خود تقسیم کنند. بر طبق دوم قرنتیان فصلهای ۸ و ۹، خادمین بر هدایایی که جهت کمك به دیگر کلیساهای نیازمند جمع‌آوری شده است نیز نظارت می‌کنند.

خلاصه: اگر در کلیسایی خادمینی انتخاب می‌شوند، صرفاً به خاطر این است که وظایف خاصی را در کلیسای محلی خودشان انجام دهند. خدمات آنها جانشین خدمات دیگر اعضای کلیسا نمی‌شود، بلکه آنها تنها خدماتی را انجام می‌دهند که مستلزم داشتن مهارتهای خاصی است و سایر ایمانداران از انجام آنها غافل مانده‌اند. کتاب‌مقدس شرایط و وظایف خادمین را معین کرده است. آنها تا زمان تحقق وظایف خود خدمت می‌کنند.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع "انتصاب رهبران کلیسا" را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از فیلیپیان ۳- ۴ و کولسیان ۱- ۲ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - هر روز آخرین ۵ آیه حفظی در رابطه با "آمادگی یك فرد مسیحی جهت ازدواج" را مرور کنید.
۵ - بررسی کتاب‌مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۷) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۸

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) فیلیپیان و کولسیان

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (فیلیپیان ۳- ۴ و کولسیان ۱- ۲) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: آمادگی يك فرد مسیحی جهت ازدواج

مرور: ۵ آیه حفظی را در مورد "آمادگی يك فرد مسیحی جهت ازدواج" دو نفری مرور کنید.

۴	بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۷: ۱- ۵۳

مقدمه: یوحنا ۷: ۱- ۹ درمورد کلمه خدا یعنی عیسی مسیح است که در جلیل بود، ولی مخفیانه به یهودیه رفت. در یوحنا ۷: ۱۰- ۵۳، عیسی مسیح از جماعتی که در معبد بودند دعوت می‌کند که توبه کنند: "هر که تشنه است نزد من آید و بنوشد. کسی که به من ایمان آورد، چنانکه کتاب می‌گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد."

<u>قدم ۱: بخوانید</u>
بخوانید: یوحنا ۷: ۱- ۵۳ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

<u>قدم ۲: کشف کنید</u>
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

<u>کشف ۱)</u> در یوحنا ۷: ۳۷- ۳۹ درمورد <u>نهرهای آب حیات</u> حقیقت مهمی برای من وجود دارد.
عید یهودی خیمه‌ها به مدت يك هفته جشن گرفته می‌شد. در تمام مدت این هفت روز، فردی کاهن سبویی طلایی را از آب حوض سیلوحا پر می‌کرد و آن را به‌اتفاق گروهی که او را همراهی می‌کردند، به سمت معبد می‌برد. کاهن به محض بلند شدن صدای شیپور و در میان فریاد شادی جماعت، آب را در داخل کانالی قیف‌مانند می‌ریخت که تا قسمت پایین مذبح مخصوص قربانیهای سوختنی امتداد داشت. این مراسم برای مردم اسرائیل یادآور آبی بود که از صخره‌ای در بیابان جاری شد و به برکات روحانی دوران مسیح موعود اشاره داشت. احتمالاً عیسی پس از اتمام این رسم سمبلیك ریختن آب بود که ایستاد و با صدای بلند گفت: "هر که تشنه باشد نزد من آید و بنوشد. کسی که به من ایمان آورد چنانکه کتاب می‌گوید از بطن او نهرهای آب زنده

جاری خواهد شد." ظاهراً عیسی می‌خواست به جماعت بفهماند که این آب به خود او اشاره می‌کند. عیسی مسیح نهر آب حیات است. رفتن به نزد عیسی مسیح و ایمان آوردن به او، دو نتیجه در پی دارد:

الف) فرد ایماندار، حیات جاودانی دریافت می‌کند. "کسی که به عیسی مسیح ایمان آورد هرگز تشنه نخواهد شد" (یوحنا ۶: ۳۵). تمام مردمی که از آب این نهر که عیسی مسیح است بنوشند، به طور دائمی سیراب خواهند شد. آنها حیات جاودانی یعنی نجات کامل را دریافت می‌کنند. به عبارت دیگر، همان چیزی را تجربه می‌کنند که عیسی در یوحنا ۴: ۱۴ به زن سامری وعده داد: "آبی که من به او می‌دهم در او چشمه آبی می‌گردد که تا حیات جاودانی می‌جوشد."

ب) فرد ایماندار، خود وسیله‌ای برای انتقال برکات روحانی به دیگران می‌شود. "کسی که به عیسی مسیح ایمان آورد، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد" (یوحنا ۷: ۳۸). در عهد عتیق، "نهر حیات" در "شهر خدا" یافت می‌شود (مزمور ۴۶: ۴). این آب از زیر آستانه معبد جاری می‌شود تا بدین ترتیب باعث برکت فراوان شود (حزقیال ۴۷: ۱- ۱۲). به همین دلیل است که عیسی می‌فرماید: "چنانکه کتاب می‌گوید". روح‌القدس در زمان عهدجدید، به این متون از عهد عتیق کاربردی عمیق می‌بخشد. تمام ایماندارانی که تا به حال در این جهان زیست کرده‌اند با هم "شهر خدا" را که "اورشلیم جدید" است تشکیل می‌دهند (عبرانیان ۱۲: ۲۲- ۲۴؛ مکاشفه ۲۱: ۹- ۱۰). در یوحنا ۷: ۳۸، نهرهای آب حیات به‌صورت آبی تصویر شده است که از قلب هر فرد ایماندار جاری می‌شود. انسان با آمدن به نزد عیسی سیراب می‌شود، و او خود وسیله‌ای جهت انتقال برکات به دیگران می‌گردد.
عهد عتیق جاری شدن نهرهای برکات را با ریزش روح‌القدس مربوط می‌سازد (اشعیا ۴۳: ۳). به همین ترتیب یوحنا می‌فرماید: "اما عیسی این را گفت درباره روح، که هر که به او ایمان آورد او را خواهد یافت. زیرا که روح‌القدس هنوز عطا نشده بود، چونکه عیسی تا به حال جلال نیافته بود" (یوحنا ۷: ۳۹). عیسی فرمود که هر که به او ایمان آورد حیات جاودانی یعنی نجات کامل را دریافت خواهد نمود. مسیح سرچشمه واقعی و عامل اصلی حیات جاودانی و وافر برای هر فردی است که نزد او رفته، به او ایمان بیاورد. البته این وعده پس از جلال یافتن عیسی به تحقق رسید. منظور از جلال یافتن او، مصلوب شدن، قیام، صعود و جلوس او بر تخت پادشاهی در آسمان است. عیسی تنها پس از به جلال رسیدن است که نهرهای آب زنده را در قلوب ایمانداران جاری می‌سازد. یوحنای رسول توضیح می‌دهد که منظور عیسی، ریزش روح‌القدس پس از مرگ و قیام او است. عیسی مسیح از طریق روح‌القدس زندگی ایمانداران را دگرگون کرده، به آنها حیات جاودانی و نجات عطا می‌کند. او آنها را به توسط روح‌القدس تبدیل به کانالهایی جهت انتقال برکت به دیگر مردم می‌سازد. در کتاب اعمال رسولان می‌خوانیم که چگونه ایمانداران پس از ریزش روح‌القدس در روز پنطیکاست، باعث برکت بسیاری از مردم شدند. آنها پیغام نجات را به گوش بسیاری از مردم در اقصا نقاط جهان رساندند.

کشف ۲) در یوحنا ۷: ۴۵- ۵۲ در مورد آگاهی از شریعت و اطاعت از آن، حقیقت مهمی برای من وجود دارد.
رهبران مذهبی یهود به نگهبانان معبد دستور داده بودند که عیسی را دستگیر کنند. ولی نگهبانان معبد به حدی از سخنان عیسی در حیرت افتادند که نتوانستند چنین کنند. آنها گفتند: "هرگز کسی مثل این شخص سخن نگفته است." رهبران مذهبی عصبانی شدند و آنها را متهم کردند به اینکه از عیسی فریب خورده‌اند. آنها ادعا می‌کردند که هیچ کدام از رهبران مذهبی به او ایمان نیاورده‌اند و تنها کسانی که به او ایمان آورده‌اند، مردم عامی و بیسوادی هستند که از شریعت عهد عتیق آگاهی ندارند. رهبران مذهبی جماعتی را که به عیسی ایمان آورده بودند نفرین کردند. اما یکی از رهبران مذهبی به نام نیقودیموس توجه آنها را به تعالیم شریعت جلب کرد. او گفت، شریعت هیچ کس را محکوم نمی‌کند مگر اینکه نخست سخن او را بشنود و دریابد چه کرده است (تثنیه ۱: ۱۶- ۱۷). با وجود این رهبران مذهبی بدون اینکه حقایقی را در مورد عیسی بدانند، او را محکوم کردند. بنابراین رهبران و معلمین مذهبی یهود گرچه ادعا می‌کردند که شریعت را می‌دانند، اما از آن اطاعت نمی‌کردند. همان رهبران و معلمینی که لحظاتی قبل مردم را به دلیل عدم‌آگاهی از شریعت، پست و عامی قلمداد کردند، حال ناآگاهی خودشان را از شریعت نشان می‌دادند. اگر آنها طبق گفته خود از تعالیم شریعت آگاه بودند، این اتهام متوجه آنها بود که چرا از آن اطاعت نمی‌کنند.
همچنین در متی ۲۳: ۳، عیسی رهبران و معلمین مذهبی یهود را متهم می‌کند به اینکه آنچه را تعلیم می‌دهند خود به جا نمی‌آورند. بنابراین دانستن این موضوع برای من حائز اهمیت است که خدا می‌خواهد من بر حسب آنچه از اراده او می‌دانم، اطاعت کنم. یك مسیحی باید آنچه را که تعلیم می‌دهد خود نیز به جا آورد. او باید از آن قسمت از تعالیم کتاب‌مقدس که در مورد آنها آگاهی دارد، اطاعت کند.

قدم ۳: سؤال
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۷: ۱- ۵۳ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۷: ۲). عید خیمه‌ها چه عیدی بود؟
ملاحظات:
الف) هفت عید عهد عتیق.
در عهدعتیق هفت عید مذهبی وجود دارد (لاویان ۲۳؛ اعداد ۲۸- ۲۹): ۱) عید فصح یا عید نان فطیر، ۲) عید هفته‌ها یا عید نوبرها یا پنطیکاست، ۳) عید خیمه‌ها، ۴) عید سبت، ۵) عید کرناها، ۶) روز کفاره و ۷) عید پوریم. سه عید اول جزو اعیاد زیارتی بودند و طی آن، یهودیان از تمام کشورهای جهان جهت شرکت به اورشلیم می‌آمدند (تثنیه ۱۶: ۱۶). عید فصح نمایانگر آغاز برداشت محصول بود، عید پنطیکاست نمایانگر جمع آوری محصول و پایان حصاد، و عید خیمه‌ها یا "عید سکونت در خیمه‌ها" نمایانگر شکرگزاری برای محصول بود.

ب) عید خیمه‌ها در هفتمین ماه تقویم یهودی که مصادف با اکتبر بود جشن گرفته می‌شد و به مدت هفت روز به طول می‌انجامید. این عید نه تنها جشن برداشت محصول و زمان سپاسگزاری مردم اسرائیل از خدا به خاطر محصول، بلکه همچنین جشن شادی بود که عمل خدا در رهبری قوم اسرائیل از بیابان به مدت چهل سال و برکاتی را که خدا به قوم اسرائیل و تمام مردم جهان وعده داده بود، تداعی می‌کرد. مردم در این عید هفت روزه، قربانی می‌آوردند، در خیمه‌ها سکونت می‌کردند، همه جا را چراغانی می‌کردند، و آب می‌پاشیدند. کلبه‌های کوچکی از شاخ و برگ درختان می‌ساختند و بر پشت بامها و داخل خیابانها نصب می‌کردند تا زائرانی که جهت شرکت در این عید آمده بودند پناهگاهی برای سکونت داشته باشند. شمعدان بزرگی در معبد روشن بود که برای مردم یادآور ستون آتشی بود که پس از خروج قوم اسرائیل از مصر، شب‌هنگام آنها را هدایت می‌کرد. همچنین در شب مشلعی نمایان بود. مراسم ریختن آب یادآور آب گوارایی بود که به طرزی معجزه‌آسا از صخره‌ای در مریبه جاری شد (خروج ۱۷: ۱- ۷). در هر هفت روز عید، کاهنی کوزه‌ای را از آب حوض پر می‌کرد و آن را به اتفاق گروهی از مردم به سوی معبد می‌برد. سپس در معبد در میان نوای شیپور و فریاد شادی مردم، آب را در کانالی قیف مانند می‌ریخت که تا پایین مذبح امتداد داشت. این رسم سمبلیك ریختن آب مردم را به یاد وعده‌های عهد عتیق می‌انداخت: "اینك بر زمین تشنه آب خواهم ریخت و نهرها را بر زمین خشك؛ روح خود را بر ذریت تو خواهم ریخت و برکت خویش را بر اولاد تو" (اشعیا ۴۴: ۳). "ای جمیع تشنگان نزد آبها بیابید" (اشعیا ۵۵: ۱) و "تو مثل باغ سیراب و مانند چشمه آب که آبش کم نشود خواهی بود" (اشعیا ۵۸: ۱۱). به همین دلیل است که عیسی در آیه ۳۸ می‌تواند با اطمینان و قاطعیت بگوید: "چنانکه کتاب می‌گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد."

سؤال ۲) (یوحنا ۷: ۶). چرا عیسی می‌گوید، وقت او هنوز فرا نرسیده است؟
ملاحظات:
ما سه بار در انجیل یوحنا فصل ۷ درمورد "وقت مناسب" می‌خوانیم. منظور از وقت مناسب، وقت درست و مقرر شده برای انجام عملی از سوی عیسی است. کتاب‌مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که برای هر سخن و عمل عیسی مسیح بر روی زمین، زمان مشخصی وجود دارد که از ازل توسط خدای پدر و در نقشه ابدی او مقرر گشته است. در آیات ۶ و ۹ عیسی می‌فرماید که زمان مناسب جهت رفتن به عید هنوز فرا نرسیده است. در آیات ۲۸- ۳۰، رهبران مذهبی یهود پس از آنکه عیسی آشکارا به آنها گفت که خدای پدر را نمی‌شناسند، در صدد دستگیری او بر آمدند. ولی هیچکس دست بر او دراز نکرد زیرا هنوز ساعت (وقت) او فرا نرسیده بود. عیسی علیرغم شرایط سختی که در آن قرار داشت، از خطر دشمنان مصون بود، زیرا اراده خدا این نبود که او در آن زمان بمیرد. تنها در یوحنا ۱۲: ۲۳- ۲۴ است که عیسی می‌فرماید: "ساعتی رسیده است که پسر انسان جلال یابد". و سپس راجع به مرگ خود پیشگویی کرد. همچنین در یوحنا ۱۳: ۱ عیسی می‌فرماید که ساعت او رسیده است تا از این جهان به نزد پدر برود. و در یوحنا ۱۷: ۱، چنین دعا می‌کند: "ای پدر ساعت رسیده است، پسر خود را جلال بده."
بنابراین زمان آمدن عیسی به جهان، خدمات و مرگ او همه از ازل در نقشه خدای پدر مقرر شده بود. خدای قادر مطلق است که از آسمان سرنوشت تاریخ بشر را معین می‌کند، نه انسان.

سؤال ۳) (یوحنا ۷: ۱۴- ۱۶). چگونه عیسی بدون اینکه تعلیم دیده باشد آنهمه در مورد امور دینی آگاهی داشت؟
ملاحظات: وقتی که عیسی در معبد به مردم تعلیم می‌داد، آنها با تعجب پرسیدند: "این شخص که هرگز تعلیم نیافته، چگونه کتب را می‌داند؟"

الف) معیار تحصیل در زمان عیسی. در زمان عیسی تنها مدارس شناخته شده، مدارسی بود که در آنها معلمین مذهبی (خاخامها یا عالمین یهود) عهد عتیق و الهیات یهود را تعلیم می‌دادند. عیسی برخلاف فریسیان و صدوقیان که دو جناح مذهبی مخالف بودند، در هیچ یك از این مدارس مذهبی تعلیم ندیده بود. بنابراین، او از نظر معلمین و رهبران مذهبی یهود هیچ مدرك تحصیلی نداشت و از لحاظ الهیاتی عامی و بیسواد بود. به همین خاطر بود که آنها هیچ یك از تعالیم عیسی را صحیح نمی‌پنداشتند. دانش علمای یهود بر تفاسیر عهد عتیق مبتنی بود، و بنابراین از نظر آنان عیسی درخصوص امور روحانی تعالیمی مشخص و معیار ارائه نمی‌داد، بلکه آنچه می‌گفت صرفاً عقاید شخصی خودش بود. به این دلیل بود که آنها مایل نبودند مردم از عیسی تعلیم بگیرند.

ب) منبع مخصوص تعالیم عیسی. عیسی در پاسخ کسانی که از او انتقاد می‌کردند فرمود: "تعلیم من از من نیست، بلکه از فرستنده من است". عیسی از هیچ کدام از معلمین مذهبی تعلیم نیافته بود. بلکه تعلیم او تنها از خدا بود. رهبران مذهبی یهود کاملاً نسبت به این موضوع که ممکن است تعالیم عیسی از منبعی غیر از منابع تعلیمی یهود سرچشمه گرفته باشد، غافل بودند. خدا که خود منبع تمام تعالیم است، بر تمامی مدارس یهود برتری دارد. عیسی بارها اعلام داشته بود که تعالیم خود را از پدر آسمانی‌اش دریافت کرده است. و این هشداری جدی به دشمنان بود، زیرا با رد پیغام و تعالیم عیسی، در واقع خود خدا را که بزرگترین معلم است رد می‌کردند.

سؤال ۴) (یوحنا ۷: ۱۷- ۱۸). کسی که می‌خواهد به ارزیابی تعالیم عیسی بپردازد باید دارای چه خصوصیاتی باشد؟
ملاحظات: عیسی می‌فرماید: "اگر کسی بخواهد اراده او را به عمل آرد، درباره تعلیم خواهد دانست که از خداست یا آنکه من از خود سخن می‌رانم. هر که از خود سخن گوید، جلال خود را طالب است، اما هر که طالب جلال فرستنده خود باشد او صادق است و در او ناراستی نیست". مطابق گفته عیسی، هر که می‌خواهد به ارزیابی تعالیم او بپردازد، باید بطرزی شایسته و با انگیزه درست چنین کند.

الف) منظور از داشتن طرز برخورد شایسته، تمایل به اطاعت نمودن از خدا است. عیسی در آیه ۱۷ می‌فرماید که اگر شخصی نخواهد از اراده خدا آنگونه که در کتاب‌مقدس مکتوب است اطاعت کند، هیچگاه از علم و آگاهی درستی بهره‌مند نخواهد شد. چنین شخصی از نظر عقلانی قادر به درك مفهوم پیغام خدا نخواهد بود و از نظر تجربی نیز نخواهد توانست با خدا ارتباط ایجاد کند. در آیه ۱۷، عیسی تعلیم می‌دهد که فرد تنها در صورتی می‌تواند تعالیم خدا را بداند که حاضر باشد از او اطاعت کند و بطرزی درست در صدد ارزیابی تعالیم خدا برآید.

ب) منظور از انگیزه صحیح، طلبیدن جلال خدا است. در آیه ۱۸ عیسی می‌فرماید که اگر کسی بخواهد خودش را جلال دهد، صرفاً ریا و تظاهر می‌کند. این درست همان کاری بود که رهبران مذهبی یهود انجام می‌دادند. آنها دوست داشتند مردم به آنها به چشم معلم و رهبر نگاه کنند و آنها را به خاطر غیرتشان تحسین نمایند، و بنابراین وقتی می‌دیدند مردم به سخنان عیسی گوش می‌دهند، نسبت به او حسادت می‌ورزیدند. آنها در پی جلال دادن خودشان بودند، به همین دلیل متوجه نبودند که عیسی سخنان خدا را بیان می‌کند. عیسی سخنان پدرش را بیان می‌کرد و در پی انجام اراده او بود. هدف او از تمامی سخنان و اعمالش، جلال دادن پدر آسمانی‌اش بود. به همین جهت سخنانش کاملاً درست و قابل اعتماد بود. بنابراین برای درك و ارزیابی تعالیم عیسی، باید هم نگرش‌مان صحیح و شایسته باشد و هم هدف‌مان این باشد که از خدا اطاعت کنیم. همچنین باید انگیزه‌مان این باشد که خدا جلال بیابد. در این صورت خواهیم فهمید که تعالیم عیسی براستی از آسمان است.

سؤال ۵) (یوحنا ۷: ۱۷). در آیه ۱۷، چه ارتباطی میان معرفت و اطاعت وجود دارد؟
ملاحظات: در کتاب‌مقدس ارتباط خاصی میان معرفت، محبت و اطاعت وجود دارد.

الف) معرفت- محبت- اطاعت. در یوحنا ۱۷: ۲۶، عیسی می‌فرماید: او به شاگردان خود معرفت خدا را عطا کرده است تا محبت خدا در آنها باشد. در یوحنا ۱۴: ۱۵، عیسی می‌فرماید: "اگر مرا دوست دارید احکام مرا نگاه خواهید داشت." بنابراین شناخت خدا منجر به محبت به خدا، و محبت به خدا منجر به اطاعت از او می‌شود. ارتباط بین این سه عنصر، بدین صورت است : اول معرفت یا شناخت، دوم محبت، سوم اطاعت.

ب) اطاعت- محبت- معرفت. یوحنا ۷: ۱۷ می‌فرماید، قبل از اینکه معرفت راستین را بیابید باید حاضر باشید که اطاعت کنید. افسسیان ۳: ۱۷- ۱۹ نیز می‌فرماید، شما قبل از اینکه بتوانید معرفت خدا را درك کنید، باید در محبت ریشه بدوانید. در این قسمتها از کلام خدا، محبت و اطاعت قبل از معرفت می‌آیند. بنابراین اطاعت از خدا، به محبت بیشتر برای خدا و کسب معرفت و شناخت تجربی از او می‌انجامد.

پ) ارتباط و وابستگی موجود بین این سه عنصر. این سه عنصر، یعنی معرفت عقلانی، محبت قلبی و اطاعت ارادی، همگی به هم مرتبط و وابسته هستند و بر روی یکدیگر تأثیر گذاشته، یکدیگر را غنی میسازند. هیچ کدام از این عناصر را نمیتوان مهمتر و ارجحتر از دو عنصر دیگر دانست، بلکه تنها فیض مطلق خداست که در درجه نخست اهمیت قرار دارد. تنها بواسطه فیض خداست که ما به کسب معرفت، محبت و اطاعت میرسیم. فیض مطلق خدا بر کل شخصیت ما تأثیر گذاشته، آن را شکل میدهد تا بتوانیم برای جلال خدا زیست کنیم.

قدم ۴: بکار ببرید
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکانپذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکانپذیر براساس یوحنا ۷: ۱ - ۵۳ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما میخواهد کدامیک از کاربردهای امکانپذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا میکنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی مییابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکانپذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونههایی از کاربردهای امکان پذیر از یوحنا فصل ۷

- ۷: ۱ * عقل حکم میکند که از اماکنی که مردم قصد اذیت یا کشتن شما را دارند، دوری جویید.
- ۷: ۵ * تعجب نکنید اگر برخی از اعضای خانوادهتان نظیر والدین، برادران و خواهران و یا فرزندانتان به عیسی مسیح ایمان ندارند و حتی شما را به خاطر ایمان به مسیح مورد تمسخر قرار میدهند.
- ۷: ۷ * از اینکه دنیا وقتی به کارهای بد آن شهادت میدهید از شما نفرت دارد، تعجب نکنید.
- ۷: ۸ * برای هر عملی وقت و زمان مناسبی هست. زمانی برای صبر کردن و زمانی برای عمل کردن است. جامعه ۳: ۱ - ۸؛ ۸: ۵ – ۶ را بخوانید. برای خدا نیز زمانی است که او صبر میکند و زمانی که وارد عمل میشود. خداست که سرنوشت تاریخ بشر را تعیین میکند، نه انسان.
- ۷: ۱۲ * تعجب نکنید اگر مردم در مورد عیسی مسیح دیدگاههای مختلفی دارند. حتی امروزه نیز بسیاری از مردم عیسی را یك نبی میپندارند، در حالیکه او در حقیقت مسیح موعود است (۷: ۴۰- ۴۳). لوقا ۲: ۳۴ را مطالعه کنید.
- ۷: ۱۴ * عیسی در اماکنی تعلیم میداد که مردم در پی مذهب و علاقهمند به امور مذهبی بودند. به طور خاص متوجه مردمی باشید که در جستجوی خدا هستند.
- ۷: ۱۵- ۱۶ * ممکن است شخصی در یك مؤسسه یا دانشگاه خوب و معتبر تحصیل کرده باشد، ولی تنها زمانی میتوان از کلام خدا به بهترین وجه تعلیم دید که پای سخنان عیسی مسیح بنشینیم که بزرگترین معلم است.
- ۷: ۱۷ * اگر میخواهید تعالیم عیسی مسیح را ارزیابی و درك کنید، باید ابتدا نسبت به این موضوع برخوردی صحیح داشته باشید و حاضر باشید از او اطاعت نمایید.
- ۷: ۱۸ * اگر میخواهید تعالیم عیسی مسیح را ارزیابی و درك کنید، باید ابتدا انگیزه صحیح داشته، تنها طالب جلال خدا باشید.
- ۷: ۲۰ * از اینکه مردم شما را شخصی دیوزده بپندارند، متعجب نشوید.
- ۷: ۲۴ * هیچگاه بر اساس ظواهر در مورد مردم و شرایط قضاوت نکنید، بلکه به حق داوری کنید.
- ۷: ۳۷- ۳۹ * این را بدانید که وقتی به عیسی مسیح ایمان میآورید، روحالقدس نه تنها زندگی شما را مبدل میسازد، بلکه از شما استفاده میکند تا عاملی برای انتقال برکات روحانی به دیگران باشید.
- ۷: ۴۷- ۵۱ * مواظب باشید که وقتی خودتان به شریعت خدا عمل نمیکنید، دیگران را بخاطر عمل نکردن به آن محکوم نسازید.

نمونههایی از کاربردهای شخصی

الف) میخواهم آگاهانه بر این حقیقت واقف باشم که خدا مرا کانالی جهت انتقال برکت به دیگران قرار داده است. او روحالقدس را به من عطا کرده تا در زندگی من ساکن شود، تا بدینوسیله بتوانم پیغام انجیل نجات را با دیگران در میان بگذارم و آنها را بواسطه محبتی که خدا در من قرار داده است، محبت و خدمت کنم.

ب) میخواهم به اطاعت کردن از شریعت خدا ادامه دهم. شریعت خدا، سخنان خداست که در کتابمقدس نوشته شده است. من میخواهم آنچه را که موعظه میکنم، خود نیز به جا آورم. میخواهم از آن قسمت از حقایق کتابمقدس که در موردشان آگاهی دارم، اطاعت کنم.

قدم ۵: دعا کنید در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۷: ۱- ۵۳ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروههای دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ۷ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از کولسیان ۳- ۴ و اول تسالونیکیان فصل ۱ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۵: ۲۴) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۹

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) کولسیان و اول تسالونیکیان

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (کولسیان ۳- ۴ و اول تسالونیکیان فصل ۱) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: یوحنا ۵: ۲۴

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) ازدواج مسیحی

مقدمه: این تعلیم در رابطه با ازدواج مسیحی است. در این درس یاد خواهیم گرفت که کتاب‌مقدس درمورد ازدواج و مراسم آن چه تعلیمی می‌دهد.

الف - مشخصات ازدواج

۱- ازدواج، ایده و حکم خداست و خود خدا بانی و مؤسس آن می‌باشد.

کشف و گفتگو کنید: منشأ و سرآغاز رسم ازدواج چیست؟

الف) ازدواج بیانگر رابطه موجود میان دو فرد از دو جنس مخالف است.
بخوانید: پیدایش ۱: ۲۶- ۲۸؛ ۲: ۱۸- ۲۴؛ امثال ۵: ۱۵- ۱۹.
ملاحظات: وقتی خدا تصمیم گرفت جهان را خلق کند، راهی مقرر داشت تا موجودات مختلف بتوانند از طریق آن رشد کنند و ادامه بقا یابند. خدا موجودات را با جنسیتهای مختلف خلق کرد و برای این کار هدفی داشت. مرد و زن، هر دو انعکاسی از تصویر خدا هستند. آنان در چارچوب ازدواج کوچکترین واحد خانواده را که پایه و اساس جامعه بشری است، تشکیل می‌دهند. خدا انسان را بصورت مرد و زن آفرید تا زن و شوهر به هم پیوسته، واحد خانوادگی قدرتمندی را بوجود آورند و از ازدواج خود لذت ببرند، و بدین ترتیب بشر بتواند به حیات خود ادامه دهد.

ب) ازدواج حکم خداست و او بانی و مؤسس آن است.
بخوانید: پیدایش ۲: ۲۴؛ متی ۱۹: ۴- ۶؛ افسسیان ۵: ۳۱.
ملاحظات: ازدواج یکی از ابداعات فرهنگ یا جامعه بشری محسوب نمی‌شود. خدا خود در نهاد مرد و زن نیاز به ازدواج را قرار داد و آن را بنیان نهاد. بر طبق پیدایش ۲: ۲۴، قبل از آنکه مرد و زن گناه کرده، سقوط نمایند، خدا نقشه خود مبنی بر ازدواج بین آندو را آشکار کرده بود. او ازدواج را بعنوان رابطه‌ای مقدر کرد که در آن شخص باید خانواده خود را ترك کرده، با زن یا شوهر خود متحد شود و در این چارچوب زن و شوهر می‌توانند با هم رابطه جنسی داشته باشند. بر طبق متی فصل ۱۹ و افسسیان فصل ۵، حتی پس از سقوط مرد و زن، خدا حکم و بنیاد ازدواج را برقرار نگاه داشت. عیسی مسیح خداوند و پولس رسول، هر دو بر این موضوع تأکید می‌کنند که ازدواج به عنوان رسمی که خدا خود بانی و مؤسس آن بوده است، باید در میان تمام ملل و فرهنگهای روی زمین تداوم داشته باشد.

پ) ازدواج تصویری است از رابطه بین خدا و قومش.
بخوانید: ارمیا ۳: ۱؛ افسسیان ۵: ۲۲- ۲۵.
ملاحظات: در عهد عتیق، ازدواج تصویر و تداعی‌کننده رابطه بین خدا و قومش بر روی زمین است. شخصی که از خدا رویگردان می‌شود، در نظر خدا مثل یك فاحشه است. در عهد جدید، ازدواج مسیحی تصویری است از رابطه بین مسیح و کلیسای او، و بر این رابطه گواهی می‌دهد. اگرچه در طول سالهای متمادی فرهنگهای موجود در جهان رسم ازدواج را که خدا آن را مقرر داشته است تغییر داده‌اند، خدا کماکان خواهان آن است که تمام مردم و فرهنگهای روی زمین ازدواج را رسمی بدانند که خود خدا بانی آن است.

۲- ازدواج باید بر تك همسری مبتنی باشد.

کشف و گفتگو کنید: خدا درمورد تعدد زوجین و صیغه چه می‌فرماید؟

الف) خدا در زمان آفرینش انسان، تك همسری را مقرر داشت.
بخوانید: اول پادشاهان ۱۱: ۱- ۱۱.
ملاحظات: اگرچه در عهد عتیق درمورد پادشاهان مهمی چون داود و سلیمان می‌خوانیم که بیش از یك زن داشتند، کتاب‌مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که تعدد زوجین از همان ابتدای خلقت بشر با نقشه و برنامه خدا در تعارض بوده است.
تعدد زوجین در عهد عتیق به مشکلاتی چون حسادت، تبعیض و بت‌پرستی منجر می‌شد.

ب) حتی پس از سقوط انسان، تك همسری به عنوان رسمی که خود خدا بانی آن است، حفظ گردید.
بخوانید: پیدایش ۲: ۲۴؛ متی ۱۹: ۵.
ملاحظات: خدا هیچوقت نقشه اولیه خود را که در پیدایش ۲: ۲۴ عنوان شده، تغییر نداده است. خدا هرگز نفرمود: "مرد باید با زنهای خود بپیوندد"، بلکه فرمود: "او باید با زن خود بپیوندد." خدا کلمه زن را بصورت مفرد بکار برده است. عیسی این حکم را تکرار می‌کند و در متی ۱۹: ۵ می‌فرماید: "آن دو یك تن خواهند شد". او رابطه موجود در ازدواج، مخصوصاً رابطه جنسی را، تنها به دو نفر محدود کرده است. خدا با چند همسری و صیغه مخالف است. او همچنین مخالف زنا و داشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج است. خدا از لاس زدن نفرت دارد، زیرا این عمل تظاهر به عشق و معاشقه است در فضایی که در آن خلوص نیت و پرهیزگاری وجود ندارد و هدف صرفاً ارضای لذایذ شخصی است (پیدایش ۳: ۱- ۵؛ دوم قرنتیان ۱۱: ۱- ۲؛ دوم تیموتاؤس ۳: ۱- ۶).

۳- ازدواج تا زمانی تداوم می‌یابد که طرفین ازدواج هر دو در قید حیات هستند.

کشف و گفتگو کنید: خدا در رابطه با تداوم ازدواج چه می‌فرماید؟

الف) خدا زن و مرد را تا پایان عمر با هم متحد می‌سازد.
بخوانید: دوم قرنتیان ۶: ۱۴؛ متی ۱۹: ۳- ۶؛ ملاکی ۲: ۱۶.
ملاحظات: بر طبق دوم قرنتیان ۶: ۱۴، یك فرد مسیحی موظف است تنها با شخصی ایماندار ازدواج کند. ولی بر طبق متی ۱۹: ۶، این خداست که دو نفر را مادام که در قید حیات هستند در پیمان ازدواج با هم متحد می‌سازد. عیسی به وضوح تعلیم می‌دهد که خدا بهنگام آفریدن انسان به او اجازه طلاق نداد. تعلیم عیسی چنین است: "آنچه را که خدا پیوست، انسان آن را جدا نسازد". ازدواج به این معنا است که خدا زن و مرد را تا زمانی که بر این زمین زندگی می‌کنند به یکدیگر پیوسته است. خدا می‌فرماید: "من از طلاق و از اینکه انسانها به هم ظلم کنند، نفرت دارم". خدا طلاق را نوعی ظلم در حق طرفین ازدواج محسوب می‌کند، و به همین جهت از آن نفرت دارد.

ب) طلاق در کتاب‌مقدس.
بخوانید: متی ۱۹: ۹؛ اول قرنتیان ۷: ۱۵.
ملاحظات: بااینحال کتاب‌مقدس بواسطه وجود گناه در جهان، طلاق را تنها در صورت عدم وفاداری زوجین نسبت به هم، یا در صورت زنای روحانی یا ناسازگاری از لحاظ روحانی، جایز می‌شمارد (به دستورعمل بنای کلیسا کتاب ۴ درس ۴۱ مراجعه کنید). بر طبق کلام خدا، طلاق تنها در صورتی جایز است که یکی از طرفین ازدواج دچار فساد جنسی باشد، رفتاری ظالمانه و خشن داشته باشد و یا نخواهد با شریک مسیحی خود زندگی کند.

۴- ازدواج امری موقتی است و تنها به زندگی کنونی زوجین بر روی این زمین محدود می‌باشد.

کشف و گفتگو کنید: آیا ازدواج پس از مرگ نیز ادامه می‌یابد؟ مرگ چه تأثیری بر روابط یك زوج دارد؟

الف) <u>ازدواج مادام که يك زوج در قيد حيات هستند تداوم میيابد.</u>
بخوانيد: روميان ۷: ۲؛ اول قرنتيان ۷: ۳۹.
ملاحظات: پولس تعليم میدهد که روابط در چارچوب ازدواج تنها محدود به مدتی است که طرفين ازدواج در قيد حيات هستند. اگر يکی از طرفين بميرد، همسر او ديگر تعهدی نسبت به او ندارد و میتواند با يك فرد مسيحی ديگر ازدواج کند.

ب) <u>خدا ازدواج را برای انسان بر روی زمين مقرر کرد، نه برای آسمان.</u>
بخوانيد: متی ۲۲: ۲۳- ۳۲.
ملاحظات: عيسی تعليم میدهد که پس از قيامت مردگان مردم ديگر ازدواج نخواهند کرد و چنين عهدی با يکديگر نخواهند بست. در آن زمان مسيحيان مانند فرشتگان آسمان خواهند بود. بااينحال تمامی روابط موجود بين مردم بر اين زمين، از جمله رابطه آنان با همسران قبلیشان، در آسمان جنبهای بسيار غنی و پرمعناتر خواهد داشت، زيرا همگان در حضور خدا زندگی کاملی خواهد داشت. بنابراين خدا ازدواج را برای مدت زمانيکه انسان بر روی اين زمين زيست میکند مقرر داشت، نه برای زمانی که او در آسمان است. ارزش ابدی ازدواج بين زن و مرد در اين دنيا، بخاطر تاثيری است که ازدواج در ساختن شخصيت فرد، منعکس کردن مسيح و اعلام پيام او، و توليد فرزندان دارد.

<u>۵- ازدواج برای بسياری از مردم رابطهای معمولی بر اين زمين است، ولی اين لزوماً به اين معنا نيست که همه بايد ازدواج کنند يا ازدواج به نفع همه است، بلکه خدا ممکن است برای زندگی برخی از مردم هدف ديگری داشته باشد.</u>

کشف وگفتگو کنيد: چرا ازدواج لزوماً برای همه بهترين راه نيست؟

الف) <u>مزايای ازدواج نکردن.</u>
بخوانيد: متی ۱۹: ۹- ۱۲؛ اول قرنتيان ۷: ۸- ۹، ۲۵- ۳۵؛ اول قرنتيان ۹: ۵؛ اول تيموتاؤس ۳: ۲؛ ۴: ۳.
ملاحظات: اگرچه برخی از زاهدين ازدواج را منع میکنند و برخی از کليساها با ازدواج رهبرانشان مخالفت میکنند، عيسی و پولس هر دو تعليم میدهند که ازدواج بايد رابطهای معمول ميان مسيحيان و حتی رهبران محسوب شود. تعليم آنها اين است که تجرد نه لعنت است و نه مجازات. افراد مجرد به اندازه افراد متأهل در نظر خدا ارزش دارند. ممکن است نقشه خدا برای برخی از انسانها اين باشد که برای مدتی و يا برای هميشه در طول زندگیشان مجرد باقی بمانند تا بدين ترتيب بتوانند به کار يا خدمت خاصی در ملکوت خدا مشغول باشند. ممکن است خدا بخواهد چنين افرادی به طور کامل خود را وقف خدمت به او نمايند.

ب) <u>وعده خدا به افرادی که ازدواج نکردهاند.</u>
بخوانيد: اشعيا ۵۴: ۱- ۵.
ملاحظات: خدا به افرادی که ازدواج نکردهاند وعده میدهد که در نتيجه خدمتشان در ملکوت خدا ثمر خواهند آورد.

پ) <u>هشدار خدا در رابطه با ازدواج با افراد بیايمان.</u>
بخوانيد: اول قرنتيان ۷: ۱۶، ۳۹.
ملاحظات: به خاطر وجود گناه در اين جهان، خيلی از زنان مسيحی هستند که نمیتوانند مردان مسيحی مناسبی جهت ازدواج بيابند. کليساها بايد به جای اينکه به چنين زنانی اجازه دهند با مردان بیايمان ازدواج کنند، بکوشند مردان بيشتری را در کشور خود به سوی مسيح جذب کنند. پولس رسول نه تنها در مورد ازدواج فرد مسيحی با يك بیايمان هشدار میدهد، بلکه ما را از داشتن تصورات اشتباه در اين رابطه نيز برحذر میدارد. برخی از مسيحيان فکر میکنند که اگر با يك بیايمان ازدواج کنند، میتوانند روی او تأثير بگذارند و باعث نجات او شوند، و فکر میکنند که همسرشان سرانجام به مسيح ايمان خواهد آورد. و حال آنکه اين تصورشان اشتباه است، زيرا هيچ انسانی نمیتواند انسان ديگری را متقاعد سازد که به مسيح ايمان آورد. اينکار تنها مخصوص خود خدا است (يوحنا ۶: ۴۴). بنابراين يك مسيحی نبايد مغرور شود و از خدا نااطاعتی کند. چنين ازدواجی ممکن است برای زوج ايماندار و فرزندان او مشکلات فراوانی بوجود آورد.

ب - <u>وظايف زن و شوهر مسيحی</u>

مقدمه: خدا مرد و زن را خلق کرد و رابطه ازدواج را ميانشان بنيان نهاد. بنابراين او اين حق را دارد که وظايف زن و شوهر را نسبت به يکديگر تعيين کند. خدا میداند چگونه مخلوقات او میتوانند به بهترين نحو عمل کنند. يك زن و شوهر مسيحی تنها در صورتی میتوانند ازدواج مبارکی داشته باشند که وظايفی را که خدا به آنها سپرده است انجام دهند.
برخی از مردم چنين استدلال میکنند که کتابمقدس وظايف زن و شوهر نسبت به يکديگر را در چارچوب فرهنگ آن زمان بيان کرده است و اين وظايف در مورد مسيحيان کنونی مصداق ندارد. چنين استدلالی بسيار خطرناك است زيرا اصولی که خدا در کتابمقدس تعليم داده است، برای هر زمانی کاربرد دارد و هدف از آنها، عوض کردن فرهنگ گناهآلود انسان است. (مراجعه کنيد به دستورعمل بنای کليسا - کتاب دوم، درس ۲۳، که ارتباط بين فرهنگ انسان و فرهنگ ملکوت خدا در آن توضيح داده شده است).

۱- **وظیفه زن و شوهر مسیحی این است که شهادتی زنده از رابطه موجود میان مسیح و کلیسا باشند.**

بخوانید: افسسیان ۵: ۲۲- ۲۵.
کشف و گفتگو کنید: اولین وظیفه یك زن و شوهر مسیحی چیست؟
ملاحظات:
ازدواج باید شهادتی زنده از رابطه موجود میان مسیح و کلیسا باشد. کتاب‌مقدس به شوهران حکم می‌کند که سر زنان خود باشند، چنانکه مسیح نیز سر کلیساست. شوهران باید زنان خود را محبت نمایند، چنانکه مسیح نیز کلیسا را محبت می‌کند. حکم کتاب‌مقدس به زنان این است که تسلیم شوهران خود باشند، همانگونه که کلیسا تسلیم مسیح است. بنابراین ازدواج باید آشکارا نمایانگر ارتباط موجود میان مسیح و کلیسا باشد. بدین ترتیب ازدواج وسیله‌ای خواهد بود جهت اعلام پیام مسیح به جهانیان. مردم جهان با مشاهده یك ازدواج خوب مسیحی بیشتر در مورد مسیح و قوم او خواهند آموخت و نه تنها راجع به محبتی که خدا نسبت به آنها دارد می‌شنوند، بلکه این محبت را عملاً در چارچوب روابط زن و مرد در یك ازدواج مسیحی، می‌بینند. نه تنها در مورد شادی ناشی از ارتباط با خدای زنده می‌شنوند، بلکه نمونه چنین شادی را در چارچوب روابط زن و مرد در ازدواج مسیحی شاهد خواهند بود، و غیره. ارتباط بین زن و شوهر مسیحی در چارچوب ازدواج شهادت پرقدرتی است از واقعیت و جذابیت رابطه با مسیح. ازدواج مسیحی می‌تواند خود عاملی برای بشارت پیام مسیح به مردم بی‌ایمان باشد، مخصوصاً هنگامی که در خانه مسیحی به روی دیگران باز است و مردم می‌توانند عملکرد و رفتار یك خانواده مسیحی را از نزدیك شاهد باشند.

۲- **وظیفه شوهران مسیحی محبت و هدایت زنانشان است.**

بخوانید: امثال ۳۱: ۱۰-۱۲، ۲۸؛ افسسیان ۵: ۲۵- ۲۹، ۳۳؛ اول پطرس ۳: ۷.
کشف و گفتگو کنید: خدا چه وظایفی به شوهران سپرده است؟
ملاحظات:
الف) اولین وظیفه‌ای که خدا بر عهده یك شوهر مسیحی نهاده است این است که به زنش محبت کند.
زن خود را محبت کردن یعنی به همسرمان همانگونه محبت کنیم که مسیح کلیسا را محبت کرد. محبت کردن یعنی اینکه بجای اندیشیدن به منافع خود، به طرف مقابل بیاندیشیم و به او توجه داشته باشیم. او را با تمام وجود بپذیریم و به او کمك کنیم تا پیشرفت نماید. شوهر باید به زن خود توجه نشان دهد و با او رفتاری احترام‌آمیز داشته باشد. اول قرنتیان فصل ۱۳ محبت را بسیار زیبا توصیف می‌کند. منظور از حلم یا بردباری، محبتی است که می‌تواند صبر کند؛ محبتی است که جنبه تحمیلی ندارد، بلکه کمك می‌کند و از هر موقعیتی برای نیکی کردن به همسر استفاده می‌کند. حسد ندارد، بلکه همواره از طرف مقابل قدردانی می‌کند و او را حرمت مینهد. فخر نمی‌ورزد، بلکه برغم موفقیتهای شخصی و با وجود کارایی و شایستگی، فروتن است و هیچگاه سعی نمی‌کند چنین محسناتی را به رخ طرف مقابل بکشد. کبر و غرور ندارد، بلکه در خصوص نقاط قوت و ضعفی که در رابطه او با همسرش وجود دارند، فروتن و افتاده است. رفتار ناشایست ندارد، بلکه با احترام و ملایمت با طرف مقابل رفتار می‌کند. نفع خود را طالب نیست بلکه بدون در نظر گرفتن منافع فردی، خواهان این است که علایق و خواسته‌های همسرش را برآورده سازد. بیدرنگ خشمگین نمی‌شود، بلکه رفتار نادرست و پرخاشگری‌های طرف مقابل را با ملایمت تحمل می‌کند، و غیره. در کتاب امثال به شیوه دیگری از محبت شوهر نسبت به همسرش برمی‌خوریم: دل شوهری که زن صالحه دارد، بر همسرش توکل دارد. به عنوان مثال، از آنجا که به کمك همسرش متکی است، از او درخواست کمك می‌کند. محبت واقعی باعث می‌شود که زن احساس کند شوهرش به او نیازمند است و قدر او را می‌داند. چنین زنی مایل است در زندگی در حق همسرش نیکی کند. به همین دلیل است که هم شوهر و هم فرزندانش، او را می‌ستایند.

ب) دومین وظیفه‌ای که خدا بر عهده یك شوهر مسیحی نهاده است، رهبری و هدایت زنش است.
یك شوهر باید همانگونه که مسیح کلیسا را هدایت می‌کند، زن خود را هدایت کند. شوهر باید او را مانند یك شبان هدایت کند. او باید زنش را تغذیه کند، از او مراقبت و محافظت کند و در زمان مشکلات به او کمك نماید. شوهر مسیحی باید مثل یك ناظر همسرش را هدایت کند. به عبارت دیگر، باید زنش را در طرق خدا هدایت کند و به فکر علائق او باشد (فیلیپیان ۲: ۴). شوهر مسیحی باید زنش را مانند یك خادم هدایت کند. یا به مفهومی دیگر، باید در قسمتهایی که همسرش به او نیاز دارد، او را خدمت کند.

۳- **زنان مسیحی نیز وظیفه دارند که به شوهرانشان محبت کنند و به آنها احترام بگذارند.**

بخوانید: افسسیان ۵: ۲۲- ۲۴، ۳۳؛ تیطس ۲: ۴- ۵؛ اول پطرس ۳: ۱- ۶.
کشف و گفتگو کنید: خدا مسؤلیتهایی به زنان سپرده است؟
ملاحظات:
الف) اولین وظیفه‌ای که خدا بر عهده یك زن مسیحی نهاده است محبت کردن شوهرش می‌باشد.
تیطس ۲: ۴- ۵ تعلیم می‌دهد که مادران جوانتر باید شوهران و فرزندان خود را محبت کنند، خویشتندار و عفیف و شایسته و مهربان و تسلیم شوهران خویش باشند، تا هیچ کس نتواند درمورد کلام خدا بد بگوید. همچنین زنان مسیحی باید از خصوصیاتی

که در اول قرنتیان فصل ۱۳ ذکر شده است، نظیر بردباری، مهربانی و سایر خصوصیات، بهره‌مند باشند. درخصوص مسئله مادران شاغل، باید هم نیازهای مادی دنیای امروز و میل به فردگرایی در نظر گرفته شود، و هم منافع و اولیت‌های ملکوت خدا.

ب) دومین وظیفه‌ای که خدا بر عهده يك زن مسیحی نهاده است این است که از شوهرش اطاعت کند و تسلیم او باشد.
احترام کردن به شوهر، بدین معنا است که زن باید نقطه نظرات خود را با ملایمت به همسرش بازگو کند و اجازه دهد خدا به طریقی که صلاح می‌بیند در این مورد عمل کند. او باید به تعالیم و نصایح شوهرش به دقت توجه نماید، و در تصمیم‌گیری‌ها از نظرات او استفاده کرده، شوهرش را از پیشرفتها موفقیت‌هایی که در زندگی کسب می‌کند مطلع سازد. يك زن باید همواره برای کمك به شوهرش پیش‌قدم شود، و منتظر نباشد که شوهر چیزی را از او بخواهد (پیدایش ۲: ۱۵). او باید با بردباری به سخنان شوهرش گوش فرا دهد و سعی کند مشکلات و نقطه‌نظرات او را درك کند.

البته تسلیم شوهر بودن به این معنا نیست که مثل يك برده سرسپرده او باشیم، بلکه به این معنا است که او را معاون و یاری‌رسان خود بدانیم. تفاوت بین اطاعت کردن و تسلیم بودن در این است که اطاعت چیزی است که شخصی در مقام یا رتبه‌ای والا انجام آن را از کسی که در رتبه‌ای پایین‌تر از او قرار دارد مطالبه می‌کند، ولی تسلیم بودن حالتی داوطلبانه است، نظیر هنگامی که يك زن با میل قلبی، خود را در اختیار شوهرش می‌گذارد. شوهر نمی‌تواند زن خود را موظف سازد که تسلیم او شود، زیرا تنها خدا این حق و امتیاز را دارد. تسلیم شدن به این مفهوم است که زن به شوهر خود به عنوان رهبر و سر خانواده احترام می‌گذارد و سعی می‌کند برای او معاون و مونس خوبی باشد و بدین ترتیب از او پیروی کند. زن به عنوان کسی که با شوهرش در يك گروه است، می‌تواند رهبر گروه را از پیشنهادات، ایده‌ها، کمکها و حمایتهای خود برخوردار سازد. او می‌تواند در مورد موضوعات مختلف با شوهرش صحبت کند و بعد تصمیم‌گیری نهایی را به عهده او بگذارد. زن و شوهر باید در خانواده و جامعه خود به صورت يك گروه دو نفره زندگی و کار کنند.

خلاصه: خدا وظایف عملی و مشخصی را بر عهده شوهران و زنان مسیحی نهاده است. وقتی شوهر آنگونه که خدا می‌خواهد زن خود را محبت و هدایت کند، برای زن دشوار نخواهد بود که به شوهر خود محبت کند، تسلیم او باشد و به رهبری او در خانواده گردن نهد. فرزندان خانواده نیز با نگریستن به نحوه رفتار و برخورد والدین نسبت به یکدیگر است که محبت، رهبری، احترام، و تسلیم و سرسپردگی را به بهترین وجه یاد می‌گیرند.

پ - مراسم ازدواج مسیحی

مقدمه: مراسم ازدواج مسیحی، واقعه‌ای عمومی، اجتماعی و مذهبی است. کتاب‌مقدس زندگی زن و مرد در کنار هم خارج از ازدواج را محکوم می‌کند. مراسم ازدواج مسیحی به طور عمومی و رسمی به دوران تجرد دو نفر خاتمه داده، نشان می‌دهد که آنها از این پس وارد مرحله جدید از زندگی شده‌اند و رسماً يك زوج مسیحی محسوب می‌شوند. کتاب‌مقدس در رابطه با مراسم ازدواج مسیحی حقایق زیر را بیان می‌دارد:

۱- مراسم ازدواج دارای سه عنصر ضروری است:

بخوانید: پیدایش ۲: ۲۴؛ متی ۱۹: ۵- ۶؛ افسسیان ۵: ۳۱.
کشف و گفتگو کنید: از نظر عملی، سه عنصر ضروری در مراسم ازدواج دارای چه مفاهیمی است؟
ملاحظات: در متی ۱۹: ۵-۶، عیسی می‌فرماید: "از این جهت مرد، پدر و مادر خود را رها کرده، به زن خویش بپیوندند و هر دو يك تن خواهند شد. بنابراین بعد از آن دو نیستند بلکه يك تن هستند. پس آنچه را که خدا پیوست انسان جدا نسازد." خدا این جمله را در زمان خلقت انسان گفت و پولس آن را برای کلیسا تکرار کرد. بنابراین این اصل در کتاب‌مقدس دارای اهمیت فراوانی است. ازدواج يك واقعه مهم اجتماعی و مذهبی است، زیرا مرد و زن والدین خود را ترك می‌کنند و با هم خانواده جدیدی را تشکیل می‌دهند. سه عنصر ضروری مراسم ازدواج عبارتند از: ترك کردن والدین، پیوستن به یکدیگر و يك تن شدن.

الف) ازدواج یعنی ترك والدین.
وقتی يك زن و مرد اعلام می‌کنند که می‌خواهند با هم ازدواج کنند و در این مسیر برنامه‌ریزی می‌کنند، در واقع آماده می‌شوند که والدین خود را ترك گویند. این مرحله اعلام قصد ازدواج و آماده شدن برای آن را نامزدی می‌نامند. زوجی که نامزد کرده‌اند پس از برگزاری مراسم ازدواج از والدین خود جدا می‌شوند.
۱) ترك کردن والدین به این معنا است که يك زوج باید از نظر عاطفی نیز با والدین خود وداع گویند. زن و شوهر باید پس از ازدواج یکدیگر را بیشتر از والدین‌شان محبت کنند، و همدیگر را بر والدین خود مقدم بدانند.
۲) ترك کردن والدین به این مفهوم است که يك زوج دیگر نباید تحت اقتدار والدین خود باشند: افسسیان ۶: ۱-۳ تعلیم می‌دهدکه تا زمانی که يك زوج در خانواده خود و تحت نظارت والدین زندگی می‌کنند، باید به والدین خود احترام گذاشته از آنها اطاعت کنند. ولی در افسسیان ۵: ۳۱ می‌خوانیم که وقتی دو نفر با یکدیگر پیمان زناشویی می‌بندند، باید پدر و مادر خود را ترك گویند:

يك زوج پس از ازدواج ديگر موظف به اطاعت از والدين خود نيستند، ولی كماكان بايد در هر امری از خدا اطاعت كنند. البته اين زوج بايد حتی پس از ازدواج نيز به والدين خود احترام بگذارند، ولی احترام گذاشتن آنها به مفهوم اطاعت كردن از والدين نيست. به عنوان مثال، والدين شوهر و والدين زن ديگر اختيار و قدرتی بر فرزندان خود ندارند. بـه همين ترتيب، مـادر شوهر نيز هيچ اختياری بر عروس خود ندارد.
۳) ترك كردن والدين به اين مفهوم است كه يك زوج ديگرنبايد از نظر مـالی وابسته بـه والـدين خـود باشند: زوجـی كـه ازدواج كردهاند بايد از لحاظ مالی خودكفا بوده، امور مالیشان را خودشان اداره كنند.
۴) ترك كردن والدين به اين مفهوم است كه يك زوج بايد از لحاظ روحـانی نيز از والدين خـود مستقل باشند: اگر والـدين اين زوج مسيحی نيستند، آنها ديگر مجبور نيستند اعتقـادات و مراسم مذهبـی والدينشان را تحمل كنند، بلكـه بايد تنهـا عيسـی مسيح خداوند را در خانههای خود خدمت نمايند.
۵) ترك كردن والدين به اين مفهوم است كه يك زوج ديگر نبايد از نظر اجتماعی از والدين خود تبعيت كنند: در صورت امكان بهتر است زن و شوهری كه تازه ازدواج كردهاند در اتاق يا خانهای جدا از والدين خود زندگی كنند. البته در برخی از فرهنگها جوانان از مدتها قبل از ازدواجشان جهت تحصيل يا كار، از والدين خود جدا میشوند. اين عملی اشتباه نيست.
تمامی اين موارد، هم برای والدين زوج و هم برای هر شخص ديگر علاماتی است روشن و قابل مشاهده از اينكه زن و شوهر متأهل ديگر به والدين خود متكی نيستند، بلكه زندگی خانوادگی جديد و مستقلی را تشكيل دادهاند.

ب) <u>ازدواج به مفهوم پيوستن به يكديگر است.</u>
مراسم ازدواج مراسمی است عمومی، اجتماعی و مذهبی، كه طی آن مرد و زن در حضور خدا و مردم بـا يكديگر عهد بسته، قول میدهند كه در طول زندگی مشتركشان نسبت به يكديگر وفادار باشند، تا آنگاه كه مرگ آنها را از هم جدا سازد.در ملاكی ۲: ۱۳- ۱۶ خدا میفرمايد: "خداوند در ميان تو و زوجه جوانیات شاهد است" تا تو عهدی را كه در زمان ازدواج با همسرت بستی، زير پا نگذاری. در جريان مراسم ازدواج، خود خداوند مرد و زن را به هم میپيوندد و به آنها هشدار میدهد كه هيچگاه طلاق نگيرند و با اينكار به هم خيانت نورزند. در زمان مراسم ازدواج خانوادههای عروس وداماد، برادران و خواهران مسيحی و دوستان ديگر شاهد هستند كه اين دو نفر در حضور خداوند با يكديگر عهد بشتهاند كه از آن پس بـه صـورت يك زوج زنـدگی كنند. زن و مرد در مراسم ازدواج به هم قول میدهند كه يكديگر را محبت كرده، نسبت بـه هم وفـادار باشـند و در تمـام شرايط زندگی مشترك، يكديگر را كمك كنند.

پ) <u>ازدواج به مفهوم يك تن شدن است.</u>
مراسم ازدواج نقطه شروعی است كه طی آن، زن و شوهر در جوانب مختلف زندگی مشترك خود با يكديگر متحد میشوند. آنها بايد از نظر روحانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و جسمانی با هم متحد شوند. اتحاد جسمانی، نقطـه عطف اتحـاد زن و شـوهر است و از ديدگاه خدا، تنها پس از مراسم ازدواج و در چارچوب روابط زوجين مجاز است. خدا از طريق مراسم ازدواج اين موضوع را تأييد میكند كه زن و شوهر میتوانند پس از آن از نظر جنسی با هم متحد شوند. اتحاد جنسی يك زوج تنهـا زمـانی باعث خشنودی خدا است كه در چارچوب ازدواج صورت گيرد. به همين دليل است كه خدا هر نوع رابطه جنسی قبل از ازدواج و خارج از آن را منع میكند (عبرانيان ۱۳: ۴). اتحاد جسمانی زمانی لذتبخش است كه يك زوج در ابعاد ديگر روابط خود نيز رشد كنند.

۲- <u>مراسم ازدواج، جشنی عمومی، اجتماعی و مذهبی است.</u>

تعليم دهيد: در كتابمقدس ازدواج هيچگاه امری مخفی و سری نبوده است، بلكه همواره واقعهای عمومی بوده است.

الف) <u>مراسم ازدواج امری خانوادگی بود.</u>
در زمانهای قديم "تعهد و پيمان ازدواج" امری كـاملاً خـانوادگی بود و عبـارت مـیشد از انتخـاب طـرفين ازدواج (پيدايش ۲۱: ۲۱)، دادن هديه يا پيشكش به خانواده عروس در برخـی مـوارد (پيدايش ۲۹: ۱۸، ۳۴: ۱۲)، و دادن هدايا بـه عروس و دامـاد (پيدايش ۲۴: ۵۹، ۶۱، اول پادشاهان ۹: ۱۶).

ب) <u>مراسم ازدواج واقعهای عمومی بود.</u>
برخـی از جنبـههـای ايـن واقعـه از ايـن قـرار اسـت: عـروس و دامـاد جامـههـای عروسـی مـیپوشـيدند (مزمـور ۴۵: ۱۳- ۱۴). نديمههای عروس و دوستان داماد آنها را همراهی میكردند (مزمور ۴۵: ۱۴، يوحنا ۳: ۲۹). داماد و دوستانش به خانه عروس میرفتند و نديمههای عروس به استقبال آنها میشتافتند. آنگاه همگی به اتفاق در مراسمی باشكوه از خانه عروس به خانـه دامـاد میرفتند، زيرا جشن عروسی بايد در خانه داماد برگزار میشد. مهمانان دعوت شده تنها در صورتی اجازه داشتند به اين گروه ملحق شوند كه با خود چراغ قوه يا مشعلی به همراه داشته باشند، زيرا جـادههـا در شب بسيار تاريك بـود (متـی ۲۵: ۱- ۱۳). جشن عروسـی گـاه تـا يك هفته به طول مـیانجاميد (متـی ۲۲: ۱- ۱۴، يوحنـا ۲: ۱- ۱۰، داوران ۱۴: ۱۷). باشكوهترين قسمت مراسم ازدواج، هنگامی بود كه زوج در حضور خدا به عنوان شاهد اصلی، با هم عهد و پيمان مـیبستند (ملاكی ۲: ۱۴، امثـال

۲: ۱۷، حزقیال ۱۶: ۸). از آن زمان به بعد، زوجهای مسیحی در طول قرون متمادی مراسم ازدواج را در حضور خدا، و در میان خانواده و دوستان و برادران و خواهران مسیحی‌شان برگزار کرده‌اند.

پ) نقطه عطف ازدواج یا داشتن روابط جنسی.
این امر تنها پس از برگزاری مراسم عروسی امکان‌پذیر بود (پیدایش ۲۹: ۲۱- ۲۳، تثنیه ۲۲: ۱۳- ۲۱؛ عبرانیان ۱۳: ۴).

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " ازدواج مسیحی " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از اول تسالونیکیان ۲- ۵ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۶: ۳۷) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - بررسی کتاب‌مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۸) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۲۰

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **اول تسالونیکیان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اول تسالونیکیان ۲- ۵) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: یوحنا**

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ۶: ۳۷

۴	**بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه)** **یوحنا ۸: ۱- ۵۹**

مقدمه: یوحنا ۸: ۱- ۵۹ توضیح می‌دهد که چگونه عیسی با زنی که در حین زنا گرفتار شده بود ملاقات کرد و از او خواست زندگی گناه‌آلود خود را ترک کند (آیه ۱۱). نیز در این قسمت می‌خوانیم که عیسی خطاب به مردم می‌گوید: "من نور عالم هستم. کسی که مرا متابعت کند، در ظلمت سالك نشود بلکه نور حیات را یابد."

قدم ۱: بخوانید
بخوانید: یوحنا ۸: ۱- ۵۹ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت یك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

کشف ۱) در یوحنا ۸: ۳۰- ۴۸، در این مورد که ایمانداران به عیسی مسیح می‌توانند به دشمنان او تبدیل شوند، حقیقت مهمی برای من وجود دارد.
ملاحظات:
الف) ایمانداران به مسیح که دشمن او شده‌اند. در یوحنا ۸: ۳۰- ۳۲ می‌خوانیم که بسیاری از یهودیان به عیسی ایمان آوردند. عیسی به آنها گفت که اگر در کلام او بمانند و از احکام او اطاعت کنند، آنوقت است که به راستی شاگرد او خواهند بود و حقیقت آنها را آزاد خواهد ساخت. در این قسمت به وضوح می‌بینیم که آنهایی که به عیسی ایمان آوردند همان کسانی بودند که در آیات بعدی شدیداً با او به مخالفت برخاستند. آنها به زبان با عیسی مخالفت کردند و به او گفتند که تا بـه حال غلام کسی نبوده‌اند و حرامزاده نیز نیستند (۸: ۳۳، ۴۱). بعلاوه، سخنان زشتی نیز به عیسی نسبت دادند و گفتند که عیسی یك حرامزاده، یك سامری

و شخصی دیوزده است (۸: ۴۸). در این قسمت نگرش مردم نسبت به عیسی تغییر می‌کند. در ابتدا مردم نظری مثبت نسبت به او داشتند ولی بعد طرز فکرشان نسبت به او عوض شد و با خشونت با او رفتار کردند.

ب) <u>تفاوت موجود میان ایمان سطحی و ایمان نجات‌بخش.</u> این قسمت نشان می‌دهد که مردم ممکن است در بدو کار به عیسی ایمان بیاورند، ولی پس از مدتی از ایمان افتاده، لغزش بخورند و حتی دشمن عیسی مسیح شوند. باید در نظر داشت که بین ایمان سطحی و ایمان نجات‌بخش تفاوت عمده‌ای وجود دارد. ایمان سطحی صرفاً يك باور عقلانی است، یعنی شخص باور دارد که برخی حقایق تا مدت زمانی محدود معتبر هستند. ایمان سطحی با هیچ احساس تعهد و وقفی همراه نیست. ولی ایمان نجات‌بخش یا ایمانی که منجر به نجات شخص می‌شود، عبارت است از تسلیم بودن کامل شخص به عیسی مسیح. این ایمان احساسات، اراده و تمام اعمال شخص را در بر می‌گیرد، و متضمن تعهد و سپردگی کامل شخص به عیسی مسیح است. فعل "ایمان آوردن" هر گاه در کتابمقدس بصورت حال استمراری بکار رود، به ایمانی نجات‌بخش و واقعی اشاره دارد. به عنوان مثال، یوحنا ۳: ۱۶ می‌فرماید: "هر که به او ایمان آورد، هلاك نگردد بلکه حیات جاودانی یابد". این فعل در یوحنا ۳: ۱۸ نیز در زمان حال بکار رفته است: "هر که به او ایمان آورد محکوم نمی‌شود، ولی هر که ایمان نیاورد، هم اینك محکوم شده است، زیرا به نام پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است". (همچنین در یوحنا ۶: ۳۵، ۴۰، ۴۷؛ ۷: ۳۸؛ ۱۱: ۲۵- ۲۶؛ ۱۲: ۴۴، ۴۶؛ ۱۴: ۱۲؛ ۱۷: ۲۰ نیز مراجعه کنید).
بنابراین، برای ما مسیحیان بسیار مهم است که بدانیم کسانی که ایمانی سطحی دارند، نمی‌توانند نجات بیابند و به احتمال زیاد ایمان خود را پس از مدتی از دست خواهند داد. اما کسانی که ایمانی نجات‌بخش دارند، نجات خواهند یافت و هیچگاه لغزش نخواهند خورند، زیرا خود خدا آن عملی را که در زندگی آنها شروع کرده است به کمال خواهد رسانید (فیلیپیان ۱: ۶).

<u>**کشف ۲)**</u> در یوحنا ۸: ۳۱- ۳۶ در رابطه با <u>مفهوم آزادی حقیقی</u> نکته مهمی برای من وجود دارد.
ملاحظات: عیسی در یوحنا ۸: ۳۱- ۳۶ می‌فرماید: "اگر شما در کلام من بمانید ... حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد." عیسی در اینجا در مورد مشخصات آزادی واقعی و راههای رسیدن به آن تعلیم می‌دهد.

الف) <u>آزادی از دیدگاه جهان به این معنا است که شخص آزاد است هر کاری که می‌خواهد انجام دهد.</u> در دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، بسیاری از مردم می‌گویند: آزادی این است که شخص هر کاری دلش می‌خواهد انجام دهد. بر طبق نظر آنها شخص می‌تواند بر زندگی و سرنوشت خود نیز آنگونه که می‌خواهد حاکم باشد. آنها می‌گویند، وقتی شما آزاد هستند، هیچ کس نمی‌تواند به شما حکم کند که به چه چیز ایمان بیاورید یا چه کاری انجام دهید. آنها معتقدند که هیچ محدودیت و مانعی نباید سر راه شخص وجود داشته باشد. هر کس باید برای زندگی خود تصمیم بگیرد. ولی از نظر عیسی، آزادی بر طبق معیارهای این جهان، آزادی واقعی نیست. بلکه چنین آزادی، در حقیقت شخص را اسیر می‌سازد.

ب) <u>آزادی از دیدگاه یهودیان به این معنا بود که شخص از بت‌پرستی آزاد شود.</u> یهودیان ادعا داشتند که هیچگاه از لحاظ روحانی اسیر و برده کسی نبوده‌اند. منظور آنها این بود که هیچ وقت مانند غیریهودیان اسیر بت‌پرستی نبوده‌اند، بلکه همیشه خدای زنده را خدمت کرده‌اند. به نظر می‌رسد که یهودیان گناهان و سرکشی‌های قوم خود را در زمانهای گذشته به طور کامل به فراموشی سپرده بودند. حتی در زمانی که ادعای روحانی بودن می‌کردند نیز هنوز در گناه زندگی می‌کردند. عیسی می‌فرماید، آزادی آنگونه که یهودیان می‌پندارند، آزادی واقعی نیست. بلکه چنین آزادی در حقیقت اسارت در گناه است. عیسی در رابطه با آزادی از بت‌پرستی صحبت نمی‌کرد، بلکه در مورد آزادی از گناه.

پ) <u>آزادی از دیدگاه عیسی مسیح، آزادی از گناه است.</u> در یوحنا ۸: ۳۴، عیسی تعلیم می‌دهد که هر که گناه می‌کند، غلام گناه است. عیسی با اعلام این حقیقت بلافاصله تمایز موجود میان یهود و غیریهود را از میان بر می‌دارد. تمام مردم گناه کرده‌اند. بنابراین همه مردم زندگی خود برده گناه هستند. یهودیان با اینکه خدای زنده را می‌شناختند، کماکان به گناهان خود ادامه می‌دادند و این باعث می‌شد گناهان‌شان بیشتر آشکار شود. يك فرد چه یهودی و چه غیریهودی، تا زمانیکه به گناهان خود ادامه دهد و از ارتکاب گناه بازنایستد، اسیر گناه است و فردی آزاد محسوب نمی‌شود.

<u>**اسارت گناه دو نتیجه دارد.**</u>

الف) <u>يك برده، اسیر ارباب خود یعنی گناه است، و قادر نیست خود را از این اسارت برهاند.</u>
ب) <u>يك برده هیچ جایگاه دائمی و ثابتی در خانواده ندارد، زیرا همواره به اربابان دیگر فروخته می‌شود.</u>
اسارت گناه تجربه مأیوس‌کننده‌ای است، زیرا شخص قادر نیست خود را از گناه برهاند. اسارت گناه منجر به اسارتهای بزرگتری می‌شود. اسارت در يك گناه خاص، باعث می‌شود در دام گناهان مختلف دیگری نیز اسیر شویم. به عنوان مثال شخصی که اسیر فساد اخلاقی است، اغلب اسیر تعالیم کاذب روحانی نیز هست.
عیسی تعلیم می‌دهد که شخص تنها زمانی آزادی واقعی پیدا می‌کند که تحت حاکمیت عیسی مسیح باشد. او می‌فرماید: "اگر پسر شما را آزاد سازد، در حقیقت آزاد خواهید بود." بنابراین، هر که تحت حاکمیت عیسی مسیح باشد، از گناه آزاد خواهد بود. ولی

هر که می‌خواهد از عیسی مسیح جدا باشد، کماکان اسیر گناه باقی خواهد ماند. هر که مایل است بر طبق معیارهای این جهان بدون وجود موانع و محدودیتهایی، آزادی داشته باشد، اسیر موانع و محدودیتهای گناهان خود خواهد بود.
بنابراین آزادی به این مفهوم نیست که شخص می‌تواند هر کاری دلش می‌خواهد انجام دهد، بلکه به این معنا است که باید کاری را که واجب است انجام دهد. به عبارت دیگر، باید حاضر باشیم کاری را که باید، انجام دهیم. آزادی حقیقی خارج از عیسی مسیح معنا ندارد، بلکه تنها در او یافت می‌شود. تنها زمانی که شما به عیسی مسیح متصل هستید، مایل و قادر خواهید بود کارهایی را که از شما انتظار می‌رود انجام دهید. اگر پسر شما را آزاد سازد، در حقیقت آزاد خواهید بود.

قدم ۳: سؤال
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۸: ۱- ۵۹ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۸: ۲۱- ۲۴). منظور عیسی چیست که می‌فرماید، مردم اگر به عیسی ایمان نیاورند در گناهان خود خواهند مرد ؟
ملاحظات: در یوحنا ۸: ۲۴، عیسی می‌فرماید: "اگر ایمان نیاورید که من هستم، در گناهان خود خواهید مرد". جمله: من هستم، به این مفهوم است که "من آن کسی هستم که ادعا می‌کنم باشم". نمونه‌هایی که در زیر از عهد عتیق آمده است، برخی از اصطلاحات بنیادین در رابطه با خداوند را بیان می‌کند: در خروج ۳: ۱۴، خداوند می‌فرماید: "هستم آنکه هستم"، که به این مفهوم است: "من بودم، هستم و خواهم بود آن کسی که خود را آنگونه که هست آشکار ساخته است". در تثنیه ۳۲: ۳۹، خداوند می‌فرماید: "من خود، او هستم. خدایی غیر از من نیست." و در اشعیا ۴۳: ۱۰ می‌فرماید: "شما شاهدان من هستید...تا دانسته، به من ایمان بیاورید و بفهمید که من او هستم و پیش از من خدایی مصور نشده و بعد از من هم نخواهد شد". اصطلاحاتی مشابه به‌کرات در انجیل یوحنا نیز بکار رفته است. عیسی در یوحنا ۴: ۲۶ می‌فرماید: "من همان مسیح موعود هستم". در یوحنا ۹: ۹، مردی که قبلاً نابینا بود می‌گوید، "من همان کسی هستم که زمانی نابینا بود و از روی عادت می‌نشست و گدایی می‌کرد". در یوحنا ۱۸: ۵- ۸، عیسی می‌فرماید: "من عیسی ناصری هستم". و در یوحنا ۸: ۲۴ می‌فرماید: "من همان کسی هستم که ادعا می‌کنم هستم: کسی که توسط خدای پدر فرستاده شده است، کسی که از بالاست، پسر انسان است، پسر یگانه خدا است و با خدای پدر برابر است؛ کسی که در خود حیات دارد، ماهیت واقعی یا جوهر کتب مقدسه است، نان حیات و نور جهان است، و غیره."
هیچ کس نمی‌تواند در قبال عیسی عکس العملی خنثی داشته باشد. شما یا به او ایمان دارید یا او را نمی‌پذیرید. هر که به ادعاهای عیسی ایمان نداشته باشد، در گناهان خود خواهد مرد. در اینجا کلمه "مرگ" به مفهوم مرگ جسمانی نیست، بلکه به مفهوم مرگ ابدی است. کسانی که عیسی مسیح را نمی‌پذیرند، در زمان مرگ جسمانی خود از صلح و آرامش بهره‌مند نخواهند شد بلکه ظلمت و ناامیدی را تجربه خواهند کرد. کسی که آنها رد کردند و نپذیرفتند، در زمان نیاز و ناامیدیهایشان در کنار آنها نخواهد بود تا به آنها کمك کند. چنین افرادی تنها غضب خدا را تجربه خواهند کرد و به مکان تباهی و نیستی و عذاب جاودانی خواهند رفت که جهنم یا دریاچه آتش نامیده می‌شود. آنها هیچوقت نمی‌توانند به مکانی بروند که عیسی می‌رود و خدای پدر در آنجاست.این مکان بهشت نامیده می‌شود. در آیه ۲۱، گناه یهودیانی که عیسی را رد کردند بطور جمعی بررسی می‌شود و در آیه ۲۴، به طور فردی و جداگانه.

سؤال ۲) (یوحنا ۸: ۳۷- ۴۵). چه کسانی فرزندان واقعی ابراهیم هستند؟
ملاحظات:
الف) یهودیان به عنوان یك قوم، فرزندان واقعی ابراهیم نیستند. در آیه ۳۷، عیسی این موضوع را تصدیق می‌کند که یهودیان از لحاظ جسمانی از نسل ابراهیم هستند. ولی در آیه ۳۹ می‌فرماید که اگر یهودیان به راستی از نسل روحانی ابراهیم بودند، اعمال ابراهیم را به جا می‌آوردند. ابراهیم پیام‌آورانی را که از جانب خدا آمده بودند به گرمی پذیرفت، از احکام خدا اطاعت می‌کرد و کاملاً یقین داشت که آنچه که خدا وعده داده است به انجام خواهد رسید. و سرانجام بر طبق آیه ۵۶، ابراهیم شادی می‌کرد از اینکه یك روز مسیح موعود را ببیند (پیدایش ۱۲: ۳؛ ۲۲: ۱۸). اما یهودیان اعمال ابراهیم را به جا نیاوردند، بلکه با پیام‌آور خدا مخالفت کرده، کلام او را نپذیرفتند و در نهایت توطئه چیدند تا او را بکشند.
بنابراین عیسی چنین نتیجه می‌گیرد که معلمین و رهبران مذهبی یهود نه فرزندان ابراهیم، بلکه فرزندان شیطان هستند. شیطان از ابتدای خلقت دروغگو و قاتل بوده است، و حال رهبران و معلمین مذهبی یهود نیز قاتل و دروغگو بودند. بنابراین پدر واقعی آنها شیطان است، زیرا طرز برخورد، سخنان و اعمال آنها گواه این است که پدر واقعی آنها چه کسی است.

ب) تمام مسیحیان از ملل مختلف دنیا، از جمله از بین یهودیان، فرزندان واقعی ابراهیم هستند. پولس رسول تعلیم می‌دهد که ابراهیم پدر ایمانداران است (رومیان ۴: ۱۱- ۱۶). او تعلیم می‌دهد که برکات و وعده‌های خدا نه به کسانی که از لحاظ جسمانی از نسل ابراهیم بودند، بلکه تنها به یك نفر از نسل او داده شد که همانا عیسی مسیح است (غلاطیان ۳: ۱۴- ۲۹). بنابراین هر که به عیسی مسیح تعلق دارد، فرزند ابراهیم نیز محسوب می‌شود. هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که چون از لحاظ جسمانی از نسل ابراهیم است، برتر از دیگران می‌باشد. بلکه هر که به عیسی مسیح ایمان داشته باشد، از نسل واقعی ابراهیم است.

سؤال ۳) (یوحنا ۸: ۵۱). منظور عیسی چیست که می‌گوید: "اگر کسی کلام مرا نگاه دارد، مرگ را تا به ابد نخواهد دید".
ملاحظات: نگاه داشتن کلام خدا بدین معنا است که آن را با ایمان بپذیریم، از آن اطاعت کنیم و آن را طوری حفظ کنیم که هیچ کس نتواند آن را از ما بگیرد. بنابراین منظور از این آیه این نیست که تنها یك بار از کلام خدا اطاعت کنیم، بلکه منظور تداوم در اطاعت از کلام خدا است. کسانی که تنها یك بار خود را وقف عیسی می‌سازند او را خشنود نمی‌کنند، بلکه او ایماندارانی را جدی می‌گیرد که همواره خود را وقف و تسلیم انجام اراده خدا می‌کنند.
عیسی وعده می‌دهد که افرادی که کلام او را نگاه دارند، مرگ را تا به ابد نخواهند دید. اما یهودیان باز متوجه نشدند که عیسی در مورد مرگ روحانی صحبت می‌کند. آنها تمام سخنان عیسی را به طور تحت‌اللفظی برداشت می‌کردند و به همین جهت تعالیم او را درك نمی‌کردند. افکار آنها تنها معطوف مرگ جسمانی بود. و حال آنکه عیسی در مورد مرگی بس هولناك‌تر از آنچه یهودیان فکر می‌کردند، صحبت می‌کرد. او در مورد مرگ روحانی و عدم ارتباط با خدا صحبت می‌کرد. او در مورد جدایی از حضور پرمحبت خدا و تجربه غضب و محکومیت ابدی صحبت می‌کرد (دوم تسالونیکیان ۱: ۸- ۹). عیسی وعده داد که اگر کسی کلام او را نگاه دارد، هیچ وقت از حضور پر مهر و محبت خدا دور نخواهد شد و هیچ وقت غضب و محکومیت او را تجربه نخواهد کرد.

سؤال ۴) (یوحنا ۸: ۵۶). چگونه ابراهیم روز عیسی مسیح را دید؟
ملاحظات: در یوحنا ۸: ۵۶، عیسی می‌فرماید، "ابراهیم شادی می‌کرد که روز مرا ببیند؛ و آن را دید و شادمان گردید". این آیه به این مفهوم نیست که ابراهیم براستی عیسی مسیح را دید، بلکه می‌فرماید: او روز عیسی مسیح را دید. وقتی خدا به ابراهیم وعده داد که به او پسری خواهد بخشید، ابراهیم شادی بسیار نمود. او به مدت ۲۵ سال به وعده خدا ایمان داشت و در نهایت پسر او بدنیا آمد. او پسرش را اسحق نامید که به مفهوم خنده است. وعده تولد یك پسر و تحقق این وعده برای ابراهیم فوق‌العاده حائز اهمیت بود و معنا و مفهوم بخصوصی داشت. خدا در پیدایش ۱۲: ۳، ۷ و ۲۲: ۱۸ به ابراهیم وعده داد: "از نسل تو تمام قبایل جهان برکت خواهند یافت". بنابراین نه تنها شادی گذرای داشتن پسر، بلکه برکات روحانی ناشی از آن که تمام مردم جهان را شامل می‌شد، همگی به حضور این پسر بستگی داشت. تمام خانواده‌های جهان توسط کسی که از نسل پسر او بود، برکت می‌یافتند. ابراهیم متوجه شد که این شخص، همان مسیح موعود است که امید بشر و تنها نجات دهنده جهان است. عبرانیان ۱۱: ۴- ۱۳ می‌فرماید که ابراهیم، و حتی قبل از او، هابیل، خنوخ و نوح ، هیچ یك آن برکاتی را که به آنها وعده داده شده بود دریافت نکردند. آنها آن برکات را تنها با چشم ایمان دیدند و در آن شادی و وجد نمودند. اینگونه بود که ابراهیم روز مسیح موعود را دید. او عیسی مسیح را با ایمان دید و پیشاپیش در این حقیقت شادی کرد.

قدم ۴: بکار ببرید
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۸: ۱ - ۵۹ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر از یوحنا فصل ۸

- ۸: ۳- ۵ * زنا بدون شك گناه بزرگی است. بر طبق شریعت عهد عتیق، مجازات مردان و زنانی که در حین زنا گرفتار می‌شدند مرگ بود. از طرف دیگر عیسی مسیح به عنوان قربانی گناهان بشر کفاره شد. اگر کسی به راستی در حضور عیسی مسیح به گناه خود اعتراف کند و از آن توبه نماید، عیسی او را می‌بخشد و از هر ناراستی پاك می‌سازد (اول یوحنا ۱: ۹). با این وجود، حتی امروزه نیز برخی از معلمین و رهبران مذهبی تنها به فکر این هستند که کسانی را که بر طبق احکام و قوانین مذهبی خود ساخته آنها عمل نمی‌کنند، دستگیر کنند و بکشند. آنها اینکار را به دلیل عدم شناخت‌شان از عیسی مسیح و عدم آگاهی از تعلیم عهد جدید در مورد فیض، انجام می‌دهند. اینگونه افراد کماکان تحت شریعت عهد عتیق زندگی می‌کنند. بنابراین همواره شریعت عهد عتیق را در پرتو تعالیم عهد جدید و ظهور مسیح موعود تعبیر کنید.

- ۸: ۶ * برخی از مردم از شما سؤالاتی می‌کنند تا بدین وسیله شما را غافلگیر سازند و بهانه‌ای پیدا کنند تا در برابر قدرتهای مذهبی و مدنی به شما اتهام بزنند. شما مجبور نیستید به تمام سؤالات آنها پاسخ دهید. گاهی سکوت بهترین پاسخ است.
- ۸: ۷ * ولی در برخی مواقع لازم است پاسخی داد که فرد مقابل را به فکر فرو ببرد. و عیسی چنین پاسخی داد:"از میان شما هر آن کس که بی‌گناه است، نخستین سنگ را به او بزند." این حقیقت که هیچ کس به سوی آن زن سنگ پرتاب نکرد، ثابت می‌کرد که همه کسانی که آنجا بودند در مرحله‌ای از زندگی‌شان مرتکب گناه زنا شده بودند. متی ۵: ۲۷- ۳۰ را مطالعه کنید. "سعی کن قبل از اینکه پرکاهی را که در چشم دیگری هست بیرون آوری، چوبی را که در چشم خود داری، در آوری" (لوقا ۶: ۴۱- ۴۲).
- ۸: ۱۱ * پس از دریافت بخشش گناهان از عیسی مسیح، دیگر به زندگی گناه آلود خود ادامه ندهید. امثال ۲۸: ۱۳ را بخوانید.
- ۸: ۱۲ * از عیسی مسیح پیروی کنید، در آن صورت همواره از نور نجات، خوشی، تازگی و برکات روحانی بهره‌مند خواهید شد.
- ۸: ۱۵ * داوری نکنید. داوری کردن وظیفه عیسی مسیح است (یوحنا ۵: ۲۲). عیسی نیامد تا جهان را به خاطر گناهان داوری کند، زیرا جهان هم اینك تحت محکومیت می‌باشد. عیسی آمده است تا مردمی را که در جهان گمشده و تحت محکومیت هستند نجات دهد (یوحنا ۳: ۱۷- ۱۸). او نیامد تا مردم را با معیارهای انسانی داوری کند (یوحنا ۸: ۱۵؛ متی ۷: ۱- ۲)، اگر چه در رابطه با داوری رهبران و معلمین مذهبی یهود سخنان بسیار می‌توان گفت (یوحنا ۸: ۲۶). عیسی آمده است تا مردمی را داوری کند که فکر می‌کنند گناهکار نیستند و خود را افرادی عادل می‌پندارند (یوحنا ۹: ۳۹).
- ۸: ۳۱ * از تعالیم عیسی اطاعت کنید، زیرا اینکار نشان می‌دهد که براستی شاگرد عیسی مسیح هستید.
- ۸: ۳۲ * از تعالیم عیسی اطاعت کنید، و آنگاه حقیقت شما را آزاد خواهد کرد.
- ۸: ۴۲ * عیسی مسیح را محبت کنید، زیرا با اینکار نشان می‌دهید که خدا پدر شماست.
- ۸: ۴۴ * کسانیکه به دروغگویی ادامه داده و دیگران را در دنیا به قتل میرسانند، شیطان را به عنوان پدر خود انتخاب کرده اند و قطعاً خدا پدر ایشان نیست.

<u>نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی</u>

الف) من می‌خواهم از این موضوع مطمئن شوم که ایمان من به عیسی ایمانی واقعی و ماندگار است، نه ایمانی سطحی و گذرا. من هر وقت کتاب‌مقدس را مطالعه یا بررسی می‌کنم، نمی‌خواهم حقایق آن را صرفاً به طور عقلانی باور کنم، بلکه می‌خواهم تمام زندگی خود را وقف این حقایق سازم. می‌خواهم دعا کنم که روح‌القدس مرا کمك کند تا با تمام وجود خود را وقف حقایق کلام خدا نمایم.

ب) من می‌خواهم در آزادی واقعی زندگی کنم، نه در آزادی بر طبق معیارهای این دنیا. آن نوع آزادی که مردم این دنیا مدعی آن هستند، آزادی بی‌قید و بند است. آنها می‌خواهند هر کاری که دلشان می‌خواهد انجام دهند و حاضر نیستند کارهایی را که از آنها انتظار می‌رود انجام دهند. من می‌خواهم تصمیم بگیرم هر روز آن اعمالی را به جا آورم که خدا از من انتظار دارد. این آزادی حقیقی است. من می‌خواهم کتاب‌مقدس را بررسی کنم و بر اساس تعالیم آن زندگی نمایم.

<u>قدم ۵: دعا کنید</u> در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۸: ۱- ۵۹ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروههای دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " انجیل یوحنا فصل ۸ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از دوم تسالونیکیان ۱- ۳ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۷: ۳۸) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۲۱

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **دوم تسالونیکیان**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (دوم تسالونیکیان ۱- ۳) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: یوحنا**

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: یوحنا ۷: ۳۸

۴	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **تدفین مسیحی**

مقدمه: این تعلیم در رابطه با تدفین مسیحی است. در این درس خواهیم آموخت که کتاب‌مقدس در رابطه با مرگ، حیات پس از مرگ، مراسم دفن و قیامت مردگان چه تعلیمی می‌دهد.

الف - <u>ماهیت مرگ جسمانی</u>

مقدمه: مردم درمورد ماهیت مرگ جسمانی دیدگاههای مختلفی دارند.
۱) برخی از مردم مرگ را واقعه‌ای طبیعی برای انسان می‌پندارند. این گونه افراد معمولاً به خدا و ابدی بودن روح انسان ایمان ندارند و فکر می‌کنند مرگ فقط یک واقعه غیرقابل توضیح یا بسادگی پایان حیات انسان است. مرگ در نظر این افراد لزوماً واقعه‌ای هولناک و مهیب نیست.
۲) برخی دیگر مرگ را واقعه‌ای غیرطبیعی می‌پندارند. این گونه افراد معمولاً به خدا ایمان دارند و معتقدند که انسانها را خدا خلق کرده است. ولی در مورد ماهیت بشر در زمان خلقت دارای عقاید مختلفی هستند و به همین جهت در مورد ماهیت مرگ نیز دیدگاههای متفاوتی دارند. برخی از مسیحیان معتقدند که انسان موجودی فانی خلق شد. این عده می‌گویند که انسان از آنجا که مرتکب گناه شد، نتوانست به درجه والای غیرفانی ارتقا یابد. مرگ جسمانی نوعی تداوم وضعیت فانی بشر است که از همان ابتدا دچار آن شد. برخی دیگر از مسیحیان معتقدند که انسان موجودی غیرفانی خلق شده بود، ولی وقتی مرتکب گناه شد، امکان نامیرایی و جاودانگی را از دست داد، و مرگ جسمانی مجازات نااطاعتی او است.

۱- <u>ماهیت مرگ.</u>

الف) <u>خدا انسان را موجودی جاودانه و غیرفانی خلق کرد.</u>
بخوانید: پیدایش ۱: ۲۷؛ جامعه ۳: ۱۱؛ پیدایش ۲: ۱۵- ۱۷.
کشف و گفتگو کنید: بر طبق مکاشفه خدا در کتاب‌مقدس، انسان پس از خلقت و قبل از آنکه مرتکب گناه شود، دارای چه ماهیتی بود؟
ملاحظات: خدا اولین انسانها یعنی آدم و حوا را موجوداتی فانی خلق نکرد، بلکه آنها به شباهت خدا خلق شده بودند و در این خلقت کامل، فنا و تباهی جایی نداشت. خدا بهنگام آفریدن آنها، جاودانگی و ابدیت را در قلوب‌شان قرار داده بود. هم بدنها و هم روحهای آنها نامیرا و غیرفانی خلق شده بود.

ب) <u>مرگ جسمانی مجازات خدا برای گناه است.</u>
بخوانید: پیدایش ۳: ۱۷- ۱۹؛ یوحنا ۵: ۲۸- ۲۹؛ متی ۱۰: ۲۸؛ ۲۵: ۴۶؛ مکاشفه ۲۱: ۸.
کشف و گفتگو کنید: بر طبق مکاشفه خدا در کتاب‌مقدس، انسان پس از سقوط در گناه چگونه ماهیتی پیدا کرد؟
ملاحظات: پس از سقوط انسانها در گناه، بدنهای آنها فانی شد. بدنهای آنها پس از مرگ، فاسد شده به خاك باز می‌گردد. ولی اگر چه بدن آنها می‌میرد، جان‌شان از بین نمی‌رود. پس از بازگشت مسیح و قیامت بدنهای تمام مردم، خدا بدن و جانهای بی‌ایمانان و مردم شریر را در جهنم از بین می‌برد. کلمه نابودی در اینجا به معنای عدم یا نیست شدن بدن و جانهای شریران نیست، زیرا نابودی آنها در جهنم مجازاتی ابدی خوانده شده است. بنابراین بر طبق کتاب‌مقدس، مرگ جسمانی مجازات خدا است بخاطر نااطاعتی مردم از او.

پ) <u>مرگ جسمانی واقعه‌ای طبیعی نیست.</u>
بخوانید: مزمور ۹۰: ۷- ۱۱؛ رومیان ۱: ۳۲؛ ۵: ۱۶؛ غلاطیان ۳: ۱۳.
کشف و گفتگو کنید: آیا مرگ در این آیات به عنوان واقعه‌ای طبیعی توصیف شده است یا به عنوان یك مجازات؟
ملاحظات: در کتاب‌مقدس، مرگ واقعه‌ای طبیعی برای انسان خوانده نشده است، بلکه جلوه‌ای است از خشم الهی (مزمور ۹: ۷- ۱۱)، داوری خدا (رومیان ۱: ۳۲)، یك محکومیت (رومیان ۵: ۱۶) و بلا و مصیبت (غلاطیان ۳: ۱۳).

ت) <u>مرگ جسمانی انسانها بنا به دلیلی موجه به تأخیر افکنده شده است.</u>
بخوانید: پیدایش ۲: ۱۷؛ اعمال ۱۴: ۱۵- ۱۷؛ رومیان ۳: ۲۵- ۲۶؛ دوم تیموتاؤس ۱: ۱۰؛ دوم پطرس ۳: ۷- ۹.
کشف و گفتگو کنید: چرا خدا انسان را بلافاصله پس از آنکه در گناه سقوط کرد، دچار مرگ جسمانی نکرد؟
ملاحظات: اگر خدا صرفاً خدایی عادل بود ولی نه خدای محبت، به احتمال زیاد انسان را بلافاصله پس از سقوط در گناه می‌کشت. ولی او از آنجا که در عین عادل بودن، خدای رحیم و فیاضی نیز هست، نسبت به مخلوقات خود صبور است. او بواسطه فیض همگانی خود نسبت به مخلوقاتش، پیوسته عملکرد گناه و مرگ را در این جهان مهار کرده و می‌کنند. او نمی‌خواهد مردم هلاك شوند، بلکه مایل است آنها توبه کنند. او مرگ را بواسطه فیضش به توسط عیسی مسیح نابود می‌کند و حیات و زندگی جاودان را به انسانها عطا می‌نماید. تمام کسانی که با ایمان پیغام انجیل را بپذیرند، در پیروزی عیسی بر مرگ جسمانی بدنهایشان و نابودی ابدی بدن و جانهایشان در جهنم سهیم خواهند شد.

خلاصه: مرگ جسمانی جزو طبیعتی که خدا در آغاز خلق کرد نبود، بلکه به عنوان مجازات گناه وارد خلقت خدا شد. از آن زمان به بعد، کسانی که خدا را نمی‌شناسند مرگ جسمانی را واقعه‌ای طبیعی پنداشته‌اند. ولی آنانی که به مکاشفه خدا در کتاب‌مقدس ایمان دارند، می‌دانند که مرگ جسمانی واقعه‌ای غیرطبیعی است و مجازات خدا است بخاطر گناه.

۲- <u>طبیعت انسان.</u>

مقدمه: مردم در مورد طبیعت انسان دیدگاههای متفاوتی دارند. برخی معتقدند که انسان متشکل از برخی عناصر فیزیکی و شیمیایی است و دارای جان نمی‌باشد. برخی دیگر معتقدند که انسان تنها دارای طبیعت فیزیکی نیست، بلکه بدن و جان نیز دارد. برخی بدن را پدیده‌ای جسمانی و جان را پدیده‌ای روحانی می‌دانند و می‌گویند جان انسان در بدن او محصور و زندانی است و در زمان مرگ بدن انسان، جان او از این زندان خلاصی می‌یابد. این عده، جان را عامل اصلی حیات انسان می‌پندارند و معتقدند که بدن جسمانی، ناپاك و شریر است. این دیدگاه در میان فرهنگهای قدیمی غرب (یونان) و شرق (هندوستان) متداول بوده است. ولی مکاشفه خدا در کتاب‌مقدس از این دیدگاه حمایت نمی‌کند.

الف) <u>جهان خلقت و بدنهای جسمانی ما هیچگاه پلید خوانده نشده‌اند.</u>
کشف و گفتگو کنید: نظر کتاب‌مقدس درباره بدنهای جسمانی مسیحیان و خلقت فیزیکی بطور کل، چیست؟
بخوانید: رومیان ۸: ۱۹- ۲۲؛ یوحنا ۵: ۲۸- ۲۹؛ اعمال ۳: ۲۱.
ملاحظات: مطابق مکاشفه خدا در کتاب‌مقدس، بدنهای جسمانی مسیحیان و خلقت فیزیکی بطور کل، هیچگاه شریر و بد محسوب نمی‌شود. هنگامی که انسان در گناه سقوط کرد، مرگ جسمانی وارد خلقت خدا شد. به همین جهت مردم، حیوانات، درختان، گیاهان و سایر مخلوقات همگی می‌میرند. ولی این حقیقت که بدنهای جسمانی انسانها می‌میرند و مخلوقات دیگر نیز روزی از بین می‌روند، بدین معنا نیست که خلقت فیزیکی خدا و بدنهای مردم بخودی خود پلید هستند. با سقوط بشر در گناه، تمام خلقت در معرض تباهی و فساد قرار گرفته است. در زمان بازگشت عیسی مسیح، بدنهای جسمانی مردم قیام خواهد کرد و تمام جهان فیزیکی احیا خواهد شد.

ب) <u>انسان از جان و بدن تشکیل شده است.</u>
بخوانید: مرقس ۱۲: ۳۰؛ اول قرنتیان ۳: ۱۶- ۱۷؛ ۶: ۱۹- ۲۰؛ رومیان ۶: ۱۲- ۱۳، ۱۹؛ دوم پطرس ۳: ۱۰- ۱۴.
ملاحظات: و اما تا قبل از بازگشت مسیح، خدا می‌خواهد که تمام مسیحیان در بدنهای فانی کنونی خود، زندگی مقدس و خداپسندانه‌ای داشته باشند. پس از بازگشت مسیح و قیامت بدنهای مردم، بدنهای جسمانی آنها نیز غیرفانی خواهد شد. بنابراین

بر طبق کتاب‌مقدس، هم بدن و هم روح انسان دارای اهمیت زیادی است. انسان مطابق کلام خدا دارای جان و روح است. یك مسیحی در طول حیاتش بر روی زمین، نباید در فکر خود و در زندگی روزانه‌اش بین بدن و جان خود تمایز قائل شود. تا زمانی که انسان روی این زمین زیست می‌کند، جان و روحش از هم جدایی‌ناپذیرند. خدا مسیحیان را دعوت می‌کند تا او را توسط بدن و جانهای خود جلال دهند.

پ) اصل حیات در انسان تا قبل از مرگ، از طریق جان یا روحش بیان می‌شود.
بخوانید: - پیدایش ۲: ۷؛ مزمور ۳۱: ۹؛ ۶۳: ۱؛ متی ۶: ۲۵- ۲۷؛ ۱۶: ۲۵- ۲۶؛ مکاشفه ۱۸: ۱۳ ؛ ایوب ۳۴: ۱۴- ۱۵؛ مزمور ۳۱: ۵؛ حزقیال ۳۶: ۲۶؛ لوقا ۸: ۵۵؛ لوقا ۲۳: ۴۶؛ رومیان ۸: ۱۰؛ اول قرنتیان ۷: ۳۴؛ دوم قرنتیان ۷: ۱؛ یعقوب ۲: ۲۶.
کشف و گفتگو کنید: کتاب‌مقدس اصل وجود حیات در انسان را تا قبل از مرگ جسمانی او در قالب چه کلماتی بیان کرده است؟
ملاحظات: اصل حیات در انسان تا قبل از مرگ جسمانی او در قالب یکی از کلمات زیر بیان گشته است:
۱) کلمه "جان" (به زبان عبری: nefesh، و به زبان یونانی: psyche)، که به معنای "حیات" نیز ترجمه شده است.
۲) کلمه "روح" (به زبان عبری: ruach، و به زبان یونانی: pneuma).
بنابراین کتاب‌مقدس از هر دو کلمه به منظور توصیف اصل حیات در انسان تا قبل از مرگ جسمانی او، استفاده می‌کند.

ت) اصل حیات در انسان در دوران پس از مرگ، از طریق جان یا روح بیان می‌شود.
بخوانید: مکاشفه ۶: ۹؛ ۲۰: ۴؛ جامعه ۱۲: ۷؛ اشعیا ۲۶: ۱۴؛ عبرانیان ۱۲: ۲۳.
کشف و گفتگو کنید: کتاب‌مقدس اصل حیات جدای از بدن را پس از مرگ جسمانی انسان در قالب چه کلماتی بیان کرده است؟
ملاحظات: پس از مرگ جسمانی، حیات انسان جدای از بدنش توسط یکی از کلمات زیر بیان شده است:
کلمه "جان" (به زبان یونانی: psyche) یا کلمه "روح" (به زبان عبری: ruach، و به زبان یونانی: pneuma).
بنابراین کتاب‌مقدس از هر دو کلمه جهت توصیف موجودیت و حیات انسان پس از مرگ جسمانی او استفاده می‌کند.

۳- سرنوشت انسان پس از مرگ.

کشف و گفتگو کنید: پس از مرگ انسان چه اتفاقی برای بدن و جانش می‌افتد؟ بدن و روح یا جان انسان پس از مرگ به کجا می‌روند؟ آیا پس از مرگ، جانها یا روحهای مردم همه به یك مکان واحد می‌روند؟

الف) موجودیت انسان جدای از بدنش، موجودیتی ابدی است.
بخوانید: جامعه ۳: ۱۱.
ملاحظات: کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که روح یا جان انسان ابدی است، ولی بدن جسمانی کنونی او موقتی و فانی می‌باشد.

ب) پس از مرگ، بدنهای تمام مردم به خاك بازمی‌گردد.
بخوانید: پیدایش ۲: ۷؛ ۳: ۱۹؛ جامعه ۹: ۱- ۱۲؛ اشعیا ۶۳: ۱۶.
ملاحظات: بدن انسان از "خاك" روی زمین است. وقتی انسان می‌میرد، بدن او از روح یا جانش جدا می‌شود. بدنش به زمینی که از آن آمده باز می‌گردد و در قبر گذاشته می‌شود (یا تبدیل به خاکستر می‌شود). انسان از خاك سرشته شده است و به خاك نیز بازمی‌گردد. بر طبق جامعه فصل ۹، انسان بهنگام مرگ دیگر در هیچ یك از اموری که در زیر آفتاب بر روی زمین اتفاق می‌افتد، سهمی نخواهد داشت. انسان در حالت مرگ نمی‌تواند معلومات گردآوری کند و یا به کار و برنامه‌ریزی بپردازد. انسان در حالت مرگ دیگر نفوذی بر دنیای کنونی ندارد. مطابق اشعیا ۶۳: ۱۶، انسان در حالت مرگ از روابط خانوادگی خود آگاه نیست.

پ) روح یا جان یك شخص عادل در زمان مرگ بدن، به آسمان می‌رود.
بخوانید: جامعه ۱۲: ۷؛ عبرانیان ۱۲: ۲۲- ۲۴؛ مکاشفه ۶: ۹- ۱۱؛ ۲۱: ۹- ۱۰.
ملاحظات: هر چند بدن انسان پس از مرگ به خاك بازمی‌گردد، اما جان یا روح شخص ایماندار به نزد خدا در آسمان بازمی‌گردد. تنها روح یا جان مردم عادل یعنی مسیحیان، در آسمان خواهد بود. در عبرانیان فصل ۱۲، کلیسای مسیح در آسمان "اورشلیم جدید یا آسمانی" یا "شهر خدا" نامیده شده است. روح یا جان مسیحیان در آنجا کامل خواهد بود، حضور خدای تثلیث را تجربه خواهد کرد و در معیت فرشتگان بیشمار بسر خواهد برد. روح یا جان مسیحیانی که در زمان حیاتشان بر زمین رنج کشیده‌اند، در آسمان از آرامشی خاص برخوردار خواهد شد.

ت) روح یا جان شخص گناهکار در زمان مرگ به جهنم می‌رود.
بخوانید: لوقا ۱۶: ۱۹- ۳۱؛ مرقس ۹: ۴۲- ۴۸.
ملاحظات: روح یا جان مردمان گناهکار که غیرمسیحیان هستند به آسمان نمی‌رود، بلکه به مکان رنج و عذاب دائمی که جهنم نامیده می‌شود منتقل خواهد گردید.

خلاصه: مرگ جسمانی عبارت است از جدایی بدن از روح یا جان انسان.

۴- مرگ مسیحیان.

کشف و گفتگو کنید: اگر مسیح به جای مسیحیان رنج کشید و مرد، چرا آنها باید رنج بکشند و بمیرند؟

الف) مرگ جسمانی مسیحیان دیگر در حکم مجازات نیست.
بخوانید: مزمور ۱۱۶: ۱۵؛ رومیان ۶: ۲۳؛ اول قرنتیان ۱۵: ۵۶؛ رومیان ۳: ۲۳- ۲۶؛ ۵: ۶- ۱۰؛ عبرانیان ۹: ۲۴- ۲۶.
ملاحظات: برای غیرمسیحیان، مرگ مجازاتی است بخاطر گناهانشان (رومیان ۶: ۲۳). ولی برای مسیحیان، مرگ دیگر مجازات گناه نیست (مزمور ۱۱۶: ۱۵). مرگ جسمانی کسانی که به عیسی مسیح ایمان دارند، دیگر در حکم مجازات گناهانشان نیست، زیرا قربانی کفاره‌ای مسیح بر صلیب، خشم عادلانه خدا را بخاطر گناهانشان فرونشانده است. مرگ مسیح، مجازات عادلانه خدا به خاطر گناهان ایمانداران را کفاره داده است. بنابراین ایمانداران بطور قطع عادل گشته‌اند یا به مفهوم دیگر، گناهانشان بخشیده شده است و مرگ جسمانی آنها، دیگر مجازاتی برای گناهانشان محسوب نمی‌شود.

ب) مرگ جسمانی مسیحیان وسیله خدا است جهت تقدیس آنها.
بخوانید: مزمور ۴۹: ۵- ۱۰، ۱۵- ۱۷؛ ۸۹: ۴۷- ۴۸؛ امثال ۱۴: ۱۲، ۲۷؛ ۲۱: ۲۵؛ رومیان ۱: ۲۸- ۳۲؛ اول یوحنا ۲: ۱۵- ۱۷؛ رومیان ۸: ۱۷؛ دوم قرنتیان ۴: ۷- ۱۱؛ عبرانیان ۴: ۱۵؛ ۵: ۷- ۱۰؛ اول پطرس ۴: ۱۲- ۱۴.
ملاحظات: رنجها و مرگ جسمانی مسیحیان، وسیله‌ای است که خدا از این طریق آنان را تقدیس می‌سازد. اگرچه عیسی مسیح هیچوقت گناه نکرد، اما بی‌تردید با تمام وسوسه‌ها و رنجهای زمینی مواجه شد. رنجها و جفاهایی که عیسی مسیح با آنها مواجه شد، وسیله‌ای بود برای کامل کردن طبیعت ضعیف انسانی او. به همین ترتیب، مسیحیان نیز با اینکه مرتکب گناه می‌شوند، رنجها و سختیهای مختلف آنها را فروتن می‌سازد و آنان را در برابر شهوات جسمانی و امور دنیوی مقاوم ساخته، افکار روحانی را در آنها تقویت می‌کند. کتاب‌مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که هدف از رنجهای مسیحیان بر روی زمین این است که زندگی جدید و مقدس عیسی مسیح در بدنهای آنها در زمان حاضر، و به طور دائمی در آسمان، آشکار شود.

پ) مرگ جسمانی مسیحیان، اوج تقدیس آنها و آغازگر زندگی کامل آنان است.
بخوانید: اول قرنتیان ۱۵: ۵۰؛ عبرانیان ۱۲: ۲۳؛ مکاشفه ۲۱: ۲۷.
ملاحظات: مرگ جسمانی پایان تمام رنج و سختیهایی است که مسیحیان با آن مواجه شده‌اند. اول قرنتیان ۱۵: ۵۰ می‌فرماید:
"جسم و خون نمی‌تواند وارث ملکوت خدا شود، و آنچه فساد پذیر است، وارث فساد ناپذیری نمی‌تواند شد."
بدنهای فعلی مسیحیان هنوز در معرض طبیعت گناهکار، ضعف و ناتوانی و مرگ قرار دارد. این بدنها نمی‌توانند وارث ملکوت خدا شوند. به عبارت دیگر، نمی‌توانند وارد آسمان شوند. به همین دلیل است که بدنهای فعلی مسیحیان باید بمیرد و تبدیل شود. درست همانگونه که مسیح از طریق رنجهای زمینی و مرگ جسمانی وارد جلال خود شد، مسیحیان نیز تنها از طریق سختیها و مرگ جسمانی وارد حضور ابدی خدا می‌شوند. مرگ جسمانی، روند تقدیس جانها یا روحهای آنها را به کمال می‌رساند و آنها به انسانهایی عادل با روحهایی تکامل یافته مبدل می‌گردند. مرگ جسمانی به حیات مسیحیان خاتمه نمی‌دهد، بلکه آغاز حیات کامل آنها است: نخست در آسمان و بعد در زمین جدید.

ت) برای مسیحیان، امید قیامت ایشان جای ترس از مرگ جسمانی را گرفته است.
بخوانید: اعمال ۲: ۲۴؛ عبرانیان ۲: ۱۴- ۱۵
ملاحظات: رنجهای زمینی و مرگ جسمانی که مسیحیان با آنها مواجه می‌شوند، دروازه‌ای است جهت ورود آنها به آسمان. مسیح با مرگ و قیامش از مردگان، از عذاب مرگ خلاصی یافت و مسیحیان را نیز از اسارت ترس از مرگ خلاصی داده است، بطوریکه آنان به جای ترس از مرگ، حال به قیامت بدنهایشان امید دارند. این امید پویا بخشی از مرحله تقدیس شدن مسیحیان است.

ب - پس از مرگ چه اتفاقی می‌افتد؟

۱- وضعیت مسیحیان و غیرمسیحیان در مرحله بین مرگ و قیامت.

کشف و گفتگو کنید: پس از مرگ، جانهای گناهکاران و عادلان به کجا می‌روند؟

الف) جان شخص گناهکار پس از مرگ جسمانی به جهنم می‌رود.
بخوانید: متی ۲۵: ۴۶؛ لوقا ۱۶: ۲۲- ۲۳؛ دوم پطرس ۲: ۴- ۱۰؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۶- ۱۰.

ملاحظات: کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که وقتی شخصی گناهکار یا کسی که توسط عیسی مسیح عادل نشده است می‌میرد، جان یا روح او از بدنش جدا می‌شود و بلافاصله وارد جهنم خواهد شد. لوقا ۱۶: ۲۲- ۲۳ تعلیم می‌دهد که شخص گناهکار پس از مرگ بلافاصله به جهنم که مکان عذاب و رنج دائمی است می‌رود. پطرس رسول نیز تعلیم می‌دهد که گناهکاران پس از مرگ تا زمان داوری نهایی کماکان مجازات خواهند شد. هم عیسی و هم پولس رسول تعلیم می‌دهند که در روز داوری، مردم گناهکار وارد مجازات ابدی شده، از حضور خداوند دور می‌شوند.

ب) جان شخص عادل پس از مرگ جسمانی به بهشت می‌رود.
بخوانید: لوقا ۲۳: ۴۳؛ دوم قرنتیان ۵: ۸؛ فیلیپیان ۱: ۲۱- ۲۳؛ عبرانیان ۱۲: ۲۲- ۲۴؛ رومیان ۸: ۳۵- ۳۹.
ملاحظات: در زمان مرگ یك شخص عادل، یا شخصی که توسط عیسی مسیح عادل شمرده شده است، جان یا روح او از بدنش جدا شده، وارد حضور عیسی مسیح می‌شود. در لوقا ۱۶: ۲۲ می‌خوانیم که پس از مرگ شخص فقیری که در نظر خدا عادل محسوب می‌شد، فرشتگان بلافاصله او را به آغوش ابراهیم بردند. در لوقا ۲۳: ۴۳ نیز می‌خوانیم که عیسی به دزد توبه‌کار می‌گوید که پس از مرگ بلافاصله وارد فردوس خواهد شد تا با او باشد. ۲ قرنتیان ۵: ۸ تعلیم می‌دهد: "غربت مسیحیان از بدنشان" به معنای "منزل گرفتن در نزد خداوند" است. فیلیپیان ۱: ۲۱- ۲۳ تعلیم می‌دهد: "رحلت از این جهان" به مفهوم "بودن با مسیح" است. در عبرانیان ۱۲: ۲۲- ۲۴ نیز بودن یا حضور یك فرد ایماندار در آسمان به طرق زیر توصیف شده است:
"رفتن به جمع شادمانه هزاران هزار فرشته"؛ "رفتن به کلیسای نخستزادگانی که نامهایشان در آسمان نوشته شده است"؛ "رفتن به حضور خدایی که داور همه آدمیان است"؛ "رفتن نزد عیسی که بانی عهدی جدید است"؛.. و "رفتن به نزد جانهای عادلان".
و سرانجام رومیان ۸: ۳۵- ۳۹ تعلیم می‌دهد که مرگ جسمانی هیچ وقت نمی‌تواند یك فرد مسیحی را از خدا و محبت او جدا سازد.

۲- وضعیت جانهای مسیحیان در آسمان.

کشف و گفتگو کنید: روح مسیحیان در آسمان به چه کاری مشغول خواهد بود و چه چیزی را تجربه خواهد کرد؟
ملاحظات: در مرحله بین مرگ و قیام مسیحیان، بدنهای آنها در قبر خواهد بود، اما جان یا روح‌شان در آسمان بسر خواهد برد. روح یا جان آنها کاملاً در آسمان فعال و هوشیار خواهد بود.
الف) دیدن.
بخوانید: یوحنا ۱۴: ۱- ۴؛ ۱۷: ۲۴. وقتی مسیحیان از نظر جسمانی می‌میرند، جانهای آنها در حضور مسیح خواهد بود و جلال او را خواهند دید. به عبارت دیگر، محبت و رحمت، قدوسیت، عدالت، مهربانی، حکمت و سایر خصوصیات خدا را تجربه خواهند کرد.
ب) استراحت یا آرام گرفتن.
بخوانید: عبرانیان ۴: ۹- ۱۱؛ مکاشفه ۷: ۱۶- ۱۷؛ ۱۴: ۱۳. جانهای ایمانداران از زحمات، مشکلات، نگرانیها، بیماریها، دردها، رنجها، ترسها، گناهان و غمهایی که در طول زندگی بر این زمین تجربه کرده‌اند، آرامی خواهد یافت و آنان دیگر هیچ وقت رنج نخواهند کشید.
پ) شناختن.
بخوانید: اول قرنتیان ۱۳: ۹- ۱۲. معرفت جزئی آنها جای خود را به معرفتی کامل خواهد داد و آنها همه چیز را بطور کامل خواهند دانست.
ت) کمال شادی.
بخوانید: مزمور ۱۶: ۱۱. آنها در حضور خدا از شادی لبریز خواهند شد و لذتی ابدی را تجربه خواهند کرد.
ث) سراییدن.
بخوانید: مکاشفه ۴: ۹-۱۱؛ ۵: ۱۱- ۱۴. آنها سرودهایی تازه برای خداوند خواهند سرایید و خدا را پرستش خواهند کرد.
ج) خدمت.
بخوانید: مکاشفه ۷: ۹- ۱۵. مسیحیان در آسمان شبانه‌روز خدا را خدمت خواهند کرد، و درست مثل فرشتگان که بدنهای جسمانی ندارند، آنان نیز به طرق گوناگون خدا را خدمت خواهند کرد.
چ) حاکمیت.
بخوانید: مزمور ۲: ۸- ۹؛ مکاشفه ۲: ۲۶- ۲۷؛ ۳: ۲۱. مسیحیان از آنجا که با مسیح در آسمان هستند، مانند او بر تخت خدا خواهند نشست و در پیروزی و غلبه او بر گناه و شیطان و تمام دشمنان انسانی، شریك خواهند بود. خداوند با استفاده از زبان مجازی، نابودی کامل تمام کسانی را که با او مخالفت می‌کنند به تصویر می‌کشد. مسیحیان هم اینك حتی قبل از بازگشت مسیح، در پیروزی او در آسمان شریك هستند. آنان بهنگام بازگشت مسیح، برای داوری زندگان و مردگان با او به زمین بازخواهند گشت (اول تسالونیکیان ۴: ۱۴؛ متی ۲۵: ۳۱- ۳۲) و در پیروزی نهایی مسیح بر تمامی بدکاران روی زمین، با او شریك خواهند بود (متی ۱۳: ۴۱؛ مکاشفه ۱۹: ۱۵- ۱۶). همچنین آنها در جلال ابدی او سهم خواهند داشت. کسانی که دشمن مسیح و مسیحیان بوده‌اند، تا به ابد مغلوب خواهند شد و دیگر هیچگاه قد علم نخواهند کرد. پس از بازگشت مسیح، در آسمان و زمین جدید، "دوازده" رسول نیز بر "دوازده تخت خواهند نشست و بر دوازده قبیله اسرائیل داوری خواهند کرد" (متی ۱۹: ۲۸؛ لوقا ۲۲: ۲۸- ۳۰). این دو قسمت از کتاب‌مقدس به شکل نهایی ملکوت خدا اشاره می‌کنند. منظور از داوری کردن، حاکمیت یا

درخشیدن بر چیزی است (دانیال ۱۲: ۳؛ متی ۱۳: ۴۳). دوازده قبیله اسرائیل اصطلاحی است در مورد اسرائیل جدید و احیا شده، و منظور از آن یا آندسته برگزیدگانی است که از ابتدا تا انتهای تاریخ جهان از میان دوازده قبیله اسرائیل جمع شده‌اند (رومیان ۱۱: ۲۶)، و یا به تمام برگزیدگان از میان ملل یهود و غیریهود از ابتدا تا انتهای تاریخ جهان اشاره دارد (غلاطیان ۶: ۱۶). در هر دو مورد، این اصطلاح به کسانی اشاره دارد که حیات تازه یافته‌اند، زیرا هیچ چیز پس از احیا و تازه شدن، بصورت ناپاك وارد ملکوت خدا به شکل نهایی آن نخواهد شد (مکاشفه ۲۱: ۲۷).
کتاب‌مقدس در مورد تجارب و فعالیتهای مسیحیان در آسمان، مطالب خاص دیگری بیان نمی‌کند.

۳- <u>وضعیت بدنهای مسیحیان بهنگام قیامت مردگان.</u>

کشف و گفتگو کنید: چه اتفاقی برای مسیحیان پس از قیامت بدنهایشان رخ می‌دهد؟

الف) <u>بدنهای مبدل شده همچون بدن جلال یافته مسیح پس از قیامش از مردگان.</u>
بخوانید: فیلیپیان ۳: ۲۰- ۲۱؛ رومیان ۴: ۱۷.
ملاحظات: در زمان قیامت، مسیحیان بدنی احیا شده دریافت خواهند کرد. خاکستر بدنهای مرده آنها تا زمان بازگشت مسیح در قبر باقی خواهد ماند یا در نقطه‌ای از زمین پخش خواهد بود. اما بهنگام بازگشت مسیح، این خاکستر قیام کرده، مبدل خواهد شد و به صورت بدن قیام کرده و پرجلال عیسی‌مسیح در خواهد آمد. فیلیپیان ۳: ۲۱ تعلیم می‌دهد که هر آنچه متعلق به بدنهای جسمانی قبلی مسیحیان است، مبدل می‌شود و بدنهای قیام کرده آنها به شکل بدن پرجلال مسیح در خواهد آمد.
مسیح که آنچه را دیدنی است از آنچه نادیدنی است خلق کرد (یوحنا ۱: ۳؛ عبرانیان ۱۱: ۳)، این قدرت را دارد که بدنهای جسمانی مسیحیان را برخیزاند و احیا کند تا به شباهت بدن قیام کرده او در آیند.

ب) <u>بدنهای فساد ناپذیر، غیرفانی، پرجلال، قدرتمند و روحانی.</u>
بخوانید: اول قرنتیان ۱۵: ۳۵- ۴۴، ۵۳- ۵۴.
ملاحظات: پولس با استناد به سمبلهای کتاب‌مقدس، تعلیم می‌دهد که بدنهای ایمانداران در زمان مرگ مانند گندمی که در زمین کاشته می‌شود، به داخل زمین می‌رود و سرانجام از آن حیاتی جدید و پرجلال ظاهر می‌شود. بدن طبیعی انسان ضعیف است و فاسد می‌شود، ولی بدنهای قیام کرده مسیحیان فسادناپذیر، غیرفانی، پرجلال، قوی و روحانی خواهد بود. بدنهای قیام کرده آنان هرگز فاسد نخواهد شد. به عبارت دیگر، بدنهای آنها هرگز بیمار، ضعیف و فرسوده نخواهد گشت و مرگ را تجربه نخواهد کرد. بدن قیام کرده آنها پرجلال خواهد بود. به عبارت دیگر، این بدنها در خصوصیات ذات الهی مانند محبت، قدوسیت، عدالت، اقتدار و حکمت سهیم خواهند بود. بدنهای قیام کرده آنها در قوت برمی‌خیزند، یعنی برای حیات ابدی خود قدرت دریافت می‌کنند. این بدنهای قیام کرده، روحانی خواهند بود. به عبارت دیگر، بدنهای آنها کاملاً تحت حاکمیت روح‌القدس قرار خواهد داشت و به قدرت روح احیا خواهد شد. و بلاخره این بدنهای قیام کرده، جاودانه و غیرفانی خواهد بود، که به این معنا است که آنها تا ابد در حیاتی کامل، برکات ابدی و در حضور خدا زیست خواهند کرد.

۴- <u>سؤالاتی که مسیحیان اغلب می‌پرسند</u>

الف) **<u>سؤال:</u>** آیا مسیحیان باید به مردگان احترام بگذارند؟ آیا باید به مناسبت مرگ عزیزان و اعضای خانوادەشان مراسم یادبود برگزار کنند؟
<u>پاسخ:</u> در دستورعمل بنای کلیسا - کتاب دوم، درس ۲۳ به این سؤال پاسخ داده شده است.

ب) **<u>سؤال:</u>** آیا مسیحیان در آسمان قادر به تشخیص یکدیگر خواهند بود؟
<u>پاسخ:</u> بر طبق لوقا ۱۶: ۹، دوستانی که مسیحیان در طول زندگی خود بر این زمین داشته‌اند، در آسمان (یعنی جایگاه ابدیشان) به آنها خوشامد خواهند گفت. این دوستان که از برکات مادی مسیحیان و خدمات آنها بهره‌مند شده‌اند، بهنگام ورود این افراد نیکوکار به آسمان از آنها استقبال خواهند کرد. بر طبق لوقا ۱۶: ۱۹- ۳۱، در آسمان ابراهیم و ایلعازر یکدیگر را تشخیص می‌دهند و با هم مصاحبت دارند. متی ۸: ۱۱ با استناد به تصویر یك جشن، شادی آسمان را توصیف می‌کند. بنابراین انتظار دیدن مجدد یکدیگر و داشتن مشارکتی شاد با هم در آسمان، چنانچه مشارکت با مسیح در اولویت باشد، انتظاری کاملاً کتاب‌مقدسی است.

پ) **<u>سؤال:</u>** اگر مسیحیان به راستی یکدیگر را در آسمان تشخیص می‌دهند، آیا برای آن عده از اعضای خانواده یا دوستان‌شان که بر این زمین مسیحی نشده‌اند ناراحت و دلتنگ نمی‌شوند؟
<u>پاسخ:</u> بر طبق متی ۱۲: ۴۶- ۵۰، تمامی روابط موجود بر این زمین که "در مسیح" نبوده است، در آسمان مفهوم خود را از دست خواهد داد. بنابراین این امکان وجود دارد که در آسمان، هیچ یك از اعضای خانواده و دوستان غیرمسیحی خود را به یاد نیاوریم.

پ - مراسم تدفین مسیحی

الف) غم و اندوه از دست دادن یکی از عزیزان در نتیجه مرگ.

تعلیم دهید: وقتی که یکی از عزیزان ما می‌میرد، به خاطر مرگ او غمناك شده، اشکهای زیادی می‌ریزیم. داشتن امید به قیامت مردگان به این معنا نیست که به خاطر از دست دادن کسانی که دوستشان داریم سوگوار نمی‌شویم. عیسی به خاطر مرگ دوستش ایلعازر گریست. بنابراین مسیحیان باید غم و اندوه خود را ابراز کنند.
همچنین مسیحیان باید به مسیحیان دیگری که عزیزی را در خانواده خود از دست داده‌اند و در ماتم و سوگواری بسر می‌برند، کمك کنند. آنها در قبال مسیحیان سوگوار چهار وظیفه مهم دارند:
الف) باید به آنها کمك کنند تا واقعیت مرگ عزیز خود را بپذیرند.
ب) باید به آنها کمك کنند تا درد ناشی از مرگ آن شخص را تجربه کنند.
پ) باید به آنها کمك کنند تا خود را با شرایط زندگی خود پس از مرگ شخصی که از این جهان رفته است، منطبق سازند.
ت) باید به آنها کمك کنند تا از نظر عاطفی به شخصی که از این جهان رفته است وابسته نباشند و در عوض روی روابط و اهداف جدید زندگی‌شان سرمایه‌گزاری کنند.
مرحله سوگواری ممکن است تا سالها برای یك شخص به طول بیانجامد.

۲- روش تدفین مسیحی.

تعلیم دهید:
الف) تدفین یا سوزاندن بدن شخص متوفی.
کتاب‌مقدس در رابطه با اینکه مسیحیان باید با بدن شخص متوفی چه کاری انجام دهند، دستورالعمل خاصی ارائه نمی‌دهد. عمل سوزاندن و خاکستر کردن بدن موضوعی بحث‌انگیز است. برخی از مسیحیان معتقدند که با توجه به اینکه کتاب‌مقدس در مورد قیامت بدنهای مردگان صحبت می‌کند، بدن مردگان را باید دفن کرد و نباید آن را با سوزاندن و خاکستر کردن از بین برد. برخی دیگر از مسیحیان معتقدند که از آنجا که بدن مردگان، چه در تدفین و چه با خاکستر شدن، در نهایت فاسد می‌شود و به خاك بازمی‌گردد (پیدایش ۳: ۱۹؛ مکاشفه ۲۰: ۱۳)، بنابراین مهم نیست که با بدن شخص ایماندار چگونه عمل می‌شود. آنها معتقدند خدایی که بدن انسان را از خاك یا عناصر روی این زمین خلق کرد (پیدایش ۲: ۷)، این قدرت را نیز دارد که خاکستر بدن او را پس از مرگ قیام دهد (عبرانیان ۱۱: ۳؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۶). با وجود این برخی از مسیحیان سخت با سوزاندن و خاکستر کردن بدن مردگان مخالفند.

ب) مراسم تدفین.
کتاب‌مقدس در مورد نحوه برگزاری مراسم تدفین یا سوزاندن و خاکستر کردن بدن مردگان نیز دستورالعمل خاصی ارائه نمی‌دهد. ولی در مورد علت وجود مرگ در جهان، مکانی که مردم پس از مرگ به آنجا می‌روند، آنچه در زمان قیامت بدنهای مردگان رخ می‌دهد، و نیز در مورد داوری نهایی بهنگام بازگشت مسیح، تعالیم صریح و روشنی دارد.
بنابراین تعلیم کتاب‌مقدس در مورد مراسم تدفین این نیست که مسیحیان چگونه باید مردگان خود را دفن کنند، بلکه این است که در حین مراسم تدفین، چه پیامهایی را باید موعظه کرد. در مراسم تدفین مسیحی، واعظین می‌توانند انجیل را موعظه کنند و حقایق مهم مبتنی بر کتاب‌مقدس را در رابطه با این واقعه برای حاضرین بازگو نمایند.

۳- موعظه مربوط به مراسم تدفین مسیحی.

مقدمه: مسیحیان در حین برگزاری مراسم تدفین می‌توانند پیامهای مختلفی را وعظ کنند. در زیر به چهار موضوع اشاره شده است که می‌توان در اینگونه موعظه ها راجع به آنها صحبت کرد:

الف) مسیحیان می‌توانند در خصوص معضل مرگ موعظه کنند.
بخوانید: رومیان ۶: ۲۳؛ عبرانیان ۹: ۲۷؛ رومیان ۵: ۸- ۱۱؛ دوم تیموتاؤس ۱: ۱۰؛ اول قرنتیان ۴: ۷- ۱۰.
ملاحظات: چه کسی می‌تواند مشکل مرگ را حل کند؟ علم قادر به حل این مشکل نیست. هیچ مذهب یا جادویی نیز نمی‌تواند این مشکل را حل کند. کتاب‌مقدس می‌فرماید تنها خدا قادر است مشکل مرگ را حل کند. خدا اجازه داد مرگ به عنوان مجازاتی برای گناه بشر در جهان وجود داشته باشد. خدا از آنجا که عادل و مقدس است، باید گناه را توسط مرگ مجازات کند.
ولی از طرف دیگر، خدا حیاتی ابدی و غیرفانی را مهیا کرده است. او بر اساس فیض و محبتی که نسبت به مردم دارد، عیسی مسیح را به این جهان فرستاد تا جان خود را بجهت کسانی که به او ایمان می‌آورند، فدا سازد. خدا مشکل گناه و مرگ را از طریق مرگ و قیام پسرش عیسی مسیح حل کرد. بنابراین هر که به عیسی مسیح ایمان بیاورد، عادل شمرده می‌شود و از غضب خدا بهنگام داوری نهایی در امان خواهد بود.

بنابراین سختی و مرگ دیگر برای مسیحیان در حکم مجازات گناه نیست، بلکه سختی و مرگ باعث تقدیس آنها می‌شود و در حکم دروازه‌ای است جهت ورود آنها به آسمان.

ب) مسیحیان می‌توانند در رابطه با اینکه مسیح به جای ما مجازات مرگ را تجربه کرد، موعظه کنند.
بخوانید: عبرانیان ۷: ۲۶- ۲۷؛ ۱۰: ۱- ۴؛ رومیان ۳: ۲۱- ۲۶؛ یوحنا ۵: ۲۴.
ملاحظات: مردم در طول تاریخ همواره به سبب گناهانشان احساس شرم و تقصیر کرده‌اند و به منظور دریافت بخشش، حیوانات را برای خدا قربانی کرده‌اند. ولی این حیوانات هیچ کدام کامل نبودند و به میل و اراده خود قربانی نشده‌اند. به همین دلیل نیز قادر به نجات انسان از گناه نبوده‌اند و بنابراین انسانها پیوسته بخاطر گناهان خود احساس تقصیر کرده‌اند.
ولی عیسی مسیح بدون گناه بود و با میل و خواست قلبی به جای ما مرد. مسیح به جای ما مجازات مرگ را تجربه کرد. او تنها قربانی کامل جهت کفاره گناهان ما بود. مرگ عیسی مسیح قربانی کفاره‌ای است جهت گناهان تمام کسانی که به او ایمان بیاورند. خشم عادلانه خدا و مجازات او بخاطر گناه، بر روی عیسی قرار گرفته است. بنابراین ایمانداران دیگر با خشم و مجازات خدا روبرو نمی‌شوند، بلکه از سوی خدا عادل شمرده می‌شوند و در رابطه‌ای مصالحه‌آمیز با او قرار می‌گیرند. هر که به عیسی مسیح ایمان آورد، هیچگاه تحت محکومیت نخواهد بود و هیچوقت مرگ جسمانی را به عنوان مجازات گناه تجربه نخواهد کرد، بلکه این مرگ برای او نقطه شروع زندگی تکامل یافته‌اش با مسیح در آسمان خواهد بود.

پ) مسیحیان می‌توانند در این باره موعظه کنند که مسیح مرگ را به عنوان واقعه‌ای هولناک تجربه کرد.
بخوانید: متی ۲۷: ۴۶؛ اعمال ۲: ۲۲- ۲۴؛ عبرانیان ۲: ۹، ۱۴- ۱۵.
ملاحظات: مسیح به جای مسیحیان واقعه دردناک مرگ را تجربه کرد. او به جای آنها طعم مرگ را چشید. او به طرزی هولناک طعم طرد شدن از سوی خدا را تجربه کرد. بنابراین هر که به عیسی مسیح ایمان بیاورد، از قدرت مرگ و اسارت هولناک آن خلاصی خواهد یافت. مسیحیانی که به کتاب‌مقدس ایمان دارند هیچوقت ترس و درد و وحشت مرگ را مانند مردم دیگر تجربه نخواهند کرد، زیرا عیسی مسیح تمامی اینها را به جای آنها تجربه کرد.

ت) مسیحیان می‌توانند در مورد سرنوشت نهایی انسان موعظه کنند.
بخوانید: اول تسالونیکیان ۵: ۱- ۳؛ متی ۲۵: ۳۱- ۳۴، ۴۱، ۴۶؛ لوقا ۴: ۱۹؛ دوم قرنتیان ۶: ۲.
ملاحظات: سرنوشت نهایی انسان را رابطه‌ای که او در طول مدت زندگی خود بر این زمین با عیسی مسیح دارد، تعیین میکند. پس از مرگ جسمانی، دیگر فرصتی برای توبه وجود نخواهد داشت.
بازگشت ناگهانی و غیرمنتظره مسیح و قیامت مردگان و داوری نهایی که بلافاصله پس از بازگشت او اتفاق می‌افتد، بیانگر این حقیقت هستند که انسان در حین وقوع این اتفاقات هیچ فرصتی برای توبه نخواهد داشت. آن زمان جهت توبه بسیار دیر خواهد بود. رابطه شما با عیسی مسیح و چگونگی زندگی‌تان بر روی این زمین تا قبل از مرگ فیزیکی‌تان، در داوری نهایی شما نقشی تعیین کننده و سرنوشت ساز خواهد داشت.
هدف از آمدن عیسی مسیح به جهان، نجات مردم بود. هنوز هم زمان، زمان "لطف و رحمت خدا" است.
ولی عیسی مسیح بهنگام بازگشت خود، دیگر مردم را نجات نخواهد داد، بلکه آنها را داوری خواهد کرد. بنابراین واعظ باید در حین مراسم تدفین، انجیل را موعظه کند و آن عده از فامیلان و دوستان شخص متوفی را که جزو حاضرین هستند و هنوز به عیسی مسیح ایمان نیاورده‌اند ترغیب کند تا مسیح را به عنوان نجات‌دهنده خود بپذیرند. ۲ قرنتیان ۶: ۲ می‌فرماید: "هان، اکنون زمان لطف خداست، هان، امروز روز نجات است." تا زمانی که هنوز زنده هستید و عیسی مسیح هنوز بازگشت نکرده است، فرصت دریافت نجات را دارید. بنابراین اگر هنوز به مسیح ایمان نیاورده‌اید، باید دعا کنید و او را در همین لحظه در زندگی و قلب خود بپذیرید.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " تدفین مسیحی " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از اول تیموتاؤس ۱- ۴ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۸: ۱۲) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - بررسی کتاب‌مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۹) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۲۲

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **اول تیموتاؤس**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اول تیموتاوس ۱- ۴) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: یوحنا**

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ۸: ۱۲

۴	**بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه)** **یوحنا ۹: ۱- ۴۱**

مقدمه: یوحنا ۹: ۱- ۴۱ بیانگر دعوت عیسی مسیح از مردی است که به طور مادرزاد، کور به دنیا آمده بود. عیسی به او می‌گوید: "آیا به پسر انسان ایمان داری؟" "تو او را دیده‌ای؛ و آنکه با تو تکلم می‌کند همان است".

<u>قدم ۱: بخوانید</u>
بخوانید: یوحنا ۹: ۱- ٤١ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت یك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

<u>قدم ۲: کشف کنید</u>
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

<u>کشف ۱)</u> در یوحنا ۹: ۲ در رابطه با <u>ارتباط بین گناه و رنج</u>، حقیقت مهمی برای من وجود دارد.
بر طبق کتاب‌مقدس رنجهای جسمانی مانند سختیها، جفاها، تصادفات، بیماریها، نقصهای بدنی و مرگ، متأثر از سه دلیل اخلاقی هستند:

الف) <u>رنجهای جسمانی ممکن است نتیجه گناه آدم که اولین جد بشر بوده باشد.</u> آدم اولین انسانی بود که خدا خلق کرد. خدا او را نماینده نسل بشر می‌دانست. از نظر خدا، آدم با گناه خود باعث شد تمام نسلهای بعدی نیز دارای طبیعتی گناهکار باشند. رومیان ۵: ۱۲- ۲۱ و ۸: ۱۹- ۲۳ و قسمتهای دیگر کتاب‌مقدس به وضوح تعلیم می‌دهند که سقوط نخستین ابنای بشر در گناه، بر تمامی نسل بشر تأثیر گذاشت. گناه آدم و حوا، دشمنی شیطان، درد و رنج و مرگ و مصائب زندگی را با خود به‌همراه داشته است.

تمام بشر به خاطر گناه اولین انسانها، به يك اندازه درد و رنج را تجربه می‌کنند. به عنوان مثال، هم انسانهای بد و هم انسانهای نيك به طور یکسان در اتفاقاتی چون طوفان، قحطی، زلزله و بیماریهای مسری رنج می‌کشند.

ب) رنجهای جسمانی ممکن است در نتیجه گناه والدین باشد. خدا صرفاً با افراد به طور منفرد سر و کار ندارد، بلکه با جوامع مردم نیز در ارتباط است. احکام خدا هم به جوامع و خانواده‌ها داده شده است و هم به افراد. خدا در خروج ۲۰: ۵ می‌فرماید که او انتقام گناه پدران را از پسران تا نسل سوم و چهارم از آنانی که با او دشمنی می‌کنند می‌گیرد. به عنوان مثال بر طبق ارمیا ۳۲: ۱۸- ۲۴، اگرچه خدا قوم اسرائیل را از بردگی در مصر خلاصی داد و آنها سرزمین کنعان را تصرف کردند، اما از آنجا که آنان از خدا اطاعت و پیروی نکردند، خدا نیز نسلهای بعدی اسرائیل را اسیر ساخته، کاری کرد که به بابل تبعید شوند.

پ) رنجهای جسمانی ممکن است نتیجه گناهان شخصی خود فرد باشد. خدا گناهان تك تك افراد بشر را داوری خواهد کرد. او در ارمیا ۳۱: ۳۰ می‌فرماید: "هر کس به گناه خود خواهد مرد و هر که انگور ترش خورد دندان وی کند خواهد شد". و چون تمام انسانها گناه کرده‌اند، تمام مردم رنج می‌کشند و می‌میرند.
درست است که رنجهای جسمانی که فرد در نتیجه گناهان خود یا خانواده‌اش متحمل می‌شود، در واقع نتیجه سقوط آدم در گناه است، اما یهودیان همیشه دوست داشتند در مورد اهمیت گناهان شخص و گناهان والدینش مبالغه کنند. آنها معتقدند بودند که بین گناهان شخص و رنجهایی که متحمل می‌شود همواره رابطه‌ای مشخص و آشکار وجود دارد. آنها هر رنج و سختی را نتیجه گناه خاصی که از خود فرد سر زده می‌پنداشتند. به عنوان مثال، دوستان ایوب تصور می‌کردند که رنجهای ایوب بخاطر ترحم نکردن او به بیوه‌زنان و یتیمان است (ایوب ۲۲: ۵- ۱۱). معلمین مذهبی یهود چنین تعلیم می‌دادند که حتی اطفال نیز ممکن است در رحم مادر مرتکب گناه شوند. به اعتقاد آنها، عیسو سعی کرد برادرش را در زمانیکه که هر دو در رحم مادرشان بودند، بکشد (پیدایش ۲۲: ۲۲- ۲۶).
ولی عیسی در لوقا ۱۳: ۲- ۵ تعلیم می‌دهد که کسانی که رنج می‌کشند از آنهایی که رنج نمی‌کشند گناهکارتر نیستند. او می‌فرماید: "آیا گمان می‌برید که این جلیلیان گناهکارتر بودند از سایر سکنه جلیل از این رو که چنین زحمات را دیدند؟ نی، بلکه به شما می‌گویم اگر توبه نکنید، همگی شما همچنین هلاك خواهید شد".
در یوحنا ۹: ۳ عیسی تعلیم می‌دهد که درد و رنج علاوه بر عواملی که باعث ایجاد آن شده است، ممکن است بنا به اهداف دیگری نیز باشد. آن شخص نابینا به خاطر گناهان خودش نبود که رنج می‌کشید، بلکه دلیل رنج کشیدنش این بود که شفای او باعث جلال نام خدا می‌شد. بنابراین در پس رنجهای او هدفی نهفته بود. مردم در نتیجه شفای او عیسی مسیح را می‌شناختند و او را می‌پذیرفتند. اگرچه ممکن است درك این موضوع دشوار باشد، ولی در نهایت هدف تمام مصائب و بلایا جلال یافتن نام خدا در مسیح می‌باشد.

کشف ۲) در یوحنا ۹: ۳- ۵ در رابطه با اعمال خدا که مسیحیان باید آنها را تا روز است انجام دهند حقیقت مهمی برای من وجود دارد. در یوحنا ۹: ۴، عیسی می‌فرماید: "مادامی که روز است مرا باید به کارهای فرستنده خود مشغول باشم. شب می‌آید که در آن هیچ کس نمی‌تواند کاری کند."

الف) فرصت کوتاهی جهت انجام اعمال خدا وجود دارد. عیسی می‌فرماید روز او تا زمانی است که او هنوز بر روی زمین است. در مورد شاگردان نیز روز برای آنها تنها محدود به مدت زمانی است که بر روی این زمین زیست می‌کنند. خدا امروزه نیز برای هر يك از پیروان عیسی مدت زمان خاصی را جهت انجام اعمال الهی او مقرر فرموده است. خدا هر فرد مسیحی را برای مدت زمانی محدود روی این زمین قرار می‌دهد، و این تنها زمانی است که او می‌تواند اعمال خدا را بر زمین انجام دهد. بنابراین هر فرد مسیحی باید از فرصتهایی که خدا در اختیار او قرار داده است به بهترین نحو استفاده کند.

ب) اعمال خدا عبارت از این است که رفتار و کرداری محبت آمیز داشته باشیم. خدا همواره افرادی را بر سر راه ما قرار می‌دهد. ما می‌توانیم به سه طریق نسبت به این افراد عکس‌العمل نشان دهیم. برخی از مردم نسبت به افرادی که خدا سر راهشان قرار می‌دهد حسادت می‌ورزند و در صدد نابودی آنها بر می‌آیند. آنها هیچ وقت نمی‌توانند کاری بناکننده و مفید برای این اشخاص انجام دهند، بلکه تنها می‌توانند از این افراد انتقاد کنند، در مورد آنها غیبت نمایند، از آنها سوء استفاده کنند و حتی به آنها جفا برسانند. یهودیان چنین طرز برخوردی نسبت به عیسی داشتند. برخی دیگر از مردم در مورد افرادی که خدا بر سر راه آنها قرار می‌دهد کنجکاو هستند و صرفاً مایلند در موردشان بیشتر بدانند. شاگردان صرفاً می‌خواستند پاسخ يك سؤال الهیاتی را درباره علت رنج کشیدن آن شخص نابینا بدانند. اما عیسی نمی‌خواهد که ما صرفاً سؤالاتی از او بپرسیم، بلکه مایل است که ما اعمالی را به جا بیاوریم. بنابراین منظور از انجام اعمال خدا این است که دست به اقداماتی مفید بزنیم و به نیازمندان کمك کنیم.

قدم ۳: سؤال
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۹: ۱- ٤١ را درك كنيم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۹: ۱۳) شخص فقیری که پیشتر کور بود نزد فریسیان آورده شد. این فریسیان چه کسانی بودند؟
ملاحظات: این فریسیان تحت احکام و قوانین سنهدرین عمل می‌کردند که عالی‌ترین قدرت حاکم در بین یهودیان بود. آنها این قدرت را داشتند که مرد کور را از کنیسه اخراج کنند (۹: ۲۲، ۳۴). مطابق یوحنا ۱: ۲۴، سنهدرین گاهی گروهی از فریسیان را مأمور می‌کردند تا امور مربوط به مسیح موعود را ارزیابی کنند. آنان احتمالاً در فصل ۹ ، معجزه‌ای را که بنا به گفته بعضی از مردم توسط عیسی انجام شده بود، ارزیابی می‌کردند. والدین مرد کور در این مورد بسیار محتاطانه عمل می‌کردند، زیرا نگران بودند که مبادا فریسیان آنها را از کنیسه اخراج کنند. تمام این حقایق نشان می‌دهد که این فریسیان به احتمال زیاد گروهی از نمایندگان سنهدرین بودند که رسماً از طرف این شورا انتخاب شده بودند و اختیارات ویژه‌ای داشتند.

سؤال ۲) (یوحنا ۹: ۱۶- ۳۴). فریسیان در برابر دشمنان خود به چه نوع استدلالاتی متوسل می‌شدند؟
ملاحظات: یوحنا فصل ۹ درخصوص روشی که فریسیان در برابر دشمنان خود اتخاذ کردند، نکات خوبی بیان می‌دارد.

الف) فریسیان در میان خود بحث و استدلال می‌کردند تا بتوانند به نتیجه خوبی برسند. در آیه ۱۶ می‌خوانیم که برخی از فریسیان چنین استدلال کردند: "تمام افرادی که از جانب خدا می‌آیند روز سبت را نگاه می‌دارند. اما این مرد (عیسی) روز سبت را نگاه نمی‌دارد. بنابراین عیسی از جانب خدا نیست." استدلال آنها به نظر منطقی می‌رسید، ولی اشتباه بود زیرا بر آنچه کتاب‌مقدس درمورد روز سبت تعلیم می‌داد مبتنی نبود، بلکه بر اساس قوانین خودساخته خود آنها بود. سایر فریسیان در مورد این موضوع چنین استدلال می‌کردند: "تنها افرادی که گناهکار نیستند می‌توانند چشمان يك كور مادرزاد را بینا سازند. این مرد (عیسی) چشمان يك كور را بینا ساخته، بنابراین عیسی گناهکار نیست". بدین ترتیب می‌بینیم که برخی از فریسیان می‌گفتند عیسی از جانب خدا نیامده است، ولی برخی دیگر عقیده داشتند که او از جانب خدا آمده است. و بدین ترتیب بر سر این موضوع میان آنها اختلاف افتاد.

ب) فریسیان از حقایق غافل بودند، ولی با ایجاد ترس و وحشت در مردم آنها را وادار کردند موضعی موافق با آنها اتخاذ کنند. فریسیان در یوحنا ۹: ۱۷- ۲۳ از والدین شخص نابینا در رابطه با این ماجرا سؤال کردند. والدین گفتند که این مرد فرزند آنهاست و البته کور بوده است. بنابراین معجزه‌ای بزرگ واقع گشته بود. هیچ کس نمی‌توانست این حقایق را انکار کند. ولی فریسیان حاضر نبودند اعتراف کنند که عیسی این معجزه را انجام داده است. رهبران یهودی و روحانیون سنهدرین تصمیم گرفته بودند که هر کس اعتراف کند که عیسی، مسیح موعود است باید از کنیسه اخراج شود. فریسیان می‌خواستند از این طریق در مردم ترس و وحشت ایجاد کنند تا آنها جرأت مخالفت با آنها را نداشته باشند. البته آنها برای اینکار از جانب خدا هیچ اقتداری نداشتند، زیرا خداست که تعیین می‌کند مسیح موعود کیست و چه کارهایی باید انجام دهد، نه فریسیان.

پ) فریسیان حقایق را تحریف کردند تا بدینوسیله عیسی را بی‌اعتبار سازند. در آیه ۲۴ می‌خوانیم که فریسیان شخص نابینا را واداشتند سخنانی بگوید تا از این طریق عیسی بی‌اعتبار شود. آنها گفتند، "ما می‌دانیم که این شخص (عیسی) گناهکار است. بنابراین به خاطر وقوع این معجزه، خدا را تجلیل کن نه عیسی را". آنها می‌خواستند مرد کور بگوید که خدا این معجزه را انجام داد نه عیسی. بنابراین گفتند: "تنها افرادی که از جانب خدا می‌آیند قادرند چشمان شخصی را که از مادر کور بدنیا آمده است بینا سازند. این مرد (عیسی) از جانب خدا نیست. بنابراین نمی‌تواند چشمهای يك شخص کور را بینا سازد." بدین ترتیب آنها سعی کردند حقایق را بپیچانند و وارونه جلوه دهند. آنها می‌خواستند همگان بپذیرند که عیسی گناهکار است و قادر به انجام چنین معجزه‌ای نیست.

ت) فریسیان سؤالات خود را بارها و بارها تکرار کردند تا بدینوسیله آن کور مادرزاد را وادارند سخنان ضد و نقیض بگوید. آنها همان سؤال را چندین بار از او پرسیدند. ولی مرد کور که به مقصود اصلی آنها پی برده بود، در پاسخ گفت: چرا می‌خواهید دوباره به پاسخهای من گوش دهید، مگر شما نیز می‌خواهید شاگرد عیسی شوید؟ این پاسخ آنها را سخت عصبانی کرد.

ث) فریسیان تسلیم نشدند، بلکه در عوض به این مرد کور دشنام دادند و کوشیدند او را بدنام سازند. فریسیان نمی‌توانستند قبول کنند که شکست خورده‌اند. بنابراین به دشنام‌گویی و تهمت زدن متوسل شدند. آنها عیسی را "آن مرد" و "یك گناهکار" خطاب کردند و گفتند که نمی‌دانند او از کجا آمده است. این بار مرد کور به شیوه خود آنها به آنها پاسخ داد. او چنین استدلال کرد: "خدا تنها به درخواست کسانی که از جانب او آمده‌اند گوش می‌دهد. خدا به درخواست این مرد (عیسی) گوش داد. بنابراین عیسی قطعاً از جانب خدا آمده است." با وجود این فریسیان گفتند که نمی‌دانند عیسی از کجا آمده است. مرد کور با استفاده از روش استدلال خود آنها، بر آنها غالب آمد (۹: ۳۱). تنها تفاوت بین استدلال او و فریسیان این بود که استدلال آن کور مادرزاد درست و مبتنی بر کتاب‌مقدس بود. خدا به دعاهای مردم عادل گوش می‌دهد. او به دعای عیسی گوش داد.

ج) وقتی فریسیان شکست خوردند، خشمگین شدند و از اقتدار خود به طریقی نادرست استفاده کردند. فریسیان به دلیل شکستی که در این قضیه خورده بودند، رنج می‌کشیدند. تنها کاری که می‌توانستند انجام دهند توسل به خشونت و استفاده نادرست از اقتدارشان بود. آنها این شخص را که پیشتر کور بود از کنیسه اخراج کردند. این عمل مجازاتی جدی محسوب می‌شد. وقتی کسی از کنیسه اخراج می‌شد، بدین معنا بود که از حیات مذهبی و اجتماعی اسرائیل طرد شده است. مردم از چنین شخصی دوری می‌کردند و هیچ معامله‌ای با او انجام نمی‌دادند. حتی ممکن بود چنین شخصی را بی هیچ واهمه بکشند.

سؤال ۳) (یوحنا ۹: ۳۵). عیسی‌مسیح چگونه با مردم برخورد می‌کند؟
ملاحظات: مدتی بعد عیسی نزد مرد نابینایی رفت که پیشتر او را شفا داده بود. برخلاف فریسیان که او را طرد کرده و از او دوری جسته بودند، عیسی او را پیدا کرد و پذیرفت. عیسی صرفاً به شفای جسمانی این مرد علاقه‌مند نبود، بلکه می‌خواست او را از لحاظ اجتماعی و روحانی نیز شفا دهد. عیسی به تمام جنبه‌های شخصیت انسان توجه داشت. او تنها برای نجات جانهای مردم به این جهان نیامده بود، بلکه آمده بود تا بدنهای آنها را نیز شفا دهد، روابط گسسته را التیام بخشد، گناهان را ببخشاید، مردم را با خدای پدر مصالحه دهد، به نیازمندان کمك کند و از کسانی که تحت فشار و جفا هستند، حمایت نماید. برخلاف فریسیان که تنها به فکر قدرت و مقام و حرمت خود بودند، عیسی به فکر نیازهای مردم بود و به تمامی جنبه‌های زندگی و وجود آنها توجه داشت.

سؤال ۴) (یوحنا ۹: ۳۸). آیا مسیحیان می‌توانند عیسی مسیح را بپرستند؟
ملاحظات: در یوحنا ۹: ۳۸ می‌خوانیم: "سپس مرد کور گفت، ای خداوند ایمان آوردم، و عیسی را پرستش کرد". این مرد متوجه شد که عیسی همان مسیح موعود و پسر خداست و باید او را پرستید، و به همین دلیل در برابر وی روی بر زمین نهاد. او صرفاً عیسی را حرمت نکرد، بلکه براستی او را پرستش کرد. همین کلمه "پرستش" که در اینجا ذکر شده است، در یوحنا ۴: ۲۰- ۲۴ آشکارا به معنای "پرستش خدا" بکار رفته است. در قسمتهای دیگر انجیل نیز می‌بینیم که شاگردان عیسی و مردم دیگر او را پرستش می‌کنند. عیسی هیچ وقت بخاطر اینکار به مردم اعتراض نکرد و آنها را تأدیب ننمود. او بدینوسیله نشان داد که پسر خداست و با خدای پدر برابر می‌باشد، و مردم باید همانگونه که خدا را حرمت کرده، پرستش می‌کنند، عیسی‌مسیح را نیز بپرستند.

سؤال ۵) (یوحنا ۹: ۳۹- ۴۱). چه زمانی مردم از نظر روحانی کور هستند؟
ملاحظات: عیسی در یوحنا ۹: ۳۹ و ۴۱ چنین تعلیم می‌دهد: "من به جهت داوری به این جهان آمده‌ام، تا کوران بینا و بینایان کور شوند". او خطاب به فریسیان می‌گوید: "اگر کور بودید گناهی نمی‌داشتید و لکن الآن که ادعا می‌کنید بینا هستید، گناهکار باقی می‌مانید".
آمدن عیسی مسیح به جهان به منظور "نجات" (یوحنا ۳: ۱۶- ۱۷) و "داوری" بود. او به کسانی که به او ایمان آورند، نجات را عطا می‌کند و آنانی را که او را نمی‌پذیرند، از طریق مرگ روحانی مجازات می‌کند.

الف) کسانی که به کور بودن خود اعتراف می‌کنند، دوباره بینا خواهند شد. این افراد کسانی هستند که نور نجات را ندارند و اعتراف می‌کنند که عادل و مقدس نیستند. آنها متوجه شده‌اند که خدا قلب و فکر آنها را لمس کرده است. چنین افرادی از گناهان خود توبه کرده، به ناتوانی خود اعتراف می‌کنند و از عیسی مسیح به عنوان نور جهان کمك می‌خواهند. آنها از طریق ایمان به عیسی مسیح نجات را دریافت می‌کنند، و بدینوسیله چشمان روحانی‌شان باز می‌شود و به امور مختلف از دید خدا می‌نگرند.

ب) افرادی که همواره ادعا می‌کنند بینا هستند، کور خواهند شد. این افراد کسانی هستند که نیازی به دریافت نجات در خود احساس نمی‌کنند، بلکه همواره ادعا می‌کنند که عادل و مقدس هستند. آنها همواره قلب و فکر خود را نسبت به کلام خدا سخت می‌سازند. چنین افرادی به دور از عیسی مسیح که نور جهان است زندگی خواهند کرد و هیچگاه عدالت و قدوسیت خدا و شادی نجات را تجربه نخواهند کرد. آنها نسبت به امور روحانی کور باقی می‌مانند.

قدم ۴: بکار ببرید
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۹: ۱ـ ٤١ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر از یوحنا فصل ۹

- ۹: ۳ * بدانید که درد و رنج صرفاً بخاطر علت بخصوصی نیستند، بلکه ممکن است هدفی در پس آنها نهفته باشد. درد و رنج آن کور مادرزاد دارای هدفی بخصوصی بود. شفای او باعث می‌شد مردم عیسی مسیح را بشناسند و او را بپذیرند. اگرچه ممکن است قبول این موضوع سخت باشد، ولی در نهایت هدف از تمام مصائب و بلایا این است که خدا در مسیح جلال بیابد.
- ۹: ۴ * درك کنید که خدا به شما اجازه داده است مدتی بر روی این زمین زندگی کنید، چه عمرتان بلند باشد و چه کوتاه. او از شما می‌خواهد مادام که بر این زمین زندگی می‌کنید، اعمال او را به جا آورید. ممکن است دیگر هیچگاه فرصتی دوباره برای انجام آنچه خدا از شما می‌خواهد نداشته باشید. بنابراین زندگی خود را حول محور هدفی که خدا برای‌تان در نظر دارد برنامه‌ریزی کنید.
- ۹: ۴ * درك کنید که اعمال خدا عبارت است از انجام کارهایی مفید و کمك به نیازمندان.
- ۹: ۱۶ * همواره از خود این سؤال را بپرسید: "طرف مقابل استدلال خود را بر چه پایه و اساسی قرار داده است؟ بر اساس حقایق کتاب‌مقدس یا بر اساس تفاسیر شخصی خودش؟" بسیاری از استدلالات به نظر منطقی می‌رسند، ولی در حقیقت اشتباهند زیرا بر فرضیه‌هایی درست و اثبات شده استوار نیستند.
- ۹: ۲۳ * درك کنید که برخی از رهبران و معلمین مذهبی خواهند کوشید شما را متقاعد سازند که نقطه‌نظراتشان را بپذیرید و حتی شما را تهدید خواهند کرد که در صورت مخالفت، از جامعه مذهبی و حتی از اجتماع طرد خواهید شد. هیچ وقت تسلیم چنین تهدیداتی نشوید.
- ۹: ۲۴ـ ۲۵ * متوجه باشید که برخی از معلمین و رهبران مذهبی سعی خواهند کرد حقایق را طوری جلوه دهند که در نهایت استدلال خودشان به کرسی بنشیند. بنابراین همواره پایبند حقیقت باشید.
- ۹: ۲۵ * موضع خود را مشخص کنید و بدانید که عیسی مسیح چگونه زندگی‌تان را عوض کرده است.
- ۹: ۳۹ * به کوری روحانی خود اعتراف کنید. زیرا تنها در این صورت است که نجات خواهید یافت.

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) من می‌خواهم تا زمانیکه بر روی این زمین زندگی می‌کنم، اعمال خدا را به جا آورم. خدا برای زیستن روی این زمین تنها یك فرصت به من عطا کرده است. بنابراین می‌خواهم زندگی خود را وقف خدمت به او کنم. من نمی‌خواهم به دیگران حسادت ورزم و عاملی مخرب برای آنها باشم. بلکه می‌خواهم برای آنها مفید باشم و باعث بنای آنها شوم. من می‌خواهم به آنچه که کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد ایمان داشته باشم و بر اساس آن عمل کنم. و مخصوصاً مایلم به انسانهایی که در نیاز هستند محبت نشان دهم و آنها را کمك کنم.

ب) من می‌خواهم به یاد آورم که درد و رنج بخشی از زندگی انسان است. مواقعی پیش خواهد آمد که من به خاطر گناهان خود یا والدینم یا گناهان جامعه و فرهنگ خود رنج خواهم کشید. ولی مواقعی نیز خواهد بود که مانند آن مرد کور، رنج خواهم کشید زیرا خدا برای من هدف پرجلالی دارد. درد و رنج هیچ وقت بدون علت و هدف نیست. خواست من این است که در نهایت خدا را جلال دهم، حتی اگر اجازه دهد که من بدین منظور در رنج و سختی باشم.

قدم ۵: دعا کنید
در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۹: ۱ـ ٤١ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروههای دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ۹ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از اول تیموتاؤس ۵- ۶ و دوم تیموتاؤس فصل ۱ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۱۰: ۲۸) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۲۳

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **اول تیموتاؤس و دوم تیموتاؤس**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اول تیموتاؤس ۵- ۶ و دوم تیموتاؤس فصل ۱) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: یوحنا**

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: یوحنا ۱۰: ۲۸

۴	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **فرهنگ انسان و فرهنگ ملکوت خدا**

مقدمه: این تعلیم در مورد فرهنگ انسان و فرهنگ ملکوت خدا است. ما در این درس راجع به تفاوتهای موجود میان فرهنگ انسان و فرهنگ ملکوت خدا خواهیم آموخت. در ضمیمه‌های ۴ و ۵، خواهیم دید که کتابمقدس درباره ارتباط مسیحیان با والدین خود که در قید حیات هستند و نیز با اجداد خود که از این جهان رفته‌اند، چه می‌گوید.

الف - فرهنگ انسان

مقدمه: روابط مختلف بین مردم و طرز رفتار آنها همگی قویاً متأثر از فرهنگ آنها است. اما کتاب‌مقدس نیز در خصوص روابط بین انسانها توصیه‌هایی دارد، و بنابراین مسیحیان باید بر اساس تعلیم کتاب‌مقدس، در طرز رفتار و روابط خود تغییراتی دهند.

۱- تعریف فرهنگ

گفتگو کنید: فرهنگ چیست؟ چه عناصری فرهنگ را تشکیل می‌دهند؟
ملاحظات: فرهنگ هر گروه از انسانها عبارت است از دیدگاهها، واقعیتها، باورها، خرافات و ارزشهایی که از طریق عقاید، تجارب، رفتارها، روابط و رسوم و سنتهای آنها ابراز می‌شود.

۲- منشأ فرهنگ انسان

بخوانید: پیدایش ۱: ۲۸- ۲۹؛ ۲: ۱۵؛ ۳: ۱۷؛ ۴: ۱۶- ۲۲؛ ۱۰: ۱ تا ۱۱: ۹.
کشف و گفتگو کنید: منشأ فرهنگ انسان چه بود؟
ملاحظات: پیدایش فصلهای ۱ تا ۱۱ بیانگر آغاز فرهنگ انسان در جهان است. آیات فوق از کتاب‌مقدس بیانگر نکات زیر است: چگونگی آغاز جهان مادی و آغاز نسل بشر؛ آغاز مکاشفه اراده خدا و گناه انسان؛ آغاز رنجهای انسان و ظهور نقشه نجات خدا؛ آغاز حیات خانوادگی انسانها، آغاز تمدن بشر و منشأ ملل مختلف در جهان.
مطابق کتاب‌مقدس، خاستگاه فرهنگ انسان به آغاز تاریخ این جهان باز می‌گردد. بتدریج که گروههای مختلف مردم از یکدیگر جدا شدند و در نقاط مختلف دنیا گسترش یافتد، تفاوتهای فرهنگی در بین‌شان بوجود آمد. ملل مختلف در طی قرون خدای زنده و اراده او را به فراموشی سپرده‌اند، و بدین ترتیب فرهنگ اولیه بشر به فساد و تباهی گراییده است. بت‌پرستی، تفکرات فلسفی و

تصورات خیالی همگی در شکل دادن به فرهنگهای مختلف بشری نقش عمده‌ای داشته‌اند. امروزه ملل جهان نمی‌توانند تصور کنند که در ابتدای تاریخ بشر، همه آنها دارای یك فرهنگ واحد بودند.

۳- نظام ارزشی معیار در تمامی فرهنگ‌های بشری

کشف و گفتگو کنید: تمامی مردم جهان بر چه اساسی بطور ذاتی می‌دانند که چه چیزی خوب و درست است؟

الف) **بخوانید:** مزمور ۱۹: ۱- ۴؛ اعمال ۱۷: ۲۴- ۲۷؛ رومیان ۱: ۱۸- ۲۰، ۲۵، ۲۸، ۳۲.
ملاحظات: خدا بخشی از حقیقت خود را از طریق خلقت خود آشکار می‌سازد. مردم از طریق مشاهده خلقت، به برخی از خصوصیات غیرقابل رؤیت خدا نظیر قدرت بیکران او، واقعیت وجود الهی و حضور او پی می‌برند.

ب) **بخوانید:** رومیان ۲: ۱۴- ۱۵.
ملاحظات: خدا بخشی از حقیقت خود را در قلب و وجدان انسان قرار داده است. مردم با گوش فرا دادن به ندای قلب و وجدان‌شان، به حقایق و ارزشهای اساسی اخلاقی (احکامی مثل: "قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن و شهادت دروغ مده") پی می‌برند و آنها را درك می‌کنند.

۴- جوانب مثبت و منفی فرهنگ انسان

گفتگو کنید: جوانب مثبت و منفی یك فرهنگ چه هستند؟

الف) **بخوانید:** تثنیه ۱۶: ۱۸- ۲۰؛ اول پادشاهان ۱۰: ۱- ۹.
ملاحظات: تمام فرهنگها جنبه‌هایی خوب، درست و قابل قبول دارند. به عنوان مثال، تاجران و سیاستمداران درستکار، وکلا و قاضیان عادل، کارگران کوشا، شهروندانی نمونه، سازمانهای خیریه، و روابط مبتنی بر محبت و تواضع، همگی جزو جنبه‌های خوب یك فرهنگ محسوب می‌شوند.

ب) **بخوانید:** ارمیا ۷: ۲۲- ۲۹؛ ۱۰: ۱- ۵؛ دوم تیموتاؤس ۳: ۱- ۵.
ملاحظات: از آنجا که تمام انسانها گناهکار هستند، فرهنگهای جهان نیز جملگی دارای جوانب گناه‌آلود و ناپسند می‌باشند. دیدگاههای مختلف مردم که تعیین‌کننده دیدگاه‌ها و نظریات آنها است، اغلب بر فلاسفه و عقاید غیرمسیحی مبتنی است. باورها و اعتقادات مردم اغلب مبتنی بر تفکرات خیالی انسانی یا مبتنی بر دروغ است. ارزشهایی که مردم بر اساس آن رفتار می‌کنند، اغلب نادرست و غیراخلاقی است. تجارب مختلف مردم که اغلب در آن مسامحه می‌شود، نظیر تجاربی چون برخی فرقه‌های مذهبی خاص، مواد مخدر و روابط جنسی، بی‌تردید تجاربی مخرب هستند. حالات و رفتار مختلف مردم و سبکهای متداول زندگی در میان ملل مختلف، اغلب بر خودخواهی استوارند و کاملاً مخرب هستند. نهادهای سیاسی، حقوقی، اقتصادی، تحصیلی و اجتماعی هر فرهنگی اغلب وجود فساد را در داخل خود به دیده اغماض می‌نگرند، اقلیت‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند، و یا به ترویج انواع و اقسام گناهان مشغولند. روابط مردم نیز که بر اساس فرهنگهای‌شان تنظیم می‌شود، اغلب بیشتر باعث تباهی مردم است تا باعث بنای آنها. بنابراین جوانب گناه‌آلود هر فرهنگی باعث فریب مردم شده، آنها را به فساد و انحراف می‌کشاند.

ب - فرهنگ ملکوت خدا

۱- تعریف ملکوت خدا

ملکوت خدا، پادشاهی و حاکمیت مطلق خدا است توسط عیسی مسیح بر همه مردم و همه امور. ملکوت خدا به طور مشخص عبارت است از پادشاهی و حاکمیت مطلق خدا توسط عیسی مسیح در قلوب قومش، و عملکرد آن در زندگی قوم او. این ملکوت بر اساس کار تمام شده نجات توسط مسیح و کاربرد آن در زندگی مردم توسط روح‌القدس است. ملکوت خدا منجر به ۴ تغییر عمده می‌شود که عبارتند از:
۱) نجات کامل ایمانداران از ابتدا تا به کمال.
۲) شکل گرفتن آنها به صورت یك کلیسا (اجتماع مومنین) بر روی زمین کنونی.
۳) بهبود شرایط فردی، خانوادگی، اجتماعی، ملی و بین المللی.
۴) جهانی که به طور کامل نجات یافته و احیا شده است.

۲- جوانب مختلف ملکوت خدا

کشف و گفتگو کنید: جوانب مختلف ملکوت خدا چه هستند؟

الف) <u>ملکوت خدا، حاکمیت مطلق او در قلوب مردم و عملکرد آن در جوانب مختلف زندگی قوم او می‌باشد.</u>

بخوانید: متی ۶: ۱۰، ۳۳؛ لوقا ۱۷: ۲۱.
ملاحظات: دو مثل دانه خردل و خمیرمایه در مورد ملکوت خدا صحبت می‌کنند. موعظه سر کوه تعلیم می‌دهد که پیش از هر نوع خواسته و نیازی، اول باید ملکوت خدا را بطلبیم. تابعیت ملکوت خدا بر تمام تبعیتهای دیگر نظیر تابعیتهای ملی، سیاسی، ایدئولوژیك، الهیاتی و فرهنگی مقدم است و برتری دارد. در نتیجه مقایسه متی ۱۳: ۳۱ و مرقس ۴: ۳۰ متوجه می‌شویم که اصطلاحات "ملکوت آسمان" و "ملکوت خدا" دارای یك مفهوم هستند. خود عیسی نیز از هر دوی این اصطلاحات برای بیان یك مفهوم استفاده می‌کرد.

ب) <u>حاکمیت مطلق خدا بر نجات مردم از ابتدا تا کمال آن، تأثیر می‌گذارد.</u>
بخوانید: اعمال ۸: ۱۲؛ ۲۸: ۳۰- ۳۱؛ مرقس ۱: ۱۴- ۱۵؛ ۱۰: ۲۵- ۲۶؛ یوحنا ۳: ۳- ۸؛ اول قرنتیان ۶: ۹- ۱۱؛ کولسیان ۱: ۱۳.
ملاحظات: انجیل یعنی "خبر خوش در مورد ملکوت خدا". بنابراین انجیل تنها راجع به مرگ، قیام، توبه و ایمان صحبت نمی‌کند، بلکه در خصوص حاکمیت خدا در قلوب و زندگیهای مردم نیز تعلیم می‌دهد. نجات زمانی آغاز می‌شود که مردم توبه کنند و ایمان بیاورند (این عمل عادل شمردگی نامیده می‌شود). این نجات در طول زندگی شخص ادامه می‌یابد و در طول آن ایمانداران هر روز بیش از پیش از افکار، سخنان و رفتار گناه‌آلود خود پاك می‌شوند (این عمل تقدیس شدن نامیده می‌شود). و در نهایت از تمام گناهان و همچنین از مرگ خلاصی می‌یابند (این عمل جلال یافتن نامیده می‌شود).
ملکوت خدا در زمان آمدن مسیح برقرار شد و امروزه در جهان رشد می‌کند و بهنگام بازگشت مسیح، به ملکوتی کامل تبدیل خواهد شد.
هر که توبه کند و به عیسی مسیح ایمان بیاورد، وارد ملکوت می‌شود. ورود به ملکوت به مفهوم یافتن تولدی تازه، رهایی از قلمرو ظلمت و دریافت نجات است.
موعظه سر کوه تعلیم می‌دهد که ملکوت خدا دربرگیرنده تمام جوانب زندگی شخص و حیات او در جامعه می‌باشد. تمام کسانی که به پادشاه پادشاهان تعلق دارند، باید به شیوه‌ای متناسب با ملکوت خدا زندگی کنند.

پ) <u>حاکمیت مطلق خدا بر تأسیس و تشکیل کلیسای مسیحی تأثیر می‌گذارد.</u>
بخوانید: متی ۱۶: ۱۸- ۱۹؛ یوحنا ۳: ۵؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۲- ۱۳؛ افسسیان ۱: ۱۳، ۲۰- ۲۱؛ اول پطرس ۲: ۴- ۱۰؛ متی ۱۳: ۲۴- ۳۰.
ملاحظات: کلیسای مسیحی، اجتماع قابل رؤیت انسانهایی است که در قلب خود خدا را به عنوان پادشاه تشخیص داده‌اند، پیغام انجیل را شنیده‌اند، به عیسی مسیح ایمان آورده‌اند و با روح‌القدس مهر شده‌اند. کلیسای مسیح متشکل از برگزیدگان است. این عده دعوت شده و وظیفه دارند که در این دنیا پادشاهان، کهنه و انبیا باشند. آنها انتخاب شده‌اند تا در جهان نور و نمك باشند (متی ۵: ۱۳- ۱۶). تمثیل کرکاسها (متی ۱۳) تعلیم می‌دهد که ملکوت خدا یا کلیسای مسیح در شکل فعلی خود تا زمان بازگشت مسیح به صورت اجتماعی مختلط است. همواره در بین اجتماع ایمانداران، بی‌ایمانان و لغزش خوردگانی نیز وجود خواهند داشت. با وجود این، ایمانداران نباید اجازه دهند که بی‌ایمانان بر سبك زندگی آنها نفوذ داشته باشند. بلکه خود باید بر زندگی بی‌ایمانان تأثیر بگذارند تا آنها نیز مطابق ملکوت خدا زندگی کنند (ارمیا ۱۵: ۱۹). ایمانداران نباید اجازه دهند دنیای اطراف بر آنها نفوذ داشته، آنها را شکل دهد، بلکه باید همواره اجازه دهند که خدا آنها را به شکل دلخواه خود در آورد (رومیان ۱۲: ۱- ۲).

ت) <u>حاکمیت مطلق خدا منجر به بهبود وضع افراد و جوامع می‌شود.</u>
بخوانید: متی ۱۱: ۴- ۶؛ لوقا ۳: ۱۰- ۱۴.
ملاحظات: در طول تاریخ، فعالیتهای مسیحیان در خانواده و جوامع خود منجر به تأسیس بیمارستانها، مراقبت از جزامیان، معلولین، نابینایان، حمایت از افراد فقیر و جفادیده، پرداخت مالیات به دولت، جلوگیری از فساد و انحرافات اخلاقی، ترویج عدالت، سلامت اخلاقی و غیره شده است.

ث) <u>حاکمیت مطلق خدا در نهایت منجر به پیدایش جهانی نجات‌یافته می‌شود.</u>
بخوانید: متی ۱۳: ۳۶- ۴۳؛ ۲۵: ۳۱- ۳۴؛ اعمال ۳: ۲۱؛ مکاشفه ۲۱: ۱- ۲، ۹- ۱۰، ۲۷.
ملاحظات: مسیح در زمان بازگشت خود، تمام آن چیزهایی را که عامل گناه هستند، و نیز تمام انسانهایی را که مرتکب شرارت و گناه می‌شوند، بیرون می‌افکند. در شکل نهایی و کامل ملکوت خدا، تنها مردم عادل زندگی خواهند کرد. هیچ چیز ناپاك، شریر و فریبنده‌ای در ملکوت خدا جایی نخواهد داشت. ملکوت خدا در مرحله نهایی خود، عبارت است از تجدید و تازگی همه چیز. این ملکوت عبارت است از آسمان و زمین جدیدی که در آن اورشلیم آسمانی بصورت اورشلیمی جدید نازل می‌شود. این ملکوت، همان عروس بره یا کلیسای مسیح است که عبارت است از تمام نجات‌یافتگانی که تا به حال زیسته‌اند.
این حقیقت که تا زمان بازگشت مسیح ظاهراً حاکمیت مطلق خدا اعمال نمی‌شود، به این مفهوم نیست که خدا قادر مطلق نیست. بر طبق دوم پطرس ۳: ۹، خدا نسبت به مردم صبور است چون نمی‌خواهد کسی هلاك شود، بلکه می‌خواهد همه توبه کنند.

۳- **<u>مشخصات ملکوت خدا</u>**

کشف و گفتگو کنید: مشخصات مخصوص ملکوت خدا چه هستند؟

الف) <u>ملکوت خدا دارای شکل فعلی و شکل نهایی است.</u>
بخوانید: متی ۸: ۱۱- ۱۲؛ ۱۲: ۲۸؛ ۱۹: ۱۴؛ ۱۳: ۳۶- ۴۳؛ ۲۱: ۴۲- ۴۵.
ملاحظات: ملکوت خدا در شکل فعلی خود، مانند وضعیتی است که در آن عیسی مسیح فرزندان ملکوت را می‌کارد و شیطان فرزندان شرارت را (متی ۱۳: ۳۶- ۳۹). شیطان و فرزندان او، در شکل فعلی ملکوت کماکان حاضر و فعالند. ولی در شکل نهایی ملکوت، از پادشاهی خدا بیرون افکنده خواهند شد. در شکل فعلی ملکوت خدا، مردم از شرق و غرب از گناهان و اسارت روحهای شریر نجات یافته، توسط موعظه انجیل تحت حاکمیت مسیح قرار می‌گیرند (متی ۱۲: ۲۸؛ کولسیان ۱: ۱۳). ولی افرادی که به پادشاهی خدا ایمان نداشته باشند، بیرون افکنده خواهند شد (متی ۸: ۱۱- ۱۲). در شکل نهایی ملکوت خدا، تمام بدکاران و هر آنچه که باعث گناه و شرارت است، بیرون افکنده خواهد شد (متی ۱۳: ۴۱).

ب) <u>ملکوت خدا در عین حال یك سر و مکاشفه است.</u>
بخوانید: متی ۱۳: ۱۱- ۱۷.
ملاحظات: اسرار ملکوت خدا تنها به افرادی مکشوف شده است که قلبشان را برای دریافت تخم کلام خدا باز کرده‌اند. ولی برای کسانی که قلب خود را نسبت به کلام خدا سخت می‌سازند، کماکان به صورت یك سر باقی می‌ماند.

پ) <u>ملکوت خدا در جهان فعلی وجود دارد، ولی متعلق به این جهان نیست.</u>
بخوانید: لوقا ۱۷: ۲۰- ۲۱؛ متی ۵: ۱۹- ۲۰؛ یوحنا ۱۸: ۳۶.
ملاحظات: ملکوت خدا در میان ما و در قلوب ماست و در زندگیهای ما اعمال می‌شود، ولی به هیچ کدام از حکومتهای این جهان شباهت ندارد. این ملکوت نوعی حاکمیت سیاسی یا یك نظام نیست، بلکه ملکوتی است که از آسمان توسط عیسی مسیح به طرزی مقتدر اداره می‌شود.

ت) <u>ملکوت خدا به صورت ملکوتی کوچك آغاز می‌شود، ولی در نهایت در همه جا گسترش می‌یابد و پیروز می‌گردد.</u>
بخوانید: متی ۱۳: ۳۱- ۳۳ و اشعیا ۹: ۶- ۷؛ دانیال ۲: ۳۴- ۳۵، ۴۴- ۴۵؛ متی ۲۸: ۱۸.
ملاحظات: ملکوت خدا در ابتدا به صورت ملکوتی بسیار کوچك آغاز شد. ولی به تدریج نه تنها در زندگی افراد، بلکه در کشورهای مختلف نیز گسترش می‌یابد. حاکمیت مطلق خدا توسط عیسی مسیح در قلوب بسیاری از مردم، و از نظر جغرافیایی در تمامی کشورهای جهان فعلی گسترش می‌یابد. این ملکوت پس از داوری نهایی عیسی مسیح نیز کماکان توسعه خواهد یافت (متی ۱۳: ۴۱؛ ۲۵: ۳۱- ۴۶) و بر هر چیزی غالب خواهد شد (افسسیان ۱: ۱۰). این موضوع در دو مثل دانه خردل و خمیرمایه بخوبی بیان شده است. ملکوت خدا در نهایت به تمام حکومتهای این جهان خاتمه می‌دهد، ولی خود این ملکوت هیچگاه از بین نخواهد رفت (اشعیا ۹: ۷؛ دانیال ۲: ۴۴)، بلکه تا به ابد باقی است.

پ - <u>مسؤولیت مسیحیان در ایجاد تغییر در فرهنگشان</u>

کشف و گفتگو کنید: چرا مسیحیان مسؤولند جوانب اشتباه و گناه‌آلود فرهنگشان را تا حد امکان و تا جایی که مربوط به زندگی خودشان است، تغییر دهند؟

۱- **<u>عیسی مسیح در مورد تنها فرهنگ کامل که فرهنگ ملکوت خداست به مسیحیان تعلیم می‌دهد.</u>**
بخوانید: متی ۵: ۱- ۱۶ (متی فصلهای ۵- ۷).
ملاحظات: عیسی مسیح زمانیکه بر روی زمین بود، در رابطه با ملکوت خدا تعالیم زیادی داد. تنها فرهنگ کامل، فرهنگ ملکوت خدا است. و این فرهنگ تنها در کتاب‌مقدس مکشوف شده است و بس. کتاب‌مقدس در رابطه با دیدگاه خدا، حقایق مربوط به او، موضوعاتی که مردم باید به آنها ایمان بیاورند و ارزشهایی که باید در هر کشوری از آنها پیروی کنند تعلیم می‌دهد. کتاب‌مقدس همچنین تعلیم می‌دهد که مردم باید به چه چیزهایی اطمینان و یقین داشته باشند و کدامیك از احساسات و تجارب انسانی از دیدگاه خدا سالم و درست است. کتاب‌مقدس در رابطه با طرز رفتار مردم، هم در زندگی شخصی و هم در زندگی اجتماعی در برخورد با نهادهایی که با آن سروکار دارند، حقایقی را آشکار می‌سازد.

۲- **<u>عیسی مسیح به مسیحیان حکم می‌کند که ملکوت خدا و فرهنگ ملکوت خدا را ترویج و توسعه دهند.</u>**

بخوانید: پیدایش ۱: ۲۸؛ ۲: ۱۵؛ متی ۶: ۱۰، ۳۳؛ ۲۴: ۱۴.
ملاحظات: مسیحیان وظیفه دارند که پیش از هر چیز دیگری در زندگیهای خود، ملکوت خدا را بطلبند و آن را در اولویت قرار دهند. آنها مسؤولند برای آمدن ملکوت خدا در زندگی مردم و ملل دنیا دعا کنند و ملکوت خدا را به همه ملل دنیا موعظه نمایند.

لازم نیست مسیحیان فرهنگ ملتشان را تغییر دهند و در واقع قادر به انجام چنین کاری نیز نیستند. ولی این وظیفه را دارند که مردم فرهنگ خود را به توبه دعوت کنند تا بدینوسیله زندگی آنها دگرگون شود. آنها می‌توانند مردم را ترغیب کنند که جوانب منفی و گناه‌آلود فرهنگ خود را تغییر دهند تا فرهنگشان به شباهت فرهنگ ملکوت خدا در آید. بنابراین وقتی مردم پیغام ملکوت خدا را می‌شنوند، این پیغام از آنها دعوت می‌کند که توبه کنند تا زندگی‌شان عوض شود. پیغام ملکوت خدا از مردم می‌خواهد دیدگاهها، عقاید، باورها، ارزشها، تجارب، رفتارها، روابط و نهادهای خود را طوری تغییر دهند که با فرهنگ ملکوت خدا مطابقت داشته باشد. مسیح به جهان آمده تا افراد، خانواده‌ها، جوامع و ملل را از طریق تغییر فرهنگشان و هماهنگ کردن آن با فرهنگ ملکوت خدا، دگرگون سازد. مسیح آمده است تا زندگی مردم را دگرگون سازد و بدین ترتیب، فرهنگشان را نیز تغییر دهد. او می‌خواهد این دگرگونی نخست از جوانب منفی و گناه‌آلود فرهنگ انسانها شروع شود.

۳- <u>عیسی مسیح بهنگام بازگشت، مسیحیان و تمام جهان را به طرزی قدرتمند دگرگون خواهد ساخت.</u>

بخوانید:
متی ۱۳: ۴۱- ۴۳؛ اعمال ۳: ۲۱؛ رومیان ۸: ۱۹- ۲۱؛ دوم پطرس ۳: ۳؛ اول یوحنا ۳: ۱- ۳؛ مکاشفه ۲۱: ۲۴- ۲۷.
ملاحظات:
عیسی مسیح همه چیز را احیا خواهد ساخت. او بدکاران و هرآنچه را که شریر و گناه‌آلود است از ملکوت خود بیرون خواهد افکند و بدین ترتیب همه چیز را احیا خواهد ساخت. عیسی مسیح در زمان بازگشت خود اجازه نخواهد داد هیچ چیز ناپاك و بد و فریبنده‌ای به ملکوت خدا به شکل نهایی آن وارد شود. او تنها اجازه خواهد داد که جوانب کامل فرهنگ انسان وارد ملکوت خدا شود. جوانب کامل ملکوت خدا، جنبه‌هایی هستند که کاملاً با کلام خدا انطباق و هماهنگی دارند و باعث جلال خدا هستند. با اینحال، این جوانب نیز همچون خود مسیحیان، تنها در زمان بازگشت مسیح کامل خواهند شد (اول یوحنا ۳: ۱- ۳). بنابراین تمامی جنبه‌های مثبت فرهنگ بشری، تنها بهنگام بازگشت مسیح و توسط او کامل خواهد شد (رومیان ۸: ۱۹- ۲۱).

ت - <u>ارزیابی</u>

مسیحیان باید جوانب مختلف فرهنگ خود را در پرتو فرهنگ ملکوت خدا آنطور که در کتاب‌مقدس مکشوف شده است، ارزیابی کنند. شما باید در طول زندگی خود این سؤالات را از خود بپرسید:

آیا دیدگاه و جهان‌بینی من با دیدگاه کتاب‌مقدس مطابقت دارد؟
من در پرتو حقایق کتاب‌مقدس چه چیزی را به عنوان حقیقت قلمداد می‌کنم؟
من در پرتو آنچه که باید بر اساس کتاب‌مقدس بدان ایمان داشته باشم، به چه چیزهایی ایمان دارم؟
من با توجه به ارزشهایی که در کتاب‌مقدس آمده و باید از آنها پیروی کنم، در حال حاضر از چه ارزشهای شخصی و فرهنگی پیروی می‌کنم؟
من با توجه به مطالبی که در کتاب‌مقدس آمده و باید به آنها ایمان داشته باشم، در حال حاضر به چه چیزهایی اعتقاد دارم؟
کتاب‌مقدس چگونه احساسات و تجارب مرا ارزیابی می‌کند؟
کتاب‌مقدس چگونه روابط فعلی مرا ارزیابی می‌کند؟
رفتار من در پرتو رفتاری که در کتاب‌مقدس حکم شده و باید از آن اطاعت کنم، چگونه است؟
کتاب‌مقدس نهادهای مختلفی را که در فرهنگ من وجود دارد، چگونه ارزیابی می‌کند؟

<u>به این دو مبحث مهم مراجعه کنید:</u>
ضمیمه شماره ۴: ارزیابی روابط ما با والدینمان که در قید حیات هستند.
ضمیمه شماره ۵: ارزیابی روابط ما با اجداد و نیاکان‌مان که از این جهان رفته‌اند.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " فرهنگ انسان و فرهنگ ملکوت خدا " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید. به نوایمانان تعلیم دهید که کتاب‌مقدس درخصوص رابطه آنها با آندسته از والدین‌شان که در قید حیات هستند و نیز با اجداد و نیاکان‌شان که از این جهان رفته‌اند، چه تعلیمی می‌دهد. مراقب باشید که عقاید شما بر اساس کتاب‌مقدس باشند، نه بر اساس تصورات خیالی یا تعالیم اشتباه.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از دوم تیموتاؤس ۲- ۴ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - حفظ کردن - هر روز ۵ آیه حفظی آخر را از یوحنا مرور کنید.
۵ - بررسی کتاب‌مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۱۰) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۲۴

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) دوم تیموتاؤس

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (دوم تیموتاوس ۲- ۴) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا

مرور: دو نفری ۵ آیه حفظی آخر را از یوحنا مرور کنید.

۴	بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۱۰: ۱- ۴۲

مقدمه: یوحنا ۱۰: ۱- ۳۹ بیانگر دعوت عیسی مسیح از شاگردان و فریسیان است. او می‌فرماید: "من شبان نیکو هستم، شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان خود می‌نهد. گوسفندان من آواز مرا می‌شنوند و من آنها را می‌شناسم و مرا متابعت می‌کنند" (۱۱، ۲۷).

<u>**قدم ۱: بخوانید**</u>
بخوانید: یوحنا ۱۰: ۱- ٤۲ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

<u>**قدم ۲: کشف کنید**</u>
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

<u>**کشف ۱)**</u> در یوحنا ۱۰: ۲۶- ۲۹ در مورد <u>اطمینان نجات</u>، حقیقت مهمی برای من وجود دارد.

الف) <u>اطمینان نجات بر وعده و قدرت عیسی مسیح استوار است.</u> در یوحنا ۱۰: ۲۷- ۲۸، عیسی در مورد افرادی که جزو گوسفندان او محسوب می‌شوند چنین می‌فرماید: "گوسفندان من آواز مرا می‌شنوند و من آنها را می‌شناسم و مرا متابعت می‌کنند. و من به آنها حیات جاودانی می‌دهم و تا به ابد هلاك نخواهند شد و هیچ کس آنها را از دست من نخواهد گرفت." عیسی در خصوص کسانی که جزو گوسفندان او هستند، با اقتدار در مورد سه امر مسلم وعده می‌دهد: ایمانداران حقیقی از حیات جاودان که وجه مشخصه آسمان و زمین جدید است، برخوردارند. این حیات، حیاتی پایدار و ابدی است، و هیچ وقت پایان نخواهد یافت. ایمانداران واقعی هیچگاه طوری لغزش نخواهند خورد که هلاك شوند. به عبارت دیگر، آنها هیچ وقت محکوم به دوری ابدی از

حضور خدا و محبت او نمی‌شوند. ایمانداران حقیقی ممکن نیست از عیسی گرفته شوند، و در واقع هیچ کس قادر نخواهد بود آنها را از حضور قدرتمند و پرمحبت خدا برباید و دور سازد.
ولی ایمانداران حقیقی چه کسانی هستند؟ عیسی می‌فرماید که او خود ایمانداران حقیقی را می‌شناسد؛ آنها به آواز او گوش می‌دهند و تنها از او پیروی می‌کنند، و نه از هیچ مذهب یا فلسفه یا نظام ارزشی دیگری. یك فرد مسیحی نباید درخصوص وعده عیسی مبنی بر اطمینان نجات شك به دل راه دهد. اگر کسی به صدای مسیح گوش نداده و از او اطاعت نمی‌کند، نمی‌تواند خود را یکی از گوسفندان مسیح یا به عبارت دیگر، یك مسیحی بپندارد.

ب) اطمینان نجات بر اساس این حقیقت است که خدای پدر ما را به عیسی مسیح سپرده است. در یوحنا ۱۰: ۲۶، عیسی به یهودیانی که به او ایمان ندارند می‌فرماید، "لیکن شما ایمان نمی‌آورید زیرا از گوسفندان من نیستید". این آیه دربرگیرنده دو حقیقت مهم در کتاب‌مقدس است: از یك طرف آموزه برگزیدگی الهی را بیان می‌کند و از طرف دیگر آموزه مسؤولیت انسان را. لازم نیست سعی کنیم که این دو آموزه را با هم سازش دهیم، زیرا هر دو در سراسر کتاب‌مقدس همواره به موازات هم پیش می‌روند.
از یك طرف، هر انسانی در این مورد که آیا به عیسی مسیح ایمان می‌آورد یا خیر، مسؤول است. مسؤولیت گناه بی‌ایمانی یهودیان تنها متوجه خود آنها بود. عیسی می‌فرماید: "شما ایمان نمی‌آورید (۱۰: ۲۶)." این مسؤولیت انسان است.
وقتی که انجیل را موعظه می‌کنیم، در واقع مسؤولیت انسان را به تمام مردم جهان موعظه می‌کنیم. تمام مردم جهان مسؤولند که توبه کنند و ایمان بیاورند (مرقس ۱: ۱۵).
اما از طرف دیگر، خدای پدر انتخاب می‌کند که چه کسانی را به عیسی ببخشد و چه کسانی را به او نسپارد. عیسی می‌فرماید: "پدری که آنها را به من بخشید ... (۱۰: ۲۹)." عیسی در مورد این حقیقت در یوحنا ۶: ۳۷، ۴۴ و ۶۵ نیز تعلیم می‌دهد: "هر آنچه پدر به من عطا کند به جانب من می‌آید و هر که به جانب من آید او را بیرون نخواهم نمود ... کسی نمی‌تواند نزد من آید مگر پدری که مرا فرستاد او را جذب کند ... از این سبب به شما گفتم که کسی نزد من نمی‌تواند آمد مگر آنکه پدر من بدو عطا کند." تنها کسانی که خدا آنها را به سمت عیسی جذب می‌کند، به او ایمان خواهند آورد. این عمل، برگزیدگی الهی نامیده می‌شود. این حقیقت که من به عیسی مسیح ایمان دارم و او را پیروی می‌کنم، به من اطمینان می‌دهد که خدای پدر مرا به عیسی مسیح بخشیده است. ما بهنگام موعظه حقایق کتاب‌مقدس، موضوع برگزیدگی الهی را باید تنها برای ایمانداران کلیسا موعظه کنیم. تمام ایمانداران جهان می‌توانند مطمئن باشند که به شبان اعظم و گله او تعلق دارند (یوحنا ۱۰: ۲۷- ۲۸).

کشف ۲) در یوحنا ۱۰: ۳۰- ۳۳ در این خصوص که عیسی مسیح خداست برای من حقیقت مهمی وجود دارد.

الف) عیسی مسیح ادعا می‌کند که با خدای پدر یك است. در یوحنا ۱۰: ۳۰، عیسی می‌فرماید: "من و پدر یك هستیم". عیسی صرفاً به این حقیقت اشاره نمی‌کند که آنها از نظر ظاهر یا از نظر اعمالی که انجام می‌دهند یکی هستند. بلکه بی‌تردید به این حقیقت اشاره می‌کند که آنها از نظر ماهیت درونی یك هستند. وقتی او می‌فرماید: "ما هستیم"، راجع به دو شخصیت درونی مجزا که به طور واحد در ذات الهی وجود دارند، صحبت می‌کند (متی ۲۸: ۱۹، یك ذات الهی، سه شخصیت درونی مجزا از هم در یك ذات الهی). او وقتی می‌فرماید "یك"، راجع به یك ماهیت یا ذات صحبت می‌کند. عیسی تعلیم می‌دهد که خدای پدر و خدای پسر دو شخصیت جداگانه‌اند، اما دارای یك ذات یا ماهیت واحد می‌باشند. اگرچه کتاب‌مقدس از کلمه "تثلیث" یا "خدای تثلیث" استفاده نمی‌کند، ولی با بیان این حقیقت که خدا خود را به عنوان یك ذات الهی در سه شخصیت مکشوف کرده است، به وضوح آموزه تثلیث را تعلیم می‌دهد. این آیه حائز اهمیت فراوان است، زیرا از یك طرف آموزه‌ای را که منکر وحدت ذات خدا است رد می‌کند، و از طرف دیگر آموزه‌ای را نیز که منکر وجود سه شخصیت مجزا در یك ذات الهی است مردود می‌شمرد.

ب) برداشت یهودیان از ادعای عیسی این بود که او خود را خدا می‌پندارد. عیسی پیشتر ادعا کرده بود که با خدا برابر است. او در یوحنا ۵: ۱۷- ۱۸ و ۲۳ ادعا کرد که از نظر ماهیت، اعمالی که پدر انجام می‌دهد و حرمتی که شایسته او است، با پدر برابر می‌باشد. در یوحنا ۸: ۵۸- ۵۹ عیسی ادعا کرد که: "قبل از اینکه ابراهیم باشد، من هستم." یهودیان این سخن را کفر پنداشتند و خواستند او را سنگسار کنند. در یوحنا ۱۰: ۳۳، یهودیان بدرستی درك کردند که عیسی خود را با خدا برابر می‌داند، و این سخن او را نیز کفر پنداشتند. به همین خاطر است که عیسی در یوحنا ۸: ۲۴، به یهودیان هشدار داده فرمود: "اگر باور نکنید که من همان کسی هستم که ادعا می‌کنم، در گناهان خود خواهید مرد." کافی نیست تنها به عیسی مسیح به عنوان یك شخص عادل یا یك نبی ایمان بیاورید. اگر مردم به عیسی همان گونه که ادعا می‌کند هست ایمان نیاورند، قطعاً در گناهان خود خواهند مرد و به جهنم خواهند رفت. این موضوع بسیار اهمیت دارد که مردم به عیسی مسیح به عنوان کسی که با خدای پدر برابر است، ایمان داشته باشند.

قدم ۳: سؤال
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۱۰: ۱- ۴۲ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۱۰: ۱- ۱۶). مفهوم مثل شبان نیکو چیست؟
ملاحظات: در انجیل یوحنا، "شبان نیکو" (یوحنا فصل ۱۰) و "تاك و شاخه‌های آن" (یوحنا فصل ۱۵) دو مثل هستند.

الف) زندگی شبانان در اسرائیل. همه مردم اسرائیل از چگونگی زندگی شبانان مطلع بودند. در هر دهکده‌ای احتمالأ یك آغل وجود داشت تا بهنگام شب از گله گوسفندان نگهداری شود. فردی نگهبان یا دیده‌بان وجود داشت که کارش این بود که به هنگام شب از این گوسفندان مواظبت کند. شبانان هر روز صبح گله‌های خود را به مکانهای سرسبز و به سوی نهرهای آب می‌بردند. دیده‌بان شبانان را می‌شناخت و دروازه را جهت ورود آنها باز می‌کرد. تمام گوسفندان یك گله صدای شبان خود را تشخیص می‌دادند و از شبان دیگری پیروی نمی‌کردند. همچنین هر شبانی گله گوسفندان خود را حتی به اسم می‌شناخت و آنها را محبت می‌نمود و در برابر گرگها، شیران و خرسها، از آنها محافظت می‌کرد. چنین کاری را داود پادشاه نیز انجام می‌داد.

ب) این داستان یك مَثَل است. مثل، نوعی تشبیه یا استعاره است. استعاره به نوعی تشبیه یا مقایسه اشاره می‌کند. به عنوان مثال، "خداوند شبان من است" (مزمور ۲۳: ۱) یك استعاره است، و به این موضوع اشاره دارد که خداوند مانند یك شبان است. یك مَثَل، استعاره‌ای مبسوط است. به عنوان مثال، عیسی می‌تواند از جوانب مختلف به یك شبان خوب تشبیه شود. البته در یك مَثَل نباید سعی کنیم تمام مشخصات آن سمبل را توضیح دهیم.
عیسی در یوحنا فصل ۱۰، سمبلهای مختلفی را که در مثل خود استفاده کرده بود، تعبیر می‌کند. به عنوان مثال، منظور از "شبان" خود او است. "در" نیز به عیسی اشاره دارد. "آغل گوسفندان" به اسرائیل اشاره می‌کند (۱۰: ۱۶). "گوسفندان"، تمام مردم اسرائیل و یا تمام مردم جهان نیستند، بلکه تنها آن کسانی هستند که مسیح جان خود را به خاطر آنها فدا کرد؛ این افراد برگزیده شده‌اند که نجات بیابند و صاحب حیات جاودانی شوند؛ این افراد آواز عیسی مسیح را می‌شنوند و او را پیروی می‌کنند. بنابراین "گله" به تمام مردم نجات یافته اشاره می‌کند (۱۰: ۱۶).
برخی از سمبلها - نظیر "دزد، راهزن، بیگانه، و مزدور" – را می‌توان با توجه به شرایط تاریخی آن زمان تفسیر کرد. اما برخی دیگر از سمبلها - نظیر "دیده‌بان" و "گرگ" – را نباید تعبیر کرد زیرا نه خود عیسی آنها را تفسیر کرده و نه در مورد آنها در متن انجیل توضیحی داده شده است. بنابراین در این گونه موارد تنها باید نکته یا ایده اصلی سمبل را درك کرد.

پ) نکته اصلی داستان. موضوع اصلی داستان در یوحنا فصل ۱۰ این است که عیسی به عنوان شبانی نیکو، با شبانان بد که رهبران و معلمین مذهبی یهود هستند مقایسه شده است.
عیسی شبان واقعی و کامل است. او همان طور که خدا در عهد عتیق پیشگویی کرده بود به این جهان آمد. عیسی تك تك ایمانداران واقعی را به اسم می‌شناسد. ایمانداران هم او را به عنوان شبان واقعی‌شان می‌شناسند و تنها از او پیروی می‌کنند. عیسی به عنوان الگوی گوسفندان پیشاپیش آنها حرکت می‌کند. معلمین و رهبران مذهبی یهود حکم دزدان و غارتگران را داشتند. آنها به عیسی مسیح که همان در اصلی بود توجه نمی‌کردند، بلکه سعی داشتند با ایجاد ترس و وحشت در مردم اسرائیل، آنها را کنترل کنند. آنها مردم را تهدید می‌کردند که اگر از دستوراتشان اطاعت نکند، از اجتماع بیرون رانده خواهند شد. آنها در واقع مردم اسرائیل را هدایت نمی‌کردند، بلکه تنها آنها را تهدید می‌کردند. ایمانداران واقعی از چنین افرادی گریزانند. عیسی به عنوان شبان واقعی، جان خود را در راه ایمانداران بر صلیب فدا کرد. و حال آنکه رهبران و معلمین مذهبی یهود حیات روحانی حقیقی را از بین می‌بردند. عیسی شبان گوسفندان آغل خود است که همان ایمانداران اسرائیل هستند. او همچنین شبانی گوسفندان آغلهای زیادی را در جهان بر عهده دارد. او گوسفندان خود را که در آغلها (یا ملل) مختلف هستند به صورت یك گله واحد جمع می‌کند و شکل می‌دهد (۱۰: ۱۶). ایمانداران اعم از یهودی و غیریهودی، با هم یك کلیسا و یك ملکوت را تشکیل می‌دهند.

ت) نکات آموزنده این داستان. این مثل در مورد اهمیت ورود به اجتماع ایمانداران از طریق عیسی مسیح به عنوان در، به ما تعلیم می‌دهد. خیلی مهم است که هر شخص بطور فردی عیسی مسیح را بشناسد، با او رابطه‌ای صمیمانه داشته باشد، صدای او را بشنود و از او پیروی کند. تنها زمانی عیسی از ما در برابر افرادی که در صدد کنترل و نابودی ما هستند محافظت خواهد کرد که ما در رابطه‌ای نزدیك با او به سر بریم. این مثل همچنین تعلیم می‌دهد که در جهان آغلهای مختلفی وجود دارد، ولی تنها یك گله ایماندار در جهان وجود دارد، که همان کلیسای مسیح یا ملکوت مسیح است.

سؤال ۲) (یوحنا ۱۰: ۷، ۱۰). چرا عیسی به "در" و "شبان" تشبیه شده است؟
ملاحظات: سمبل عیسی بعنوان "در"، تنها سمبل عیسی بعنوان "شبان نیکو" را توضیح می‌دهد. وقتی عیسی در آیه ۷ می‌فرماید: "من برای گوسفندان در هستم"، در واقع می‌گوید که مردم تنها از طریق او است که اجازه دارند به جمع ایمانداران راه یابند. در واقع هیچ طریق دیگری جهت ورود به کلیسای مسیح یا ملکوت خدا وجود ندارد. عیسی مسیح هم دری به سوی گله است و هم دری برای گله. عیسی در آیه ۸ می‌گوید که برای شبانان واقعی، او تنها راه مجاز جهت دستیابی به گله است. تمام کسانی که سعی می‌کنند از راهی غیر از این در (یعنی عیسی مسیح) به گله دسترسی پیدا کنند، دزد و راهزن هستند. عیسی همچنین در آیه ۹ می‌گوید که او تنها طریقی است که گله می‌تواند نجات یابد و از نظر روحانی تغذیه شود.

سؤال ۳) (یوحنا ۱۰: ۹- ۱۰). منظور عیسی چیست که می‌گوید هر که از طریق او داخل شود نجات خواهد یافت؟
ملاحظات: بر طبق یوحنا ۳: ۱۶- ۱۷، نجات یافتن یعنی برخورداری از حیات جاودان. مطابق یوحنا ۱۰: ۲۸، گوسفندان عیسی مسیح حیات جاودانی را دریافت می‌کنند و هیچگاه هلاك نمی‌شوند، و هیچ کس نیز قادر نیست آنها را از دست او بگیرد. بنابراین ۱۰: ۹ به این مفهوم نیست که هر که از طریق عیسی مسیح داخل شود، در امان خواهد بود. بلکه مفهومی بیش از این مد نظر است. کسانی که از طریق عیسی مسیح داخل شوند نخست از احساس تقصیر، قدرت گناه و محکومیت ابدی نجات خواهند یافت و حیات ابدی را دریافت خواهند کرد. و سپس در امنیت و آرامش در حضور شبانشان عیسی مسیح ساکن خواهند شد. هیچ یك از وقایع روی زمین نمی‌تواند به رابطه آنها با شبان‌شان آسیب برساند. آنها هر روزه توسط این شبان مراقبت و محافظت خواهند شد و برکات زیادی از او خواهند یافت.

سؤال ۴) (یوحنا ۱۰: ۱۱). آیا عیسی مسیح جان خود را برای همه فدا می‌سازد یا تنها برای گوسفندان خود؟
ملاحظات: یوحنا ۱۰: ۱۱ می‌فرماید: "شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می‌نهد." این آیه نمی‌گوید عیسی جان خود را در راه تمام مردم جهان می‌نهد. "گوسفندانی" که او جان خود را در راه آنها می‌نهد، چه کسانی هستند؟ بر طبق آیات ۲۷- ۲۸، این گوسفندان کسانی هستند که به صدای او گوش می‌دهند و او را پیروی می‌کنند. آنها افرادی هستند که حیات جاودانی را دریافت می‌کنند و هرگز هلاك نخواهند شد. بنابراین مرگ کفاره‌ای عیسی مسیح محدود به کسانی است که نجات یافته‌اند. عیسی مسیح در راه کسانی می‌میرد که مرگش باعث نجات‌شان خواهد شد. هیچ انسانی نمی‌تواند تأثیر کار نجات‌بخش عیسی مسیح را از بین ببرد، بلکه کار نجات‌بخش او عمل قدرتمندی است که همواره مؤثر و کارگر می‌باشد (رومیان ۸: ۲۹- ۳۰؛ ۹: ۶- ۱۸؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۳- ۱۵).
خلاصه: اگرچه مرگ کفاره‌ای مسیح برای نجات تمام مردمی که تا به حال زیسته‌اند کافی است، اما مرگ او تنها برای افرادی که نجات را دریافت می‌کنند مؤثر است. اگرچه پیغام انجیل باید به گوش مردم بسیاری برسد، همه انسانها به این پیغام ایمان نمی‌آورند. و اگرچه خدا قوم خود را از هر ملت و نژادی به سمت خود جذب می‌کند، همه انسانها نجات نخواهند یافت.

سؤال ۵) (یوحنا ۱۰: ۱۶). منظور عیسی چیست که می‌گوید، باید گوسفندان دیگری را نیز از آغلهای دیگر آورده، به‌اتفاق یك گله را تشکیل دهد؟
ملاحظات:
الف) عیسی گوسفندان خود را از اسرائیل و نیز از میان ملل دیگر جمع کرده، همگی را وارد کلیسا یا ملکوت خود می‌سازد.
تمام داستان و مخصوصاً آیه ۱۶ گواه این حقیقت است که "آغل گوسفندان" به ملت اسرائیل اشاره دارد. عیسی گوسفندان خود را از این آغل بیرون آورده، وارد گله خود می‌سازد. تا این زمان خدا اجازه داده بود که ملل غیریهود به راه خود بروند (اعمال ۱۴: ۱۶) و تنها به ملت اسرائیل توجه نشان داده بود. ولی اینك عصر جدیدی آغاز می‌شود. عیسی دارای گوسفندان زیاد دیگری نیز هست که جزو ملت اسرائیل نیستند، بلکه به ملل غیریهودی تعلق دارند. او باید آنها را نیز از آغلهای خود بیرون آورد و وارد گله خود که همان کلیسا یا ملکوت اوست سازد.

ب) ایمانداران سایر ملل نیز همانند یهودیان وارد ملکوت خدا خواهند شد. عهد عتیق پیشگویی کرده بود که خدا کار نجات‌بخش خود را در بین ملل مختلف دنیا گسترش خواهد داد. در پیدایش ۱۲: ۳، خدا وعده می‌دهد که از طریق مسیح موعود تمام قبایل جهان را برکت خواهد داد. خدا در یوئیل ۲: ۲۸ وعده می‌دهد که روح خود را بر تمام ملل خواهد ریخت. در ملاکی ۱: ۱۱ نیز می‌فرماید که نام او در میان امتها عظیم خواهد بود. البته انبیای عهد عتیق فکر می‌کردند که مردم ملل غیریهودی از طریق الحاق به ملت اسرائیل نجات خواهند یافت (اشعیا ۲: ۲- ۴؛ ۵۴: ۲- ۳؛ ۶۲: ۱۰- ۱۲؛ زکریا ۸: ۲۳). تعالیمی که در زیر اشاره می‌کنیم، هنوز بر انبیای عهد عتیق مشکوف نشده بود:
- کار نجات‌بخش خدا تنها معطوف به ملت اسرائیل نیست، بلکه در میان ملل غیریهودی نیز گسترش خواهد یافت (متی ۲۸: ۱۹).
- قوم خدا تنها ایمانداران ملت اسرائیل نیستند، بلکه ایمانداران تمام ملل جهان (کلیسای مسیح یا ملکوت خدا) جزو قوم او محسوب می‌شوند (اول پطرس ۲: ۹- ۱۰)؛ ایمانداران از ملل غیریهود نیز همچون ایمانداران اسرائیل وارد ملکوت خدا خواهند شد (افسسیان ۳: ۱- ۶).
این حقایق توسط عیسی و رسولان در عهد جدید مکشوف گردید. در افسسیان ۱: ۹- ۱۰ می‌خوانیم که اراده خدا این بود که همه چیز را در آسمان و بر زمین، در یك شخص، یعنی در مسیح، گرد آورد. در افسسیان ۳: ۱- ۶ نیز می‌خوانیم که خدا بر رسولان

و انبیای عهد جدید حقایقی را مشکوف ساخت که مردم عهد عتیق از آنها آگاهی نداشتند. خدا می‌خواست که ایمانداران غیریهودی و یهودی از طریق موعظه پیغام انجیل با هم از یك میراث بهره ببرند و بعنوان اعضای یك بدن در وعده مسیح شریك شوند.
توجه داشته باشید که ترجمه یوحنا ۱۰: ۱۶ بدین صورت است: "و من گوسفندان دیگری نیز دارم که از این آغل گوسفندان (در یونانی: ek+ حالت مالکیت) نیستند. من باید آنها را نیز "بیاورم/رهبری کنم/ با خود ببرم" (در یونانی، ago)؛ و آنها به صدای من گوش خواهند داد؛ آنگاه یك گله خواهند شد با یك شبان." عیسی نمی‌گوید که او گوسفندان ملل دیگر را به سمت آغل اسرائیل هدایت خواهد کرد. بلکه به وضوح تعلیم می‌دهد که او گوسفندان خود را از آغلهای معمولی‌شان بیرون خواهد آورد و آنها را تبدیل به یك گله که کلیسا یا ملکوت اوست، می‌سازد. آنچه در آن زمان مهم است دیگر نه اقوام و ملل مختلف، بلکه تنها ملکوت خدا است (متی ۸: ۱۱- ۱۲؛ ۲۱: ۴۲- ۴۴). شاخه‌های درختان زیتون طبیعی و وحشی با ایمان به ریشه‌ای که همان عیسی مسیح و قوم جدید عهد او است، پیوند زده شده‌اند (رومیان ۱۱: ۱۶- ۲۴).

سؤال ۶) (یوحنا ۱۰: ۲۹). <u>ترجمه صحیح آیه ۲۹ چیست؟</u>
ملاحظات: در اصل متن یونانی آیه ۲۹، کلمه "آنها" وجود ندارد. کلمه "بزرگتر" به احتمال زیاد نه به خدای پدر، بلکه به گله گوسفندان اشاره دارد. نسخه‌های اولیه احتمالاً درست بوده و ترجمه آنها بدین صورت است: "آنچه که پدر به من بخشیده است، بزرگتر و بسیار بهتر از (هر مخلوقی بر روی زمین است)، و هیچ کس قادر نیست این گله را از دست خدای پدر بگیرد." آنچه که خدای پدر به عیسی مسیح عطا کرده است، همان گله ایمانداران از تمام ملل جهان است. ایمانداران جزو مهمترین مخلوقات خدا بر روی زمین هستند، و بر روی هم یك گله واحد را که همان کلیسای مسیح یا ملکوت خدا در جهان است، تشکیل می‌دهند.

<u>قدم ۴: بکار ببرید</u>
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۱۰: ۱- ۴۲ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

<u>نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر از یوحنا فصل ۱۰</u>

- ۱۰: ۱ * از دزدان و راهزنانی که از طریقی غیر از آنچه کتاب مقدس تعلیم می‌دهد وارد کلیسای شما می‌شوند، برحذر باشید.
- ۱۰: ۳ * عیسی مسیح خداوند را خوب بشناسید بطوری که بتوانید صدای او را در میان صدای دزدان و راهزنان تشخیص دهید.
- ۱۰: ۹- ۱۰ * اگر هیچگاه از عیسی مسیح که به عنوان در معرفی شده است داخل نشده‌اید، از این در داخل شوید تا برای همیشه نجات بیابید و بر زمین در امنیت زندگی کنید. در آنصورت هیچ چیز نخواهد توانست به شما آسیب برساند، بلکه زندگی‌تان پرمعنا و رضایت‌بخش خواهد بود.
- ۱۰: ۱۲ * شبانان مزدور را تشخیص دهید. این معلمین و رهبران مذهبی در واقع هیچگاه به فکر گله نیستند و جان خود را در راه گله فدا نخواهند ساخت.
- ۱۰: ۱۶ * کلیسای خود را به یك کلیسای رسالتی مبدل سازید. عیسی مسیح در مقام شبان می‌خواهد مردم را از هر قوم و ملت و زبانی نجات دهد.
- ۱۰: ۲۷ * اگر گوسفندان واقعی هستید، به صدای عیسی مسیح گوش خواهید داد و او را پیروی خواهید کرد.
- ۱۰: ۲۸ * هیچ وقت در مورد این حقیقت شك نکنید که عیسی مسیح به عنوان شبان به شما وعده داده است که حیات جاودانی خواهید یافت، هرگز هلاك نخواهید شد و هیچ کس قادر نخواهد بود شما را از دستان او برباید.
- ۱۰: ۲۹ * هیچ وقت در مورد این حقیقت شك نکنید که عیسی مسیح به عنوان شبان وعده داده است که گله گوسفندان او بزرگتر و بهتر از (تمام مخلوقات روی زمین) می‌باشد و هیچ کس قادر نیست این گله را از خدای پدر بگیرد.
- ۱۰: ۳۰- ۳۹ * هیچ وقت در مورد این حقیقت شك نکنید که عیسی مسیح گفته است که او و خدای پدر دارای یك ذات الهی هستند. به عبارت دیگر، او خدایی است که طبیعت انسانی بر خود گرفته؛ خدای پدر در خدای پسر و خدای پسر در خدای پدر است. یهودیان این موضوع را بخوبی درك نکرده بودند، زیرا در غیراینصورت او را متهم به کفرگویی نمی‌کردند و در صدد سنگسار کردن او بر نمی‌آمدند.

<u>نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی</u>

الف) من می‌خواهم یوحنا ۱۰: ۲۸ را بخوبی به خاطر بسپارم و هیچوقت از یاد نبرم که عیسی به من و تمام کسانی که به او ایمان آورند، وعده اطمینان نجات را داده است. عیسی فرمود: "من به آنها حیات جاودانی می‌دهم، و تا به ابد هلاك نخواهند شد و هیچ کس آنها را از دست من نخواهد گرفت."

ب) من می‌خواهم این حقیقت را به خاطر بسپارم که عیسی مسیح از نظر ذات درونی، اعمال، و حرمتی که شایسته خدای پدر است، با او برابر می‌باشد. با توجه به اینکه خدا از هر انسانی بی نهایت برتر و بزرگتر است، هیچ انسانی قادر به توصیف ذات او نیست. تنها کاری که ما انسانها می‌توانیم انجام دهیم این است که به آنچه که خدا در مورد ذات خود بر ما مکشوف نموده ایمان بیاوریم. خدا این حقیقت را بر ما آشکار نموده که او یك ذات است در سه شخصیت مجزا، به نامهای خدای پدر، خدای پسر و خدای روح‌القدس. من به این حقیقت ایمان دارم و همه جا آن را اعتراف خواهم کرد.

<u>قدم ۵: دعا کنید</u> در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۱۰: ۱- ۴۲ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروههای دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

۶	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - <u>تعهد</u> - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - <u>برای یك فرد یا گروه</u>، موضوع " یوحنا فصل ۱۰ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - <u>رازگاهان</u> - هر روز نیمی از یك فصل از لوقا ۱: ۱- ۴: ۳۰ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
۴ - <u>حفظ کردن</u> - آیه حفظی جدید (ترك کردن و پیوستن: پیدایش ۲: ۲۴) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
۵ - <u>دعا</u> - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
۶ - <u>آموخته های جدید</u> مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

ضمیمه ۱
آیین تعمید مسیحی

مقدمه: آموزه تعمید مسیحی، در بین کلیساها موضوع بحث‌برانگیزی است. این درس کمك می‌کند تا جوامع مختلف مسیحی دیدگاههای یکدیگر را درك کنند. هر یك از جوامع مسیحی و رهبران آن باید در نهایت تصمیم بگیرند که می‌خواهند تأکیدشان بر کدام جنبه از تعمید باشد. ما در این ضمیمه خواهیم آموخت که کتاب‌مقدس درمورد مراسم تعمید مسیحی چه تعلیم می‌دهد.

۱- <u>در مورد روش تعمید مسیحی هیچ دستورالعمل خاصی در کتاب‌مقدس وجود ندارد.</u>

در عبرانیان ۶: ۲، از مراسم مربوط به طهارت در عهدعتیق به عنوان "تعمیدها" یاد شده است. مراسم طهارت در عهدعتیق نشاندهنده پاکی و طهارت مردم و اشیاء بود، و پیشاپیش به طهارت گناهان توسط خون عیسی مسیح اشاره داشت. به همین ترتیب، تعمید مسیحی در عهد جدید نیز به همین نام، یعنی به عنوان "تعمید" توصیف شده است. مراسم طهارت در عهد جدید نشاندهنده طهارت یا غسل گرفتن از گناهان است (اعمال ۲: ۳۸؛ ۲۲: ۱۶). بنابراین عیسی مسیح و رسولان تعمید مسیحی را به رسوم طهارت در عهد عتیق مربوط می‌دانستند. هم عیسی مسیح و هم رسولان در این مورد از کلمه "تعمید دادن" (در یونانی: baptizo) استفاده کرده‌اند و منظور، طهارت از گناهان بوده است. طهارت روحانی یا غسل از گناهان، اساسی‌ترین مفهوم تعمید مسیحی است. در کتاب‌مقدس اعمال زیر به منظور طهارت مردم و اشیاء انجام می‌شده است:

الف) <u>پاشیدن آب یا خون (در یونانی: rantizo) به عنوان روشی جهت طهارت یا غسل از گناهان.</u>
بخوانید: حزقیال ۳۶: ۲۵؛ مزمور ۵۱: ۷.
ملاحظات: در عهدعتیق برای طهارت اشیاء و مردم، بر آنها خون یا آب پاشیده می‌شد.
۱) مزمور ۵۱: ۷ : "مرا با زوفا پاك کن تا طاهر شوم" (در یونانی: katharizomai).
۲) حزقیال ۳۶: ۲۵- ۲۷: "من آب پاك بر شما خواهم پاشید (در یونانی: rantizo) و شما طاهر خواهید شد (در یونانی: katharizomai). من شما را از همه نجاسات و از همه بتهای‌تان طاهر خواهم ساخت. دل تازه و روحی جدید به شما خواهم داد و روح خود را در اندرون‌تان خواهم نهاد، و شما را به فرایض خود سالك خواهم گردانید." بنابراین پاشیدن آب بر مردم به منظور تولدتازه یا تجدید حیات آنها است.
۳) مرقس ۷: ۴. مردم در بازگشت از بازار، تنها در صورتی غذا می‌خوردند که نخست روی خود را با آب می‌شستند (در یونانی: rantizo).
۴) عبرانیان ۹: ۱۹- ۲۳. موسی خون گوساله‌ها و بزها را با آب و پشم قرمز و زوفا گرفته، آن را بر طومار و بر همه قوم پاشید تا بدینوسیله آنها را طاهر سازد (در یونانی: katharizomai).
۵) عبرانیان ۱۰: ۲۲. بیایید دلهای خود را از هر احساس تقصیر زدوده، بر بدنهای‌مان آب پاك بپاشیم (در یونانی: rantizo) تا به خدا نزدیك شویم.
بنابراین، تعمید مسیحی علامت و مهر طهارت از گناهان است و از طریق پاشیدن آب بر شخصی که تعمید می‌گیرد، بیان می‌گردد.

ب) <u>ریختن آب یا شستشو (در یونانی: baptizo, nipto of pluno, apolouo) روشی است جهت طهارت یا غسل از گناهان.</u>
بخوانید: اعمال ۲۲: ۱۶؛ تیطس ۳: ۵- ۶.
ملاحظات: یکی از روشها نیز در دوران عهدعتیق نیز جهت طهارت اشیاء و مردم این بود که بر آنها آب می‌ریختند یا آنها را شستشو می‌دادند.
۱) مزمور ۵۱: ۲، ۷ مرا از عصیانم شستشو ده (در یونانی: pluno)، و از گناهانم مرا طاهر کن (در یونانی: katharizo).
۲) مرقس ۷: ۳ آنها غذا نمی‌خورند مگر آنکه دستهای خود را (بطور رسمی) می‌شستند یا بر آنها آب می ریختند (در یونانی: nipto).
۳) مرقس ۷: ۴. آنها بسیاری از رسوم دیگر را نیز نگاه می‌دارند، مانند شستن (تشریفاتی) یا در آب فروبردن (در یونانی: baptizo) قسمت بیرونی پیاله‌ها، آفتابه‌ها، دیگها و ظروف مسی (لوقا ۱۱: ۳۸- ۴۰).
۴) لوقا ۱۱: ۳۷- ۴۰. عیسی قبل از صرف غذا دستهای خود را (بطور تشریفاتی) نشست یا در آب فرو نبرد (در یونانی: baptizo). رسم بود که برای طاهر ساختن افراد، قبل از صرف غذا روی دستهای آنان آب ریخته می‌شد.
۵) اعمال ۲۲: ۱۶. پولس برخاسته به عنوان علامت و مهر شستشو شدن از گناهانش (در یونانی: apolouo)، تعمید می‌گیرد (در یونانی: baptize).
۶) مکاشفه ۷: ۱۴. ایمانداران به عنوان سمبلی از طهارت و عادل شمردگی کامل خود، رداهای خود را در خون بره شسته (در یونانی: pluno) و سفید کرده‌اند.

۷) اعمال ۲: ۳۳، ۳۸؛ تیطس ۳: ۵- ۶. تعمید مسیحی (در یونانی:baptizo) سمبل فرو رفتن در روح‌القدس نیست، بلکه به مفهوم نزول یا ریخته شدن (در یونانی: execheo) روح‌القدس بر ایمانداران است. تعمید مسیحی، شستشو شدن (در یونانی: loutron)، تولد دوباره یافتن و تازه گشتن به توسط روح‌القدس است که عیسی مسیح آن را به فراوانی بر ایمانداران فرو ریخت (یونانی: execheo epi). بنابراین تعمید (یونانی: baptize) به روح‌القدس (اول قرنتیان ۱۲: ۱۲- ۱۳) در کتاب‌مقدس از طریق فروریختن روح‌القدس از بالا بر مردم به تصویر کشیده شده است، نه از طریق فرو رفتن یا غوطه‌ور شدن در روح‌القدس. این قسمت را با قسمتی مقایسه کنید که می‌گوید شخص قبل از اینکه شایستگی ورود به ملکوت خدا را داشته باشد، لازم است نخست "از بالا" (یونانی: anothen) بوسیله روح‌القدس مولود شود (یوحنا ۳: ۳، ۵).

بنابراین، تعمید مسیحی علامت و مهر طهارت از گناهان است و می‌توان آن را از طریق ریختن آب از بالا بر کسانی که تعمید می‌گیرند، نشان داد (تیطس ۳: ۳، ۵). این عمل زمانی انجام می‌شود که شخص در حالت ایستاده قرار دارد (اعمال ۲۲: ۱۶).

یکی از اولین تصاویر تعمید مسیحی که در رم موجود است، دو نفر را در حالی نشان می‌دهد که در جایی ایستاده‌اند و تنها پاهای‌شان با آب پوشیده است، و یکی از آنها بر روی دیگری آب می‌ریزد.

پ) <u>فرو رفتن در آب به عنوان یکی از روشهای تعمید مسیحی.</u>

فرو رفتن در آب یکی از روشهای مجاز و قابل قبول جهت تعمید مسیحی است، ولی مسیحیان نباید نسبت به این روش تفکری تعصب آمیز داشته باشند.

<u>معانی دیگر کلمه "تعمید دادن" (به یونانی: baptizo).</u>

کلمه یونانی "baptizo" دارای مفاهیم مختلفی است. این کلمه به معنی فرورفتن به مقداری کم، فرورفتن به طور کامل، و شستن می‌باشد. اگرچه ممکن است فرو رفتن در آب نمایانگر طهارت یا انجام مراسم تعمید باشد، کلمه یونانی baptizo در آیات زیر از کتاب‌مقدس، بیانگر مفهومی غیر از "فرو رفتن" است:

۱) مرقس ۱۰: ۳۸- ۳۹. کلمه "baptizo" در اینجا به معنی "فرو رفتن در آب" نیست، بلکه منظور، "غرق شدن" در درد و رنج مرگ است. کلمه "تعمید" در اینجا اصطلاحی است سمبلیك در توصیف اوج درد و رنج.

۲) متی ۳: ۱۱؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۳. کلمه "baptizo" به معنی "غوطه‌ور ساختن مردم در" روح‌القدس نیست، بلکه به مفهوم ریزش روح‌القدس بر آنها است. این کلمه بدین معنا است که روح‌القدس مردم را دربرمی‌گیرد تا بتواند در آنها ساکن شده، آنها را کنترل و هدایت کند. "تعمید با روح‌القدس" اصطلاحی مجازی است به معنای تجدید حیات، که در قالب "مولود گشتن از بالا"(در یونانی: anothen) توسط روح‌القدس بیان شده است (یوحنا ۳: ۳- ۸). تعمید آب علامت و مهری است از تعمید با روح‌القدس.

۳) اول قرنتیان ۱۰: ۱- ۲. "تعمید گرفتن در (در یونانی: en) ابر و در (یونانی: en) در یا (یونانی: eis) در اتحاد با موسی" بدین معنا است که قوم اسرائیل از طریق راه رفتن در زیر ابر و آتش و عبور از دریای سرخ، در رابطه و مشارکتی شخصی با موسی قرار گرفتند و بدین ترتیب جزئی از قوم موسی (قوم خدا در عهد عتیق) شدند. کلمه "baptizo" در اینجا به معنی فرو رفتن در ابر یا در دریای سرخ نیست، زیرا قوم بنی‌اسرائیل ابر یا دریا را لمس نکردند. بلکه آبی که در دریای سرخ و در ابر بود، بالای سر قوم بنی‌اسرائیل قرار داشت.

۴) رومیان ۶: ۳- ۴؛ غلاطیان ۳: ۲۷؛ کولسیان ۲: ۱۲. اصطلاح "در برگرفتن مسیح" در تعمید (غلاطیان ۳: ۲۷)، به این معنا نیست که بهنگام تعمید باید لباسی رسمی در بر کرد. اصطلاح "رشد کردن با مسیح به شباهت موت او" (یگانه شدن با مسیح در مرگی همچون مرگ او، رومیان ۶: ۵) بدین معنا نیست که در تعمید باید چیزی را کاشت یا القاء کرد. اصطلاح "مصلوب شدن با مسیح" (رومیان ۶: ۶) نیز بدین معنا نیست که در تعمید باید مصلوب شد. به همین ترتیب اصطلاحات "دفن شدن با مسیح از طریق تعمید در مرگ او" (رومیان ۶: ۴؛ کولسیان ۲: ۱۲) و "برخیزانده شدن با مسیح به ایمان" (کولسیان ۲: ۱۲؛ رومیان ۶: ۵) نیز به تعمید به شیوه فرو رفتن دلالت ندارند. کلمات "دفن شدن در، برخیزانده شدن با، رشد کردن با و مصلوب شدن با" نشانه‌هایی کتاب‌مقدسی درخصوص شیوه تعمید نیستند، بلکه در این قسمتها به مفهوم تعمید مسیحی یعنی <u>اتحاد با مسیح</u> اشاره می شود.

<u>در قسمتهای زیر نیز کلمه "تعمید دادن" (یونانی: baptizo) لزوماً به معنی فرو رفتن در آب نیست.</u>

۱) اعمال ۲: ۴۱. در یك روز بیش از ۳۰۰۰ نفر تعمید گرفتند. البته احتمال وقوع چنین چیزی وجود دارد، ولی آیا در اورشلیم به مقدار کافی آب وجود داشت تا این همه مردم در یك روز به شیوه فرو رفتن در آب تعمید بگیرند؟ این عده به احتمال زیاد در آن هنگام در نزدیکی حوض یا استخری بسر می‌بردند. در هیچ جای کتاب‌مقدس نشانی از این نمی‌بینیم که رسولان بهنگام ریزش روح‌القدس بر اولین یهودیان ایماندار در روز پنطیکاست، جهت تعمید دادن مردم از روشی غیر از روش طهارت معمول در عهد عتیق استفاده کرده باشند (مطابق روش عهد عتیق، بهنگام تعمید مردم بر آنها آب می‌پاشیدند یا روی‌شان آب می‌ریختند).

۲) مرقس ۱: ۵؛ ۸- ۱۰. مردم اورشلیم در (یونانی: eis - به معنی موضع یا مکانی خاص) رود اردن بدست یحیی تعمید دهنده تعمید گرفتند. خود عیسی نیز در (در یونانی: en- به معنی موضع یا مکانی خاص) رود اردن از یحیی تعمیددهنده تعمید گرفت. عیسی پس از تعمید از آب بیرون آمد (یونانی: ek- بیانگر موضع یا مکانی خاص). در این قسمتها به هیچ وجه مشخص نیست که آیا مردم و عیسی بهنگام تعمید در آب غوطه‌ور شدند یا نه.

البته مرقس ۱: ۸ به روشنی می‌گوید که یحیی تعمیددهنده مردم را با (در یونانی: با، بیانگر حالت مفعولی است) آب تعمید می‌داد، درست همانطور که عیسی نیز مردم را با (در یونانی: با، بیانگر حالت مفعولی است) روح‌القدس تعمید داد.
۳) اعمال ۸: ۳۶- ۳۹. وقتی فیلیپُس خواجه‌سرای حبشی را تعمید داد، آنها "به (یونانی: eis، بیانگر موضع یا مکانی خاص) آب در آمدند یا فرود شدند" و "از آب بالا آمدند" (در یونانی: ek، بیانگر موضع یا مکانی خاص). این اصطلاحات بیانگر این موضوع نیستند که آنها تا چه اندازه در آب فرو رفتند و الزاماً ثابت نمی‌کنند که آنها در آب فرو رفتند، زیرا ممکن است بهنگام تعمید تنها پاهایشان در آب بود و فیلیپُس بر روی خواجه سرای حبشی آب می‌ریخت. یکی از اولین تصاویر تعمید مسیحی که در رم موجود است، دو نفر را در حالی نشان می‌دهد که در جایی ایستاده‌اند و تنها پاهای‌شان با آب پوشیده است، و یکی از آنها بر روی دیگری آب می‌ریزد.

بدین ترتیب می‌بینیم که کتاب‌مقدس در مورد روش تعمید هیچ دستورالعمل خاصی ارائه نمی‌دهد. کتابمقدس هیچ روش خاصی را جهت تعمید افراد تجویز نکرده یا در استفاده از روشهای مختلف ممنوعیتی اعلام ننموده است. بنابراین تعمید گرفتن از طریق فرو رفتن در آب، کاملاً قابل قبول و مجاز می‌باشد. مسیحیان نباید بر سر روش تعمید با هم مباحثه کنند، بلکه باید درخصوص ضرورت تعمید و مفهوم آن با هم توافق نظر داشته باشند. مسیحیان بهتر است درمورد اموری که در کتاب‌مقدس چندان حائز اهمیت نیست (مثلاً اینکه کلیساها افراد را به چه روشی تعمید می‌دهند) نقطه‌نظرات یکدیگر را بپذیرند. آنان باید از احکام خدا که در کلامش ذکر شده است، مانند "یکدیگر را محبت نمایید" (یوحنا ۱۳: ۳۴- ۳۵) و "یکدیگر را بپذیرید" (رومیان ۱۵: ۷)، اطاعت کنند.

<u>**نتیجه‌گیری:**</u> اگر خود خدا به عنوان علامت و مهر طهارت روحانی و غسل از گناهان (بخشایش گناهان، عادل شمردگی و تجدیدحیات) از روش پاشیدن یا ریختن آب بر روی افراد استفاده می‌کند، پس مسیحیان نیز می‌توانند از این الگو پیروی کنند و مردم را به یکی از این روشها تعمید دهند. تعمید دادن اشخاص از طریق فرو بردن آنها در آب ضرورت خاصی ندارد، ولی در عین حال مانعی نیز ندارد. بسیاری از کلیساها بهنگام تعمید افراد را در آب از فرو می‌برند، زیرا معتقدند که فرورفتن در آب نمایانگر مرگ آنها است با مسیح، و بیرون آمدن آنها از آب نمایانگر رستاخیز آنها است با مسیح.

۳- <u>در مورد زمان تعمید نیز در کتاب‌مقدس هیچ گونه دستورالعمل خاصی وجود ندارد.</u>

کلیساها در مورد این موضوع نیز با هم اختلاف نظر دارند. برخی از کلیساها به تعمید دادن اطفال معتقدند و برخی دیگر تنها ایمانداران را تعمید می‌دهند. دلیل این اختلاف‌نظر این است که کتاب‌مقدس تنها می‌گوید که کلیساها مسیحیان اولیه را چگونه تعمید می‌دادند، و از آنجا که نمی‌گوید کلیساها مسیحیان نسلهای بعدی را چگونه باید تعمید دهند، هر کلیسایی در این خصوص دیدگاه متفاوتی دارد.

الف) <u>اولین نسل از مسیحیان، در چارچوب مأموریتهای مسیحی تعمید داده شدند.</u>
تاریخ عهدجدید نشان می‌دهد که انجیل به کسانی که از پیغام آن هیچگونه آگاهی نداشتند، موعظه می‌شد. این افراد پس از اینکه ایمان می‌آوردند، به آب تعمید داده می‌شدند. این تعمید در چارچوب مأموریتهای مسیحی انجام می‌شد. کسانی که زمانی یهودی، سامری یا غیریهودی بودند، حال به پیغام انجیل ایمان می‌آوردند، تعمید می‌گرفتند و عضو کلیسای مسیحی می‌شدند.
۱) <u>تعمید ایمانداران بطور فردی.</u>
در چارچوب مأموریتهای مسیحی، مردم به طور کلی به اندازه کافی برای شنیدن، درك و ایمان آوردن به پیغام انجیل بالغ بودند. آنها پس از ایمان آوردن به عیسی مسیح تعمید می‌گرفتند (یوحنا ۴: ۱؛ اعمال ۲: ۳۷- ۳۹، ۴۱؛ اعمال ۸: ۱۲؛ اعمال ۸: ۳۶- ۳۸؛ اعمال ۹: ۱۷- ۱۸؛ اعمال ۱۰: ۴۸).
۲) <u>تعمید اعضای خانواده.</u>
عهدجدید همچنین در رابطه با تعمید اهل خانه (یونانی: oikos) صحبت می‌کند. اهل خانه متشکل از تمام اعضای خانواده و خدمتکاران آن خانه بود. وقتی که انجیل به اهل خانه موعظه می‌شد (اعمال ۱۱: ۱۴)، تمام اهل خانه تعمید گرفتند (اعمال ۱۶: ۱۴- ۱۵؛ اعمال ۱۶: ۳۰- ۳۴؛ اول قرنتیان ۱: ۱۶).
البته نمی‌توان از روی آن قسمتهایی از کتاب‌مقدس که راجع به تعمید اهل خانه است، به وضوح چنین نتیجه گرفت که اطفال یا فرزندان خانه نیز لزوماً تعمید می‌گرفتند. آن دسته از کلیساها که تعمید اطفال را در کتاب‌مقدس انکار می‌کنند، در توجیه موضع خود این دلیل را مطرح می‌کنند: "از آنجا که اطفال هنوز نمی‌توانند ایمان بیاورند، یا جزو کسانی که تعمید داده می‌شدند نبودند و یا اصلاً طفلی در آن خانه وجود نداشته است." و اما آندسته از کلیساها که به تعمید اطفال اعتقاد دارند، این دلیل را مطرح می‌کنند: "از آنجا که در هر خانه‌ای اطفالی وجود دارند، ما حق نداریم آنها را از تعمید محروم کنیم." باید در نظر داشت که عهدجدید حداقل سه بار به تعمید تمام اهل خانه اشاره کرده است (و بدین ترتیب تمامی اهل خانه را جزئی از کلیسا محسوب نموده است).

ب) نسل دوم مسیحیان در چارچوب کلیسای مسیحی تعمید داده شده‌اند.
۱) مسئله مربوط به آندسته از فرزندان ایمانداران که هنوز خردسالند.
وقتی مردم پیغام انجیل را می‌شنوند و برای اولین بار به آن ایمان می‌آورند (در چارچوب مأموریتهای مسیحی)، کاملاً منطقی است که تنها پس از ایمان آوردن تعمید بگیرند. این موضوع در مورد هر کلیسایی (هر فرقه کلیسایی) صدق می‌کند.
ولی کلیسا در خصوص فرزندان ایمانداران (یعنی نسل دوم) چه موضعی باید اتخاذ کند؟ آیا باید آنها را تا زمانی که شخصاً هنوز ایمان نیاورده‌اند، از تعمید محروم سازد؟ یا اینکه باید آنها را تعمید دهد تا این تعمید علامتی باشد از اینکه این اطفال به خانواده خدا پیوسته‌اند و جزو قوم عهد او می‌باشند؟ مسیحیان در این مورد پاسخهای متفاوتی می‌دهند.
۲) برخی از کلیساها معتقدند که در این مورد باید کاملاً بطور فردی برخورد کرد.
آنها تعمید را با ایمان شخصی به عیسی‌مسیح مرتبط می‌دانند و می‌گویند که مسیحیان در تمام نسلهای بعدی باید در خصوص تعمید منحصراً از همان الگویی پیروی کنند که در عهدجدید و در چارچوب مأموریت مسیحی اعمال می‌شد (اینکه تنها ایمانداران را تعمید می‌دادند). فرزندان ایمانداران باید نخست به عنوان علامت و مهری از عادل شمردگی‌شان، به طور فردی به عیسی مسیح ایمان بیاورند (تولد دوباره) و تنها در آن صورت است که می‌توانند تعمید بگیرند. این کلیساها همچنین رسم جدیدی را متداول کرده‌اند که در کتاب‌مقدس هیچ اشاره‌ای به آن نشده است. این رسم عبارت است از تقدیم یا وقف اطفال ایماندار به خدا به عنوان مهر و علامتی از اینکه این فرزندان به کلیسا و به قوم عهد خدا تعلق دارند. این عده در این خصوص که آیا این اطفال را افرادی نجات‌یافته (عادل شمرده شده، دارای تولد دوباره) محسوب می‌کنند یا نه مطلب خاصی نمی‌گویند. اما معتقدند که اگر این اطفال در سنین پایین از دنیا بروند، نجات یافته تلقی خواهند شد، زیرا متعلق به جامعه ایمانداران می‌باشند.
۳) کلیساهای دیگر معتقدند که در این مورد باید بطور جمعی برخورد کرد.
آنها تعمید را با وعده عهد خدا مرتبط می‌دانند و می‌گویند که قوم خدا در عهدجدید یا در چارچوب کلیسا، باید از نمونه قوم خدا در عهدعتیق پیروی کنند که در قالب ختنه اطفال نمایان می‌شد. فرزندان والدین ایماندار باید به عنوان علامت و مهری از اینکه به قوم عهد خدا و به کلیسای مسیح تعلق دارند، در آب تعمید داده شوند. این کلیساها همچنین رسم جدیدی را متداول کرده‌اند که در کتاب‌مقدس اشاره‌ای به آن نشده است، و آن این که به فرزندان تعمیدیافته ایمانداران اجازه می‌دهند در آینده به عنوان علامت و مهری قابل رؤیت از عادل شمردگی‌شان (تولد دوباره)، به طور عمومی و در جمع ایمانداران به ایمان فردی‌شان به عیسی مسیح اعتراف کنند.
در بین مسیحیان در این خصوص که آیا فرزندان ایمانداران باید افرادی دارای تولد تازه قلمداد شوند یا نه، اختلاف‌نظر وجود دارد. اغلب مسیحیان معتقدند که فرزندان آنها نیز به مسیح تعلق دارند، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

۴- ارتباط بین ختنه و تعمید.

الف) ختنه در زمان عهدعتیق علامتی از پیمان عهدعتیق بود.
در چارچوب پیمان عهدعتیق، ابراهیم علامت (یونانی: semaion) ختنه را به عنوان مهر (یونانی: sfragida) عادل شمردگی (که آن را در نتیجه ایمان بدست آورده بود) هنگامی دریافت کرد که هنوز ختنه نشده بود (رومیان ۴: ۱۱- ۱۲).
خدا با ابراهیم به عنوان یك فرد سروکار نداشت. بلکه سروکار خدا با تمام خانواده و خاندان ابراهیم نیز بود. هر فرزند ذکوری که بیش از هشت روز از زمان بدنیا آمدنش می‌گذشت، باید ختنه می‌شد (پیدایش ۱۷). بنابراین در زمان پیمان عهدعتیق، ختنه جسمانی علامت و مهر قابل رؤیت عهدی بود که دلالت بر این حقیقت داشت که خداوند یهوه به راستی خدای آنها است و آنها قوم اویند (لاویان ۲۶: ۱۲). ایمان خاص ابراهیم به خدا و به وعده او (پیدایش ۱۵: ۵- ۶) باعث شد که خدا نه تنها ابراهیم، بلکه خانواده، خاندان و اطفال هشت روزه او را نیز جزو قوم عهد خود محسوب کند.

ب) پیمان عهد عتیق و پیمان عهد جدید.
عهد خدا به این مفهوم است که خدای زنده خدای آنها و آنها قوم او هستند (لاویان ۲۶: ۱۲). این پیمان عهدعتیق، در مورد دوران عهدجدید نیز صدق می‌کند و پیمان عهدجدید نیز می‌باشد (دوم قرنتیان ۶: ۱۶؛ اول پطرس ۲: ۹- ۱۰). با اینحال بین پیمان عهد عتیق و پیمان عهدجدید تفاوتهای قابل توجهی وجود دارد (ارمیا ۳۱: ۳۱- ۳۴؛ عبرانیان ۸: ۶- ۱۳).
۱) شریعت، که به این عهد و پیمان اضافه شد (غلاطیان ۳: ۱۷- ۱۹)، تنها بر روی کتاب شریعت نوشته نخواهد شد، بلکه بر دلهای مردم حك خواهد گردید (ارمیا ۳۱: ۳۳).
۲) شناخت خدا صرفاً شناختی عقلانی که انبیا به مردم تعلیم می‌دادند، نخواهد بود (اشعیا ۱: ۳)، بلکه عبارت خواهد بود از شناختی شخصی و صمیمی از خدا (ارمیا ۳۱: ۳۴).
۳) بخشایش گناهان صرفاً عملی تشریفاتی نخواهد بود (عبرانیان ۱۰: ۱-۴)، بلکه به طور شخصی و واقعی تجربه خواهد شد (ارمیا ۳۱: ۳۴؛ عبرانیان ۹: ۱۴).
۴) به همین ترتیب ختنه به شیوه عهد جدید جایگزین ختنه عهدعتیق می‌شود (کولسیان ۲: ۱۱- ۱۳). ختنه جسمی افراد ذکور صرفاً بخشی از شریعت تشریفاتی عهد عتیق بود. در دوران عهدجدید، ختنه روحانی قلب ایمانداران، اعم از مرد و زن، جانشین ختنه جسمانی می‌شود.
۵) عیسی مسیح واسطه عهدی است جدید، برتر و بس نیکوتر (عبرانیان ۷: ۲۲؛ ۸: ۶؛ ۹: ۱۵؛ ۱۲: ۲۴).

پ) ختنه عهد جدید و تعمید عهد جدید.
در عهدجدید بین ختنه و تعمید رابطه‌ای موجود است. کولسیان ۲: ۱۱- ۱۳ تعلیم می‌دهد که برادران مقدس و وفادار در مسیح (کولسیان ۱: ۲) بهنگام تعمید با مسیح مدفون شده و از طریق ایمان، با وی برخیزانیده شدند، و بدین ترتیب توسط عیسی مسیح ختنه گردیدند. ختنه عهد جدید، ختنه‌ای جسمانی نیست، بلکه ختنه‌ای است روحانی به معنای از تن زدودن طبیعت گناهکار (کولسیان ۲: ۱۱) و تجدید حیات یافتن توسط روح‌القدس (رومیان ۲: ۲۸- ۲۹).

ت) برخی از کلیساها با توجه به مفهوم ختنه در عهدعتیق، در خصوص تعمید نظری خاص ابراز می‌دارند
آنها معتقدند که چون در دوران عهدعتیق اطفال را از نظر جسمانی ختنه می‌کردند، در دوران عهد جدید نیز باید اطفال را تعمید داد. به اعتقاد آنها، کولسیان ۲: ۱۱ در مورد ختنه‌ای روحانی (تولد دوباره) صحبت می‌کند که از طریق آن، مسیح بهنگام تعمید اطفال طبیعت گناهکار آنان را که با مسیح مرده و دفن شده است، از آنها جدا می‌سازد. این عده همچنین عقیده دارند که اطفال پس از تعمید باید افرادی دارای تولدتازه تلقی شوند (کولسیان ۲: ۱۲). آنان بر این عقیده‌اند که این اطفال تعمیدیافته، سالها بعد که شخصاً به عیسی مسیح ایمان می‌آورند، با مسیح برخیزانیده می‌شوند و در حیاتی جدید با او زیست می‌کنند (کولسیان ۲: ۱۲).
این کلیساها بین مردن اطفال با مسیح بهنگام تعمید، و برخیزانیده شدن آنها با مسیح زمانی که سالها بعد شخصاً به او ایمان می‌آورند، فاصله زمانی چندین سال را در نظر گرفته‌اند. از نظر آنان ایمان داشتن بهنگام تعمید امری کاملاً ضروری است، ولی این ایمان در زمان تعمید اطفال می‌تواند ایمان والدین یا ایمان کلیسایی باشد که والدین اطفال در آنها عضوند. این اطفال باید وقتی بزرگ شدند در برابر همگان به ایمان شخصی خود اعتراف کنند.

ث) برخی دیگر از کلیساها با توجه به مفهوم ختنه در عهدجدید، در خصوص تعمید نظری خاص ابراز می‌دارند
آنها نیز معتقدند که کولسیان ۲: ۱۱ در مورد ختنه‌ای روحانی (تولد دوباره) صحبت می‌کند، و مسیح طبیعت گناهکار افرادی را که بهنگام تعمید با او مرده و دفن شده‌اند، از آنها جدا می‌سازد (کولسیان ۲: ۱۲). اما آنها معتقدند که افراد با مسیح می‌میرند، با او دفن می‌شوند و در همان زمان - یعنی هنگامی که ایمان شخصی خود به عیسی مسیح را اقرار می‌کنند - با او برخیزانیده نیز می‌شوند (کولسیان ۲: ۱۲). این کلیساها، مردن انسانها با مسیح و برخیزانیده شدن‌شان با او را دو عمل جداگانه در دو زمان متفاوت نمی‌دانند، بلکه معتقدند که این دو عمل به طور همزمان و هنگامی که شخصاً به عیسی مسیح ایمان می‌آورند صورت می‌گیرد. آنها ایمان فرد را عنصری ضروری قبل از تعمید می‌دانند و معتقدند که این ایمان همواره باید ایمان شخصی خود کسی باشد که بنا است تعمید بگیرد.

۵- ارتباط بین تولد دوباره و زمان تعمید.

الف) ختنه نشاندهنده تولد تازه است
هدف از ختنه جسمانی در دوران عهد عتیق این بود که علامتی بیرونی آشکار باشد از ختنه روحانی قلب (تولد دوباره) (لاویان ۲۶: ۴۱؛ تثنیه ۱۰: ۱۶؛ ارمیا ۴: ۴؛ ۳۰: ۶؛ رومیان ۲: ۲۸- ۲۹؛ فیلیپیان ۳: ۲-۳)، هر چند باید در نظر داشت که ختنه روحانی قلوب افراد مدتها پس آنکه در کودکی از نظر جسمانی ختنه می‌شدند اتفاق می‌افتاد.
ختنه در دوران عهد جدید، بی‌گمان ختنه روحانی قلب مردم توسط روح‌القدس بود (رومیان ۲: ۲۸- ۲۹)، و نه ختنه‌ای جسمانی.
این ختنه عبارت بود از بیرون آوردن طبیعت گناهکار (در یونانی: جسم) یا طبیعت کهنه‌ای که تولد تازه نیافته بود (کولسیان ۲: ۱۱؛ رومیان ۶: ۶- ۷). بنابراین ختنه روحانی در عهد جدید همواره بیانگر تولد دوباره یا تجدید حیات است.

ب) برخی از کلیساها، تولد دوباره را یك راز بزرگ می‌دانند.
به اعتقاد آنها، از آنجا که تولد دوباره و زمان وقوع آن برای مسیحیان بصورت یك راز است (یوحنا ۳: ۳- ۸؛ ارمیا ۱: ۵)، ختنه اطفال در عهد عتیق جای خود را در عهد جدید به تعمید اطفال داده است. اطفال ایمانداران گرچه هنوز شخصاً به عیسی مسیح ایمان ندارند، ولی قطعاً به قوم عهد خدا یا کلیسای مسیح تعلق دارند. به همین دلیل نیز این کلیساها معتقدند که اطفال والدین ایماندار را باید تعمید داد. از این گذشته، ایمان آینده این فرزندان نیز در نهایت خود نتیجه هدیه فیض‌آمیز خدا است (اعمال ۱۳: ۴۸؛ ۱۶: ۱۴؛ ۱۸: ۲۷؛ افسسیان ۲: ۸- ۹؛ فیلیپیان ۱: ۲۹؛ ۲: ۱۲- ۱۳؛ دوم پطرس ۱: ۱؛ دوم تیموتاؤس ۳: ۱۵).

پ) برخی دیگر از کلیساها تولد دوباره را موضوعی می‌دانند که با ایمان ارتباط نزدیك دارد.
به اعتقاد آنها، اگرچه تولد تازه‌ای که توسط روح‌القدس در زندگی فرد ایماندار ایجاد می‌شود و روش و زمان آن برای مسیحیان بصورت یك راز است، این تجدید حیات یا تولد تازه در اکثر جاهای کتاب‌مقدس با ایمان آوردن مردم به عیسی ارتباطی نزدیك دارد (یوحنا ۱: ۱۲- ۱۳؛ ۷: ۳۷- ۳۹؛ اعمال ۱۱: ۱۴- ۱۸؛ ۱۵: ۷- ۱۱؛ افسسیان ۱: ۱۳- ۱۴؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳- ۱۴؛ تیطس ۱: ۱؛ ۳: ۳- ۷). به همین دلیل نیز این کلیساها معتقدند که تعمید عهد جدید صرفاً جانشینی برای ختنه عهد عتیق نیست. و از آنجا که اطفال والدین ایماندار خود شخصاً به عیسی مسیح ایمان ندارند، نباید آنها را تعمید داد. بر طبق اعتقاد آنها، مردم تنها زمانی می‌توانند تعمید بگیرند که شخصاً به عیسی مسیح ایمان بیاورند و نشان دهند که تولد تازه دارند و عادل شمرده شده‌اند.

۶- ارتباط بین دو تأکید مختلف در رابطه با تعمید مسیحی.

الف) کلیساهای مختلف بر دو مفهوم تعمید، تأکیدی متفاوت دارند.
برخی از کلیساها تماماً بر این تأکید می‌کنند که تعمید، علامت و مهر عهد فیض خدا است و نشاندهنده تعلق داشتن به جامعه مسیحی (کلیسا) یا قوم خدا می‌باشد.
مسیحیان دیگر تمام تأکید خود را بر تعمید مسیحی به عنوان علامت و مهر طهارت از گناهان می‌گذارند که نمایانگر عادل شمردگی فرد است محض ایمان شخصی به عیسی مسیح.
از آنجا که تعمید مسیحی دارای هر دو مفهوم بالا است، کلیساهای مختلف هر کدام به طرقی مختلف بعد اجتماعی و فردی تعمید را در کلیساهای خود نمایان می‌سازند.

ب) برخی از کلیساها، بیش از هر چیز بر تعلق داشتن فرد به جامعه تاکید دارند.
تعمید مسیحی از نظر آنان علامت و مهری است از تعلق داشتن فرزندان والدین ایماندار به قوم عهد خدا (یعنی بدن مسیح یا جامعه مسیحی). به همین دلیل نیز اینگونه کلیساها اطفال والدین ایماندار را تعمید می‌دهند.
البته وقتی که فرزند یك خانواده ایماندار بزرگ می‌شود و شخصاً به عیسی مسیح ایمان می‌آورد، کلیسا این فرصت را به او می‌دهد که در حضور همگان به ایمان خود اعتراف کند تا این اعتراف ایمان، علامت و مهری باشد از اینکه این شخص عادل شمرده شده است (یعنی نجات و تولدتازه را دریافت کرده است: به این مفهوم که او در کار تمام شده نجات توسط مسیح سهیم گشته است).

پ) برخی دیگر از کلیساها، بیش از هر چیز بر عادل شمردگی خود فرد تأکید می‌گذارند.
اینگونه کلیساها تعمید را علامت و مهری می‌دانند که نشان می‌دهد کسی که شخصاً به عیسی مسیح ایمان آورده است، عادل شمرده می‌شود (یعنی نجات و تولدتازه را دریافت می‌کند: به این مفهوم که در کار تمام شده نجات توسط مسیح سهیم می‌شود).
چنین شخصی بهنگام تعمید آب در حضور همگان به ایمان خود اعتراف می‌کند.
اما اینگونه کلیساها اطفال ایمانداران را به خدا وقف یا تقدیم میکنند و به عنوان مهر و علامتی است از اینکه این اطفال تقدیم شده نیز به قوم عهد خدا (بدن مسیح، جماعت مسیحی) تعلق دارند.

ت) تمام کلیساهای مسیحی به هر دو جنبه ایمان مسیحی اعتقاد دارند.
برخی از کلیساها فرزندان را زمانی که هنوز طفل هستند تعمید می‌دهند و وقتی شخصاً به مسیح ایمان آوردند، به آنها اجازه می‌دهند در حضور همگان به ایمان خود اعتراف کنند. برخی دیگر از کلیساها، اطفال را به خدا تقدیم می‌کنند و وقتی که آنها بزرگتر شده، به عیسی مسیح ایمان آوردند و ایمان خود را علناً در حضور همه اعتراف کردند، آنها را تعمید می‌دهند. ولی به نظر می‌رسد که همه کلیساها معتقدند که کتاب‌مقدس هم بر جنبه فردی (شخصی) و هم بر جنبه عمومی ایمان مسیحی تأکید می‌گذارد.
۱) کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که خدا با هر شخص به عنوان یك فرد سروکار دارد. هر کس شخصاً بابت نحوه زندگی و عملکرد خود به خدا پاسخگو خواهد بود (حزقیال ۳۳: ۱۲- ۱۶). نیز هر کس به طور فردی بابت ایمان یا بی‌ایمانی خود مسؤول خواهد بود (یوحنا ۳: ۱۴- ۱۸، ۳۶؛ یوحنا ۹: ۳۵- ۳۹).
۲) کتاب‌مقدس همچنین تعلیم می‌دهد که خدا با هر شخص به عنوان عضوی از جامعه سروکار دارد. هر انسانی عضوی از یك خانواده یا خاندان است (خروج ۲۰: ۵- ۶؛ اعمال ۲: ۳۹؛ اعمال ۱۶: ۳۱؛ اول قرنتیان ۷: ۱۳- ۱۴). هر فرد ایماندار عضوی است از کلیسای محلی (اول قرنتیان ۱: ۲؛ ۱۲: ۲۶؛ مکاشفه ۲: ۱- ۵) و نیز بدن جهانی مسیح (اول قرنتیان ۱۲: ۱۲- ۱۳).
همچنین هر شخص عضوی است از قوم یا ملتی در دنیا (ارمیا ۱۸: ۶- ۱۰) و نیز عضوی است از قوم خدا (دوم قرنتیان ۶: ۱۶؛ اول پطرس ۲: ۹- ۱۰). علاوه بر این، خدا با هر فرد بعنوان جزئی از بشریتی برخورد می‌کند که در گناه آدم و مجازات او سهیم است (رومیان ۵: ۱۲، ۱۷- ۱۹). به همین ترتیب خدا با هر فرد به عنوان عضوی از اجتماع مسیحی برخورد می‌کند که به مسیح و عدالت او پیوند زده شده است (رومیان ۵: ۱۷- ۱۹؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۲). شایان ذکر است که خدا با فرزندان والدین ایماندار به عنوان افرادی برخورد می‌کند که متعلق به ملکوت خدایند (مرقس ۱۰: ۱۳- ۱۶؛ اول قرنتیان ۷: ۱۴).

۷- ارتباط موجود میان کلیساهای مختلف.

حقایقی که کلیساهای مختلف مسیحی را به یکدیگر پیوند می‌زند، بیش از اعتقادات و تأکیدهایی که آنها را از یکدیگر جدا می‌کند، حائز اهمیت است.

الف) احکام و فرامین.
۱) به کلیساهای مختلف در این باره که اعضای خود را کی و چگونه باید تعمید دهند، حکم مشخصی داده نشده است. اصطلاح "یك تعمید" (افسسیان ۴: ۴- ۶)، به حقیقی بودن و مفهوم تعمید اشاره دارد، نه به زمان و روش آن.

۲) به کلیساهای مختلف به طور مشخص حکم شده است که یکدیگر را محکوم نکنند و در یکدیگر به دیده تحقیر ننگرند، بلکه به اعتقادات متفاوت یکدیگر احترام بگذارند (رومیان ۱۴: ۱- ۵).
به کلیساهای مسیحی به طور مشخص حکم شده است که اعتقادات خود را بر دیگران تحمیل نکنند، بلکه آن عقاید را بین خود و خدا نگاه دارند (رومیان ۱۴: ۱۳- ۲۳).
به کلیساهای مسیحی به طور مشخص حکم شده است که یکدیگر را بپذیرند (رومیان ۱۵: ۷).
به کلیساهای مسیحی به طور مشخص حکم شده است که یکدیگر را محبت کنند (یوحنا ۱۳: ۳۴- ۳۵).
به کلیساهای مسیحی به طور مشخص حکم شده است که تلاش کنند روح وحدت و یگانگی را در بین خود حفظ کنند (افسسیان ۴: ۳؛ رومیان ۱۴: ۱۷).
تمام کلیساهای مسیحی باید از خود این سؤال را بپرسند: "چه چیزی می‌تواند به گسترش هر چه بیشتر محبت و صلح در جامعه مسیحی من منجر شود؟ و چه چیزی به افزایش روح محبت و همکاری بین جامعه مسیحی من و دیگر جوامع مسیحی پیرامون من کمك می‌کند؟

ب) <u>اصول.</u>
اصولی که باعث می‌شوند میان کلیساهای مختلف روابطی شفاف وجود داشته باشد عبارتند از:
۱) داشتن اتحاد در اصول
۲) پذیرفتن یکدیگر در موارد فرعی
۳) محبت کردن به یکدیگر در همه موارد.

ضمیمه ۲
عید فصح و شام خداوند

مقدمه: در این ضمیمه می‌خواهیم رابطه بین عید فصح در عهد عتیق و شام خداوند در عهد جدید را بررسی کنیم. در این رابطه خواهیم آموخت که چرا بره قربانی فصح در عهدعتیق، جای خود را به نان و شراب شام خداوند در عهدجدید داد.
عید فصح در عهد عتیق دارای مفهومی ملی، نمونه‌ای و سمبلیك می‌باشد.

۱- مفهوم ملی عید فصح در عهدعتیق.

الف) عید فصح و عید فطیر.
بخوانید: خروج ۱۲: ۱- ۲۸، ۵۱؛ اعداد ۲۸: ۱۶- ۱۷؛ تثنیه ۱۶: ۱- ۴.
عید فصح در زمان رهایی قوم اسرائیل از اسارت مصر مقرر شد. عید فصح اولین روز عید فطیر بود که سمبولی بود از واقعه فرار شتابزده قوم اسرائیل از مصر. قوم فرصت نداشتند نان تهیه کنند. این جشن همچنین نمایانگر سختیهایی است که آنها در طول سفرشان در بیابان تجربه کردند.
۱) عید فصح بر طبق تقویم یهود.
برطبق تقویم یهود، روز جدید در زمان غروب آفتاب شروع می‌شود (پیدایش ۱: ۵). در روز دهم اولین ماه سال، اسرائیلیها باید بره‌ای بدون عیب انتخاب می‌کردند و آن را در روز چهاردهم ماه، بهنگام شفق یا وقتی هوا هنوز تاریك روشن بود، سر می‌بریدند. سپس می‌بایست مقداری از خون آن را بر سر در خانه خود می‌پاشیدند و بره را روی آتش بریان می‌کردند. در بعدازظهر آن روز که برابر با روز پانزدهم ماه بود، خانواده در حالی که جامه‌های مخصوص خود را بر تن کرده، صندلهای خود را پوشیده و عصای خود را در دست داشتند، باید در خانه خود با هم جمع می‌شدند. آنها باید به تعجیل بره بریان شده را همراه با سبزیجات تلخ و نان فطیر می‌خوردند، زیرا قرار بود فرشته مرگ در آن شب از کنار خانه آنها عبور کند. در نیمه‌شب روز پانزدهم، خداوند تمام نخست‌زاده‌های مصر را از بین برد. پس از وقوع این حادثه بود که فرعون به قوم اسرائیل اجازه خروج از مصر را داد. قوم اسرائیل در صبح روز پانزدهم ماه مصر را ترك کردند. آنها باید از روز پانزدهم تا عصر بیست و یکم ماه نان فطیر می‌خوردند.
در روزهای آخری که عیسی بر زمین بود، بره فصح را در بعدازظهر روز پنجشنبه که مصادف با چهاردهمین روز ماه بود سر می‌بریدند، و شام فصح در عصر پنجشنبه که مصادف با پانزدهمین روز ماه بود خورده می‌شد. روز پانزدهم ماه، روز اول عید فطیر محسوب می‌شد. در زمان عیسی، بر سفره شام عید فصح یهود که در عصر پنچشنبه برگزار می‌شد نان فطیر می‌خوردند و از چهار جام شراب می‌نوشیدند.
۲) عید فصح بر طبق تقویم رومی.
(مرقس انجیل خود را خطاب به رومیان نوشت. برطبق تقویم رومی، روز جدید در نیمه‌شب آغاز می‌شد. بنابراین در مرقس ۱۴: ۱۲، اصطلاح "نخستین روز عید فطیر" به روز پنجشنبه مطابق تقویم رومی اشاره می‌کند که تا نیمه شب آن روز ادامه داشت و بخشی از روزهای چهاردهم و پانزدهم تقویم یهودی را دربرمی‌گرفت. این روز به مفهوم گسترده‌تر باید به عنوان "روزی" دانسته شود که در آن (در عصر آن روز) بره فصح خورده می‌شد. از آنجا که متی از مطالب انجیل مرقس استفاده کرده است، دقیقاً همین مطلب را در متی ۲۷: ۱۷ عنوان کرده است).

ب) اهمیت عید فصح از لحاظ ملی.
اهمیت بنیادین عید فصح در عهدعتیق در این بود که این عید یادآور عبور نمودن خداوند از کنار خانه‌های مردم اسرائیل و محافظت نمودن از آنها در برابر بلای مهلکی بود که بر سر مصریان نازل شد (خروج ۱۲: ۱۴؛ ۲۶- ۲۷). خون بره فصح که بر سر در خانه‌های آنها پاشیده شده بود، علامتی بود که بر اساس آن فرشته مرگ از کنار آن خانه عبور می‌کرد و بدین وسیله قوم اسرائیل از این بلای هولناك محفوظ می‌ماندند (خروج ۱۲: ۱۳). بنابراین برطبق خروج ۱۲: ۱۴، ۱۷ و تثنیه ۱۶: ۱- ۴، مفهوم ملی عید فصح در عهد عتیق این بود که این عید یادآور رهایی قوم اسرائیل از اسارتشان در مصر بود.

۲- مفهوم نمونه‌ای عید فصح در عهد عتیق.

بخوانید: متی ۲۶: ۲؛ یوحنا ۱: ۲۹؛ اول قرنتیان ۵: ۷- ۸.

الف) معانی کلمات نمونه و اصل.
یك نمونه عبارت است از شخص، شیء یا واقعه‌ای که پیشاپیش به تصویر یا شخصیتی خاص در آینده اشاره دارد. منظور از اصل، تحقق یا واقع شدن نمونه است در زمان آینده.

ب) عیسی تحقق نمونه بره فصح در عهد عتیق می‌باشد.
۱) بره فصح یك نمونه است. یحیی تعمید دهنده عیسی را به عنوان "بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد"، به مردم معرفی کرد (یوحنا ۱: ۲۹). عیسی دو روز قبل از مصلوب شدنش پیشگویی کرد که در زمان عید فصح خواهد مرد (متی ۲۶: ۲). او پیشگویی کرد که او خود تحقق واقعی بره فصح در عهد عتیق است. پولس رسول نیز می‌فرماید: "پس خود را از خمیرمایه کهنه پاك سازید تا فطیر تازه باشید، چنانکه بی‌خمیرمایه هستید زیرا که فصح ما مسیح در راه ما ذبح شده است. پس عید را نگاه داریم نه به خمیرمایه کهنه و نه به خمیرمایه بدی و شرارت، بلکه به فطیر ساده‌دلی و راستی" (اول قرنتیان ۵: ۷- ۸). خمیرمایه سمبلی است از اعمال طبیعت گناهکار (غلاطیان ۵: ۱۹- ۲۱).
۲) عهد جدید به وضوح تعلیم می‌دهد که عید فصح در عهدعتیق مفهومی نمونه‌ای داشت. مراسم عید فصح که هر سال برگزار می‌شد نه تنها به گذشته و به قربانی بره فصح در آن زمان اشاره می‌کرد، بلکه به آینده و به قربانی عیسی مسیح بر روی صلیب نیز اشاره داشت.

۳- مفهوم سمبلیك عید فصح در عهد عتیق.

بخوانید: عبرانیان ۹: ۱۱- ۱۴، ۲۲.

الف) معنی واژه سمبل.
یك سمبل، شیء، نشانه یا علامتی است که به حقیقت یا ایده‌ای که کیفیتهای مشابه‌ای دارد اشاره می‌کند.

ب) عیسی تحقق سمبل ریختن خون در عهد عتیق است.
خون بره فصح یك سمبل است. در عهد عتیق، این یك اصل یا حقیقت بود که: "بدون ریختن خون بخششی وجود ندارد" (عبرانیان ۹: ۲۲).
۱) نویسنده عبرانیان می‌فرماید که خون تمام حیوانات قربانی‌شده در طول دوران عهد عتیق، تماماً جنبه "تشریفاتی داشته و قوانینی ظاهری بودند که صرفاً تا زمان طریق جدید که آمدن مسیح بود، کاربرد داشتند." (عبرانیان ۹: ۱۰). نویسنده عبرانیان می‌فرماید که خون حیوانات قربانی شده تنها مردم را از نظر تشریفاتی یا ظاهری پاك می‌کرد، ولی هیچ وقت نمی‌توانست وجدانهای آنها را از احساس تقصیر در مورد گناهانشان پاك سازد (عبرانیان ۹: ۱۳؛ ۱۰: ۱- ۴). قربانی حیوانات و خون آنها در عهد عتیق کماکان صرفاً جنبه سمبلیك داشت. اما خونی که عیسی بر صلیب ریخت، براستی ایمانداران را از احساس تقصیر در مورد گناهانشان پاك می‌کند (عبرانیان ۹: ۱۴). خون عیسی مردم را از درون و به طور کامل پاك می‌سازد، زیرا به طور دائم گناهانشان را از آنها دور می‌کند. بنابراین عیسی فدیه ابدی را فراهم ساخت (عبرانیان ۹: ۱۲).
۲) نویسنده عبرانیان همچنین می‌فرماید که هر چند قربانی حیوانی در دوران عهد عتیق همه ساله و به طور پیوسته تکرار می‌شد، اما این قربانیها قادر نبود مردم را کامل و پاك و بی‌عیب سازد (عبرانیان ۱۰: ۱). ولی قربانی عیسی مسیح یکبار برای همیشه بود (رومیان ۶: ۱۰؛ عبرانیان ۷: ۲۷؛ ۹: ۱۲؛ ۱۰: ۱۰). خون این قربانی انسانها را از گناهانشان طاهر ساخته، آنها را در نظر خدا مقدس و کامل می‌سازد (عبرانیان ۲: ۱۷؛ ۱: ۳؛ ۲: ۱۱؛ ۱۰: ۱۰، ۱۴).
۳) برخلاف خون بره فصح که تنها قوم اسرائیل را از بلای مهلك فرشته مرگ محافظت کرد، خون عیسی مسیح تمام کسانی را که به او ایمان بیاورند، از گناهانشان نجات می‌دهد.
عید فصح نه تنها یادآور رهایی قوم از اسارتشان در مصر بود، بلکه علامت و مهری از رهایی آنها از اسارتشان در گناه نیز بود. این عید علامتی بود که به مرگ مسیح در آینده جهت رهایی ما از اسارت گناه اشاره داشت، و مهری بود که تضمین می‌کرد مرگ مسیح در آینده قطعاً ما را از اسارت گناه آزاد خواهد ساخت.

۴- شام خداوند در عهدجدید جانشین عید فصح در عهد عتیق می‌شود.

الف) بره فصح و خون آن در عهدعتیق، در عهدجدید جای خود را به نان و شراب در شام خداوند می‌دهد.
عیسی در واقعه شام فصح در آن عصر پنجشنبه، آیین شام خداوند را بنیان نهاد. او از عناصر نان و شراب که در عید یهودی فصح وجود داشت استفاده کرد و آنها را در واقعه شام خداوند تقدیس نمود. او از سومین جام از بین آن چهار جام شراب که به جام برکت معروف بود استفاده کرده، آن را به عنوان دومین عنصر شام خداوند بکار برد. عیسی از آن رو چنین کرد که با مرگش در روز جمعه، مفهوم سمبلیك و نمونه‌ای عید فصح در عهد عتیق را محقق می‌ساخت.
و از آنجا که قربانی عیسی بر روی صلیب یکبار و برای همیشه کافی بود، دیگر نیازی نبود که خون قربانیهای دیگری برای آمرزش گناهان ریخته شود (عبرانیان ۱۰: ۱۷- ۱۸). بنابراین کاملاً مناسب است که عنصر خون آلود در عید فصح بایستی جای خود را به یک عنصر غیر خون آلود مانند نان در شام خداوند می داد.

ب) مفهوم ملی عید فصح باید از این پس از بین می‌رفت.
بخوانید: خروج ۱۲: ۵۱؛ اعداد ۳۳: ۳- ۴؛ تثنیه ۱۶: ۱- ۳؛ افسسیان ۲: ۱۱- ۱۶.
مفهوم ملی عید فصح یادآور واقعه رهایی قوم اسرائیل از اسارت در مصر بود. تا زمان مرگ مسیح، غیریهودیان هیچگاه نمی‌توانستند جزو قوم اسرائیل محسوب شوند، و مراسم عید فصح نیز تنها در اسرائیل برگزار می‌شد.
اما عیسی مسیح با مرگ خود، مانع یا دیواری را که یهودیان را در عهد عتیق از غیریهودیان جدا می‌ساخت از میان برداشت (افسسیان ۲: ۱۱- ۲۲). بنابراین کاملاً طبیعی است که عید فصح که جنبه ملی داشت، حال می‌بایست جای خود را به آیین شام خداوند می‌داد که هیچ مفهوم ملی بخصوصی نداشت. مرگ عیسی مسیح به تمام اعیاد فصح در عهد عتیق پایان داد. مسیحیان امروزه دیگر عید فصح یهودی را جشن نمی‌گیرند، بلکه مراسم شام خداوند در میان تمام ملتها و در تمام دنیا برگزار می‌شود.

ضمیمه ۳
دستیاران یا معاونین زن در کلیسا

هنگامی که کلیساها زنانی را جهت خدمت در کلیسا انتخاب می‌کنند، باید افرادی را انتخاب کنند که بر طبق کلام خدا واجد شرایط لازم جهت این خدمت هستند و قادرند وظایفی را که بر طبق کتاب‌مقدس از آنها خواسته شده است، انجام دهند.

الف - <u>زنان و رهبری در کلیسای مسیحی</u>

وجود یك زن در مقام رهبری موضوعی قابل بحث در میان مسیحیان و کلیساهای مسیحی بوده است. در این ضمیمه قصد داریم تا حدی به این موضوع بپردازیم، ولی تصمیم نهایی در این خصوص در نهایت با رهبران کلیسای خود شما است.

کشف و گفتگو کنید: عهد جدید در خصوص رهبری زنان چه تعلیمی می‌دهد؟

۱- <u>زنان در چهارچوب تاریخی و فرهنگی کتاب‌مقدس.</u>

برخی از کلیساها تعالیم پولس را تنها محدود به روابط بین زن و شوهر می‌دانند، ولی برخی دیگر از کلیساها معتقدند که پولس در مورد چگونگی رفتار زنان در جلسات رسمی کلیسایی (جلسات عبادتی در روز پرستش خداوند) نیز تعالیم مهمی داده است.

الف) <u>زنان در مقام پیران کلیسا؟</u>
بخوانید: اول تیموتاؤس ۳: ۲؛ تیطس ۱: ۶.
در کتاب‌مقدس می‌خوانیم که رهبران کلیساهای محلی (پیران کلیسا) همگی مرد بودند و باید "یك همسر" می‌داشتند. کتاب‌مقدس در رابطه با انتصاب زنان به مقامی کلیسایی هیچ تعلیم خاصی نداده و آن را تصدیق نکرده است.

ب) <u>زنان در مقام خادمین کلیسا؟</u>
بخوانید: اول تیموتاؤس ۳: ۱۱.
نیز کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که خادمین همگی مرد بودند. اول تیموتاؤس ۳: ۱۱ به طور تحت‌اللفظی می‌فرماید، "به همین سان همسرانشان نیز" (یونانی: gunaikas hosautos).
۱) اما اصطلاح فوق نمی‌تواند به مقام رسمی خادمین زن اشاره داشته باشد، زیرا در آن صورت این جمله باید این گونه خوانده می‌شد "به همین سان خادمین زن نیز" (یونانی: tas de diakonous).
۲) این اصطلاح به "همسران مردان خادم" نیز اشاره نمی‌کند، زیرا در آن صورت جمله باید این گونه خوانده می‌شد: "زنان آنها" (یونانی: gunaikas auton) یا "کسانی که صاحب زن بودند" (یونانی: gunaikas echontes). اگر "زنان خادمین" صاحب مقام یا منصب رسمی در کلیسا محسوب می‌بودند، این بدان معنا بود که "زنان پیران کلیسا" از این مقام محروم بودند. در آیات ۲ و ۱۲ به زنان پیران کلیسا و خادمین اشاره شده است.
۳) منظور از عبارت "به همین سان همسرانشان نیز"، زنان خاصی است که بعنوان معاون، دستیار یا خدمتکار زن مشغول کار بودند، زیرا کلمه "به همین سان" به طبقه‌ای از مردم اشاره دارد که مانند خادمین مرد هستند بدون آنکه خود خادم باشند.
بنابراین باید این زنان را گروهی خاصی از زنان در کلیسای افسس محسوب بداریم که خدمت خاصی در کلیسا انجام می‌دادند (اول تیموتاؤس ۵: ۳- ۱۶).

پ) <u>فیبی- خادم زن یا دستیار؟</u>
بخوانید: رومیان ۱۶: ۱- ۲.
این تنها زمانی است که از یك زن در عهدجدید بعنوان "diakonos" یاد می‌شود که همان کلمه‌ای است که برای "خادم" بکار رفته است. فعل "diakoneo" هیچوقت در مفهوم "خدمت به عنوان خادم یا خدمت در مقام خادم" بکار نرفته است. بلکه همواره به مفهوم "خدمت" به معنای "رسیدگی به نیازهای مردم" بوده است. بنابراین مفهوم اولیه اسم "diakonos" نیز "خدمتگزار" است، نه "خادم". رومیان ۱۶: ۱ به انتصاب یك زن در مقام خادم آنگونه که در اعمال ۶: ۱- ۷ آمده، اشاره نمی‌کند، بلکه به خدمت فیبی به عنوان یك "خدمتگزار" اشاره دارد.
کنخریه یکی از بنادر قرنتس بود. در آنجا یك کلیسای مسیحی وجود داشت و فیبی بعنوان "معاون" در آن کلیسا خدمت می‌کرد. خدمت او شبیه خدمت خادمین در اعمال فصل ۶ بود، زیرا او بعنوان "دستیار" یا "کمك کننده" (در یونانی: prostates) به بسیاری از مردم، و حتی به خود پولس کمك می‌کرد. او احتمالاً از بسیاری از کسانی که از شرق به غرب سفر می‌کردند مهمانوازی می‌کرد. فیبی به احتمال زیاد زنی بود شبیه لیدیه در فیلیپی (اعمال ۱۶: ۱۵)، یا زنانی که به عیسی و شاگردانش

خدمت می‌کردند (لوقا ۸: ۱- ۳)، و یا زنی بود مانند زنانی که در کلیسای افسس خدمات خاصی انجام می‌دادند (اول تیموتاؤس ۵: ۹- ۱۰). انجام چنین خدماتی به این مفهوم نیست که این زنان به عنوان خادم در کلیسا منصوب شده بودند.

ت) زنان در جلسات رسمی کلیسا.
بخوانید: اول تیموتاؤس ۲: ۱۱- ۱۴؛ اول قرنتیان ۱۴: ۳۳- ۳۸.
۱) پولس در اول تیموتاؤس ۳: ۱۵- ۱۶ ، هدف از نگارش اولین نامه خود به تیموتاؤس را بیان می‌کند. موضوع نامه او این است که "مردم باید در خانه خدا که کلیسای خدای زنده است، چگونه رفتار کنند". پولس در ادامه می‌گوید که مردان خاصی باید بعنوان پیران کلیسا منصوب شوند (اول تیموتاؤس ۳: ۱- ۷) و مردان دیگری نیز باید در مقام خادم دستگزاری شوند (اول تیموتاؤس ۳: ۸- ۱۳). او همچنین در این مورد که مردان و زنان باید در هر جا چگونه رفتار کنند، تعالیمی مهم ارائه می‌دهد (اول تیموتاؤس ۲: ۸- ۱۵). بر طبق "فرهنگ یونانی- انگلیسی عهد جدید" نوشته بایر، آرنت، گینگریچ، منظور از کلمه "aner" در این قسمتها، "هر مرد بالغی" است، و نه صرفاً "مردان متأهل". کلمه "gune" نیز به "هر زن بالغی" اشاره می‌کند، و نه صرفاً به "زنان متأهل". پولس رسول می‌فرماید: "من اجازه نمی‌دهم که هیچ زنی (در یونانی: gune) تعلیم دهد یا بر مرد (در یونانی: aner) مسلط شود". بلکه باید در آرامی و تسلیم کامل تعلیم گیرد.
۲) تیطس ۲: ۳- ۵ نشان می‌دهد که پولس رسول به زنان این اختیار را می‌دهد که به دیگرزنان در خانه‌های خود تعلیم دهند. و اول قرنتیان ۱۱: ۳- ۵ نشان می‌دهد که پولس رسول به زنان این اختیار را می‌دهد که خارج از جلسات رسمی کلیسا نبوت کنند (نبوت در اینجا به معنی اعلام سخنان خدا است).
۳) در اول قرنتیان ۱۴: ۳۳- ۳۸، پولس رسول در رابطه با وجود نظم و ترتیب در جلسات رسمی پرستشی کلیسا تعلیم می‌دهد (اول قرنتیان ۱۴: ۲۶). او می‌نویسد: "زنان باید در کلیسا خاموش بمانند. آنها مجاز به سخن گفتن نیستند، بلکه باید چنانکه شریعت می‌گوید، مطیع باشند". به نظر می‌رسد که زنان قرنتس در طول جلسات رسمی پرستشی مطیع نبودند و می‌خواستند مثل مردان رفتار کنند. آنها می‌خواستند کلام را با اقتدار موعظه کنند و در جلسات رسمی کلیسا نبوت کنند. پولس رسول به آنها اجازه انجام چنین کارهایی را نمی‌دهد. پولس رسول می‌فرماید که آنچه او می‌نویسد، "حکم خداوند" است. او به آنها هشدار می‌دهد که هر کس حکم خداوند را نپذیرد و آن را نادیده بگیرد، خداوند نیز آن شخص را نخواهد پذیرفت (اول قرنتیان ۱۴: ۳۷- ۳۸). بنابراین مشخص است که این موضوع به ارتباط بین مرد متأهل با همسرش در خانه اشاره نمی‌کند، بلکه به روابط کلی مردان و زنان در جلسات رسمی کلیسا اشاره دارد. از نظر پولس رسول، این موضوع از دید خدا امری کاملاً جدی است.

ث) زنان با مردان برابرند، ولی با آنها فرق دارند.
بخوانید: لوقا ۸: ۱-۳؛ رومیان ۱۶: ۱- ۶؛ اول تیموتاؤس ۳: ۱۱؛ ۵: ۱- ۱۶؛ تیطس ۲: ۳- ۵.
۱) از دیدگاه خدا، مرد و زن با هم برابرند و به یك اندازه ارزشمند، مهم، توانا و مفید هستند. هر دو بطور برابرعضو بدن مسیح می‌باشند (غلاطیان ۳: ۲۸)، و هر دو باید بطور یکسان از عطایای روحانی خود در جمع استفاده کنند (اول پطرس ۴: ۱۰).
۲) با اینحال، عملکردها و وظایفی که خدا به مرد و زن می‌سپارد، یکسان نیستند. خدا به زنان عملکردها و وظایف متفاوتی عطا کرده است: از نظر جسمانی، زاییدن فرزندان (پیدایش ۳: ۱۶؛ اول تیموتاؤس ۲: ۱۵)، از نظر اجتماعی، در روابط ازدواج (افسسیان ۵: ۲۲- ۲۴؛ کولسیان ۳: ۱۸؛ اول پطرس ۳: ۱-۶) و از نظر روحانی در کلیسا. خدا در چهارچوب ازدواج و نیز در کلیسا، نقش رهبری را به مرد سپرده است، نه به زن. خدا همچنین وظیفه موعظه و تعلیم از کلام خدا در جلسات رسمی کلیسا را به مردان محول کرده است، نه به زنان (اعمال ۶: ۴؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۲؛ اول تیموتاؤس ۳: ۲؛ ۵: ۱۷؛ دوم تیموتاؤس ۴: ۱-۵؛ تیطس ۱: ۹).

ج) حضور زنان در کلیسا امری ضروری است
در کتاب‌مقدس اسامی و اعمال زنان بسیاری ثبت شده است که همگی خدمات مهم و باارزشی در کلیسا انجام دادند (لوقا ۷: ۴۴- ۴۷؛ ۸: ۲- ۳؛ یوحنا ۴: ۳۹؛ ۲۰: ۱۷- ۱۸؛ اعمال ۹: ۳۶؛ ۱۶: ۱۵؛ رومیان ۱۶: ۱- ۲؛ ۱۶: ۳؛ ۱۶: ۶؛ ۱۶: ۱۲- ۱۳).

چ) در خصوص این دو موضوع ذیل باید همیشه از افراط پرهیز کرد.
کلیساهای مسیحی از یك سو نباید زنان را به مقامی کلیسایی منصوب کنند، وقتیکه تضمین کتاب‌مقدسی برای انجام این کار وجود ندارد.
ولی از سوی دیگر، نباید خدمات مهم و باارزش زنان را در کلیسا نادیده بگیرند.

۲- خدا است که تعیین می‌کند به هر کس در چه زمینه‌ای قدرت عطا فرماید.

هر قدرتی از جانب خداست و او است که تعیین می‌کند این قدرت به چه کسی اعطا شود (رومیان ۱۳: ۱- ۲).
۱) خدا در مسیح بر تمام انسانها اقتدار دارد (اول قرنتیان ۱۱: ۳؛ افسسیان ۱: ۲۰- ۲۳؛ کولسیان ۱: ۱۸).
۲) مردان و زنان بر خلقت خدا اقتدار دارند (پیدایش ۱: ۲۸؛ مزمور ۸: ۴- ۸).

۳) شوهر در چهارچوب ازدواج بر همسر اقتدار دارد (پیدایش ۳: ۱۶؛ افسسیان ۵: ۲۲- ۲۴؛ کولسیان ۳: ۱۸؛ اول پطرس ۳: ۱- ۶). مرد همچنین میتواند در جلسات رسمی کلیسایی اقتدار خود را بکار بگیرد (اول قرنتیان ۱۱: ۳؛ ۱۴: ۳۳- ۳۵؛ اول تیموتاؤس ۲: ۱۱- ۱۴)
۴) والدین بر فرزندان خود که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند، اقتدار دارند (افسسیان ۶: ۱-۳؛ کولسیان ۳: ۲۰).
۵) حکومت یک کشور، بر شهروندان خود اقتدار دارد (رومیان ۱۳: ۳- ۷؛ اول پطرس ۲: ۱۳- ۱۷).
۶) يك کارفرما بر افرادی که زیردست او کار می‌کنند، اقتدار دارد (افسسیان ۶: ۵- ۹؛ کولسیان ۳: ۲۲- ۴: ۱؛ اول پطرس ۲: ۱۸- ۲۳).
۷) پیران کلیسا بر اعضای کلیسای خود اقتدار دارند (اعمال ۲۰: ۲۸؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۲؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷).

۳- فرهنگ سنتی مردم و فرهنگ ملکوت خدا.

برخی از مسیحیان معتقدند که تعالیم پولس متأثر از فرهنگ زمان او است و برای فرهنگ امروزی چندان کاربرد ندارد. چنین تفکری بسیاری خطرناك است.

الف) تعریف فرهنگ.
فرهنگ هر ملتی عبارت است از بینشها، واقعیات، باورها، خرافات و ارزشهایی که خود را در قالب عقاید، تجارب، رفتارها، روابط، سنتها و آداب و رسوم آن ملت متجلی می‌سازد.

ب) چهارچوب تاریخی کتاب‌مقدس.
فرهنگ تاریخی و سنتی هر قوم و ملیتی هم جوانب مثبت دارد و هم جوانب منفی. در قسمتهای تاریخی کتاب‌مقدس، بهنگام نگارش کتابی خاص هم به جوانب مثبت فرهنگ انسان اشاره می‌شود و هم به جوانب منفی. ولی هیچکدام از این اشارات را نمی‌توان يك استاندارد یا يك اصل کلی و جهان‌شمول برای تمام اعصار دانست.

پ) چهارچوب فرهنگی کتاب‌مقدس.
خدا می‌خواهد که فرهنگ ملکوت خدا در هر کشور و شهری و در بین تمامی مردم جهان، تنها فرهنگ حاکم باشد. قسمتهای تعلیمی کتاب‌مقدس از طرفی تعلیم می‌دهند و حکم می‌کنند که کدام جنبه‌ها از فرهنگ ملکوت خدا باید بر فرهنگ مردم نقاط مختلف جهان در هر دوره‌ای از تاریخ حاکم باشد، (متی ۵- ۷ و تمام مَثَلهای مربوط به ملکوت خدا)، و از طرف دیگر تعلیم می‌دهد که فرهنگ‌های بشری باید از کدام جوانب منفی و بد فرهنگی دوری جویند. قوم خدا نباید مطابق روشهای نادرست امتهای خدانشناس عمل نمایند (تثنیه ۱۸: ۹- ۱۳). قسمتهای تعلیمی کتاب‌مقدس در خصوص رابطه زوجهای مسیحی با یکدیگر در چهارچوب ازدواج، رابطه والدین و فرزندان، رابطه بین کارفرما و کارمند، رابطه بین حکومت و شهروندانش و خلاصه خیلی از روابط بشری دیگر، تعالیم مفیدی ارائه می‌دهد (افسسیان ۵: ۲۲- ۶: ۹؛ کولسیان ۳: ۱۸- ۴: ۱؛ اول پطرس ۲: ۱۳- ۳: ۷). کتاب‌مقدس مطابق معیارهای روشن اخلاقی درباره امور جنسی و معیارهای عدل و انصاف دستور میدهد (متی ۵: ۲۱- ۴۸). کتابمقدس در خصوص روابط بین مرد و زن در کلیسا نیز احکام مهمی وضع کرده است (اول قرنتیان ۱۱: ۳؛ ۱۴: ۳۳- ۳۵؛ اول تیموتاؤس ۲: ۱۱- ۱۴). تمام این احکام در تمام نقاط دنیا و در تمام زمانها معیارهای اصولی بشمار میروند.

ت) روش صحیح تفسیر کتاب‌مقدس.
فرهنگ مردم نیست که نحوه تفسیر کتاب‌مقدس را تعیین می‌کند، بلکه این فرهنگ ملکوت خدا در کتاب‌مقدس است که مشخص می‌کند مردم در هر مکان و زمانی باید بر اساس چه فرهنگی رفتار کنند. خدا نه تنها می‌خواهد قلبهای مردم را تغییر دهد، بلکه مایل است در زندگی و فرهنگ آنان نیز تغییراتی ایجاد کند. مسیحیان باید بین قسمتهای تاریخی و تعلیمی کتاب‌مقدس تمییز قائل شوند. قسمتهای تاریخی کتاب‌مقدس صرفاً به توصیف وقایعی می‌پردازد که در زندگی و فرهنگ مردم مختلف رخ داده است، و در این رابطه هم ابعاد منفی را بیان می‌کند و هم ابعاد مثبت را. اما توصیف این وقایع نمی‌تواند معیار یا استاندارد رفتار مسیحی قرار گیرد. اما قسمتهای تعلیمی کتاب‌مقدس درخصوص آنچه که در زندگی و فرهنگ مردم باید رخ دهد تعالیمی داده و احکامی صادر کرده است. این تعالیم و احکام همواره برای مسیحیان در هر نقطه‌ای از دنیا معیارهای اصولی و استاندارد بشمار می‌روند و باید بر تمام روابط مسیحی حاکم باشند.

ب - شرایط دستیاران یا خدمتکاران زن

اگر کلیسا می‌خواهد زنانی را جهت خدمت در کلیسا انتخاب کند، باید از زنانی استفاده کند که قادرند موارد و وظایفی را که کتاب‌مقدس از يك معاون یا خدمتگزار زن انتظار دارد، برآورده نمایند.

کشف و گفتگو کنید: عهد جدید در مورد شرایط دستیاران زن چه تعلیمی می‌دهد؟
بخوانید: اول تیموتاؤس ۳: ۱۱.

دستیاران زن باید افرادی محترم باشند. نباید غیبت کنند. باید در رفتار و عملکردهای خود معتدل باشند. همچنین باید در هر چیز قابل اعتماد باشند. معاونین زن باید بر اساس شخصیت، رفتار و تواناییهایشان انتخاب شوند.

پ - وظایف دستیاران یا خدمتکاران زن

کشف و گفتگو کنید: عهد جدید در رابطه با وظایف دستیاران زن چه تعلیمی می‌دهد؟
بخوانید: لوقا ۸: ۱- ۳؛ رومیان ۱۶: ۱- ۶؛ اول تیموتاؤس ۵: ۹- ۱۶؛ تیطس ۲: ۳- ۵.
خدمتکاران زن باید معاون یا دستیار خادمین مرد باشند، بویژه در زمینه خدمت به فقرا و نیازمندان. آنها وظایفی را انجام می‌دهند که در مقایسه با مردان بهتر توانایی انجامش را دارند. به موجب اول تیموتاؤس ۵: ۹- ۱۶، ظاهراً در کلیسای افسس بیوه‌زنانی مسن وجود داشتند که عهده‌دار عملکردها و مسئولیتهای خاصی بودند.
تاریخ اولیه کلیسا نشان می‌دهد که این زنان خدمات زیر را انجام می‌دادند: آنها زنان جوانتر را نصیحت کرده، به آنها توصیه‌هایی می‌دادند؛ برای زنان دیگر دعا می‌کردند، به ملاقات بیماران می‌رفتند، زنان را برای تعمید آماده می‌کردند و آنها را به شرکت در شام خداوند دعوت می‌نمودند. آنها همچنین به فکر بیوه‌زنان و یتیمانی بودند که توسط کلیساهای محلی از آنها حمایت می‌شد.

ضمیمه ۴
ارزیابی فرهنگ انسان: ارتباط با والدینی که در قید حیات هستند

مقدمه: خدا این وظیفه را به مسیحیان سپرده است که بینشها، عقاید، باورها، ارزشها، تجارب، رفتارها، روابط و سازمانهای خود را طوری تغییر دهند که با فرهنگ ملکوت خدا منطبق باشد. ما در این درس خواهیم آموخت که باید با والدین خود که هنوز در قید حیات هستند چگونه رفتاری داشته باشیم.

۱- مسئولیت اطاعت از والدین.

کشف و گفتگو کنید: بر طبق کتاب‌مقدس، فرزندان تا چه سنی باید از والدین خود اطاعت کنند؟
ملاحظات:
الف) حکم کتاب‌مقدس.
بخوانید: افسسیان ۶: ۱- ۳. خدا در کتاب‌مقدس دو مسئولیت را به عهده فرزندان نهاده است: اطاعت از والدین و احترام به آنها. در برخی فرهنگها، به فرزندان یاد می‌دهند که باید از والدین خود مادام که در قید حیات هستند تحت هر شرایطی اطاعت کنند، حتی اگر آنچه آنها حکم می‌کنند خلاف اراده خدا باشد، یا خواسته‌شان مخرب و بنا بر منافع شخصی بوده باشد. در این فرهنگها، والدین تا زمانی که در قید حیات هستند بر فرزندان خود اختیار کامل دارند - خواه فرزندانشان مجرد باشند، خواه متأهل. این جنبه از فرهنگ انسانی مبتنی بر کتاب‌مقدس نیست و باید آن را تغییر داد تا با فرهنگ ملکوت خدا سازگار شود.

ب) نمونه عیسی.
بخوانید: لوقا ۲: ۵۱؛ مرقس ۳: ۲۱، ۳۱- ۳۵؛ یوحنا ۴: ۳۴. عیسی وقتی ۱۲ ساله بود، از والدین زمینی خود اطاعت می‌کرد. ولی وقتی که به سن بلوغ رسید و مشغول امور زندگی خود شد، دیگر از والدین خود اطاعت نمی‌کرد و بر مطابق خواسته‌های آنان عمل نمی‌نمود. عیسی اگرچه ازدواج نکرده بود، ولی جوانی بود که مسئولیتی مستقل داشت. مسئولیت او این بود که اراده خدا را انجام دهد و طبق خواسته‌های او عمل کند، ولو آنکه والدینش با این کار موافق نباشند.

پ) تعالیم عیسی.
بخوانید: متی ۱۰: ۳۷؛ ۱۹: ۵. وقتی کسی از حالت کودکی بیرون می‌آید و تبدیل به انسانی بالغ می‌شود، رابطه‌ای که با والدین خود دارد نیز تغییر می‌یابد. چه زمانی یك شخص بالغ می‌شود؟
۱) نمونه عیسی نشان می‌دهد که یك فرد مجرد به محض اینکه در زندگی خود به استقلال رسید، شخصی بالغ محسوب می‌شود.
۲) تعلیم عیسی در متی ۱۹: ۵ نشان می‌دهد که وقتی کسی ازدواج می‌کند، از آن پس فردی بالغ است. او باید پدر و مادر خود را ترك کند و به اتفاق همسرش خانواده جدیدی تشکیل دهد. چنین شخصی باید هم از نظر عاطفی از والدین خود جدا شود، هم از لحاظ مالی. بعلاوه، دیگر نباید تحت اقتدار والدین خود باشد، بلکه حتی باید در صورت امکان خانه پدری خود را نیز ترك گوید.
۳) عیسی در متی ۱۰: ۳۷ در خصوص افراد مجرد و نیز افراد متأهل چنین می‌فرماید: "و هر که پدر یا مادر خود را بیش از من دوست دارد، لایق من نباشد و هر که پسر یا دختر را از من زیاده دوست دارد، لایق من نباشد." بنابراین اگر بنا است بین والدین خود و عیسی‌مسیح یکی از انتخاب کنید، حتماً باید میل و آرزوی والدین خود را رد کرده، به عیسی مسیح بپیوندید و به او وفادار باشید، و هرگز اجازه ندهید هیچ رابطه دیگری جایگزین رابطه شما با او شود.

نتیجه‌گیری: کتاب‌مقدس تعلیم نمی‌دهد که مسیحیان باید والدین خود را تحت هر شرایط و تا زمانی که آنها در قید حیات هستند اطاعت کنند. بلکه حکم کلام خدا این است که مسیحیان باید تا زمانی که هنوز فرزندانی نابالغ هستند و به حمایت والدین‌شان متکی می‌باشند، از آنها اطاعت کنند، آن هم تنها در صورتی که دستورات و خواسته‌های آنها با کلام خدا مغایرت نداشته باشد. یك فرد مسیحی زمانی به سن بلوغ رسیده است که خانه والدین خود را به منظور تحصیل یا کسب شغل ترك می‌کند، یا کماکان با والدین خود زندگی می‌کند ولی دیگر به آنها وابسته نیست، یا زمانی که ازدواج می‌کند. مسیحیان به عنوان افراد بالغ، هیچ اجباری ندارند که همواره از والدین خود اطاعت کنند. بلکه تعلیم کتاب‌مقدس این است که مسیحیان باید در زندگی خود همواره و تحت هر شرایطی فقط و فقط از خدا اطاعت کنند. بنابراین اطاعت از والدین تنها برای مدت زمان محدودی است. فرزندان تنها تا زمانی باید از والدین خود اطاعت کنند که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند.

۲- مسئولیت احترام به والدین.

کشف و گفتگو کنید: بر طبق کتاب‌مقدس، مردم چگونه باید به والدین خود احترام بگذارند؟
ملاحظات:

منظور از احترام گذاشتن، محبت کردن و توجه نشان دادن با میل قلبی و بهدور از ترس و انگیزههای خودخواهانه است. نمونههای زیر برای تمام مردم کاربرد دارد: خواه در ارتباط با والدینشان، در ارتباط با والدین همسرانشان، و یا در ارتباط با پدر آسمانیشان. به پنج طریق میتوانید به والدین خود (و نیز به والدین همسرتان و به پدر آسمانیتان) احترام بگذارید:

الف) بدین ترتیب به والدین خود احترام میگذارید که هیچگاه با آنها وارد نزاع یا مجادله نمیشوید.
بخوانید: خروج ۲۱: ۱۵، ۱۷؛ رومیان ۱۳: ۴. خدا به فرزندان هشدار میدهد که اگر نسبت به والدین خود با خشونت رفتار کنند، چه با گفتار و چه در اعمال، به سختی مجازات خواهند شد. در دوران عهد عتیق، مردم فرزندان یاغی را میکشتند. اما با آمدن عیسی مسیح، شریعت دوران عهد عتیق بطور عینی تحقق یافت. بنابراین مطابق قانون دوران عهد جدید، تنها دولت اجازه دارد برای کسی حکم مرگ صادر کند.
به جای منازعه با والدین خود، نقطهنظراتتان را با ملایمت به آنها بگویید و اجازه دهید خدا خود به طریقی که باعث جلال نام او خواهد شد، با آنها عمل کند. بدین ترتیب نشان خواهید داد که ایمان دارید همه چیز تحت حاکمیت خدا است و او خود قادر است آنچه را که برای شما بهترین است، تحقق بخشد.

ب) شما از طریق جدی گرفتن نصایح و پیشنهادات والدین خود، آنها را احترام مینمایید.
بخوانید: امثال ۲۳: ۲۳. کتابمقدس به شما تعلیم میدهد که از والدینتان راستی، حکمت، ادب و فهم را کسب کنید. وقتی والدینتان به شما پیشنهاد یا نصیحتی میکنند، از آنها تعلیم بگیرید و تا زمانی که فرصت هست از تجارب و حکمت آنها استفاده نمایید.

پ) شما از طریق شریك ساختن آنها در زندگیتان، به آنها احترام میگذارید.
بخوانید: دوم قرنتیان ۶: ۱۱- ۱۳. مسیحیان باید سفره دل خود را نزد یکدیگر باز کنند. بنابراین همیشه برای صحبت با والدینتان پیشقدم شوید.
۱) با آنها در مورد فعالیتهای خود صحبت کنید و بگویید که در سرکار یا در مدرسه چه کارهایی انجام میدهید، با دوستان خود چه برنامههایی دارید، و در کلیسا چه میکنید.
۲) در مورد روابط خود با دیگران با آنها صحبت کنید؛ اینکه دوستانتان چه کسانی هستند و چه نوع رابطهای با آنها دارید.
۳) در مورد عقاید خود با آنها صحبت کنید: در مورد خدا، مردم، جهان و اعتقادات مسیحیتان.
۴) در مورد افکار، احساسات و برنامههای خود با آنها صحبت کنید. شما میتوانید با سهیم ساختن والدینتان در برنامهها و تصمیمگیریهای خود، به آنها احترام بگذارید و در صورت سهیم نساختن ایشان، به آنان بی احترامی میکنید.

ت) با رسیدگی کردن به نیازهای والدینتان و خدمت به آنها، آنها را احترام مینمایید.
بخوانید: اول تیموتاؤس ۵: ۴، ۸. مسیحیان مسئولیت دارند به فکر نیازهای واقعی والدین خود باشند، اما نه به فکر راحتطلبی و تجملگرایی آنها.
۱) نیازهای اصلی والدین عبارتند از خوراك، لباس و مکانی جهت سکونت.
۲) برخی دیگر از نیازهای اصلی والدین عبارتند از: احترام، توجه به آنها و در میان گذاشتن پیغام انجیل با آنان.
۳) خود را تربیت دهید که همیشه سعی کنید بفهمید والدینتان در چه زمینههایی به کمك شما نیاز دارند و در چه قسمتهایی میتوانید به آنها کمك کنید. خود را طوری تربیت دهید که در مواقعی که هیچ کس حاضر به خدمت نیست یا توانایی خدمت به آنها را ندارد، شما برای کمك پیشقدم شوید، نه اینکه منتظر شوید آنها از شما طلب کمك کنند.

ث) شما از طریق محبت کردن به والدینتان، آنها را احترام مینمایید.
بخوانید: اول قرنتیان ۱۳: ۴- ۸. اگر تنها زمانی به والدین خود محبت کنید که الزامات فرهنگی چنین ایجاب میکند، نظیر اینکه هر از چند گاه به آنها سر بزنید و هدیهای به آنها بدهید، در واقع هیچ احترامی به آنها نگذاشتهاید. محبت واقعی ورای الزامات فرهنگی است.
۱) محبت واقعی یك فرد مسیحی در این است که خطایای والدین خود را میبخشد و نسبت به آنان صبور و حلیم است.
۲) وقتی مسیحی میشوید، والدین غیرمسیحی شما نگران این هستند که مبادا توبه شما اثری منفی در شما داشته باشد. بعنوان مثال نگرانند که از آن پس در تحصیلات خود موفق نباشید، شغل خوب و زندگی موفقی نداشته باشید، وضع مالیتان رو به وخامت نهد، و دیگر قادر نباشید از نظر مالی آنها را حمایت کنید. همچنین نگرانند که مبادا به فرهنگ خود پشت کرده، باعث عصبانیت خدای آنها و اعضای جامعه مذهبیشان بشوید. در اینگونه مواقع باید به آنها ثابت کنید که هدف شما این نیست که جوانب مثبت فرهنگتان را ترك کنید. ایمان مسیحی خود را به دقت برای آنها شرح دهید و به آنها ثابت کنید که در نتیجه کاری که مسیح در زندگی شما انجام داده است، تبدیل به شخصی شدهاید که خانوادهاش را بیش از پیش دوست دارد و بیشتر از گذشته نسبت به آنها احساس مسئولیت میکند.

ضمیمه ۵
ارزیابی فرهنگ بشر: ارتباط با اجداد متوفی

مقدمه: خدا این وظیفه را به مسیحیان سپرده است که بینشها، عقاید، باورها، ارزشها، تجارب، رفتارها، روابط و سازمانهای خود را طوری تغییر دهند که با فرهنگ ملکوت خدا منطبق باشد. ما در این درس خواهیم آموخت که باید با اجداد متوفی خود چگونه رابطه‌ای داشته باشیم.

در برخی فرهنگها، ارتباط با اجداد متوفی فوق‌العاده مورد تأکید است. در اینگونه فرهنگها عقیده بر این است که ارواح اجداد متوفی در اماکنی که زمانی در آنها زندگی می‌کرده‌اند، یا در قبوری که بدنهای‌شان در آنها مدفون است، و یا در امکان خاصی چون معابد، حضور دارد.
کتاب‌مقدس در رابطه با روحهای اجداد متوفی چه تعلیمی می‌دهد؟
چه تفاوتی بین ارواح اجداد متوفی و ارواح شریر وجود دارد؟

۱- محل سکونت ارواح نیاکان پس از مرگ

بخوانید: لوقا ۱۶: ۲۲- ۲۳.
کشف و گفتگو کنید: ارواح نیاکان ما پس از مرگ به چه مکانی می‌رود؟
ملاحظات: وقتی بی‌ایمانان می‌میرند، ارواح آنها بلافاصله به جهنم می‌رود - جایی که مملو از رنج و عذاب است. ولی وقتی ایمانداران به مسیح می‌میرند، ارواح آنها بلافاصله به بهشت می‌رود و آنان در آنجا تا به ابد در حضور خدا خواهند زیست. بنابراین، ارواح اجداد متوفای ما هیچ گاه بر زمین سکونت نمی‌کنند. این حقیقت باید فرزندانی را که مسیحی هستند به غیرت آورد تا پیغام انجیل را به گوش والدین غیرمسیحی خود که هنوز در قید حیات هستند، برسانند.

۲- تأثیر ارواح اجداد متوفی بر مردم روی زمین.

بخوانید: جامعه ۹: ۵- ۱۰.
کشف و گفتگو کنید: کسانی که مرده‌اند، ممکن است چه تأثیر احتمالی بر مردم روی زمین داشته باشند؟
ملاحظات: هرچند بدن شخص مرده در قبر قرار دارد، جان یا روح او یا در بهشت است، یا در جهنم. کتاب‌مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که جانها یا ارواح مردم مرده هیچ تأثیری بر زندگی مردم روی زمین ندارد. ارواح اجداد متوفی بر روی زمین نیستند و هیچ نفوذی بر اشخاص یا وقایع روی زمین ندارند. این ارواح در خانه‌ای که قبلاً در آن سکونت داشتند حضور ندارند. در قبوری که بدنهای‌شان در آنجا مدفون است یا در معابدی که در آن خدا را پرستش می‌کردند نیز سکونت ندارند. ارواح اجداد متوفی در هیچ جایی بر روی زمین وجود ندارند، بلکه یا در بهشت هستند، یا در جهنم.
کتاب‌مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که ارواح اجداد متوفی نمی‌توانند به مردم روی زمین حسادت کنند یا از آنها متنفر باشند. آنها نمی‌توانند انتقام بگیرند، یا به هر نحو به مردم روی زمین آسیب برسانند، زیرا هیچ نفوذی بر مردم یا اتفاقات روی زمین ندارند.

۳- درخواست كمك از ارواح مردگان.

کشف و گفتگو کنید: چرا كمك خواستن از ارواح مردگان کار بیهوده‌ای است؟

الف) ارواح اجداد متوفی هیچ گونه آگاهی در مورد مردم یا وقایع روی زمین ندارند.
بخوانید: جامعه ۹: ۵- ۱۰.
ملاحظات: آنها دارای هیچ حکمت بخصوصی جهت نصیحت کردن مردم روی زمین نیستند. نیز قادر نیستند بر نقشه‌ها و برنامه‌های مردم روی زمین اعمال نفوذ کنند. آنها نمی‌توانند به مردم روی زمین كمك کنند، زیرا بر این زمین نیستند. کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که ، ارواح انسانها پس از مرگ قادر نیستند در هیچيك از فعالیتهای روی زمین شرکت نمایند.

ب) ارواح شریر می‌توانند از ارواح اجداد متوفی تقلید کنند.
بخوانید: اول سموئیل ۲۸: ۸- ۱۴؛ یوحنا ۸: ۴۴؛ اول قرنتیان ۱۱: ۱۴.
ملاحظات: وقتی شائول پادشاه نزد يك فالگیر رفت، فکر کرد که صدای سموئیل نبی را که مرده بود شنیده است. ولی به احتمال زیاد آنچه می‌شنید، صرفاً صدای روح شریری بود که از صدای سموئیل تقلید می‌کرد. شائول هیچگاه خود سموئیل را ندید و حتی زن فالگیر نیز نگفت که سموئیل را دیده است، بلکه تنها گفت روحی می‌بیند که از زمین برآمده و به پیرمردی که ردایی بر تن دارد شبیه است.

کسانی که فکر می‌کنند می‌توانند با ارواح مرده ارتباط برقرار کنند یا ارواح مردگان بر امور این دنیا تأثیر می‌گذارند، فریب دیوها یا ارواح شریر را خورده‌اند. عیسی تعلیم می‌دهد که شیطان و ارواح شریری که از اویند، دروغگو هستند (یوحنا ۸: ۴۴). پولس تعلیم می‌دهد که شیطان براحتی می‌تواند وانمود کند که کسی غیر از شیطان است (دوم قرنتیان ۱۱: ۱۴). آنچه شائول و زن جادوگر دیدند در واقع نه روح یك شخص مرده، بلکه دیو یا روحی شریر بود.

۴- <u>درخواست کمك از ارواح مسیحیان متوفی</u>

بخوانید: ایوب ۱۴: ۲۱؛ اشعیا ۶۳: ۱۶؛ عبرانیان ۷: ۲۵؛ اول یوحنا ۲: ۱.
کشف و گفتگو کنید: چرا مسیحیان نباید از ارواح مسیحیان متوفی درخواست کمك کنند؟
ملاحظات: برخی از مردم معتقدند که ارواح بعضی از مسیحیان معروف که "قدیس" خوانده می‌شوند، قادرند در بهشت برای کسانی که هنوز روی زمین هستند شفاعت کنند. اینگونه افراد برای ارواح چنین مردگانی احترام خاصی قائلند و برای نیازهای‌شان مدام به آنها متوسل می‌شوند و درخواست شفاعت می‌کنند.
ولی کتاب‌مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که ارواح قدیسین هیچ آگاهی از وقایع روی زمین ندارند و در هیچیك از امور مربوط به زمینیان نیز سهیم نیستند. بر اساس ایوب، ارواح مردگان به هیچ وجه نمی‌دانند که آیا فرزندانشان روی زمین ثروتمند هستند یا فقیر. و بر طبق اشعیا، نه ابراهیم و نه یعقوب هیچ یك قادر نیستند آنچه را که بر نسلهای بعدی می‌گذرد بشنوند یا ببینند.
تنها کسی که می‌تواند برای مسیحیان روی زمین شفاعت کند، عیسی مسیح است. بنابراین، مسیحیان نباید از ارواح اجداد یا ارواح قدیسین طلب کمك کنند. کتاب‌مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که مسیحیان تنها باید خطاب به خدای پدر، در نام عیسی مسیح و تحت هدایت روح‌القدس دعا کنند.

۵- <u>درخواست کمك از "ارواح شریر" یا دیوها.</u>

کشف و گفتگو کنید: چرا مردم نباید از ارواح شریر یا دیوها طلب کمك کنند؟
ملاحظات:
جادوگران و فالگیران که ادعا می‌کنند می‌توانند با ارواح مردگان ارتباط برقرار کنند و نتیجه را بر دیگران آشکار سازند، دروغگویانی بیش نیستند. اینگونه افراد در واقع نه با روحهای اجداد متوفی، بلکه با روحهای شریر یا دیوها در تماس هستند. ارواح شریر در واقع فرشتگان سقوط کرده هستند. هیچ روح نیك یا فرشته خوبی نیست که مردم بتوانند با او در تماس باشند. تنها روح خوب و پاکی که می‌تواند با مردم در ارتباط باشد، روح‌القدس است. او سخنان عیسی را به مردم یادآور می‌شود، در مورد او شهادت می‌دهد، عیسی را جلال می‌دهد و مردم را به جمیع راستی‌ها که توسط عیسی آشکار شده است، هدایت می‌کند (یوحنا ۱۶: ۱۳- ۱۶).

الف) <u>ارواح شریر پیام‌آورانی دروغین هستند.</u>
بخوانید: دوم قرنتیان ۱۱: ۱۴. پولس به مسیحیان هشدار می‌دهد که روحهای شریر یا دیوها در تغییر هویت خود استادند. آنها می‌توانند خود را به شکل پیام‌آورانی درآورند که از جانب خدا آمده‌اند، و حال آنکه در واقع پیام آوران شیطان هستند. آنها می‌توانند وانمود کنند که اجداد شمایند، ولی در واقع روحهای شریری بیش نیستند.

ب) <u>ارواح شریر پیامهایی دروغین می‌دهند.</u>
بخوانید: تثنیه ۱۸: ۲۰- ۲۲؛ ارمیا ۲۳: ۲۵- ۲۶؛ اول تیموتاؤس ۴: ۱؛ متی ۴: ۵- ۶؛ یوحنا ۸: ۴۴. پولس به مسیحیان هشدار می‌دهد که ارواح شریر یا دیوها به مردم تعالیم غلط می‌دهند و بدینگونه آنان را می‌فریبند. آنها به مردم تعالیم و آموزه‌هایی دروغین، و خواب و رؤیاهایی کاذب می‌دهند و وانمود می‌کنند اینها از طرف خدا است، و حال آنکه در واقع از جانب شیطان است. شیطان حتی برای فریب دادن مردم به آیات کتاب‌مقدس نیز استناد می‌کند. اما عیسی مسیح در این مورد به مسیحیان هشدار داده و فرموده است که شیطان دروغگو و پدر تمام دروغگویان است.

پ) <u>خدا هرگونه تماس با ارواح را منع کرده است.</u>
بخوانید: تثنیه ۱۸: ۹- ۱۳؛ لاویان ۱۹: ۳۱؛ ۲۰: ۶، ۲۷؛ اشعیا ۸: ۱۹- ۲۰. خدا هر نوع تماسی را با ارواح، با فالگیران و جادوگران، و با کسانی که مدعی‌اند با مردگان در ارتباط هستند، بکلی منع کرده است. در اشعیا ۸: ۱۹- ۲۰، آمده است: "و چون ایشان به شما گویند که از اصحاب اجنه و جادوگرانی که جیك جیك و زمزم می‌کنند سؤال کنید، (گویید) "آیا قوم از خدای خود سؤال ننمایند و آیا از مردگان به جهت زندگان سؤال باید نمود؟" به شریعت و شهادت (توجه نمایید) و اگر موافق این کلام سخن نگویند، پس برای ایشان روشنایی نخواهد بود."
کتاب‌مقدس مسیحیان را از هرگونه تماس با ارواح برحذر داشته و به آنها حکم نموده است که تنها به سخنان خدا گوش دهند. خدا به مسیحیان حکم می‌کند که کتاب‌مقدس را مطالعه کرده، آن را به درستی تفسیر کنند و تنها از تعالیم کلام خدا اطاعت نمایند. کسانی که به احکام خدا بی‌احترامی کنند، در روشنایی نخواهند بود.

۶- پرستش ارواح اجداد متوفی.

الف) به مسیحیان حکم شده است که تنها خدا را عبادت کنند و نه هیچ کس دیگری را.
کشف و گفتگو کنید: چرا مسیحیان نباید ارواح اجداد متوفی خود را بپرستند؟
ملاحظات:
۱) **بخوانید:** کولسیان ۲: ۱۸- ۱۹ - مسیحیان از پرستیدن فرشتگان منع شده‌اند.
۲) **بخوانید:** متی ۴: ۸- ۱۰ - آنان از پرستیدن شیطان و دیوهای او نیز منع شده‌اند.
۳) **بخوانید:** اعمال ۱۴: ۱۱- ۱۵ - مسیحیان از پرستش انسانها نیز منع شده‌اند. بنابراین مسیحیان نباید ارواح اجداد متوفی خود را پرستش نمایند.
۴) **بخوانید:** متی ۴: ۱۰ - حکم عیسی مسیح این است که مسیحیان باید تنها خداوند، خدای خود را عبادت کنند و تنها او را خدمت نمایند.

ب) مسیحیان از تقدیم هر نوع قربانی مذهبی منع شده‌اند.
کشف و گفتگو کنید: چرا مسیحیان نباید برای اجداد متوفی خود قربانی بگذرانند؟
ملاحظات:
۱) **بخوانید:** اول قرنتیان ۱۰: ۱۹- ۲۰ - پولس رسول می‌فرماید قربانیهایی که به بتها تقدیم می‌شود، در واقع قربانی برای دیوها است. ارواح شریر یا دیوها مایلند بصورت بت، تصاویر بتها، قربانگاهها، معابد، آیین و مراسم و اعیادی که در معابد برگزار می‌شود، قربانی‌های خوشبو، خوراك و پول و غیره تداعی شوند. ارواح شریر یا دیوها خود را در قالب تمام این مظاهر قابل رؤیت ظاهر می‌سازند، زیرا از این طریق به بهترین وجه می‌توانند مردم روی زمین را تحت کنترل داشته باشند. مسیحیان نباید برای اجداد متوفی خود قربانی بگذرانند، زیرا این کار در واقع تقدیم قربانی به ارواح شریر یا دیوها است.
۲) **بخوانید:** متی ۶: ۲۴؛ اول قرنتیان ۱۰: ۲۱ - پولس می‌فرماید مردم نمی‌توانند هم دیوها را خدمت کنند و هم خداوند را. مسیحیان باید بین خدمت به ارواح شریر و خدمت به خدای زنده یکی را انتخاب کنند.

۷- به یاد آوردن و گرامی داشتن خاطره اجداد متوفی.

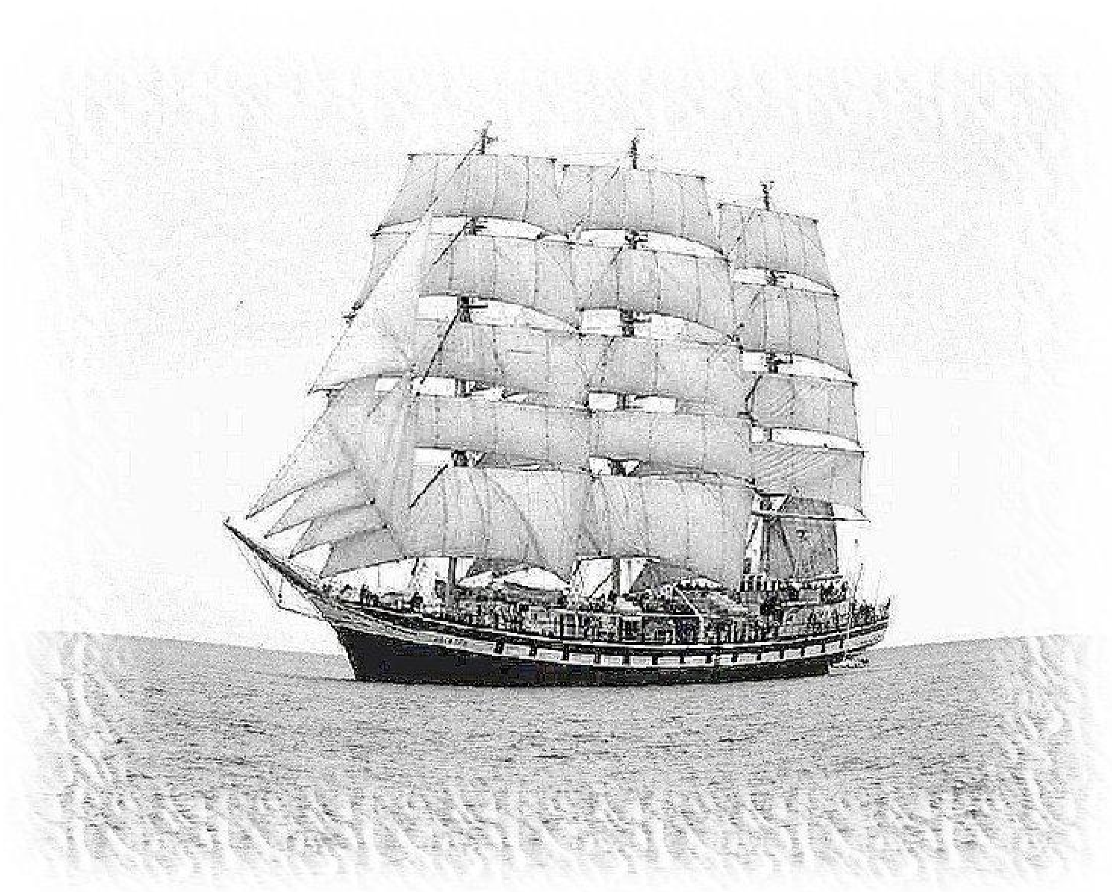
کشف و گفتگو کنید: چرا مسیحیان می‌توانند یاد اجداد متوفی خود را گرامی بدارند؟
ملاحظات:
کتاب‌مقدس پرستیدن انسانها و روحهای اجداد متوفی را منع کرده است. ولی بر طبق کلام خدا، بهتر است وقایع مهم و انسانهایی را که در زمانهای گذشته می‌زیسته‌اند، به یاد آورد.

الف) وقایع مربوط به نجات و داوری را در کتاب‌مقدس به یاد آورید.
بخوانید: اول قرنتیان ۱۰: ۶- ۱۱ - کتاب‌مقدس می‌فرماید وقایع عهدعتیق نمونه‌هایی هستند تا مردم با عبرت گرفتن از نتیجه اعمال بد و گناه‌آلود کسانی که در گذشته می‌زیسته‌اند، از تکرار گناهان آنان پرهیز کنند. مطابق کلام خدا، خدا در زمان عهد عتیق انسانهای آن زمان را مورد داوری قرار داد تا هشداری باشد برای مسیحیان امروزی.

ب) مخصوصاً باید ایمان کسانی را که در کتاب‌مقدس از آنها یاد شده است، به یاد آورد و گرامی داشت.
بخوانید: عبرانیان ۱۱: ۷- ۱۰، ۲۴- ۲۷، ۳۲- ۴۰ - عبرانیان فصل ۱۱ یادآور زندگی انسانهایی است در عهد عتیق که بر اساس واقعیت وجود خدا و ملکوت او زندگی کرده‌اند و به این حقیقت گواهی داده‌اند.

پ) مخصوصاً باید ایمان رهبران قبلی خود را به یاد آورید.
بخوانید: عبرانیان ۱۳: ۷ - این آیه تعلیم می‌دهد که مسیحیان باید رهبران خود را که در گذشته کلام خدا را برای آنها بازگو کرده‌اند، به یاد داشته باشند. بعلاوه، مسیحیان باید بیاد بیاورند که این رهبران چگونه خود به آنچه موعظه می‌کردند، عمل نیز می‌نمودند. آنها باید از الگوی ایمان این رهبران برجسته پیروی کنند.
مسیحیان نباید اجداد، رهبران و یا افراد مهم را پرستش نمایند، ولی باید درسهای آموزنده‌ای را که از زندگی چنین افرادی آموخته‌اند، پیوسته به یاد داشته باشند.

بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید



دوره شاگرد سازی از رادیو

دستورعمل بنای کلیسا - کتاب سوم

مـــقـــدمـــــه

کلیسا چیست؟

در سطح محلی، کلیسا همانا تجمع مسیحیان در یك خانه (رومیان ١٦: ٥) یا یك شهر (اول قرنتیان ١: ٢) می‌باشد. در سطح جهانی، کلیسا بدن مسیح (افسسیان ١: ٢٢- ٢٣) می‌باشد و تمام مسیحیان اعضای آن بدن هستند (اول قرنتیان ١٢: ١٢). کلیسا بنایی روحانی است که هر فرد مسیحی یکی از سنگهای زنده آن می‌باشد (اول پطرس ٢: ٥) و یا مکانی است که خود خدا بواسطه روحش در آن سکونت می‌نماید (افسسیان ٢: ٢١- ٢٢). کلیسا خانواده الهی می‌باشد (افسسیان ٢: ١٩). خدا، پدر پرمحبت کلیسا و مسیحیان نیز برادران و خواهران یکدیگر می‌باشند. کلیسا گله گوسفندانی است که شبانی را که در جلوی آنها حرکت می‌کند، پیروی می‌کنند (اول پطرس ٥: ٢ ؛ ٢: ٢٥؛ ٥: ٤). کلیسا ملت مقدس خداست که متشکل از مردمی است که خدا آنها را از میان تمام ملل جهان انتخاب می‌کند (اول پطرس ٢: ٩- ١٠). کلیسا تجلی قابل رؤیت ملکوت یا پادشاهی خدا بر روی زمین می‌باشد (متی ١٣: ٣٦- ٤٣؛ ١٦: ١٨- ١٩؛ ٢١: ٤٢- ٤٤). کلیسا هنوز واقعیت کاملی نیست، بلکه در زمان بازگشت مسیح، عروس کامل عیسی خواهد بود (مکاشفه ٢١: ١- ٢ ، ٩- ١٠؛ ١٩: ٧). از طرفی کلیسا، " کلیسایی مبارز" در دنیا است که در آن مسیحیان در برابر حملات دشمن ایستادگی می‌کنند (متی ١٦: ١٨- ١٩؛ افسسیان ٦: ١٠- ١٨؛ مکاشفه ١٢: ١٠- ١٢). از طرف دیگر، کلیسا، " کلیسای پیروز" در آسمان می‌باشد، مکانی که مسیحیانی که از این جهان رفته‌اند در آنجا در حضور خدا سکونت می‌کنند (غلاطیان ٤: ٢٦؛ عبرانیان ١١: ١٠، ١٦؛ ١٢: ٢٢- ٢٤؛ ١٣: ١٤).

کلیسای مسیح چگونه بنا می‌شود؟

مسیح کلیسای خود را بنا می‌کند و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت (متی ١٦: ١٨). مسیح در ابتدا از رسولان استفاده کرد تا کلیساهای تاریخی را در میان یهودیان، غیریهودیان و سامریان بنیان نهد (افسسیان ٢: ٢٠). امروزه او از مسیحیان معمولی جهت بنای کلیسای خود استفاده می‌کند. او کلیسای خود را بر روی مسیحیانی بنیان می‌گذارد که زندگی مسیحی درستی داشته (افسسیان ٤: ١- ٢)، و متکی بر آموزه‌های صحیح از کلام خدا هستند (افسسیان ٤: ٣- ٦). او همچنین کلیسای خود را بر روی مسیحیانی که خدمات مختلف و تواناییهای روحانی متفاوتی دارند، بنا می‌کند (افسسیان ٤: ٧- ١٢). او به ایمانداران جدید کمك می‌کند تا تبدیل به شاگردان او شوند (مسیحیان بالغ) (افسسیان ٤: ١٣- ١٤) و آنها را به جهت انجام خدمات مختلف عملی در داخل و خارج از کلیسا تجهیز می‌کند (افسسیان ٤: ١٢) و اجتماعی مبتنی بر حقیقت و محبت بنا می‌کند که در آن ایمانداران دائماً در جهت شباهت به مسیح رشد می‌کنند (افسسیان ٤: ١٥- ١٦). و بدین ترتیب کلیسای خود را بنا می‌کند. امروزه، بنای کلیسای مسیح مسئولیت تمام مسیحیان می‌باشد.

هدف از چهار کتاب دستورعمل بنای کلیسای مسیح

این دوره درسی از طریق عنوان کردن موارد زیر به سر گروه، بنای کلیسای مسیح را امری عملی می‌سازد:

١- هر کدام از چهار کتاب دستورعمل بنای کلیسای مسیح، حاوی ١٢ درس می‌باشند که می‌توان در طول سه ماه آنها را به اتمام رساند.
٢- آیات مهم کتاب‌مقدسی به شاگردان کمك می‌کنند که مسیح، کلیسا و کتاب مقدس را بشناسند.
٣- دستورالعمل هایی که با حروف پررنگ چاپ شده مثل " **بخوانید**"، " **کشف و گفتگو کنید**" به سرگروه درهدایت گروه کمك می کند.
٤- " **ملاحظات** " جواب مختصری به هر سوال می دهند که می توانند بعنوان خطوط راهنما برای سرگروه مورد استفاده قرار گیرند.
٥- این دوره آموزشی روشهایی عملی، جهت بنای کلیسای مسیح و بررسی انجیل یوحنا به طور فردی یا جمعی ارائه می‌کند.
٦- هر درس دارای یك تکلیف خارج از کلاس می باشد.
٧- این دوره آموزشی را می‌توان در اختیار دیگران نیز گذاشت. پس از به اتمام رساندن بررسی یکی از کتب دستورعمل بنای کلیسای مسیح، تنها آن عده از شاگردان می‌توانند یك نسخه از آن کتاب دستورعمل را داشته باشند که مایلند این دوره درسی را در یك گروه کوچك دیگر تعلیم دهند.

دعای ما این است که خداوند به سرعت بر تعداد کلیساها و کلیساهای خانگی در منطقه شما بیفزاید.
عیسی می‌فرماید: "من کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت" (متی ١٦: ١٨).
باشد که خدا جلال یابد. "زیرا که از او و به او و تا او همه چیز است. و او را تا ابدالآباد جلال باد، آمین" (رومیان ١١: ٣٦).

دوره شاگردسازی از رادیو

حقوق مؤلف کتاب

توصیه:
این دوره آموزشی بدین منظور تهیه شده است که بطور گسترده استفاده شود و باعث برکت بسیاری گردد، اما از آنجا که هدف چهار کتاب دستورعمل بنای کلیسای مسیح، آموزش یا مجهز کردن مسیحیان است، توصیه میشود که فقط سرگروه های این دوره آموزشی، از چهار کتاب دستورعمل بنای کلیسای مسیح برابربا اصل، کپی یا رونوشت بردارند.
هر شاگرد فقط پس از آنکه یک درس یا یک کتاب دستورعمل را بپایان رسانده و میخواهد شخص یا گروه کوچك دیگری را تعلیم دهد، می تواند یك نسخه از آن درس یا کتاب دستورعمل را داشته باشد.

<u>دوره شاگرد سازی از رادیو</u>

فهرست مطالب
دستورعمل بنای کلیسای مسیح - کتاب سوم

صفحه

برنامه آموزشی ۱

یك برنامه هفتگی برای سه ماه - حدود ۲ ساعت در هفته - تعداد افراد گروه بین حدود ۳ تا ۱۰ نفرباشد - هر برنامه با دعا شروع می‌شود و با دعای در پاسخ به کلام خدا و یك تكلیف برای منزل پایان می‌یابد.

ضمیمههای دستور عمل شاگردسازی - کتاب اول " بروید و شاگردان بسازید " را ملاحظه کنید:
روشهای رازگاهان، بررسی کتاب مقدس، تعمق و حفظ کردن

برنامه آموزشی ۲

این برنامه فشرده را می‌توان هفته‌ای یکروز (یك روز کامل) و یا در یك دوره فشرده آموزشی شش روزه استفاده کرد. تمام گروه را با همراهی یك سرگروه آموزش دیده، به گروه های کوچك تقسیم کنید. تعداد افراد هرگروه بین حدود ۳ یا ۱۰ نفر باشد.

برنامه پیشنهادی:

۹:۰۰ - ۹:۳۰	پرستش (گروه)
۹:۳۰ - ۱۱:۰۰	تعلیم (گروه)
	وقت استراحت
۱۱:۳۰ - ۱۳:۰۰	بررسی کتاب مقدس (گروه)
	وقت استراحت
۱۶:۰۰ - ۱۷:۰۰	وقت اضافی برای پایان دادن تعلیم یا بررسی کتاب مقدس، برای پاسخ به سؤالات یا برای یک تعلیم دیگراحتمالی (گروه)
	وقت استراحت
۱۷:۳۰ - ۱۷:٤٥	تعمق و حفظ کردن آیات (دونفری)
۱۷:٤٥ - ۱۸:۳۰	مطالعه کتاب مقدس برای رازگاهان (به تنهایی)
۱۸:۳۰ - ۱۹:۰۰	رازگاهان (دو نفری)
۱۹:۰۰ - ۱۹:٤٥	در میان گذاشتن برکات و دعا (در گروههای کوچك حداکثر ده نفره)

روز اول (دروس ۲۵ و ۲٦)

دعا
تعلیم (خدمات بنا کننده در کلیسا: پرورش فرزندان در خانواده مسیحی)
بررسی کتاب‌مقدس (یوحنا ۱۱)
حفظ کردن (پیدایش ۲: ۲٤ ؛ افسسیان ٥: ۲۳، ۲٥)
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (لوقا ۱- ۷)
رازگاهان (دو نفری: لوقا ٦: ۲۷- ٤٥)
در میان گذاشتن برکات و دعا

روز دوم (دروس ۲۷ و ۲۸)

دعا
تعلیم (تربیت فرزندان در خانواده مسیحی)
بررسی کتاب‌مقدس (یوحنا ۱۲)
حفظ کردن (تیطس ۲: ٤- ٥ ؛ متی ٥: ۲۳- ۲٤)
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (لوقا ۸- ۱٤)
رازگاهان (دو نفری: لوقا ۱۱: ۳۳- ٥٤)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز سوم (دروس ۲۹ و ۳۰)

دعا
تعلیم (خدمات بنا کننده در کلیسا: آموزش مسیحیان نوایمان از طریق ارائه کمك شخصی)
بررسی کتاب‌مقدس (یوحنا ۱۳)
حفظ کردن (امثال ۳: ۳- ٤ و مرور مجموعه "ازدواج مسیحی")
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (لوقا ۱٥- ۲۱)
رازگاهان (دو نفری: لوقا ۱۸: ۱٥- ٤۳)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز چهارم (دروس ۳۱ و ۳۲)

دعا
تعلیم (خدمات بنا کننده در کلیسا: ازدیاد مسیحیان و کلیساها)
بررسی کتاب‌مقدس (یوحنا ١٤)
حفظ کردن (یوحنا ١١: ٢٥ و یوحنا ١٢: ٣٢)
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (لوقا ٢٢- ٢٤ و تیطس ١- ٣)
رازگاهان (دو نفری: تیطس ٢: ١- ٣: ١١)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز پنجم (دروس ۳۳ و ٣٤)

دعا
تعلیم (خدمات بنا کننده در کلیسا: تصمیم گیری و دادن مشورت)
بررسی کتاب‌مقدس (یوحنا ١٥)
حفظ کردن (یوحنا ١٣: ٣٤- ٣٥ و یوحنا ١٤: ٦)
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (عبرانیان ١- ٧)
رازگاهان (دو نفری: عبرانیان ٣: ١٢- ٤: ١٦)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز ششم (دروس ۳۵ و ۳٦)

دعا
تعلیم (خدمات بنا کننده در کلیسا: خدمت بر اساس عطایای روحانی)
بررسی کتاب‌مقدس (یوحنا ١٦)
حفظ کردن (یوحنا ١٥: ٥ و ٥ آیه آخر حفظی را از انجیل یوحنا مرور کنید)
مطالعه کتاب‌مقدس در رازگاهان (عبرانیان ٨- ١٣)
رازگاهان (دو نفری: عبرانیان ١٢: ١- ٢٩)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

امکانات برای تعالیم دیگراحتمالی

ضمیمه شماره ۱	مسئولیت والدین در رابطه با تأدیب فرزندان
ضمیمه شماره ۲	جمع آوری اطلاعات به منظور مشورت دادن
ضمیمه شماره ۳	طرح‌ریزی برنامه‌های خوب
ضمیمه شماره ٤	سایر عطایای روحانی

درس ۲۵

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **لوقا**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (لوقا ۱: ۱- ٤: ۳۰) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: ازدواج مسیحی**

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: ترک کردن و پیوستن: پیدایش ۲: ۲٤

٤	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **پرورش فرزندان در خانواده مسیحی**

مقدمه: این تعلیم در مورد چگونگی پرورش فرزندان در خانواده مسیحی است. در این درس خواهیم آموخت که کتاب‌مقدس راجع به مسئولیتهای والدین مسیحی در قبال پرورش فرزندانشان به ما چه تعلیمی می‌دهد. در این رابطه مخصوصاً بر نمونه بودن والدین و محبت کردن آنها به فرزندان، تاکید خواهیم ورزید. بر طبق اشعیا ٤۳: ۷، خدا فرزندان را برای جلال خودش آفریده است. بنابراین مطابق مزمور ۱۲۷: ۳، فرزندان متعلق به خدا هستند. خدا فرزندان را به والدین به ودیعه سپرده است تا به نیابت از او به تربیت آنها بپردازند. در اول سموئیل ۱: ۱۱، ۲۸ می‌خوانیم که چگونه حنا فرزند خود را به خدا تقدیم کرد. او دعا کرده بود که خدا به او فرزندی عطا کند، و خدا نیز در پاسخ دعایش فرزندی به او بخشید. حنا این فرزند را تقدیم خدا کرد تا تمامی ایام عمرش در خدمت خداوند باشد. خدا از مسیحیان می‌خواهد که فرزندان خود را در ترس او بزرگ کنند، ولی آنها را موظف نمی‌سازد که فرزندان‌شان را به کلیسا یا سازمان خاصی وقف کنند یا آنها را به طور تمام وقت وقف خدمت خدا بنمایند. اینها مواردی است که وقتی خود فرزند به سن بلوغ رسید، باید در مورد آنها تصمیم بگیرد. خدا از بسیاری از فرزندان مسیحی دعوت می‌کند که او را از طریق زندگی روزانه خود در جامعه، خدمت کنند. اما با اینحال، خدا از والدین نیز انتظار دارد که فرزندان خود را به نیابت از او بر طبق تعالیم کتاب‌مقدس تربیت نمایند. خدا سه مسئولیت مهم بر دوش والدین نهاده است:
نمونه بودن برای فرزندان، محبت کردن و تعلیم دادن به آنها.
در درس بعدی در رابطه با "تعلیم و تربیت فرزندان" خواهیم آموخت.

<u>الف - وظیفه والدین در زمینه نمونه بودن برای فرزندان</u>

۱- <u>دو نمونه از والدین</u>

کشف و گفتگو کنید: پدر یا مادر کدام یك از دو تأثیر زیر را می‌توانند بر روی فرزند خود داشته باشند؟

الف) <u>کتاب‌مقدس در مورد والدینی که نمونه بد هستند، هشدار می‌دهد.</u>
بخوانید: اول پادشاهان ۲۲: ۵۱- ۵۳؛ دوم تواریخ ۲۵: ۲، ۱٤- ۲۰؛ ۲٦: ٤، ۱٦- ۱۹.

ملاحظات: اخزیا، پادشاه اسرائیل در نظر خداوند شرارت ورزید، زیرا از راه‌های گناه‌آلود والدین خود، اخاب و ایزابل که اسرائیل را نیز به گناه کشاندند، پیروی کرد. والدین اخزیا بت پرست بودند و او خود نیز به بت پرستی گرایش پیدا کرد. امصیای پادشاه خدا را با تمام دل خدمت نمی‌کرد، بلکه شخصی مغرور و گستاخ بود. پسر او عزیای پادشاه نیز از نمونه پدرش پیروی کرد و به شخصی مغرور و گستاخ تبدیل شد.

ب) <u>کتاب‌مقدس در رابطه با تأثیر خوب والدینی که برای فرزندان‌شان نمونه هستند نیز صحبت می‌کند.</u>
بخوانید: امثال ۳۱: ۱۰- ۳۱
ملاحظات: مادری که در امثال فصل ۳۱ به وی اشاره شده است، چنان تأثیر مثبتی از خود بر جای نهاده بود که شوهر و فرزندانش او را ستودند، زیرا برکت بزرگی برای آنها بود. بنابراین خیلی مهم است که والدین در این ٥ مورد نمونه خوبی برای فرزندان خود باشند: اطاعت، صداقت، احترام، حکمت و محبت.

پ) <u>با این که والدین مسیحی نجات دارند (یعنی عادل شمرده شده‌اند)، در برخی مواقع مرتکب گناه می‌شوند</u> (اول یوحنا ۱: ۸- ۲: ۲).
بخوانید: متی ٥: ۲۳- ۲٤؛ امثال ۳: ۳۳
ملاحظات: والدین انسانهای کاملی نیستند، بلکه گاهی دچار اشتباه نیز می‌شوند و در برخی مواقع بر فرزندان خود تأثیر بد می‌گذارند. پدر یا مادر در چنین مواردی می‌توانند از فرزند خود به خاطر کوتاهی یا خطایی که از آنها سر زده است، طلب بخشش کنند و با فرزندشان آشتی نمایند. شخص عادل چنین کاری را انجام می‌دهد. لعنت خداوند بر خانه شریران است ولی او خانه عادلان را برکت می‌دهد (۱ پطرس ۳: ۱۲).

۲- <u>نمونه‌هایی از وظایف الهی که بر دوش والدین است.</u>

کشف و گفتگو کنید: دختر خانواده معمولا در آینده شبیه چه کسی خواهد شد؟ پسر خانواده در آینده شبیه چه کسی می‌شود؟ بهترین راهی که فرزندان می‌توانند خصوصیات خوبی چون محبت، رهبری، احترام و اطاعت را یاد بگیرند این است که هر روزه چنین خصوصیاتی را در اعمال و رفتار والدین خود شاهد باشند.

الف) <u>وظایف الهی که بر دوش یك مادر است.</u>
بخوانید: پیدایش ۳: ۱٦؛ تیطس ۲: ٤- ٥
ملاحظات: وظایف الهی که بر دوش مادر است عبارتند از محبت و احترام نسبت به پدر فرزندان و اطاعت کردن از او. تیطس ۲: ٤ تعلیم می‌دهد که مادران جوان باید شوهران و فرزندان خود را دوست داشته باشند. خویشتندار و عفیف و کدبانو و مهربان باشند و از شوهران خود اطاعت کنند تا کلام خدا بد گفته نشود. اگرچه زنان نیز به اندازه مردان در دید خدا ارزش دارند، خدا عملکردهای متفاوتی را به آنان محول کرده است: از نظر فیزیکی، به دنیا آوردن فرزندان؛ از نظر اجتماعی، داشتن روابط در چهارچوب ازدواج و خانواده؛ و از نظر روحانی، مسئولیتهایی که در کلیسا بر عهده دارند. اینگونه وظایف الهی ممکن است از دید دنیا قابل قبول نباشد، ولی زنان مسیحی باید کماکان آنها را در چارچوب ملکوت خدا رعایت کنند. فرزندان بویژه هنگامی که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند، در خانه به حضور مادر نیاز دارند تا به آنها محبت کند و آنان را تعلیم و تربیت نماید. موضوع "اشتغال مادر" باید از یك طرف در پرتو میل زن برای تحصیل اموال مادی بیشتر، داشتن زندگی متمول و برخورداری از استقلال فردی مورد ارزیابی قرار گیرد، و از طرف دیگر با در نظر گرفتن نیازهای روحانی، مادی، اجتماعی و عاطفی فرزند.

ب) <u>وظایف الهی که بر دوش یك پدر است.</u>
بخوانید: پیدایش ۳: ۱۷- ۱۹؛ افسسیان ٥: ۲۲- ۲٥؛ ٦: ٤؛ اول قرنتیان ۱۳: ٤- ۸
ملاحظات: وظایف الهی که بر دوش یك پدر است عبارتند از محبت کردن به مادر فرزندان و هدایت کردن او. پدران باید همانگونه که مسیح مسیحیان را محبت می‌کند، مادر فرزندان خود را محبت کنند. آنها باید همچنان که مسیح کلیسا را رهبری می‌کند، مادر فرزندان خود را هدایت و رهبری کنند. اگرچه خدا وظیفه کار و کسب درآمد را بر عهده پدران نهاده است، اما آنها این مسئولیت را نیز دارند که فرزندان خود را مطابق معیارهای کلام خدا تعلیم داده، تربیت کنند. چنین وظایف الهی ممکن است از دید دنیا مطرود و غیرقابل قبول باشد، اما پدران مسیحی باید آنها را در چارچوب ملکوت خدا رعایت کنند. فرزندان بویژه هنگامی که هنوز در سن نوجوانی هستند، به پدری نیاز دارند که به آنها توجه می‌کند، با آنها رابطه‌ای دوستانه دارد، و آنها را نصیحت و تشویق می‌کند.

پ) <u>در یك خانواده، پدر و مادر هر چه بکارند، همان را درو خواهند کرد.</u>
بخوانید: غلاطیان ٦: ۷- ۸؛ حزقیال ۱٦: ٤٤
ملاحظات: وقتی یك پدر مثل مسیح به همسر خود محبت کند و او را رهبری نماید، برای مادر نیز دشوار نخواهد بود که به شوهرش محبت کند و تسلیم هدایت و رهبری او باشد. فرزندان با مشاهده رفتاری که پدر و مادر نسبت به هم دارند، یاد

می‌گیرند که خود نیز باید دیگران را محبت و احترام کرده، در عمل افرادی مطیع و نمونه باشند. وقتی پدر و مادر مسئولیتهایی را که خدا بر عهده آنها نهاده است از جان و دل انجام می‌دهند، فرزندان با مشاهده آنها یاد می‌گیرند که آنها نیز باید در ملکوت خدا مانند والدین‌شان رفتار کنند. بدین ترتیب مطابق آنچه در حزقیال ١٦: ٤٤ آمده: "دختر به مثال مادرش و پسر به مثال پدرش خواهد بود".

ت) دلایل بالا نشان می‌دهند که چرا هر فرزندی به یك پدر و یك مادر نیاز دارد
بخوانید: ملاکی ٢: ١٣- ١٦؛ لوقا ١٤: ١٢- ١٤؛ یعقوب ١: ٢٧
ملاحظات: یکی از دلایلی که خدا از طلاق تنفر دارد این است که طلاق به فرزندان ضرر غیرقابل پیش بینی می‌رساند. خدا با استفاده از خانواده‌ای خداترس، فرزندانی خداترس بر می‌انگیزد. و اگر پدر یا مادر از این دنیا بروند یا از هم جدا شوند، برادران و خواهران مسیحی باید به فرزندان چنین اشخاصی توجه خاصی نشان دهند و آنها را به خانه‌های خود دعوت کرده، درمورد حقایق روحانی به آنها تعلیم دهند.

٣- نمونه بودن والدین در واکنشی که نسبت به مردم و شرایط دارند.

کشف و گفتگو کنید: یك پدر یا مادر در چه شرایطی می‌توانند بر فرزندان خود تأثیر بگذارند؟
بسیار مهم است که فرزندان ببینند والدین‌شان نسبت به مردم و شرایط محیط پیرامون چگونه واکنشی دارند، بویژه نسبت به مردمی که تحمل کردن‌شان سخت است یا شرایطی که دشوار و طاقت‌فرسا است.

الف) پیروی از نمونه خوب والدین
بخوانید: اول تسالونیکیان ١: ٣؛ ٥: ١٤؛ رومیان ٨: ٢٨.
ملاحظات: روبرو شدن با مردمی که تحمل کردن‌شان سخت است یا شرایطی که دشوار و طاقت‌فرسا است، فرصت خوبی است تا والدین نشان دهند می‌توانند در زمینه محبت به مردم و حفظ ایمان و امید تحت شرایط سخت، برای فرزندان خود نمونه باشند. برای فرزندان افتخار بزرگی است که والدینشان به ضعفا کمك کنند، آنهایی را که به تشویق احتیاج دارند تشویق نمایند و نسبت به همه صبور باشند. وقتی فرزندان می‌بینند که والدین‌شان به دیگران خدمت می‌کنند، آنها نیز یاد می‌گیرند که از الگوی والدین خود پیروی کنند. فرزندان وقتی می‌بینند که والدین‌شان مطیع خدا هستند و حتی در شرایط سخت زندگی تنها به او اعتماد دارند، آنها نیز وقتی به سن بلوغ رسیدند از همین الگوی والدین‌شان پیروی می‌کنند.

ب) پیروی از نمونه بد والدین
بخوانید: اول پطرس ٢: ٢٣
ملاحظات: اما فرزندان نه تنها از نمونه خوب والدین پیروی می‌کنند، بلکه از نمونه بد آنها نیز تأثیر می‌پذیرند. اگر والدین مدام از دیگران انتقاد کنند، در مورد مردم داوری نمایند و غیبت کنند، اگر وقتی مردم به آنها اهانت می‌کنند در صدد انتقامجویی برآیند و به تهدید دشمنان‌شان بپردازند، فرزندان آنها نیز وقتی به سن بلوغ برسند از همین نمونه بد والدین خود پیروی خواهند کرد.

٤- نمونه رابطه یك پدر یا مادر با خدا

الف) جایگاه خدا در یك خانواده مسیحی
کشف و گفتگو کنید: خدا باید در یك خانواده مسیحی چه جایگاهی داشته باشد؟
بخوانید: تثنیه ٦: ٥- ٦
ملاحظات: والدین باید در زمینه داشتن ارتباط با خدا برای فرزندان خود نمونه باشند. به عنوان مثال، آنها باید از طریق دعا و مطالعه روزانه کتاب‌مقدس، با خدا رابطه داشته باشند. در تثنیه ٦: ٥- ٦، خدا به والدین حکم می‌کند که قبل از هر چیز، "خداوند خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نمایند". والدین باید اجازه دهند که احکام خدا در زندگی آنها تحقق پیدا کند و آنها را در رفتار و نحوه زندگی‌شان هدایت نماید. خدا باید در زندگی پدر و مادر و در یك خانواده مسیحی همیشه در رأس باشد.

ب) جایگاه فرزندان و خدمت در خانواده مسیحی
کشف و گفتگو کنید: فرزندان یا خدمت چه جایگاهی را نباید در یك خانواده مسیحی داشته باشد؟
بخوانید: متی ١٠: ٣٧؛ اول تیموتاؤس ٣: ٤- ٥
ملاحظات: عیسی در متی ١٠: ٣٧ چنین تعلیم می‌دهد: "و هر که پدر یا مادر خویش را بیش از من دوست دارد، لایق من نباشد". بنابراین والدین نباید دچار این وسوسه شوند که تمام توجه خود را معطوف فرزندان خود کنند، زیرا بدین ترتیب فرزندان خود را افرادی لوس و جاه طلب تربیت خواهند کرد. بلکه آنها باید به فرزندان خود کمك کنند تا شخصیت خود را پرورش داده، افرادی بالغ و مسؤولیت‌پذیر باشند. به همین ترتیب یك خانواده مسیحی نباید تمام توجه خود را معطوف خدمت مسیحی کند، زیرا

بدین ترتیب فرزندان آن خانواده احساس می‌کنند که مورد غفلت واقع شده‌اند و اعتماد خود را نسبت به والدین خود از دست خواهند داد.
یك خانواده مسیحی باید توجه خود را تنها معطوف خداوند عیسی مسیح و تعالیم او سازند. بدین ترتیب بین وظایف مختلف و اولویتهای والدین و فرزندان به بهترین وجه تعادل ایجاد خواهد شد.

ب - وظیفه والدین در خصوص محبت کردن به فرزندان خود

۱- محبت کردن بر طبق اصول قید شده در اول قرنتیان فصل ۱۳

کشف و گفتگو کنید: والدین مسیحی چگونه باید فرزندان خود را به طرزی عملی محبت کنند؟
بخوانید: اول قرنتیان ۱۳: ٤- ۸
ملاحظات: والدین باید فرزندان خود را بر اساس اصول قید شده در کتاب‌مقدس محبت کنند، نه اینکه آنها را لوس بار آورند یا از لحاظ احساسی دلباخته آنها شوند. منظور از "حلم"، محبتی است که می‌تواند صبر کند و منتظر بماند؛ محبتی که مهربانی را بر فرزند تحمیل نمی‌کند، بلکه می‌تواند برای نشان دادن مهر و محبت منتظر بماند. "مهربانی" محبتی دوستانه است، و از هر فرصتی جهت نیکی کردن به فرزند سود می‌جوید. آنچه را که برای فرزند "خوب و نیکو" است، خواسته‌ها یا عیبجویی‌های او تعیین نمی‌کند، بلکه کلام خدا و تجربه والدین تعیین‌کننده آن است. "حسد نورزیدن" عبارت است از محبتی که می‌داند باید از فرزند بخاطر دستاوردهایش قدردانی کند و برایش احترام قائل شود. "فخر نکردن" محبتی است که فروتن است، به فضائل و دستاوردهای خود نمی‌بالد، و سعی نمی‌کند فرزندان خود را از این طریق تحت تأثیر قرار دهد. "مغرور نبودن" عبارت است از محبتی که در آن والدین درخصوص نقاط قوت و ضعف خویش با فرزندان‌شان صریح هستند، لاف نمی‌زنند و بخود مباهات نمی‌کنند. فرزندان خیلی زود متوجه می‌شوند که آیا والدین‌شان با آنها رو راست هستند یا اینکه صرفاً تظاهر می‌کنند. "نداشتن رفتار ناشایست" محبتی است که در آن والدین با فرزند خود به نیکی و بطور شایسته رفتار می‌کنند. "نفع خود را طالب نبودن" محبتی است که در آن والدین بیشتر به علایق و خواسته‌های فرزندان‌شان توجه نشان می‌دهند تا به خواسته‌های شخصی خودشان. "به آسانی خشمگین نشدن" محبتی است که در آن والدین با فروتنی رفتارها و حرکات بچگانه فرزندان خود را تحمل می‌کنند و رنجیده‌خاطر نمی‌شوند.

۲- محبت کردن از طریق توجه کامل به هر فرزند

کشف و گفتگو کنید: والدین مسیحی چگونه باید به طرزی عملی به فرزندان خود توجه نشان دهند؟

الف) نشان دادن توجه مخصوص به فرزند
بخوانید: غلاطیان ٦: ۷- ۸
ملاحظات: والدین باید به فرزندان خود توجه خاصی نشان دهند، زیرا در غیر اینصورت، فرزندان نیز وقتی به سنین نوجوانی برسند مایل نخواهند بود به والدین خود توجه نشان دهند. آنچه را که والدین در زمان کودکی فرزندانشان کاشته‌اند، در زمان نوجوانی آنها درو خواهند کرد.

ب) باید به دقت به سخنان فرزند گوش داد.
بخوانید: امثال ۱۸: ۱۳
ملاحظات: والدین باید یاد بگیرند که به دقت به سؤالات و صحبتهای فرزندانشان توجه نشان دهند. آنها نباید بین فرزندان‌شان فرق بگذارند، نسبت به صحبتهای آنها بی‌اعتنا باشند و درمورد آنچه آنها می‌گویند قضاوت نادرست کنند. آنها همچنین باید با صبر و حوصله به صحبتهای فرزندان‌شان گوش دهند و منتظرباشند فرزندشان سخنان خود را به پایان برساند. والدین باید سخنان فرزندان‌شان را جدی بگیرند تا آنها احساس کنند که والدین آنها را می‌پذیرند (رومیان ۱۵: ۷). وقتی که فرزندان احساس کنند والدینشان مدام به فکر انتقاد کردن از صحبتهای آنها هستند یا آنها را مورد تمسخر قرار می‌دهند، این حس در آنها ایجاد می‌شود که والدینشان نه تنها سخنان آنها را رد می‌کنند بلکه خود آنها را نیز نمی‌پذیرند. اگر فرزندی به سخنان والدین خود گوش نمی‌کند، شاید به این دلیل است که والدین نیز به سخنان او گوش نمی‌دهند.

پ) اوقات مشخصی را به فرزندان خود اختصاص دهید.
بخوانید: مرقس ۳: ۱۳- ۱٤
ملاحظات: عیسی مایل بود که شاگردانش "با او" باشند. او تنها از طریق "بودن با آنها" می‌توانست بر روی آن تأثیر گذاشته، آنها را تعلیم دهد. والدین باید طوری برنامه‌ریزی کنند که بتوانند بطور مرتب با فرزندان خود وقت داشته باشند. به عنوان مثال، می‌توانید با فرزندان خود کارهایی خلاق انجام دهید، مثلاً با آنها بازی کنید، با آنها به گردش بروید، با یکدیگر سرود بخوانید، برای‌شان داستان تعریف کنید، و غیره. تمام کارهای مهم را "با آنها" انجام دهید.

ت) از خودتان و پول‌تان مایه بگذارید.

بخوانید: دوم قرنتیان ۱۲: ۱٤ـ ۱٥

ملاحظات: پولس می‌فرماید که والدین باید برای فرزندان خود پول پس انداز و خرج کنند. او در مورد خود می‌فرماید که با خوشحالی حاضر است هرآنچه دارد برای فرزندان روحانی خود خرج کند. والدین باید با خوشحالی در جهت رفع نیازهای واقعی فرزندان خود پول خرج کنند. آنها باید فرزندان خود را به خوبی در خانه تعلیم دهند، و برای آنها امکان برخورداری از تحصیلات خوب و تعالیم روحانی را فراهم سازند. والدین باید با کمال میل چنین کنند، ولو آنکه بدین منظور مجبور باشند در موارد دیگر صرفه‌جویی کنند یا هر دو زمانی که فرزندان در منزل نیستند، کار کنند. به‌علاوه، والدین باید سعی کنند در آینده نیز از نظر مالی باری بر دوش فرزندان خود نگذارند.

پولس همچنین می‌فرماید که با خوشحالی حاضر است هر چه دارد در راه جانهای آنها خرج کند. حتی اگر فرزندان روحانی او به محبت پدرانه او ارزش ننهند، کماکان حاضر است که هیچ گونه محبتی را از فرزندان خود دریغ نکند. محبت اندك آنها نسبت به پولس باعث نمی‌شود که او نیز از محبت خود نسبت به آنها بکاهد، زیرا هدف پولس این نیست که فرزندانش را به خود پیوند دهد، بلکه به مسیح. به همین ترتیب مسیح نیز نیامد تا توسط فرزندان روحانی اش خدمت شود، بلکه تا آنها را خدمت کند و جان خود را در راه آنها قربانی نماید (مرقس ۱۰: ٤٥). البته والدین باید بین فداکاری به منظور رفع نیازهای واقعی فرزندان از یك سو، و لوس کردن آنها از طریق دادن هر چیزی که فرزندان بخواهند، تمایز بگذارند.

۳- محبت کردن به فرزندان از طریق پرورش حس بلوغ و احساس استقلال و وابستگی سالم در آنها

مقدمه: برخی از فرزندان کاملاً مستقل هستند و هیچ قدرت یا کنترلی را که بخواهد بر آنها اعمال نفوذ کند نمی‌پذیرند. چنین فرزندانی ممکن است در آینده تبدیل به افرادی سرکش و جنایتکار شوند. در مقابل، برخی از فرزندان کاملاً به والدین خود یا شخصی دیگر وابسته می‌شوند. چنین فرزندانی هیچگاه نمی‌توانند به بلوغ کامل برسند، بلکه دچار مشکلات مختلف شخصیتی می‌شوند. هم به هیچ کس وابسته نبودن خطرناك و ناسالم است، هم وابستگی مطلق به دیگران. کتاب‌مقدس از یك سو تعلیم می‌دهد که مسیحیان بالغ به یکدیگر نیازمندند و باید یکدیگر را خدمت کنند (اول قرنتیان ۱۲: ۲۱؛ اول پطرس ٤: ۱۰). بنابراین فرزندان نیاز دارند که در روابط خود با یکدیگر تا حدی به هم احساس وابستگی کنند، منتهی وابستگی سالم. ولی از طرف دیگر، کتاب‌مقدس هشدار می‌دهد که مسیحیان نباید به هیچ طریق خود را اسیر و برده دیگران سازند (ارمیا ۱۷: ٥ـ ۸؛ غلاطیان ۱: ۱۰). بنابراین فرزندان باید در زمینه برخورداری از احساس وابستگی سالم و دوطرفه که مخرب نیست، رشد کنند.

الف) به فرزندان‌تان فعالیتها یا مسئولیتهای خاصی را محول کنید.

کشف و گفتگو کنید: کتاب‌مقدس در این رابطه که والدین باید به فرزندانشان کمك کنند تا در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دوطرفه رشد کنند، چه تعلیمی می‌دهد؟

بخوانید: مراثی ۳: ۲۷

ملاحظات: والدین از طریق محول کردن فعالیتها و وظایفی خاص بر دوش فرزندانشان، به آنها کمك می‌کنند که در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دو طرفه رشد کنند. مراثی ۳: ۲۷ تعلیم می‌دهد: "برای انسان نیکوست که یوغ را در جوانی خود بردارد". والدین نباید در این زمینه غفلت کنند. خدا وظیفه تربیت فرزندان را به عهده والدین نهاده است و آنها نباید در انجام این وظیفه کوتاهی کنند. تعلیم و تربیت فرزندان مستلزم آن است که والدین دارای حکمت باشند و بدین منظور از وقت و توان خود مایه بگذارند. این امر مستلزم تلاش و وقت زیاد و انضباط شخصی از سوی خود فرزند نیز هست. خدا به والدین می‌فرماید که نباید از سپردن وظایف به فرزندان خود هراسان باشند. فرزندان اگر بیش از حد اوقات فراغت داشته باشند، خسته می‌شوند و این خطر هست که مرتکب کارهای ناشایست و حتی اعمال جنایت‌آمیز شوند. ولی اگر به انجام فعالیتها و وظایف سالم مشغول شوند، تبدیل به افرادی بالغ و مسؤولیت‌پذیر خواهند شد. اگر فرزندان در محیط خانوادگی سالم یاد بگیرند که فعالیتها و وظایف خاصی را انجام دهند، در آینده نیز خواهند توانست در جامعه‌ای ناسالم، افرادی سالم و مفید باشند.

ب) به فرزندان خود درس قناعت یاد دهید.

کشف و گفتگو کنید: بر طبق قسمتهایی که در زیر از کتاب‌مقدس قید شده است، والدین چگونه می‌توانند به فرزندان خود کمك کنند که در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دو طرفه رشد نمایند؟

بخوانید: فیلیپیان ٤: ۱۱ـ ۱۲؛ اول تیموتاؤس ٦: ٦ـ ۱۰

ملاحظات: والدین از طریق آموختن درس قناعت به فرزندان خود به آنها کمك می‌کنند تا در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دوطرفه رشد کنند. اگر والدین فرزندان خود را واقعاً دوست داشته باشند، به آنها هر چه که فرزندان بخواهند نمی‌دهند. چون بدین ترتیب فرزندان افرادی لوس و پرتوقع بار خواهند آمد. ولی وقتی فرزندان درس قناعت بیاموزند، یاد خواهند گرفت که چگونه وقتی چیزی می‌خواهند، خودشان ابتکار عمل بخرج دهند و برای بدست آوردن آن قدم اول را بر دارند. به عنوان مثال، ممکن است لازم باشد فرزند برای رسیدن به خواسته‌های خود، شغلی نیمه‌وقت داشته باشد یا در یك دوره آموزشی شرکت کند، و یا در یک مرکز فعالیت اجتماعی کمک کند.

پ) بیش از حد از فرزندان خود محافظت نکنید.
کشف و گفتگو کنید: بر طبق قسمتی که در زیر از کتاب‌مقدس ذکر شده است، والدین چگونه می‌توانند به فرزندان خود کمك کنند که در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دو طرفه رشد کنند؟
بخوانید: اشعیا ۴۳: ۲
ملاحظات: والدین با افراط نکردن در محافظت از فرزندان خود، به آنها کمك می‌کنند که در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دوطرفه رشد کنند. فرزندان باید یاد بگیرند در این دنیایی که پر از خطرات و وسوسه‌های گوناگون است زندگی کنند. در اشعیا ۴۳: ۲، خدا به فرزندان خود وعده داده می‌فرماید: "چون از آبها بگذری من با تو خواهم بود و چون از نهرها عبور کنی تو را فرو نخواهند گرفت. و چون از میان آتش روی سوخته نخواهی شد و شعله‌اش تو را نخواهد سوزانید". وقتی والدین سعی می‌کنند فرزندان خود را از هر خطر یا شرارتی محافظت کنند، فرزندان آنها هرگز نحوه مقابله با خطرات و اتفاقات بد را نخواهند آموخت. به‌علاوه، یاد نخواهند گرفت که چگونه باید در رویارویی با مسائل پیچیده و وسوسه‌های سخت، به خدا توکل کنند.
البته والدین باید هر گاه ضرورت ایجاب می‌کند از فرزندان خود محافظت کنند. ولی این فرصت را نیز باید به آنها بدهند که شخصاً با وسوسه‌ها، خطرات و مشکلات مقابله کنند. تنها در این صورت است که فرزندان یاد می‌گیرند که چگونه با حکمت عمل کنند، تصمیمات درست بگیرند و به وعده‌های خدا ایمان داشته باشند. بنابراین در کنار فرزند خود بایستید، در مورد مشکلات این دنیا و عواقب آن با او صحبت کنید، او را تشویق کنید، به او مشورتهای حکیمانه بدهید و با او دعا کنید تا او احساس نکند که مشکلات از هر سو احاطه‌اش کرده‌اند. ولی موقعیتهایی را نیز که فرزند از طریق آنها با مسائل زندگی آشنا می‌شود، از او سلب نکنید.

ت) حس مالکیت نداشته باشید.
کشف و گفتگو کنید: بر طبق قسمتی که در زیر از کتاب‌مقدس ذکر شده است، والدین چگونه می‌توانند به فرزندان خود کمك کنند که در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دو طرفه رشد کنند؟
بخوانید: مزمور ۱۲۷: ۳
ملاحظات: والدین از طریق نداشتن حس مالکیت نسبت به فرزندان خود، به آنها کمك می‌کنند که در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دوطرفه رشد کنند. فرزندان باید یاد بگیرند که نه به والدین، بلکه به خدا تعلق دارند. هر فرزندی در دنیا به خدا تعلق دارد. بنابراین والدین نباید در رابطه با فرزندانشان حس مالکیت داشته باشند و فکر کنند که فرزندانشان متعلق به آنها هستند. خدا فرزندان را به والدین سپرده است تا آنها را به نیابت از او تربیت کنند. "محبت مادرانه‌ای که توأم با حس تملك باشد"، باعث می‌شود که چنین مادری بخواهد از تمام افکار و اعمال فرزند خود مطلع شود؛ یا عملکردهای او را تحت کنترل داشته باشد و یا از نظر عاطفی فرزند خود را کاملاً وابسته به خود سازد. "محبت پدرانه‌ای نیز که توأم با حس تملك باشد" باعث می‌شود چنین پدری در زندگی به جای فرزندش تصمیم بگیرد. اگر والدین محبتی توأم با حس تملك نسبت به فرزندان خود داشته باشند، در فرزندان نیز احساس مالکیت بوجود می‌آید. و آنها را خودخواه، حریص، سرکش و خسیس بار می‌آورند. بنابراین والدین باید خصوصیات مهمی چون انکار نفس، بخشندگی و خدمت به دیگران را به فرزندان خود بیاموزند.

خلاصه: والدین این وظیفه را بر دوش دارند که به فرزندان خود کمك کنند تا در زمینه بلوغ و داشتن وابستگی سالم دوطرفه رشد کنند. البته فرزندان تا حد زیادی از دوستان، معلمین مدرسه و رسانه‌های گروهی چون تلویزیون و کتابهایی که مطالعه می‌کنند، نیز تأثیر می‌پذیرند. بنابراین اگر والدین تمام تلاش خود را در زمینه تعلیم و تربیت فرزند خود به کار گرفته‌اند ولی با این حال فرزندشان کماکان فردی نابالغ و مسؤولیت‌ناپذیر است، نباید احساس تقصیر کنند یا خود را به خاطر این موضوع سرزنش کنند.
در نهایت هر فرزندی، خود در رابطه با اعمال و کردار خود مسؤول می‌باشد. جامعه ۱۱: ۹؛ ۱۲: ۱، ۱۳- ۱۴ می‌فرماید: "ای جوان در وقت شباب خود شادمان باش و در روزهای جوانی‌ات دلت تو را خوش سازد. و در راههای قلبت و بر وفق رؤیت چشمانت سلوك نما، لیکن بدان که به سبب این همه خدا تو را به محاکمه خواهد آورد... پس آفریننده خود را در روزهای جوانی‌ات به یاد آور قبل از آنکه روزهای بلا برسد و سالها برسد که بگویی مرا از اینها خوشی نیست...پس ختم تمام امر را بشنویم. از خدا بترس و اوامر او را نگاه دار چونکه تمامی تکلیف انسان این است. زیرا خدا هر عمل را با هر کار مخفی خواه نیکو و خواه بد باشد، به محاکمه خواهد آورد."

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تكليف منزل (٢ دقيقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
٢ - موضوع "پرورش فرزندان در یك خانواده مسیحی" را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای جمعی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید. بر اساس اصول کتاب‌مقدسی نشان دهید که فرزندان را چگونه باید تربیت کرد.
٣ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از لوقا ٤: ٣١- ٧: ٥٠ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (محبت و هدایت: افسسیان ٥: ٢٣، ٢٥) را مورد تعمق قرار داده و حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
٥- بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا ١١) را در خانه آماده کنید. از روش ٥ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
٦ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ٣).
٧ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۲٦

١	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

٢	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **لوقا**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (لوقا ٤: ۳۱- ۷: ۵۰) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

٣	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: ازدواج مسیحی**

مرور: دو نفری مرور کنید. محبت و هدایت: افسسیان ۵: ۲۳، ۲۵

٤	**بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه)** **یوحنا ۱۱: ۱- ۵۷**

مقدمه: یوحنا فصل ۱۱ (یوحنا ۱۰: ٤۰- ۱۱: ۵۷) خدمت عیسی مسیح در پیریه را توصیف می‌کند که از ماه دسامبر سال ۲۹ تا ماه آوریل سال ۳۰ میلادی را در بر می‌گیرد (چهارماه). در یوحنا ۱۱: ۱- ٤٤ ، عیسی از آنطرف رود اردن به بیت عنیا واقع در مجاورت اورشلیم سفر می‌کند تا ایلعازر مرده را برخیزاند.
یوحنا ۱۱: ٤۵- ٤۷ نیز اجتماع رهبران یهودی شورای سنهدرین را توصیف می‌کند که در صدد کشتن عیسی بودند.

<u>قدم ۱: بخوانید</u>
بخوانید: یوحنا ۱۱: ۱- ۵۷ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت یك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

<u>قدم ۲: کشف کنید</u>
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

<u>کشف ۱)</u> در یوحنا ۱۱: ۹- ۱۰ در رابطه با <u>زمانی که خدا مقرر می‌کند</u> تا وظیفه الهی را که به من واگذار کرده به تحقق برساند، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. شاگردان به شرایط نگاه کردند و به عیسی هشدار دادند که به یهودیه بازنگردد، زیرا در آنجا یهودیان قصد داشتند او را بکشند. ولی عیسی در پاسخ آنها گفت که در طول روز، تا مدت زمان مشخصی نور

وجود دارد. انسان باید مادام که هنوز روز است و نور وجود دارد راه برود. منظور عیسی این بود که خدا مدت زمان مشخصی را در اختیار او نهاده است تا کار خدا را بر روی زمین به اتمام رساند. این زمان بواسطه تلاش شاگردان طولانی‌تر نمی‌شود و با نقشه قتل عیسی توسط دشمنانش کوتاه‌تر نیز نخواهد شد. خدا، خدایی قادر مطلق است و هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند مدت زمان مشخصی را که او در اختیار هر کس نهاده است تغییر دهد. خدای پدر برای من نیز مدت زمان مشخصی را مقرر داشته تا در این مدت بر روی زمین زندگی کنم و کاری را که او به من سپرده است به انجام برسانم. تا زمانیکه من در نور نقشه خدا راه بروم، هیچ کس و هیچ وضعیتی نمی‌تواند در من خوف و نگرانی ایجاد کند. بنابراین هیچ گزندی به من نخواهد رسید و هیچگاه شکست نخواهم خورد. براستی که چه اطمینان‌بخش است که می‌دانیم خدا بر تخت قدرتمند خود نشسته و بر تمام انسانها و شرایط احاطه دارد.

<u>کشف ۲)</u> در یوحنا ۱۱: ۳۳-۳۵ در این مورد که عیسی چگونه <u>در روح مکدر و آشفته شد</u>، برای من حقیقت مهمی وجود دارد. وقتی عیسی، مریم و یهودیانی را که به خاطر مرگ ایلعازر گریان بودند، دید: "در روح خود به شدت مکدر شده مضطرب گشت".

الف) اصطلاح " به شدت مکدر شدن" به مفهوم "مانند اسب خرناس کشیدن" یا "عصبانی شدن و عدم رضایت" است. عیسی با دیدن مردمی که در رنج و سختی بودند خشمگین می‌شد. چرا؟ او به خاطر وجود گناه خشمگین می‌شد، زیرا گناه عاملی اصلی تمام رنجها، غمها و مرگ است. ولی عیسی به شدت در روح خود مکدر شد. این جمله بیشتر بیانگر حس همدردی است تا خشم. بنابراین اصطلاح "به شدت مکدر شدن" بیشتر به "حس عمیق همدردی با انسانهایی که در رنج و سختی هستند" اشاره دارد.

ب) <u>معنی اصطلاح " مضطرب گشتن"، "</u> لرزش یا تکان خوردن" است. این اصطلاح در یوحنا ۱۲: ۲۷، بیانگر منقلب شدن و اضطرابی درونی است؛ یا به عبارت دیگر " آشفتگی و تلاطمی قابل رؤیت در نتیجه اضطرابی درونی". وقتی عیسی رنج و درد انسانهای دیگر را می‌دید، خود نیز به طرزی قابل رؤیت متلاطم و آشفته می‌شد.
این دو اصطلاح بر روی هم به این مفهوم هستند که عیسی در عین حال که به خاطر وجود گناه که عامل تمام غمها و رنجهای بشر است خشمگین بود، با دیدن انسانهای رنجدیده در روح مکدر می‌شد و با آنها همدردی می‌کرد. عیسی حتی گریست. اشکهای او بیانگر حس همدردی و محبت او برای انسانهای رنجدیده بود. من هم مایلم که مانند عیسی چنین احساسی داشته باشم. من می‌خواهم به خاطر وجود گناه خشمگین باشم، ولی در عین حال با مردمی که در نتیجه وجود گناه در رنج و سختی هستند، همدردی کنم.

<u>قدم ۳: سؤال</u>
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۱۱: ۱- ۵۷ را درك كنيم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۱۱: ۱۲- ۱۳). <u>مسیحیان مرگ و قیام را چگونه تلقی می‌کنند؟</u>
ملاحظات:
الف) <u>ارواح مردگان در اطراف خانه یا قبور پرسه نمی‌زنند.</u>
کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که ارواح مردگان در اطراف خانه‌ای که زمانی در آن زندگی می‌کرده‌اند یا قبرهایی که بدنهایشان در آنجا گذاشته شده است، پرسه نمی‌زنند. به همین دلیل است که مسیحیان از ارواح مردگان ترسی ندارند و آنها را در هیچ مکانی، چه در خانه، معابد، مقبره‌ها و یا اماکن دیگر عبادت نمی‌کنند. کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که پس از مرگ، جانهای انسانهای مرده بلافاصله به بهشت یا جهنم منتقل می‌شوند. بر طبق فیلیپیان ۱: ۲۳، مرگ مسیحیان "رحلت از این جهان است به منظور بودن با مسیح".

ب) <u>در کتاب‌مقدس "مرگ" غالباً به "خواب" تشبیه شده است.</u>
به عنوان مثال، در متی ۲۷: ۵۲ نوشته شده است که: " بسیاری از بدنهای مقدسین که آرامیده بودند برخاستند". این تشبیه بر این حقیقت دلالت دارد که در آن سوی خواب، بیداری پرجلالی وجود خواهد داشت. بیدار شدن از خواب مرگ، در کتاب‌مقدس قیامت نامیده می‌شود. هنگامی که عیسی گفت: "دوست ما ایلعازر در خواب است"، منظور او این بود که: "ایلعازر مرده است ولی بدن او از میان مردگان برخیزانده خواهد شد.".

پ) روح يك شخص مرده از اتفاقاتى كه در اين جهان مى‌گذرد آگاهى ندارد.
اگرچه مرگ به خواب تشبيه شده است، كتاب‌مقدس تعليم نمى‌دهد كه روح يك شخص مرده به طور مطلق در خواب است و از هيچ واقعه‌اى آگاهى ندارد. روح يك شخص مرده تنها از وقايع جهان مادى كه از آن رحلت كرده ناآگاه است. بر طبق اشعيا ٦٣: ١٦، ارواح مردگانى چون ابراهيم و يعقوب، قادر به ديدن و شناختن انسانهاى روى زمين نيستند. بر طبق جامعه ٩: ٦- ١٠، انسانهاى مرده "از هيچ چيزى آگاهى ندارند" و "آنها ديگر هيچگاه در وقايع روى زمين نصيبى نخواهند داشت". بر طبق لوقا ١٦: ٢٣- ٣١، اگرچه مرد ثروتمندى كه مرده بود به پنج برادرش كه هنوز بر زمين بودند فكر مى‌كرد، اما اطلاعى از وضعيت آنها نداشت و همچنين قادر نبود با آنها ارتباط برقرار كند. ارواح انسانهاى مرده از وقايع روى زمين هيچ آگاهى ندارند و قادر نيستند با انسانهاى روى زمين ارتباط برقرار كنند. آنها نمى‌توانند بر روى انسانهاى روى زمين هيچ گونه نفوذى داشته باشند و يا در رابطه با وقايع روى زمين برنامه‌ريزى كنند. واقعه‌اى كه در اول سموئيل فصل ٢٨ عنوان شده است، تقليدى است جعلى از يك روح شرير.

ت) روح يك شخص مرده كاملاً از بهشت يا جهنم آگاه است.
در لوقا ١٦: ٢٣- ٣١، مى‌خوانيم كه ارواح مردگان در خواب نيستند، بلكه كاملاً بيدارند. آنها كاملاً از سرنوشت ابدى خود، يعنى رنج كشيدن در جهنم يا آرامش در بهشت، آگاهند. جانهاى مسيحيانى كه مرده‌اند كاملاً از جهانى كه بدان رفته‌اند آگاه و هوشيارند. آنها از حضور خدا و مسيح و انسانهايى چون ابراهيم كه در بهشت هستند، آگاهى دارند. آنها در حضور خدا زيست خواهند كرد، با خدا صحبت خواهند كرد و او را عبادت و خدمت خواهند نمود.

سؤال ٢) (يوحنا ١١: ٢٥- ٢٦). منظور عيسى چيست كه مى‌گويد، يك مسيحى هيچوقت نمى‌ميرد؟
ملاحظات: عيسى در آيات ٢٥- ٢٦ مى‌فرمايد: "من قيامت و حيات هستم. هر كه به من ايمان آورد، اگر مرده باشد، زنده گردد. و هر كه زنده بود و به من ايمان آورد تا به ابد نخواهد مرد".

الف) عيسى مى‌فرمايد: "من قيامت و حيات هستم". اين جمله به اين مفهوم است كه قيامت از مردگان بطرزى انفكاك‌ناپذير در گرو عيسى‌مسيح است. اين جمله را مى‌توان اين گونه نيز ترجمه كرد: "عيسى قيامت و حيات است"، بدين معنا كه قيامت و حيات ريشه در مسيح دارد. با توجه به اينكه مسيح خود از ميان مردگان برخاسته است و تا ابد زيست خواهد كرد، مسيحيان نيز از ميان مردگان برخيزانده شده، تا ابد زيست خواهند كرد. عيسى منشأ قيامت از مردگان و حيات غيرفانى است. قيامت در وهله اول قرار دارد زيرا به منزله دروازه‌اى است كه راه را براى دريافت حياتى ابدى و غيرفانى مهيا مى‌كند. عيسى پس از قيامت از ميان مردگان، داراى بدنى غيرفانى شده است و مسيحيان نيز مى‌توانند در اين حيات غيرفانى نصيبى داشته باشند.

ب) عيسى مى‌فرمايد: "هر كه به من ايمان آورد، اگر مرده باشد، زنده گردد." وقتى ايلعازر سخت بيمار شد، خواهرانش كسى را نزد عيسى فرستادند تا او را از اين موضوع مطلع سازد. در آيه ٤ عيسى فرمود: "اين مرض تا به موت نيست بلكه براى جلال خدا تا پسر خدا از آن جلال يابد." عيسى بلافاصله نرفت تا ايلعازر را شفا دهد، بلكه وقتى به بيت عنيا رسيد ٤ روز از مرگ ايلعازر مى‌گذشت و بدن او در قبر بود. در آيات ٢١- ٢٢ مرتا به عيسى گفت: "اى آقا اگر در اينجا مى‌بودى، برادر من نمى‌مرد. و ليكن الآن نيز مى‌دانم كه هر چه از خدا طلب كنى خدا آن را به تو خواهد داد". سخن مرتا از سر خشم و براى ملامت كردن عيسى نبود، بلكه بيانگر غم و اندوه جانكاه او بود. او مى‌دانست كه عيسى براى شفاى ايلعازر بسيار دير به بيت عنيا رسيده است. بااينحال از آنجا كه قاصدى كه نزد عيسى فرستاده بودند احتمالاً آنچه را كه عيسى درمورد ايلعاذر گفته بود – اينكه بيمارى او تا به موت نخواهد بود - به گوش مرتا رسانده بود، مرتا هنوز در قلب خود كمابيش اميد داشت كه برادرش زنده شود. مرتا هنوز در ذهن خود اين احتمال را مى‌داد كه ممكن است برادرش از مرگ برخيزانده شود. اما با توجه به اينكه يكى از اعضاى نزديك خانواده او درگذشته بود، دلش دچار كشمكشى عظيم بود. از يك طرف، با اينكه مى‌دانست ايلعازر در روز قيامت از مردگان برخيزانده خواهد شد، از مرگ او در اندوه بود. ولى از طرف ديگر، به خاطر سخنى كه عيسى به آن قاصد گفته بود، اميدوار بود كه معجزه‌اى به وقوع بپيوندد. بدين ترتيب غم از دست دادن ايلعازر از يك سو و اميد به زنده شدن او از سوى ديگر، در قلب مرتا با هم در كشمكش بودند.
پس از آن عيسى گفت: "هر كه به من ايمان آورد اگر مرده باشد زنده گردد". آنچه عيسى گفت بسى وراى ايمان مرتا بود. در اين جمله، فرد مسيحى در آستانه مرگ به تصوير كشيده مى‌شود. كسى كه به عيسى مسيح ايمان دارد، حتى اگر از نظر جسمانى بميرد، از نظر روحانى زيست خواهد كرد. اگرچه بدن او بايد بميرد و به خاك بازگردد، روح او هيچوقت نخواهد مرد. روح او در حيات قيام كرده مسيح نصيب خواهد داشت و از حيات جاودان برخوردار خواهد شد، حياتى كه در آن مرگ مفهومى نخواهد داشت. بدن فرد مسيحى بهنگام مرگ به خاك باز مى‌گردد، ولى روح او بلافاصله وارد حضور عيسى مسيح در آسمان مى‌شود. بدن مرده او هيچ چيزى تجربه نمى‌كند، ولى روح زنده او حيات ابدى را در حضور مسيح تجربه خواهد كرد. حيات فانى يك فرد مسيحى بايد با بدن جسمانى او به پايان رسد، ولى حيات ابدى او در روحش تا به ابد تداوم خواهد داشت.

پ) عيسى مى‌فرمايد: "هر كه زنده است و به من ايمان آورد، تا به ابد نخواهد مرد". در اين جمله، فرد مسيحى در وضعيت قبل از مرگ، يعنى در زمانى كه هنوز بر روى زمين زيست مى‌كند، به تصوير كشيده شده است. هر كه از نظر روحانى زيست كند و به عيسى مسيح ايمان داشته باشد، هرگز مرگ ابدى را تجربه نخواهد كرد. بر طبق ٢ تسالونيكيان ١: ٩، "هلاكت يا مرگ

جاودانی" به مفهوم جدایی از حضور پرمحبت خدا در روح و بدن می‌باشد. ولی یك فرد مسیحی هیچوقت چنین چیزی را تجربه نخواهد کرد. بدن و روح او هیچوقت از حضور پرمحبت خدا جدا نخواهد شد. فرد مسیحی تا زمانیکه هنوز بر روی این زمین زندگی می‌کند، روح او حیات ابدی را تجربه خواهد کرد و بدن او از محبت و محافظت خدا بهره‌مند خواهد شد. وقتی بدن او مرگ جسمانی را تجربه کند، روح او بلافاصله وارد حضور قابل رؤیت خدا در آسمان می‌شود. و اگرچه بدن او در قبر نهاده می‌شود، خدا هرگز بدن او را ترك نخواهد کرد. بر طبق یوحنا ۵: ۲۵- ۲۹، عیسی مسیح در زمان بازگشت خود، بدنهای مردگان را برخواهد خیزانید. بر طبق فیلیپیان ۳: ۲۱، او بدنهای فانی ما را طوری متبدل خواهد ساخت که به شباهت بدن پرجلال او در آیند. بر طبق اول قرنتیان ۱۵: ۴۲- ٤٤، مسیحیان، از بدنهایی غیرفانی و پرجلال برخوردار خواهند شد.
خلاصه: در آیه ۲۵، عیسی وعده می‌دهد که روح یا جان یك فرد مسیحی هرگز مرگ را تجربه نخواهد کرد. و در آیه ۲٦، او وعده می‌دهد که حتی بدنهای مسیحیان هیچوقت جدایی ابدی از حضور خدا را تجربه نخواهد کرد. اگرچه یك مسیحی باید از نظر جسمانی بمیرد، ولی نه تنها روح او هرگز نخواهد مرد، بلکه بدن او نیز که در خاك نهاده شده است هیچوقت از حضور پرمحبت خدا جدا نخواهد شد.

سؤال ۳) (یوحنا ۱۱: ٤۷) <u>سنهدرین یا شورای عالی یهود چگونه شورایی بود؟</u>
ملاحظات: سنهدرین والاترین مجمع یا شورا در اسرائیل (متی ۵: ۲۲) و عالی‌ترین هیئت رهبری یهودیان در امپراطوری رم بود. این شورا در زمان مکابیان (در حدود ۱۵۰ سال قبل از میلاد) تشکیل شد. محل شورای سنهدرین، شهر اورشلیم بود و اعضای آن را که تعدادشان به ۷۱ نفر می‌رسید، کاهنان اعظم که اعضای مهمترین خانواده های کاهنین بودند، سران خانواده‌ها، کاتبان که در تفسیر کتب مقدسه یهودی تبحر داشتند، و معلمین یهود که سنت شفاهی را که بر شریعت مکتوب مبتنی بود برای مردم تفسیر می‌کردند تشکیل می‌دادند. ریاست شورا را کاهن اعظمی بر عهده داشت که در صدر شورا می‌نشست. شورای سنهدرین بر تمام امور مذهبی یهودیان، حتی یهودیانی که در کشورهای بیگانه زندگی می‌کردند، نظارت داشت.

سؤال ٤) (یوحنا ۱۱: ٤۹- ۵۲) <u>قیافا که بود؟</u>
ملاحظات: قیافا کاهن اعظم بود و از سال ۱۸ تا ۳٦ میلادی ریاست شورای سنهدرین را نیز بر عهده داشت. او بدون اینکه خود متوجه باشد، در مورد عیسی مسیح چنین نبوت کرد که او باید در راه قوم خدا که ایمانداران جامعه یهود هستند بمیرد، و اینکه او فرزندان پراکنده خدا را که ایمانداران ملل غیر یهودی باشند، گرد هم جمع نموده، آنها را به یك ملت واحد تبدیل خواهد ساخت (یوحنا ۱۰: ۱٦؛ ۱ پطرس ۲: ۹- ۱۰).

سؤال ۵) (یوحنا ۱۱: ٤۷- ۵۳). <u>چگونه امکان دارد شخص شریری چون قیافا نبوت کند؟</u>
ملاحظات:
الف) <u>قصد و نیت قیافا.</u> قیافا گفت: "شما هیچ نمی‌دانید و فکر نمی‌کنید که به جهت ما مفید است که یك شخص در راه قوم بمیرد تا تمامی طایفه هلاك نگردند". او از این گفته به هیچ وجه قصد خوبی نداشت. منظور قیافا این بود که اگر مردم اسرائیل از عیسی پیروی کنند، در آن صورت سربازان رومی خواهند آمد و ملت یهود را قتل‌عام خواهند کرد. ولی اگر عیسی بمیرد، ملت یهود هلاك نخواهد شد و نجات خواهد یافت. قیافا با تظاهر به میهن پرستی سعی می‌کرد از دست عیسی که مانعی بر سر راه شهرت و جلال او بود، خلاصی یابد. ولی درست برعکس آنچه قیافا فکر می‌کرد اتفاق افتاد. یهودیان با کشتن عیسی در واقع حکم مجازات قوم خود را امضا کردند. رومی‌ها در سال ۷۰ میلادی آمدند و اورشلیم و معبد و ملت یهود را بکلی نابود ساختند. نقشه قیافا برای کشتن عیسی عملی شد، ولی نتیجه آن بر خلاف آرزویی بود که قیافا در سر داشت.

ب) <u>نبوت قیافا.</u> ولی چرا یوحنا در آیات ۵۱- ۵۲ می‌فرماید که قیافا این سخن را از خود نگفت بلکه چون در آن سال رئیس کهنه بود، چنین نبوت کرد که عیسی باید در راه آن قوم بمیرد؟ یوحنا تعلیم می‌دهد که خدا بر تاریخ تسلط و اقتدار دارد. هیچ اتفاقی در تاریخ بشر بدون اجازه و حاکمیت خدا به وقوع نمی‌پیوندد (اشعیا ۱٤: ۲٤، ۲۷). خدا بواسطه حاکمیت مطلق خود، کاری کرد که سخن قیافا مفهومی بس عمیقتر از آنچه خودش تصور می‌کرد، داشته باشد. قیافا بواسطه ماهیت منصب کهانت خود، بی‌اختیار در مورد حقیقتی نبوت کرد. در اوایل دوران عهدعتیق، کاهن اعظم اسرائیل اراده خدا را از طریق اوریم و تمیم اعلام می‌داشت (اعداد ۲۷: ۲۱). در آن مقطع از زمان نیز خدا اجازه داده بود که قیافا در مورد او نبوت کند، هرچند خود او از درك آنچه نبوت می‌کرد عاجز بود. قیافا از بیان آن سخنان منظور خاصی در ذهن داشت، اما خدا معنای دیگری به گفته‌های او بخشید.
اگرچه قیافا و شورای یهود نقشه کشیدند تا عیسی را بکشند، خدا از مرگ عیسی جهت نجات مردم دنیا استفاده کرد. اگرچه قصد قیافا از کشتن عیسی نیکو نبود و او بخاطر آن سخنان شرارت‌آمیز خود به خدا حساب پس خواهد داد، اما خدا از قصد بد او برای هدفی پرجلال استفاده کرد. این قسمت از کتابمقدس هم بیانگر حاکمیت خدا بر امور است و هم نشاندهنده مسؤولیتی که متوجه خود انسان است. قیافا آزاد بود که هر چه در قلبش است بازگو کند و این کار را انجام داد، ولی از طرف دیگر خدا بر اساس حاکمیت و اراده خود سخنان شرارت آمیز او را به گونه‌ای هدایت کرد که در نهایت نقشه نجات او برای انسانها جامه عمل پوشید. قیافای شریر بدون اینکه خود متوجه باشد، مانند یك نبی نبوت کرد. درست همانگونه که در عهد عتیق خدا از طریق بلعام که یك نبی شریر بود صحبت کرد (اعداد ۲۳)، اکنون نیز از طریق قیافا که یك کاهن اعظم شریر بود، سخن می‌گفت.

سؤال ٦) (یوحنا ۱۱: ۵۱- ۵۲). آیا عیسی فقط برای قوم یهود مرد؟
ملاحظات: خیر، این قسمت می‌فرماید: "عیسی نه تنها باید در راه قوم یهود بمیرد، بلکه در راه فرزندان پراکنده خدا". قیافا اصطلاح "ملت اسرائیل" را در مفهومی سیاسی بکار برد، در حالیکه یوحنا آن را در مفهومی روحانی به معنای "فرزندان خدا" بکار می‌برد.
بر طبق یوحنا ۱: ۱۲- ۱۳، "فرزندان خدا" کسانی هستند که به عیسی مسیح ایمان دارند (یا تولد تازه یافته‌اند).
عیسی در راه دو گروه از مردم جان سپرد: اولاً برای "فرزندان خدا که به قوم یهود تعلق دارند"، و ثانیاً برای "فرزندان خدا که در نقاط مختلف دنیا پراکنده هستند". گروه دوم را غیر یهودیان تشکیل می‌دهند. یوحنا در اینجا آنچه را که عیسی در یوحنا ۱۰: ۱۶ گفته بود، تکرار می‌کند. عیسی می‌خواست گوسفندان دیگر خود را نیز که متعلق به گله غیر یهود می‌باشند بیاورد و در کنار گوسفندانی قرار دهد که به گله یهود تعلق دارند، و آنها را به صورت گله‌ای واحد شبانی کند. عیسی این ایده را مجدداً در یوحنا ۱۲: ۳۲ نیز تکرار می‌کند و می‌فرماید: "وقتی که من از زمین بلند کرده شوم، همه را به سوی خود خواهم کشید".

سؤال ۷) (یوحنا ۱۱: ۵۵) یوحنا به کدام عید فصح یهود اشاره می‌کرد؟
ملاحظات: عید فصح یهود یادآور خروج یهودیان از مصر تحت رهبری موسی بود. یوحنا در دوران خدمت زمینی عیسی به سه عید فصح یهودی اشاره می‌کند: نخست، عید فصح مربوط به آوریل سال ۲۸ میلادی (یوحنا ۲: ۱۳، ۲۳)، دوم عید فصح مربوط به آوریل سال ۲۹ میلادی (یوحنا ٦: ٤)، و سوم عید فصح مربوط به آوریل سال ۳۰ میلاد (یوحنا ۱۱: ۵۵؛ ۱۲: ۱؛ ۱۳: ۱؛ ۱۹: ۳۱). سه انجیل دیگر تنها به سومین عید فصح اشاره می‌کنند.

قدم ٤: بکار ببرید
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۱۱: ۱- ۵۷ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر (انجیل یوحنا فصل ۱۱)

- ۱۱: ٤ * این موضوع را درك کنید که اگرچه ریشه و عامل اصلی بیماری، وجود گناه در جهان است، برخی از بیماریها ممکن است برای این باشد که خدا جلال پیدا کند.
- ۱۱: ٦ * از این حقیقت آگاه باشید که اعتماد واقعی به خدا گاه ممکن است مستلزم آن باشد که بجای آنکه عجولانه دست به کاری بزنیم، صبر کنیم و منتظر باشیم تا خدا به ما نشان دهد چه زمانی باید وارد عمل شویم.
- ۱۱: ۲۰- ۲۷ * در لوقا ۱۰: ۳۸- ٤۲ می‌بینیم که مرتا به جای اینکه کنار پایهای عیسی بنشیند و به سخنان او گوش دهد، مشغول کار و فعالیت است. اما او در یوحنا ۱۱: ۲۰- ۲۷ به سرعت نزد عیسی می‌رود تا به سخنان او گوش دهد. اگر مرتا در این زمینه تغییر کرد، برای شما نیز امید هست و می‌توانید در این زمینه عوض شوید.
- ۱۱: ۲۵ * اگرچه بدن فیزیکی یك ایماندار خواهد مرد، جان یا روح او هرگز نخواهد مرد، بلکه در حضور عیسی مسیح زیست خواهد کرد. در روز قیامت، بدن او نیز برخیزانده خواهد شد و به بدنی غیرفانی مبدل خواهد گشت.
- ۱۱: ۲٦ * اگرچه بدن فیزیکی فرد ایماندار خواهد مرد، روح و بدن او پس از برخیزانده شدن هرگز نخواهد مرد. به عبارت دیگر، روح و بدن فرد ایماندار به جهنم افکنده نخواهد شد.
- ۱۱: ۳۳- ۳۵ * مسیحیان نیز باید مانند عیسی مسیح از گناه که باعث تمام غمها و سختیها است به خشم آیند، ولی از طرف دیگر باید همچون او نسبت به مردم رنجدیده حس همدردی داشته باشند.
- ۱۱: ٤۷- ٤۸ * این موضوع را درك کنید که برخی از مذهبیون بیشتر به فکر کسب قدرت و منفعت سیاسی هستند تا به فکر عدالت و ملکوت خدا.

نمونه‌های از کاربردهای شخصی

الف) من می‌خواهم بیشتر شبیه مسیح شوم. وقتی که عیسی انسانهایی را که در رنج و غم بودند می‌دید، به شدت در روح خود مکدر می‌شد و آثار این آشفتگی و تلاطم حتی در ظاهر او نیز نمایان بود. عیسی از گناه به عنوان آنچه عامل تمام رنجها و غمهای بشر است خشمگین بود، ولی در عین حال با خود انسانهای رنجدیده همدردی می‌کرد. من نیز مایلم مانند عیسی عمل کنم: می‌خواهم از گناه خشمگین باشم ولی با انسانهایی که در نتیجه عواقب گناه رنج می‌کشند، همدردی کنم.

ب) من می‌خواهم از هر روز زندگی‌ام به بهترین وجه استفاده کنم. خدا برای زندگی در این دنیا مدت زمان مشخصی به من عطا کرده و وظایف بخصوصی را به من سپرده است. تا زمانیکه من در نور نقشه خدا زندگی کنم، نباید از هیچ شخص یا شرایطی ترسان باشم. مشکلات و سختیهایی هیچگاه نخواهد توانست مرا از پای درآورد و مغلوب سازد. من می‌خواهم وظایفی را که خدا بر روی این زمین به من محول کرده است به انجام برسانم و ایمان دارم که خدا بر تمام انسانها، شرایط و اتفاقات احاطه کامل دارد.

<u>قدم ٥: دعا کنید</u> در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ١١: ١- ٥٧ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

٥	**دعا (٨ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروههای دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

٦	**تکلیف منزل (٢ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - <u>تعهد</u> - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
٢ - <u>برای یك فرد یا گروه</u>، موضوع " انجیل یوحنا فصل ١١ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
٣ - <u>رازگاهان</u> - هر روز نیمی از یك فصل از لوقا ٨: ١- ١١: ٢٨ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - <u>حفظ کردن</u> - آیه حفظی جدید (محبت و اطاعت: تیطس ٢: ٤- ٥) را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
٥ - <u>دعا</u> - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ٣).
٦ - <u>آموخته های جدید</u> مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۲۷

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **لوقا**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (لوقا ۸: ۱- ۱۱: ۲۸) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: ازدواج مسیحی**

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: محبت و اطاعت: تیطس ۲: ٤- ۵

٤	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **تربیت فرزندان در خانواده مسیحی**

مقدمه: این تعلیم در رابطه با " تأدیب و تربیت فرزندان" می‌باشد. در این درس خواهیم آموخت که کتاب‌مقدس راجع به وظایف والدین مسیحی در قبال تربیت فرزندانشان چه تعلیمی می‌دهد. منظور از " تربیت کردن"، تعلیم دادن به فرزند در زمینه‌های عقلانی، جسمانی، روحانی و اخلاقی است. همچنین مراجعه کنید به بخش " مسئولیت والدین در رابطه با تأدیب فرزندان" در دستورعمل بنای کلیسا - کتاب سوم، ضمیمه شماره ۱ در انتهای این کتاب.
ممکن است والدین پس از مطالعه تمام اصولی که در کتاب‌مقدس در خصوص تربیت فرزندان آمده است، از خود نومید شوند. ممکن است فکر کنند که والدین خوبی نیستند و هرگز نمی‌توانند تمام اصول کتاب‌مقدس را در زندگی خود و فرزندانشان اجرا کنند. هدف از این درس، نومید کردن والدین نیست. بلکه هدف، دادن دستورالعملها و راهنماییهایی است که به والدین کمك می‌کنند فرزندان خود را بهتر تعلیم دهند و تربیت کنند. هیچ پدر و مادری در جهان کامل نیست. بسیاری از والدین تنها پس از بدنیا آمدن اولین فرزندشان به این فکر می‌افتند که چطور باید او را تربیت کنند. اکثر والدین در زمینه تربیت فرزندان خود بسیار کم تجربه هستند.
نیازی نیست والدین به امید روزی بنشینند که از هر لحاظ والدین کاملی شده‌اند و آنوقت بخواهند بچه‌دار شوند. فرزندان را خود خدا به والدین عطا می‌کند و خود او نیز این فیض را به والدین می‌بخشد که فرزندان خود را بزرگ کرده، آنها را تربیت و انضباط کنند. بنابراین اگر شما یك پدر یا مادر هستید، یکی از جوانب تربیت فرزند خود را انتخاب کرده، او را در آن زمینه به‌خصوص تربیت کنید و وقتی فرزندتان به اندازه کافی در این قسمت رشد کرد، به جنبه دیگری از تربیت او بپردازید. در زمینه تربیت فرزندانتان به فیض خدا متکی باشید.
امثال ۲۲: ٦ می‌فرماید: "طفل را در راهی که باید برود تربیت نما، و چون پیر هم شود از آن انحراف نخواهد ورزید." کلمه "تربیت کردن" یعنی وقف کردن یا تقدیم نمودن فرزند در راهی که خدا از او انتظار دارد. این کلمه همچنین به مفهوم آموزش و راهنمایی فرزند در چنین طریقی است. تعلیم والدین مساوی با تربیت نیست و گوش دادن فرزند برابر با آموختن نیست.
یك باغبان برای پرورش تاکهای تاکستان خود به آنها یك سلسله دستورالعمل و نظریه جهت رشد، تعلیم و ارائه نمی‌دهد، بلکه تاك را هرس کرده و حتی در صورت لزوم به شاخه‌ها طناب وصل می‌کند تا آنها را در جهتی که باید رشد کنند هدایت کند. او هر سال شاخه های مرده و وحشی را بدور می اندازد تا بدین وسیله شاخه‌های سالم به بهترین وجه ثمر آورند. به همین ترتیب والدینی که فرزندان خود را تربیت می‌کنند، برای زندگی آنها برنامه‌ریزی می‌کنند و حد و مرزهایی را برای آنها مشخص می‌کنند تا آنها از راه راست منحرف نشوند و در مسیر درست رشد کنند. والدین از طریق انضباط فرزندان خود آنها را هرس می‌کنند و از طریق سپردن وظایف سالم به آنها و مخصوصاً تشویق آنها، به آنها کمك می‌کنند تا در مسیری درست رشد کنند.

۱- روشهای تربیت

بخوانید: اول قرنتیان ۱۱: ۱؛ افسسیان ۳: ۲۰؛ افسسیان ٦: ٤ (به کلمات خشمگین نساختن، تعلیم و تربیت توجه کنید). غلاطیان ٦: ٤-٥؛ امثال ۱۰: ۱۷
تعلیم دهید: در زیر به چهار روش بسیار عملی در زمینه تربیت فرزندان اشاره شده است:

الف) برای فرزند خود نمونه باشید و برای او دعا کنید.
اگر والدین آنچه را که به فرزندان خود تعلیم می‌دهند خود انجام ندهند، نتیجه ناامید کننده خواهد بود. چنین رفتار ریاکارانه ای باعث خشمگین شدن فرزند می‌شود. فرزند اغلب عادات نیکو را نه از طریق تعلیم والدین، بلکه با نگاه کردن به سخنان و رفتار آنها یاد می‌گیرد. بنابراین والدین باید در عین حال که فرزندان خود را تربیت می‌کنند، خود را نیز تربیت کنند. و چون والدین متوجه هستند که در انجام این وظیفه خطیر به کمك خدا نیاز دارند، در دعا بدین منظور از خدا کمك می‌خواهند. خدا وعده داده است که بسیار بیشتر از آنچه که والدین تصور می‌کنند و برای آن دعا می‌کنند، انجام خواهد داد.

ب) از روی کتاب‌مقدس به فرزند خود تعلیم دهید.
تربیت کردن یعنی تعلیم دادن حقیقت. فرزندان باید از حقایقی که در کتاب‌مقدس مکشوف شده است، آگاه باشند. حقایق کتاب‌مقدس عبارت است از باورها، ارزشها، و معیارهای زندگی که باعث خشنودی خدا می‌شود. فرزندان باید بفهمند حقیقت چیست. آنها باید درک کنند که چه چیزهایی مهم است و چرا. همچنین باید حکمت را بیاموزند تا کارها را بطور درست انجام دهند. در اینکه یاد بگیرند که هر کاری را در چه زمانی، برای چه کسی و چگونه باید انجام دهند. بنابراین والدین باید حقیقت را از روی کلام خدا به فرزندان خود تعلیم دهند و آنان را تشویق کنند که از این حقیقت پیروی کرده، آن را عملاً در زندگی خود بکار ببندند. سؤالات فرزندانشان را نیز باید تا حد امکان با استناد به کتاب‌مقدس پاسخ دهند. بنابراین به فرزندان خود بگویید که کتاب‌مقدس در خصوص جوانب مهم زندگی تعالیم زیادی دارد.

پ) به فرزند خود کمك کنید تا عادات نیکو را فرابگیرد.
تعلیم و تربیت عبارت است از تمرین کردن یك سری عادات. فرزندان باید یاد بگیرند که از حقیقت اطاعت کنند و آن را در زندگی خود به کار ببرند.
۱) فرزندان نخست از الگوی والدین پیروی می‌کنند و حقیقت را با کمك آنها در زندگی خود بکار می‌بندند.
۲) سپس یاد می‌گیرند که حقیقت را خودشان شخصاً بکار ببندند، ولی هنوز تحت نظارت والدین هستند.
۳) و سرانجام یاد می‌گیرند که حقیقت را بدون اینکه کسی بر آنها نظارت داشته باشد به عنوان یك عادت بکار ببندند.
فرزندان به تشویق نیاز دارند. والدین باید در فرزندان خود انگیزه ایجاد کنند تا آنها صبر و استقامت به‌خرج داده، هدف خود را به انجام برسانند. والدین و فرزندان باید متوجه این موضوع باشند که آزادی واقعی همیشه دارای حد و مرز است. بنابراین والدین باید مواظب باشند که فرزندانشان هیچگاه در آن واحد با انتخابهای زیادی روبرو نباشند. والدینی که می‌خواهند فرزندان‌شان را درست تربیت کنند، هرگز نباید یکی از آنها را با دیگری مقایسه کنند، زیرا خدا هر کس را به گونه‌ای متفاوت خلق کرده است. مقایسه کردن فرزندان با یکدیگر کاری غیراخلاقی است. والدین باید فرزندان خود را بخاطر پیشرفت‌هایی که داشته‌اند تشویق کنند و به آنها پاداشی دهند که از قبل به آنها وعده نداده اند.

ت) وقتی فرزندتان کار اشتباهی انجام می‌دهد، او را اصلاح و تأدیب کنید.
تربیت کردن عبارت است از اصلاح و تأدیب، و باعث می‌شود فرزند در مسیر درستی گام بردارد. در بخش بعدی به تفصیل به این موضوع می‌پردازیم. والدین باید بین نیاز فرزندان برای محبت دیدن از آنها از یك سو، و تنبیه آنها بخاطر سرکشی و نااطاعتی از سوی دیگر، تمایز قائل شوند و تعادل را حفظ کنند. امثال ۱۰: ۱۷ می‌فرماید: "کسی که تأدیب را نگاه دارد در طریق حیات است، اما کسی که تنبیه را ترك نماید گمراه می‌شود".

۲- جوانب مختلف تربیت فرزند

مقدمه: در لوقا ۲: ۵۲ می‌خوانیم: "و عیسی در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می‌کرد". بر اساس این آیه متوجه می‌شویم که در نظر خدا مهم است که یك فرزند در این زمینه‌ها تربیت شود:
۱) "حکمت"، که عبارت است از داشتن علم و آگاهی و بکار بستن این آگاهی در شرایط مختلف زندگی.
۲) "قامت"، یعنی رشد جسمانی.
۳) "رضامندی نزد خدا"، که بعد روحانی دارد.
٤) "رضامندی نزد مردم"، که بعد اجتماعی دارد.
بعد عاطفی به طور مشخص مطرح نشده است، ولی قطعاً به زمینه‌های فوق مربوط است.

مواردی که در لوقا ۲: ۵۲ مطرح شده است، بسیار گسترده است و نمی‌توانیم همه آنها را در این جا بررسی کنیم. بنابراین بررسی خود را تنها به چند مورد خاص نظیر اطاعت، احترام، راه رفتن با خدا، پرهیزگاری و حس مسؤولیت‌پذیری محدود خواهیم کرد. تمامی این موارد برای رشد و تعالی فرزند ضروری هستند.

الف) تربیت فرزند در زمینه اطاعت

بخوانید: افسسیان ٦: ۱

کشف و گفتگو کنید: چرا مهم است که فرزند طوری تربیت شود که از آنچه درست است اطاعت کند؟

ملاحظات: یکی از جوانب مهم تربیت این است که به فرزند بیاموزیم از والدین خود اطاعت کند.

افسسیان ٦: ۱ حکم می‌کند: "ای فرزندان، والدین خود را در خداوند اطاعت کنید، زیرا که این انصاف است". این اولین و مهمترین حقیقتی است که والدین باید به فرزند خود بیاموزند. این موضوع کلید تربیت فرزند در زمینه‌های دیگر زندگی‌اش می‌باشد. در این قسمت از کتاب‌مقدس، به فرزندان مسیحی حکم شده است که از والدین خود اطاعت کنند، نه به این خاطر که والدینشان مسیحی هستند ("در خداوند")، بلکه به این خاطر که خود فرزند فردی مسیحی است (یعنی "در خداوند" زندگی می‌کند). اطاعت فرزندان از والدین باعث خشنودی خدا می‌شود، ولو آنکه والدین مسیحی نباشند. به همین دلیل است که تربیت کردن فرزندان در زمینه اطاعت از والدین "در نظر خدا منصفانه است". اگر فرزندان یاد گرفته باشند که در زمینه آنچه درست و نیکو است از والدین خود اطاعت کنند، خواهند توانست در زمینه‌های دیگر نیز رشد کنند. چنین فرزندانی به احتمال زیاد بعدها از خدا و تمام قدرتهای مافوق خود نیز اطاعت خواهند کرد. اما اگر فرزند درس اطاعت را نیاموزد، در عوض اعمال بد و شرارت آمیز را خواهد آموخت.

اطاعت کلید یادگیری عادات نیکو و شیوه زندگی خداپسندانه است. فرزندان با اطاعت از والدین آنها را حرمت می‌نهند و در آینده نیز در جهت بنای کشور خود گام بر می‌دارند.

اگر فرزندی به سن بلوغ رسیده ولی والدینش او را در زمینه اطاعت تربیت نکرده‌اند، بهتر است هر چه زودتر او را در این زمینه تربیت کنند و نسبت به این موضوع غافل نمانند. والدین باید به فرزندان خود بگویند که در این زمینه غفلت کرده‌اند، و باید دعا کرده، از خدا به خاطر قصور خود طلب بخشش کنند. خدا والدین را خواهد بخشید و به آنها حکمتی جدید عطا خواهد کرد تا فرزندان‌شان را بخوبی تربیت کنند. والدین حتماً باید فرزندان خود را در زمینه اطاعت به بهترین وجه تربیت کنند. اگر والدین فرزندان خود را به خاطر سرکشی و نااطاعتی تأدیب ننمایند، او را طوری بار می‌آورند که در آینده فردی نامطیع و سرکش شود.

والدین باید به فرزند خود کمك کنند که اعمال خوب و مفید انجام دهد، زیرا در غیر اینصورت او ممکن است به انجام کارهای بد روی آورد. در خانه وظایف مختلفی را به فرزند خود محول کنید و از او بخواهید آنها را انجام دهد، و بدین ترتیب به او درس اطاعت را بیاموزید. و وقتی فرزندتان از شما اطاعت می‌کند و کاری را که به او سپرده‌اید انجام می‌دهد، بلافاصله او را به خاطر این اخلاق خوبش تشویق کنید. اگر فرزند بلافاصله از درخواست والدینش اطاعت نکرد، در آنصورت والدین باید مجدداً درخواست خود را تکرار کنند و اگر باز از انجام آن سر باز زد، او را تأدیب نمایند. اگر چنین نکنند، در واقع فرزند خود را تشویق به نااطاعتی کرده‌اند. اگر فرزند کاری را که از او خواسته شده است به علت احساس عدم امنیت یا ترس انجام نمی‌دهد، والدین باید در انجام آن کار به او کمك کنند تا فرزندشان اعتماد به نفس لازم را برای انجام آن کار را بدست آورد.

ب) تربیت فرزند در زمینه احترام گذاشتن به والدین

بخوانید: افسسیان ٦: ۲- ۳

کشف و گفتگو کنید: چگونه یك فرزند می‌تواند والدین خود را به طرز عملی احترام نماید؟

ملاحظات: دومین مورد مهم که والدین باید فرزندان خود را به انجام آن تربیت کنند، احترام گذاشتن به والدین است.

منظور از "احترام گذاشتن"، توجه نشان دادن به والدین، ارزش نهادن به آنها و محبت کردن آنها با میل شخصی و بدون ترس و انگیزه‌های خودخواهانه است. فرزندان به سه طریق می‌توانند والدین خود را احترام نمایند:

۱) از طریق عدم درگیری و مجادله با والدین. فرزندان می‌توانند نقطه‌نظرات خود را با ملایمت به آنها بگوید و اجازه دهند خدا خود به‌گونه‌ای که باعث خشنودی او می‌شود در این قسمت عمل کند. فرزندان همچنین نباید پشت سر والدین خود و یا پشت سر هر فرد دیگری غیبت کنند. غیبت کردن به معنای بی‌حرمتی به مردم است (امثال ۱۷: ۹).

۲) از طریق جدی گرفتن نصایح و پیشنهادات والدین. کتاب‌مقدس می‌فرماید که فرزندان باید حقیقت، حکمت، تأدیب، انضباط و فهم را از والدین خود بیاموزند (امثال ۲۳: ۲۳). وقتی والدین به فرزند خود پیشنهاد یا نصیحتی ارائه می‌دهند، بر فرزندان است که آن را جدی بگیرند. فرزندان باید تا زمانی که فرصت هست، از تجارب والدین و از حکمت آنها استفاده کنند.

۳) از طریق شریك ساختن والدین در زندگی واقعی خود. دوم قرنتیان ٦: ۱۱- ۱۳ تعلیم می‌دهد که: "مسیحیان باید دلهای خود را نزد یکدیگر بگشایند". فرزندان باید یاد بگیرند که در رابطه با فعالیتهای مختلف خود با والدین‌شان صحبت کنند. آنها باید یاد بگیرند که با والدین در مورد کارهایی که در مدرسه، محل کار، کلیسا و یا در جمع دوستان‌شان انجام می‌دهند، گفتگو کنند. همچنین باید یاد بگیرند که در مورد روابط خود نیز با آنها صحبت کنند و برای‌شان توضیح دهند که چه دوستانی دارند و رابطه‌شان با آنها چگونه است. فرزندان باید یاد بگیرند که با والدین خود در مورد ایمان، افکار، احساسات و برنامه‌های خود صحبت کنند. والدین مسیحی نیز باید در این قسمت برای فرزندان خود الگوی خوبی باشند. اگر والدین مسیحی سفره دل خود را برای فرزندان خود نگشایند، چگونه می‌توانند از فرزندان خود انتظار چنین کاری داشته باشند؟

پ) <u>تربیت فرزندان در زمینه راه رفتن با خدا</u>
کشف و گفتگو کنید: والدین چگونه می‌توانند به طرزی عملی فرزندان خود را در زمینه راه رفتن با خدا تربیت کنند؟
۱) **بخوانید:** تثنیه ٦: ٦- ٩؛ ٣٢: ٤٦. خدا به والدین تعلیم می‌دهد که احکام وی را در افکار و زندگی فرزندان خود حك كنند. او می‌فرماید: "در حین نشستن در خانه، راه رفتن، خوابیدن و برخاستن، در مورد احکام خدا گفتگو کن". هم والدین و هم فرزندان باید اجازه دهند که کلام خدا بر اعمال و افکار و بر خانه آنها حاکم باشد. خدا به والدین تعلیم داده می‌فرماید: "دل خود را به همه سخنانی که من امروز به شما شهادت می‌دهم مشغول سازید تا فرزندان خود را حکم دهید که متوجه شده، تمامی کلمات این تورات را به عمل آورند."
۲) **بخوانید:** رومیان ١٣: ١- ٥؛ اعمال ٥: ٢٩؛ اول پطرس ٢: ١٩. خدا به والدین این وظیفه را محول کرده است که به فرزندان خود تعلیم دهند تا آنان خدا را در زندگی خود بشناسند و تنها از او اطاعت کنند. هیچ قدرت حاکم دیگری اجازه ندارد والدین را از انجام این کار باز دارد. زیرا خدا خود حکومتها را برقرار کرده و وظایف خاص و محدودیتهایی را برای آنها معین کرده است. اگر حکومتی بخواهد مسیحیان را به انجام کاری وادارد که خدا آنها را از آن برحذر داشته است، در آن صورت مسیحیان باید به آرامی در برابر چنین حکومتی بایستند. تمام حکومتها در نهایت در برابر خدایی که خود را در کتاب‌مقدس مکشوف ساخته است، پاسخگو هستند.
۳) **بخوانید:** دوم تیموتاؤس ١: ٥؛ ٣: ١٥- ١٧. کتاب‌مقدس مهمترین کتابی است که فرزندان باید در طول زندگی خود آن را مطالعه کنند. کتاب‌مقدس به جوانان در مورد نجات آگاهی و بصیرت می‌دهد و حقیقت را تعلیم داده، به آنها می‌آموزد که چگونه باید عادلانه زیست کنند. فرزندان با مطالعه کتاب‌مقدس و عمل به تعالیم آن افرادی بالغ و کامل می‌شوند و برای انجام وظایف و تحقق دعوتشان آماده می‌گردند. بنابراین والدین باید به فرزندان خود بیاموزند که کتاب‌مقدس را مطالعه و بررسی کنند و بخصوص از آن اطاعت نمایند. والدین برای این منظور می‌توانند از روشهای مختلفی بهره گیرند: آنها می‌توانند با اعضای خانواده خود وقت مشخصی جهت مطالعه کتاب‌مقدس داشته باشند. به عنوان مثال، یکی از والدین می‌تواند قسمتی از کتاب‌مقدس را مطالعه کند و بعد آن قسمت را با فرزندان خود مورد گفتگو و بررسی قرار دهد. والدین می‌توانند با فرزندان خود وقت خاصی را به دعای خانوادگی اختصاص دهند، و آیاتی از کتاب‌مقدس را با یکدیگر حفظ کنند. والدین باید در طول مراحل مختلف رشد فرزند، پیغام انجیل را برای او بازگو کنند و به او فرصت بدهند که عیسی مسیح را به زندگی خود دعوت کند (اگر قبلاً این کار را انجام نداده است). وقتی فرزندان به اندازه کافی بالغ شدند، والدین می‌توانند به آنها یاد بدهند که چگونه باید هر روز وقت مشخصی را به مطالعه کتاب‌مقدس و دعای شخصی اختصاص دهند. اعضای یك خانواده همچنین می‌توانند با یکدیگر عیسی مسیح را در همسایگی خود خدمت کنند (یعقوب ٢: ١٥- ١٧). بدین ترتیب فرزندان می‌توانند مانند والدین خود ایمانی بی‌ریا داشته باشند. والدین باید به فرزندان خود کمك کنند که در ایمان رشد کرده، در تجارب مختلف تنها به خدا توکل نمایند. آنها همچنین باید به فرزندان خود اجازه دهند که در مورد تجارب شخصی‌شان در زمینه توکل کردن به خدا صحبت کنند.

ت) <u>تربیت فرزندان در زمینه پرهیزگاری و کنترل نفس</u>
بخوانید: دوم پطرس ١: ٥- ٦؛ امثال ١٠: ١٩؛ ١٥: ١؛ افسسیان ٤: ٢٦
کشف و گفتگو کنید: چگونه والدین می‌توانند فرزند خود را طوری تربیت کنند که در عمل شخصی پرهیزگار باشد؟
ملاحظات: "پرهیزگاری" عبارت است از توانایی شخص مبنی بر دست کشیدن از یك سری علایق، سخنان و اعمال. والدین باید فرزندان خود را طوری تربیت کنند که حاضر باشند در صورت لزوم از برخی علایق، سخنان و اعمال صرفنظر کنند. به عنوان مثال، والدین نباید به فرزند خود اجازه دهند که برای بدست آوردن چیزی آنقدر ناله و شکایت کند تا سرانجام آن چیز را بدست آورد. اگر چنین کنند، فرزندشان در آینده نیز همواره برای گرفتن چیزی از والدین به ناله و شکایت متوسل خواهد شد.
امثال ١٥: ١ می‌فرماید: "جواب نرم (والدین) خشم را برمی‌گرداند، اما سخن تلخ غیظ را به هیجان می‌آورد." و امثال ١٠: ١٩ می‌فرماید: "کثرت کلام (والدین) از گناه خالی نمی‌باشد، اما آنکه لبهایش را ضبط نماید عاقل است". والدین باید با فرزندان‌شان با محبت و ملایمت برخورد کنند و از این طریق برای آنها الگوی خوبی باشند. آنها باید به فرزندان خود یاد دهند که وقتی با یکدیگر صحبت می‌کنند، بویژه در مواقعی که ناراحت و عصبانی هستند، همواره باید رفتاری ملایم و محبت‌آمیز داشته باشند.
برخی از فرزندان عصبانیت خود را به طرزی غیرقابل کنترل ابراز می‌کنند، به عنوان مثال به شدت خشمگین می‌شوند و دست به اعمال وحشیانه‌ای می‌زنند که باعث ایجاد خرابی می‌شود، و یا عصبانیت خود را با توهین به دیگران بروز می‌دهند که باعث جریحه‌دار شدن احساسات طرف مقابل و حتك آبروی او می‌گردد. والدین حکیم در عین حال که باید به فرزندان خود اجازه ابراز خشم بدهند، باید به آنها کمك کنند که بر خشم خود کنترل داشته باشند. "نردبان خشم" درجات مختلفی دارد: پایین‌ترین نرده نشاندهنده ابراز خشم است به بدترین وجه ممکن، و بالاترین نرده نشاندهنده ابراز خشم به بهترین شکل است (مراجعه کنید به دستورعمل شاگردسازی - کتاب چهارم، ضمیمه شماره ٢، بخش شخصیت یك مسیحی: قسمت خشم). والدین باید فرزندان خود را در زمینه پرهیزگاری تربیت کنند. هر وقت که فرزند عصبانی می شود باید تمرین کند که خشمش را از طریقی مثبت ابراز کند. به عنوان مثال اگر عادت دارد که خشمش را با اعمال خشونت انگیز نشان دهد باید یاد بگیرد که خشمش را بدون اعمال و رفتار خشمگینانه ابراز کند. والدین باید فرزندان‌شان را به خاطر پیشرفتی که در این زمینه حاصل می‌کنند، تشویق نمایند. والدین باید به فرزندان خود یاد دهند که به ٥ روش می‌توان بر خشم فائق آمد: نخست اینکه دیرغضب باشند. به عبارت دیگر، به خاطر هر مسئله جزئی از کوره در نروند و هر اهانتی را به دل نگیرند (یعقوب ١: ١٩). دوم اینکه اجازه ندهند خشمشان بیش از یك روز ادامه یابد (افسسیان ٤: ٢٦). سوم اینکه از فرزند دیگری که زود خشمگین می‌شود و ممکن است روی او نیز تأثیر منفی

بگذارد، دوری جویند (امثال ۲۲: ۲٤- ۲۵). چهارم اینکه بدون سرکوبی یا انکار خشم خود، بیشتر بر خصوصیات مثبت کسی که از دست او عصبانی است متمرکز شود (رومیان ۱۲: ۱۰). و پنجم، هیچگاه کینه به دل نگیرد (اول قرنتیان ۱۳: ٥).

ث) تربیت فرزند در زمینه داشتن حس مسؤولیت
بخوانید: مراثی ۳: ۲۷
کشف و گفتگو کنید: چگونه والدین می‌توانند فرزندان خود را به گونه‌ای تربیت کنند که در عمل افرادی مسؤولیت‌پذیر باشند.
ملاحظات: والدین باید تا زمانیکه فرزندشان هنوز جوان است، مسؤولیتهای خاصی را بـه او واگذار کنند و از او بخواهند بابت کارهایی که انجام می‌دهد به والدینش پاسخگو باشد. والدین باید چه در داخل خانه و چه در خارج، به تدریج مسؤولیتهای بیشتری را به فرزندان خود بسپارند. به عنوان مثال، باید به آنها یاد دهند که محل استراحت و زندگی خود را منظم و تمیز نگاه دارند. به فرزندتان اجازه دهید در انجام مسؤلیتهای مربوط به خانه، مغازه یا مزرعه سهمی داشته باشد. فرزند خود را طوری تربیت کنید که نسبت به پول و اموال خود احساس مسؤلیت کند. او را تشویق کنید که به سفر برود، با دیگران بویژه بـا جنس مخالف رفتاری شایسته داشته باشد، و همچنین در کلیسا مسؤولیت‌هایی را بر عهده بگیرد.

۳- مراحل تربیت کردن
تعلیم دهید: تعالیم کتاب‌مقدس در خصوص تربیت فرزندان، چهارچوبی عملی دارد. تربیت فرزند دارای مراحل مختلفی است. تجربه نشان می‌دهد که از زمان بدنیا آمدن طفل تا پنج سالگی، و سپس از سنین شش تـا یازده سالگی جزو مهمترین سالهای شکل‌گیری زندگی فرزند می‌باشند. در زیر نگاهی اجمالی خواهیم داشت به ٤ مرحله تربیت فرزند تا سن یازده سالگی. به خاطر داشته باشید که این مراحل ممکن است بسته به فرهنگ، جنسیت، شخصیت و شرایط محیطی فرزند، متفاوت باشد.

الف) اولین مرحله تربیت فرزند تا دو سالگی است.
این مرحلـه مهمترین دوره تربیت فرزنـد در زمینـه اطاعت کـردن است. در این مرحلـه، از لحـاظ جسمانی فرزنـد را بایـد در زمینه‌های مختلفی چون غذا خوردن، صحبت کردن و غیره تربیت کرد.

ب) دومین مرحله تربیت فرزند، سنین بین دو تا سه سالگی است.
در این دوره، اغلب فرزنـدان والـدین خود را آزمـایش مـی‌کنند تـا ببینند تـا چه انـدازه مـی‌تواننـد نـافرمـانی کـرده و بـه آنچـه خود میخواهند ادامـه دهند. این مرحلـه مهمترین دوره جهت آموختن انضباط بـه فرزند است. والدین باید برای فرزنـد خود حد و مرزهایی تعیین کنند: هر گاه فرزندشان از این حدود خارج شود، او را تنبیه کنند و هر گاه در چهارچوب این حدود رفتار کرد، او را تشویق نمایند. از لحاظ عاطفی نیز باید فرزند را طوری تربیت کرد که با دیگران رفتاری شایسته داشته باشد و از کارهای بد بپرهیزد و مخصوصاً پرهیزگاری را بـه او بیاموزند. کودك در این دوره نیازمند حفاظت و محبت بیشتری است و اغلب ترجیح می‌دهد با مادر خود باشد.

پ) سومین مرحله تربیت فرزند، سنین سه تا پنج سالگی است.
این مرحلـه مهمترین دوره تربیت فرزنـد در زمینـه راه رفتن بـا خـدا است. انجیل را بـه او بیاموزید، بـرای او داستانهایی از کتاب‌مقدس بخوانید، به او یاد دهید که آیات کتاب‌مقدس را حفظ کند، دعا کند و سرود بخواند. او را تربیت کنید که بر احساسات خود کنترل داشته باشد، و مخصوصاً خشم و ناراحتی خود را به طرزی شایسته ابراز نماید. نیز این مرحلـه دوره مهمی است جهت تربیت فرزند در زمینه کسب مهارتهای اجتماعی چون نحوه برخورد با مردم و یافتن دوست در بین هم سن و سالان خود. به فرزندتان یاد دهید که مسؤولیت‌پذیر باشد. به عنوان مثال، به او یاد دهید که اسباب بازیهای خود را جمع کند، در خانه به شما کمك کند و غیره. از لحاظ عقلانی، فرزند در این سنین دائماً در مورد "چرا"های مختلف سؤال می‌کند. والدین باید جهت پاسخ به سؤالات فرزندشان وقت دهند و با بیان مطالب مختلفی در خصوص موضوعاتی چون نحوه زندگی انسان، گیاهان، جانوران و غیره، مهارتهای یادگیری را در او توسعه دهند. کتابهای مفیدی برای او بخوانید و سرودهای زیبایی را به او یاد دهید. از لحاظ جسمانی نیز به فرزند خود یاد دهید که بدن خود را همواره تمیز نگاه دارد و غیره.

ت) چهارمین مرحله تربیت فرزند، سنین شش تا یازده سالگی است.
این مرحله از لحاظ جسمانی و اجتماعی، بهترین دوره است جهت تربیت فرزند در زمینـه کسب مهارت در انجام امور خانـه، نواختن موسیقی، فراگیری بازیهای مختلف و ورزش. در خصوص امور جنسی نیز بـه فرزندتان تعلیم دهید و همچنین بـه او بیاموزید که از پول خود به خوبی استفاده کند. این بهترین دوره‌ای است که می‌توانید به فرزندتان یاد دهید به فکر دیگران باشد و به آنان کمك کند. همچنین این دوره زمان خوبی است جهت توسعه فعالیتهای خانوادگی به منظور استحکام خانواده. به‌طور مرتب جلسات خانوادگی داشته باشید، با هم بازیهای گروهی انجام دهید، از بودن با یکدیگر لذت ببرید و به اتفاق اعضای خانواده خود به ملاقات دیگران بروید. سعی کنید با هم جلسات خانوادگی ترتیب داده، در مورد مسائل مختلف زندگی خانوادگی با هم مشورت و تبادل نظر کنید. این جلسات به فرزندتان کمك خواهد کرد تا در خصوص مسائل مختلف زندگی تصمیم‌گیری کند. سعی کنید فرزند خود را در تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزیهایی که انجام می‌دهید سهیم کنید، مخصوصاً در تصمیم‌گیریهایی که بـه نحوی بـه خود آنها مرتبط است.

از لحاظ عقلانی، فرزند در این مرحله دوست دارد مطالعه کند، بر معلومات خود بیافزاید و به سفر برود. بنابراین، او را تشویق کنید که کتب مفیدی مطالعه کند. فرزندتان را تشویق کنید که در پی کسب معلومات مفید باشد، و همراه او به سفر بروید. از لحاظ عاطفی، فرزند در این دوره احساسات خود را به طرز شدیدتر و پیچیده‌تری ابراز می‌کند. والدین باید فرزند خود را بپذیرند، به او محبت کنند و او را بخوبی درك نمایند. از لحاظ روحانی، این مرحله دوران مهمی است جهت کمك به فرزند تا در رابطه خود با مسیح رشد کند و با دیگر فرزندان مسیحی مشارکت داشته باشد. خانواده باید با یکدیگر کتاب‌مقدس را مطالعه کنند و در مورد مطالب آن با هم گفتگو کرده، با یکدیگر دعا کنند. والدین باید به فرزندان خود یاد دهند که چگونه باید با غیرمسیحیان نیز رابطه داشت. و سرانجام، والدین باید معیارهای رفتار مسیحی را به فرزندان خود تعلیم دهند. والدین باید به طور مرتب برای فرزندان خود دعا کنند و از خدا بخواهند به آنها فیض دهد تا در زندگی خود اعتقادات، ارزشها و معیارهایی مسیحایی داشته باشند.

٥	**دعا (٨ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تکلیف منزل (٢ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
٢ - موضوع " تربیت فرزندان در یك خانواده مسیحی" را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای جمعی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
٣ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از لوقا ١١: ٢٩- ١٤: ٣٥ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (حل اختلافات: متی ٥: ٢٣- ٢٤) را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
٥ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا ١٢) را در خانه آماده کنید. از روش ٥ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
٦ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ٣).
٧ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۲۸

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) لوقا

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (لوقا ۱۱: ۲۹- ١٤: ۳۵) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: ازدواج مسیحی

مرور: دو نفری مرور کنید. حل اختلافات: متی ۵: ۲۳- ٢٤

٤	بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۱۲: ۱-۵۰

مقدمه: یوحنا ۱۲: ۱-۵۰ تدهین شدن عیسی در بیت عنیا و ورود مظفرانه او را به اورشلیم توصیف می‌کند.

<u>**قدم ۱: بخوانید**</u>
بخوانید: یوحنا ۱۲: ۱- ۵۰ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

<u>**قدم ۲: کشف کنید**</u>
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

<u>**کشف ۱)**</u> در یوحنا ۱۲: ۱- ۱۱، در رابطه با <u>تدهین شدن عیسی توسط مریم</u> حقیقت مهمی برای من وجود دارد. این واقعه با واقعه‌ای که در لوقا فصل ۷ توصیف شده فرق دارد، ولی شبیه وقایعی است که در متی ٢٦ و مرقس ١٤ آمده است. در منزل شمعون جذامی، ضیافتی به خاطر عیسی برپا بود. بر طبق رسم موجود در اسرائیل، مهمانان در کنار میز نشسته و تکیه داده بودند. مریم، خواهر مرتا و ایلعازر، يك شیشه مملو از عطری گرانبها را شکست و تمام آن را روی پایهای عیسی ریخت. سپس با موهای خود پایهای عیسی را خشك کرد. خانه از بوی عطر پر شده بود.
این واقعه، مقایسه‌ای است بین سخاوت و بخشندگی مریم از يك سو و خودخواهی یهودا از سوی دیگر. یهودا به عمل مریم اعتراض کرد. در نظر او، این کار در واقع هدر دادن پول فراوانی بود. بر طبق محاسبه یهودا، قیمت این عطر معادل مزد يك سال يك کارگر بود (۳۰۰ دینار، يك دینار مزد يك روز کارگر بود). برخی از شاگردان دیگر نیز به خاطر این عمل خشمگین

بودند. مریم قیافه‌های خشمگین و ناراضی افرادی را که در آنجا حضور داشتند می‌دید. عیسی تنها کسی بود که از عمل او دفاع کرد. تنها عیسی انگیزه مریم را درك کرد. به همین جهت نیز گفت: "این عطر به جهت روز دفن من نگاه داشته شده بود".
مریم بسیار بهتر از شاگردان عیسی می‌دانست که دشمنان عیسی بـه زودی او را خواهند کشت. اگرچه عیسی بارها در مورد مرگ خود پیشگویی کرده بود، احتمالاً مریم بهترین شنونده سخنان عیسی بود. بر طبق رسوم یهود، پس از مرگ یك شخص بدن او را با حنوط و عطریات مختلف عطرآگین می‌کردند و پارچه‌ای از کتان دور بدنش می‌پیچیدند. مریم می‌خواست تا عیسی هنوز زنده بود، او را حرمت کند. به همین دلیل عطر را روی پاهای او ریخت تا پیشاپیش او را برای تدفین آماده سازد. عیسی هدیه باارزش او را پذیرفت و پیشگویی کرد که عمل نیکوی او را روزی تمام مردم جهان خواهند دانست.
البته، عیسی به فکر فقرا نیز بود و اسراف بی‌مورد را تأیید نمی‌کرد. ولی کار مریم هدر دادن پول نبود، بلکه عملی بود ناشی از محبتی که نسبت به عیسی داشت. مریم با اینکار مهمترین شخصیت تاریخ جهان را برای گرانبهاترین مرگ تاریخ آماده می‌کرد.
مریم با این کار خود نشان داد که به آنچه مسیح راجع به مرگش پیشگویی می‌کند ایمان کامل دارد. من بسیار تحت تأثیر این موضوع قرار گرفته‌ام که نحوه نگرش عیسی در مورد چگونگی خرج کردن پول با نگرشی که مردم دنیا در این مورد دارند کاملاً فرق می‌کند.

<u>کشف ۲)</u> در یوحنا ۱۲: ۱۲- ۲۹، در رابطه با <u>ورود مظفرانه عیسی به اورشلیم</u> حقیقت مهمی برای من وجود دارد. دو حقیقتی که در زیر بیان شده‌اند، برای من حائز اهمیت فراوان هستند.

الف) <u>عیسی ثابت می‌کند که بر تمام شرایط کنترل دارد</u>. نقشه شورای سنهدرین این نبود که عیسی را در زمان عید فصح بکشند، بلکه ورود مظفرانه او به اورشلیم بود که آنها را به انجام این کار واداشت. عیسی با ورود خود به اورشلیم، ثابت کرد که آمده است تا داوطلبانه جان خود را فدا کند.

ب) <u>عیسی ثابت می‌کند که مسیح موعود، یا سرور سلامتی است.</u> ورود او به اورشلیم بر روی کره الاغ، تحقق عینی نبوتی بود که در زکریا ۹: ۹ آمده است. مردم اورشلیم پادشاه خود را می‌دیدند که سوار بر کره الاغی به نزد آنها می‌رود. در حالیکه آمدن سوار بر اسب نشانه ای از جنگ بود، سوار بر الاغی آمدن معمولاً نمایانگر صلح بود. عیسی از این طریق ثابت کرد که همان مسیح موعودی است که در کتاب‌مقدس در مورد او وعده داده شده است، و نه یك مسیحای سیاسی و نظامی که یهودیان منتظرش بودند. او ثابت کرد که نیامده تا بر دشمنان سیاسی مردم غلبه یابد، بلکه آمده است تا صلح را برقرار کند. و از طریق مرگش می‌خواهد بین خدا و انسان گناهکار مصالحه ایجاد کند.

<u>قدم ۳: سؤال</u>
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۱۲: ۱- ۵۰ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۱۲: ۲۰). <u>چرا در میان افرادی که به منظور برگزاری عید فصح به اورشلیم رفته بودند، یونانیانی نیز بودند؟</u>
ملاحظات: یهودیان در طول قرون متمادی به کشورهای اطراف مهاجرت کردند یا بـه مناطق دوردست بـه اسارت بـرده شدند. آنها در آن اماکن به منظور عبادت خدا و بررسی عهد عتیق کنیسه‌هایی بنا نمودند. برخی از غیر یهودیان نیز تحت تأثیر قداستی که در یکتاپرستی آیین یهود وجود داشت، به مذهب یهود گرویدند. برخی از این غیریهودیان ختنه شدند و قول دادند که بـه طور کامل از شریعت اطاعت کنند. این افراد، یهودی شدند و در تمام مزایا و وظایف مربوط بـه آیین یهود سهیم بودند. ولی برخی دیگر از غیر یهودیان ختنه نشدند و تشریفات مربوط به شریعت را نگاه نمی‌داشتند. این عده افرادی "خداترس" نامیده می‌شدند. آنها اجازه ورود به معبد را نداشتند، و تنها می‌توانستند به صحن مخصوص غیر یهودیان وارد شوند. بنابراین، شریعت تشریفاتی یهود تا زمان ظهور مسیح کماکان دیواری بود که بین یهودیان و غیر یهودیان جدایی می‌افکند (افسسیان ۲: ۱٤- ۱۵).
یونانیانی که در مراسم برگزاری عید فصح شرکت کرده بودند، جزو غیر یهودیان "خداترس" بودند. بدرستی نمی‌دانیم که چرا آنها می‌خواستند عیسی را ببینند. شاید از یك سو دیگر به حکمت و درایت یونانیان اعتقادی نداشتند و از سوی دیگر نمی‌توانستند آرامش واقعی را در مذهب یهود بیابند. پاسخ عیسی نشان می‌دهد که آنها می‌خواستند با عیسی در مورد موضوع نجات صحبت کنند. این یونانیان درخواست خود را از طریق فیلیپس و اندریاس که تنها شاگردان عیسی بودند که اسامی یونانی داشتند، بـه اطلاع عیسی رساندند. عیسی پاسخ سؤال آنها را به شاگردان خود گفت و آنها نیز سخن عیسی را بـه این افراد یونانی منتقل کردند.

سؤال ۲) (یوحنا ۱۲: ۲۳- ۲٤). منظور عیسی چیست که می‌فرماید: اگر دانه گندم نمیرد تنها می‌ماند؟
ملاحظات: هنگامی که عیسی به سؤال یونانیان پاسخ می‌داد، گروهی از یهودیان او را احاطه کردند. عیسی گفت: "ساعتی رسیده که پسر انسان جلال یابد. آمین، آمین به شما می‌گویم، اگر دانه گندم در خاك نیفتد و نمیرد، تنها می‌ماند. اما اگر بمیرد، بار بسیار می‌آورد."
عیسی گفت که ساعت جلال یافتن او فرا رسیده است. او در این قسمت به مرگ خود بر صلیب، برخاستنش از میان مردگان، صعودش به آسمان و سرانجام نشستن‌اش بر تخت شاهی بدست راست خدای پدر اشاره می‌کند. عیسی در مورد نزدیك بودن واقعه مرگش صحبت می‌کرد. یونانیان مشتاق بودند که این مسیح موعود معروف را که به طرزی پیروزمندانه وارد اورشلیم شده بود، ملاقات کنند. ولی عیسی این موضوع را برای آنها روشن کرد که ملاقات با مسیح موعود هیچ نفعی برای آنها نخواهد داشت. این مسیح موعود ابتدا باید بمیرد، و تنها در آن صورت است که در مقام مسیح موعود آسمانی قادر خواهد بود آنها را نجات دهد. ولی اکنون زمان رنج کشیدن و مصلوب شدن او بود. عیسی واقعه مرگ خود را به "دانه‌ای که به زمین فرو می‌رود و می‌میرد"، تشبیه می‌کند.
هر کشاورزی می‌داند که تا دانه در زمین فرو نرود و نمیرد، به گیاهی پرثمر تبدیل نخواهد شد. از طرفی عیسی می‌فرماید که مرگ او امری ضروری است. و اگر او نمیرد هیچ کس نمی‌تواند نجات یابد. او همچنین می‌فرماید که مرگش بزرگترین حصاد را در جهان تولید خواهد کرد. اگر او بمیرد، مردم بسیاری نجات خواهند یافت. بنابراین وقتی عیسی از مرگ خود بعنوان دانه‌ای که به زمین فرو می‌رود و می‌میرد یاد می‌کند، منظورش این است که مرگ کفاره‌ای او بر صلیب برای نجات مردم ضروری است و بزرگترین تأثیر را در تاریخ بشر خواهد داشت.

سؤال ۳) (یوحنا ۱۲: ۲۵- ۲٦). چرا یك مسیحی باید از جان خود در این جهان نفرت داشته باشد؟
ملاحظات: در یوحنا ۱۲: ۲۵- ۲٦ عیسی می‌فرماید: "کسی که جان خود را دوست دارد، آن را هلاك کند؛ اما هر که در این جهان جان خود را دشمن دارد، تا حیات جاودانی آن را نگاه خواهد داشت". هرکه مرا خدمت میکند باید از من پیروی کند و هر جا من هستم، خادم من نیز آنجا با من است. پدرم کسی را که مرا خدمت میکند، سرافراز خواهد کرد.
یك مسیحی باید در این جهان از جان خود نفرت داشته باشد، زیرا این تنها طریق نجات او است. کسی که جان خود را دوست دارد، در واقع در زندگی، خودش و خانواده و دوستان و اموال مادی‌اش را در اولویت قرار داده و آنها را مقدم بر عیسی می‌پندارد. چنین شخصی جان خود را از دست خواهد داد. به عبارت دیگر، عیسی مسیح او را انکار خواهد کرد و او برای همیشه هلاك خواهد شد.
در رابطه با دوست نداشتن جان خود در این جهان، توجه به سه نکته حائز اهمیت است:

الف) اصل انکار نفس. وقتی یوحنا ۱۲: ۲۳- ۲٦ را با هم بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که اصل انکار نفس هم در مورد عیسی صادق است و هم در مورد مسیحیان. بر طبق یوحنا ۱۲: ۲۳- ۲٤، عیسی باید بمیرد تا بدینوسیله بتواند مردم زیادی را نجات دهد. و اما بر طبق یوحنا ۱۲: ۲۵- ۲٦، مسیحیان نیز باید حاضر باشند به خاطر مسیح بمیرند. البته یك فرد مسیحی نمی‌تواند با تکیه بر قدرت خود این کار را انجام دهد، ولی با این حال اصل انکار نفس، موضوع مهمی برای عیسی مسیح می‌باشد.

ب) تعلیمی در رابطه با "در اولویت قرار دادن عیسی". آنچه در یوحنا در مورد " مقدم شمردن عیسی بر هر چیز دیگر" تعلیم داده شده است، در اناجیل دیگر نیز آمده است. عیسی در متی ۱۰: ۳۷- ۳۹، مرقس ۸: ۳٤- ۳۸، و لوقا ۱٤: ۲٦- ۳۳ تعلیمی واحد می‌دهد. او در متی ۱۰: ۳۷- ۳۹، می‌فرماید: "هر که پدر یا مادر را بیش از من دوست دارد، لایق من نباشد و هر که پسر یا دختر را از من زیاده دوست دارد، لایق من نباشد. و هر که صلیب خود را بر نداشته، از عقب من نیاید، لایق من نباشد. هر که جان خود را دریابد، آن را هلاك سازد و هر که جان خود را به خاطر من هلاك کرد، آن را خواهد یافت." در اعمال رسولان ۵: ۲۹، پطرس به رئیس کهنه و افرادی که صاحب قدرت بودند گفت: "خدا را می‌باید بیشتر از انسان اطاعت نمود". یك مسیحی باید در زندگی شخصی و اجتماعی خود عیسی را در اولویت قرار دهد. او باید بیشتر نسبت به عیسی مسیح احساس تعهد کند تا نسبت به والدین، معلمین و یا مقامات حاکم مملکتی. اگر بین آنچه که عیسی حکم می‌کند و آنچه که والدین، معلمین و مقامات دولتی فرمان می‌دهند تناقض وجود داشته باشد، مسیحیان باید از مسیح اطاعت کنند و با مهربانی و نرمی در برابر دیگران ایستادگی و مقاومت کنند.

پ) رنج کشیدن در حین خدمت. عیسی در یوحنا ۱۲: ۲٦ می‌فرماید: "اگر کسی می‌خواهد مرا خدمت کند، باید از من پیروی کند؛ و جایی که من می‌باشم او نیز آنجا خادم من خواهد بود؛ و هر که مرا خدمت کند پدر او را حرمت خواهد داشت". منظور عیسی این است که اگر یك فرد مسیحی می‌خواهد عیسی مسیح را خدمت کند، باید او را پیروی نماید، ولو آنکه لازمه این پیروی این باشد که صلیب خود را برداشته، نفس خود را انکار نماید. "صلیب خود را برداشتن و از عیسی پیروی کردن" در متی ۱۰: ۳۹، به مفهوم "تمایل و آمادگی جهت مقابله با سختیها، طردشدنها، جفاها و حتی مرگ به خاطر عیسی مسیح و ملکوت او در جهان" است. ولی هر فرد مسیحی باید این موضوع را نیز به خاطر داشته باشد که هر چند طریق صلیب، طریق دشواری است، اما در نهایت به سرافرازی و پادشاهی ختم می‌شود. عیسی می‌فرماید: "هر که جان خود را به خاطر من و انجیل از دست بدهد، آن را بدست خواهد آورد". او همچنین می‌فرماید: "هر که مرا خدمت کند، پدر او را حرمت خواهد داشت".

سؤال ٤) (یوحنا ۱۲: ۳۱- ۳۲). رئیس این جهان چه کسی است؟ منظور از بیرون افکنده شدن او چیست؟
ملاحظات: عیسی در یوحنا ۱۲: ۳۱- ۳۲ می‌فرماید: "الحال داوری این جهان است و الآن رئیس این جهان بیرون افکنده می‌شود. و من اگر از زمین بلند کرده شوم، همه را به سوی خود خواهم کشید". بلند کرده شدن عیسی از زمین به مرگ او بر صلیب، قیام او از مردگان، و صعود و جلوسش بر تخت پادشاهی در آسمان اشاره دارد. مرگ عیسی بر صلیب، در عین حال زمان داوری این جهان و بیرون افکنده شدن شریر از مقام ریاستش در جهان نیز می‌باشد.

الف) داوری این جهان. "دنیایی" که عیسی در مورد آن صحبت می‌کند، کل جهان هستی نیست، بلکه عبارت است از دنیای کسانی که او را طرد کرده‌اند و نیز دنیای رهبران این افراد که عیسی را محکوم نمودند. دنیای یهودا است که عیسی را انکار کرد، دنیای سربازانی است که او را به تمسخر گرفتند و دنیای پیلاطس است که او را محکوم به مرگ کرد. به طور خلاصه، "این جهان"، به تمامی مردمان شریری که از خدا رویگردان شده و شیطان را به عنوان پادشاه و خداوند زندگی خود پذیرفته‌اند، اشاره دارد. این جهان با اینکه عیسی را تجربه کرده، اما او را طرد کرده و بیرون افکنده است بدون اینکه متوجه باشد با انجام این کار در واقع خود را محکوم نموده است. این جهان اکنون مورد داوری است. به عبارت دیگر، به هلاکت ابدی در جهنم محکوم شده است (مکاشفه ۲۱: ۸).

ب) بیرون افکنده شدن شیطان. رئیس این جهان، شیطان است. شیطان تا قبل از آمدن عیسی به این جهان، بر آن ریاست می‌کرد و سخت می‌کوشید تا انبیای خدا را از قلمرو خود دور نگاه دارد (دانیال ۱۰: ۱۳، ۲۰، ۲۲). ولی هنگامی که عیسی به این جهان آمد، اعمال شیطان را نابود کرد (اول یوحنا ۳: ۸) و از طریق اخراج روحهای شریر (متی ۱۲: ۲۸- ۳۰)، مرگ خود بر صلیب (کولسیان ۲: ۱۵؛ عبرانیان ۲: ۱٤)، قیام، صعود، و نشستن‌اش بر تخت پادشاهی در آسمان (مکاشفه ۱۲: ۵- ۹)، شیطان را بست. در واقع او شیطان را داوری و محکوم کرد (یوحنا ۱۲: ۳۱؛ ۱٦: ۱۱). شیطان هیچگاه قدرتی بر عیسی نداشته است (یوحنا ۱٤: ۳۰). او گرچه بر ایمانداران این جهان هیچ قدرتی ندارد (اول یوحنا ۵: ۱۹؛ اول پطرس ۵: ۸- ۹)، ولی هنوز بر دنیای بی‌ایمانان قدرت دارد و آنان را در سلطه خود گرفته است (اول یوحنا ۵: ۲۰). اگرچه مسیحیان هنوز با شیطان و نیروهای شریر در نبردی روحانی بسر می‌برند (افسسیان ٦: ۱۰- ۱۲)، ولی شیطان دیگر قادر نیست از گسترش پیغام انجیل در بین مردم جهان جلوگیری کند.
عیسی می‌فرماید که از طریق مرگش بر صلیب، "رئیس این جهان بیرون افکنده خواهد شد". نتیجه بیرون افکنده شدن شیطان از مقام خود به عنوان رئیس این جهان، این است که میلیونها نفر از اقصا نقاط جهان به سمت عیسی مسیح کشیده خواهند شد. شیطان بواسطه مرگ عیسی بر صلیب و قیام و صعود و جلوس او بر تخت آسمان، قدرت خود را بر ملل جهان از دست داده است و دیگر نمی‌تواند از موعظه پیغام انجیل به مردم و نجات آنها جلوگیری کند. از این پس، عیسی مسیح مردم مختلف روی زمین را از حاکمیت شیطان بیرون کشیده، آنها را به سمت ملکوت خود جذب خواهد کرد (کولسیان ۱: ۱۳). یونانیانی که به ملاقات عیسی آمده بودند، نماینده گروه زیادی از غیریهودیانی هستند که به عیسی مسیح ایمان خواهند آورد. از هنگام آمدن عیسی به این جهان تا به امروز، میلیونها نفر از مردم به سمت ملکوت او جذب شده‌اند.

سؤال ٥) (یوحنا ۱۲: ۳۷- ٤٦). دیدگاه کتاب‌مقدس در رابطه با ایمان و بی‌ایمانی چیست؟
ملاحظات:

الف) دیدگاه کتاب‌مقدس در رابطه با ایمان چیست؟. فیلیپیان ۱: ۲۹ تعلیم می‌دهد: "زیرا که به شما عطا شد... ایمان آوردن به مسیح". و اعمال ۱۳: ٤۸ می‌فرماید: "آنانی که برای حیات جاودانی مقرر بودند ایمان آوردند". تعلیم مشخصی که در کتاب‌مقدس در رابطه با ایمان وجود دارد این است که ایمان هدیه خداست و نه نتیجه عمل انسان. خدا ایمان را عطا می‌کند و انسان وظیفه دارد ایمانی را که خدا به او بخشیده است، بکار ببندد. یوحنا ۱۲: ٤۲- ٤۳ تعلیم می‌دهد که ایمان اصیل و واقعی صرفاً یك واقعیت عقلانی نیست، بلکه تعهدی است که شخص بر اساس آن نه تنها در قلب خود به حقیقتی ایمان می‌آورد، بلکه آن را با زبان خود نیز اعتراف می‌کند.

ب) دیدگاه کتاب‌مقدس در رابطه با بی‌ایمانی چیست؟ در یوحنا ۱۲: ۳۷- ٤۰، نوشته شده است: "و با اینکه عیسی پیش روی ایشان چنین معجزات بسیار نموده بود، بدو ایمان نیاوردند... از آن جهت نتوانستند ایمان آورند زیرا اشعیا نیز گفت: خدا چشمان ایشان را کور کرد و دلهای ایشان را سخت ساخت تا به چشمان خود نبینند و به دلهای خود نفهمند و برنگردند تا ایشان را شفا دهم."
خدای کتاب‌مقدس انسانها را به خاطر بی‌ایمانی‌شان مسؤول می‌داند. در اشعیا ۱: ۲- ٤ می‌خوانیم که بنی‌اسرائیل در برابر خدا سرکشی کردند و به فساد کشیده شدند. به همین دلیل، در اشعیا ٦: ۹- ۱۰، خدا آنها را مورد داوری قرار می‌دهد و می‌فرماید: "دل این قوم را فربه ساز و گوشهای ایشان را سنگین نما و چشمان ایشان را ببند، مبادا با چشمان خود ببینند و با گوشهای خود بشنوند و با دل خود بفهمند و بازگشت نموده، شفا یابند." قوم اسرائیل شاهد معجزات بسیاری بودند و سخنان زیبای فراوانی از انبیا شنیده بودند، ولی تصمیم گرفته بودند قلب خود را نسبت به خدا سخت سازند. آنها به خدا ایمان نیاوردند. به همین دلیل خدا نیز اجازه داد تبدیل به همان افرادی شوند که خود می‌خواستند. خدا اجازه داد چشمان و گوشهای آنها کاملاً بسته بماند. آنها آنچه کاشته بودند، همان را درو کردند.

فریسیان و بسیاری از یهودیان دیگر نیز شاهد معجزات عیسی بوده، تعالیم زیادی از او دریافت کرده بودند، ولی با وجود این به او ایمان نیاوردند. آنها نیز به همان ترتیب داوری خواهند شد (متی ۱۳: ۱۱- ۱۷).
به همین ترتیب امروزه نیز هر انسانی وظیفه دارد که به سخنان خدا که در کتاب‌مقدس نوشته شده است، ایمان بیاورد و نسبت به تعالیم و اعمال عیسی مسیح واکنش نشان دهد. اگر کسی بخواهد مانند فریسیان دائماً از عیسی انتقاد کند و به او ایمان نیاورد، در آن صورت دل او نیز سخت خواهد شد و نخواهد توانست وارد ملکوت خدا شود. ولی هر کس که به سادگی به سخنان عیسی ایمان بیاورد، نباید ترسان باشد. هر قلب خوب و پاکی که نسبت به کلام خدا واکنش مثبت نشان دهد، در کلام رشد خواهد کرد و ثمر خواهد آورد.

قدم ٤: بکار ببرید
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۱۲: ۱- ۵۰ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر (انجیل یوحنا فصل ۱۲)

- ۱۲: ۳ * گاهی هدیه باارزشی را به خدا تقدیم کنید و او را بدین ترتیب احترام بگذارید.
- ۱۲: ٦ * مراقب باشد زمانی که مسئولیت امور مالی را برعهده دارید، مانند یهودا خسیس یا ریاکار نباشید.
- ۱۲: ۱۰ * اگر دشمنان عیسی مسیح در صدد قتل او برآمدند، در صدد کشتن مسیحیان نیز بر خواهند آمد. بنابراین خود را آماده کنید.
- ۱۲: ۱٦ * مواظب باشید نگرشتان راجع به عیسی مسیح مانند نگرش رهبران مذهبی یهود نباشد. آنها نه تنها از کتب مذهبی خود آگاه نبودند (متی ۲۲: ۲۹؛ یوحنا ٥: ۳۹)، بلکه تصورات باطل خود را در مورد مسیح موعود جایگزین کتب آسمانی کرده بودند.
- ۱۲: ۱۷، ۱۹ * روی هم رفته، بیشتر این مردم عادی هستند که خبر خوش عیسی مسیح را در بین دیگران منتشر خواهند کرد، نه رهبران مذهبی. بنابراین بهتر است اجازه دهید مردم عادی پیغام انجیل را به گوش دیگران برسانند.
- ۱۲: ۲۰- ۲۱ * اگر رهبران مذهبی عیسی مسیح را نپذیرند، مردمان عادی او را خواهند پذیرفت. بنابراین پیغام انجیل را به مردم عادی اعلام نمایید.
- ۱۲: ۲٤- ۲٥ * انکار نفس و رنج کشیدن به خاطر مسیح دو صفت بسیار مهم یك فرد مسیحی است.
- ۱۲: ۳۱- ۳۲ * پیغام انجیل را به تمام مردم جهان اعلام کنید، زیرا عیسی مسیح آنها را به سمت خود می‌کشد.
- ۱۲: ٤۲- ٤۳ * مردمی که ایمانی خالص نسبت به عیسی مسیح دارند، حتی زمانی که در جفا هستند نام او را با زبان خود اعتراف خواهند کرد.
- ۱۲: ٤۸ * پیغام انجیل یا هم‌اکنون شما را عادل می‌گرداند، و یا در روز آخر شما را داوری خواهد کرد.

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) من می‌خواهم عیسی مسیح را در زندگی خود در اولویت قرار دهم. من تصمیم گرفته‌ام که در وهله نخست نسبت به او احساس تعهد کنم، نه نسبت به والدین، معلمین یا مقامات دولتی. اگر بین آنچه که خدا حکم می‌کند و آنچه که والدین، معلمین یا سایر قدرتهای حاکم به من دستور می‌دهند تناقضی وجود داشته باشد، در آن صورت من از احکام مسیح اطاعت خواهم کرد.
ب) من می‌خواهم عیسی مسیح را در زندگی خود خدمت کنم، هرچند می‌دانم که راه صلیب، طریق رنج و انکار نفس است. من متعهد شده‌ام که صلیب خود را برداشته، از عیسی پیروی کنم. من حاضرم که به خاطر عیسی و ملکوت او در این جهان، متحمل سختیها، طردشدنها، جفاها و حتی مرگ بشوم. ولی همواره بیاد خواهم داشت که طریق صلیب به پادشاهی خدا ختم می‌شود. تنها در مسیر خدمت است که زندگی من نجات خواهد یافت. تنها در مسیر خدمت و رنج کشیدن است که خدای پدر مرا حرمت خواهد کرد.

قدم ٥: دعا کنید
در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۱۲: ۱- ٥۰ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

٥	**دعا (٨ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

٦	**تکلیف منزل (٢ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
٢ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ١٢ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
٣ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از لوقا ١٥: ١- ١٨: ١٧ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (وفادارماندن: امثال ٣: ٣- ٤) را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
٥ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ٣).
٦ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۲۹

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **لوقا**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (لوقا ۱۵: ۱- ۱۸: ۱۷) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: ازدواج مسیحی**

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: وفادارماندن: امثال ۳: ۳- ٤

٤	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **آموزش مسیحیان نوایمان از طریق ارائه کمك شخصی**

مقدمه: موضوع این درس، تعلیم دادن به مسیحیان نوایمان از طریق ارائه کمکی شخصی به آنها می‌باشد. در این درس، یکی از راه‌هایی را که از طریق آن مسیحیان بالغتر می‌توانند به رشد ایمان مسیحیان نوایمان کمك کنند، بررسی خواهیم کرد.

الف - اهمیت کمك شخصی

۱- کمك شخصی چیست؟

تعلیم دهید: "کمك شخصی" در این درس، کمکی است که از سوی یك ایماندار بالغتر به یك مسیحی نوایمان عرضه می‌شود و باعث می‌شود مسیحی تازه‌ایمان در ایمان خود رشد کرده، به شاگرد عیسی مسیح تبدیل شود. در واقع این شخص تازه‌ایمان کمکی را دریافت می‌کند که مطابق با نیازها و شخصیتش است. یك ایماندار بالغ می‌تواند از طریق کتاب‌مقدس و با نشان دادن محبت و توجه مسیحایی از طریق رابطه شخصی، به رشد ایمان یك مسیحی نوایمان کمك کند.

۲- نمونه‌هایی از کمك شخصی در کتاب‌مقدس

مقدمه: اگرچه مواردی که در زیر بدانها اشاره می‌شود همگی نمونه‌هایی از خدمت مسیح هستند، عیسی مسیح در شاگردانش این انگیزه را ایجاد کرد که از نمونه او پیروی کنند. این نمونه‌ها به این منظور عنوان شده‌اند که افکار ما را در رابطه با برخی از جوانب مربوط به کمك شخصی برانگیزانند.

الف) به کسی که مایل است نجات بیابد، به طور شخصی کمك کنید.
بخوانید: لوقا ۱۹: ۱- ۱۰
کشف و گفتگو کنید: عیسی به هنگام ملاقات با زکی، چه کاری انجام داد؟
ملاحظات: عیسی مسیح به جهان آمد تا انسانهایی را که گمشده هستند، بجوید و آنها را نجات دهد. زکی گمشده بود، ولی عیسی او را پیدا کرد. زکی یك باجگیر بود. او شخص بسیار ثروتمندی بود، زیرا سر مردم کلاه گذاشته بود و آنها را وادار کرده بود که بیش از اندازه مالیات بپردازند. وقتی عیسی وارد شهر او شد، او نیز مایل بود عیسی را ببیند. دلیلش را نمی‌دانیم. شاید به

خاطرکارهای بدی که انجام داده بود، احساس تقصیر می‌کرد. در هر صورت عیسی از نیاز واقعی زکی مطلع بود، به همین جهت پیشقدم شد و به او پیشنهاد کرد که برای ملاقات با او به خانه‌اش برود. زکی در طی مصاحبت با عیسی، نزد او به گناهان خود اعتراف کرد و گفت: "الحال ای خداوند نصف مایملك خود را به فقرا می‌دهم و اگر چیزی به ناحق از کسی گرفته باشم، چهار برابر بدو پس می‌دهم." عیسی به او کمك کرد تا نجات بیابد، و به او گفت: "امروز نجات در این خانه پیدا شد...پسر انسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات بخشد." یکی از جوانب مهم کمك شخصی این است که به افراد کمك کنیم تا نجات بیابند.

ب) <u>به کسی که مایل است در مورد عیسی بیشتر بداند، به طور شخصی کمك کنید.</u>
بخوانید: لوقا ۱۰: ۳۸- ٤۲؛ دوم قرنتیان ٤: ۱٦- ۱۸
کشف و گفتگو کنید: فکر می‌کنید "آن چیزی" که مردم بدان احتیاج دارند چیست؟
ملاحظات: "آن چیزی" که مردم واقعاً بدان نیاز دارند، نشستن در زیر پایهای عیسی و تعلیم گرفتن از او است. ما نمی‌دانیم که نیاز اصلی مریم چه بود یا عیسی چه نکته‌ای را به او تعلیم داد. ولی می‌دانیم که عیسی به این کار خیلی اهمیت می‌داد. عیسی فرمود که کمك شخصی مریم در مقایسه با انجام کارهای روزانه کار بسیار مهمتری است. این موضوع بسیار مهم است زیرا مسیحیان باید به چیزهای نادیدنی چشم بدوزند، نه به چیزهای دیدنی. بنابراین یك ایماندار قدیمی‌تر می‌تواند به یك شخص نوایمان کمك کند تا به اتفاق یکدیگر "در زیر پایهای عیسی بنشینند" و از تعالیم او بهره‌مند شوند. یکی از جوانب مهم کمك شخصی این است که به اتفاق دیگران، از عیسی تعلیم بگیریم.

پ) <u>به کسی که در یک رابطه دچار شکست شده است، به طور شخصی کمك کنید.</u>
بخوانید: یوحنا ۱۳: ۳۷؛ ۲۱: ۱۵- ۱۹
کشف و گفتگو کنید: عیسی به هنگام ملاقات با پطرس در دریاچه جلیل، چه کاری انجام داد؟
ملاحظات: عیسی قدم اول را جهت ملاقات با او برداشت و رابطه‌ای را که میان آنها از هم گسسته بود، احیا کرد. پطرس تا قبل از مصلوب شدن عیسی به این امر افتخار می‌کرد که همواره وی را پیروی خواهد کرد، ولو آنکه لازم باشد بخاطر اینکار جفا ببیند یا کشته شود. او گفته بود که: "جان خود را در راه تو خواهم نهاد". ولی به هنگام مصلوب شدن عیسی، او نیز همچون دیگر شاگردان عیسی فرار کرد. پطرس در زمان محاکمه عیسی، سه بار او را انکار کرد و گفت که عیسی را نمی‌شناسد و جزو شاگردان او نیست. این عمل پطرس بین او و عیسی مسیح جدایی ایجاد کرد. پس از اینکه عیسی از میان مردگان قیام نمود، به طور شخصی با پطرس صحبت کرد و گفت: "پطرس، آیا مرا واقعاً محبت می‌نمایی؟" عیسی سه بار این سؤال را از پطرس پرسید و هر سه بار وظیفه واحدی را بر عهده او نهاد: "گوسفندان مرا شبانی کن و آنها را خوراك ده". عیسی از نیاز واقعی پطرس آگاه بود. پطرس قبل از مرگ عیسی سه بار خداوند خود را انکار کرده بود. او اکنون نیاز به بخشش داشت و لازم بود رابطه‌اش با عیسی احیا شود. عیسی قدم اول را به منظور کمك به پطرس در زمینه نیاز شخصی‌اش برداشت. او پطرس را بخشید و بار دیگر او را به عنوان یکی از شاگردان و همکاران خود پذیرفت. بنابراین یکی دیگر از جنبه‌های کمك شخصی این است که به نیازهای خاصی که یك فرد دارد رسیدگی نماییم.

۳- <u>جنبه‌های عملی کمك شخصی</u>

الف) <u>اعلام کردن، نصیحت نمودن و تعلیم دادن در کمك شخصی</u>
بخوانید: کولسیان ۱: ۲۸- ۲۹
کشف و گفتگو کنید: کمك شخصی پولس متشکل از چه مواردی بود؟
ملاحظات: پولس می‌فرماید: "پس به هرجا که می رویم، با هرکس که مشتاق شنیدن باشد درباره مسیح سخن میگوییم و به هر طریقی ایشان را هشدار و تعلیم می دهیم تا همه را بصورت افرادی بالغ در مسیح، به حضور خدا تقدیم کنیم. کار من همین است و در این راه زحمت میکشم و با تمام نیرویی که مسیح عطا میکند، در این زمینه تلاش و کوشش میکنم." این کاری بود که پولس در نظر داشت در مورد همه انجام دهد. جنبه عملی کمك پولس شامل موارد زیر می‌شد:
۱) پولس پیام عیسی مسیح را به همگان اعلام می‌نمود. او آشکارا اعلام می‌داشت که عیسی مسیح تنها نجات دهنده و خداوند است. یك مسیحی بالغ نیز وقتی می‌خواهد به رشد روحانی یك مسیحی نوایمان کمك کند، باید تنها مسیح را به عنوان یگانه منشأ، وسیله و هدف نهایی نجات و بلوغ روحانی ابنا بشر اعلام نماید (رومیان ۱۱: ۳٦). البته، ایماندار بالغتر می‌تواند با فرد نوایمان در رابطه با موضوعاتی که برای وی حائز اهمیت است - مثلاً اینکه فلاسفه می‌توانند چه تأثیری بر افکار بشر داشته باشند - بحث و گفتگو کند. ولی باید در نظر داشت که آنچه باعث نجات انسانها می‌شود و به آنها کمك می‌کند تا در مسیر بلوغ رشد کنند و به شباهت مسیح درآیند، نه فلاسفه بلکه انجیل عیسی مسیح است (اول قرنتیان ۱: ۲۰- ۲۵).
۲) پولس همگان را نصیحت می‌کرد. "نصیحت کردن" به طور لغوی به این مفهوم است که کلماتی خاص را از طریق تعلیم، هشدار، انگیزش یا تشویق کسی در فکر او حکاکی کنیم. پولس در این مورد که چگونه دیگران را نصیحت می‌کرد، نمونه‌هایی بیان می‌کند. در دوم قرنتیان ٥: ۲۰، او از مردم استدعا می‌کند که با خدا مصالحه کنند. بر طبق اعمال ۲۰: ۳۱، او سه سال شبانه‌روز با اشك و آه پیوسته به تك تك رهبران مسیحی افسس هشدار می‌داد. کمك پولس در اول تسالونیکیان ۲: ۷، ۱۱- ۱۲ به طرز بسیار زیبایی عنوان شده است: "بلکه در میان شما به ملایمت به سر می‌بردیم، مثل دایه‌ای که اطفال خود را می‌پرورد.

چنانکه می‌دانید که هر يك از شما را چون پدر، فرزندان خود را نصيحت و دلداری می‌نموديم، و وصيت می‌كرديم كه رفتار بكنيد بطور شايسته خدايی كه شما را به ملكوت و جلال خود می‌خواند."
۳) پولس به هر شخصی تعليم می‌داد. "تعليم دادن" يعنی بيان حقايق كتاب‌مقدس به گونه‌ای منظم و عملی. بين نصايح و تعاليم پولس و آموزه‌ها و اخلاقيات او تفاوت فاحشی وجود نداشت. تعاليم پولس به هدف نصيحت كردن و اندرز دادن به ديگران بود و نصايح او نيز ريشه در تعاليمش داشت. بنابراين، پولس همواره مسيح را به عنوان كسی معرفی می‌كرد كه نجات دهنده بشر، الگوی زندگی انسان، و خداوندی است كه بايد از او اطاعت كرد. در واقع مسيح تنها می‌تواند برای كسانی نمونه و الگو باشد كه او را به عنوان نجات دهنده و خداوند زندگی خود می‌پذيرند. غير مسيحيانی كه صرفاً برای عيسی مسيح احترام قائلند ولی او را به عنوان نجات دهنده و خداوند خود نمی‌پذيرند، نمی‌توانند از اسارت گناهان خود آزاد شده، عيسی را پيروی نمايند.

ب) <u>رابطه موجود ميان تعليم دادن و نصيحت كردن</u>
بين آنچه كه پولس در رابطه با شخصت مسيح و كار او تعليم می‌داد و نصايح و اندرزهايی كه به ديگران می‌كرد، همواره ارتباط وجود داشت.
كشف و گفتگو كنيد: پولس در اين قسمتها از كتاب مقدس چه تعاليم و نصايحی را بيان می‌كند؟
۱) **بخوانيد:** روميان ۱۵: ۲- ۳. پولس تعليم می‌دهد: "مسيح خوشی خود را طالب نمی‌بود". بنابراين او ما را نصيحت می‌كند كه : "هر يك از ما بايد همسايه خود را خشنود سازيم".
۲) **بخوانيد:** افسسيان ۵: ۲. او تعليم می‌دهد: "مسيح ما را محبت نمود و خود را برای ما فدا كرد". بنابراين نصيحت پولس اين است كه: "در محبت رفتار نماييم".
۳) **بخوانيد:** كولسيان ۳: ۱۳. پولس تعليم می‌دهد: "مسيح شما را آمرزيد". بنابراين او ما را نصيحت می‌كند كه: "يكديگر را عفو كنيم". پولس وظيفه اعلام پيام انجيل، تعليم دادن و نصيحت نمودن مردم را بسيار حكيمانه انجام می‌داد. "حكمت" يعنی استفاده از بهترين شيوه ممكن به منظور نائل شدن به والاترين هدف. نيز حكمت بدين معنا است كه حقيقت را در زمان مناسب و به طريقی درست، در مورد زندگی يك شخص يا در مورد شرايطی خاص بكار ببنديم.

پ) <u>مسئوليتهايی كه در قبال ديگران بر عهده داريم.</u>
كشف و گفتگو كنيد: برخی از جوانب عملی كمك شخصی كه هر فرد مسيحی بايد آماده ارائه آن باشد، چيست؟
بخوانيد: غلاطيان ۶: ۲؛ ۱ تسالونيكيان ۵: ۱۱؛ عبرانيان ۱۰: ۲۵.
ملاحظات: در بسياری از قسمتهای عهد جديد در رابطه با "وظايفی كه مسيحيان در قبال يكديگر دارند"، می‌خوانيم. به عنوان مثال، می‌خوانيم كه: "بارهای يكديگر را متحمل شويد"، "يكديگر را تشويق كنيد"، و "در ديگران جهت انجام اعمال نيك انگيزه ايجاد كنيد". مسيحيان بالغ بايد در تمام اين موارد به طور شخصی به مسيحيان نوايمان كمك كنند.

۴- هدف از ارائه كمك شخصی

كشف و گفتگو كنيد: هدف از ارائه كمك شخصی چيست؟
بخوانيد: كولسيان ۱: ۲۸- ۲۹؛ اول قرنتيان ۱: ۸- ۹؛ ۳: ۵- ۷؛ فيليپيان ۱: ۶.
ملاحظات: هدف از ارائه كمك شخصی، بلوغ روحانی است. هدف اين است كه هر مسيحی در عيسی مسيح تبديل به فردی "كامل" شود. در متن اصلی كتاب‌مقدس كلمه "كامل" را می‌توان به مفهوم "پايان" يا "بالغ" نيز ترجمه كرد. اين كلمه هم به زمان و هم به درجه چيزی اشاره می‌كند:

الف) <u>وقتی كه كلمه "كامل" به زمان اشاره می‌كند، از نظر لغوی به مفهوم "انتها يا پايان" می‌باشد.</u>
در ۱ قرنتيان ۱: ۸، پولس می‌فرمايد: "خدا شما را تا به آخر استوار خواهد فرمود". عمل خدا در زندگی يك مسيحی تا به انتها ادامه خواهد يافت، يعنی تا زمان بازگشت مسيح. خدا وفادار است و او وفادارانه آنچه را كه وعده داده است، انجام خواهد داد.

ب) <u>وقتی كلمه "كامل" به درجه چيزی اشاره می‌كند، به مفهوم "بدون تقصير، بی‌ملامت، بالغ و كامل" می‌باشد.</u>
عمل خدا در زندگی يك فرد مسيحی منجر به بلوغ كامل او شده، او را تبديل به فردی می‌كند كه از هر لحاظ كامل و بی‌عيب و تقصير است. كمك به يك مسيحی نوايمان مستلزم وقت و تلاش زيادی است. با اين حال، خدا وعده داده است كه او خود كار را به كمال خواهد رساند، و اين حقيقت به مسيحيان اطمينان عالی می‌بخشد. اگرچه گاهی به نظر می‌رسد كه يك فرد مسيحی به حد بلوغ رشد نخواهد كرد و تبديل به شخصی بی‌تقصير و بی‌ملامت نخواهد شد، ولی خدا وعده داده است كه در زمان بازگشت مسيح، هر فرد مسيحی بطور كامل بالغ و بی‌ملامت خواهد بود.
يك خادم مسيحی با خدا هم‌هدف است. در اول قرنتيان ۳: ۶ پولس می‌فرمايد: "من دانه را كاشتم و اپلس آن را آبياری كرد لكن خدا آنرا نمو بخشيد." خدا از مسيحيان بالغ برای رشد مسيحيان نوايمان استفاده می‌كند، ولی در نهايت اين خود خدا است كه رشد و نمو فرد نوايمان را باعث می‌شود. در اول قرنتيان فصل ۳، پولس به مردم قرنتس بشارت می‌دهد، ولی اين خود خدا است كه آنها را از نظر روحانی احيا می‌نمايد. اپلس آنها را شاگردسازی كرد، ولی خدا عامل اصلی رشد و بلوغ آنها بود. خدا عمل نيكويی را كه در آنها شروع كرده است تا زمان بازگشت خود ادامه خواهد داد. و آنها در آن زمان افرادی كامل خواهند بود.

ب - محتوای کمك شخصی

مقدمه: وقتی می‌خواهید به طور شخصی به کسی کمك کنید، خوب است بدین منظور از ٥ قدم عملی زیر استفاده کنید.

قدم اول: برای مسیحی نوایمان دعا کنید.

کشف و گفتگو کنید: بهنگام کمك به یك مسیحی نوایمان، چه دعایی می‌توانید برایش بکنید؟
الف) **بخوانید:** یوحنا ٦: ٤٤. خدا را شکر کنید که این شخص را به سمت خود کشیده و او را نجات داده است.
ب) **بخوانید:** کولسیان ١: ٢- ١٤. خدا را به خاطر پیشرفت روحانی این شخص، و برای ایمان، محبت و امیدی که دارد، شکر کنید. خدا را برای خادمین مسیحی که پیغام انجیل را به او وعظ کرده‌اند و او را تعلیم می‌دهند، شکر کنید. خدا را برای زندگی و خدماتی که خود این شخص در کلیسا انجام می‌دهد، شکر کنید. برای این منظور می‌توانید از نمونه دعایی که پولس برای مسیحیان کولسی کرد (کولسیان ١: ٩- ١٢)، کمك بگیرید و برای رشد، زندگی و خدمت مسیحی نوایمان دعا کنید. در این قسمت، پولس برای معرفت، حکمت، رفتار، رشد و خدمت پرثمر آنها دعا می‌کند.
پ) **بخوانید:** لوقا ٢٢: ٣١- ٣٢. شما نیز می‌توانید مثل عیسی برای نیازهای شخصی مسیحی نوایمان دعا کنید.
ت) **بخوانید:** متی ٦: ٩- ١٠. دعا کنید تا مسیحی نوایمان اراده خدا را آنگونه که در کتاب‌مقدس آمده است، درك کند و اجازه دهد که خدا در قلب او سلطنت نموده، در زندگی او جلال بیابد. وقتی که شما برای یك مسیحی نوایمان دعا می‌کنید، از خود بپرسید: "خدا از من می‌خواهد چه دعایی برای او بکنم که باعث تشویق او شود؟"

قدم دوم: در مورد پیشرفتهای خود با مسیحی نوایمان گفتگو کنید.

کشف و گفتگو کنید: وقتی به طور شخصی به یك مسیحی نوایمان کمك می‌کنید، چه مواردی را می‌توانید با یکدیگر در میان بگذارید؟
ملاحظات: با یکدیگر در مورد پیشرفتهایی که در زندگی روحانی خود داشته‌اید و همچنین در مورد کشمکشهای زندگی، به گفتگو بپردازید و یکدیگر را تشویق کنید. مسیحی بالغتر باید در مورد چگونگی رشد ایمان خود با مسیحی نوایمان صحبت کند تا بدینوسیله الگوی خوبی برای او باشد.
الف) **بخوانید:** اول تیموتاؤس٤: ١٥. با یکدیگر در رابطه با کارهایی که جهت رشد هر چه بیشتر در ایمان‌تان انجام می‌دهید، گفتگو کنید. به عنوان مثال، برکاتی را که در نتیجه مطالعه کلام خدا در طول هفته گذشته بدست آورده‌اید، با هم در میان بگذارید. آیه حفظی را که به خاطر سپرده‌اید با یکدیگر مرور کنید. در رابطه با وقایع مربوط به خانواده، ازدواج و کار خود با هم صحبت کنید، و در مورد خدمات خود در کلیسا یا در ملکوت خدا، با یکدیگر گفتگو نمایید.
ب) **بخوانید:** رومیان ١: ١٢. در این قسمت می‌خوانیم: "تا در میان شما تسلی یابیم از ایمان یکدیگر". از طریق گفتگو کردن در رابطه با ایمان‌تان، باعث تشویق و بنای یکدیگر شوید. به عنوان مثال، وعده‌های کتاب‌مقدس را برای هم بازگو کنید. در رابطه با آنچه که خدا در جهت تقویت ایمانتان برای شما انجام داده است، گفتگو کنید. دید و نقشه‌های خود را در مورد آینده با مسیحی نوایمان در میان بگذارید و به او بگویید که چگونه آینده زندگی خود را بدست خدا سپرده‌اید و در این مورد به او اعتماد دارید. وقتی چنین مواردی را با او در میان می‌گذارید، از خود بپرسید: "من چگونه می‌توانم به او کمك کنم تا از نظر روحانی رشد کند و در ایمان بنا شود؟"

قدم سوم: کلام خدا را تعلیم دهید.

کشف و گفتگو کنید: وقتی می‌خواهید به طور شخصی به یك مسیحی نوایمان کمك می‌کنید، چه مواردی را می‌توانید به او تعلیم دهید؟
ملاحظات: به مسیحی نوایمان کلام خدا را تعلیم دهید. به یاد داشته باشید که خدا در متی ٢٨: ١٩- ٢٠، به مسیحیان بالغتر حکم می‌کند که "به مسیحیان نوایمان تمام اموری را که خدا حکم کرده است، تعلیم دهید".
الف) **بخوانید:** متی ٢٨: ١٩- ٢٠. موضوعی را از کتاب‌مقدس با یکدیگر بررسی نمایید. از قسمتهای مختلف این دوره شاگردسازی جهت تعلیم و آموزش او استفاده کنید. مهمترین نکته این است که در یکدیگر انگیزه ایجاد کنید تا بتوانید حقایق کتاب‌مقدس را عملاً در زندگیهای خود بکار ببندید.
ب) **بخوانید:** دوم قرنتیان ١٣: ١٠. نکته مهمی که باید به خاطر داشته باشید این است که بیشتر باید بر نقاط قوت یك مسیحی نوایمان متمرکز شوید و در صدد تقویت این نکات باشید، نه اینکه بر روی نقاط ضعفش تأکید کنید. به عنوان مثال، اگر نقطه قوت او در زمینه بررسی کتاب‌مقدس است ولی نقطه ضعفش این است که نمی‌تواند آیات کتاب‌مقدس را به خوبی به خاطر بسپارد، در آن صورت او را در زمینه مطالعه و بررسی کلام خدا تشویق کنید و در عین حال، برای پیشرفتی هم که در زمینه حفظ آیات کتاب‌مقدس داشته است او را تشویق نمایید. بر نقاط ضعف فرد نوایمان تأکید نکنید زیرا در این صورت احساس عدم امنیت خواهد کرد و همیشه از اینکه مبادا مرتکب اشتباه شود، در ترس خواهد بود. سعی کنید مشوق خوبی برای او باشید. وقتی

می‌خواهید در زمینه بررسی و مطالعه کتاب‌مقدس به یك مسیحی نوایمان كمك می‌كنید، از خود بپرسید: "نقاط قوت او چه هستند و من چگونه می‌توانم او را در این زمینه كمك كنم؟ چگونه می‌توانم برای او مشوق خوبی باشم؟

قدم چهارم: راجع به سؤالات شخصی او با هم گفتگو كنید.

كشف و گفتگو كنید: عیسی مسیح چگونه به سؤالات شاگردانش پاسخ می‌داد؟
الف) **بخوانید:** متی ۱۹: ۳- ٦. عیسی گاه با استناد به آیات كتاب‌مقدس به سؤالات آنها پاسخ می‌داد. او سخنان خدا را به یاد شاگردانش می‌آورد و از روی كلام خدا به آنها پاسخ می‌داد.
ب) **بخوانید:** لوقا ۱۰: ۲۵- ۲٦. گاهی اوقات عیسی سؤال آنها را نه صرفاً با استناد به آیات خاصی از كتاب مقدس، بلكه با پرسیدن سؤالی دیگر پاسخ می‌داد. عیسی می‌خواست بداند شاگردانش راجع به آنچه كتاب‌مقدس در پاسخ سؤال ایشان تعلیم می‌دهد، چه اطلاعی دارند. او به جوابهایی كه آنها از كتاب‌مقدس می‌دادند گوش می‌داد و اگر پاسخ درستی می‌دادند آنها را تشویق می‌كرد كه در زندگی خود مطابق همین پاسخ عمل كنند.
پ) وقتی كه شما به طور شخصی به یك مسیحی نوایمان كمك می‌كنید، به او فرصت دهید تا راجع به مواردی كه مایل است در مورد آنها بحث و گفتگو كند از شما سؤالاتی بپرسد. به سؤالات و حتی به مشكلات او به دقت گوش دهید. خودتان نیز سؤالاتی از او بپرسید و از این طریق او را ترغیب كنید آنچه كه در فكر و قلب خود دارد با شما در میان بگذارد.
پس از اینكه به سخنان او گوش دادید، با استفاده از طرق زیر به او مشورت دهید:
۱) بهتر است پاسخهای شخصی خود را برای او بازگو نكنید، زیرا چنین پاسخهایی برخاسته از عقاید شخصی خودتان هستند و ممكن است لزوماً در مورد او صدق نكنند.
۲) بهتر است به او فرصت دهید كه پاسخ سؤالاتش را در كتاب‌مقدس بیابد. به مسیحی نوایمان اجازه دهید كه خودش حقیقت را كشف كند و آن را شخصاً در زندگی خود به كار بگیرد. تنها كاری كه شما می‌توانید انجام دهید این است كه او را راهنمایی كنید تا قسمتی از كتاب‌مقدس را كه به سؤال یا مشكل خاصی كه عنوان كرده مربوط می‌شود، مطالعه كند. وقتی این فرد نوایمان حقیقت را كشف كرد و پاسخ سؤالات خود را یافت، این پاسخها جزو عقاید شخصی خود او خواهد شد و بنابراین هیچگاه آنچه را كه از خدا تعلیم یافته از یاد نخواهد برد. وقتی به یك مسیحی نوایمان مشورت می‌دهید، از خود بپرسید: "كدام قسمت از كتاب‌مقدس بیشترین كمك را در زمینه یافتن پاسخی مناسب به سؤالات و مشكلاتش به او می‌كند؟"

قدم پنجم: با یكدیگر دعا كنید.

تعلیم دهید: سرانجام، با یكدیگر دعا كنید. ابتدا از فرد مسیحی نوایمان بخواهید كه دعا كند و نسبت به آنچه كه در طی روز از كلام خدا آموخته است در دعا واكنش نشان دهد. او در رابطه با حقایقی دعا خواهد كرد كه در جریان ملاقاتی كه با هم داشته‌اید برایش باز شده است. دعای او به شما كمك خواهد كرد كه بفهمید خدا دارد در زندگی او چه كاری انجام می‌دهد، و از این طریق خواهید توانست دعا و كمكهای شخصی خود را به بهترین وجه با او ادامه دهید. خود شما نیز باید به عنوان یك مسیحی بالغتر در مورد آنچه كه خدا در آن روز به شما آموخته است دعا كنید. وقتی كه این مسیحی نوایمان رفته رفته در ایمان خود بیشتر رشد كرد، می‌توانید با یكدیگر برای سایر مردم نظیر خانواده، دوستان و همكاران خود دعا كنید تا آنها نیز حقیقت را بشناسند و نجات یابند.

پ - <u>پیشنهادات عملی در رابطه با كمك شخصی</u>

۱- <u>شما باید به چه كسی به طور شخصی كمك كنید؟</u>

كشف و گفتگو كنید: چه كسی باید كمك شخصی را دریافت كند؟
ملاحظات: با توجه به اینكه هر خادم مسیحی وقت و توان محدودی دارد، هیچ كدام از خادمین قادر نخواهند بود به طور مرتب زمان مشخصی را جهت كمك به افراد تحت شبانی آنها اختصاص دهند. بنابراین بر مسیحیان بالغتر و قدیمی‌تر است كه به افرادی كه بیشترین نیاز را دارند، به طور شخصی كمك كنند.
الف) <u>كسانی كه با مشكلات و سؤالاتی خاصی دست به گریبانند.</u>
بخوانید: اول تسالونیكیان ۵: ۱٤. این قسمت تعلیم می‌دهد: "سركشان را تنبیه نمایید و كوتاه‌دلان را دلداری دهید و ضعفا را حمایت كنید و با جمیع مردم تحمل كنید". شما باید به افرادی كه خود را با مسائل یا سؤالات بخصوصی مواجه می‌بینند و مایلند آنها را با شما در میان بگذارند، به طور شخصی كمك كنید.
ب) <u>كسانی كه از شركت در جلسات غافل می‌مانند.</u>
بخوانید: عبرانیان ۱۰: ۲۵ تعلیم می‌دهد: "از با هم آمدن در جماعت غافل نشویم چنانكه بعضی را عادت است، بلكه یكدیگر را نصیحت كنیم و زیادتر به اندازه‌ای كه می‌بینید كه آن روز نزدیك می‌شود". مسیحیان بالغتر و قدیمیتر باید به افرادی كه از شركت در جلسات غافلند و همچنین به افرادی كه در زمینه بررسی قسمت خاصی از كتاب‌مقدس دچار مشكل هستند، به طور شخصی كمك كنند.

پ) کسانی که امین و وفادار و تعلیم‌پذیرند.
بخوانید: دوم تیموتاؤس ۲: ۱- ۷. پولس تیموتاؤس را ترغیب می‌کند تا در فیضی که در مسیح عیسی است زورآور و قوی باشد، و آنچه را که از پولس آموخته است به دیگر مسیحیانی نیز که آماده یادگیری هستند، تعلیم دهد؛ همچون سرباز مسیح متحمل سختیها باشد؛ همواره در پی جلب خشنودی فرمانده خویش، عیسی مسیح باشد؛ همانند يك ورزشكار با اتكا بر اصول و قوانین الهی که در کتاب‌مقدس نوشته شده است، دوره خود را به پایان برساند و مانند يك كشاورز با جدیت در مزرعه خدا کار کند. مسیحیان بالغتر و قدیمی‌تر باید به کسانی که وفادار و تعلیم‌پذیر هستند، به طور شخصی كمك كنند.

۲- كمكی شخصی را چه زمانی باید ارائه داد؟

تعلیم دهید: چه زمانی باید به دیگران كمك شخصی كرد؟ این موضوع تا اندازه زیادی به بلوغ، ظرفیت، رغبت و آمادگی شما جهت تعلیم و تربیت دیگران و نیز به دعوتی که خدا از شما دارد، بستگی دارد. این موضوع همچنین به این بستگی دارد که شما تا چه اندازه در زندگی شخص مقابل دخیل هستید. به عنوان مثال، اگر شما تنها فرد مسیحی هستید که با این مسیحی نوایمان در تماس است، در آنصورت باید حداقل یکبار در هفته به ملاقات او بروید تا بدینوسیله بتوانید با او گفتگو كرده، به او تعلیم دهید، سؤالاتش را پاسخ گویید و با هم دعا کنید. ولی اگر این مسیحی نوایمان در جلسات و مشاركتهای مختلف کلیسایی و همچنین در جلسات خانگی یا كلاسهای شاگردسازی شركت می‌كند، در آنصورت تنها لازم است هر وقت نیاز مبرمی پیش آمد به ملاقات او بروید.

۳- كمكی شخصی را چگونه باید ارائه داد؟

بخوانید: متی ۲۰: ۲۵- ۲۸؛ لوقا ۲۲: ۲٤- ۲۷؛ عبرانیان ۱۰: ۲٤- ۲۵
كشف و گفتگو كنید: كمك شخصی باید چگونه ارائه شود؟
ملاحظات: عیسی تعلیم می‌دهد که مسیحیان قدیمی‌تر و بالغتر نباید بر مسیحیان نوایمان حكمرانی کنند، زیرا تنها افراد خدانشناس چنین می‌کنند. عیسی به هیچ خادم مسیحی اجازه نمی‌دهد بر مسیحی دیگری حكم كند. خادمین مسیحی تنها مجاز میباشند که به مسیحیان دیگر تعلیم دهند و آنها را نصیحت کنند. آنها نباید مسیحیان را به انجام کاری وادار کنند، بلكه باید آنها را ترغیب و تشویق کنند که اصل محبت را در تمام روابط خود به جا آورند و اعمال نيك انجام دهند. كمك شخصی باید به منظور تشویق دیگران و به جهت بنای ایمان آنها باشد.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به كلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیكه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تكلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تكلیف را بین اعضای گروه پخش كنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای كلیسا متعهد باشید.
۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " تعلیم به مسیحیان نوایمان از طریق ارائه كمك شخصی" را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از يك فصل از لوقا ۱۸: ۱۸- ۲۱: ۳۸ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - حفظ كردن - هر روز مجموعه "ازدواج مسیحی" را مرور کنید.
٥ - بررسی كتاب‌مقدس - درس بعدی بررسی كتاب مقدس (یوحنا فصل ۱۳) را در خانه آماده کنید. از روش ٥ قدم بررسی كتاب مقدس استفاده كنید.
٦ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ۳).
۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای كلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود كنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تكلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۳۰

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) لوقا

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (لوقا ۱۸: ۱۸- ۲۱: ۳۸) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: ازدواج مسیحی

مرور: دو نفری ۵ آیه حفظی مربوط به "ازدواج مسیحی" را مرور کنید.

٤	بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۱۳: ۱- ۳۸

مقدمه: فصل ۱۳ یوحنا، خدمت پایانی عیسی مسیح در طی هفت هفته ماههای آوریل و می سال ۳۰ میلادی را بازگو می‌کند. در این فصل، واقعه شام آخر اتفاق می‌افتد که عیسی از طریق آن، خصوصیات واقعی یك شخص خادم را به طرز عملی برای شاگردان خود توصیف نمود و به آنها حکمی جدید داد.

<u>قدم ۱: بخوانید</u>
بخوانید: یوحنا ۱۳: ۱- ۳۸ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت یك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

<u>قدم ۲: کشف کنید</u>
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: یك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

<u>کشف ۱)</u> در یوحنا فصل ۱۳ در رابطه با <u>ارتباط بین عیسی و یهودا</u> حقیقت مهمی برای من وجود دارد.

الف) <u>یهودا فردی متظاهر بود</u>. در یوحنا ٦: ٦٦- ۷۱ می‌خوانیم که بسیاری از شاگردان عیسی از او رویگردان شدند و دیگر او را پیروی نکردند. ولی یهودا با عیسی ماند و وانمود کرد که شاگرد واقعی او است. در آن زمان عیسی فرمود: "آیا من شما دوازده را برنگزیدم و حال آنکه یکی از شما ابلیسی هستید." "ابلیس" یعنی "متهم کننده". عیسی گفت که یکی از آن دوازده شاگرد، برده ابلیس یا آلت دست ابلیس است. این خصوصیت شریرانه یهودا بویژه از آن جهت بود که به دروغ تظاهر کرد

شاگرد عیسی است. با اینکه خیلی‌ها عیسی را ترك کرده بودند و احساس می‌کردند دیگر نمی‌توانند با عیسی و ماهیت روحانی تعالیم او موافق باشند، این مرد یعنی یهودا کماکان با عیسی ماند و چنین به نظر می‌رسید که کاملاً با عیسی موافق و همرأی است. اما عیسی پیشاپیش می‌دانست که یهودا در آینده دست به چه کاری خواهد زد. این امر هشداری است برای کسانی که با آموزه‌ها و تعالیم کلیسایی که به آن تعلق دارند موافق نیستند، ولی ترجیح می‌دهند در همان کلیسا باقی بمانند و سایر اعضا را نیز با خود به ورطه نابودی بکشانند.
سالها بعد که یوحنا انجیل خود را نگاشت، توضیح داد که منظور از این شخص، یهودای اسخریوطی است.

ب) یهودا شخصی حریص و دزد بود. یوحنا ۱۲: ٤- ٦ یهودا را فردی حریص و دزد توصیف می‌کند. مریم برای تدهین عیسی عطر گرانبهایی آورده بود که بسیار قیمت داشت، اما یهودا معتقد بود که این کار مریم اتلاف پول است. او گفت: "برای چه این عطر فروخته نشد تا پول آن به فقرا داده شود؟ زیرا بهای آن معادل مزد سالیانه یك کارگر بود." یوحنا در تعبیر سخن یهودا می‌گوید: "این را از آن رو نگفت که به فکر فقرا بود، بلکه از آنرو که دزد بود و خریطه در حواله او و از آنچه در آن اندوخته می‌شد بر می‌داشت." خودخواهی و پولدوستی یهودا از یك طرف و سخاوتمندی مریم از طرف دیگر هر دو بسیار تکان‌دهنده بودند.

پ) یهودا خیانتکار بود. یوحنا ۱۳: ۲ چگونگی تسلیم شدن عیسی توسط یهودا را توصیف می‌کند. این قسمت می‌فرماید: "ابلیس پیش از آن در دل یهودا نهاده بود که عیسی را تسلیم کند". در میان دوازده شاگرد عیسی، مردی بود که شخصیت بسیار پستی داشت و مصمم بود عیسی مسیح را تسلیم دشمنان کند. کاهنان اعظم و فریسیان دستور داده بودند که هر گاه کسی بداند عیسی کجاست، باید خبر دهد تا او را دستگیر کنند (یوحنا ۱۱: ۵۷). یهودا جداً مصمم بود که عیسی را به دست دشمنانش تسلیم کند. او با دشمنان عیسی تبانی کرده بود که در ازای دریافت سی پاره نقره این کار را برایشان انجام دهد. هیچکدام از شاگردان دیگر از این موضوع خبر نداشتند و حتی به چنین کاری مظنون نیز نشده بودند، بلکه شیطان این نقشه شریر را در فکر او نهاده بود. یهودا پس از مدتها که به عنوان شاگرد عیسی از او پیروی کرده بود، به این نتیجه رسید که شاگرد او بودن دیگر ارزشی ندارد. او شخصی حریص بود و پول را بیشتر از عیسی دوست می‌داشت. او شخصی حسابگر بود و مصمم و مراقب بود که از کنیسه بیرون افکنده نشود (یوحنا ۹: ۲۲)، بلکه در عوض می‌خواست مطابق خواسته‌های مقامات یهود عمل کند و زمان و مکان دستگیری عیسی را به آنها اطلاع دهد.

ت) یهودا برگزیده شده بود، ولی برکت نیافته بود. عیسی در یوحنا ۱۳: ۱۷- ۱۸ به شاگردان خود می‌فرماید که زمانی برکت خواهند یافت که اعمالی را که او به آنها آموخته است انجام دهند. سپس گفت: "درباره جمیع شما نمی‌گویم؛ من آنانی را که برگزیده‌ام می‌شناسم، لیکن تا کتاب تمام شود: آنکه با من نان می‌خورد، پاشنه خود را بر من بلند کرده است". عیسی وقتی بر اساس آنچه در لوقا ٦: ۱۲- ۱۳ آمده است، با دعا دوازده شاگرد خود را برگزید، در مورد انتخاب یهودا اشتباه نکرده بود. او خود فرمود: "من می‌دانم چه کسی را انتخاب کرده‌ام". عیسی تك تك کسانی را که به عنوان شاگردان خود برگزیده بود تا در این جهان شاهد او باشند، می‌شناخت. او از فکر و قلب یهودا نیز به خوبی آگاه بود. او یهودا را برای هدف خاصی انتخاب کرده بود. یهودا برای دریافت نجات مقرر نشده بود. عیسی در تمام این مدت می‌دانست که یهودا شخصی متظاهر و غیر قابل اعتماد است. او یهودا را از این جهت برگزیده بود تا بدینوسیله نبوتی که در عهد عتیق در مورد او شده بود تحقق یابد. این نبوت در مزمور ٤۱: ۹ نوشته شده است. در این آیه داود به مشاور خود، اخیتوفل یا شخصی مشابه اشاره می‌کند. این شخص در صدد بود داود را بکشد. در ۲ سموئیل ۱۵- ۱۷ می‌خوانیم که چگونه اخیتوفل به همراه ابشالوم نقشه قتل داود را برنامه‌ریزی کرده بودند. داود در مزمور ۵۵: ۹- ۱٤ می‌گوید که کسی که به او تهمت زده و بر علیه او قیام کرده است، دشمن نیست بلکه دوست و مشاور اوست که در حق او خیانت کرده است. "ای یار خالص و دوست صدیق من. که با یکدیگر مشورت شیرین می‌کردیم و به خانه خدا در انبوه می‌خرامیدیم". داود خیلی به این شخص خوبی کرده بود. این مرد از برکات سفره داود بهره‌مند شده بود، ولی با وجود همه این محبتها، مثل اسبی که ناگهان صاحب خود را لگد می‌زند، او نیز بی هیچ ترحم به داود ضربه زد. داود دعا کرد و از خدا خواست تا مشورتهای افراد شریری چون اخیتوفل را باطل سازد و سخنان آنها را مغشوش نماید. بر اساس آنچه در مزمور ۵۵: ۹- ۱٤ آمده است، هر که مرتکب خطایی چون خطای اخیتوفل شود، سخت سزاوار مجازات است. این نبوت قطعاً در رابطه با یهودا نیز صادق بود. او تا آن زمان که عیسی را بوسید و او را تسلیم دشمنان کرد، در ظاهر خود را دوست عیسی معرفی می‌کرد. هیچکدام از شاگردان به او مظنون نشده بودند. یهودا شخصی متظاهر و ریاکار بود که مستحق خوار شدن بود. عیسی یهودا را برگزیده بود تا نبوت مربوط به تسلیم شدن او به دشمنان، از طریق وی تحقق یابد.

ث) یهودا بخاطر اعمال خود کاملاً مسؤل بود. در یوحنا ۱۳: ۱۹ عیسی می‌فرماید: "الآن قبل از وقوع به شما می‌گویم تا زمانی که واقع شود باور کنید که من هستم". عیسی به دو دلیل این سخن را بر زبان آورد: اولاً می‌خواست به یهودا اخطار دهد و ثانیاً می‌خواست ایمان شاگردان خود را تقویت کند. عیسی به یهودا اخطار داده بود که با اجرای نقشه قتل او، هیچگاه برکت نخواهد یافت. یهودا می‌بایست این سخن عیسی را جدی می‌گرفت و در مورد آن تأمل می‌کرد. عیسی این سخن را گفت تا بدینوسیله به یهودا بفهماند که مسؤلیت کاری که انجام می‌دهد کاملاً متوجه خود او خواهد بود. ولی از طرف دیگر عیسی می‌خواست ایمان شاگردانش را نیز تقویت کند. او می‌دانست که خیانت یهودا باعث ناراحتی شاگردان خواهد شد و در ایمان آنها اخلال ایجاد خواهد کرد. شاگردان ممکن بود بخاطر خیانت یهودا، در مورد عیسی و نقشه خدا که می‌بایست توسط او به انجام می‌رسید،

دچار شك و تردید شوند. ولی شاگردان وقتی به خیانت یهودا پی بردند، متوجه این حقیقت نیز شدند که عیسی از قبل از تمام این اتفاقات آگاه بوده است و این اتفاق، در واقع تحقق نقشه خداست. عیسی قبل از اینکه به دست دشمنان تسلیم شود، مورد محاکمه قرار گیرد و مصلوب گردد، تمامی این سخنان را به شاگردان خود گفت تا آنها کماکان ایمان داشته باشند که او همانی است که ادعا می‌کند.

ج) یهودا خود را اسیر شیطان ساخته بود. یوحنا ۱۳: ۲۷ می‌فرماید: "شیطان در او داخل گشت". شیطان فکر شریرانه‌ای را در ذهن و قلب یهودا نهاده بود و آن این که به خاطر پول به عیسی خیانت کند. یهودا با شیطان مقاومت نکرد، بلکه بر طبق پیشنهاد او عمل کرد، و بدین ترتیب شیطان وارد قلب او شد. این روشی است که شیطان در مورد کسانی که با او مقاومت نمی‌کنند بکار می‌گیرد. شیطان تمامی وجود این فرد خیانتکار را در سلطه خود گرفت. یهودا تبدیل به فردی سنگدل شد و به هشدار عیسی هیچ اعتنایی نکرد. عیسی برای بار دوم به یهودا هشدار نداد، زیرا کار او با وی به اتمام رسیده بود. وقتی به پایان صرف شام فصح نزدیك می‌شدند، عیسی به یهودا گفت: "آنچه می‌کنی، به زودی بکن". با این که یوحنا و پطرس از شنیدن این خبر که یهودا به عیسی خیانت خواهد کرد سخت متحیر گشته بودند، ولی نمی‌دانستند که یهودا دقیقاً چه کاری خواهد کرد. یهودا در ریا و ظاهرسازی بسیار ماهر بود، بطوری که هیچکدام از شاگردان فکر نمی‌کردند او ممکن است روزی به عیسی خیانت کند. یهودا متوجه شد که نقشه او در حال برملا شدن است، به همین جهت بلافاصله آن مکان را ترك کرد تا نقشه خود را به تحقق برساند. (یوحنا ۱۳: ۲۷- ۳۰).

کشف ۲) در یوحنا فصل ۱۳ در رابطه با ارتباط بین عیسی و پطرس حقیقت مهمی برای من وجود دارد.
در یوحنا ۱۳: ۳۳، عیسی فرموده بود: "اندك زمانی دیگر با شما هستم...جایی که من می‌روم شما نمی‌توانید آمد". افکار پطرس در نتیجه شنیدن سخنان عیسی مغشوش شده بود، به همین جهت از او پرسید: "ای آقا کجا می‌روی؟" عیسی پاسخ داد: "تو اکنون نمی‌توانی به جایی که من می‌روم از پی من بیایی؛ اما بعدها به دنبال من خواهی آمد". عیسی به آسمان اشاره می‌کرد، ولی پطرس متوجه مفهوم سخن او نشد. بر اساس نقشه خدا، لحظه مرگ پطرس هنوز فرا نرسیده بود. در مرقس ١٤: ۲۹ می‌خوانیم که پطرس گفت: "حتی اگر تمام شاگردان دیگر از پیروی عیسی رویگردان شوند و لغزش بخورند، من هرگز لغزش نخواهم خورد." او در مرقس ١٤: ۳۱ به عیسی می‌گوید: "تو را هرگز انکار نخواهم کرد". و در یوحنا ۱۳: ۳۷ می‌گوید: "جان خود را در راه تو خواهم نهاد". پطرس خودش را درست نمی‌شناخت. او بی‌صبرانه می‌خواست عیسی را در تمام رنجهایی که می‌بایست می‌کشید پیروی کند. ولی عیسی به پطرس گفت که او با وجود آنچه اکنون می‌گوید، دقیقاً دست به همان کارهایی خواهد زد که در حال حاضر منکر آن است. اما از آنجا که پطرس به آنچه می‌گفت اطمینان و یقین داشت، متوجه سخنان عیسی نشد. پطرس فکر می‌کرد که جانش را در راه عیسی خواهد نهاد، ولی حقیقت این بود که عیسی باید جان خود را برای پطرس می‌نهاد.

قدم ۳: سؤال
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۱۳: ۱- ۳۸ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۱۳: ۱- ۲) یهودیان چه زمانی شام فصح را برگزار می‌کردند؟
ملاحظات: برخی از مسیحیان در مورد زمان دقیق برگزاری شام فصح دچار سردرگمی هستند. بر طبق اناجیل متی، مرقس و لوقا، عیسی و شاگردانش مراسم شام فصح را عصر پنجشنبه (١٤ نیسان) برگزار کردند، و این زمانی بود که اکثر یهودیان که فریسیان را نیز شامل می‌شد، این شام را صرف می‌کردند. مراسم این شام، شامگاه قبل از مصلوب شدن عیسی در روز جمعه برگزار شد. ولی در یوحنا ۱۸: ۲۸ می‌خوانیم که یهودیان می‌خواستند شام فصح را در عصر روز جمعه (۱۵ نیسان)، یعنی پس از مصلوب شدن عیسی صرف کنند.
بین انجیل یوحنا و اناجیل دیگر تناقضی وجود ندارد، زیرا شام فصح در دو روز صرف می‌شد. بر طبق شریعت عهد عتیق، شام فصح باید در روز ۱۵ ماه نیسان، یعنی تقریباً ماه آوریل، صرف می‌شد. ولی وقتی این روز با روز سبت مصادف می‌شد (عصر جمعه تا عصر شنبه)، فریسیان و اکثر یهودیان آن را یك روز زودتر برگزار می‌کردند، تا مبادا روز سبت را رعایت نکرده باشند. ولی صدوقیان که اکثر کاهنان به این گروه تعلق داشتند، در مورد این موضوع حساسیت خاصی نداشتند و همیشه این مراسم را در روز پانزدهم برگزار می‌کردند، ولو آنکه مصادف با روز سبت بود. بنابراین اناجیل متی، مرقس و لوقا و نیز یوحنا فصل ۱۳ به رسم فریسیان اشاره می‌کنند، و حال آنکه یوحنا فصل ۱۸ به رسم صدوقیان اشاره دارد. به علاوه، اصطلاح "عید فصح" که در یوحنا ۱۳: ۲۹ بکار رفته است، همواره به کل هفت روز جشن دلالت دارد (یوحنا ۲: ۲۳؛ ٤: ٤٥؛ ۱۲: ۱۲).

سؤال ۲) (یوحنا ۱۳: ۱٤- ۱۷) شستن پایهای شاگردان توسط عیسی چه مفهومی دارد؟
ملاحظات:
الف) عیسی می‌خواست با شستن پاهای شاگردان، در مورد خدمت درسی به آنها یاد دهد. عیسی و شاگردانش مسیری را از بیت عنیا طی کرده بودند و به همین جهت پاهایشان از گرد و غبار راه کثیف شده بود. رسم موجود در اسرائیل این بود که دون‌پایه‌ترین خدمتکار خانه وظیفه داشت پاهای مهمانان را قبل از صرف شام بشوید. سالها پیش از آن یحیی تعمید دهنده خود را کسی معرفی کرده بود که حتی لیاقت ندارد در برابر عیسی خم شده، بند نعلینش را باز کند و پاهای او را بشوید. و اما در آن بالاخانه، خدمتکاری وجود نداشت. بنابراین وقتی شاگردان داخل اتاق شدند، ظرف آب و نیز حوله‌ای در برابر خود دیدند، ولی هیچکس مایل نبود نقش خادم دون‌پایه را بازی کند و پاهای سایرین را بشوید. تمام شاگردان بسیار مغرور بودند. لوقا در فصل ۲۲ می‌فرماید که شاگردان در این مورد که چه کسی در میان آنها از همه بزرگتر است با هم بحث کرده بودند. و حتی در این مورد نیز که بر سر میز چه کسی باید در کجا بنشیند، میانشان اختلاف بود. بنابراین تمام دوازده شاگرد به‌اتفاق عیسی با پاهایی کثیف دور میزی کوتاه نشسته بودند. اگر چه عیسی کاملاً از این حقیقت آگاه بود که یگانه فرزند خدا و خداوند تمام مخلوقات می‌باشد، اما با وجود این برخاست، لباسهای خود را درآورد و لنگی به کمر بسته، مشغول شستن پایهای شاگردان شد.

ب) غسل بدن سمبولی بود از کار نجات که با فروتنی توسط عیسی انجام شد، و عادل شمردگی نامیده می‌شود.
عیسی در کمال فروتنی بخاطر ما جسم پوشید و انسان شد، و هر چند گناهی مرتکب نشده بود، بخاطر ما خوار گردید، از سوی مردم طرد شد و سرانجام بر روی صلیب رنج کشید و مرد.
کتاب‌مقدس توضیح نمی‌دهد که عیسی پاهای شاگردان را به چه ترتیبی شست، بلکه فقط به گفتگوی او و پطرس اشاره می‌کند. احتمالاً تمام شاگردان از اینکه عیسی پایهای آنها را می‌شوید بسیار خجالت‌زده و شرمگین بودند. ولی پطرس که شخصیت عصبی و تندخویی داشت از این کار عیسی بسیار تعجب کرده بود. عیسی به او گفت: "آنچه من می‌کنم، الآن تو نمی‌دانی، لکن بعد خواهی فهمید". (یوحنا ۱۳: ۷). منظور عیسی این بود که پس از مرگ، قیام و نزول روح‌القدس، شاگردان مفهوم کار او را خواهند فهمید.
در ابتدا پطرس به عیسی اجازه نداد که پایهایش را بشوید. ولی عیسی در پاسخ او گفت: "اگر تو را نشویم (در یونانی: nipto)، تو را با من نصیبی نیست" (یوحنا ۱۳: ۸). منظور عیسی این بود که اگر توسط عمل نجات‌بخش خود با فروتنی گناهان پطرس را پاك نكند (که شستن پاها نشانه‌ای از آن محسوب می‌شد)، پطرس در برکات این نجات نصیبی نخواهد داشت.
عیسی فرمود: "کسی که غسل یافت (در یونانی: louo) محتاج نیست مگر به شستن پایها، بلکه تمام او پاك است" (یوحنا ۱۳: ۱۰). شستن بدن نمایانگر کار کامل نجات توسط مسیح می‌باشد که تجدید حیات یا عادل شمردگی نامیده می‌شود. خون مسیح تمام گناهان شخص ایماندار را پاك می‌سازد (اول یوحنا ۱: ۷) و او را به طور کامل عادل می‌گرداند (دوم قرنتیان ٥: ۲۱؛ اول پطرس ۳: ۱۸).

پ) شستن پاها سمبولی بود از تداوم کار نجات‌بخش عیسی مسیح، که تقدیس شدن نامیده می‌شود.
شستن پاها سمبلی است از تداوم کار نجات‌بخش عیسی در زندگی شخص ایمانداری که تولد تازه یافته و عادل شمرده شده است. این عمل تقدیس شدن نامیده می‌شود. پطرس پس از اینکه به اهمیت شسته شدن پایهایش پی برد، باز بخاطر شخصیت تندی که داشت می‌خواست در زمینه‌ای دیگر افراط کند و بنابراین از عیسی خواست که سر و دستانش را نیز بشوید. او فکر می‌کرد اگر قسمتهای زیادی از بدنش توسط عیسی شسته شود، برکات بیشتری از او دریافت خواهد کرد.
اما عیسی در مورد غسل جسمانی سخن نمی‌گفت، بلکه به "غسل و طهارتی روحانی" اشاره می‌کرد. عیسی در یوحنا فصل ۳ در مورد "تولدی نو از نظر روحانی"، در فصل ٤ در رابطه با "آب روحانی"، و در فصل ٦ در رابطه با "نان روحانی" سخن گفته بود. او اکنون در فصل ۱۳، در مورد "غسل روحانی" تعلیم می‌داد. بنابراین عیسی در ادامه سخن خود گفت: "کسی که غسل یافت محتاج نیست مگر به شستن پایها، بلکه تمام او پاك است. و شما پاك هستید لکن نه همه." در اسرائیل، کسی که قبل از رفتن به ضیافت شام حمام کرده بود، دیگر لازم نبود به هنگام ورود به سالن ضیافت نیز یکبار دیگر حمام کند. بلکه تنها پایهایش را می‌شست. عیسی نیز از "غسل روحانی" (تجدید حیات، عادل شمردگی) و "شستن پاها به مفهوم روحانی" (تقدیس شدن) سخن می‌گفت. تمام شاگردان، به جز یهودا به عیسی و کلام او ایمان آورده بودند، به همین جهت از نظر روحانی پاك بودند (تولد تازه داشتند). آنها نجات را از مسیح دریافت کرده بودند، ولی تنها نیازشان این بود که "پایهای خود را بشویند" و بیش از پیش تقدیس شوند (یوحنا ۱: ۹).

ت) نتیجه‌گیری. شستن پاها سه حقیقت مهم را تعلیم می‌دهد.
۱) شستن پاها بخشی ضروری از وضعیت خوار شدن و رنجهای مسیح، یعنی بخشی ضروری از کار او به عنوان خادم و مرگ او به عنوان یك خطاکار بود. در دوم قرنتیان ٥: ۲۱ و فیلیپیان ۲: ٥- ۸ در این رابطه تعلیم داده شده است.
۲) شستن پاها سمبلی است از عمل کفاره‌ای مسیح برای گناهان بشر که یکبار برای همیشه انجام شد، و نیز سمبولی است از تقدیس شدن تدریجی و مداوم ایمانداران.
شستن پاها نمایانگر این حقیقت است که عیسی یکبار برای همیشه به خاطر خطایای بشر کفاره شد و همانگونه که در مرقس ۱۰: ٤٥ و عبرانیان ۱۰: ۱۰، ۱٤ آمده است، روح‌القدس عمل تقدیس شدن را به طور تدریجی و پیوسته در آنها انجام می‌دهد.

۳) <u>شستن پاها درسی است در زمینه خدمت فروتنانه</u>. این عمل عیسی نمونه‌ای است که همه مسیحیان باید از آن پیروی کنند. شاگردان در آن زمان تنها همین مفهوم سوم کار عیسی را فهمیدند، ولی پس از ریزش روح‌القدس بر آنها، به مفاهیم اول و دوم نیز پی بردند. عیسی آیین، رسم یا حکم جدیدی ابداع نکرد که بر اساس آن شاگردان موظف باشند واقعاً هر از گاه پاهای یکدیگر را بشویند. بلکه این عمل او نمونه‌ای بود از خدمت فروتنانه‌ای که شاگردان با چشم خود شاهد آن بودند. بزرگی در ملکوت خدا از روی خدمت فروتنانه شخص مشخص می‌شود، نه از روی مقام و شهرت او. خدمت فروتنانه تصویری است از حکم بزرگ عیسی که می‌فرماید: "یکدیگر را محبت نمایید، همانگونه که مسیح نیز ما را محبت نمود". من تصمیم گرفته‌ام یك خادم باشم و کارهایی را انجام دهم که دیگران راغب یا قادر به انجام آن نیستند. من می‌خواهم اولین کسی باشم که کارهایی را که به ظاهر خوشایند نیست و هیچ کس نمی‌خواهد آنها را انجام دهد، انجام دهم. من می‌خواهم در جای پاهای عیسی گام بردارم.

سؤال ۳) (یوحنا ۱۳: ۳٤- ۳۵). <u>چرا این حکم، حکمی "جدید" نامیده شده است؟</u>
ملاحظات: این حکم که خدا را با تمام جان و قوت خود محبت نما و همسایه خود را مثل خویشتن دوست بدار، در عهد عتیق آمده بود (تثنیه ٦: ٥؛ لاویان ۱۹: ۱۸). این حکم می‌فرماید: "همچنانکه من شما را محبت نمودم، شما نیز باید دائماً یکدیگر را محبت کنید". اگر چه محتوای اصلی و اولیه این حکم تغییر نیافته است، عیسی با این کار خود معیار محبت کردن را تعیین نمود. این حکم از این نظر "جدید" است که عیسی از شاگردان خود خواست یکدیگر را طوری محبت کنند که او آنها را محبت نمود. بر شاگردان بود که در روابط خود با یکدیگر، این نوع محبت فداکارانه و دائمی را الگوی خود قرار دهند و از آن سرمشق بگیرند.

<u>**قدم ٤: بکار ببرید**</u>
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۱۳: ۱- ۳۸ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

<u>**نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر (انجیل یوحنا فصل ۱۳)**</u>

- ۱۳: ٤- ۱۷ * نسبت به انجام کارهایی متعهد شوید که هیچ شخص دیگری راغب یا قادر به انجام آنها نیست.
- ۱۳: ٤- ۱۷ * همیشه اولین کسی باشید که برای انجام هر گونه خدمت داوطلبانه‌ای آماده است.
- ۱۳: ۳٤- ۳۵ * حکم جدید را که همانا عبارت است از دوست داشتن خدا و محبت کردن به سایر مسیحیان آنگونه که مسیح ما را محبت نمود، هدف و سرلوحه زندگی خود قرار دهید.

<u>**نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی**</u>

الف) من نیز گاهی مانند پطرس برای زندگی خود نقشه‌های بزرگ می‌کشم و به آنها مباهات می‌کنم، ولی در واقع خود را به درستی نمی‌شناسم. من می‌خواهم به یاد بیاورم که مهم کاری نیست که من برای عیسی انجام می‌دهم، بلکه کاری است که او در حق من انجام داده است. او به خاطر من مرد. این حقیقت باید مرا فروتن سازد و بدانم که بدون حضور عیسی هیچ امیدی برای من نیست.

ب) من کاملاً تحت تأثیر این حقیقت قرار گرفته‌ام که خیانت یهودا در حق عیسی، محاکمه او در برابر دشمنان و مرگش بر روی صلیب به عنوان یك خطاکار در واقع تحقق نقشه ابدی خدا بود. خدا کنترل امور را در دست دارد و هیچ چیز نمی‌تواند مانع از اجرای نقشه او در جهان شود. بنابراین هر اتفاق سخت و بدی هم که در زندگی من رخ دهد، هیچوقت به این معنا نیست که در نقشه خدا اختلالی ایجاد شده، بلکه مشکلات نیز جزئی از برنامه و نقشه نیکوی او برای زندگی من است.

<u>**قدم ٥: دعا کنید**</u>
در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۱۳: ۱- ۳۸ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

٥	**دعا (٨ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

٦	**تکلیف منزل (٢ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
٢ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ١٣" را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
٣ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از لوقا ٢٢- ٢٤ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ١١: ٢٥) را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
٥ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ٣).
٦ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۳۱

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **لوقا**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (لوقا ۲۲- ۲۴) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: یوحنا**

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: یوحنا ۱۱: ۲۵

٤	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **ازدیاد مسیحیان و کلیساها**

مقدمه: این تعلیم در رابطه با افزایش تعداد پیروان عیسی و جوامع مسیحی (کلیساها یا مشارکتهای خانگی) می‌باشد. در این درس، اصل افزایش روحانی را در کتاب‌مقدس بررسی خواهیم کرد و از روی کلام خدا در مورد ازدیاد مسیحیان نوایمان، شاگردان، خادمین و جوامع مسیحی مطالبی خواهیم آموخت.

الف - <u>اصل افزایش روحانی در کتاب‌مقدس</u>

مقدمه: برای افزودن بر تعداد مردم، ابتدا باید افرادی را بدست آورید.
برای افزودن بر تعداد شاگردان، باید شاگردسازی کرد.

۱- <u>خدمت عهد عتیق، خدمتی افزایشی بود.</u>

مقدمه: "افزایش روحانی" یعنی افزایش تعداد کسانی که به خدا ایمان می‌آورند و از کلام او اطاعت می‌کنند.
کشف و گفتگو کنید: در عهد عتیق، چگونه ازدیاد روحانی تحقق می‌یافت؟
بخوانید: مزمور ۷۳: ۳- ۷؛ یوئیل ۱: ۳
ملاحظات: ازدیاد روحانی در عهد عتیق عبارت بود از منتقل کردن شناخت خدا و آگاهی در مورد اراده او به سه نسل بعدی. از زمانی که خدا اسرائیل را دعوت کرد تا قوم او نامیده شود، به آنها حکم کرد تا از نظر روحانی افزایش یابند و کثیر شوند.

الف) در مزمور ۷۸: ۳- ۷ می‌خوانیم که چگونه قوم اسرائیل آنچه را که پدرانشان در مورد خدا و اراده او به آنها گفته بودند، به سه نسل بعدی خود منتقل کردند: "خدا شریعتی در اسرائیل قرار داد و پدران ما (نسل اول) را امر فرمود تا آنها را به فرزندان خود (نسل دوم) تعلیم دهند؛ تا نسل آینده (نسل سوم) آنها را بدانند. ... و آنها را به فرزندان خود (نسل چهارم) بیان نمایند؛ و ایشان به خدا توکل نمایند و اعمال خدا را فراموش نکنند بلکه احکام او را نگاه دارند". خدا این مسؤولیت را بر عهده "پدران" نهاد تا شناخت و آگاهی را که در مورد خدا و اراده و احکام او داشتند، به سه نسل بعدی خود، یعنی فرزندان‌شان، فرزندان فرزندان‌شان و نوه‌های فرزندان‌شان منتقل نمایند. بدین ترتیب هر نسلی از قوم اسرائیل می‌توانست در مورد خدا و اعمال باشکوه او آگاهی کسب کند و از احکام او اطاعت نماید.

ب) اصل افزایش یا ازدیاد از نظر روحانی، در یوئیل ۱: ۳ نیز تکرار شده است. کلام خدا بر یوئیل چنین بود: یوئیل (نسل اول)، "شما از این پس به پسران خود (نسل دوم)، و پسران شما به پسران خویش (نسل سوم) و پسران ایشان به نسل بعد (نسل

چهارم) خبر بدهید". هر نسلی در اسرائیل مسئولیت داشت که آنچه را در مورد خدا و اراده او می‌دانست، به چند نسل پس از خود نیز منتقل سازد. این کار از طریق تعلیمی که خانواده‌ها به نسلهای جوانتر می‌دادند، و نیز از طریق اعمال انبیا در عهد عتیق، صورت می‌گرفت. "فرزندان" هر نسل، هم شامل فرزندان یك خانواده (تثنیه ٦: ١- ٩) می‌شد و هم شامل فرزندان مردم دیگر (مزمور ٧٨: ٧١- ٧٢).

٢- خدمت عیسی مسیح، خدمتی افزایشی بود.

الف) عیسی و بشارت

کشف و گفتگو کنید: عیسی مسیح چگونه انسانها را به سمت خود جذب می‌کرد؟

ملاحظات: عیسی مسیح انسانها را به سمت خود جذب می‌کرد. او خدمت عمومی خود را تقریباً حوالی دسامبر سال ٢٦ میلادی آغاز کرد. عیسی مسیح یا انسانها را در حیات خود سهیم می‌ساخت و یا خود وارد زندگی آنها می‌شد، و بدین ترتیب آنها را به سمت خود جذب می‌کرد.

١) **بخوانید:** مرقس ١: ١٥؛ یوحنا ١: ٣٩- ٤٣. عیسی مردم را در زندگی و خدمت خود شریك می‌ساخت. او به سمت جلیل رفت و پیغام خوش انجیل را به گوش مردم رساند. عیسی به مردم فرمود: "ملکوت خدا نزدیك است. توبه کنید و به این خبر خوش ایمان آورید". او از طریق موعظه پیغام انجیل و ترغیب انسانها به "توبه و ایمان"، آنها را در زندگی خود سهیم می‌ساخت. عیسی از مردم دعوت می‌کرد تا "بیایند و ببینند" که او چگونه زندگی می‌کند، تا از این طریق بتوانند از الگوی او "پیروی کنند".

٢) **بخوانید:** یوحنا ٢: ١- ٢. عیسی خود را در زندگی روزانه انسانهای دیگر شریك می‌ساخت. به عنوان مثال، او به یك جشن عروسی رفت. او همچنین در اعیاد یهودی اورشلیم و در جلسات عادی که در کنایس برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد. عیسی به خانه‌های مردم می‌رفت و با آنها شام می‌خورد. او با مردمی که در کوچه و خیابان بودند و همچنین با کسانی که به کار روزانه خود مشغول بودند و به عنوان مثال ماهیگیری می‌کردند یا باج می‌گرفتند، صحبت می‌کرد. شاگردان عیسی در آن دوران هم مشاغل روزانه خود را داشتند، و هم نزد عیسی می‌آمدند تا به تعالیم او گوش فرا دهند.

ب) عیسی و تعلیم و تربیت

کشف و گفتگو کنید: چگونه عیسی به شاگردان خود تعلیم می‌داد؟

ملاحظات: عیسی مسیح شاگردان خود را از طریق تقویت آنها در ایمان و نیز از طریق تجهیز آنها به منظور انجام خدمتی خاص، تعلیم می‌داد. عیسی پس از گذشت تقریباً یك سال، مردان خاصی را انتخاب کرد تا به آنها تعلیم دهد.

١) **بخوانید:** متی ٤: ١٩. او به برخی از شاگردان خود فرمود: "از عقب من بیایید تا شما را صیاد مردم گردانم".

٢) **بخوانید:** لوقا ٦: ١٢- ١٣؛ مرقس ٣: ١٣- ١٤. او با دعا دوازده نفر را به عنوان شاگردان انتخاب کرد و به آنها تعلیم داد. عیسی با آنها وقت زیادی را سپری کرد تا زندگی و خدمات او را از نزدیك ببینند، به تعالیم و پاسخهای او گوش فرا دهند و شخصاً تجربه کنند که چگونه زندگی مردم تغییر می‌یابد و چگونه می‌توان به چنین انسانهایی کمك کرد. شاگردان عیسی عمیقاً از سخنان و اعمال عیسی تأثیر پذیرفتند.

٣) **بخوانید:** لوقا ١٠: ١- ١٦. عیسی شاگردان خود را دو به دو به مأموریت فرستاد تا پیغام انجیل را موعظه کرده، به انسانهای نیازمند کمك کنند و از این طریق تعلیم یابند. شاگردان از آن زمان به بعد به طور تمام وقت از عیسی پیروی کردند.

٤) **بخوانید:** یوحنا ١١: ٥٤. عیسی در طول دو سال آخر خدمت خود، وقت زیادی را با شاگردان خود سپری کرد تا آنها را برای خدمات آینده‌شان تعلیم دهد و آماده کند.

پ) عیسی و به مأموریت فرستادن.

کشف و گفتگو کنید: هدف عیسی مسیح از تعلیم دادن به شاگردان خود چه بود؟

ملاحظات: عیسی مسیح شاگردان را بعنوان کارگران یا مبشرین به تمام جهان فرستاد.

١) **بخوانید:** متی ٢٤: ١٤. عیسی قبل از مرگش بر روی صلیب فرمود، پیغام بشارت ملکوت خدا در تمام عالم موعظه خواهد شد.

٢) **بخوانید:** متی ٢٨: ١٨- ٢٠؛ مرقس ١٦: ١٥؛ لوقا ٢٤: ٤٤- ٤٩؛ یوحنا ٢٠: ٢١؛ اعمال ١: ٨. عیسی مسیح پس از سه سال و نیم تعلیم و تربیت شاگردان و نمونه بودن برای آنها در زمینه موعظه، تعلیم و شفای بیماران، بر صلیب جان سپرد و پس از آن قیام فرمود. او پس از قیامش از مردگان، "مأموریت عظیم" را به شاگردان خود محول کرد. هر چهار انجیل مأموریت عظیم را ثبت کرده‌اند و نشان می‌دهند که عیسی به دفعات در زمینه‌های مختلف این مأموریت را برای شاگردان خود تکرار کرد. عیسی در متی ٢٨: ١٨- ٢٠ چنین حکم کرد: "تمام قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است. پس رفته همه امتها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند. و اینك من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم".

٣) **بخوانید:** اعمال ١٧: ٦- ٧. این گروه کوچك از شاگردان به جاهای مختلف رفتند و امپراطور رم را براستی زیر و رو کردند.

۳- خدمت عهد جدید، خدمتی افزایشی بود.

کشف و گفتگو کنید: اصل افزایش روحانی چگونه در عهد جدید اعمال می‌شد؟

الف) عیسی مسیح بر تعداد مسیحیان نوایمان، شاگردان و خادمین مسیحی افزود.
بخوانید: متی ۲۸: ۱۹- ۲۰. عیسی مسیح در عهد جدید در خصوص اصل افزایش روحانی به شاگردان خود و نیز به تمام کسانی که بعدها شاگرد او می‌شدند، تعلیم داد. عیسی به شاگردان خود حکم کرد که به شاگردان جدید او تعلیم دهند تا آنها نیز از تمامی فرامین او اطاعت نمایند. یکی از این فرامینی که شاگردان عیسی موظف بودند به شاگردان جدید تعلیم دهند این بود که "به سمت همه امتها بروند و شاگرد بسازند" و "به این شاگردان تعلیم دهند که از احکام عیسی که مأموریت عظیم را نیز شامل می‌شد، اطاعت کنند". بنابراین مسئولیت شاگردان عیسی مسیح در هر نسلی این است که شاگردان جدیدی را جذب کنند و به آنها تعلیم دهند که از احکام و تعالیم عیسی اطاعت نمایند. بدین ترتیب نسل بیشماری از شاگردان و خادمین مسیحی بوجود می‌آید.

ب) پطرس بر تعداد مسیحیان نوایمان، شاگردان، خادمین و جوامع مسیحی افزود.
بخوانید: اعمال ٤: ۱۳. پطرس یکی از شاگردان عیسی مسیح بود که پیغام انجیل را به افراد زیادی موعظه کرد و به پیروان جدید تعلیم داد که شاگرد عیسی مسیح شوند. او در ابتدا بیشتر در اورشلیم خدمت می‌کرد، ولی سپس به سفرهای مختلفی رفت، کلیساهای جدیدی تأسیس نمود، به این کلیساها سرکشی کرد و رسالاتی برای کلیساهای مختلف نوشت.

پ) برنابا بر تعداد مسیحیان نوایمان، شاگردان، خادمین و جوامع مسیحی افزود.
بخوانید: اعمال ۱۱: ۱۹- ۲٦. برنابا در نتیجه خدمت پطرس یکی از پیروان عیسی شد. او نیز به نوبه خود پیغام انجیل را به افراد زیادی موعظه کرد و به پیروان جدید تعلیم داد که شاگرد عیسی مسیح شوند. او به انطاکیه سفر کرد و به مسیحیان آنجا کمك کرد تا در ایمان خود رشد کنند.

ت) پولس بر تعداد مسیحیان نوایمان، شاگردان، خادمین و جوامع مسیحی افزود.
بخوانید: اول تسالونیکیان ۱: ۵- ۸؛ دوم تیموتاؤس ۳: ۱۰- ۱٤. برنابا پولس را از طرسوس (واقع در ترکیه) به انطاکیه (واقع در سوریه) برد تا در آنجا مشغول خدمت شود. پولس نیز به نوبه خود پیغام انجیل را به بسیاری از مردم موعظه کرد و به پیروان جدید تعلیم داد که شاگرد عیسی مسیح شوند. او به سفرهای زیادی رفت. پولس حداقل به ٤ سفر رسالتی رفت و جوامع مسیحی جدیدی (کلیساها یا مشارکتهای خانگی) را در آسیا و اروپا تأسیس نمود. او به ملاقات مسیحیان می‌رفت، خادمین مسیحی جدیدی را تربیت می‌کرد، و به آنها مأموریت می‌داد که به مناطق مختلف رفته پیغام انجیل را موعظه کنند. او همچنین رسالاتی خطاب به جوامع مسیحی مختلف نوشت. پولس در اول تسالونیکیان ۱: ۵- ۸ تشریح میکند که چگونه در شهر تسالونیکی افزایش روحانی در میان مردم تحقق یافت. پولس به همراهی همکارانش، سیلاس و تیموتاؤس پیغام انجیل را در تسالونیکی موعظه کرد، و ساکنین این شهر شنیدند که چگونه این خادمین پیغام انجیل را با قدرت و یقین کامل موعظه می‌کنند. ایمانداران تسالونیکی نیز به نوبه خود در نتیجه دریافت پیغام انجیل، با وجود زحمات شدیدی که متوجه آنها بود به تقلید از رسولان از عیسی مسیح خداوند پیروی کردند. اهالی تسالونیکی سپس برای ایمانداران منطقه خود (مکادونیه) و مناطق اطراف (انطاکیه) نمونه خوبی برجای گذاشتند. آنها در این مناطق پیغام انجیل را موعظه کردند و ایمان‌شان به مسیح بر همگان آشکار گشت.

ث) تیموتاؤس بر تعداد مسیحیان نوایمان، شاگردان، خادمین و جوامع مسیحی افزود.
بخوانید: دوم تیموتاؤس ۲: ۲. تیموتاؤس در ابتدا از مادر بزرگ و مادر خود تعالیم زیادی دید (دوم تیموتاؤس ۱: ۵؛ ۳: ۱۵). سپس با پولس آشنا شد و به مدت ۱٤ سال با او خدمت کرد، و در نتیجه درسهای زیادی از او آموخت. تیموتاؤس به نوبه خود پیغام انجیل را موعظه کرد و به پیروان جدید تعلیم داد که شاگرد عیسی مسیح شوند.
در دوم تیموتاؤس ۲: ۲، پولس به تیموتاؤس حکم می‌کند که از نظر روحانی افزایش یابد. او می‌فرماید: "آنچه از من شنیدی، به مردمان امین بسپار که قابل تعلیم دیگران هم باشند". پولس رسول می‌فرماید که تیموتاؤس مسئولیت دارد آن آگاهی و دانشی را که در مورد عیسی مسیح و احکام او دارد، به افراد امین نسل بعدی نیز منتقل کند. این افراد امین نیز به نوبه خود مسئولیت دارند که ایمان مسیحی را به نسل پس از خود منتقل سازند.
به خاطر داشته باشید که پطرس در خدمت عیسی شریك بود. برنابا در خدمت پطرس، پولس در خدمت برنابا، و تیموتاؤس در خدمت پولس شریك بود. پولس رسول (اولین نسل) کاملاً خود را مسئول می‌دانست که مأموریت بزرگ عیسی مسیح را به سه نسل پس از خود منتقل کند: به تیموتاؤس (نسل دوم)، به مردمان امین (نسل سوم) و به دیگران (نسل چهارم).

٤- نوع مردمی که باید افزایش یابند.

تعلیم دهید: در این خدمات مسیحی افزایشی، چه نوع مردمی باید افزایش یابند؟

الف) متی ۲۸ تعلیم می‌دهد که مسیحیان نه تنها باید بر تعداد مسیحیان نوایمان بیفزایند، بلکه باید تعداد شاگردان مسیحی را نیز افزایش دهند. منظور از "شاگردان"، مسیحیان بالغی هستند که از تعالیم عیسی آگاه بوده، از احکام او اطاعت می‌کنند.
ب) دوم تیموتاؤس ۲ تعلیم می‌دهد که مسیحیان باید تعداد مسیحیان امین و قابل اعتماد را افزایش دهند به طوری که آنها نیز قادر به تعلیم دیگران باشند.
پ) مزمور ۷۸ تعلیم می‌دهد که مسیحیان باید تعداد ایمانداران را از بین اعضای خانواده خود افزایش دهند.
ت) اول تسالونیکیان بیانگر این حقیقت است که مسیحیان بر تعداد شاگردان مسیح در منطقه خود و نیز در مناطق اطراف، افزودند.
ث) متی ۲٤، ۲۸ و اعمال ۱: ۸ تعلیم می‌دهند که مسیحیان باید در هر ملت و قومی، بر تعداد شاگردان مسیح بیافزایند. (مکاشفه ۵: ۹)

ب - <u>ازدیاد جوامع مسیحی (کلیساها)</u>

مقدمه: "افزایش روحانی" به معنای افزایش تعداد جوامع مسیحی (کلیساها یا گروههای خانگی) در هر منطقه‌ای از جهان است.
کشف و گفتگو کنید: جوامع مسیحی (کلیساها یا مشارکتهای خانگی) چگونه بوجود می‌آیند؟

۱- <u>خدا قدم اول را جهت تأسیس یك اجتماع مسیحی بر می‌دارد.</u>

بخوانید: اعمال ۱۳: ۱- ٤. ممکن است روح‌القدس در یك جامعه مسیحی محلی، افراد خاصی را برای خدمت خاصی دعوت کند. او پولس و برنابا را دعوت کرد تا پیغام انجیل را به گوش ساکنین شهرها، مناطق و کشورهای مختلف برسانند. او همچنین به اجتماع مسیحی محلی حکم کرد که اجازه دهند این خادمین خود را بطور تمام‌وقت وقف انجام این گونه خدمات سازند.

۲- <u>خادمین مسیحی مسیحیان نوایمان را جذب می‌کنند و آنها را شاگرد مسیح می‌سازند.</u>

بخوانید: اعمال ۱۳: ۵، ۱۳- ۵۲؛ اعمال ۱٤: ۱- ۲۲. پولس و برنابا، به کلام خدا موعظه کردند و عیسی مسیح و مرگ و قیام او را به مردم اعلام نمودند. آنها اعلام داشتند که نجات و بخشش گناهان در عیسی مسیح یافت می‌شود، یعنی انسانها می‌توانند از طریق ایمان به عیسی مسیح، عادل شمرده شوند. وقتی که پولس و برنابا تحت جفا قرار گرفتند، به شهرهای دیگر رفتند و در آن مناطق نیز به موعظه خبر خوش انجیل ادامه دادند. آنها مردم را ترغیب می‌کردند که از بت پرستی و روشهای پست زندگی سابق خود دست کشیده، به سمت خدای زنده بازگردند. آنها شاگردان زیادی را در شهرهای مختلف جذب کردند. در اعمال ۱٤: ۲۱ می‌خوانیم که پولس و برنابا مدتی پس از اینکه این پیروان جدید عیسی در ایمان رشد کردند، دوباره نزد آنان بازگشتند تا باعث تقویت و بنای ایمان آنها شوند.

۳- <u>خادمین مسیحی در هر اجتماع مسیحی محلی (کلیسا) پیران کلیسا منصوب می‌کنند.</u>

بخوانید: اعمال ۱٤: ۲۳.
الف) پولس و برنابا که به این گروههای مسیحی بشارت داده و آنها را شاگرد ساخته بودند، در هر اجتماع مسیحی محلی کسانی را به عنوان پیران کلیسا منصوب کردند و آنها را با دعا به عیسی مسیح خداوند سپردند. کلمات "نصب کردن" و "سپردن" به معنی "دستگذاری کردن" به مفهوم امروزی نیست. بلکه این پیران کلیسا از آن زمان به بعد به عنوان "شورای پیران کلیسا" (اول تیموتاؤس ٤: ۱٤) به‌اتفاق مسئولیت رهبری اجتماع مسیحی محلی را بر عهده می‌گرفتند. بسیاری از این جوامع مسیحی محلی با یکدیگر در خانه‌ها جمع می‌شدند و مشارکتهای خانگی پاك و صادقی را تشکیل می‌دادند.
ب) پیران کلیسا احتمالاً بالغترین مردان و تواناترین رهبران هر اجتماع بودند. اگرچه آنها به عنوان رهبر کلیسای محلی تعیین شده بودند، ولی به طور تمام وقت خدمت نمی‌کردند و حقوقی نیز دریافت نمی‌کردند (اول تیموتاؤس ۵: ۱۷).
پ) مسئولیت پیران کلیسااین است که اجتماع مسیحی محلی را شبانی کنند، بر فعالیتها و اموال آن نظارت و مدیریت نمایند، و کلام خدا را موعظه کنند و تعلیم دهند. پیران کلیسا نباید بر کسانی که به آنها سپرده شده‌اند خداوندی و حکمرانی کنند، بلکه باید آنها را خدمت نمایند. پیران کلیسا مستقیماً در برابر عیسی مسیح خداوند که سر تمام جوامع مسیحی محلی و جوامع مسیحی جهان است، پاسخگو هستند (اعمال ۲۰: ۱۷- ۳۵؛ اول پطرس ۵: ۱- ٤).

٤- <u>خادمین مسیحی کماکان بر جوامع مسیحی جدید و نوبنیاد تأثیر می‌گذارند.</u>

بخوانید: اول قرنتیان ۱٤: ۱٤- ۱٦؛ اول تیموتاؤس ۵: ۱۷. پولس هر چند سال یکبار به ملاقات این جوامع مسیحی می‌رفت. او همچنین به برخی از همکاران خود مأموریت می‌داد که از ایمانداران آن مناطق دیدار کرده، آنها را خدمت کنند و باعث تشویق‌شان بشوند، ولی بر آنها حکمرانی نکنند. پولس خطاب به این جوامع رسالاتی نوشت، که بخشی از کتاب‌مقدس را تشکیل می‌دهند. پولس سعی نمی‌کرد جوامع مسیحی جدید یا مشارکتهای خانگی را کنترل یا سازماندهی کند، بلکه این وظیفه بر عهده

پیران در اجتماع محلی بود. در اول تیموتاؤس ٤: ١٤ و ٥: ١٧ می‌خوانیم که وظیفه هدایت فعالیتهای اجتماع مسیحی محلی (کلیسا یا مشارکت خانگی) بر عهده شورای پیران کلیسای محلی است.

٥- خادمین مسیحی گزارشی از فعالیتهای خود ارائه می‌دهند.

بخوانید: اعمال ١٤: ٢٧. وقتی پولس و برنابا کار خود را به اتمام رساندند، اعضای اجتماع مسیحی محلی خود را جمع کردند و در مورد آنچه خدا توسط آنها انجام داده بود، به آنها گزارش دادند. توجه کنید که پولس و برنابا در مورد آنچه که خود انجام داده بودند گزارش ندادند، بلکه در مورد آنچه که خدا بر اساس فیض و قدرتش توسط آنها انجام داده بود. آنها خدا را به خاطر تمام اعمالی که انجام داده بودند جلال دادند.

پ - افزایش پیروان مسیح (مسیحیان)

مقدمه: "افزایش روحانی" به معنای افزایش تعداد شاگردان و خادمین مسیحی در هر مکانی است. در متی ٩: ٣٥- ٣٨ عیسی می‌فرماید که حصاد فراوان است، ولی کارگران کم هستند. بر طبق گفته عیسی مسیح، برای جمع‌آوری حصاد لازم است که تعداد خادمین مسیحی افزایش یابد. این تعداد چگونه می‌تواند افزایش یابد؟ در متی ٩ می‌خوانیم که خدا در نتیجه دعای ایمانداران بر تعداد خادمین مسیحی می‌افزاید. و بر طبق متی ١٠، تعداد خادمین مسیحی در نتیجه تعلیم و فرستادن شاگردان به نقاط مختلف جهان، افزایش می‌یابد.

١- افزایش مسیحیان نوایمان

بخوانید: یوحنا ٤: ٣٥- ٣٨
کشف و گفتگو کنید: چگونه تعداد مسیحیان نوایمان افزایش می‌یابد؟
ملاحظات: تعداد مسیحیان نوایمان از طریق بشارت افزایش می‌یابد.
عیسی تعلیم می‌دهد که در زمینه بشارت، خادمین مختلفی وجود دارند. او می‌فرماید: "یك نفر می‌کارد و دیگری درو می‌کند". کار بشارت گاهی کاشتن است و گاهی درو کردن.

الف) کارندگان
کارندگان در اینجا عیسی مسیح و زن سامری بودند. عیسی باعث نجات زن سامری شد، و زن سامری نیز به نوبه خود باعث نجات جانهای بسیاری در منطقه خود شد. در آن زمان عیسی خطاب به شاگردانش گفت: "آیا شما نمی‌گویید که چهار ماه دیگر موسم درو است؟" در آن منطقه، زمان برداشت محصول در ماه آوریل بود. وقتی عیسی با زن سامری ملاقات کرد، ماه دسامبر بود و محصول در چنین ماهی آماده برداشت نبود. ولی حصاد روحانی مردم محدود به فصل خاصی نیست. درخصوص آن زن سامری هیچ فاصله زمانی خاصی بین "کاشته شدن" تخم انجیل و برداشت "حصاد" روحانی، یعنی دریافت حیات جاودان، وجود نداشت. عیسی جمع کثیری از سامریان را دید که از شهر به سمت چاه می‌آمدند. به همین جهت به شاگردان خود گفت: "اینك به شما می‌گویم چشمان خود را بالا افکنید و مزرعه‌ها را ببینید زیرا که الآن به جهت درو سفید شده است".

ب) درو کنندگان
شاگردان دروکنندگان بودند. عیسی به وضوح اعلام می‌دارد که او شاگردانش را می‌فرستد تا جانهای مردم را برای ملکوت خدا درو کنند. در یوحنا ٤: ٣٨ عیسی می‌فرماید: "من شما را فرستادم تا چیزی را که در آن رنج نبرده‌اید درو کنید. دیگران محنت کشیدند و شما در محنت ایشان داخل شده‌اید". عیسی و زن سامری هر دو در میان سامریان خدمت کرده بودند. عیسی مستقیماً با زن سامری کار کرده بود و زن سامری نیز بین ساکنین شهر خود خدمت نمود. و حال عیسی مسیح شاگردان خود را می‌فرستاد تا محصول روحانی را برای حیات جاودانی درو کنند.

پ) یك نفر می‌کارد، دیگری درو می‌کند.
در حیطه روحانی، الگوی معمول این است که "یك نفر می‌کارد و دیگری درو می‌کند". در یوحنا ٤: ٣٧، عیسی می‌فرماید: "زیرا این کلام در اینجا راست است که یکی می‌کارد و دیگری درو می‌کند". هر خادمی در ملکوت خدا در عین حال هم کارنده است و هم درو کننده. او آنچه را که توسط دیگران کاشته شده است درو می‌کند، و در عین حال تخمی را می‌کارد که محصولش را دیگران برداشت می‌کنند. بنابراین در نقشه ابدی خدا همواره محصولی برای برداشت وجود خواهد داشت.
١) گاهی خادمین مسیحی بیشتر عمل کاشتن را انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، پیغام انجیل را به انواع و اقسام شیوه‌های ممکن به گوش مردم می‌رسانند.
٢) گاهی خادمین مسیحی بیشتر عمل درو کردن را انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، به مردم کمك می‌کنند تا عیسی مسیح را در قلب و زندگی خود بپذیرند.

در نقشه ابدی خدا مهم نیست که آیا یك مبشر عمل کاشتن را انجام می‌دهد یا عمل درو کردن را، زیرا همواره محصول هست. خادمین مسیحی می‌توانند همواره در این حقیقت شادی کنند که زحمات آنها در نظر خداوند باطل و بیهوده نیست (۱ قرنتیان ۱۵: ۵۸).
کلام خدا هیچوقت بی‌ثمر بر نخواهد گشت، بلکه آنچه را که اراده خدا است عملی خواهد کرد و پیروز خواهد شد (اشعیا ۵۵: ۱۱).

۲- افزایش شاگردان مسیحی

بخوانید: متی ۲۸: ۲۰؛ اول قرنتیان ۳: ۵- ۱۱؛ افسسیان ٤: ۱۱- ۱٦
کشف و گفتگو کنید: چه کسی مسئول محول کردن کارهای روحانی مختلف، و ایجاد رشد و حیاتی جدید در کلیسا است؟
ملاحظات: تعداد شاگردان مسیحی از طریق شاگردسازی افزایش می‌یابد.
وقتی مسیحیان نوایمان یاد می‌گیرند که از تعالیم و احکام عیسی مسیح اطاعت کنند، در آن صورت تبدیل به شاگردان بالغ مسیحی می‌شوند.

الف) خادم مسیحی و همکارانش
پولس رسول تعلیم می‌دهد که در ملکوت خدا خادمین مختلفی وجود دارند: خدا برخی را برای کاشتن تخم انجیل، یعنی برای کار بشارت خوانده است، و برخی دیگر را مسئول آبیاری گیاهان، یعنی مراقبت و شاگردسازی مسیحیان نوایمان نموده است. ولی در تمام این فعالیتها، تنها خداست که کارهای مختلف را به افراد واگذار می‌کند و تنها او عامل اصلی رشد نجات‌یافتگان است. بنابراین "خادم اصلی" خدا است و مسیحیان همکاران او هستند. خدا از طریق ایجاد تولد تازه در زندگی مردم، به آنها حیاتی جدید عطا می‌کند. و از طریق سکونت روح‌القدس در زندگی این افراد، باعث رشد روحانی آنها می‌شود. خدا به هر خادم مسیحی کارهای خاصی واگذار کرده است.

ب) کسانی که بنیاد را می‌نهند و کسانی که بر روی این بنیاد بنا می‌کنند.
اگرچه مسیحیان همگی همکاران خدا هستند، همه آنها کاری واحد بر عهده ندارند. به برخی از آنها این مسئولیت داده شده است که بنیاد ساختمانی را که همان "مسیح" است، بنا نهند. این عده از طریق کاشتن و درو کردن، بشارت می‌دهند. برخی دیگر مسئولیت دارند که بر روی این بنای اصلی، ساختمان را بسازند. این عده به شاگردسازی نوایمانان می‌پردازند و به آنها کمك می‌کنند تا در عیسی مسیح رشد کنند. آنها به مسیحیان نوایمان کمك می‌کنند تا همواره رابطه شخصی خود را با عیسی مسیح حفظ کرده، از آموزه‌های مسیحی آگاهی داشته باشند، در شخصیت و رفتار هر روز بیش از پیش به شباهت مسیح در آیند و او را خدمت کنند.

۳- افزایش خادمین مسیحی

بخوانید: افسسیان ٤: ۱۱- ۱۲
کشف و گفتگو کنید: چه کسانی کار تجهیز یا تربیت مسیحیان را برای انجام خدمات مختلف کلیسایی بر عهده دارند؟
ملاحظات: تعداد خادمین مسیحی از طریق تجهیز کردن مسیحیان برای انجام خدمات مختلف، افزایش می‌یابد.
پولس تعلیم می‌دهد که عیسی مسیح عطایای روحانی و مسئولیتهای مخصوصی را بر عهده برخی از خادمین مسیحی نهاده است تا بدینوسیله بتوانند مسیحیان دیگر را برای خدماتی چون بشارت، شاگردسازی و تجهیز کارکنان مسیحی آماده سازند. در هر کلیسایی باید خدمات مختلفی انجام شود. علاوه بر خدماتی که در بالا عنوان شد، خدمات زیر نیز باید انجام شود:
تعلیم کودکان، جذب جوانان به مسیح، رسیدگی به فقرا، بیماران و کسانی که در جفا هستند، انجام کارهای اداری کلیسای محلی، نظافت کلیسا، کمك به افراد جهت مطالعه کلام خدا، دعا، سرود و غیره. نکته مهمی که باید به خاطر داشت این است که پیران کلیسای محلی باید حتماً اطمینان حاصل کنند که تمام مسیحیانی که تحت مراقبت و شبانی آنها هستند، به بلوغ روحانی کافی رسیده‌اند و برای انجام خدمات مختلف در داخل کلیسا یا مشارکتهای خانگی و یا در مکانهای دیگر، آمادگی دارند.

ت - ماهیت خدمت شاگردسازی

۱- خدمت شاگردسازی بر تعداد شاگردان و خادمین مسیحی می‌افزاید.

تعلیم دهید: ماهیت یک خدمت شاگردسازی در این است که شاگردانی میسازد که ایشان نیز به نوبه خود شاگردان خواهند ساخت. هدف این است که هردو یعنی هم شاگردان و هم مبشرین یا خادمین مسیحی (کسانی که خود بتوانند دیگران را شاگردسازی کنند) تربیت شوند. این خدمت بر تعداد شاگردان و همچنین خادمین یا مبشرین مسیحی جدید می افزاید.

چرا افزایش تعداد افراد بسیار اهمیت دارد؟ در متی ۹: ۳۶- ۳۸ نوشته شده است: "و چون جمعی کثیر دید، دلش بر ایشان بسوخت زیرا که مانند گوسفندان بی‌شبان پریشان حال و پراکنده بودند. آنگاه به شاگردان خود گفت: حصاد فراوان است لیکن کارگر کم. پس از صاحب حصاد استدعا نمایید تا کارگران در حصاد خود بفرستد."

۲- <u>خدمت شاگرد سازی بصورت یك جنبش درمی‌آید.</u>

تعلیم دهید: خدمتی که در نتیجه آن تعداد شاگردان و خادمین مسیحی افزایش می‌یابد، رفته رفته تبدیل به یك جنبش می‌شود.
این جنبش در میان خانوادهها، دوستان، جوامع مسیحی (کلیساها یا مشارکتهای خانگی)، محل کار، سایر کلیساهای مسیحی، سایر مردم، شهرها و ایالات و حتی کشورهای دیگر گسترش می‌یابد. عیسی فرمان داد: "به ملل مختلف بروید و شاگرد بسازید". تمام قدرت در آسمان و بر زمین به خاطر تحقق همین مقصود به عیسی مسیح داده شده است. عیسی مسیح کلیسای جهانی خود را دعوت می‌کند تا از نظر روحانی در هر کشوری از جهان افزایش و گسترش یابد. و این افزایش بواسطه قدرت و فیض عیسی مسیح امکان‌پذیر است.
کتاب مقدس نمی‌گوید که انجام چنین وظیفه‌ای آسان است. بسیاری از مسیحیان از زمان مسیح به بعد در این جنگ روحانی با جفاهای زیادی مواجه شده و حتی به شهادت رسیده‌اند. ولی با این وجود، پیروزی غایی امری حتمی است. رساله رومیان (رومیان ۸: ۲۸- ۳۹) و کتاب مکاشفه (مکاشفه ۱۷: ۱٤) به خوبی بیانگر این پیغام می‌باشند.

۵	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - <u>تعهد</u> - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
٢ - <u>برای يك فرد یا گروه</u>، موضوع "ازدیاد مسیحیان و کلیساها" را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
٣ - <u>رازگاهان</u> - هر روز نیمی از يك فصل از تیطس ١- ٣ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - <u>حفظ کردن</u> - آیه حفظی جدید (یوحنا ١٢: ٣٢) را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
٥ - <u>بررسی کتاب‌مقدس</u> - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ١٤) را در خانه آماده کنید. از روش ٥ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
٦ - <u>دعا</u> - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ٣).
٧ - <u>آموخته های جدید</u> مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۳۲

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **تیطس**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (تیطس ۱- ۳) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: یوحنا**

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ۱۲: ۳۲

٤	**بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه)** **یوحنا ١٤: ١- ٣١**

مقدمه: یوحنا فصلهای ١٤ الی ١٧ درخصوص تعالیم و دعای عیسی در واقعه شام آخر می‌باشند. در یوحنا فصل ١٤، عیسی شاگردان خود را تسلی می‌دهد و به آنها وعده می‌دهد که حضور دائمی روح‌القدس با آنها خواهد بود و آنها خواهند توانست اعمالی بس بزرگتر انجام دهند.

<u>**قدم ۱: بخوانید**</u>
بخوانید: یوحنا ١٤: ١- ٣١ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

<u>**قدم ۲: کشف کنید**</u>
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

<u>**کشف ۱)**</u> در یوحنا ١٤: ١- ٤ در رابطه با <u>دلیل اینکه چرا مسیحیان می‌توانند دائماً به خدا ایمان داشته باشند</u>، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. عیسی می‌فرماید: "دل شما مضطرب نشود. به خدا ایمان آورید. به من نیز ایمان آورید. در خانه پدر من منزل بسیار است ... و اگر بروم و از برای شما مکانی حاضر کنم، باز می‌آیم و شما را برداشته با خود خواهم برد تا جایی که من می‌باشم شما نیز باشید." در دل شاگردان عواطف مختلفی وجود داشت. آنها ناراحت بودند زیرا مسیح می‌بایست آنها را ترك می‌کرد. آنها شرمگین بودند زیرا در این باره که چه کسی در ملکوت خدا از همه بزرگتر است با یکدیگر مجادله کرده بودند. آنها گیج و مغشوش بودند زیرا عیسی پیش‌بینی کرده بود که یکی از شاگردان او را انکار خواهد کرد، یکی دیگر از آنها به وی خیانت خواهد ورزید و در نهایت نیز همگی او را ترك خواهند کرد. آنها در ایمان خود دچار شك و تردید شده بودند، زیرا احتمالاً فکر می‌کردند چگونه امکان دارد کسی بتواند به مسیح موعود خیانت کند. در عین حال، عیسی را دوست داشتند و امیدوار بودند که شرایط به نوعی عوض شود. ایمان آنها مورد آزمایش قرار گرفته بود. به همین دلیل عیسی به آنها حکم نمود

که به ایمانشان به او ادامه دهند. آنها می‌توانستند دائماً به خدا ایمان داشته باشند زیرا عیسی مسیح با خدای پدر یك بود و بر طبق وعده‌اش به شاگردان، روزی به این جهان باز می‌گشت تا آنها را با خود ببرد و از آن پس در آسمان و زمین جدید در کنار یکدیگر باشند. دلیل رفتن عیسی از نزد شاگردان این بود که می‌خواست برای آنها مکانی در آسمان آماده کند. بنابراین رفتن او به آسمان یك برکت بود، نه یك فاجعه. خانه پدر در آسمان است و مسیحیان نیز در آینده در آنجا زیست خواهند کرد. از آنجا که من برای این سکونت دائمی با مسیح انتظار می‌کشم، می‌توانم همواره به او ایمان داشته باشم.

کشف ۲) در یوحنا ۱۴: ۵- ۶ در رابطه با دلیل اینکه چرا عیسی راه، راستی و حیات نامیده می‌شود، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. در آیه ۶ عیسی می‌فرماید: "من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی‌آید".
الف) عیسی راه است. او صرفاً راه رسیدن به خدا را به ما نشان نمی‌دهد، بلکه خودش تنها راه رسیدن به پدر است. عیسی مسیح، خداست. او در طبیعت الهی خود با تمام صفات الهی پدر برابر است، زیرا تمامی این صفات را به طور نامحدود دارا می‌باشد. به عنوان مثال، او نه تنها دارای محبت است و آن را اعمال می‌کند، بلکه ذات او محبت است. به همین ترتیب، عدالت نیز جزو ذات او است زیرا او عدالت محض است، و غیره ... همچنین، این جزو ذات او است که راه و راستی و حیات باشد. عیسی مسیح در تمامی اعمال، صفات و سخنان خود، راهی است بین خدا و قوم برگزیده او. تمام برکات الهی خدای پدر، از طریق خدای پسر به مردم منتقل می‌شود. عیسی همچنین راهی است بین انسان و خدا. عیسی مسیح تنها طریق دسترسی به خدای پدر است. او تنها کسی است که می‌تواند رابطه از هم گسیخته انسان با خدا را احیا کند. هر که به عیسی مسیح ایمان آورد می‌تواند دائماً و بدون هیچ مانعی با خدا در ارتباط باشد.
ب) عیسی راستی است. عیسی مسیح تجسم راستی است. او آن حقیقت نهایی است که عهدعتیق صرفاً سایه‌ای مبهم از آن را ارائه می‌داد (کولسیان ۲: ۱۷). او همچنین منشأ مطلق راستی است که می‌توان بر آن توکل کرد. عیسی مسیح کسی است که نقشه ابدی نجات خدا را برای بشر آشکار ساخت. او تجلی مرئی خدایی نامرئی است (کولسیان ۱: ۱۵؛ ۲: ۹) و هر که او را می‌شناسد، خدای پدر را نیز می‌شناسد (یوحنا ۱۴: ۷). مسیح خود راستی و حقیقت است. او از دروغ تنفر دارد و با آن مخالف است. هر که به عیسی مسیح ایمان داشته باشد، خالق و نجات‌دهنده خود را بیش از پیش خواهد شناخت و سرانجام روزی او را به طور کامل خواهد شناخت. حقیقت و راستی به طرزی پرقدرت بر چنین شخصی تأثیر گذاشته، او را هدایت می‌کند و کاملاً تقدیس می‌نماید (یوحنا ۸: ۳۲؛ ۱۶: ۱۳؛ ۱۷: ۱۷).
پ) عیسی حیات است. منظور این است که تمام صفات پرجلال خدا در عیسی ساکن هستند (یوحنا ۱: ٤). او در خود حیات دارد، به همین دلیل منشأ حیات مسیحیان می‌باشد (یوحنا ۱: ٤؛ ۳: ۱٦). مسیح به عنوان "نور جهان" صفات خدا را آشکار می‌سازد. او به عنوان "کلمه حیات" اراده خدا را برای مسیحیان آشکار می‌کند تا آنها بتوانند با خدای پدر شراکت داشته باشند (یوحنا ۸: ۱۲؛ ٦: ٦۸). او به این جهان آمد تا مسیحیان حیات داشته باشند و به فراوانی از آن بهره‌مند شوند (یوحنا ۱۰: ۱۰). مسیح خود حیات می‌باشد که در تضاد با مرگ است. او بر مرگ روحانی، جسمانی و جاودانی در جهنم، غلبه یافت. هر که به عیسی مسیح ایمان داشته باشد از حیات جاودانی برخوردار می‌گردد، از مرگ جسمانی رستاخیز می‌یابد و هیچوقت عذاب مرگ ابدی در جهنم را تجربه نخواهد کرد. حیات در مسیح زندگی او را احیا خواهد کرد و بدن او را متبدل خواهد ساخت تا در میراث خدا که آسمان و زمین جدید است، نصیبی داشته باشد و با او هم‌ارث شود. همانگونه که "مرگ" به مفهوم جدایی از خداست، "حیات" به مفهوم مشارکت با او می‌باشد. عیسی مسیح مرا از گناهانم آزاد ساخت و برای من امکان داشتن رابطه و مشارکت دائمی با خدا را مهیا کرد.

قدم ۳: سؤال
توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۱۴: ۱- ۳۱ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۱۴: ۷- ۹) شناخت خدا واقعاً به چه مفهومی است؟
ملاحظات: در یوحنا ۱۴: ۷- ۹، عیسی می‌فرماید: "اگر مرا می‌شناختید پدر مرا نیز می‌شناختید و بعد از این او را می‌شناسید و او را دیده‌اید ... کسی که مرا دید پدر را دیده است". عیسی می‌فرماید که شاگردانش اغلب متوجه نبودند که او تنها راه دسترسی به خدای پدر است. او همچنین تنها راستی و حقیقتی است که باعث می‌شود انسانها در نظر خدا مقدس باشند، و تنها حیاتی است که باعث می‌شود انسان در مشارکتی غنی با خدا بسر ببرد. اگر شاگردان با دقت بیشتری به اعمال و سخنان او توجه می‌کردند، در آن صورت عیسی را بهتر می‌شناختند و در مورد خدای پدر نیز بصیرت و شناخت می‌یافتند. حال که عیسی به شاگردان خود گفته بود که او تنها راه رسیدن به خدای پدر است، آنها می‌توانستند خدای پدر را دیده، او را بشناسند. هیچ کس در عهد عتیق نتوانسته بود خدای پدر را چنین ملموس و دائمی ببیند و بشناسد. افعال در زبان اصلی (زمان حال، گذشته یا آینده کامل) حاکی

از این است که وقتی شخص از طریق مسیح در مورد خدای پدر به چنین شناخت روحانی نائل شود، چنین شناختی ماندگار خواهد بود و نتایجی ماندنی به همراه خواهد داشت. چنین ایمانداری همواره خدای پدر را در مسیح خواهد دید. تمام این بخش حاکی از این موضوع است که مکاشفه نجات جدا از عیسی مسیح غیرممکن است. مکاشفه نهایی و دائمی خدا در رابطه با نقشه نجات تنها در عیسی مسیح یافت می‌شود (عبرانیان ۱: ۱- ۲) بنابراین، "شناخت خدا" به مفهوم داشتن دید و شناختی روحانی از خدا، دسترسی به او از طریق مسیح، رهایی و تقدیس شدن توسط مسیح و داشتن مشارکت غنی با خدای پدر از طریق مسیح می‌باشد.

سؤال ۲) (یوحنا ۱٤: ۱۲) <u>اعمال بزرگتری که مسیحیان آنها را انجام خواهند داد چه می‌باشند؟</u>
ملاحظات: در یوحنا ۱٤: ۱۲ عیسی به شاگردان خود چنین وعده می‌دهد: "هر که به من ایمان آورد، کارهایی را که من می‌کنم او نیز خواهد کرد و بزرگتر از اینها نیز خواهد کرد، زیرا که من نزد پدر می‌روم". رفتن عیسی به نزد خدای پدر برای شاگردان امتیاز محسوب می‌شد، زیرا باعث می‌شد آنها بهتر بتوانند مؤثر واقع شوند. شاگردان اکنون می‌توانستند اعمالی را که عیسی انجام می‌داد، یعنی معجزات او را، خود نیز انجام دهند. همچنین می‌توانستند در حیطه روحانی به اعمالی بس بزرگتر نیز دست بزنند. بر طبق یوحنا ٥: ۲۰- ۲٤، عیسی در حیطه جسمانی دست به معجزات حیرت‌انگیزی می‌زد: به عنوان مثال، بیماران را شفا می‌داد و مردگان را زنده می‌کرد. اکثر این معجزات در میان یهودیان صورت می‌گرفت. ولی شاگردان قادر خواهند بود دست به اعمالی بس بزرگتر بزنند - اعمالی وسیعتر و با جلوه‌ای والاتر که قطعاً نجات یافتن ملل غیریهود در تمامی جهان را نیز شامل می‌شد. منظور عیسی از این اعمال، کارهایی بود که در نقاط مختلف جهان توسط شاگردانش انجام می‌گرفت. منظور او، قسمتهایی از کلام خدا مانند یوحنا ۱۲: ۲۳- ۳۲ بود که می‌فرماید، او تمام انسانها را به سمت خود خواهد کشید؛ یا یوحنا ۱۷: ۲۰ که می‌فرماید، او برای تمام کسانی که در نتیجه شنیدن پیغام رسولان به او ایمان خواهند آورد، دعا می‌کند. ولی این اعمال بزرگ تنها پس از مرگ و قیام مسیح و ریزش روح مسیح بر شاگردان، به وقوع خواهند پیوست.

سؤال ۳) (یوحنا ۱٤: ۱۳- ۱٤) آیا ممکن است مسیحیان چیزی را در دعا طلب کنند؟
ملاحظات:
الف) <u>دعا و اعمال بزرگتر در اعمال رسولان.</u> در یوحنا ۱٤: ۱۳ عیسی به شاگردانش وعده می‌دهد: "هر چه به نام من طلب کنید من آن را به جا خواهم آورد". این آیه را نباید خارج از چهارچوب آن تفسیر نمود. زیرا در اینصورت مردم با سوءاستفاده از این وعده، از خدا خواهند خواست که تمام امیال و خواسته‌های خودخواهانه‌شان را برآورده سازد. این آیه به اعمال بزرگی که در آیه ۱۲ ذکر شده، اشاره می‌کند- اعمالی که لازمه آن، دعای شاگردان است. در کتاب اعمال رسولان، تمام اعمال چه در قلمرو جسمانی و چه در قلمرو روحانی به دعا مربوط می‌شوند. به عنوان مثال در اعمال ٤: ۲٤ پس از اینکه پطرس و یوحنا با شجاعت و دلیری در مورد اعمال خدا سخن گفتند، جماعت صدای خود را در دعا به حضور خدا بلند کردند. در اعمال ٦: ٤ نیز می‌خوانیم که پس از دعا، کلام خدا به سرعت گسترش یافت و به سرعت بر تعداد کسانی که مطیع ایمان شدند افزوده شد. دعاهای کرنلیوس و پطرس در اعمال ۱۰: ۲و ۹ باعث شد اولین فرد غیر یهودی توبه کند و ایمان آورد. دعایی که در اعمال ۱۲: ٥ و ۱۲ در مورد آن می‌خوانیم نیز به رهایی پطرس از زندان انجامید.

ب) <u>دعا در نام عیسی مسیح.</u> عیسی مسیح تنها به دعاهایی که در نام او می‌شود، پاسخ می‌دهد. دعا کردن "در نام عیسی مسیح" یعنی دعا کردن بر اساس کار تمام شده نجات توسط او برای مسیحیان. همچنین به معنی دعا کردن بر طبق اراده مطلق او می‌باشد. و از آنجا که عیسی مسیح همه چیز را در مورد اراده مطلق خود بر مسیحیان آشکار نکرده است، مسیحیان باید با ایمان دعا کنند و یقین داشته باشند که او بهترین پاسخ را به دعاهای آنها خواهد داد. آنها باید همواره اینگونه دعا کنند:"نه اراده من، بلکه اراده تو به انجام رسد" (لوقا ۲۲: ٤۲). گاهی پاسخ مسیح به دعاهای ما مثبت است، و گاهی منفی و گاهی نیز باید برای دریافت پاسخ منتظر بمانیم.

سؤال ٤) (یوحنا ۱٤: ۱٦) <u>چرا روح‌القدس تسلی‌دهنده‌ای "دیگر" نامیده شده است؟</u>
ملاحظات:
کلمه اصلی برای "تسلی‌دهنده"، "پاراکلیت" می‌باشد. این کلمه به هیچ وجه به معنای منفعل "مدافع یا مشاور" نیست، بلکه همانطور که در ترجمه لاتین این واژه نیز ذکر شده است، در اصل به معنی: "شخصی است که خوانده شده تا به شما کمك کند". این واژه، دارای مفهوم منفعل "تسلی دهنده" که در ترجمه یونانی ایوب ۱٦: ۲ آمده نیست، بلکه به معنی "کمك کننده" یا "میانجی" است.
۱) عیسی مسیح نماینده ما در نزد خدای پدر (۱ یوحنا ۲: ۱)، و واسطه و میانجی بین ما و خدا می‌باشد. او دائماً در آسمان برای ما شفاعت می‌کند.
۲) روح‌القدس برای ما نماینده مسیح است بر زمین (یوحنا ۱٦: ۱۳- ۱٥). او واسط و میانجی بین ما و عیسی مسیح است. روح‌القدس فعالانه سخنان مسیح را برای ما توضیح می‌دهد (یوحنا ۱٤: ۲٦؛ ۱٥: ۲٦؛ ۱٦: ۱٤)، و کار تمام شده نجات توسط مسیح را عملاً در زندگیهای انسانها پیاده می‌کند.
۳) روح‌القدس نماینده و واسط و میانجی "دیگری" است که از عیسی مسیح متمایز است، ولی در عین حال دارای ذات و طبیعتی واحد با خدای پسر و خدای پدر می‌باشد. روح‌القدس برای ما بر روی زمین، نماینده شخصیت عیسی مسیح است.

سؤال ۵) (یوحنا ۱۴: ۲۵- ۲۶) فرق بین تعالیم عیسی و تعالیم روح‌القدس چیست؟
ملاحظات: در یوحنا ۱۴: ۲۵- ۲۶، عیسی می‌فرماید: "این سخنان را به شما گفتم وقتی که با شما بودم. ولی... روح‌القدس ... همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد". عیسی در این آیات بین تعالیمی که در زمان حضورش بر زمین بیان فرمود و آنچه که به هنگام رسیدن به جلال آسمان از طریق روح‌القدس تعلیم خواهد داد، تمایز قائل می‌شود. عیسی هنگامی که با شاگردانش بر روی زمین بود، امور بسیاری را به آنها تعلیم داد، که در چهار انجیل آمده است. ولی وقایع مهم دیگری نیز بود که هنوز به وقوع نپیوسته بودند. عیسی باید می‌مرد، قیام می‌کرد، به آسمان صعود می‌کرد و بر تخت پادشاهی در آسمان جلوس می‌نمود تا این وقایع اتفاق می‌افتاد. عیسی فرمود که پس از اینکه به طور جسمانی این جهان را ترك كند، از طریق روح‌القدس مفهوم بسیاری از امور را برای شاگردانش روشن خواهد ساخت.
عیسی وعده داد که روح‌القدس به شاگردان تمام اموری را که در رابطه با نجات و کار آنها به عنوان شاهدان مسیح ضروری است، تعلیم خواهد داد. عیسی وعده داد که روح‌القدس آنچه را که او مادام که بر زمین بود به شاگردان خود تعلیم داد، به یاد آنها خواهد آورد. عیسی از طریق تعالیم روح‌القدس کماکان کار نبوتی خود را ادامه خواهد داد.

الف) روح‌القدس حقایقی را که عیسی در زمان حضور جسمانی اش بر زمین در مورد آنها صحبت کرد، به یاد ایمانداران می‌آورد. چرا او این حقایق کهن را به ایمانداران یادآوری می‌کند؟ زیرا عیسی از طریق روح‌القدس در مورد حقایقی که در مدت حضورش بر زمین به شاگردان تعلیم داد، درك عمیقتری به آنها می‌دهد. دلیلش این است که این حقایق پس از شنیده شدن، نوشته نشدند (یوحنا ۲: ۲۲؛ ۱۲: ۱۶). بنابراین در اول قرنتیان ۲: ۱۳، پولس می‌فرماید: "که آنها را نیز بیان می‌کنیم نه به سخنان آموخته شده از حکمت انسان، بلکه به آنچه روح‌القدس می‌آموزد؛ و بدین سان، حقایق روحانی را با کلماتی روحانی بیان می‌کنیم".

ب) روح‌القدس به شاگردان حقایق جدیدی می‌آموزد. چرا او حقایق جدیدی به آنان می‌آموزد؟ زیرا بین این وعده عیسی و خود واقعه ریزش روح‌القدس، اتفاقات مهم زیر به وقوع پیوست: مصلوب شدن مسیح، قیام، صعود و جلوس او بر تخت پادشاهی و ریزش روح‌القدس. تمامی این وقایع مهم می‌بایست بخوبی تشریح می‌شد تا مردم جهان به اهمیت آنها، و مخصوصاً به اهمیت مرگ و قیام مسیح پی ببرند.

پ) هم ما و هم رسولان به روح‌القدس نیاز داریم. رسولان به روح‌القدس نیاز داشتند، زیرا باید شاهدان عینی مسیح می‌بودند. آنها باید در مورد مرگ، قیام و تعالیم او شهادت می‌دادند، و توسط آنها بود که می‌بایست کلیسای مسیحی در میان یهودیان، غیر یهودیان و سامریان بنا می‌گشت. آنها باید کتب عهد جدید را به نگارش در می‌آوردند، تعالیم عیسی را با اقتدار تفسیر می‌کردند و آموزه‌های مسیحی را بنیان می‌نهادند. همان روح‌القدس امروزه به مسیحیان نیز تعلیم می‌دهد که کلام خدا را بفهمند، و به آنها کمك می‌کند تا در شرایط و موقعیتهای روزمره زندگی خود بدانند که عیسی چه انتظاری از آنها دارد.

سؤال ۶) (یوحنا ۱۴: ۲۷). مفهوم کلمه "سلامتی" چیست؟
ملاحظات: در کتاب‌مقدس کلمه "سلامتی" دو مفهوم متمایز دارد.

الف) به طور منفی، به معنی "صلح" یا آرامش است و به عدم جنگ، فقدان کشمکش‌های درونی، خشم، ترس، منازعات اخلاقی و غیره دلالت دارد.

ب) اما "سلامتی" به طور مثبت، به معنای کامل کردن چیزی است که قبلاً شکسته یا از هم گسیخته بود. "سلامتی" در این مفهوم به احیای رابطه‌ای از هم گسسته، تجدید هدفی از بین رفته، التیام احساسات جریحه‌دار شده، و خلاصه به تمام آن چیزهایی که از دید خدا برای زندگی شما ضروری است، دلالت دارد.

سؤال ۷) (یوحنا ۱۴: ۲۸- ۲۹) خدای پدر از چه لحاظ از عیسی بزرگتر است؟
ملاحظات: در یوحنا ۱۴: ۲۸- ۲۹، عیسی می‌فرماید: "اگر مرا محبت می‌نمودید، خوشحال می‌گشتید که گفتم نزد پدر می‌روم، زیرا که پدر بزرگتر از من است. و الآن قبل از وقوع به شما گفتم تا وقتی که واقع گردد ایمان آورید".

الف) دو طبیعت عیسی مسیح در انجیل یوحنا
۱) طبیعت انسانی عیسی مسیح. گاهی اوقات مردم یوحنا ۱۴: ۲۸ را جدا از قسمتهای دیگر کتاب‌مقدس تفسیر می‌کنند و چنین نتیجه می‌گیرند که عیسی خدا نیست یا با او یك نمی‌باشد. این نتیجه‌گیری اشتباه است. وقتی این آیه در چهارچوب انجیل یوحنا تفسیر شود، کاملاً مشخص می‌گردد که عیسی در این قسمت به طبیعت الهی خود اشاره نمی‌کند، بلکه منظورش طبیعت انسانی او است. عیسی مسیح به عنوان واسط و میانجی بین خدا و انسان، خود یك انسان کامل است و بنابراین بعنوان یك انسان در مرتبه‌ای نازل‌تر از خدا قرار دارد که روح است و از تمام دیگر انسانها بزرگتر است. همچنین یوحنا ۱۰: ۲۹ می‌فرماید: "پدری که ... به من داد، از همه بزرگتر است". این قسمت نیز راجع به طبیعت انسانی عیسی مسیح است و بدین مفهوم است که

عیسی مسیح قبل از رستاخیز از مردگان، بار گناهان انسانها را بر دوش گرفته، به جای آنها جان خود را فدا کرد. او پس از قیام، صعود و جلوس بر تخت پادشاهی در آسمان، بار دیگر از آن جلالی که قبل از آمدن به این جهان از آن برخوردار بود، بهرمند گردید (یوحنا ۱۷: ۵). بنابراین وقتی عیسی می‌فرماید که خدای پدر بزرگتر از اوست، در واقع شاگردانش را برای مرگ خود آماده می‌کند (مرقس ۸: ۳۱؛ ۹: ۳۱؛ ۱۰: ۳۲- ۳۴).

۲) طبیعت الهی عیسی مسیح. اصطلاح "فرزندان نور" در لوقا ۱۶: ۸ به انسانهایی اشاره دارد که از تمام خصوصیات نور برخوردار هستند. به همین ترتیب وقتی عیسی می‌فرماید: "من فرزند خدا هستم" (یوحنا ۱۰: ۳۶)، این حقیقت را بیان می‌کند که او از تمام صفات خدا برخوردار است. به همین دلیل است که می‌فرماید: "من و پدر یك هستیم" (یوحنا ۱۰: ۳۰). "پدر در من است و من در او" (یوحنا ۱۰: ۳۸). "کسی که مرا دید پدر را دیده است" (یوحنا ۱۴: ۹). و نیز به همین دلیل است که یوحنا می‌فرماید: "کلمه خدا بود" (یوحنا ۱: ۱) و "پسر یگانه‌ای که در آغوش پدر است همان او را ظاهر کرد" (یوحنا ۱: ۱۸). عیسی کاملاً از نظر ماهیت وجودی با خدای پدر برابر است.

ب) <u>دو طبیعت عیسی مسیح در رسالات</u>

۱) طبیعت انسانی عیسی مسیح. وقتی خدا در عیسی مسیح طبیعت انسانی بر خود گرفت، نه تنها به شکل یك انسان مجسم شد، بلکه به خاطر نجات بشر تا به مرگ مطیع گردید (فیلیپیان ۲: ۷- ۸). عیسی مسیح، به عنوان واسط میان خدا و انسان، خود را مطیع خدای پدر ساخت، تا خدا بر تمام کائنات حاکم باشد (اول قرنتیان ۱۵: ۲۸).

۲) طبیعت الهی عیسی مسیح. عیسی مسیح از تمام خصوصیات طبیعت خدا برخوردار بوده، با او برابر می‌باشد (فیلیپیان ۲: ۶). عیسی مسیح چهره دیدنی خدای نادیدنی است (کولسیان ۱: ۱۵). تمامی پری خدا در عیسی مسیح ساکن است (کولسیان ۱: ۱۹). الوهیت با همه کمالش به صورتی جسمانی در مسیح ساکن است (کولسیان ۲: ۹). عیسی مسیح فروغ جلال خدا و مظهر کامل ذات اوست (عبرانیان ۱: ۳).

عیسی مسیح دارای دو طبیعت می‌باشد: او بعنوان خدا با خدای پدر برابر است، ولی به عنوان انسان در مرتبه‌ای پایینتر از او قرار گرفته است. با اینحال از آنجا که دو طبیعت او هیچوقت از یکدیگر جدا نیستند و عیسی هیچگاه از خدای پدر و خدای روح‌القدس جدا نمی‌باشد، مسیحیان باید عیسی مسیح را "صورت نادیدنی خدای پرجلال" بدانند.

پ) <u>دو طبیعت عیسی مسیح در عهد عتیق</u>

۱) طبیعت انسانی عیسی مسیح. اشعیا پیشگویی می‌کند: "زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود" (اشعیا ۹: ٦).

۲) طبیعت الهی عیسی مسیح. اشعیا ادامه داده می‌فرماید: "و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد" (اشعیا ۹: ٦). در اشعیا ۹: ٦، عیسی مسیح "خدای قدیر" (در عبری: El gibor) و در اشعیا ۱۰: ۲۰- ۲۳، "خداوند" (یهوه)، "قدوس اسرائیل"، "خدای قدیر" (در عبری: El gibor) و "خداوند قادر مطلق" (در عبری: Adonai jawe Tsibaoth یعنی خداوند لشگرهای آسمانی) نامیده شده است. بنابراین اشعیای نبی عیسی مسیح را به عنوان خدا آشکار می‌سازد.

ت) <u>عیسی مسیح از همان حرمتی که خدای پدر دارد، برخوردار است.</u>

عیسی می‌فرماید که تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به او داده شده است (متی ۲۸: ۱۸). پولس می‌فرماید، اراده خدا این است که همه چیز را خواه آنچه در آسمان است و خواه آنچه بر زمین، در مسیح که سر است گرد آورد (افسسیان ۱: ۱۰). پطرس می‌فرماید، فرشتگان، ریاسات و قدرتها همه مطیع عیسی مسیح می‌باشند (۱ پطرس ۳: ۲۲). هیچکس نباید با قرار دادن عیسی مسیح در رتبه‌ای پایینتر از خدا به او بی‌حرمتی کند. یوحنا ۵: ۲۳ تعلیم می‌دهد که تمام انسانها باید همانگونه که پدر را حرمت می‌کنند، پسر را نیز حرمت کنند. "کسی که به پسر حرمت نکند، به پدر نیز احترام نکرده است".

<u>قدم ٤: بکار ببرید</u>

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.

درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۱٤: ۱- ۳۱ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.

(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

<u>نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر (انجیل یوحنا فصل ١٤)</u>

- ١٤: ٦، ٩ * از طریق شناخت بهتر عیسی مسیح خدای پدر را بهتر بشناسید.
- ١٤: ١٢ * ایمان داشته باشید که مسیح برای شما نیز "اعمال بزرگتری" در این جهان در نظر دارد.
- ١٤: ١٣* با شجاعت دعا کنید که خدا از طریق شما "اعمالی بزرگتر" انجام دهد.
- ١٤: ٢١، ٢٣ * تعالیم و احکام عیسی مسیح را به مرحله اجرا درآورید. در آن صورت عیسی مسیح خود را بر شما آشکار ساخته، نزد شما ساکن خواهد شد.
- ١٤: ٢٦ * به روح‌القدس اجازه دهید که اهمیت سخنان عیسی مسیح را به شما تعلیم دهد.

<u>نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی</u>

الف) من می‌خواهم در این حقیقت که خدا را می‌شناسم شادی کنم. عیسی مسیح خدای پدر و نقشه نجات او را برای من آشکار کرده است. "شناخت خدا" یعنی دسترسی داشتن به خدای پدر از طریق مسیح، دریافت آزادی واقعی در او، تقدیس شدن و برخورداری از مشارکتی غنی با خدای پدر بواسطه مسیح. بله، من می‌خواهم در این حقیقت که خدا را می‌شناسم، شادی کنم. من مسیح را با ایمان پذیرفته‌ام و بدینوسیله می‌توانم به خدای پدر دسترسی داشته باشم. من به بررسی خود در مورد مسیح در کتاب‌مقدس ادامه می‌دهم تا هر روز بیش از پیش از اسارت گناهانم رهایی بیابم. من می‌خواهم در مسیح بمانم و بدینوسیله با خدای پدر مشارکتی غنی داشته باشم.

ب) من می‌خواهم به مسیح اعتماد کنم و در انجام اعمال بزرگتر که همانا ایمان آوردن ملل غیر یهود است، سهیم شوم. من باید برای این اعمال بزرگتر دعا کنم. در کتاب اعمال رسولان (٦: ٤) می‌خوانیم که کلام خدا در نتیجه دعا گسترش یافت و بر تعداد ایمانداران افزوده شد. بنابراین من هم می‌خواهم دعا کنم و اطمینان داشته باشم که دعاهای من هم می‌تواند چنین تأثیری بر ساکنین منطقه و کشور من بر جای بگذارد.

<u>قدم ٥: دعا کنید</u> در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ١٤: ١- ٣١ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

٥	**دعا (٨ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

٦	**تکلیف منزل (٢ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - <u>تعهد</u> - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
٢ - <u>برای يك فرد یا گروه</u>، موضوع " یوحنا فصل ١٤" را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
٣ - <u>رازگاهان</u> - هر روز نیمی از يك فصل از عبرانیان ١- ٣ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - <u>حفظ کردن</u> - آیه حفظی جدید (یوحنا ١٣: ٣٤- ٣٥) را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
٥ - <u>دعا</u> - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ٣).
٦ - <u>آموخته های جدید</u> مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۳۳

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) عبرانیان

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (عبرانیان ۱- ۳) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: یوحنا ۱۳: ۳۴- ۳۵

٤	تعلیم (۸۵ دقیقه) تصمیم‌گیری و مشورت دادن

مقدمه: این تعلیم راجع به "اصول تصمیم‌گیری و مشورت دادن" می‌باشد. مردم سؤالات زیادی دارند و در جستجوی پاسخ هستند تا بتوانند تصمیم‌گیری کنند. ما در این درس خواهیم آموخت که چگونه به مردم مشورت دهیم و به آنها کمك کنیم تا برای زندگی خود تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کنند. همچنین خواهیم آموخت که چگونه پیران کلیسا و رهبران جوامع مختلف مسیحی (کلیسا یا مشارکت خانگی) باید در چهارچوب شورای پیران کلیسا تصمیماتی را اتخاذ کنند.
همچنین به بخش " طرح‌ریزی برنامه‌های خوب " در دستورعمل بنای کلیسا - کتاب سوم، ضمیمه شماره ۲ مراجعه کنید.

الف - <u>یاد بگیرید به هنگام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای زندگی خود، با دیگران مشورت کنید</u>

مقدمه: یك فرد مسیحی قبل از اینکه خود به دیگران مشورت دهد، باید بتواند با دیگران مشورت کند و مشورتها و نصایح آنها را بپذیرد. کتاب امثال در خصوص "حکمت" حاوی حقایق زیادی است. در زیر، سه حقیقت حکیمانه مهم در مورد تأثیری که مشورت کردن و اندرز گرفتن بر شما خواهد داشت، عنوان شده است.

۱- <u>یك مسیحی با دیگران مشورت می‌کند تا بتواند برای زندگی خود تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی خوبی انجام دهد.</u>

بخوانید: امثال ۱۵: ۲۲
کشف و گفتگو کنید: چرا یك مسیحی باید یاد بگیرد با دیگران مشورت کند؟
ملاحظات: یك مسیحی باید با دیگران مشورت کند تا بتواند برای زندگی خود تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کند.
امثال ۱۵: ۲۲ می‌فرماید: "از عدم مشورت تدبیرها باطل می‌شود، اما از کثرت مشورت دهندگان برقرار می‌ماند".
تمام مردم برای زندگی خود تصمیمات خاصی می‌گیرند و برنامه‌های بخصوصی طرح می‌کنند، ولی همه دست به تصمیم‌گیری یا انتخاب درست نمی‌زنند، علتش هم این است که با دیگران مشورت نمی‌کنند. آنها فکر می‌کنند خود همه چیز را می‌دانند و به راهنمایی دیگران نیازی ندارند. خدا هشدار می‌دهد که تدابیر چنین افرادی باطل خواهد شد. بنابراین مشورت کردن با دیگران به شما کمك خواهد کرد که در مورد جوانب مختلف تصمیم‌گیریها، انتخابها و برنامه‌ریزیهای خود فکر کنید.
هر تصمیم‌گیری، انتخاب و برنامه‌ریزی، با خود نتایج و عواقبی به همراه دارد. این نتایج ممکن است خوب یا بد باشند و یا با آن چیزی که شما انتظار داشتید، فرق داشته باشند. وقتی شما با دیگران در رابطه با عواقب احتمالی یك تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی

یا انتخاب صحبت می‌کنید و در مورد آنچه به شما گفته می‌شود فکر می‌کنید، این کار باعث می‌شود تصمیماتی خوب و واقع‌بینانه اتخاذ کنید.

الف) در امور اخلاقی و روحانی، مشاورین شما باید مسیحی باشند.
شما به عنوان یك مسیحی، عضوی از بدن مسیح هستید و به كمك و راهنمایی دیگر اعضای كلیسا نیاز دارید (اول قرنتیان ۱۲: ۲۱). شما به سؤالات و مشورتهای دیگر مسیحیان نیاز دارید تا به شما كمك كنند در مورد تصمیم‌گیری، انتخاب یا برنامه‌های خود و عواقب آنها خوب فكر كنید. در تمام امور اخلاقی و روحانی، مشاورین شما باید مسیحیانی تولد تازه یافته و افرادی باشند كه از نظر روحانی بالغ و خداترس هستند، زیرا بی‌ایمانان فكر خدا را ندارند (اول قرنتیان ۲: ۱۲- ۱۶) و ایماندارانی كه بالغ نیستند قادر به تشخیص نیك و بد نمی‌باشند (عبرانیان ۵: ۱٤). همچنین خدا به كسانی كه مرتكب بدی و شرارت می‌شوند، گوش نمی‌دهد (اول پطرس ۳: ۱۲).

ب) در خصوص امور دیگر، می‌توانید از مشاورین غیرمسیحی كه در امر مشاوره تخصص دارند مشورت بخواهید.
شما به عنوان یك فرد مسیحی، عضوی از جامعه هستید و به كمك دیگر افراد جامعه خود نیاز دارید. شما می‌توانید در خصوص تمام دیگر اموری كه به مسائل روحانی و اخلاقی مربوط نمی‌شوند، مشاورین غیر مسیحی نیز داشته باشید، زیرا چنین مشاورینی اغلب برای كمك به شما از دانش و تجربه كافی برخوردارند.
شما باید با مشاورین بسیاری مشورت كنید، زیرا از این طریق می‌توانید برای اتخاذ تصمیمات یا برنامه‌ریزی در زندگی خود به حقایق مهمی دست یابید. شما باید در رابطه با عواقب تصمیمات و برنامه‌ریزیهای خود، با مشاورین دیگر صحبت كرده، در مورد آنها فكر كنید.
هر چه مشاورین از شما و شرایطتان آگاهی بیشتری داشته باشند، بهتر می‌توانند به شما مشورت دهند (امثال ۲۷: ۲۳).

۲- <u>یك مسیحی با دیگران مشورت می‌كند تا بدینوسیله رابطه خود را با خدا، انسانها و شرایط بهتر كند.</u>

كشف و گفتگو كنید: بر طبق آیاتی كه در زیر از كتاب‌مقدس عنوان شده است، چرا یك مسیحی باید با دیگران مشورت كند؟

الف) شما با دیگران مشورت می‌كنید تا بدینوسیله رابطه خود را با خدا بهتر كنید.
بخوانید: اشعیا ۳۰: ۱- ۲. این قسمت می‌فرماید: "وای بر كسانی كه... مشورت می‌كنند لیكن نه از من، و عهد می‌بندند لیكن نه از روح من،... آنها عزیمت خواهند كرد بدون اینكه از من سؤال نمایند". خدا به ما هشدار می‌دهد كه با اتكا به او تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی كنیم. خدا مایل است كه قوم او با او مشورت كنند، بواسطه روح او با دیگران در ارتباط باشند و نقشه‌های او را پیاده كنند. مشورت خواستن از خدا و پذیرفتن آن باعث می‌شود اراده و اهداف خدا را بدانید و با او رابطه بهتری داشته باشید.

ب) شما با دیگران مشورت می‌كنید تا بدینوسیله رابطه خود را با سایر مردم نیز بهبود بخشید.
بخوانید: امثال ۱۹: ۲۰- ۲۱؛ ۱٤: ۲۲. امثال ۱۹: ۲۰- ۲۱ می‌فرماید: "پند را بشنو و تأدیب را قبول نما، تا در عاقبت خود حكیم شوی. فكرهای بسیار در دل انسان است، اما آنچه ثابت ماند مشورت خداوند است." كسانی كه با دیگران مشورت نمی‌كنند و نصایح آنها را نمی‌پذیرند، در نظر خدا افراد نادانی هستند. هر مسیحی باید به نصایح و راهنماییهای دیگران گوش داده، آنها را بپذیرد.
امثال ۱٤: ۲۲ می‌فرماید: "برای كسانی كه تدبیر نیكو می‌نمایند، رحمت و راستی خواهد بود". مشورت كردن با دیگران و پذیرفتن نصایح خوب از آنها باعث می‌شود كه شما افرادی حكیم، امین و با محبت باشید. همچنین این كار به شما كمك خواهد كرد كه با دیگران رابطه بهتری برقرار كنید.

پ) شما با دیگران مشورت می‌كنید تا بدینوسیله با شرایط سخت زندگی خود بهتر مواجه شوید.
بخوانید: امثال ۲۸: ۱٤. این قسمت می‌فرماید: "خوشابحال كسی كه دائماً می‌ترسد، اما هر كه دل خود را سخت سازد به بلا گرفتار خواهد شد." مشورت گرفتن از دیگران مستلزم فروتنی است. كسی كه دل خود را نسبت به نصایح دیگران سخت سازد، قطعاً گرفتار مشكلات و بلایا خواهد شد. خدا مخالف افراد متكبر است (اول پطرس ۵: ۵) و انسان پس از اینكه مرتكب غرور شد، سقوط كرد. بنابراین شما باید قلب خود را نرم ساخته، تعلیم پذیر باشید و ترس خداوند را در دل داشته باشید. اگر به نصایح دیگرمسیحیان گوش دهید، می‌توانید در راستای اراده و اهداف خدا آنگونه كه در كلامش ذكر شده است، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی كنید. اگر بپرسید و نصایح خوب را قبول كنید، از مشكلات در امان خواهید بود و قادر خواهید بود با شرایط سخت زندگی خود بهتر مواجه شوید.

۳- <u>هر مسیحی به خاطر تصمیم‌گیریها، انتخابات و برنامه‌ریزیهایی كه می‌كند به خدا پاسخگو می‌باشد.</u>

بخوانید: دوم قرنتیان ۵: ۱۰
كشف و گفتگو كنید: چرا یك مسیحی باید یاد بگیرد مسؤولیت تصمیم‌گیریها، انتخابات و برنامه‌ریزیهای خود را بپذیرد؟

ملاحظات: شما نباید تنها بر اساس مشورتها و نصایح دیگران تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کنید. همچنین نباید دیگران را از اینکه مشورت خوبی به شما نداده‌اند سرزنش کنید. زیرا در نهایت این خود شما هستید که به خاطر تصمیمات، انتخابات و برنامه‌ریزیهای خود و عواقب آنها مسؤول می‌باشید. خدا شما را مسئول و پاسخگو در برابر تصمیمها، انتخابها و نقشه هایتان و نتایج آنها خواهد دانست.

ب - <u>یاد بگیرید قبل از دادن مشورت به دیگران، در زمینه‌ای که مشورت می‌دهید اطلاعاتی را جمع‌آوری کنید.</u>

مقدمه: یك مسیحی قبل از اینکه به دیگران مشورت دهد، باید یاد بگیرد به آنها گوش دهد و از آنها سؤالاتی بپرسد. وقتی که به اندازه کافی در مورد مخاطب خود حقایق مفید جمع‌آوری کرد، در آن صورت قادر خواهد بود به او کمك کند و مشورت مفیدی به او ارائه دهد.
به " جمع آوری اطلاعات به منظور دادن مشورت" در دستورعمل بنای کلیسا - کتاب سوم، ضمیمه شماره ۲ مراجعه کنید.

پ - <u>یاد بگیرید خود تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کنید.</u>

مقدمه: "تصمیم‌گیری" عبارت است از انتخاب و برنامه‌ریزی. برخی از تصمیمات باید بر اساس تعلیم روشن کتاب‌مقدس اتخاذ شوند. به عنوان مثال، تصمیم‌گیری در مورد دزدی نکردن و دروغ نگفتن مطابق ده فرمان است. برخی دیگر از تصمیمات باید بر اساس حکمت خدا در کتاب‌مقدس اتخاذ شوند و این امر مستلزم سعی و تلاش بیشتری است. به عنوان مثال، در کتاب‌مقدس درخصوص تصمیم‌گیری برای انتخاب زوج یا شغل مناسب مطلب آشکاری وجود ندارد. این گونه تصمیمات را باید بر اساس شرایطی که خدای قادر مطلق برای هر انسانی در نظر گرفته است، اتخاذ کرد. اتخاذ چنین تصمیماتی بیشتر به طرز برخورد و عکس العملهای ما در قبال موقعیتها و شرایط زندگی‌مان بستگی دارد، تا به آزادی ما در انتخاب چنین موقعیتهایی.

۱- <u>خدا اراده خود را بر مسیحیان مکشوف ساخته است تا آنها بتوانند بر طبق اهداف و اراده او تصمیم‌گیری کنند.</u>

مقدمه: خدا هر آنچه را که دانستن، پذیرفتن و انجام آن برای مسیحیان ضروری می‌باشد، در کتاب‌مقدس آشکار کرده است. بنابراین فرد مسیحی باید برای اتخاذ تصمیم یا انتخابی که به خشنودی خدا منجر می‌شود، به کتاب‌مقدس مراجعه کند و تصمیمات، انتخابات و برنامه‌ریزیهای خود را بر اساس اراده مکشوف خدا قرار دهد. مکاشفه خدا همانا عبارت است از تعالیم خاص و عامی که در اختیار بشر نهاده است. تصمیم‌گیریهای یك فرد مسیحی باید در چهارچوب این تعالیم باشد.

الف) <u>تعالیم خاص یا اراده اخلاقی خدا</u>
تعلیم دهید: تعالیم خاص خدا عبارتند از تمامی احکام، ممنوعیتها و تعالیم موجود در کلام خدا که اراده اخلاقی خدا نیز نامیده می‌شوند و به مسیحیان در مورد آنچه که در نظر خدا خوب یا بد، یا درست یا اشتباه است تعلیم می‌دهند. خدا به تمام انسانها حکم می‌کند که علیرغم شرایط فرهنگی و علائق و احساسات خود، از تمام فرامین خاص، یعنی از تمامی ممنوعیتها و تعالیمی که در کتاب‌مقدس وجود دارند، اطاعت کنند. مسیحیان باید انتخاب کنند که آیا حاضرند از خدا اطاعت کنند یا نه. گاهی یك فرد مسیحی حاضر است از خدا اطاعت کند، ولی مطمئن نیست که آیا فلان حکم خاص خدا تنها برای فرد یا گروه خاصی است یا برای تمام مسیحیان که او نیز یکی از آنهاست.
۱) <u>نمونه‌هایی از تعالیم خاصی که برای تمام مسیحیان است</u>. "شما نباید خدایان دیگر را عبادت کنید". "شما نباید دزدی کنید" (خروج ۲۰). "توبه کنید و به انجیل ایمان آورید" (مرقس ۱: ۱۵). "مسیح را به عنوان خداوند بپذیرید". "در مسیح سلوك نمایید". "در او ریشه بگیرید و بنا شوید" (کولسیان ۲: ٦- ۷). "خطاهای مردم را ببخشید" (متی ٦: ١٤). "دشمنان خود را محبت نمایید و به آنانی که از شما نفرت دارند، نیکی کنید. برای هر که نفرینتان کند برکت بطلبید، و هر کس را که آزارتان دهد دعای خیر کنید" (لوقا ٦: ۲۷- ۲۸). "با یك بی‌ایمان ازدواج نکنید" (۲ قرنتیان ٦: ١٤).
این تعالیم خاص، اراده اخلاقی خدا نیز نامیده می‌شوند.
۲) <u>نمونه‌هایی از تعالیمی که برای گروه خاصی از مردم یا مختص شرایط خاصی است</u>. احکام مربوط به قربانی و دهیك مستقیماً خطاب به قوم خدا (اسرائیل) در عهد عتیق هستند (ملاکی ۱: ۱، ٦- ١٤؛ ۳: ٦- ۱۲). حکم مربوط به فروختن تمام اموال و دادن پول آن به فقرا تنها برای آن جوان ثروتمند بود (مرقس ۱۰: ۲۱). مراسم ختنه تنها محدود به دوران عهد عتیق بود (پیدایش ۱۷: ۹- ١٤؛ غلاطیان ٥: ۳- ٤؛ ٦: ۱۲- ۱٥). به همین ترتیب، وعده بازسازی یا تهدید به ویرانی در ارمیا ۱۸: ٦- ۱۰ و مکاشفه ۲: ۷ نیز تنها خطاب به کسانی است که بر اساس شرایط آن وعده یا تهدید عمل می‌کنند.
یك مسیحی باید یاد بگیرد کتاب‌مقدس را به درستی تفسیر کند. همیشه بهتر است در زمینه تفسیر کتاب‌مقدس از دیگر مسیحیان حکیم و بالغ کمك بخواهید. گاهی یك مسیحی دقیقاً نمی‌داند که چگونه باید تعلیم خاصی را به طور عملی در زندگی خود به کار ببندد. زمانیکه چنین مسیحی در خصوص برخی از تعالیم خاص خدا مطمئن نیست، باید از مسیحیان دیگر راهنمایی و کمك بگیرد و در دعا از خدا بخواهد تا در این زمینه او را کمك کند. خدا فکر، قلب و اعمال او را از طریق روح‌القدس هدایت خواهد کرد (مزمور ۱٤۳: ۸- ۱۰).

ب) تعالیم عام یا حکمت خدا
بخوانید: مزمور ۳۲: ۸- ۱۰؛ اشعیا ٤۸: ۱۷؛ یعقوب ۱: ۵- ۸
تعلیم. تعالیم عام عبارتند از احکام، ممنوعیتها و تعالیم عمومی که در کتاب‌مقدس آمده‌اند و حکمت خدا نیز نامیده می‌شوند. این تعالیم به مسیحیان می‌آموزند که چه چیزی در نظر خدا حکیمانه است و چه چیزی از نظر او نادانی و حماقت محسوب می‌شود. خدا به مسیحیان حکم می‌کند که بر اساس حکمت او برای زندگی خود تصمیم بگیرند و برنامه‌ریزی کنند.
گاهی یك فرد مسیحی باید تصمیم مهمی بگیرد. مجبور است بین دو امکان تصمیم بگیرد اما نمی‌تواند در کلام خدا در این زمینه دستورالعمل روشنی پیدا کند. در چنین شرایطی، خدا به یك مسیحی وعده داده است که او را در مسیر درست هدایت خواهد نمود. در مزمور ۳۲: ۸- ۱۰، خدا وعده می‌دهد: "تو را حکمت خواهم آموخت و به راهی که باید رفت ارشاد خواهم نمود؛ و تو را به چشم خود که بر تو است نصیحت خواهم فرمود." و در اشعیا ٤۸: ۱۷ وعده می‌دهد: "من یهوه خدای تو هستم و تو را تعلیم می‌دهم تا سود ببری و تو را به راهی که باید بروی هدایت می‌نمایم". در یعقوب ۱: ۵- ۸ از مسیحیان خواسته شده است که در دعا از خدا حکمت بطلبند.
۱) نمونه‌هایی از مواردی که مستلزم تصمیم‌گیری است. در زندگی مسائل زیادی وجود دارد که خدا در رابطه با آنها هیچ حکم یا تعلیم مشخصی نداده است. به عنوان مثال ما چگونه می‌توانیم اراده خدا را در مورد سؤالات زیر بدانیم:
"باید در چه زمینه‌ای تحصیل کنم؟" "با چه کسی باید ازدواج کنم؟" "آیا باید فلان وسیله خاص را بخرم یا نه؟" "باید چه روشی را در زندگی دنبال کنم؟"
۲) نمونه‌هایی از تعالیم عام. خدا احکام، ممنوعیتها، تعالیم و اصول خاصی را در کتاب‌مقدس عنوان کرده که مبتنی بر حکمت او می‌باشند و به ما کمك می‌کنند تا اراده او را درك کرده، برای زندگی خود تصمیم درستی بگیریم. به عنوان مثال: "تحقیق نمایید که پسندیده خدا چیست؟" (افسسیان ۵: ۱۰). "پس با خبر باشید که چگونه به دقت رفتار نمایید- نه چون جاهلان بلکه چون حکیمان. و وقت را دریابید زیرا این روزها شریر است" (افسسیان ۵: ۱۵- ۱٦). "پس آن اموری را که منشأ سلامتی و بنای یکدیگر است پیروی نمایید" (رومیان ١٤: ١۹). ما در بسیاری از مواقع فوراً نمی‌دانیم چه چیزی خدا را بیش از هر چیز دیگر خشنود می‌سازد، انجام چه کاری در شرایطی خاص حکیمانه است، یا انجام چه کاری به ایجاد صلح در بین مردم و بنای دیگران می‌انجامد. حکم خدا به انسانها این است که بر اساس این تعالیم عام، تصمیماتی حکیمانه اتخاذ کنند. وقتی یك فرد مسیحی مطمئن نیست که چگونه باید در شرایط خاص زندگی خود تعالیم خاص خدا را به کار ببرد، در آن صورت باید از تعالیم عام یا حکمت خدا و نیز از مشاورینی باتجربه کمك بگیرد تا او را در اتخاذ تصمیمات درست یاری دهند.
به بخش "خداوندی: کشف اراده خدا" در دستورعمل شاگردسازی - کتاب چهارم، درس ٤۳ مراجعه کنید.

پ) منابع حکمت خدا
تعلیم دهید: منابع حکمت خدا عبارتند از:
۱) کتاب‌مقدس (مزمور ۱۱۹: ۹۷- ۱۰۰)
۲) دعا (یعقوب ۱: ۵)
۳) مشاورین (امثال ۱۱: ١٤)
٤) تحقیق (نحمیا فصل ۲)

ت) سؤالات حکیمانه
تعلیم دهید: خدا از مسیحیانی که او را دوست دارند، انتظار دارد تصمیماتی حکیمانه اتخاذ کنند. خدا می‌خواهد مسیحیان در تصمیم‌گیری‌هایشان از عقل و فکر خود به بهترین وجه استفاده کنند. به عنوان مثال:
۱) **بخوانید:** اول قرنتیان ۱۰: ۲۳. این قسمت تعلیم می‌دهد که انجام تمام اعمالی که در کتاب‌مقدس منع نشده‌اند برای یك فرد مسیحی جایز است، ولی لزوماً مفید یا بنا کننده نیست. بنابراین یك مسیحی باید تشخیص دهد که انجام چه کارهایی برای او هم جایز است و هم مفید و بنا کننده.
۲) **بخوانید:** اول قرنتیان ۷: ۱، ۹. این قسمت تعلیم می‌دهد که ممکن است برای یك فرد مسیحی انجام تمام اعمالی که در کتاب‌مقدس منع نشده‌اند خوب باشد، ولی الزاماً بهترین نباشد. یك مسیحی باید تشخیص دهد که انجام کدام یك از این اعمال جزو بهترین‌ها است.
۳) **بخوانید:** اول قرنتیان ۷: ۲۸، ٤۰. این قسمت تعلیم می‌دهد که یك فرد مسیحی باید تشخیص دهد که چه اعمالی باعث ناراحتی دیگران می‌شود و برای آنها مشکل ایجاد می‌کند، و چه اعمالی باعث خوشحالی آنها می‌گردد. آنچه باعث شادی یك نفر می‌شود ممکن است باعث ناراحتی شخصی دیگر گردد.
٤) **بخوانید:** اول قرنتیان ١٦: ٤ و دوم قرنتیان ۹: ۵. این قسمتها تعلیم می‌دهند که یك مسیحی باید تشخیص دهد انجام چه کاری "خوب" و انجام چه کاری "ضروری" است.
۵) **بخوانید:** متی ٦: ۳۳. این قسمت تعلیم می‌دهد که خدا برای هر فردی اولویتهای خاصی در نظر دارد. بنابراین، هر مسیحی باید تشخیص دهد که کدام یك از اولویتهای زندگی‌اش باعث رضایت و خشنودی خدا است.
٦) **بخوانید:** امثال ١٦: ۱- ٤، ۷، ۹، ۲۵، ۳۳ و روت فصل ۲. این قسمتها تعلیم می‌دهند که یك مسیحی باید همواره از حکمت الهی (یا خداوندی) جهت تصمیم‌گیری و انتخابهای مهم زندگی خود استفاده کند. حکمت الهی غالباً باعث می‌گردد شخص دست به یك انتخاب مشخص بزند که باعث خشنودی خدا است. در شرایطی که بیش از یك انتخاب حکیمانه وجود دارد، هر دو انتخاب در

نظر خدا دارای اهمیتی یکسان هستند. خدا بر حسب قدرت مطلقش انسان را هدایت می‌کند و اجازه نخواهد داد او در طریقی نادرست گام بردارد.

۲- خدا به هر فرد مسیحی آزادی و مسؤولیت عطا کرده است تا تصمیماتی بخصوص اتخاذ کند.

تعلیم‌دهید:

الف) آزادی در تصمیم‌گیری مستلزم داشتن حس مسؤولیت و پاسخگویی است.

خدا انسان را به شباهت خود آفریده است (پیدایش ۱: ۲۷)، نه به صورت یك آدم آهنی. او تمام اعمالی را که انسان باید انجام دهد برای او آشکار نکرده است، ولی این حکم را به او داده است که خداوند خدای خودش را با تمامی فکر، قلب و قوت خود محبت کند. خدا به فرد مسیحی عقل و شعور داده است تا بر اساس آن، در مواردی که برای آن مکاشفه خاصی از طرف خدا داده نشده است، خود بطور حکیمانه دست به انتخاب بزند و تصمیم‌گیری کند. خدا به فرد مسیحی قلب داده است تا او بتواند خدا را با تمام وجود و با میل قلبی محبت کند (مرقس ۱۲: ۳۰- ۳۱). او به فرد مسیحی وجدان داده است (اعمال ۲۴: ۱۶؛ رومیان ۲: ۱۵) تا بتواند بر اساس آن تشخیص دهد که آیا تصمیمی که گرفته است مورد رضایت خدا واقع خواهد شد یا خیر. خدا همچنین به فرد مسیحی بدن عطا کرده است (رومیان ٦: ۱۳، ۱۹) تا بتواند از اعضای بدن خود مطابق اراده و اهداف خدا استفاده کند. بنابراین خدا به مسیحیان صرفاً این توانایی را نداده است که برخی تصمیمات خاص اتخاذ کنند، بلکه آنها را طوری خلق کرده که در رابطه با تصمیماتی که می‌گیرند و عواقب این تصمیم‌گیری‌ها مسؤول هستند و باید در برابر خدا پاسخگو باشند.

یك فرد مسیحی نباید دیگران را به خاطر عواقب تصمیم‌گیریهای خود سرزنش کند. در نظر خدا آزادی همواره محدود و همراه با حس مسؤولیت‌پذیری است. هیچ کس دارای آزادی نامحدود نیست تا هر تصمیمی که دلش خواست برای زندگی خود بگیرد. تعالیم خاص خدا در کتاب‌مقدس و کنترل مطلق او بر شرایط، چهارچوب خاصی را تشکیل می‌دهند که فرد مسیحی باید در محدوده آن به تصمیم‌گیری بپردازد. بنابراین، یك فرد مسیحی باید یا بر اساس تعالیم خاص خدا و یا بر اساس اصول حکیمانه خدا در کتاب‌مقدس تصمیم‌گیری کند.

ب) خدا انسان را جهت انتخاب و تصمیم‌گیری آزاد گذاشته است.

حقیقت مهم در کتاب‌مقدس این است که خدا در خصوص اکثر تصمیم‌گیریهایی که باید در طول زندگی روزانه خود بر روی این زمین اتخاذ کنیم، توصیه یا راهنمایی مشخصی ارائه نداده است. خدا مسیحیان را در زمینه تصمیم‌گیریهای شخصی‌شان تا اندازه زیادی آزاد گذاشته است. ظاهراً روحانی بنظر میرسد که فرد مسیحی قبل از اینکه کاری انجام دهد، در جستجوی هدایت خدا باشد. اما اراده خدا این است که مسیحیان برای اتخاذ تصمیمات شخصی‌شان از عقل و وجدان خود استفاده کنند، مگر در مواردی که کتاب‌مقدس در خصوص آن تعلیم، حکم یا ممنوعیت خاصی بیان داشته است. به عنوان مثال، یك چوپان گله گوسفندان خود را به سمت مرتعهای سبز رهبری می‌کند ولی نمی‌تواند مشخص کند که هر گوسفند باید به کدام قسمت از آن مرتع برود. نمونه دیگر این است: اگر خدا به شما یك ساعت مچی داده تا از آن استفاده کنید، آیا اگر مدام در مورد زمان از او سؤال کنید او را بیشتر تکریم کرده‌اید یا اگر به ساعت خودتان نگاه کنید؟ خدا به ما عقل داده است تا فکر خود را بکار بیاندازیم.

پ) گاهی ممکن است تصمیمات یا انتخابهای مختلفی باعث خشنودی خدا شود.

گاهی ممکن است انتخابهای مختلفی باعث رضایت و خشنودی خدا شود، و نه صرفاً یك انتخاب خاص. هر انتخابی که باعث خشنودی خدا شود، انتخابی صحیح است.

اگر یك مسیحی زندگی روزانه خود را به مسیح نسپارد، ممکن است تصمیمات اشتباهی بگیرد و خواهد گرفت. ولی وقتی زندگی روزمره خود را وقف مسیح می‌کند، به او اعتماد می‌کند که تصمیم اشتباهی نخواهد گرفت.

ت) خدا در برخی موارد جهت انتخاب و تصمیم‌گیری به مسیحیان آزادی عمل می‌دهد.

۱) **بخوانید:** رومیان ۱٤: ۱- ٥. یك مسیحی در انتخاب نوع غذایی که می‌خواهد بخورد آزاد است، ولی این خوراك نباید باعث لغزش شخص دیگری شود. او همچنین می‌تواند روزهای خاصی را جشن بگیرد، ولی نباید اعیاد مذهبی افراد بت‌پرست را جشن بگیرد.

۲) **بخوانید:** اول قرنتیان ۷: ۸- ۹. یك مسیحی می‌تواند تصمیم بگیرد که ازدواج کند یا مجرد باقی بماند.

۳) **بخوانید:** اول قرنتیان ۷: ۳۹. یك مسیحی می‌تواند با هر شخصی ازدواج کند، مشروط بر آنکه آن شخص مسیحی باشد.

٤) **بخوانید:** دوم قرنتیان ۹: ٦- ۷. یك مسیحی می‌تواند تصمیم بگیرد که می‌خواهد برای کار خدا در کلیسای محلی خود و یا در رابطه با فعالیتهای کلیسای جهانی چه مقدار کمك مالی اهداء کند.

٥) **بخوانید:** فیلیپیان ۲: ۱۳؛ اعمال ۱٦: ٦- ۱۰. وقتی یك فرد مسیحی در مسیح زندگی می‌کند، نباید نگران این باشد که مبادا تصمیمی بر خلاف اراده مطلق خدا اتخاذ کند. فیلیپیان ۲: ۱۳ و اعمال ۱٦: ٦- ۱۰ تعلیم می‌دهند که خدا بر حسب قدرت مطلق و هدف نیکوی خود اراده و شرایط زندگی یك فرد مسیحی را هدایت خواهد کرد. پیدایش فصل ۲٤ بیانگر این موضوع است که چگونه خدا انسانهای مختلفی را در آن واحد جهت اتخاذ تصمیمی درست هدایت خواهد کرد.

۳- خدا به مسیحیان جهت تصمیمگیری در زندگی‌شان فیض بسیار عطا می‌کند.

مقدمه: خروج ۳٤: ٦- ۷ می‌فرماید: "و خداوند پیش روی وی عبور کرده، ندا در داد که یهوه، یهوه، خدای رحیم و رئوف و دیرخشم و کثیر احسان و وفا؛ نگاه دارنده رحمت برای هزاران و آمرزنده خطا و عصیان و گناه؛ لکن گناه را هرگز بی‌سزا نخواهد گذاشت".

۱) خدا در رابطه با ضعفهای مسیحیان صبور می‌باشد.
۲) خدا نسبت به مسیحیانی که از تصمیمات اشتباه خود توبه می‌کنند، ترحم نشان می‌دهد.
۳) خدا بر حسب قدرت مطلق خود شرایط زندگی مسیحیان را به گونه‌ای هدایت می‌کند که اهداف الهی او را در زندگیهایشان تحقق بخشند.

الف) تصمیمات اشتباهی که غیرعمدی است.
وقتی که یك مسیحی به طور غیرعمد تصمیم اشتباهی می‌گیرد، چه باید بکند؟
وقتی که یك مسیحی متوجه می‌شود که ناآگاهانه تصمیم اشتباهی اتخاذ کرده است و با عواقب سخت آن مواجه می‌شود، ممکن است دچار شك و تردید یا نگرانی شود. در چنین مواقعی، او باید به حفاظت و توجه خدا اعتماد کند (اول پطرس ٥: ۷). وقتی که یك مسیحی تصمیمی را با این تصور که مطابق اراده خداست اتخاذ می‌کند، ولی بعد متوجه شود که اشتباه کرده است، باید به خدا اعتماد کند و مطمئن باشد که خدا شرایط را تحت کنترل دارد و در مورد عواقب این عمل اشتباه نیز فکر می‌کند. یك مسیحی باید متوجه شود که تا زمانی که بر روی این زمین زیست می‌کند، موجود کاملاً مقدس و بی‌عیبی نیست و همواره دچار اشتباه خواهد شد. ولی از طرف دیگر باید ایمان داشته باشد که خدا قادر مطلق است و همه چیز را برای خیریت کسانی که او را دوست دارند به کار می‌گیرد (رومیان ۸: ۲۸). یك مسیحی ممکن است همواره اراده کامل خدا را نداند، ولی باید همواره با ایمان عمل کند. "بدون ایمان تحصیل رضامندی خدا محال است" (عبرانیان ۱۱: ٦).

ب) تصمیمات اشتباه عمدی و آگاهانه
یك مسیحی توبه کرده که آگاهانه تصمیم اشتباهی گرفته است، باید در انتظار چه عواقبی باشد؟
خداوند به یونس دستور داد که کلام او را به مردم شهر بزرگی به نام نینوا موعظه کند (یونس ۱: ۲). یونس نبی از انجام اراده خدا ترسان بود، به همین جهت تصمیم گرفت به مکان دیگری فرار کند. او فکر می‌کرد بدین ترتیب از نظر خدا دور خواهد ماند. ولی خدا از یك ماهی به منظور توبه و فروتن ساختن یونس استفاده کرد. وقتی که یونس توبه کرد، خداوند برای بار دوم از او خواست که کلام خدا را در شهر نینوا موعظه کند (یونس ۳: ۱- ۲). خدا ممکن است از شرایط و موقعیتهای خاصی در زندگی شما استفاده کند تا شما را به خود نزدیك سازد. این نشان می‌دهد که خدا برای تمام مسیحیان یك نقشه یا برنامه واحد ندارد. خدا برنامه دومی برای شما دارد که در شرایط موجود زندگی‌تان، بهترین برنامه برای زندگی شما است. وقتی که یك مسیحی از اینکه از برنامه و نقشه اول خدا برای زندگی‌اش نااطاعتی کرده است توبه می‌کند، خدا نسبت به او ترحم نشان داده، او را می‌بخشد (اول یوحنا ۱: ۹) و بر اساس رحمتش برنامه دومی به او عطا می‌کند. این برنامه به اندازه برنامه اول خوب و مهم است.
برای آن عده از فرزندان خدا که توبه کرده نزد خدا بازگشت می‌کنند، خدا حتی برنامه‌های چهارم و پنجم خوبی نیز در نظر دارد و آنها همه نقشه های نیکو هستند، زیرا خدا در بخشش و محبت خود کامل است (امثال ۲٤: ۱٦). هیچ کس یا هیچ چیزی قادر نیست مانع از تحقق اهداف خدا در زندگی فرزندانش بشود (اشعیا ۱٤: ۲٤، ۲۷).

پ) شرایط غیر قابل کنترل
مسیحیان چگونه باید اراده مکشوف نشده خدا را در مورد شرایط و وضعیتهای مربوط به زندگی شخصی‌شان بفهمند؟
تنها خود خدا است که از اراده مکشوف نشده خود آگاهی دارد (تثنیه ۲۹: ۲۹). خدا خداست و افکار و طرق او ورای افکار و طرق انسانها است (اشعیا ٥٥: ۸- ۱۱). اراده مکشوف شده خدا در کتاب‌مقدس مطلق می‌باشد و او اهداف خود را به تحقق خواهد رساند. اراده مکشوف نشده خدا نیز مطلق است و خدا اهداف خود را در این زمینه نیز به تحقق خواهد رساند. به عنوان مثال، خدا بر ما آشکار نکرده که چرا ما در زمانی خاص از تاریخ بشر در فلان خانواده بخصوص به دنیا آمده‌ایم (اعمال ۱۷: ۱٦). او سالهای عمر ما را برای ما مکشوف نساخته است (مزمور ۹۰: ۱۰- ۱۲)، و همچنین بر ما آشکار نکرده که چرا اجازه می‌دهد در زندگی خود با برخی شرایط سخت مواجه شویم (رومیان ٥: ۳- ٤). ولی این حقیقت را برای ما آشکار کرده است که: "به جهت آنانی که خدا را دوست دارند و بحسب اراده او خوانده شده‌اند، همه چیز برای خیریت ایشان با هم در کار می‌باشند" (رومیان ۸: ۲۸).
اراده مکشوف نشده خدا برای فرزندان او اراده کاملی می‌باشد. بنابراین، یك مسیحی باید تصمیم بگیرد خود را به خدا بسپارد و ایمان داشته باشد که خدا بهترین نقشه و برنامه را برای زندگی او دارد (اول پطرس ٥: ۷).

٤- تصمیمات گروهی یا سازمانی

مقدمه: در بسیاری از مواقع تصمیمات باید در چهارچوب يك گروه اتخاذ شود. این تصمیمات نیز باید در چهارچوب تعالیم مکشوف‌شده خدا و حکمت الهی که در کتاب‌مقدس بیان شده است، اتخاذ شوند. خدا به هیچ يك از رهبران - مسیحی یا غیرمسیحی- چه در کلیسا و چه خارج از آن چنین اقتداری نداده است که از جانب خود قوانینی تعیین کنند و بر اساس آن قوانین دست به تصمیم‌گیری بزنند. اغلب در بین مسیحیان، شورای پیران کلیسا و کلیسا به صورت يك جمع تصمیم‌گیری می‌کنند. در کتاب‌مقدس، خدا در مورد مسئولیتهایی که برعهده کلیساها و سازمانهای مسیحی است، تعلیم می‌دهد. در زیر به این مسئولیتها اشاره شده است.

کشف و گفتگو کنید: مسئولیتهای کلیساها و سازمانهای مسیحی در قبال تصمیمات گروهی و سازمانی چیست؟
ملاحظات:
الف) تصمیمات بر اساس آموزه‌هایی که در کلیسا تعلیم داده شده است.
بخوانید: تیطس ۱: ۹. خدا کتاب‌مقدس را به عنوان مرجع مطلق و معیار افکار و رفتار بشری، در اختیار مسیحیان نهاده است. اعتقادات آموزه‌ای کلیسا هیچگاه نمی‌تواند جای کتاب‌مقدس را بگیرد و تعیین‌کننده آموزه‌های مسیحی و نحوه زندگی مسیحیان باشد. بنابراین هر رهبر مسیحی این وظیفه را بر عهده دارد که همواره صحت و سقم اعترافات آموزه‌ای کلیسای خود را از طریق مطالعه دقیق کتاب‌مقدس ارزیابی کند (تیطس ۱: ۹).

ب) تصمیمات در حوزه رهبران کلیساها و سازمانهای مسیحی
بخوانید: عبرانیان ۱۳: ۱۷؛ اول پطرس ۵: ۳؛ اعمال ۵: ۲۹؛ اول تیموتاؤس ۵: ۲۰؛ سوم یوحنا ۹- ۱۱؛ اول قرنتیان ۵: ۱۲- ۱۳.
۱) شرایط لازم برای رهبران مسیحی. کلیسا باید پیران کلیسا را بر اساس شرایطی که در کلام خدا برای انتخاب رهبران تعیین شده است، انتصاب کند. کلیسا نباید شرایطی را تعیین کند که با شرایط مقرر شده از طرف خدا در تضاد است.
۲) مسئولیتهای لازم رهبران مسیحی. کلیسا باید مسو.لیتهای پیران کلیسا را بر اساس آنچه در کتاب‌مقدس تعلیم داده شده است، تعیین کند: پیران کلیسا باید شبان مردم، ناظر بر فعالیتها و اموال کلیسا، معلمین کلام خدا و خادمین خدا باشند و کلیسای مسیح را هدایت کنند.
۳) محدود بودن اقتدار رهبران مسیحی. کلیسا همچنین باید حوزه اقتدار و اختیارات پیران کلیسا را به وظایفی محدود سازد که بر اساس کتاب‌مقدس لازم و ضروری است. مسیحیان باید به پیران کلیسای خود احترام بگذارند و از آنها در چهارچوب حوزه مسئولیتهایشان با تمام وجود اطاعت کنند (عبرانیان ۱۳: ۱۷). اقتدار پیران کلیسا محدود به وظایفی است که در کتاب‌مقدس عنوان شده است. پیران کلیسا نباید بر مسیحیانی که تحت مراقبت آنها هستند ریاست کنند (متی ۲۰: ۲۵- ۲۸؛ اول پطرس ۵: ۳). مسیحیان موظف نیستند از رهبرانی که تصمیماتی بر خلاف اصول کتاب‌مقدس اتخاذ می‌کنند، اطاعت کنند (اعمال ٤: ۱۹؛ ٥: ۲۹). مسیحیان نباید اجازه دهند که رهبرانشان در رابطه با زندگی شخصی آنها تصمیم‌گیری کنند، زیرا این کار برعهده خود آنها یا برعهده خدا است. هیچ رهبر مسیحی یا پیر کلیسایی نباید سعی کند که جای روح‌القدس یا کتاب‌مقدس را در زندگی فرد مسیحی بگیرد.
٤) توبیخ و اخراج رهبران مسیحی. مسیحیان باید رهبرانی را که از خدا نااطاعتی می‌کنند، توبیخ کنند (اول تیموتاؤس ٥: ۲۰) و آنانی را که به نااطاعتی از خدا ادامه می‌دهند از جمع خود اخراج نمایند (سوم یوحنا ۹- ۱۱؛ اول قرنتیان ٥: ۱۲- ۱۳).

پ) تصمیم‌گیری در مورد قوانین مربوط به چگونگی اداره امور و نحوه روند تصمیم‌گیری
۱) قوانین مربوط به چگونگی اداره امور. کلیسا باید قوانین مربوط به چگونگی اداره امور را تنها بر اساس آنچه که انجام آن در کتاب‌مقدس حکم شده است، تدوین کند. پیران کلیسا و رهبران نباید آزادی مسیحیان را از آنان سلب کنند یا آنان را به انجام اعمالی خاص وادار نمایند، زیرا در این صورت آنان را افرادی شریعت‌گرا بار خواهند آورد. چنین رفتاری باعث می‌شود رهبران مسیحی تبدیل به افرادی شوند که دائماً بر دیگران فرمانروایی می‌کنند، و بنابراین مسیحیان عادی هیچگاه از نظر روحانی به بلوغ کافی نخواهند رسید. خدا هم شریعت‌گرایی (غلاطیان ٥: ٤) و هم فرمانروایی بر مردم را (متی ۲۰: ۲٥- ۲۸) محکوم می‌کند. رهبران مسیحی باید همه تصمیمات مهم را به کمك تمام اعضای کلیسا اتخاذ کنند.
۲) مراحل تصمیم‌گیری. هر کلیسای محلی باید توسط "شورای پیران کلیسا" اداره شود، نه توسط يك نفر (اول تیموتاؤس ٤: ۱٤). پیران کلیسا یا رهبران يك سازمان مسیحی نباید بر کسانی که به آنها سپرده شده‌اند سروری و خداوندی کنند (اول پطرس ٥: ۳). از آنجا که در کلیسای اولیه، تمام مسیحیان عادی در اتخاذ تصمیمات مهم کلیسایی نظیر انتخاب رسولان جدید (اعمال ۱: ۱٥- ۲٦) و انتخاب خادمین (اعمال ٦: ۱- ۷) سهیم بودند، مسیحیان همچنین باید در انتخاب پیران کلیسا و در اتخاذ تصمیمات مهم دیگر نیز سهم داشته باشند. برخی از تصمیمات مهم باید در جلسه سالیانه اعضا اتخاذ شود. در این جلسات باید در خصوص تعالیم و اعترافات آموزه‌ای کلیسا، معیارهای اخلاقی، برنامه‌ها و فعالیتها و بودجه سالیانه، خرید و فروش اموال کلیسا و تادیب رهبران در صورتی که مرتکب گناه شده باشند، تصمیماتی اتخاذ شود. در کلیساهای اولیه تصمیمات مهم را همواره به روش کتاب‌مقدس اتخاذ می‌کردند. به عبارت دیگر، این تصمیمات باید از يك سو مورد قبول اعضای کلیسا می‌بود و از سوی دیگر بر اساس تعالیم کلام خدا. اینطور نبود که تصمیمات را بر اساس روش دموکراتیك رأی اکثریت مردم اتخاذ کنند. وقتی که پیران

کلیسا و اعضای کلیسا نمی‌توانند در رابطه با یك موضوع مهم به توافق برسند، تصمیم‌گیری در مورد آن موضوع باید به زمان دیگری موکول شود. در این فرصت تمام اعضای کلیسا باید به بررسی بیشتر کتاب‌مقدس بپردازند و در آن رابطه دعا کنند تا سرانجام با یکدیگر به توافق برسند. شایان ذکر است که تمام تصمیمات باید با تعالیم کتاب‌مقدس سازگار باشد. این مسئولیت پیران کلیسا است که مطمئن شوند تصمیمات اتخاذ شده مبتنی بر کتابمقدس است.

ت - یاد بگیرید به دیگران کمك کنید تا برای زندگی خود تصمیم‌گیری کنند.

۱- مشورت دادن وظیفه مشاور است، ولی اتخاذ تصمیم مسئولیت خود فردی است که مشورت می‌گیرد.

تعلیم دهید: همواره این وسوسه وجود دارد که به جای اینکه به دیگران کمك کنیم در مورد امور شخصی‌شان تصمیم بگیرند، خودمان به آنها حکم کنیم که چه باید انجام دهند. یك مشاور نباید به جای شخصی که خواهان دریافت مشورت است تصمیم‌گیری کنند. به مسیحیان نوایمان یاد بدهید که بین گوش دادن به مشورت فرد مشاور و اتخاذ تصمیمات شخصی از سوی خودشان، فرق هست.

۱) مشورتی که مشاور می‌دهد صرفاً باید به شخص مشورت‌گیرنده کمك کند تا به عوامل مهم در هر تصمیم‌گیری پی ببرد و در خصوص عواقب آن تصمیمات فکر کند.

۲) شخص مشورت‌گیرنده باید همیشه خودش تصمیم نهایی را درمورد زندگی‌اش بگیرد. او همیشه بابت تصمیماتی که اتخاذ می‌کند و نیز بابت عواقب آن تصمیمات، مسؤول می‌باشد. اگر یك مشاور مستقیماً به فرد مشورت‌گیرنده بگوید که چه کاری باید انجام دهد، در آن صورت اگر این تصمیم اشتباه باشد فرد مشاور است که مورد مؤاخذه قرار خواهد گرفت و سرزنش خواهد شد. یك مشاور مسیحی نباید هیچوقت بین خدا و شخص مشورت‌گیرنده قرار گیرد. در دوم قرنتیان ۱: ۲٤، پولس رسول می‌فرماید: "نه آنکه بر ایمان شما حکم کرده باشیم بلکه شادی شما را مددکار هستیم زیرا که به ایمان قایم هستید."

۲- یك مشاور وظیفه دارد نمونه خوبی از خود بر جای بگذارد، ولی پیروی از هر نمونه یا الگویی مسئولیت فرد مشورت گیرنده است.

تعلیم دهید: ممکن است فرد مشاور قبلاً با شرایط سختی نظیر آنچه که فرد مشورت‌گیرنده با آن مواجه است، رو برو شده باشد. در این صورت گوش دادن به تجارب او ممکن است باعث تسلی فرد مشورت‌گیرنده شود. ولی در اغلب موارد بهتر است که فرد مشاور در مورد تصمیاتی که در چنین شرایطی اتخاذ کرده است صحبت نکند، زیرا در آن صورت فرد مشورت گیرنده ممکن است از الگوی این مشاور پیروی کند و آن را تنها راه ممکن ببیند و حتی فکر کند اتخاذ چنین تصمیمی اراده خدا برای زندگی او است. یك مشاور باید فرد مشورت گیرنده را ترغیب کند که مبتنی بر حقیقت برداشت و تصمیم درست خود را بگیرد. یك مشاور باید این موضوع را برای فرد مشورت گیرنده تفهیم کند که او خود باید برای زندگی‌اش تصمیم بگیرد و به خاطر تصمیماتی که می‌گیرد و نتایجی که ببار می آورد، خودش پاسخگو خواهد بود.

۳- وظیفه یك مشاور این نیست که در مورد مشورت یك مشاوری دیگر یا تصمیماتی که فرد مشورت گیرنده اتخاذ کرده است، داوری کند.

تعلیم دهید: یك مشاور باید مواظب باشد از مشورتهای مشاورین دیگر انتقاد نکند، مگر اینکه آن مشورت‌ها کاملاً در تضاد با تعلیم کتاب‌مقدس باشد. او همچنین باید مراقب باشد که فرد مشورت‌گیرنده را به خاطر تصمیماتی که اتخاذ کرده است مورد داوری قرار ندهد، مگر آنکه آن تصمیمات آشکارا با اراده مکشوف شده خدا در کتاب‌مقدس در تضاد باشد. این خود فرد مشورت‌گیرنده است که به خاطر تصمیمی که اتخاذ کرده در برابر خدا پاسخگو است. هیچوقت فرد مشورت گیرنده را متهم به بی‌ایمانی نکنید. خدا به تمام افراد کلیسا ایمانی واحد عطا نمی‌کند. "مسیحیان خجالتی و کمرو" باید بیشتر مورد تشویق واقع شوند (اول تسالونیکیان ٥: ١٤). بنابراین وظیفه فرد مشاور این است که به فرد مشورت گیرنده کمك کند تا او خود برای زندگی‌اش تصمیم‌گیری کند و مسؤولیت و عواقب آن تصمیم‌گیریهای را نیز بپذیرد.

٥	دعا (۸ دقیقه) دعای در پاسخ به کلام خدا

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تكليف منزل (٢ دقيقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تكلیف را بین اعضای گروه پخش كنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای كلیسا متعهد باشید.
٢ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " تصمیم‌گیری و دادن مشورت " را موعظه كنید، تعلیم دهید یا بررسی كنید. مسیحیان را تشویق كنید كه خودشان مسئولیت مشورتی را كه به آنها داده شده است تقبل كنند، و بخاطر تصمیماتی كه اتخاذ می‌كنند و مشورتی كه به دیگران می‌دهند، احساس مسئولیت كنند.
٣ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از عبرانیان ٤- ٧ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده كنید و یادداشت بردارید.
٤ - حفظ كردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ١٤: ٦) را حفظ كنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور كنید.
٥ - بررسی كتاب‌مقدس - درس بعدی بررسی كتاب مقدس (یوحنا فصل ١٥) را در خانه آماده كنید. از روش ٥ قدم بررسی كتاب مقدس استفاده كنید.
٦ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا كنید و شاهد كار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ٣).
٧ - آموخته های جدید مربوط به بنای كلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود كنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تكلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ٣٤

١	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

٢	در میان گذاشتن برکات (٢٠ دقیقه) عبرانیان

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (عبرانیان ٤- ٧) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

٣	حفظ کردن (٥ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ١٤: ٦

٤	بررسی کتاب‌مقدس (٨٥ دقیقه) یوحنا ١٥: ١- ٢٧

مقدمه: یوحنا فصلهای ١٤ الی ١٧ حاوی تعالیم و دعای عیسی در شام آخر می‌باشد. در یوحنا فصل ١٥، عیسی شاگردان خود را ترغیب می‌کند که دائماً در او بمانند، اجازه دهند کلام او در آنها بماند، ثمر بسیار بیاورند، یکدیگر را محبت نمایند، از احکام او اطاعت کنند و به مردم دنیا در مورد او شهادت دهند. این فصل در بر گیرنده تمام خصوصیات يك شاگرد مسیح است.

قدم ١: بخوانید
بخوانید: یوحنا ١٥: ١- ٢٧ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ٢: کشف کنید
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

کشف ١) در یوحنا ١٥: ٤، ١٢، ٢٧ در رابطه با سه وظیفه مهم يك فرد مسیحی حقیقت مهمی برای من وجود دارد.
عیسی از سه حکم استفاده می‌کند: "در من بمانید"، "یکدیگر را محبت نمایید" و "شما نیز باید شهادت دهید". ظاهراً می‌توان یوحنا فصل ١٥ را به سه بخش تقسیم‌بندی کرد. سه کار مهمی که مسیحیان باید انجام دهند، عبارتند از: "داشتن رابطه شخصی با مسیح"، "داشتن محبت نسبت به یکدیگر" و "شاهد مسیح بودن در اقصا نقاط جهان".
الف) یوحنا ١٥: ١- ١١. در مسیح بمانید. آیه ٤ می‌فرماید: "در مسیح بمانید" و آیه ٩ می‌فرماید: "در محبت مسیح بمانید". ولی آیه ٥ می‌فرماید: "مسیح در ما می‌ماند" و آیه ٧ می‌فرماید: "کلام خدا در ما می‌ماند". با توجه به اینکه مسیح و کلام او در من می‌مانند، من نیز می‌توانم در او و در محبت او بمانم. اگر چه مسیح اولین کسی است که کلام خود را برای من بازگو می‌کند و محبت خود را به من نشان می‌دهد، من نیز این مسئولیت را دارم که سعی کنم رابطه‌ای شخصی با او برقرار سازم، به کلام او احترام بگذارم و محبت او را درك کنم.

ب) یوحنا ۱۵: ۱۲- ۱۷. یکدیگر را محبت نمایید. آیه ۱۳ می‌فرماید که محبت نمودن بـه یکدیگر یعنـی هر روز بـرای دیگران زندگی کردن. نیز محبت کردن به یکدیگر بدین معنا است که از وقت و توان و اموال خود در راه آنان مایه بگذارم تا آنها از این طریق محبت مسیح را توسط ما تجربه کنند. این دو حکم غیر قابل تفکیك هستند. آیه ۱۰ می‌فرماید، اگر من از احکام خدا اطاعت کنم، در محبت او خواهم ماند. و آیه ۱٤ می‌فرماید، اگر من آنچه را که خدا حکم می‌کند انجام دهم، در آن صورت براستی دوست او نامیده می‌شوم. بزرگترین درسی که من از این قسمت یاد می‌گیرم این است که رابطه من با مسیح نمی‌تواند از رابطـه من بـا برادران و خواهرانم جدا باشد. دوست داشتن مسیح به مفهوم دوست داشتن برادران و خواهرانی است که در اطراف من هستند. به همین ترتیب، دوست نداشتن خواهران و برادرانم نیز بـه مفهوم دوست نداشتن مسیح است. "مانـدن در محبت مسیح" و " محبت نمودن یکدیگر" دو حقیقت تفکیك‌ناپذیر هستند.

پ) یوحنا ۱۵: ۱۸- ۲۷. در مورد مسیح شهادت دهید. عیسی به شاگردانش حکم مـی‌کند کـه دائماً در مورد او بـه مردم جهـان شهادت دهند. شاگردان می‌توانستند این کار را انجام دهند زیرا در زمان حیات عیسی بر روی زمین، بـا او بودنـد و روح‌القدس در آنها سکونت داشت. به همین ترتیب روح‌القدس امروزه نیز از مسیحیان استفاده خواهد کرد تا آنان راجع به شخصیت مسیح و اعمال او به مردم جهان شهادت دهند و راه نجات و داشتن رابطه‌ای شخصـی با خدا را به آنها نشان دهند.

کشف ۲) در یوحنا ۱۵: ٥ برای من این حقیقت مهم وجود دارد که بدانم بدون عیسی مسیح قادر به انجام هیچ کاری نیستم. این قسمت می‌فرماید: "آنکه در من می‌ماند و من در او، میوه بسیار می‌آورد زیرا که جدا از من هیچ نمی‌توانید کرد." من مـی‌خواهم میوه بسیاری برای خدا بیاورم. بر طبق این آیه، من تنها در صورتی می‌توانم میوه و ثمر بیاورم که در عیسی مسیح بمـانم و او در من بماند. در واقع من بدون عیسی مسیح قادر بـه انجام هیچ کـاری کـه اهمیت جاودانـه داشته باشد، نیستم. بـا اینکـه من یك مسیحی بسیار فعال هستم، این حقیقت گاهی باعث وحشت من می‌شود. بعضـی اوقات از خود می‌پرسم، آیا تمام فعالیتها و خدماتی که برای خدا انجام می‌دهم در ابدیت ثمر خواهد آورد؟ خدمات من تنها در صورتـی پر ثمر خواهد بـود کـه مـن در عیسی مسیح بمانم و او نیز در من. من نمی‌خواهم صرفاً شخص فعالی برای خداوند باشم ولی برای خداوند هیچ ثمری نیاورم.

قدم ۳: سؤال

توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟
سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۱۵: ۱- ۲۷ را درك کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم.
بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن ونوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).
گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) منظور یوحنا ۱۵: ۱- ۱۷ چیست؟ آیا یک تعلیم مشخص آشکار است؟ آیا یک تمثیل است؟ یا یک استعاره است؟

ملاحظات: نمونه ای از یک تعلیم مشخص آشکار در کتاب مقدس، یوحنا ۱٤: ۱۵- ۲۷ است. لوقا ۱۰: ۳۰- ۳۵ نمونه ای از یک تمثیل است. نمونه هایی از استعاره ها در کتاب مقدس می توانیم در یوحنا ۱۰: ۱- ۱٦ و یوحنا ۱۵: ۱- ۱۷ بیابیم. یک تمثیل فقط یک پیام اصلی دارد. مثلاً در تمثیل سامری نیکو، پیام اصلی این است که " همسایه کسی هستید که به او رحمت میکنید." یک استعاره یک مقایسه گسترده است و چندین نکته متفاوت برای مقایسه دارد. برای نمونه در این استعاره " باغبان" نماینده خدای پدر است. " تاک" نشانگر عیسی مسیح است. " شاخه هایی که میوه میدهند" نمایانگر مسیحیان اصیل هستند و " شاخه هایی که هرگز ثمر نمی آورند." نماینده مسیحیان ظاهری یا بی ایمانان هستند.
مسیحیان حقیقی همیشه میوه می آورند. اما غیرایمانداران و مسیحیان ظاهری هرگز ثمری ببار نمی آورند حتی اگرچه آنها شاید در طی زندگیشان با عیسی مسیح مشارکت نزدیک داشته باشند. زیرا " تاک" و " شاخه ها" انسانها را نمایندگی می کنند. "میوه" در وهله اول نماینده انسانها است. این استعاره نمیگوید که عیسی مسیح در واقع یک تاک است با شاخه ها و انگورهایی بر آنها. بلکه بیان میکند که رابطه بین عیسی و انسانها می تواند با یک تاک و شاخه هایش مقایسه شود. ما نباید تلاش کنیم که هر جزء مشخصه سمبل یا استعاره را تشریح کنیم.

سؤال ۲) چگونه قطع کردن و جدا ساختن به نظر بیرحمانه باغبان را توضیح دهیم؟

ملاحظات: باغبان نماینده خدای پدر است. در آیه ۲ شاخه هایی که میوه می آورند (ایمانداران) را هرس میکند. او طبیعت گذشته و عادات بد و زشت را جدا میسازد، بطوریکه ایمانداران بتوانند میوه بیشتری ببار آورند. اما در آیه ٦ شاخه هایی که هرگز میوه نیاورده اند (بی ایمانان و مسیحیان ظاهری) را قطع و جدا می کند. اولین قطع و هرس کردن نمایانگر " تقدیس کنونی روی زمین" است. دومین قطع و جدا ساختن نشانگر " داوری نهایی در زمان آمدن ثانویه عیسی" است.

سؤال ۳) سؤالاتی در رابطه با آوردن میوه یا ثمر

الف) ماهیت "میوه یا ثمر"ی که ما مسیحیان باید بیاوریم چیست؟
ملاحظات: کلمه "میوه یا ثمر" در کتاب‌مقدس دارای مفاهیم مختلفی است. در کولسیان ۱: ٦ ثمره واعظین پیغام انجیل، مسیحیان نوایمان است. در یوحنا ۱۵: ۱٦ "میوه ماندنی" نتیجه کار شاگردان یا مسیحیان بالغی است که به مسیحیان نوایمان کمك می‌کنند تا در مسیح رشد نمایند و دیگر به زندگی سابق خود بازنگردند. در غلاطیان ۵: ۲۲- ۲۳ "ثمره روح" شخصیت یك مسیحی است. بنابراین، میوه‌ای که مسیح از مسیحیان انتظار دارد، اولاً مسیحیان نوایمان است که ثمره بشارت آنها هستند؛ ثانیاً مسیحیان بالغ است که ثمره شاگردسازی آنها هستند و ثالثاً شخصیت مسیحی است که ثمره روح است.

ب) چه کسانی میوه می‌آورند؟
ملاحظات: یوحنا ۱۵: ٤ می‌فرماید: "در من بمانید و من در شما. همچنانکه شاخه از خود نمی‌تواند میوه آورد اگر در تاك نماند، همچنین شما نیز اگر در من نمانید." انسانهایی که میوه می‌آورند، کسانی هستند که به عیسی مسیح نزدیك می‌شوند، او را در قلوب و زندگیهای خود می‌پذیرند و هر روزه با او در ارتباط هستند. چون عیسی مسیح در آنها می‌ماند، آنها نیز بیدار هستند که میوه آورند و در ایمان خود پایدار بمانند.

پ) چه کسانی میوه نمی‌آورند؟
ملاحظات: عیسی در یوحنا ۱۵: ۱- ۱۷ مثلی را بیان می‌کند که استعاره‌ای است گسترده. منظور عیسی این نیست که او واقعاً یك تاك است و شاخه و انگور دارد. بلکه رابطه عیسی و انسانها در این مثال به رابطه بین تاك و شاخه‌هایش تشبیه شده است. ما نباید سعی کنیم تمام خصوصیات یك سمبل را توضیح دهیم. شاخه‌هایی که میوه می‌آورند، نمایانگر ایمانداران واقعی هستند، و شاخه‌هایی که میوه نمی‌آورند نمایانگر انسانهایی هستند که در ابتدا ایماندار بودند ولی پس از مدتی در ایمان خود لغزش خوردند. این استعاره به روشنی تعلیم می‌دهد که شاخه‌هایی که بریده شده و در آتش افکنده می‌شوند، نمایانگر انسانهایی هستند که هیچ وقت، حتی آنگاه که در رابطه نزدیك با مسیح بودند، میوه نیاوردند. آنها هیچ وقت ایمانداران واقعی نبودند و رابطه باصطلاح "در مسیح" آنها نیز رابطه‌ای سطحی بوده است. این استعاره تعلیم نمی‌دهد که ایمانداران تولد تازه یافته ممکن است بار دیگر نجات خود را از دست بدهند، بلکه تعلیم آن این است که مسیحیان عادی، بدون ثمر خواهند ماند، و حال آنکه مسیحیان تولد تازه یافته، میوه بسیار خواهند آورد. بنابراین انسانهایی که میوه نمی‌آورند، همچنین افرادی هستند که مسیح را از نزدیك می‌شناسند، ولی او را نمی‌پذیرند. رابطه چنین انسانهایی با خدا، رابطه‌ای سطحی است. آنها حتی ممکن است در جلسات و فعالیتهای کلیسایی نیز شرکت کنند، ولی چون مسیح در زندگی آنها ساکن نیست، نمی‌توانند در ابدیت میوه ماندنی به بار آورند. عیسی مسیح با تأکید به مسئولیت تمام کسانی اشاره می‌کند که از نزدیك با او آشنا می‌شوند: اگر چنین کسانی کلام خدا و نوری را که دیده‌اند نپذیرند، زمانی خواهد رسید که خدا کار خود را در زندگی آنان به پایان خواهد آورد. روح‌القدس دیگر آنان را ملزم نخواهد کرد، وجدان‌شان دیگر به آنان هشدار نخواهد داد و قلب‌شان سخت خواهد شد. چنین افرادی در نهایت از حضور او طرد شده، به جهنم افکنده خواهند شد.

ت) درجه ثمردهی یا میوه آوردن چه مقدار باید باشد؟
ملاحظات:
۱) بر طبق یوحنا ۱۵: ۵، ۸، مسیحیان باید "میوه بسیار" آورند. به همین دلیل است که در یوحنا ۱۵: ۲ می‌خوانیم که خدا آنها را هرس می‌کند. خدا مسیحیان را به این صورت هرس می‌کند که گاه از طریق سختیها و دیگر مشکلات، آنها را توبیخ، اصلاح و انضباط می‌نماید.
۲) بر طبق یوحنا ۱۵: ۱٦، مسیحیان باید "میوه ماندگار" بیاورند. به همین دلیل است که خدا و دیگر مسیحیان دائماً به فکر مراقبت از مسیحیان نوایمان هستند. آنها نمی‌خواهند این افراد نوایمان از ایمان خود منحرف شوند.
۳) بر طبق مثال برزگر در متی ۱۳، بعضی از مسیحیان صد و بعضی شصت و بعضی سی ثمر می‌آورند. برخی از مسیحیان بیشتر از مسیحیان دیگر میوه می‌آورند زیرا در واکنش به کلام خدا افرادی کوشا، وفادار، با جرأت، قابل اعتماد و فروتن هستند، و یا اینکه در خدمت بشارت و شاگردسازی در مقایسه با دیگران پر ثمرتر هستند، و یا شخصیت، عطایای روحانی و شرایط متفاوتی در زندگی دارند. خدا تنها عطاکننده و تنها داور است.

سؤال ٤) سؤال در مورد مسیح. ماندن در مسیح به چه مفهوم است؟
ملاحظات: در یوحنا ۱۵: ۷ می‌خوانیم: "در من بمانید و کلام من در شما می‌ماند..." در این قسمت، منظور از ماندن در مسیح، ماندن سخنان او در زندگی فرد مسیحی است. در یوحنا ۱۵: ۹- ۱۰ نیز می‌خوانیم: "در محبت من بمانید...، احکام مرا نگاه دارید." در این قسمت، ماندن در مسیح یعنی اطاعت فرد مسیحی از سخنان مسیح. اگرچه اول این مسیح است که با فرد مسیحی سخن می‌گوید و او را محبت می‌کند، فرد مسیحی نیز مسئولیت دارد که نسبت به محبت و سخنان مسیح واکنش نشان دهد. او باید سعی کند رابطه‌ای شخصی با مسیح برقرار سازد و دائماً از سخنان او اطاعت کند. یك مسیحی باید مسیح را با تمام قلب، فکر و توان خود محبت کند و آنچه را که او حکم کرده است انجام دهد. وقتی که شخصی ادعای مسیحی بودن دارد در حالیکه مسیح را

دوست ندارد و از سخنان او نیز اطاعت نمی‌کند، این خطر برای او هست که تبدیل به شاخه خشکی شود که طرد شده و به جهنم افکنده خواهد شد.

سؤال ٥) <u>سؤالاتی در رابطه با کلام مسیح</u>

الف) <u>کلام مسیح چه کاری در زندگی یك مسیحی انجام می‌دهد؟</u>
ملاحظات: کلام مسیح فرد مسیحی را پاك می‌سازد یا به‌اصطلاح هرس می‌کند. بر طبق یوحنا ١٥: ٣، کلام عیسی مسیح ایمانداران را از گناهانشان "پاك" می‌کند و آنها را عادل می‌سازد.

ب) <u>مسئولیت یك مسیحی در قبال کلام مسیح چیست؟</u>
ملاحظات: بر طبق یوحنا ١٥: ٧، مسئولیت یك مسیحی این است که اجازه دهد کلام مسیح افکار، انگیزه‌ها، عقاید، علایق، طرز برخورد، احساسات، گفتار و رفتار او را تحت تأثیر قرار دهد و کنترل کند. یك مسیحی در عین حال که باید وظیفه خود را در قبال حقایق کتاب‌مقدس انجام دهد، باید اجازه دهد که کلام خدا در زندگی او عمل کند.

سؤال ٦) <u>سؤالاتی در رابطه با دعا</u>

الف) <u>چه رابطه‌ای بین دعا و کلام مسیح وجود دارد؟</u>
ملاحظات: در یوحنا ١٥: ٧ می‌خوانیم: "اگر کلام من در شما بماند، آنچه خواهید بطلبید که برای شما خواهد شد." وقتی که فرد مسیحی اجازه می‌دهد کلام مسیح زندگی او را تحت تأثیر قرار داده، کنترل کند، در آنصورت دعاهای او مؤثر واقع خواهد شد و او پاسخ دعاهای خود را دریافت خواهد کرد، زیرا چیزی بر خلاف کلام مسیح درخواست نمی‌کند. این وعده بزرگی در رابطه با دعا است.

ب) <u>چه رابطه‌ای بین دعا و میوه آوردن وجود دارد؟</u>
ملاحظات: در یوحنا ١٥: ١٦ می‌خوانیم: "من شما را برگزیدم و مقرر کردم تا شما بروید و میوه آورید و میوه شما بماند تا هر چه از پدر به اسم من طلب کنید به شما عطا کند." یك مسیحی واقعی برای آوردن میوه دعا می‌کند و در پاسخ به دعای خود میوه می‌آورد. وقتی مسیح به ما به عنوان افراد مسیحی مأموریت می‌دهد که برویم و میوه ماندگار بیاوریم، در می‌یابیم که تنها به واسطه قدرت، حکمت و محبت مسیح قادر به انجام چنین کاری خواهیم بود. بنابراین باید دعا کنیم که قدرت، حکمت و محبت مسیح بر ما قرار گیرد تا بتوانیم اطاعت کرده، با دلیری نزد انسانهای دیگر رفته، به آنها کمك کنیم تا میوه ماندگار مسیح شوند. مسیح وعده ای عالی در رابطه با دعا می‌دهد. او می‌فرماید که وقتی مسیحان به نام او برای آوردن میوه ماندگار دعا کنند، او به دعاهای آنها پاسخ می‌دهد و آنها را قادر می‌سازد میوه آورند.

سؤال ٧) <u>سؤالاتی در رابطه با مشارکت</u>

الف) <u>مسیحیان چگونه می‌توانند یکدیگر را محبت کنند؟</u>
ملاحظات: یوحنا ١٥: ١- ١١ می‌فرماید: "در مسیح و در محبت او بمانید." و آیات ١٢ الی ١٧ می‌فرمایند: "یکدیگر را محبت نمایید." بنابراین کاملاً آشکار است که مسیحیان تنها زمانی می‌توانند یکدیگر را محبت نمایند که در مسیح و در محبت او بمانند. وقتی مسیحیان سعی می‌کنند با مسیح رابطه‌ای شخصی برقرار کنند و از تعالیم او اطاعت نمایند، مسیح نیز این قدرت را به آنها خواهد داد که به دیگران محبت کنند. در مرقس ١٢: ٣٠ مسیح به مسیحیان حکم می‌کند که خدا را محبت کنند و همسایه خود را نیز مانند نفس خود دوست داشته باشند. بر طبق رومیان ٥: ٥، خدا محبت خود را بواسطه روح‌القدس در قلوب مسیحیان می‌ریزد. وقتی خدا به مسیحیان حکمی می‌دهد، توانایی اطاعت از آن حکم را نیز به آنها عطا می‌کند. او به ما حکم می‌کند که دیگران را محبت کنیم، و خود محبت را نیز به ما عطا می‌کند.

ب) <u>در آیه ١٣، "محبت بزرگتر" به چه معنا است؟</u>
ملاحظات: در یوحنا ١٥: ١٢- ١٣ می‌خوانیم: "این است حکم من که یکدیگر را محبت نمایید، همچنانکه من شما را محبت نمودم. کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان خود را به جهت دوستان خود بدهد." بزرگترین محبت، محبتی است که جان خود را در راه دوستان فدا می‌کند. عیسی مسیح ما را بواسطه این محبت بزرگتر محبت نمود. او به خاطر ما بر روی صلیب مرد. محبت او محبتی فداکارانه بود که باعث شد نجات یافته، تبدیل به بهترین انسانهایی شویم که خدا می‌خواهد. این همان "محبت بزرگتر" است. عیسی مسیح به ما مسیحیان حکم می‌کند که یکدیگر را بواسطه این محبت بزرگتر دوست بداریم. مسیحیان باید نسبت به یکدیگر محبت فداکارانه داشته باشند و به آنها کمك کنند تا برای خدا و انسانهای دیگر بهترین باشند. ما نمی‌توانیم بر روی صلیب جان خود را در راه دیگران فدا کنیم، ولی می‌توانیم نسبت به دیگران فداکاری نشان دهیم و آنها را با تمام وجود محبت کنیم. این است محبت بزرگتر.

سؤال ۸) در مورد اطاعت سؤال کنید. چه رابطه‌ای بین اطاعت و محبت وجود دارد؟
ملاحظات: طریق عملی برای ماندن در مسیح، محبت او و دوستی با او، اطاعت نمودن از سخنان او است. ولی اینطور نبود که ما از همان اول قادر به اطاعت از خدا بوده باشیم، بلکه اول مسیح ما را محبت نمود و جان خود را به خاطر ما فدا کرد. سپس کسی را فرستاد تا پیغام انجیل را برای ما موعظه کند. وقتی که ما به مسیح ایمان می‌آوردیم، او روح قدوس خود را در قلوب ما جاری می‌سازد. ما بواسطه محبت خدا که در قلوب ما نهاده شده است، قادر به اطاعت از سخنان عیسی هستیم.
وقتی که ما از سخنان مسیح اطاعت می‌کنیم، او در ما محبت بیشتری نسبت به خود ایجاد می‌کند. بنابراین محبت مسیح در قلوب ما محبت ایجاد می‌کند، و محبت ما منجر به اطاعت می‌شود. اطاعت ما نیز به نوبه خود باعث می‌شود که مسیح محبت بیشتری در قلوب ما ایجاد کند. محبت بزرگتر ما منجر به اطاعت بیشتر می‌شود، و همین طور ادامه می‌یابد.

سؤال ۹) در رابطه با جهان سؤال کنید.

الف) منظور از "جهان" چیست؟
ملاحظات: منظور از "جهان" در این قسمت، قلمرو شیطان و اجتماع مردم و نهادهای شریری است که با مسیح و ملکوت او سر جنگ دارند. در دوران رسولان اولیه، آن عده از یهودیان و رهبران مذهبی‌شان که با خدا مخالف بودند، عیسی را به عنوان مسیح موعود نمی‌پذیرفتند و به کلیسای مسیح جفا می‌رساندند، همگی از مظاهر جهان شریر بودند. به همین خاطر است که عیسی می‌فرماید این جهان شریر مسیحیان را از کنایس بیرون خواهد افکند و حتی آنها را خواهد کشت. "جهان"، در اینجا متشکل از انسانهای زیادی است از ملل مختلف، که همگی مسیح را انکار می‌کنند.

ب) چرا جهان تا بدین حد از مسیحیان تنفر دارد؟
ملاحظات: جهان از مسیحیان نفرت دارد زیرا مسیحیان دیگر به این جهان تعلق ندارند، بلکه متعلق به مسیح هستند که جهان از او بیزار است. مسیح، ایمانداران به او را از بین مردم جهان انتخاب کرده و به سمت ملکوت خود جذب نموده است. مسیحیان دیگر میلی به انجام اعمال بد و شرارت‌آمیز ندارند و با آن موافق نیستند. آنها از اعمال شرارت‌بار خود توبه می‌کنند، برعلیه آن مبارزه و موعظه کرده و دیگران را نیز از اعمال شریرانه برحذر می‌دارند. اما جهان شریر از این کار مسیحیان متنفر است. مردم جهان به خاطر گناهانشان مقصر هستند، زیرا سخنان و اعمال مسیح، مسیح و خدا را به طریقی روشن بر مردم جهان آشکار کرده است. آنها نور را دیده و حقیقت را شنیده‌اند، ولی با این وجود آن را نپذیرفته‌اند. به همین جهت بخاطر گناهان و تنفرشان از مسیح و مسیحیان، هیچ عذر و بهانه‌ای ندارند.

قدم ٤: بکار ببرید
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۱۵: ۱- ۲۷ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به يك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از يك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر (یوحنا فصل ۱۵)

- ۱۵: ۲ * توبیخ‌ها و نصایح خدا برای این است که مقدس شویم و بتوانیم ثمر بیشتری بیاوریم.
- ۱۵: ٥ * هر روز با عیسی مسیح رابطه‌ای شخصی و صمیمی برقرار کنید. بدین ترتیب او به شما کمك خواهد کرد که ثمر بسیار بیاورید.
- ۱۵: ۷ * اجازه دهید سخنان مسیح افکار، رفتار، طرز برخورد و انگیزه‌های شما را تحت تأثیر قرار داده، در شما تغییر ایجاد کند.
- ۱۵: ۹- ۱۰ * محبت واقعی نسبت به مسیح به شما انگیزه می‌دهد که از تعالیم و احکام او اطاعت کنید. و اطاعت از مسیح نیز به نوبه خود باعث می‌شود محبت‌تان نسبت به او بیشتر شود. بنابراین با اطاعت کردن از مسیح، در محبت نسبت به او نیز رشد خواهید کرد.
- ۱۵: ۱۳ * فکر کنید چگونه می‌توانید هر روز زندگی خود را بر روی این زمین وقف مسیح و اهداف او بکنید.
- ۱۵: ١٦ * در نظر داشته باشید که مسیح شما را برگزیده و مقرر کرده است تا بروید و میوه بسیار آورید.
- ۱۵: ۲۱- ۲۳ * از اینکه جهان از شما نفرت دارد متعجب نباشید، زیرا این جهان از خدا و مسیح و از حقیقت و نور نیز تنفر دارد.

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) من از خدا می‌خواهم به من فیض لازم را عطا کند تا بتوانم در رابطه شخصی خود با او بیش از پیش رشد کنم. من می‌خواهم هر روز وقت کافی جهت مطالعه کلام خدا اختصاص دهم و در مورد راه‌های اطاعت از او تعمق نمایم. من ایمان دارم که اطاعت از سخنان مسیح باعث خواهد شد که محبت من نسبت به او بیشتر شود و بیشتر بتوانم برای او ثمر بیاورم.
ب) من از خدا می‌خواهم به من فیض لازم را عطا کند تا بتوانم میوه بیشتر و ماندگار بیاورم. مسیح مرا نجات داده و مانند شاخه سبزی در تاك خود قرار داده است. حیات او از طریق روح‌القدس در من جریان دارد و جهت آوردن میوه بیشتر در من انگیزه ایجاد می‌کند. من مایلم میوه بیشتر بیاورم، میوه‌ای که ماندگار است. به همین جهت می‌خواهم از طریق دعا، اطاعت از سخنان مسیح و محبت نمودن به دیگر فرزندان او، در رابطه شخصی خود با مسیح رشد کنم.

قدم ٥: دعا کنید
در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ١٥: ١- ٢٧ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

٥	**دعا (٨ دقیقه)** **دعای شفاعت**

به دعا کردن در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

٦	**تکلیف منزل (٢ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

١ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
٢ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ١٥ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
٣ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از عبرانیان ٨- ١٠ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ١٥: ٥) را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
٥ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ٣).
٦ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۳۵

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) عبرانیان

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (عبرانیان ۸- ۱۰) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: یوحنا ۱۵: ۵

٤	تعلیم (۸۵ دقیقه) خدمت بر اساس عطایای روحانی

تعالیم زیر در رابطه با روح‌القدس است.
الف) دستورعمل شاگردسازی - کتاب دوم، درس ۲۱. ماهیت روح‌القدس، اعمال او در زندگی انسانها و در کلیسا
ب) دستورعمل شاگردسازی - کتاب دوم، ضمیمه ۲. روح‌القدس مسیحیان را علیرغم زحمات و رنجهایی که با آنها مواجه می‌شوند حمایت می‌کند.
پ) دستورعمل شاگردسازی - کتاب چهارم، درس ٤۵. عملکردهای خاص روح‌القدس: تعمید با روح‌القدس، پر شدن از روح‌القدس و ثمره روح
ت) دستورعمل بنای کلیسا - کتاب سوم، درس ۳۵. عطایای روحانی روح‌القدس
ث) دستورعمل بنای کلیسا - کتاب سوم، ضمیمه ٤. سایر عطایای روحانی

الف - هدف از عطایای روحانی و ماهیت آنها

۱- ماهیت عطایای روحانی.

الف) عطای روحانی (در یونانی: charisma) توانایی یا عملکرد خاصی است که خدا بر حسب فیض و اراده مطلق خود به فرد ایماندار عطا می‌کند (اول پطرس ٤: ۱۰؛ اول قرنتیان ۱۲: ٤- ٦، ۱۱). عطای روحانی، هم عملکرد عادی روح‌القدس در زندگی فرد مسیحی است و هم عملکرد خارق‌العاده او. چنین عملکردهایی هیچگاه در نتیجه مهارت یا تواناییهای خود مسیحیان حاصل نمی‌شود، بلکه همواره بیانگر فیض خدا است که در شکلهای گوناگون از طریق خدمات مسیحیان نمایان میشود.

ب) عطای روحانی تجلی (مکاشفه) قدرت و حکمت خدا است (اول قرنتیان ۱۲: ۷) در زندگی فرد ایماندار، که خود را در قالب خدمات گوناگون (خدمات عادی و رسمی) و نحوه اعمال گوناگون (تأثیرات و نتایج) نمایان می‌سازد.

پ) عطایای روحانی همواره به میزانی مشخص و محدود و به فراخور اندازه بخشش مسیح عطا می‌شود (افسسیان ٤: ۷). هیچکس از تمام عطایای روحانی برخوردار نیست (اول قرنتیان ۱۲: ۲۰- ۳۰). همچنین هیچکس نمی‌تواند از تمام عملکردهای مربوط به یك عطای روحانی خاص برخوردار باشد (افسسیان ٤: ۷).

۲- انواع مختلف عطایای روحانی.

بخوانید: رومیان ۱۲: ٤- ۸، اول قرنتیان ۷: ۱، ۷؛ ۱۲: ۷- ۱۰، ۲۸- ۳۰؛ ۱٤: ٦، ۲٦؛ افسسیان ٤: ۱۱؛ اول پطرس ٤: ۱۰- ۱۱

الف) عطایای روحانی که در عهد جدید ذکر شده‌اند.
۱) عهد جدید به ۲۵ عطایا و خدمات روحانی مختلف اشاره کرده است. این عطایا عبارتند از: نبوت و انبیا، خدمت، تعلیم و معلمان، تشویق، کمك به نیازمندان، رهبری، رحم و شفقت، احسان، کلام علم، کلام حکمت، ایمان، عطای شفا دادن، قدرت انجام معجزات، تشخیص ارواح، زبانهای مختلف، ترجمه زبانها، رسولان، اعانات، مدیریت (امور اداری)، مکاشفه، کلام آموزنده، سرود، مبشرین، شبانان و عطای سخن گفتن.
۲) توجه داشته باشید که برخی از این عطایا یك عملکرد یا مقام و خدمت روحانی هستند، و نه صرفاً یك توانایی روحانی. "رسولان، انبیا و معلمین" از عطایایی روحانی برخوردار هستند، ولی آنچه مهم است این نیست که این افراد دارای این عطایای خاص هستند، بلکه مهم این است که این عطایا را خدا به آنها بخشیده تا خدماتی را در کلیسا انجام دهند. بنابراین عطایای روحانی مختلف در اینجا با توجه به مناصب افرادی که از این عطایا برخوردار هستند، تعریف می‌شوند. کلیسای اولیه صرفاً تحت هدایت روح نبود، بلکه افرادی نیز بودند که عهده‌دار مناصب خاصی در کلیسا بودند و بدین صورت کلیسا را اداره و خدمت می‌کردند. در کلیسای اولیه اورشلیم، رسولان در مقام " پیران کلیسا" (اعمال ۲: ٤۲ و ٤: ۳۳ در سال ۳۰ میلادی، اعمال ۸: ۱ در سال ۳۰- ۳٤ میلادی، اول پطرس ۵: ۱ در سال ٦۲- ٦۳ میلادی) و "خادمین" (اعمال ٤: ۳٤- ۳۵ در سال ۳۰ میلادی) نیز فعالیت می‌کردند.
۳) این فهرست عطایای روحانی متشکل از خدمات یا کارهایی است که به جهت منفعت کلیسا انجام می‌شود. برخی از عطایای روحانی ماهیتی معمولی دارند و برخی دیگر دارای ماهیتی خارق‌العاده هستند. تمام این خدمات یا کارها بواسطه عطایی خاص انجام می‌شوند (به عنوان مثال: تعلیم، رومیان ۱۲: ۷). ولی لزوماً ضروری نبود، برخی از خدمات نیز هستند که بدون حضور عطایی خاص انجام می‌شوند (به عنوان مثال: تعلیم، کولسیان ۳: ۱٦). آنچه که در اینجا مد نظر پولس است این است که در کلیسا خدمات و کارهای مختلف و متنوعی وجود دارند، و لازم نیست برای انجام همه این خدمات حتماً از عطایی خاص بهره داشت.

ب) فهرست عطایای روحانی که مطرح می‌شود، جامع نیست.
در برخی از این فهرستها، عطایی واحد چندین بار تکرار شده است. باید توجه داشت که هیچ کدام از این فهرستها کامل و جامع نیستند. رساله قرنتیان به عطایای خاصی اشاره می‌کند که در زمانی خاص در خود آن کلیسا رایج بود، در حالیکه رساله رومیان به عطایای روحانی اشاره می‌کند که باید در تمام کلیساها وجود داشته باشند.

پ) عطایای روحانی که به آنها اشاره نشده است.
برخی از عطایای روحانی نیز وجود دارند که در این فهرست‌ها اشاره‌ای به آنها نشده است. به عنوان مثال، عطای هنر و موسیقی (خروج ۲۸: ۳؛ ۳۱: ۱- ٦؛ ۳۵: ۱۰، ۲۵، ۳۵؛ ۳٦: ۱؛ مزمور ۳۳: ۲-۳؛ ٤۵: ۱؛ ۷۸: ۷۲).
به علاوه، هر یك از این عطایای روحانی به طرق مختلفی بیان می‌شوند. به عنوان مثال، عطای "تعلیم" انواع مختلف دارد. تعلیم دادن می‌تواند از طریق استفاده از کلمات، نقاشی و یا اجرای نمایش باشد. همچنین افراد مختلف دارای عطای تعلیم به گروههای سنی متفاوت می‌باشند مانند کودکان، افراد بالغ، معلولین. هر یك از این عطایای تعلیم ممکن است حاوی تواناییهای خارق‌العاده بخصوصی نیز باشد، و البته هر یك از آنها دارای ابعاد و حدود محدود و مشخصی است (افسسیان ٤: ۷).

۳- دریافت کنندگان عطایای روحانی

مسیحیان در این باره که آیا هر فرد مسیحی از عطایای روحانی برخوردار است یا نه، با هم اختلاف نظر دارند.

الف) کلمه "هر که" در مفهومی کلی و جامع
کلمه "هر که" (در یونانی: hekastos) غالباً دارای مفهوم کلی "هر انسان و یا هر فردی که تا به حال زیسته" می‌باشد (رومیان ۲: ٦) و یا " هر یک از مسیحیان که تاکنون زیسته است" (رومیان ۱۲: ۳؛ ۱٤: ۱۲؛ اعمال ۲: ۳۸). برخی از مسیحیان معتقدند که کلمه "هر که" در اول قرنتیان ۷: ۷، ۱۲: ۷، ۱٤: ۲٦ و اول پطرس ٤: ۱۰ نشان می‌دهد که "هر فرد مسیحی" دارای عطایای روحانی است.

ب) کلمه "هر که" در مفهومی محدود
کلمه "هر که" همیشه در کتاب‌مقدس به معنای "هر انسانی که تا به حال زیسته" نمی‌باشد. به عنوان مثال، "هر فرد ریاکار" (لوقا ۱۳: ۱۵)، "هر که" در جمع مردم (یوحنا ٦: ۷)، "هر" سربازی (یوحنا ۱۹: ۲۳)، "هر" مسیحی نیازمندی (اعمال ٤: ۳۵). برخی از مسیحیان معتقدند که کلمه "هر که" در اول قرنتیان ۷: ۷، ۱۲: ۷، ۱٤: ۲٦ و اول پطرس ٤: ۱۰ مفهومی کلی و

عمومی ندارد. به علاوه، وقتی کتاب‌مقدس می‌خواهد بر مفهوم "هر شخص بدون استثنا" تأکید کند، معمولاً اصطلاح "هر يك" (اعمال ۲۰: ۳۱؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۱) را بکار می‌برد. بنابراین کلمه "هر که" در اول قرنتیان ۷: ۷، ۱۲: ۷، ۱٤: ۲٦ و اول پطرس ٤: ۱۰ می‌تواند به مفهوم محدود "هر فرد مسیحی که در چهارچوب آن متن به او اشاره شده است" باشد (مقایسه کنید با کلمه "همه" در رومیان ۵: ۱۷- ۱۹). کلمه " هر" در اینجا میتواند معنی محدودی داشته باشد، یعنی "هر فرد مسیحی در بدن مسیح که روح‌القدس بر حسب اراده خود به او توانایی یا عطای خاصی و عملکرد یا خدمتی را بخشیده است" (اول قرنتیان ۱۲: ۱۱، ۲۸- ۳۰). بنابراین حتماً ضروری نیست که روح‌القدس به هر فرد مسیحی عطای روحانی خاصی را ببخشد.

٤- فیض و محبت از عطایای روحانی مهمتر هستند.

الف) " فیض" بسیار فراتر از "عطایای روحانی" است.
افسسیان ٤: ۷ می‌فرماید: "به هر يك از ما (به هر فرد مسیحی)" به فراخور اندازه بخشش مسیح فیض (در یونانی: ,charis، و نه عطای روحانی یا charisma) بخشیده شده است. این بدان معنا است که "فیض" خدا چیزی بیش از صرف "عطایای روحانی" است. هر مسیحی "فیض" را دریافت کرده است، ولی لزوماً دارای "عطای روحانی" نیست. هر فرد مسیحی به فراخور اندازه بخشش مسیح فیضی را دریافت کرده است. به عنوان مثال، این فیض ممکن است توانایی الهی جهت بنیاد نهادن يك ساختمان (اول قرنتیان ۳: ۱۰)، قدرتی الهی جهت انجام کارهای سخت (اول قرنتیان ۱۵: ۱۰)، قدرتی الهی در ضعفهای انسانی (دوم قرنتیان ۱۲: ۹) و یا برخورداری از توانایی الهی جهت انجام خدمات بشارتی در میان غیر یهودیان باشد (غلاطیان ۲: ۹). و یا این فیض ممکن است يك توانایی یا عملکرد الهی (به عبارت دیگر، عطایی روحانی) باشد (افسسیان ٤: ۱۱؛ اول پطرس ٤: ۱۰- ۱۱).

ب) "محبت" بسیار فراتر از "عطایای روحانی" است.
پولس با مقایسه کردن اول قرنتیان ۱۲: ۳۱ به طریق محبت اشاره می‌کند که بسی برتر و بهتر از میل به برخورداری از عطایای روحانی است. این آیه بر این حقیقت دلالت دارد که اگر در برخی از کلیساها و یا در بین مسیحیان عطایای روحانی وجود ندارند، در عوض محبت همواره باید در بین‌شان حاکم باشد. اگرچه تواناییها یا خدمات (مناصب) روح‌القدس به برخی از مسیحیان عطا شده است، عطای محبت عطایی است که روح‌القدس آن را به همه مسیحیان بخشیده است (رومیان ۵: ۵ ؛ تیطس ۳: ۵- ٦).

پ) "روحانی بودن" مفهومی بیش از صرف برخورداری از "عطایای روحانی" دارد.
برخورداری از عطایای روحانی باعث نمی‌شود که شخص روحانی‌تر باشد. مسیحیان کلیسای قرنتس از تمام عطایای عادی و خارق‌العاده روح‌القدس برخوردار بودند، ولی با این وجود افرادی "غیر روحانی"، "نفسانی" و "طفل در مسیح" بودند (اول قرنتیان ۱: ۷؛ ۳: ۱). خصوصیات يك فرد واقعاً روحانی عبارت است از بلوغ روحانی (اول قرنتیان ۳: ۱- ٤) و ثمرات روح‌القدس (غلاطیان ۵: ۲۲- ۲٤). مهمترین اصل در رساله قرنتیان این است که يك فرد مسیحی باید از آنچه که در اختیار دارد به گونه‌ای استفاده کند که باعث جلال خدا و بنای همسایه‌اش شود (اول قرنتیان ۱۰: ۲۳- ۲٤).

۵- هدف از عطایای روحانی

عطایای روحانی دارای ٤ هدف مشخص هستند که عبارتند از: خدمت به یکدیگر (اول پطرس ٤: ۱۰- ۱۱)، بنای کلیسا (اول قرنتیان ۱۲: ۷؛ ۱٤: ۱۲)، تجهیز مسیحیان برای خدمت (افسسیان ٤: ۱۲) و نهایتاً جلال یافتن خدا در همه چیز (اول پطرس ٤: ۱۱).

ب - دریافت، تشخیص و ارزیابی عطایای روحانی

۱- دریافت عطایای روحانی

الف) در جستجوی آن عطای روحانی باشید که باعث بنای دیگران می‌شود.
آن عده از مسیحیان در بدن مسیح که روح‌القدس به آنها تواناییها و خدمات خارق‌العاده‌ای بخشیده است، باید طالب چه نوع عطایای روحانی باشند؟
سه موضوع در کلیسای قرنتس ضرورت داشت: ایجاد تغییر در علائق‌شان در رابطه با برخی عطایای روحانی خاص، پیروی از طریق محبت و تأکید بر بنای دیگران.
۱) کلیسای قرنتس می‌بایست علائق خود را تغییر می‌داد. در اول قرنتیان فصلهای ۱۲- ۱٤، پولس رسول در رابطه با استفاده نادرست از عطای زبانها به شدت اخطار می‌دهد. ایمانداران کلیسای قرنتس (اول قرنتیان ۱۲: ۲۷) برای عطای زبانها ارزش زیادی قائل بودند و امیدوار بودند این عطا به فراوانی به آنها داده شود. بنابراین لازم بود تغییری در علاقه مفرط آنها در زمینه بکارگیری عطای زبانها ایجاد می‌شد، زیرا آنها عطای زبانها را باارزشتر از تمام عطایای دیگر تلقی می‌کردند. اولویت در

رابطه با بکارگیری عطایا باید بر اساس معیارهای خدا تعیین شود، نه بر اساس معیارهای انسانی. پولس رسول وقتی عطایا را بر می‌شمرد، عطای زبانها را دو بار آخر از همه ذکر می‌کند. در اول قرنتیان ١٤: ١- ٣، پولس برای عطای نبوت بالاترین ارزش را قائل می‌شود. مسیحیانی که عطای نبوت را بواسطه روح‌القدس دریافت کرده‌اند، باید به غیرت این عطا را بکار بگیرند، زیرا باعث بنا، تشویق و تسلی دیگران است.
چهارچوب متن مربوط به عطایا به ما اجازه نمی‌دهد که اول قرنتیان ١٢: ٣١ را اینطور تفسیر کنیم که هدف پولس، مجبورساختن مسیحیان قرنتس به داشتن برخی عطایای خاص است. برعکس، پولس رسول عالیترین طریق را به آنها نشان می‌دهد و آنها را نصیحت می‌کند که "از طریق محبت پیروی کنند" (اول قرنتیان ١٢: ٣١- ١٤: ١). هدف پولس آشکار ساختن این حقیقت است که محبت ورای تمام عطایای روحانی است. محبت انسانها را به قوم خدا تبدیل می‌کند و به آنها می‌آموزد که برای جلال خدا و در جهت منفعت دیگران زندگی کنند.
٢) <u>کلیسای قرنتس می‌بایست همواره از عالیترین طریق پیروی می‌کرد.</u> کلمه "پیروی کردن" (در یونانی: diokete، ١٤: ١) بسیار از کلمه "به غیرت طلبیدن" (در یونانی: zeloute، ١٢: ٣١؛ ١٤: ١) قویتر است: "پیروی کردن" بیانگر عملی پایان‌ناپذیر است، در حالیکه "طلبیدن با غیرت و اشتیاق" بیشتر بر شدت عمل تأکید می‌کند تا بر تداوم آن. اول قرنتیان ١٣ در رابطه با جامع و عمومی بودن محبت (تمام مسیحیان باید محبت کنند) صحبت می‌کند، در حالیکه در اول قرنتیان ١٤: ٢- ٣ پولس رسول به اشخاص خاصی اشاره می‌کند که از عطای خارق‌العاده سخن گفتن به زبانها یا نبوت برخوردارند (تنها برخی از مسیحیان دارای این عطایا هستند). بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که "پیروی کردن" حکمی برای تمام مسیحیان است، در حالیکه "به غیرت طلبیدن" حکمی است برای آن عده از مسیحیان که از عطایای روحانی خاصی برخوردارند. تمام مسیحیان باید همواره از طریق محبت پیروی کنند، ولی مسیحیانی که از عطایای روحانی خارق‌العاده‌ای برخوردار هستند باید عطای نبوت را به غیرت بکار بگیرند، نه عطای زبانها را.
به‌علاوه، از آنجا که باید بین دریافت عطایای روحانی و آشکارکردن یا استفاده از این عطایا (اول قرنتیان ١٤: ٢٦- ٣٣) تمایز قائل شد، حکم "به غیرت طلبیدن" به طور خاص به آشکار کردن و بکارگیری عطایا در کلیسا اشاره دارد، و نه صرفاً به دریافت آنها. کلمه "خصوصاً" یا " ترجیحاً" (١٤: ١) نشان می‌دهد که عطایای روحانی دارای درجات متفاوتی هستند ("عطایای بزرگتر"، ١٢: ٣١). پولس برای "نبوت" بالاترین مقام را قائل است، زیرا کلیسای قرنتس به اشتباه بیشتر برای تکلم به زبانها اهمیت قائل بودند.
٣) <u>کلیسای قرنتس می‌بایست بیشتر باعث بنای دیگران شود، نه اینکه خودمحور باشد.</u> اول قرنتیان ١٤: ١٢ بطور تحت اللفظی می‌فرماید: "همچنین شما نیز چونکه غیور جهت طلبیدن ارواح هستید، بطلبید برای اینکه کلیسا بیشتر بنا شود". برخلاف مسیحیان قرنتس که در پی ارواح بودند، پولس در مورد غیرت برای عطایای روحانی صحبت می‌کند. برخلاف مسیحیان قرنتس که "طالب ارواحی بودند که از عطایای روحانی خاصی برخوردارند"، پولس فرض را بر این می‌گیرد که آنها روح‌القدس را دریافت کرده‌اند (اول قرنتیان ٢: ١٢) و روح‌القدس می‌تواند به ارواح انسانی آنها عطایای خاصی را ببخشد. بعید نیست که مسیحیان قرنتس به اشتباه تصور می‌کرده‌اند که هر عطای روحانی از جانب روح بخصوصی است، و حال پولس می‌خواست به آنها بفهماند که عطایای روحانی مختلف همگی از يك روح که روح‌القدس است نشأت می‌گیرند (اول قرنتیان ١٢: ٤).
برخلاف ایمانداران قرنتس که در پی عطای مافوق طبیعی زبانها بودند تا بتوانند به دیگران فخر کنند، پولس به آنها توصیه می‌کند که در طلب یافتن عطایایی باشند که باعث بنای افراد دیگر در کلیسا است. پولس به آن عده از مسیحیان که از عطایای روحانی خاصی برخوردار بودند توصیه می‌کند که آن عطایایی را بیشتر بکار گیرند که باعث بنای کلیسا می‌شود. اول قرنتیان ١٤: ١٣- ١٩ نشان می‌دهد که ایمانداران قرنتس باید برای آن دسته از عطایای روحانی که دارای نظم و هماهنگی بیشتری هستند اهمیت بیشتری قائل شوند، تا برای عطای تکلم به زبانها که بیشتر جنبه ناگهانی دارد. منظور پولس از این سخنان، نه تعلیم در مورد آنچه می‌بایست در کلیسای قرنتس واقع می‌شد، بلکه تعلیم در مورد آن چیزی بود که باید در جلسات رسمی کلیسای قرنتس و تمام کلیساها اتفاق بیفتد.

ب) <u>عطایای روحانی توسط خدا داده می‌شوند.</u>
چه کسی تعیین می‌کند که شما باید کدام عطای روحانی را دریافت کنید؟
خدای تثلیث (پدر، پسر و روح‌القدس) بر اساس اراده و فیض خود عطایای روحانی را به مسیحیان می‌بخشد و عملکردها یا خدمات خاص کلیسایی را تعیین می‌کند. (اول قرنتیان ١٢: ١١، ١٨، ٢٨؛ افسسیان ٤: ٧؛ عبرانیان ٢: ٤؛ اول پطرس ٤: ١٠).
خدا معین می‌کند که به چه کسی چه نوع عطایا یا خدمات روحانی را عطا کند. پولس رسول مسیحیان را ترغیب می‌کند که به غیرت طالب آن عطایای روحانی باشند که باعث بنای کلیسا است. خدا برای هر فرد مسیحی در بدن مسیح جایگاه مشخصی مقرر کرده است. اگرچه او به مسیحیان (البته نه لزوماً به هر فرد مسیحی) خدماتی مشخص محول میکند، هر مسیحی بایستی خدمت کند. اگرچه او بر طبق اراده خود، عطایا و عملکردهای مختلف روحانی را به مسیحیان (البته نه لزوماً به هر فرد مسیحی) عطا می‌کند، اما هر مسیحی باید در وهله نخست اصل محبت را در زندگی خود اجرا کند.

٢- <u>تشخیص عطایای روحانی</u>

چگونه مسیحیان متوجه می‌شوند که آیا خدا به آنها عطا یا عطایای روحانی خاصی بخشیده است یا نه؟
مهم نیست که این عطایا، عطایایی عادی و یا خارق‌العاده، و یا صرفاً برخی توانایی ها یا مناصب روحانی خاص هستند.

الف) از طریق بررسی کتاب‌مقدس و دعا
تعالیمی را که در کتاب‌مقدس در رابطه با عطایای روحانی، خصوصیات و عملکردهای آنها وجود دارد، درك کنید.

ب) از طریق خدمت در کلیسا
در خدمات مختلف کلیسایی نظیر تعلیم به بچه‌ها، رهبری جوانان، کمك به افراد نیازمند، تشویق کسانی که در مشکلات هستند، موعظه انجیل و غیره شرکت کنید. اگر خدا به شما عطای روحانی خاصی بخشیده است، در همان حال که به دیگران خدمت می‌کنید و در جهت تقویت و بنای کلیسا می‌کوشید، این عطا نیز به تدریج بیشتر و بیشتر در شما آشکار می‌شود. خدا از طریق دادن عطایا به کلیسا، مسیحیان را قادر می‌سازد تا به دیگران خدمت کنند. اگر یك مسیحی خدمت نکند، نمی‌تواند تشخیص دهد که آیا خدا به او عطای روحانی خاصی بخشیده است یا نه.

پ) از طریق ارزیابی خدماتتان، و نه صرفاً استعدادهای ذاتی که دارید.
عطای روحانی، توانایی است که شما را به خدمت در زمینه‌ای خاص ترغیب می‌کند. این عطا خود را از طریق ایجاد اشتیاق و غیرت در زمینه خدمتی خاص، متجلی می‌سازد. با توجه به اینکه عطایای روحانی همواره به منظور خدمت به دیگران و برای بنای کلیسا است، تأثیری که خدمات شما بر روی دیگران دارد می‌تواند نشان‌دهنده این امر باشد که آیا از عطایی خاص برخوردارید یا نه. از خود بپرسید: "چگونه مسیحیان دیگر خدمت مرا ارزیابی می‌کنند؟" "مردم معمولاً از من می‌خواهند چه خدماتی انجام دهم؟" "به نظر آنها من چه خدمتی را می‌توانم به خوبی انجام دهم؟" "کدام یك از خدمات من بیشترین تأثیر را بر آنها گذاشته است؟" سپس از خود بپرسید: "من چگونه خدمات خود را ارزیابی می‌کنم؟" "از انجام چه خدماتی بیشتر لذت می‌برم؟" "چه خدماتی را به خوبی انجام می‌دهم؟" "کدام یك از خدمات من باعث بنای دیگران است؟"

۳- ارزیابی عطایای روحانی

یك مسیحی باید خود را در کلیسا چگونه شخصی بداند؟
خدا بر اساس قدرت و فیض مطلق خود اجازه داده است که بین مسیحیان تفاوتهایی وجود داشته باشد (رومیان ۱۲: ۳- ۶؛ اول قرنتیان ۱۲: ٤- ۷، ١٤- ۲۷). مسیحیان در موارد زیر با هم متفاوت‌اند: "میزان و اندازه ایمان"، "عملکردهای مختلف بدن مسیح"، "عطایای روحانی" و "در فیضی که خدا به هر کس عطا می‌کند". خدا با در نظر داشتن تفاوتهایی که در زمینه‌های مختلف بین مسیحیان وجود دارد، مسیر زندگی هر فرد مسیحی را مشخص می‌کند.

الف) ضرورت فروتنی
۱) اگر شخصی خود را بیش از آنچه که هست بپندارد، دچار غرور می‌شود (رومیان ۱۲: ۳). غرور عبارت است از حس طمع و ادعا به داشتن حقوق و امتیازاتی که شخص از آنها برخوردار نیست. همه با این خطر مواجه هستند که خود را بیش از آنچه که هستند بپندارند. شخصی که نسبت به عطایی که خدا آن را به او نبخشیده طمع می‌ورزد، فردی خودستا است و مایل است دیگران همیشه از او تعریف و تمجید کنند. این امر در مورد تکلم به زبانها نیز صادق است.
۲) شخصی که واقع‌بینانه در مورد خود قضاوت می‌کند (رومیان ۱۲: ۳)، شخصی فروتن است. مسیحیان نباید خود را مالك عطایایی تصور کنند که ندارند. مسیحیان همچنین نباید عطایایی را رد کنند که خدا بر حسب فیض خود به آنها یا به دیگران بخشیده است. هم خودبینی کار اشتباهی است و هم فروتنی کاذب. مسیحیان باید خود را بر حسب میزان ایمانی که خدا به آنها بخشیده است تفتیش و ارزیابی کنند، نه بر حسب معیارهای انسانی.

ب) ضرورت ایمان
کلمه " ایمان" در رومیان ۱۲: ۳ یعنی "اعتماد کردن" یا " متکی بودن به خدا و وعده‌های او". اما این قسمت می‌فرماید: "به اندازه آن بهره ایمان که خدا به هر کس عطا فرموده است". به عبارت دیگر، منظور پولس مقدار و کمیت ایمان نیست، بلکه او به نوع و کیفیت ایمان اشاره دارد. پولس در مورد روشهای مختلفی صحبت می‌کند که هر فرد مسیحی می‌تواند از طریق آن، با استفاده از خدمت یا عطای خاصی که خدا به او بخشیده است باعث برکت سایر مسیحیان و نیز باعث برکت تمام کلیسا شود. متفاوت بودن میزان ایمان منعکس کننده طرق مختلفی است که "ایمان" افراد در جهت عطایا و خدمات مختلف روحانی در کلیسا بکار گرفته می‌شود.
هر مسیحی بر حسب فیض مقتدر خدا، "بهره ایمان" خود را دریافت می‌کند. به عبارت دیگر، او به عنوان عضو بدن مسیح جایگاه خود را در این بدن میابد. او از روح القدس عطایا و خدمات معمولی یا خارق العاده و یا دائمی دریافت میکند. او ایمان مورد نیاز که توسط آن و در محدوده آن بایستی عطیه یا خدمتش را بکار ببرد، دریافت میکند. ضرورت ایمان تنها محدود به زمانی که عضو کلیسا می‌شویم نیست؛ بلکه ما به عنوان اعضای کلیسا، جهت انجام فعالیتها، عملکردها، کارها و خدمات مختلف خود به ایمان نیاز داریم. تمام عطایای روحانی را تنها از طریق ایمان به مسیح و به توسط محبت (اول قرنتیان ۱۳) می‌توان بکار برد. بنابراین عطایا یا خدماتی (مناصبی) که روح‌القدس به افراد اعطا می‌کند، به فراخور قابلیت‌ها یا عملکردها و به اندازه محدوده ای است که بایستی بکار رود و به میزان ایمانی میباشد که برای بکارگیری آن عطیه یا خدمت لازم است.

پ - مشخصات عطایای روحانی

این قسمت فقط یک بخش انتخابی و خلاصه مختصر است.

۱- رسولان

الف) "رسولان مسیح" (مرقس ۳: ۱۳- ۱۹)
این رسولان، افرادی منحصر به فرد بودند و جانشین نداشتند. آنها شاهدین عینی مسیح و بنیانگزاران کلیسا در تاریخ جهان بودند.

ب) "رسولان کلیساها" (دوم قرنتیان ۸: ۲۳)
این دسته از رسولان، نمایندگان کلیساهای محلی بودند که از سوی آنها فرستاده شده بودند تا کار خاصی را به انجام برسانند. این عنوان را می‌توان در مورد مبشرین یا مبلغین عصر حاضر نیز که کلیساهای جدیدی را تأسیس و بنا می‌کنند، بکار برد.

۲- مکاشفه، انبیا و نبوت

"مکاشفه" (اول قرنتیان ۱۴: ٦، ۲٦) "آشکار شدن حقیقتی جدید" است، بویژه از طریق رؤیا (دوم قرنتیان ۱۲: ۱؛ مکاشفه ۱: ۱۰، ۱۲).
"نبوت"، "اعلام یا بازگو کردن" اموری است که خدا آنها را مکشوف ساخته است. نبوت تحت الهام روح‌القدس بیان می‌شود و در کتاب‌مقدس در سه حالت بکار رفته است.

الف) انبیای عهد عتیق اعلام‌کنندگان مکاشفه خدا در عهد عتیق بودند.
آنها افرادی منحصر به فرد بودند. عطا یا خدمت روحانی آنها تنها محدود به زمان عهد عتیق بود. این انبیا مکاشفه‌ای جدید از خدا دریافت می‌کردند و سخنان او را برای مردم بازگو می‌نمودند. آنها سخنگویان خدا بودند و سخنان قدرتمند خدا را بیان می‌کردند.
انبیای عهد عتیق تنها تا زمان یحیی تعمیددهنده نبوت کردند (متی ۱۱: ۱۳؛ عبرانیان ۱: ۱) پس از آن، چنین انبیایی (با این درجه اهمیت) دیگر وجود نداشتند، زیرا مکاشفه خدا در مورد نقشه الهی‌اش که توسط انبیای عهد عتیق آغاز شده بود، در عیسی مسیح (یوحنا ۱: ۱۸؛ عبرانیان ۱: ۲) و توسط شهادت رسولان او (یوحنا ۱٦: ۱۳- ۱۵) به تحقق رسید. مکاشفات آنها در "کتاب مقدس"، "کتب مقدسه" یا " مجموعه ٦٦ کتابها" در کتاب مقدس جمع آوری و ثبت شده است. انبیای عهد عتیق که سخنگویان خدا بودند و مکاشفات جدیدی برای انسانهای آشکار می‌کردند، جانشینی ندارند. هیچ کس مجاز نیست چیزی به "سخنان خدا" یا کتابی به کتاب مقدس بیفزاید (مکاشفه ۲۲: ۱۸- ۱۹).

ب) انبیای عهد جدید اهداف خدا را در شرایطی خاص اعلام می‌کردند.
۱) آنها نیز افرادی منحصر به فرد بودند. عطا یا خدمت روحانی آنها تنها محدود به دوران کلیسای عهدجدید بود. از آنجا که عهد جدید در آن زمان هنوز بطور کامل نوشته نشده بود، این انبیا کلیسای اولیه را از خواست و اراده خدا آگاه می‌ساختند و آنچه را که خدا از آنان انتظار داشت در آن شرایط خاص انجام دهند، به اطلاع مسیحیان می‌رساندند. نبوتهای آنها محدود بود. رسولان مسیح از عطای نبوت برخوردار بودند، ولی این انبیای عهد جدید رسولان مسیح محسوب نمی‌شدند. برخلاف رسولان مسیح که مکاشفاتی که دریافت می‌کردند برای کلیسای مسیح در تمام دوران عهد جدید دارای اهمیتی بنیادین بود (اول قرنتیان ۱۵: ۳؛ غلاطیان ۱: ۱۱- ۱۲، ۱٦)، مکاشفاتی که انبیای عهد جدید دریافت می‌کردند جنبه موقتی داشت و دارای مفهوم و اهمیتی ثابت و ماندگار نبود (اعمال ۱۱: ۲۷- ۲۸؛ ۱۳: ۱- ٤؛ ۲۱: ۱۰- ۱۱). رسولان مسیح مکاشفاتی را بازگو می‌کردند که تمام مسیحیان جهان، چه در زمان کلیسای اولیه و چه در حال حاضر، باید آنها را بدانند، به آن ایمان داشته باشند و مطابق آن عمل کنند. ولی انبیای عهد جدید نبوتهای محدودی را اعلام می‌کردند که تنها برای گروه محدودی از مسیحیان کلیسای اولیه کاربرد داشت و برای این بود که این مسیحیان بدانند تحت شرایطی خاص چگونه باید ایمان داشته و عمل کنند.
۲) نبوتهای انبیای عهد جدید به منظور بنا، تشویق و تسلی مردم (اول قرنتیان ۱٤: ۳؛ اعمال ۱۵: ۳۰- ۳۲) و یا جهت اندرز و اخطار به آنان بود (اول قرنتیان ۱٤: ۸؛ اعمال ۱۱: ۲۷- ۲۸؛ ۲۱: ۱۰- ۱۱). کلمه "نبوت" در مورد کار آنان احتمالاً در وهله اول بیشتر به "بنا، تشویق و تسلی" اشاره دارد (اول قرنتیان ۱٤: ۳)، تا به بیان "مکاشفات جدید" (اعمال ۱۳: ۱- ٤).
۳) رسولان مسیح عاملی بودند در دستان مسیح تا تقریباً تمام عهد جدید از طریق آنان مکشوف و نگاشته شود (یوحنا ۱٤: ۲٦؛ ۱٦: ۱۳- ۱۵؛ ۲۰: ۳۱). اما برخلاف چیزی که درمورد رسولان مسیح می‌بینیم، تنها تعداد کمی از نبوتهای انبیای عهد جدید در کتب عهد جدید ثبت شده است (اعمال ۱۱: ۲۸؛ ۲۱: ۱۱). این موضوع ثابت می‌کند که انبیای عهد جدید آن نوع مکاشفاتی را که به رسولان مسیح عطا شد، دریافت نکردند. آنچه که رسولان مسیح در خصوص آموزه‌ها و رفتارهای مسیحی موعظه و تعلیم می‌دادند، برای تمام مسیحیان از هنگام آمدن مسیح تا بازگشت او لازم‌الاجرا و عاری از خطا است، (اعمال ۲: ٤۲؛ دوم تیموتاؤس ۱: ۱۳؛ اعمال ۱٦: ٤؛ فیلیپیان ٤: ۹)، و حال آنکه سخنان و نبوتهای انبیای عهد جدید باید توسط مسیحیان دیگر مورد

سنجش و ارزیابی قرار می‌گرفت (اول قرنتیان ١٤: ٢٩- ٣٣). رسولان مسیح از بسیاری خصوصیات دیگر نیز برخوردار بودند که باعث می‌شد از لحاظ برخورداری از عطایا و خدمات روحانی برتر از سایرین باشند.

پ) عطای نبوت عبارت است از اعلام حقایقی تحت هدایت روح‌القدس که قبلاً از طریق تعالیم و موعظات رسولان مسیح مکشوف شده است.
این مفهوم کلی کلمه " نبوت " است.
١) "نبوت کردن" (رومیان ١٢: ٧) عبارت است از توانایی یا خدمت خاص اعلام کردن (موعظه کردن) حقایق کتاب مقدس، که باعث می‌شود مسیحیان تشویق و تسلی یافته، در ایمان بنا گردند (اول قرنتیان ١٤: ٣؛ اعمال ١٥: ٣٢). و یا توانایی است که باعث می‌شود اعضای بدن مسیح به منظور انجام خدمات روحانی مختلف تجهیز شوند و از این طریق باعث بنای کلیسا گردند (افسسیان ٤: ١٢). مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردار هستند، آشکارا پیامهای مکشوف شده خدا در کتاب مقدس را به طرزی جدی و قانع کننده اعلام یا وعظ می‌کنند. آنان بطرزی قابل درك (اول قرنتیان ١٤: ٨) و نیز مقتدرانه سخن می‌گویند (اعمال ٦: ١٠؛ اول تسالونیکیان ١: ٥).
٢) "نبوت کردن" ممکن است آشکارکننده افکار، انگیزه‌ها، طرز برخوردها، سخنان و اعمالی باشد که قبلاً پنهان بوده‌اند. روح القدس از طریق موعظات، تعالیم، سخنان و مشورتهای مسیحیانی که از عطای نبوت برخوردارند، موضوعات پنهان را در شنوندگان این نبوت‌ها آشکار می‌سازد، بی‌ایمانان را به توبه وامی‌دارد و یا در یك فرد مسیحی انگیزه ایجاد می‌کند تا مواردی را در زندگی خود تغییر دهد. تأثیر چنین نبوتی این است که گناهان شخص دیگر مخفی نیست (اول قرنتیان ١٤: ٢٤- ٢٥). ممکن است در برخی موارد گناهان یك فرد در حضور همگان (اعمال ٥: ٣- ٤) و در موارد دیگر به طور خصوصی برای خود آن شخص آشکار گردد (اعمال ٢: ٣٧؛ یوحنا ١٦: ٨).

٣- معلمان و تعلیم

الف) عملکرد یا توانایی خاص
"معلم" نیز یکی از عملکردها (خدمات) (اول قرنتیان ١٢: ٢٨؛ افسسیان ٤: ١١؛ دوم تیموتاؤس ١: ١١) و یا یکی از توانایی‌های خاص در کلیسا می‌باشد (رومیان ١٢: ٧). معلمان حقیقت کتاب مقدس را به طور خاص برای مسیحیان بازگو می‌کنند. آنها در کلیسای عهد جدید دارای خدمت یا مقامی عادی هستند. برخلاف انبیا که پیغام خود را از طریق مکاشفه مستقیم خدا دریافت می‌کنند، معلمان دانش خود را در نتیجه بررسی نوشته‌های عهد عتیق، تعالیم عیسی مسیح و رسولان و یا از طریق ٦٦ کتاب کلام خدا دریافت می‌نمایند. در دوران عهدجدید، هر کس که مایل به تعلیم بود می‌توانست این خدمت را انجام دهد، و از نظر کتاب مقدس حتماً لازم نیست که یك معلم عطای خاص تعلیم داشته باشد (یعقوب ٣: ١). هر شخص بر اساس دعوتی که خدا از او می‌کند می‌تواند در مقام معلم خدمت کند.
برخی از مسیحیان از مقام خاص "معلم" یا "شبان- معلم" برخوردارند (افسسیان ٤: ١١)، ولی به چنین مسیحیانی هشدار داده شده است که نسبت به این مقام مهم در کلیسا احساس مسؤولیت کنند (یعقوب ٣: ١). برخی دیگر از مسیحیان نیز عطای (توانایی) روحانی تعلیم را دریافت می‌کنند (رومیان ١٢: ٧). ولی از تمام مسیحیان دعوت شده است که عملکرد یا مسئولیت تعلیم دادن به یکدیگر را انجام دهند (متی ٢٨: ٢٠؛ کولسیان ٣: ١٦).

ب) مسئولیت معلمان در کلیسا
بخوانید: عزرا ٧: ١٠. اولین مسئولیت معلمان، بررسی دقیق کتاب مقدس است به منظور پی بردن به صحت سخنان آن، جمع آوری اطلاعات و انتظام بخشیدن به حقایق موجود در آن (اعمال ١٧: ١١). دومین مسئولیت معلمان، بکارگیری آن حقایقی است که تعلیم می‌دهند. آنها باید در زمینه بکارگیری حقایق کلام خدا نمونه خوبی از خود بر جای بگذارند (متی ٢٣: ٢- ٤؛ رومیان ٢: ٢١؛ اول تیموتاؤس ٤: ١٢؛ تیطس ٢: ٧- ٨). سومین مسئولیت معلمان این است که حقیقت کلام خدا را با اقتدار، به طور مشخص و قابل درك و با در نظر داشتن مقصود و هدف اولیه آن تعلیم دهند، تا بدینوسیله شنوندگان بتوانند حقایق کلام خدا را درك کنند و آنها را بکار بگیرند (مرقس ١: ٢٢؛ اعمال ٨: ٣٠- ٣١؛ ٢٠: ٢٠، ٢٧؛ دوم تیموتاؤس ٢: ١٥). مسیحیان نوایمان باید تعلیم ببینند تا بتوانند شاگرد مسیح شده، از احکام او اطاعت کنند. مسیحیانی که تعلیم پذیر، امین و قادر به تعلیم دیگران هستند نیز باید تعلیم بگیرند (متی ٢٨: ٢٠؛ لوقا ٦: ٤٠؛ دوم تیموتاؤس ٢: ٢).

پ) جایگاه معلمان در کلیسا
پس از "رسولان مسیح"،"انبیا" و "معلمان" جزو مهمترین خدمات کلیسا هستند (اول قرنتیان ١٢: ٢٨؛ افسسیان ٤: ١١). از آنجا که رسولان مسیح و انبیای عهد جدید تنها در دوران اولیه کلیسای عهد جدید فعالیت داشتند، امروزه در کلیسای مسیحی در سراسر جهان خدمت معلم، کار یا عملکرد و عطای روحانی تعلیم باید در صدر اولویت قرار گیرد. زیرا هیچ چیز نمی‌تواند مانند حقایق کلام خدا باعث بنای مسیحیان شود.

٤- مبشرین

"مبشر" نیز یکی از عملکردها (خدمات)(افسسیان ٤: ١١) و یا یکی از توانایی‌های خاص در کلیسا است. مبشرین خبر خوش نجات در مسیح را به طرزی مؤثر به بی‌ایمانان اعلام می‌کنند، به طوری که در نتیجه خدمت آنها عده‌ای ایمان می‌آورند و بر تعداد ایمانداران در کلیسا افزوده می‌شود. اگرچه برخی از مسیحیان دعوت شده‌اند که بطور خاص به خدمت بشارت مشغول باشند (دوم تیموتاؤس ٤: ٥) و برخی نیز عطای خاص بشارت داده شده است، ولی تمام مسیحیان دعوت دارند که در این حصاد بزرگ، خبر خوش انجیل را به گوش دیگران برسانند (یوحنا ٤: ٣٥- ٣٨).

٥- شبانان

"شبان" نیز یکی دیگر از عملکردها (خدمات)(اعمال ٢٠: ٢٨؛ افسسیان ٤: ١١؛ اول پطرس ٥: ١- ٤) و یا یکی دیگر از توانایی‌های خاص در کلیسا است. شبانان مسیحیان را تغذیه می‌کنند، از آنها حفاظت و مراقبت می‌کنند و آنها را به سمت رشد و بلوغ روحانی سوق می‌دهند. آنها افراد گمشده را می‌جویند و گمراهان را باز می‌گردانند. آنها به طور خاص به افرادی که ضعیف و نیازمند هستند، توجه نشان می‌دهند. اگرچه برخی از مسیحیان دعوت شده‌اند که بطور خاص به خدمت شبانی مشغول باشند و برخی نیز عطای روحانی شبانی را دریافت کرده‌اند، تمام مسیحیان این دعوت را دارند که به فکر نیازهای یکدیگر باشند (اول قرنتیان ١٢: ٢٤- ٢٦).

به بخش سایر عطایای روح القدس در دستورعمل بنای کلیسا - کتاب سوم، ضمیمه ٤ مراجعه کنید.

ت - بکارگیری عطایای روحانی به منظور بنای کلیسا

١- عطایای روحانی و خدمات کلیسا

چگونه یك مسیحی می‌تواند از عطای روحانی خود در جهت منفعت مسیحیان دیگر استفاده کند؟

الف) مسیحیان به خدمات یکدیگر نیازمندند.
هر عضوی از بدن مسیح باید به دیگر اعضا خدمت کند، و هر عضوی نیز نیازمند خدمات دیگران است. خدمت کردن به یکدیگر از طریق بکارگیری عطایای عادی یا خارق العاده روح‌القدس، نوع دیگری از ابراز محبت به یکدیگر است. همانگونه که یك دست نمی‌تواند بدون وجود پا کار کند، و پا بدون کمك چشم نمی‌تواند فعالیت کند، به همین ترتیب هر عضوی از بدن مسیح نیز به خدمت یا عطای روحانی عضو دیگر نیاز دارد. خدمت یا عطای هر عضو، خدمت و عطای عضو دیگر را کامل می‌سازد و بدین ترتیب کلیسای مسیح به بهترین نحو بنا می‌شود.

ب) یك نمونه: عطای تعلیم
بیایید عطای تعلیم را به عنوان نمونه در نظر بگیریم. تمام مسیحیان، خواه از عطای تعلیم برخوردار باشند و خواه چنین عطایی نداشته باشند، باید به خدمت عادی تعلیم به یکدیگر مشغول باشند (متی ٢٨: ٢٠؛ کولسیان ٣: ١٦). اگرچه همه مسیحیان باید تعلیم دهند، تنها برخی از آنها عطای روحانی تعلیم را دریافت کرده‌اند (اول قرنتیان ١٢: ٢٩). آنانی که عطای روحانی تعلیم را دریافت کرده‌اند مسئولند از این عطای خاص به منظور سه هدف زیر استفاده کنند:
١) آنها باید از طریق تعلیم به مسیحیان دیگر، آنها را خدمت کنند.
٢) آنها باید برای مسیحیان دیگر نمونه خوبی از تعلیم دادن باشند.
٣) در صورت امکان، باید مسیحیان دیگر را در زمینه تعلیم به دیگران، تجهیز و تربیت کنند.
به همین ترتیب، مسیحیان باید از سایرعطایای روحانی که دریافت کرده‌اند نیز در جهت خدمت کردن، نمونه بودن و تا حد امکان در تجهیز ساختن دیگر مسیحیان در زمینه عطایای روحانی شان استفاده کنند.

پ) نمونه‌ای دیگر: عطای روحانی رحم و شفقت نسبت به دیگران
تمام مسیحیان باید در خدمت نشان دادن رحم و شفقت به دیگران سهیم باشند. آنها دعوت شده‌اند که یك سامری نیکو باشند و به کسانی که در احتیاج هستند رسیدگی کنند (لوقا ١٠: ٣٧). اگرچه تمام مسیحیان باید نسبت به دیگران رحم و شفقت داشته باشند، تنها برخی از آنها عطای روحانی رحم و شفقت را دریافت کرده‌اند. این عده از مسیحیان باید نسبت به دیگران رحم و شفقت نشان دهند، نمونه خوبی در این زمینه باشند و در صورت امکان افرادی را تجهیز و تربیت کنند تا این خدمت را انجام دهند.

۲- عطایای روح القدس و ثمره روح القدس

برخورداری از عطایای روحانی روح القدس و بکارگیری آنها ثابت نمی‌کند که یك شخص لزوماً فردی "روحانی" یا " بالغ" است. مسیحیان قرنتس از تمام عطایای روحانی برخوردار بودند (اول قرنتیان ۱: ۷)، ولی افرادی روحانی یا بالغ نبودند، بلکه مسیحیان دنیوی بودند و در مسیح اطفالی بیش نبودند (اول قرنتیان ۳: ۱- ٤). ممکن است شخصی مسیحی از عطایای روحانی استفاده کند بدون آنکه ذره‌ای محبت داشته باشد، ولی اینگونه بکارگیری عطایای روحانی هیچ ارزشی در نظر خدا ندارد (اول قرنتیان ۱۳: ۱- ۳). اثبات واقعی زندگی کردن توسط روح القدس، تحت کنترل و هدایت روح القدس بودن است، نه بکارگیری عطایای روح، بلکه تجلی ثمره روح القدس در زندگی او است (غلاطیان ٥: ۲۲- ۲۳). اگرچه ممکن است خود شما یا کلیسای‌تان از برخی از عطایای روحانی برخوردار نباشد، ولی همه باید از ثمره روح القدس، و مخصوصاً از محبت، برخوردار باشند.

٥	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " خدمت بر اساس عطایای روحانی " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از عبرانیان ۱۱- ۱۳را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - حفظ کردن - هر روز آخرین ٥ آیه حفظی از یوحنا را مرور کنید.
٥ - بررسی کتاب‌مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۱٦) را در خانه آماده کنید. از روش ٥ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
٦ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ۳).
۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۳٦

۱	دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) عبرانیان

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (عبرانیان ۱۱- ۱۳) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا

مرور: دو نفری آخرین ۵ آیه حفظی از انجیل یوحنا را مرور کنید.

٤	بررسی کتاب‌مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۱٦: ۱- ۳۳

مقدمه: یوحنا فصلهای ١٤ الی ١٧ در بر گیرنده تعالیم و دعای عیسی در واقعه شام آخر می‌باشند. در یوحنا فصل ١٦ عیسی به شاگردان خود وعده‌هایی می‌دهد. او وعده می‌دهد که آنها را هرگز ترک نخواهد کرد، و روح‌القدس را خواهد فرستاد. او همچنین وعده داد که آنها پس از قیامش، دوباره او را خواهند دید.

<u>**قدم ۱: بخوانید**</u>
بخوانید: یوحنا ١٦: ۱- ۳۳ را با هم بخوانیم.
هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

<u>**قدم ۲: کشف کنید**</u>
توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
بنویسید: يك يا دو حقیقتی را که درك می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.
در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم درمیان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر درمیان بگذاریم.
(موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر درمیان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچك اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم درمیان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).

<u>**کشف ۱)**</u> در یوحنا ١٦: ۷- ۱۱ در رابطه با <u>کار روح‌القدس</u> حقیقت مهمی برای من وجود دارد. عیسی می‌فرماید که رفتن او به نفع شاگردانش است، زیرا با رفتن او، روح‌القدس نزد آنها می‌آید. رفتن عیسی يك واقعه تأسف‌بار نیست، بلکه يك واقعه پیروزمندانه است و برای شاگردان يك امتیاز محسوب می‌شود.
۱) وقتی عیسی هنوز روی زمین بود، او "با" شاگردانش بود. بعد از صعودش به آسمان و جاری ساختن روح القدس، عیسی "در" قلوب شاگردانش زندگی می‌کند.

۲) زمانی که عیسی هنوز روی زمین بود، باید بر روی صلیب جان می‌سپرد و قیام می‌کرد و نجات را برای انسانها مهیا می‌ساخت. پس از صعودش به آسمان و ریزش روح القدس، عیسی از طریق روح‌القدس عطیه نجات را در قلوب و زندگی ایمانداران بکار میبرد و مهیا میسازد.
عیسی می‌فرماید که وقتی روح‌القدس بیاید، "جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود. اما بر گناه، زیرا که به من ایمان نمی‌آورند. و اما بر عدالت از آن سبب که نزد پدر خود می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید. و اما بر داوری، از این رو که بر رئیس این جهان حکم شده است". واژه اصلی که در یوحنا ۱٦: ۸ برای "ملزم کردن" بکار رفته است، دارای چند مفهوم عمیق می‌باشد: آشکار نمودن، متقاعد کردن و ملزم ساختن. کار روح‌القدس این است که گناهان انسانها را "آشکار سازد"، آنها را نسبت به حقیقت متقاعد و مجاب نماید و آنها را نسبت به خطاها و تقصیرهایشان ملزم کند.

الف) روح‌القدس گناهان جهان را آشکار خواهد کرد. او جهان را نسبت به گناه ملزم خواهد ساخت. یعنی گناهان جهان را عریان و آشکار خواهد نمود، مخصوصاً این واقعیت را که آنها عیسی مسیح را نپذیرفتند و در نهایت او را کشتند. او سعی نخواهد کرد احساس تقصیر مردم را از بین ببرد، (کاری که امروزه بسیاری از مردم انجام می‌دهند)، بلکه برعکس، وجدان گناهکاران را در مورد شرارت و گناه بیدار می‌سازد. تنها زمانی انسانها می‌توانند توبه کرده، نجات یابند که پی ببرند گناهکار هستند.

ب) روح‌القدس جهان را نسبت به حقیقت و راستی متقاعد خواهد ساخت. او جهان را نسبت به عدالت ملزم خواهد ساخت. کلمه "جهان" در اینجا به یهودیانی اشاره دارد که در صدد مصلوب کردن عیسی بودند و او را شخصی جنایتکار و "مجرم" می‌دانستند یعنی " یک شخص شریر" (یوحنا ۱۸: ۳۰). ولی عیسی پس از قیامش به سوی پدر رفت. قیام عیسی ثابت می‌کند که خدا از عیسی خشنود بود و او را "شخصی قدوس و عادل" می‌شمرد (اعمال ۳: ۱٤- ۱۵). خدا وقتی جهان را نسبت به این حقیقت ملزم می‌کند که او و مسیح او "عادل" هستند، همزمان جهان را به این خاطر که در گناه و تاریکی بسر می‌برند محکوم می‌کند. روح‌القدس جهان را نسبت به "عدالت کامل مسیح" و اینکه "چگونه می‌توانند در نتیجه عمل نجاتبخش مسیح بر روی صلیب عادل شمرده شوند" ملزم خواهد ساخت.

پ) روح‌القدس جهان را نسبت به تقصیرات و خطاهایشان ملزم خواهد ساخت. او جهان را نسبت به داوری عادلانه خدا ملزم خواهد ساخت. روح‌القدس همه را متقاعد خواهد کرد که داوری و محکومیت خدا يك حقیقت مهم و جدی است. کار تمام شده عیسی مسیح در زمان آمدن اولیه اش، بدین معنا است که خدا گناه، گناهکاران و کسانی را که مانند شیطان (رئیس این جهان) گناه را در جهان ترویج می‌دهند، سخت داوری خواهد کرد. بر طبق اول یوحنا ۳: ۸، عیسی مسیح از این رو به جهان آمد تا اعمال شیطان را باطل سازد. در یوحنا ۱۲: ۳۱- ۳۲، "بلند کرده شدن عیسی از روی زمین" به "مرگ، قیام، صعود و جلوس او بر تخت شاهی" اشاره دارد. بنابراین عیسی به این جهان آمد تا جهان را داوری کند و رئیس این جهان را بیرون افکند. در صلیب عیسی، دنیای شریر و شیطان هر دو محکوم هستند. آمدن عیسی به این جهان باعث داوری جهان شریر شد، زیرا جهان با عیسی مسیح مخالفت کرده، او را انکار و محکوم نموده بود. نیز آمدن عیسی باعث بیرون افکنده شدن رئیس این جهان شد (مکاشفه ۱۲: ۵- ۹).
مطابق دانیال ۱۰: ۱۳، ۲۰- ۲۱، شیطان و ایادی‌اش در دوران عهد عتیق هنوز بر ملل جهان اقتدار فراوانی داشتند. اما مرگ، قیام و پادشاهی پرقدرت عیسی مسیح به حاکمیت شیطان بر ملل مختلف جهان پایان داد (افسسیان ۱: ۲۰- ۲۱؛ اول پطرس ۳: ۲۲). این حقیقت که شیطان از مقام و اقتداری که بر جهان داشت رانده شده است، بدین معنا است که عیسی در دوران مابین آمدنش به این دنیا و بازگشتش، میلیونها نفر را از هر قوم و ملتی به سوی خود خواهد کشید. شیطان دیگر نمی‌تواند از موعظه پیغام انجیل به تمام ملل جهان و نجات بسیاری از مردم از زبانها و ملیتهای مختلف، جلوگیری کند. او بواسطه مرگ عیسی بر صلیب، قیام، صعود و جلوسش بر تخت پادشاهی، اقتدار خود را بر ملل مختلف از دست داد. بنابراین دیگر نمی‌تواند مانع از انتشار پیغام انجیل و انتقال انسانها از ملکوت شیطان به ملکوت مسیح شود (مکاشفه ۲۰: ۱- ۳). در متی ۱۲: ۲۹ می‌خوانیم که اکنون شیطان بسته شده است و مردم از ملکوت او آزاد شده، به ملکوت پرقدرت عیسی مسیح منتقل گشته‌اند (کولسیان ۱: ۱۳). محکومیت شیطان به‌هنگام بازگشت عیسی مسیح بر تمام مردم جهان آشکار خواهد شد، زیرا او به آتش جهنم افکنده خواهد شد (مکاشفه ۲۰: ۱۰).
هر که از نصایح شیطان پیروی کند و توبه نکند، همراه با او زیر محکومیت قرار خواهد گرفت. من نیز این کار روح‌القدس را در زندگی خود تجربه کرده‌ام.

کشف ۲) در یوحنا ۱٦: ۱۲- ۱۵ در رابطه با کار روح‌القدس حقیقت مهمی برای من وجود دارد.
الف) در آن زمان مکاشفه حقیقت هنوز کامل نشده بود. در آیه ۱۲، عیسی می‌فرماید: "و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم که به شما بگویم، لکن الآن طاقت تحمل آنها را ندارید." در آن زمان عیسی مسیح مکاشفه خود را هنوز بطور کامل برای شاگردانش آشکار نکرده بود، زیرا آنها ایمان لازم را نداشتند و برخی از اتفاقات نیز هنوز باید به وقوع می‌پیوست. شاگردان باید او را ترك می‌کردند و انکارش می‌نمودند، و خود عیسی نیز باید محاکمه، مصلوب و دفن می‌شد. سپس باید قیام و صعود می‌کرد و بر تخت پادشاهی خود در آسمان می‌نشست، و روح‌القدس نیز باید جاری می‌شد. بنابراین کار نجاتبخش عیسی هنوز بطور کامل تحقق نیافته بود.

ب) <u>مكاشفه حقيقت از طريق روح مسيح به تحقق مى‌رسيد.</u> عيسى در آيه ١٣ به شاگردان خود مى‌فرمايد كه پس از ريزش روح‌القدس، آنها را به جميع راستى هدايت خواهد كرد. روح‌القدس آنها را به انجام كارى وادار نخواهد كرد، بلكه مانند يك رهبر آنها را هدايت خواهد نمود. آنچه براى روح‌القدس مهم است، تمامى حقيقت است، و نه فقط بخشى از آن. امروزه مسيحيانى هستند كه همواره تنها بر برخى حقايق خاص يا بر بخشى از يك حقيقت تأكيد مى‌ورزند. اما تأكيد روح‌القدس هميشه بر كل حقيقت است، و نه صرفاً بخشى از آن. پولس رسول مى‌فرمايد: "زيرا كه از اعلام نمودن شما به تمامى اراده خدا كوتاهى نكردم" (اعمال ٢٠: ٢٧).

پ) <u>مكاشفه حقيقت توسط مطالب عهد جديد به تحقق رسيد.</u> اين نبوت عيسى به تحقق رسيد. وعده او در مورد آمدن روح‌القدس در كتاب اعمال رسولان به تحقق رسيد. وعده او در اين مورد كه روح‌القدس آنها را به جميع راستى هدايت خواهد كرد، آشكارا در رسالاتى كه رسولان مسيح در عهد جديد نگاشته‌اند، به تحقق رسيد. و اين وعده او نيز كه روح آنها را از وقايع آينده باخبر خواهد ساخت، آشكارا در كتاب مكاشفه به تحقق رسيد. روح‌القدس همواره مسيحيان را در راستاى حقايق كلام خدا هدايت خواهد كرد. كلام خدا آنگاه كه اعلام و موعظه مى‌شود، "شمشير روح‌القدس" است. (افسسيان ٦: ١٧).

ت) <u>روح‌القدس مسيح را جلال مى‌دهد.</u> روح‌القدس توجه ديگران را به خود جلب نمى‌كند، بلكه به مسيحيان قدرت مى‌دهد تا در مورد مسيح موعظه كنند. او كار تكميل شده نجات توسط مسيح را در زندگى مسيحيان عملى مى‌سازد. او از آنچه كه مسيح در گذشته انجام داده، در حال حاضر انجام مى‌دهد و در آينده نيز انجام خواهد داد، براى تعليم ما استفاده مى‌كند. من نيز اين حقيقت را تجربه كرده‌ام كه وقتى كتاب‌مقدس را مطالعه مى‌كنم، روح‌القدس حقايق موجود در آن را براى من باز مى‌كند و به من كمك مى‌كند تا عيسى مسيح را بيش از پيش دوست بدارم.

<u>**قدم ٣: سؤال**</u>

توجه كنيد: در اين متن چه سؤالاتى در زمينه‌هاى مختلف وجود دارد كه مايليد در گروه آنها را بپرسيد؟
سعى كنيم تمام حقايق مربوط به يوحنا ١٦: ١- ٣٣ را درك كنيم و در مورد آنچه نمى‌فهميم سؤالهاى خود را مطرح كنيم.
بنويسيد: تا آنجايى كه امكان دارد سؤالهاى خود را واضح و صريح مطرح كنيد و سپس آنها را در دفترچه يادداشت خود بنويسيد.
درميان بگذاريد: (بعد از اينكه مدتى به اعضاى گروه فرصت فكر كردن ونوشتن داده شد اجازه دهيد كه هركدام از افراد سؤال خود را براى ديگران مطرح سازد).
گفتگو كنيد: (سپس چند سؤال را از بين همه سؤالها انتخاب كنيد و سعى كنيد با گفتگو كردن در مورد آنها در گروه جوابى براى آنها پيدا كنيد. در ادامه، نمونه سؤالاتى كه ممكن است شاگردان بپرسند و همچنين ملاحظاتى در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ١) <u>چه ارتباطى ميان فصلهاى ١٤، ١٥ و ١٦ وجود دارد؟</u>
ملاحظات: در يوحنا فصل ١٤، تأكيد اصلى روى تسلى و آرامش است. در يوحنا فصل ١٥ تأكيد روى نصيحت و اخطار است، و حال آنكه تأكيد اصلى در يوحنا فصل ١٦ روى پيشگويى است. عيسى پيشگويى كرد كه يهوديان به شاگردان جفا خواهند رساند، و اينكه او جسماً از آنها جدا خواهد شد و تركشان خواهد كرد. او پيشگويى كرد كه شاگردان براى مدت كوتاهى غمگين خواهند بود. همچنين پيشگويى كرد كه روح‌القدس بر مسيحيان خواهد آمد، تأثيرى شگرف بر جهان برجاى خواهد گذاشت، و شاگردان را به جميع راستى هدايت خواهد كرد. نيز عيسى پيشگويى كرد كه شاگردان شامگاه همان روز پراكنده خواهند شد.
افعال بكار رفته در فصل ١٦ همگى به زمان آينده اشاره دارد، زيرا عيسى مى‌خواست كه شاگردانش در رويارويى با جفاها نوميد نشوند. شاگردان ممكن بود در اوج جفاها در اين مورد كه آيا عيسى واقعاً اين قدرت را دارد كه تمام امور روى زمين را تحت كنترل خود بگيرد، دچار شك و ترديد شوند. نااميدى آنها و هجوم چنين سؤالات و شك و ترديدهايى مى‌توانست روى ايمان آنها نيز اثر بگذارد. شاگردان نبايد از اينكه دنيا به آنها جفا مى‌رساند تعجب مى‌كردند، چنانكه گويى جفا ديدن براى آنها اتفاق عجيبى است (١ پطرس ٤: ١٢). عيسى مسيح شاگردان خود را براى كارى كه روح‌القدس در دوران عهد جديد در آنها انجام مى‌داد، آماده مى‌كرد. منظور از عهد جديد، دوران بين آمدن عيسى مسيح و بازگشت او است. مسيحيان در اين دوران آماج جفا هستند، اما در عين حال خيلى‌ها نيز نسبت به گناه، عدالت و داورى ملزم مى‌شوند. و سرانجام دوران عهد جديد زمانى به پايان خواهد رسيد كه اين حقيقت كه مسيح بر جهان غالب آمده است، به طور كامل بر همگان آشكار شود (يوحنا ١٦: ٣٣).

سؤال ٢) (يوحنا ١٦: ١٦- ٢٢). <u>منظور از " اندك زمانى" كه طى آن عيسى از شاگردانش خود جدا خواهد بود و آنان به خاطر دورى او غمگين و محزون خواهند بود، چيست؟</u>
ملاحظات: عيسى مسيح چه زمانى از شاگردان خود جدا مى‌شد و ديگر در بين‌شان حضور نمى‌داشت؟ او در يوحنا ١٦: ١٦- ٢٢، مى‌فرمايد: "بعد از اندك زمانى مرا نخواهيد ديد، و پس از اندك زمانى باز مرا خواهيد ديد". سپس منظور خود را اينطور توضيح مى‌دهد: "شما گريه و زارى خواهيد كرد و جهان شادى خواهد نمود. شما محزون مى‌شويد لكن حزن شما به خوشى مبدل خواهد شد... پس شما همچنين الآن محزون مى‌باشيد، لكن باز شما را خواهم ديد و دل شما خوش خواهد گشت و هيچ كس آن خوشى را از شما نخواهد گرفت." عيسى مسيح به شاگردان توضيح داد كه او بزودى توسط مردم و مقامات شرير اين جهان مجازات و محكوم به مرگ خواهد شد، و پس از مرگش براى مدت كوتاهى در ميان آنها نخواهد بود. در يوحنا ١٦ مى‌خوانيم كه شاگردان در اين دوران جدايى دچار حزن و غم بودند، و در متى ٩: ١٥- ١٧ مى‌خوانيم كه آنان در اين مدت روزه گرفتند.

بنابراین آن "اندك زمانی" كه قرار بود عیسی در بین شاگردان خود حضور نداشته باشد و زمان حزن و ماتم بود، به فاصله بین مرگ و قیام عیسی اشاره داشت. پس از قیام عیسی مسیح، هیچ كس قادر نخواهد بود شادی شاگردان عیسی را از آنها بگیرد.

سؤال ٣) (یوحنا ١٦: ٢٣- ٢٤). منظور از دعا كردن در نام عیسی مسیح چیست؟
ملاحظات: دعا كردن در نام عیسی مسیح دارای دو جنبه می‌باشد:

الف) دعا كردن در نام عیسی مسیح یعنی دعا كردن بر اساس شایستگی نام مسیح (یوحنا ١٦: ٢٣- ٢٤)
١) ما به شایستگی نام مسیح چیزی را درخواست می‌كنیم. یوحنا ١٦: ٢٤ می‌فرماید: "تا كنون به اسم من چیزی طلب نكردید، بطلبید تا بیابید و خوشی شما كامل گردد." قبل از اینكه شاگردان، مسیحی شوند، چگونه دعا می‌كردند؟ تمام شاگردان متعلق به قوم خدا در عهد عتیق بودند. آنها درخواستهای خود را مستقیماً نزد خدا مطرح می‌كردند و جز خدا، به هیچ نام دیگری متوسل نمی‌شدند. به عنوان مثال، در مزمور ١٧، داود پادشاه دعای خود را اینگونه آغاز می‌كند: "ای خداوند، عدالت را بشنو و به فریاد من توجه فرما. و دعای مرا كه از لب بی‌ریا می‌آید گوش بگیر." قوم خدا در عهد عتیق خدا را به نام "خداوند" یا "خدا" خطاب می‌كردند. اما دعاهای خود را در نام خدا به پایان نمی‌رساندند، بلكه منتظر آمدن مسیح موعود بودند كه بنا بود خدا توسط او تمام ملل روی زمین را بركت دهد (پیدایش ٢٢: ١٨).
حال مسیح موعود آمده بود، و باید در راه گناهان بشر جان می‌سپرد. خدا می‌خواست از طریق مرگ و قیام مسیح تمام ملل جهان را بركت دهد. عیسی مسیح باید از طریق كار تمام شده نجات بر روی صلیب، واسط و میانجی میان انسان و خدا می‌شد. تا بدینوسیله انسانها بتوانند در نام عیسی مسیح به حضور خدا دعا كنند.
چرا مرگ و قیام مسیح برای دعا دارای اهمیت فراوان است؟ عیسی مسیح به عنوان یك واسط و میانجی، راهی به سوی خدای پدر مهیا كرد. اگر عیسی در راه گناهان ما فدا نشده بود، ما نمی‌توانستیم به حضور خدای قدوس و عادل برویم زیرا در ما هیچ عدالت و قدوسیتی یافت نمی‌شد. ولی چون عیسی مسیح در راه گناهان ما فدا شد و قیام فرمود، راه به سوی خدای پدر برای ما باز شده است. بر طبق افسسیان ٢: ١٨ و ٣: ١٢، "ما می‌توانیم آزادانه و با اطمینان به خدا نزدیك شویم". و عبرانیان ٤: ١٦ می‌فرماید: "پس با دلیری نزدیك به تخت فیض بیاییم تا رحمت بیابیم و فیضی را حاصل كنیم كه در وقت ضرورت (ما) را اعانت كند."
٢) خدا بر اساس شایستگی نام مسیح به درخواستهای ما پاسخ می‌دهد. یوحنا ١٦: ٢٣ می‌فرماید: "و در آن روز چیزی از من سؤال نخواهید كرد. آمین آمین به شما می‌گویم كه هر آنچه از پدر به اسم من طلب كنید، به شما عطا خواهد كرد." در واقع، ترجمه بهتر این جمله چنین است: "آمین آمین به شما می‌گویم، آنچه از پدر طلب كنید، او آن را در نام من به شما عطا خواهد كرد." نه تنها برای طلبیدن چیزی از خدا باید در نام مسیح دعا كنیم، بلكه دریافت پاسخ آن درخواست نیز در نام او است. خدای پدر بر اساس نقشه كامل نجات كه در پسر به تحقق رسیده است، به درخواستهای ما پاسخ خواهد داد. خدای پدر بر اساس محبت خود نسبت به عیسی مسیح و بر اساس قربانی عیسی مسیح بر صلیب به ما پاسخ خواهد داد. عیسی مسیح بواسطه كار تمام شده نجات بر صلیب، واسط و میانجی میان انسانها و خدا است. به همین جهت، خدای پدر در نام عیسی مسیح به درخواست‌های انسان پاسخ می‌دهد.
چرا مرگ و قیام مسیح برای دعا حائز اهمیت فراوان است؟ عیسی مسیح به عنوان یك واسط و میانجی، راه دسترسی به خدا را برای ما باز كرد. اگر عیسی در راه گناهان ما فدا نشده بود، خشم مقدس و عادلانه خدا بخاطر گناهانمان، مانع از این می‌شد كه خدا به دعاهای ما گوش كند. و بر طبق مزمور ٦٦: ١٨، امثال ١: ٢٣- ٣٣ و اشعیا ١: ١٥، در آنصورت خدا هرگز به دعاهای ما گوش نمی‌داد.
بنابراین، دعا كردن در نام عیسی مسیح به مفهوم دعا كردن با این اطمینان و دلیری است كه خدا به دعای ما گوش داده، پاسخ می‌دهد.

ب) دعا كردن در نام عیسی مسیح یعنی دعا كردن بر طبق اراده مسیح (اول یوحنا ٥: ١٤)
این آیه می‌فرماید: "و این است آن دلیری كه نزد وی داریم كه هرچه بر حسب اراده او سؤال نماییم، ما را می‌شنود."

١) عیسی مسیح به عنوان شفیع و میانجی، ماهیت و شخصیت خدا را آشكار كرد. چرا برای دعا، داشتن آگاهی و شناخت از شخصیت و اراده خدا حائز اهمیت فراوان است؟ عیسی مسیح به عنوان واسط و میانجی بین خدا و انسان، شخصیت و ماهیت واقعی خدا را آشكار كرد. برخی از مردم به بتها ایمان دارند. و حال آنكه بتها صرفاً ساخته دست انسانها هستند و هیچ حیاتی در خود ندارند. آنها نمی‌توانند به دعاهای انسانها گوش كرده به آنها كمك كنند. برخی از مردم نیز به خدایانی ایمان دارند كه غیرقابل پیش‌بینی و بی‌ثبات هستند. هیچ كس نمی‌داند چگونه باید دعاهای خود را به چنین خدایانی عرضه كند. ولی خدای زنده شخصیت خود را مكشوف ساخته است. به عنوان مثال، چون خدا قدوس است، می‌دانیم كه نباید از او چیزهایی بطلبیم كه ناپاك هستند. چون او خدایی رحیم است، می‌دانیم كه باید از او طلب بخشش كنیم. چون او خدایی امین و وفادار است، می‌توانیم از او كمك بخواهیم. بنابراین، ما هر چه بیشتر در مورد شخصیت خدا شناخت داشته باشیم، بهتر خواهیم دانست كه چگونه باید دعا كنیم.

۲) <u>عیسی مسیح به عنوان شفیع و میانجی، اراده خدا را آشکار کرد.</u> دعا کردن در نام عیسی مسیح یعنی دعا کردن مطابق اراده مکشوف شده مسیح. اگر عیسی مسیح خداوند و ارباب است، در آنصورت مسیحیان نباید برای چیزهایی که خلاف اراده او است دعا کنند. زیرا آنها می‌دانند که چنین چیزهایی خدا را خشنود خواهد کرد.
بنابراین، دعا کردن در نام عیسی مسیح بدین معنا است که با اطمینان و دلیری برای موضوعاتی دعا کنیم که مطابق با اراده مکشوف شده خدا است و باعث گسترش ملکوت و جلال خدا می‌شود.

<u>قدم ٤: بکار ببرید</u>
توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ١٦: ١- ٣٣ تهیه کنید.
توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یك کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

<u>نمونه‌هایی از کاربردهای امکان پذیر (انجیل یوحنا فصل ١٦)</u>

- ١٦: ٨- ١٠ * وقتی که شما پیغام انجیل را اعلام می‌کنید، اطمینان و یقین داشته باشید که خدا خود از طریق روح‌القدس گناهان انسانها را آشکار کرده، آنها را نسبت به حقیقت کتاب‌مقدس متقاعد خواهد ساخت و چنانچه نسبت به پیغام انجیل بی‌تفاوت باشند، آنها را در مورد داوری ملزم خواهد کرد.
- ١٦: ١٢- ١٥ * عیسی پس از قیام، صعود و جلوسش بر تخت شاهی در آسمان، بسیاری از حقایق را توسط روح‌القدس برای رسولان خود مکشوف ساخت. تمامی این مکاشفات به ثبت رسیده‌اند و بنابراین در عهد جدید کامل شده اند.
- ١٦: ١٣ * روح‌القدس امروزه نیز هیچگاه شما را به سوی آنچه که با حقایق مکشوف شده در کتاب‌مقدس مطابقت ندارد، هدایت نمی‌کند. همچنین روح‌القدس هیچ حقیقتی را بر شما آشکار نمی‌کند که بخواهید آن را به کتاب‌مقدس بیفزایید.
- ١٦: ١٩- ٢٢ * شما می‌توانید یك زندگی شاد داشته باشید، زیرا عیسی مسیح قیام کرده، زنده و حاضر است.
- ١٦: ٢٤ * شما می‌توانید با اطمینان و دلیری دعا کنید، زیرا عیسی واسطه و میانجی میان خدا و شما است و شفیع میان شما خدا است.
- ١٦: ٣٣ * هیچ گاه از یاد مبرید که در این دنیا زحمات و سختی‌هایی را تجربه خواهید کرد. ولی از طرف دیگر به یاد داشته باشید که عیسی مسیح بر جهان غالب آمده است و جهان تحت کنترل او است. به همین دلیل است که شما این توانایی را دارید که بواسطه قدرت و وعده عیسی مسیح، اعمال بزرگتر انجام دهید (یوحنا ١٤: ١٢).

<u>نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی</u>

الف) این حقیقت باعث تشویق و دلگرمی من می‌شود که وجود جفا و زحمات لزوماً به این معنا نیست که من نسبت به خدا گناه ورزیده‌ام و حال او دارد مرا مجازات می‌کند. بلکه اکنون می‌دانم که زحمات و جفاها بخشی از زندگی یك مسیحی است و عیسی مسیح قبلاً در این مورد پیشگویی کرده است. بنابراین وقتی که انسانهای دیگر از من تنفر دارند و به من جفا می‌رسانند، نباید متعجب شوم و فکر کنم چیز عجیبی برای من اتفاق افتاده است. من در انتظار بازگشت عیسی مسیح و احیای این زمین هستم زمانی که پیروزی کامل او بر تمام مردم شریر یک واقعیت جاودانه کامل خواهد شد.

ب) من کاملاً متقاعد شده‌ام که کتاب اعمال رسولان به‌خوبی توضیح می‌دهد که چگونه پیشگویی عیسی در رابطه با آمدن روح‌القدس بر کلیسا و تأثیر عظیم آن بر زمین، به تحقق رسیده است. اکنون می‌دانم که روح‌القدس رسولان مسیح را به جمیع راستی هدایت کرد، و به همین دلیل آنها توانستند مفهوم کار تمام شده نجات توسط مسیح را در قالب رسالات خود در عهد جدید به ما تعلیم دهند. من اکنون می‌دانم که روح‌القدس در رابطه با وقایع آینده به شاگردان خبر داد، و این پیشگوییها در رسالات پولس، پطرس و یوحنا، و مخصوصاً در کتاب مکاشفه به ثبت رسیده است.

<u>قدم ٥: دعا کنید</u>
در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ١٦: ١- ٣٣ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که درطی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

دعا (۸ دقیقه) **دعای شفاعت**	**٥**

به دعا کردن در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه) **برای درس بعدی**	**٦**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ١٦ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از یعقوب ۱- ۳ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (محبت کردن از طریق پرداخت بها: دوم قرنتیان ۱۲: ١٤- ١٥) را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
٥ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ٣).
٦ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

ضمیمه ۱
مسئولیت والدین در رابطه با تأدیب فرزندان

مقدمه: بخش مهمی از تربیت فرزندان در یك خانواده مسیحی، تأدیب نمودن آنها است.
عبرانیان ۱۲: ۵- ٦ می‌فرماید: "ای پسر من تأدیب خداوند را خوار مشمار و وقتی که از او سرزنش یابی، خسته خاطر مشو. زیرا هر که را خداوند دوست می‌دارد، توبیخ می‌فرماید و هر فرزند مقبول خود را به تازیانه می‌زند." و امثال ۳: ۱۲ می‌فرماید: "زیرا خداوند هر که را دوست دارد تأدیب می‌نماید، مثل پدر پسر خویش را که از او مسرور می‌باشد." بر طبق کلام خدا، تأدیب نوعی ابراز محبت است. بنابراین، تأدیب نباید هرگز وسیله‌ای باشد برای ابراز خشم غیرقابل کنترل یا مجازاتی ناعادلانه. تأدیب همواره باید در فضای راستی و محبت صورت گیرد.

۱- <u>تأدیب نمودن بخش مهمی از تربیت است.</u>

کشف و گفتگو کنید: تأدیب از چه جهت بخشی از تربیت است؟

الف) **بخوانید:** امثال ۲۲: ٦. کلمه "تربیت" در امثال ۲۲: ٦ و افسسیان ٦: ٤ عبارت است از "کسب عادات خوب، بویژه از طریق انضباط و تصحیح".

ب) **بخوانید:** افسسیان ٦: ٤؛ کولسیان ۳: ۲۱. دقت کنید که بر طبق کلام خدا، پدران مسئولیت تأدیب و تربیت فرزندان را بر عهده دارند. اگرچه مادران در این زمینه به پدران کمك می‌کنند، پدران نباید تکلیفی را که خدا به آنها سپرده است، نادیده بگیرند.

پ) **بخوانید:** عبرانیان ۱۲: ۱۰- ۱۱. "تأدیب" در وهله اول به مفهوم تنبیه کردن فرزند به خاطر ارتکاب خطا نمی‌باشد، بلکه بیشتر به مفهوم تربیت نمودن طفل در راهی است که باید در آن گام بردارد (امثال ۲۲: ٦). بنابراین، محبت واقعی پدر نسبت به فرزندش باعث می‌شود که وی را تأدیب کند. و از آنجایی که این تأدیب از سر محبت است، هیچگاه با تندی در صدد اصلاح فرزند برنمی‌آید، زیرا خدا به پدران اجازه نمی‌دهد که باعث عصبانیت فرزندان خود بشوند. چنین طرز برخوردی باعث ناامیدی فرزند می‌شود. اگر والدین فرزند خود را دوست دارند، او را تأدیب می‌کنند، ولی هیچگاه او را از خود سرخورده نمی‌سازند. امتیاز بزرگ تأدیب این است که فرزند بدین ترتیب رابطه درستی با خدا برقرار کرده، در ارتباط با دیگران اعمال درستی را به جا می‌آورد و در قلب خود از صلح و آرامش برخوردار می‌شود.

۲- <u>تأدیب نمودن به مفهوم تعیین حد و مرز است.</u>

کشف و گفتگو کنید: خدا و والدین در چه مواردی حد و مرز تعیین می‌کنند؟

الف) <u>خدا و والدین حد و مرزهای مختلفی تعیین می‌کنند.</u>
۱) **بخوانید:** تثنیه ۵: ۱۷- ۲۱. در ده فرمان با ده محدودیت مهم مواجه می‌شویم. بدون وجود این گونه محدودیت‌ها و حد و مرزها، جامعه در ارتباطش با خدا و دیگران دچار شکست می‌شود.
۲) **بخوانید:** متی ۵: ۱۳- ۱٦؛ مزمور ۱: ۱؛ مزمور ۱۱۹: ۳۷؛ امثال ۱: ۱۰- ۱۵؛ ٤: ۱٤- ۱۵، ۲۳- ۲۷؛ ۵: ۱- ۸، ٦: ۲۰- ۲۹؛ ۷: ۲٤- ۲۷؛ اول قرنتیان ۱۵: ۳۳. اگرچه مسیحیان باید همواره بر دیگر انسانها تأثیر بگذارند و در فعالیتهای جامعه خود شرکت داشته باشند، خدا و والدین درخصوص افرادی که فرد باید با آنها مشارکت و ارتباط نزدیك داشته باشد، حد و حدودی را تعیین می‌کنند. مسیحیان نباید با افراد شریر، تمسخرکنندگان، جنایتکاران، افرادی که از نظر اخلاقی فاسد هستند و کسانی که می‌خواهند آنها را به انجام کارهای بد و ناشایست وادارند، ارتباط نزدیك داشته باشند. مسیحیان نباید فکر کنند ارتباط و دوستی با افراد فاسد بر شخصیت خود آنها تأثیری نخواهد گذاشت.

ب) <u>چرا باید حد و مرزهایی وجود داشته باشد؟</u>
کشف و گفتگو کنید: چرا خدا و والدین این حد و مرزها را معین می‌کنند؟
بخوانید: اول قرنتیان ۸: ۹، غلاطیان ۵: ۱، ۱۳، ۲٤؛ اول پطرس ۲: ۱٦
ملاحظات: والدینی که فرزندان خود را دوست دارند، به آنها اجازه نمی‌دهند از یك آزادی نامحدود برخوردار باشند. محبت واقعی و خالص حد و مرزی را معین میکند تا به فرزند کمك کند که تفاوت میان خوب و بد، و درست و اشتباه را تشخیص دهد. تعیین حد و مرز مشخص برای فرزند، باعث می‌شود که او در چهارچوب این حد و مرز احساس امنیت کند. چنین حد و مرزهایی به او کمك می‌کند تا بداند که در صورت عدم رعایت آنها، با عواقب بدی روبرو خواهد شد و برای خود و دیگران مشکل ایجاد خواهد کرد. فرزند بدون چنین حد و مرزهایی به‌درستی نخواهد دانست که چه اعمالی درست است و چه اعمالی

نادرست، و طبعاً قادر نخواهد بود عواقب اعمال خود را ارزیابی کند. حد و مرزهایی که برای فرزند تعیین می‌شود، مانند یك حفاظ از او محافظت کرده، به فرزند کمك می‌کند تا این حقیقت را درك کند که در صورت احترام گذاشتن به چهارچوب، کارهایی که انجام می‌دهد باعث خشنودی خدا و والدینش خواهد بود.
چنین حد و مرزهایی اغلب در قالب قوانین منزل خلاصه می‌شوند. والدین به روشنی در مورد قوانین خانه و اهمیت آنها به فرزندان خود توضیح می‌دهند. والدین باید برای فرزندان خود حدود مشخصی معین کنند، و از وضع قوانین غیرضروری و بی‌اهمیت پرهیز نمایند. به عنوان مثال، والدین حتماً باید فرزندان خود را در صورت نااطاعتی، ناراستی (دروغگویی و غیره) و بی‌احترامی تأدیب کنند. تعیین حد و مرزهایی مشخص برای فرزند تنها راهی است که می‌توان در او احساس امنیت ایجاد کرد، زیرا فرزند می‌داند که چه کارهایی را باید انجام دهد و از کدام کارها باید اجتناب کند. وقتی فرزندان یاد می‌گیرند به حد و مرزهایی که در خانه برای‌شان تعیین شده است احترام بگذارند، به حد و مرزهای تعیین شده از سوی جامعه و حد و مرزهایی که خدا تعیین کرده است نیز احترام خواهند گذاشت.

۳- <u>تأدیب نمودن به مفهوم توبیخ و اصلاح فرزند است.</u>

الف) <u>ضرورت توبیخ</u>
بخوانید: اول سموئیل ۲: ۲۲- ۲٤، ۳: ۱۲- ۱۳؛ امثال ۲۷: ٥
کشف و گفتگو کنید: چرا پدری به نام عیلی در تأدیب نمودن فرزندان خود دچار شکست شد؟
ملاحظات: عیلی دو پسر داشت که اعمال بدی مرتکب می‌شدند. او با آنها زیاد صحبت می‌کرد، ولی هیچگاه آنها را تأدیب و اصلاح نمی‌نمود. او صرفاً از آنها می‌پرسید: "چرا چنین کارهایی می‌کنید؟" چنین سؤالی به منزله توبیخ کردن فرزند نیست، بلکه تنها درخواستی است مبنی بر انجام ندادن کاری. عیلی در عوض می‌بایست از فرزندان خود می‌پرسید: "چه کار کردید؟" و آنها را آشکارا متوجه اعمال بدی که انجام داده بودند و عواقب وخیم این اعمال می‌کرد، و به این خاطر توبیخ‌شان می‌نمود.

ب) <u>جوانب مختلف توبیخ کردن</u>
کشف و گفتگو کنید: مطابق کلام خدا، جوانب مختلف توبیخ کردن فرزند چیست؟
۱) **بخوانید:** افسسیان ٥: ۱۱. والدین گناه خاصی را که فرزندشان مرتکب شده است "آشکار می‌سازند". چنین فرزندی باید کاملاً از اشتباه خود آگاه شود. والدین نیز باید مطمئن شوند که فرزندشان متوجه شده است چرا کاری که انجام داده در نظر خدا و آنها اشتباه است.
۲) **بخوانید:** امثال ۲۷: ٥- ٦؛ ۲۸: ۲۳. سپس والدین با تأیید نکردن کار فرزندشان و سرزنش کردن او، وی را توبیخ می‌کنند.
۳) **بخوانید:** تیطس ۱: ۹. در صورت لزوم، وقتی فرزند سعی می‌کند برای کار اشتباهی که انجام داده دلیل بیاورد و آن را توجیه کند، والدین می‌توانند دلایل او را "تکذیب" کنند. البته والدین باید به فرزند خود اجازه دهند که کاری را که انجام داده برای آنها توضیح دهد. ممکن است فرزند آنان برای انجام آن کار دلیل خوبی داشته است که والدین از آن غافل بوده‌اند. والدین چنانچه به اشتباه فرزندشان را به انجام کاری متهم کنند، حتماً باید به این خاطر از او معذرت بخواهند.
٤) **بخوانید:** یوحنا ۱٦: ۸. در این حین، والدین به آرامی دعا می‌کنند تا روح‌القدس فرزندشان را در مورد اشتباهی که مرتکب شده است "متقاعد ساخته"، او را نسبت به خطایش "ملزم" سازد، تا بدین ترتیب او به خاطر اشتباهاتش شرمگین شود و احساس تقصیر کند، و از آنها توبه نماید.
٥) **بخوانید:** دوم تیموتاؤس ۳: ۱٦. سرانجام، والدین از طریق کمك به فرزند خود، او را "اصلاح می‌کنند" تا در راه صحیح گام بردارد.
٦) **بخوانید:** عبرانیان ۱۲: ٦؛ امثال ۲۲: ۱٥. و اگر فرزند با وجود تمام نصایح والدین، کماکان با تکبر و نادانی، قلب خود را نسبت به سخنان والدین سخت سازد و اقتدار والدین خود را نپذیرد و از آنها نااطاعتی کند، در آنصورت والدین باید چنین فرزندی را به طرزی مناسب "تنبیه کنند".

٤- <u>تأدیب نمودن به مفهوم تنبیه کردن فرزند است.</u>

الف) <u>پاداش و مجازات مناسب</u>
والدین بایستی تمایز قائل شوند در انواع گوناگون طریقهای تشویق و پاداش به فرزندانشان برای اینکه آنان را ترغیب کنند تا در راه صحیح بمانند. همچنین والدین باید تمایز قائل شوند در انواع متفاوت مجازاتها برای اینکه فرزندانشان ترغیب شوند که از راههای اشتباه خویش بازگشته و به طریق درست بازگردند.
<u>پاداشهای امکان پذیر که فرزند را تشویق می کند که به راه درست ادامه دهد:</u>
۱) تشکر و ستایش (تحسین) فرزند برای انجام دادن آنچه که درست است.
۲) در آغوش گرفتن فرزند و به او توجه کامل کردن.
۳) با فرزند به گردش یا بیرون رفتن به آنجا که خودش خواهان است.
٤) به فرزند جهت ملاقات با دوستانش آزادی بیشتری بدهید.
٥) به فرزند نوعی جایزه بدهید.

مجازاتهای امکان پذیر که فرزند را ترغیب میکند که روش غلط خود را تغییر دهد:

۱) فرزند را بخاطر خطایش توبیخ کنید. اما به شخصیت او توهین (تحقیر) نکنید.
۲) فرزند را محدود کنید (در گوشه ای از اطاق) برای اینکه به او فرصتی بدهید که در باره خطایش فکر کند.
۳) قرار گردش یا بیرون رفتنی را که با فرزند داشتید لغو کنید.
٤) مانع بعضی از آزادیهایی که جهت ملاقات با دوستانش داشت، شوید.
٥) مقداری از پول توجیبی او را کم کنید.
٦) تکالیف بیشتری جهت کار در خانه به او محول کنید.
۷) اگر واقعاً ضروری است، فرزند را با یک چوب تنبیه کنید. به بخش (ت) در ذیل مراجعه کنید.

ب) مجازات با نگاهی به نجات

بخوانید: عاموس ٤: ٦- ١٢؛ حجی ۱: ۲- ۱۱؛ لوقا ۱۲: ٤٧- ٤٨؛ غلاطیان ٦: ۷- ۸

خدا مردم را در زمان حاضر با مجازاتهای موقتی تنبیه و داوری میکند برای اینکه آنان را از مجازات ابدی نجات دهد (متی ٢٥: ٤٦).

خدا یک ملت را منهدم و سرزمینش را ویران می سازد برای اینکه مردم را ترغیب به توبه و اطاعت از خویش کند (ارمیا ۱۸: ٥- ۱۷). خدای زنده مردم را با گرسنگی، قحطی، خرابی محصول، مریضی یا بیماریهای واگیردار، شکست در جنگ و انهدام شهرهایشان مجازات می کند برای اینکه مردم را به بازگشت به سوی خودش وادار کند (عاموس ٤: ٦- ١٢).

خدا قومش را با خرابی محصول، خشکسالی و با از دست دادن هر چه انجام می دهند مجازات می کند تا آنها را ترغیب کند که به غافل بودن از خدا در زندگی روزانه شان خاتمه دهند (حجی ۱: ۲- ۱۱).

خدا قومش را در زمان حاضر با مجازاتهای موقتی تنبیه می کند تا آنان را از مجازات ابدی در جهنم نجات دهد. خدا کاملاً مقدس و عادل است و همچنین مجازاتهای او همیشه کاملاً منصفانه و عادلانه است (لوقا ۱۲: ٤٧- ٤٨). خدا می خواهد که جدی گرفته شود و اشتیاق دارد که مردم در زندگیشان روی زمین در قدوسیت او شریک باشند (غلاطیان ٦: ۷- ۸).

پ) مجازات بیدرنگ

کشف و گفتگو کنید: چرا گاهی لازم است فرزند را فوراً تنبیه بدنی کرد؟

بخوانید: جامعه ۸: ۱۱. بیدرنگ تنبیه کنید. کتاب‌مقدس می‌فرماید: "چونکه فتوی بر عمل بد بزودی اجرا نشود، از این جهت دل بنی آدم در اندرون ایشان برای بدکرداری جازم می‌شود". وقتی دولتهای حاکم بر یك کشور، جنایتکاران را به سرعت مجازات نمی‌کنند، این افراد مرتکب جنایات بیشتری می‌شوند. به همین ترتیب والدین نیز وقتی فرزند خود را بسرعت و بطرزی آشکار تنبیه نمی‌کنند، فرزندشان هیچگاه بدرستی متوجه نمی‌شود که کار بدی که انجام داده تا چه حد در نظر والدین اشتباه بوده است. چنین فرزندی از کار بد خود احساس غرور می‌کند و حتی بیشتر از قبل دست به اعمال زشت می‌زند. همچنین فرزند ممکن است در نتیجه عدم تنبیه به موقع والدین، احساس عدم امنیت کند و دچار مشکلات روانی شود.

ت) تنبیه با چوب در صورت لزوم

بخوانید: امثال ۱۳: ٢٤؛ ٢٠: ٣٠؛ ٢٢: ١٥؛ ٢٣: ١٣- ١٤؛ ٢٩: ١٥، ١٧. با چوب تنبیه کنید. هیچ قدرت حاکمی در دنیا این اقتدار یا اجازه را ندارد که با احکام روشن خدا در مورد تأدیب فرزندان مخالفت کند. هر حکومت یا قدرتی که احکام و تعالیم خدا را که در کتاب‌مقدس آمده است رد کند، در واقع خدا را رد کرده و در داوری نهایی توسط خدا مورد بازخواست قرار خواهد گرفت (مزمور ۲؛ امثال ۱: ۲۸- ۳۳؛ اعمال ٤: ۱۹- ۲۰؛ ٥: ۲۹؛ اول تسالونیکیان ٤: ۸؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۸- ۱۰).

کتاب‌مقدس در این مورد که چرا گاه لازم است در مواردی خاص فرزندان را با چوب تنبیه کرد، دلایل مختلفی عنوان می‌کند. منظور از "چوب"، شاخه‌ای است که از یك درخت بریده شده، و بنابراین " شلاق" مورد نظر نیست. اگر به فرزند خود اجازه دهید هر کاری دلش خواست بکند و هر راهی که خواست در پیش بگیرد، مرتکب اعمال جنایت‌آمیزی خواهد شد (امثال ٤: ١٤- ١٥) و یا به خاطر رفتار اشتباهش به عواقبی دردناك دچار خواهد گردید (اول قرنتیان ۱۱: ۳۰). ولی وقتی به خاطر نااطاعتی یا رفتار بدش فوراً تنبیه شود، احتمال اینکه در آینده تبدیل به فردی جنایتکار شود یا در نتیجه رفتار بدش بمیرد بسیار اندك است. کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد: " از تأدیب کردن فرزند خویش کوتاهی نکن. چوب تنبیه او را نخواهد کشت، بلکه جان او را از هلاکت نجات خواهد داد" (امثال ۲۳: ۱۳- ۱٤). و " تنبیه برای بدن دردناك است اما دل را از بدی پاك میکند" (امثال ۲۰: ۳۰). بنابراین گاهی لازم است فرزندی را با چوب تنبیه کرد، زیرا تنها از این طریق است که می‌توان دل او را از بدی پاك کرده، جان او را نجات داد.

وقتی فرزند خود را با چوب تنبیه می‌کنید، به شیوه ای ضربه وارد کنید، که بدن او را مجروح نشود. همچنین سعی کنید با دست خود او را نزنید زیرا ممکن است بعدها از دستان شما بترسد، بلکه بهتر است از یك چوب به عنوان سمبل تنبیه استفاده کنید. بهتر است که فرزند از چوب بترسد، ولی هیچگاه نباید از والدینش یا از دستهای آنان در هراس باشد.

دلایل بیشتر دیگری نیز وجود دارند دال بر اینکه چرا در برخی از مواقع تنبیه کردن فرزند با چوب ضروری است. کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد: "حماقت در دل طفل بسته شده است، اما چوب تأدیب آن را از او دور خواهد کرد". و "چوب و تنبیه حکمت می‌بخشد، اما پسری که بی‌لگام باشد، مادر خود را خجل خواهد ساخت. پسر خود را تأدیب نما که تو را راحت خواهد رسانید و به جان تو لذات خواهد بخشید". گاهی فرزندان اعمالی را از روی حماقت انجام می‌دهند، به والدین خود احترام نمی‌گذارند یا

مرتکب جرم می‌شوند. در کتاب امثال بارها تعلیم داده شده که گاهی تنبیه کردن با چوب ضروری است تا بدین وسیله فرزند دارای وجدانی پاك باشد و در خانه صلح برقرار شود. چنین تنبیهی به فرزند کمك می‌کند تا از کارهای بد خود دست بکشد و جان خود را از هاویه نجات بخشد. وقتی والدین بلافاصله فرزند خود را تنبیه می‌کنند، به احتمال زیاد این فرزند شخص حکیمی می‌شود و بدینوسیله در قلوب فرزندان و والدین و در خانه‌هایشان صلح برقرار می‌شود.
به طور کلی، وقتی فرزندان به سن نوجوانی می‌رسند، والدین دیگر نباید آنها را با چوب تنبیه کنند. بلکه باید از آن زمان به بعد، در صورت ارتکاب جرم مانند افراد بالغ مورد تأدیب واقع شوند.

۵- <u>تأدیب نمودن به مفهوم اطاعت کردن به طور مداوم یا همیشگی است.</u>

بخوانید: جامعه ۵: ۵
کشف و گفتگو کنید: اگر والدینی همیشه فرزندان خود را تهدید به تنبیه کنند ولی هیچگاه این تهدید خود را عملی نکنند و آنان را تنبیه ننمایند، نتیجه چه خواهد شد؟
ملاحظات:
جامعه ۵: ۵ تعلیم می‌دهد: "بهتر است نذر نمایی تا اینکه نذر نموده، وفا نکنی". بهتر است تهدید بی‌جا نکنیم، به عنوان مثال: "اگر تو این کار را انجام ندهی، من تو را تنبیه خواهم کرد." ارعاب و تهدید باعث می‌شود فرزند مدام بترسد که مبادا تنبیه شود، یا مجبور شود برای اینکه تنبیه نشود به والدین خود دروغ بگوید، یا در خلوت برای فرار از مجازات نقشه بکشد. به همین دلیل تهدید کردن به طور کلی روش مفیدی جهت تأدیب یك فرزند نیست. به جای تهدید کردن، والدین می‌توانند به فرزند خود کمك کنند تا متوجه عواقب رفتار اشتباه خود بشود.
اگر والدین فرزندان خود را به چیزی تهدید می‌کنند، باید به حرفشان عمل کنند. زیرا اگر تهدیدشان را عملی نکنند، فرزند آنها تصور می‌کند که نباید سخنان والدینش را جدی بگیرد و به آنچه می‌گویند اعتنا کند.
والدین باید بجای آنکه صرفاً فرزندان خود را تهدید کنند، از آنها انتظار داشته باشند که پیوسته مطیع آنان باشند. والدین نباید با التماس از فرزند خود بخواهند که از آنها اطاعت کند. همچنین نباید تسلیم خواسته‌های نابجای او بشوند، زیرا در اینصورت فرزند از والدینش اطاعت نخواهد کرد یا اگر هم اطاعت کند صرفاً برای این است که تنبیه نشود. والدین نباید در زمینه اطاعت کردن به فرزند خود حق انتخاب دهند، ولی در عین حال نیز نباید از او انتظارات غیرممکن داشته باشند. تأدیب نمودن به این معنا است که والدین از فرزندان خود انتظار داشته باشند به طور دائم از آنها اطاعت کنند.

٦- <u>تأدیب نمودن به مفهوم تسلی دادن فرزند پس از توبه یا تنبیه است.</u>

کشف و گفتگو کنید: چرا بخشش و اطمینان‌خاطر دادن، فوق‌العاده برای فرزند مهم است؟

الف) **بخوانید:** لوقا ۱۷: ۳؛ دوم قرنتیان ۲: ۵- ۸
ملاحظات:
والدین باید پس از آنکه فرزندشان از گناهی توبه کرد یا پس از آنکه او را به خاطر اشتباهاتش تنبیه نمودند، فرزند خود را ببخشند، تسلی دهند و او را در مورد محبتشان نسبت به او خاطرجمع سازند. اگر والدین این کار را انجام ندهند، در واقع در زندگی فرزندشان جای پایی برای فعالیت شیطان باز می‌کنند و بدین ترتیب فرزندشان ممکن است شخصی تلخ و انتقامجو بار آید. اگر والدین فرزند خود را پس از توبه و تنبیه نبخشند، در آنصورت فرزندشان باور نخواهد کرد که اگر به خاطر گناهانی که مرتکب شده از خدا آمرزش بطلبد، خدا او را خواهد بخشید و تسلی خواهد داد. کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که والدین پس از تنبیه فرزند باید او را بخشیده، تسلی دهند تا او بیش از حد دچار غم و اندوه نشود. آنها باید فرزند خود را از محبت خود نسبت به او خاطرجمع سازند. بهترین روش برای انجام این کار این است که با فرزندتان دعا کنید، او را درآغوش بگیرید و علاقه خود را به او بگویید و نشان دهید.

ب) **بخوانید:** امثال ۱۷: ۹؛ عبرانیان ۸: ۱۲؛ متی ۱۸: ۳۵
ملاحظات:
به تفاوت بین " فراموش کردن گناه" و " به یاد نیاوردن آن" توجه داشته باشید. والدین پس از اینکه فرزند خود را به خاطر خطایی می‌بخشند، دیگر نباید آن را به او یادآوری کنند، زیرا در اینصورت فرزندشان فکر می‌کند که والدینش هنوز او را نبخشیده‌اند. همانطور که خدا خطایای گذشته انسانی را که توبه کرده به یاد او نمی‌آورد، والدین نیز نباید خطایای گذشته فرزندشان را مدام به او یادآوری کنند. حتی اگر در آینده نیز به خاطر خطایای گذشته فرزندشان عصبانی شوند، باز باید در قلب خود او را ببخشند.

۷- <u>تأدیب نمودن به مفهوم تشویق کردن فرزند است.</u>

بخوانید: کولسیان ۳: ۲۱؛ امثال ۱۵: ۱
کشف و گفتگو کنید: پدران چگونه گاه باعث اوقات تلخی فرزندانشان می‌شوند؟ آنها به چه طرقی می‌توانند فرزندان خود را تشویق کنند؟
ملاحظات:

الف) <u>راه‌های خشمگین کردن فرزند</u>
والدین نباید با تأدیب بیش از حد فرزند، یا حتی با تأدیب نکردن او، باعث خشم و عصبانیت فرزندانشان بشوند. کولسیان ۳: ۲۱ می‌فرماید: "ای پدران فرزندان خود را خشمگین مسازید مبادا شکسته‌دل شوند". "اوقات فرزندان را تلخ کردن" یعنی آنها را به هیجان آوردن یا باعث شدن که آنها خشمگین شوند. پدران و مادران باید فرزندان خود را تنبیه کنند، ولی این تنبیه نباید با خشم و عصبانیت شدید همراه باشد. آنها نباید از شخصیت فرزندشان انتقاد کرده، او را داوری کنند. به عنوان مثال نباید به او بگویند: "تو نادان هستی."، "تو زشت هستی."، " تو هیچ موقع سروقت نیستی."، "تو همیشه تنبل هستی." زیرا با این کار، شخصیت فرزند خود را خرد می‌کنند و او ممکن است بعدها دچار مشکلات روانی شود. پدران و مادران به راه‌های گوناگون ممکن است باعث ناامیدی و خشم فرزندان خود بشوند. به عنوان مثال راههای معمول که باعث یأس فرزندان میشوند عبارتند از، خشمگینانه فریاد زدن بر آنها، داد زدن سر آنها و گفتن سخنان ناشایست در مورد شخصیت آنها مخصوصاً در جمع و در حضور مردم آنها را شرمسار کردن. امثال ۱۵: ۱ تعلیم می‌دهد: "جواب نرم خشم را بر می‌گرداند اما سخن تلخ غیظ را به هیجان می‌آورد". والدین با مشاهده عکس‌العمل فرزندشان می‌توانند متوجه شوند که چه چیزهایی باعث ناامیدی فرزندشان می‌شود. به عنوان مثال فرزندان عصبانی و افسرده می‌شوند و از والدینشان دوری می‌گزینند. یك پدر یا مادر با مشاهده چنین عکس‌العملهایی از فرزندش باید نحوه برخورد خود را نسبت به او تغییر دهد. تأدیب باید فرزند را در جهت درست هدایت کند، ولی نباید باعث تضعیف روحیه او شود.

ب) <u>راه‌های تشویق فرزندان</u>
۱) با فرزندان خود رابطه‌ای شخصی برقرار کنید. با آنها مانند اشیایی که باید دیده شوند ولی صدایی نباید از آنها شنیده شود، برخورد نکنید. والدین و معلمین هر چه در زمان کودکی فرزندانشان بکارند، همان را به هنگام بلوغ آنها درو خواهند کرد (غلاطیان ٦: ۷- ۸). هر فرزندی نیاز دارد که با والدین و معلمین خود رابطه‌ای دوستانه، شخصی، با محبت و دائمی داشته باشد. بنابراین حتی اگر سرتان شلوغ است، سعی کنید زندگی خود را طوری برنامه‌ریزی کنید که بتوانید وقت کافی با فرزندان و مخصوصاً نوجوانان و جوانان داشته باشید. فراموش نکنید که هر کودك، نوجوان و جوانی نیاز به توجه و محبت دارد.
۲) همواره به کودك، نوجوان یا جوانی که با او سر و کار دارید بگویید که دوستتش دارید. مخصوصاً در برخی فرهنگ‌ها لازم است که پدران با فرزندان خود وقت بگذرانند، با آنها صحبت کنند و نسبت به آنها توجه نشان دهند، یا حتی آنها را در آغوش بگیرند.
بسیاری از نوجوانان و جوانان از اینکه با پدران خود هیچ رابطه‌ای ندارند شکوه می‌کنند. ناامیدی آنها از پدران زمینی‌شان اغلب باعث می‌شود که به پدر آسمانی‌شان نیز اعتماد نکنند. برعکس، داشتن یك رابطه سالم با پدر زمینی، باعث می‌شود فرزند تشویق شود که با پدر آسمانی خود نیز رابطه خوبی برقرار کند.
ارتباط بین فرزند و والدین نباید تنها به موضوعات تحصیلی و مالی محدود باشد، بلکه باید در مورد موضوعات جالب دیگری نیز با هم گفتگو کنند. با فرزندان خود کارهای جالب، خلاق و حتی مهیج تشویق آمیز انجام دهید.
۳) نسبت به فرزندان‌تان علاقه نشان دهید. به آنها اجازه دهید در مورد دوستان خود با شما صحبت کنند. دوستان‌شان را به منزل دعوت کنید و برای‌شان برنامه‌های تفریحی ترتیب دهید. وقتی فرزندان می‌بینند که والدین و معلمان‌شان دوستانشان را می‌پذیرند و از آنها خشنود هستند، این موضوع باعث تشویق‌شان می‌شود.
٤) به فرزندان، نوجوانان یا جوانان در انجام تکالیف‌شان کمك کنید. آنها جهت انجام تکالیف و ادامه تحصیل، به مشورت و راهنمایی و تشویق بسیار نیاز دارند.
٥) وقتی فرزندان‌تان هنوز کوچك هستند، گاهی به آنها پاداش دهید. همواره از فرزندان و نوجوانان به خاطر کارهای خوبی که انجام می‌دهند، قدردانی کنید. و وقتی که آنها شایستگی تشویق دارند، به آنها بگویید که به وجود آنها و به کارهایی که انجام می‌دهند افتخار می‌کنید.
٦) به فرزندان و نوجوانانی که با آنها سر و کار دارید ثابت کنید که به آنها اعتماد دارید. وظایفی را بر عهده آنها بسپارید و در صورت انجام این وظایف از آنها تعریف کرده، تشویق‌شان نمایید.

ضمیمه ۲
جمع آوری اطلاعات به منظور مشورت دادن

مقدمه: قبل از اینکه یك مسیحی بتواند به دیگران مشورت دهد، نخست باید یاد بگیرد که مشاهده کند، گوش فرا دهد و سؤالاتی بپرسد. چنین فردی پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم بهتر می‌تواند به دیگران مشورت دهد در اتخاذ تصمیمات درست به آنها کمك کند.
کتاب امثال در مورد مشاهده کردن، گوش دادن و سؤال کردن حاوی حقایق حکیمانه زیر می‌باشد.

۱- یاد بگیرید مردم را مشاهده کنید.

کشف و گفتگو کنید: چگونه شواهد عینی می‌تواند در جمع‌آوری اطلاعات و مشورت‌دهی به دیگران، به شما کمك کند؟

الف) شیوه زندگی و رفتار مردم را مشاهده کنید.
بخوانید: امثال ۲٤: ۳۰- ۳٤ می‌فرماید: "از مزرعه مرد کاهل، و از تاکستان شخص ناقص‌العقل گذشتم. و اینك بر تمامی آن خارها می‌رویید، و خس تمامی روی آن را می‌پوشانید، و دیوار سنگی‌اش خراب شده بود. پس من نگریسته متفکر شدم، ملاحظه کردم و ادب آموختم. اندکی خفت و اندکی خواب، و اندکی بر هم نهادن دستها به جهت خواب. پس فقر تو مثل راهزن بر تو خواهد آمد و نیازمندی تو مانند مرد مسلح." برای آنکه بتوانید از آنچه می‌بینید درس بیاموزید، باید نخست یاد بگیرید که چگونه باید به مشاهده شیوه زندگی دیگران پرداخت. به عنوان مثال، با مشاهده زندگی یك شخص تنبل می‌توان به دلیل فقر وی پی برد.

ب) شرایط زندگی مردم را مشاهده کنید.
بخوانید: امثال ۲۷: ۲۳ می‌فرماید: "به حالت گله خود نیکو توجه نما، و دل خود را به رمه خود مشغول ساز." شما باید همواره شرایط جسمانی، عاطفی، اجتماعی و روحانی مسیحیانی را که تحت توجه و مراقبت شما قرار دارند مشاهده کنید. باید از خود بپرسید: "فلان بیماری لاعلاج چگونه بر زندگی این فرد مسیحی و خانواده‌اش تأثیر گذاشته است؟" "چرا این شخص از لحاظ عاطفی ضربه خورده است؟" "چرا مردم نمی‌توانند به راحتی با او ارتباط برقرار کنند؟" "چرا او در جلسات کلیسایی شرکت نمی‌کند؟" بنابراین با مشاهده زندگی مسیحیانی که تحت حمایت و توجه شما می‌باشند، بهتر می‌توانید به آنها مشورت دهید و کمك‌شان کنید.

پ) ارتباطات غیرکلامی مردم را مشاهده کنید.
بخوانید: مرقس ۳: ٤- ٥. منظور از ارتباط غیرکلامی، ایجاد ارتباط از طریق احساسات و طرز برخوردها است، بدون آنکه سخنی بر زبان آورده شود. در این نوع ارتباط، حالات صورت، دستها، شانه‌ها و دیگر قسمتهای بدن شخص، و نیز حالت‌های فرد در شرایط مختلف، نظیر حالت راه رفتن، نشستن، کار کردن و غیره، بیانگر احساسات درونی اوست. گاهی مردم نسبت به سؤالی که از آنها پرسیده می‌شود از طریق حالات مختلف چهره واکنش نشان می‌دهند. صورت شخص می‌تواند نشاندهنده خشم، تنفر، مقاومت، ترس، ناامیدی، شك، نگرانی، عدم امنیت، افسردگی، فشار عصبی، عدم توافق، تعجب، شادی و غیره باشد. حتی حرکات بدنی یا آهنگ صدای یك شخص نیز می‌تواند بیانگر چنین احساساتی باشد. چنین افرادی به زمین خیره می‌شوند یا چشمان‌شان مدام به این سو و آن سو نگران است. شانه‌های آنها ممکن است بیانگر بی‌تفاوتی یا ندانم‌کاری باشد. دستهای آنها می‌تواند بیانگر حالت عصبی یا فشار روحی باشد که در آن بسر می‌برند. گاهی حتی بوی عرق ناشی از ترس و فشار عصبی چنین افرادی را می‌توان استشمام کرد. رفتار آنها ممکن است نشاندهنده بی‌توجهی، عصبی بودن و غیره باشد. کارهایی که فرد انجام می‌دهد یا از شرکت در آنها طفره می‌رود، همگی می‌تواند بیانگر پذیرفته شدن، طرد شدن، شادی، عدم تمایل و دیگر حالات روحی او باشد.
۱) هدف از مشاهده ارتباط غیرکلامی. به یاد داشته باشید که هرگز نباید از روی ارتباط غیرکلامی در مورد دیگران قضاوت کنید. نتیجه‌گیری شما در مورد ارتباط غیرکلامی که از او دیده‌اید ممکن است به هیچ وجه درست نباشد. بنابراین باید از آنچه بر اساس مشاهدات‌تان در مورد طرف مقابل نتیجه می‌گیرید، بکوشید سؤالات مناسبی را مطرح کنید و در مورد وجود برخی احساسات یا رفتارهای خاص در او، اطمینان حاصل نمایید.
۲) هدف از ارتباط غیرکلامی. باید در استفاده از ارتباط غیرکلامی خیلی مواظب بود. مواظب باشید ارتباط غیرکلامی که با دیگران ایجاد می‌کنید از روی غرور و تعصب نباشد و باعث خوار شدن آنها نشود. ارتباط غیرکلامی شما هیچوقت نباید به سردرگمی مخاطبین‌تان بیانجامد، بلکه باید در جهت کمك و خدمت به او باشد.

۲- یاد بگیرید به دیگران گوش دهید.

کشف و گفتگو کنید: چگونه آنچه که می‌شنوید، در گردآوری حقایق و دادن مشورت به شما کمك می‌کند؟

الف) گوش دهید تا موضوع را خوب درك کنید.
بخوانید: امثال ۱۳: ۱۵؛ ۲۷: ۲۵. این قسمت می‌فرماید: "عقل نیکو، نعمت می‌بخشد." هر چه بیشتر گوش دهید، بیشتر موضوع را درك خواهید کرد. هر چه بیشتر به مخاطب خود گوش دهید، بهتر به او خواهید فهماند که سخنان او برای شما مهم است و آماده‌اید او را درك کنید و بپذیرید.
بین گوش دادن به حرفهای طرف مقابل از یکسو و از سوی دیگر درك کردن آنچه او می‌گوید و نیز پی بردن به مشکلاتی که از خلال سخنانش آشکار می‌شود، فرق هست. ممکن است مخاطبتان سعی کند مشکل اصلی خود را از روی ترس یا به خاطر انگیزه‌ای پنهان، در لابلای سخنان خود مخفی سازد. هدف شما باید این باشد که سخنان مخاطبتان را خوب درك کنید و بکوشید او را در مشکلاتش یاری دهید.

ب) قبل از سخن گفتن، گوش دهید.
بخوانید: امثال ۱۸: ۱۳، ۱۵. این قسمت می‌فرماید: "هر که سخنی را قبل از شنیدنش جواب دهد برای وی حماقت و عار می‌باشد. دل مرد فهیم معرفت را تحصیل می‌کند، و گوش حکیمان معرفت را می‌طلبد". شما نباید به کسی مشورت دهید مگر آنکه اول خوب به سخنان وی گوش داده باشید. اول به سخنان او گوش دهید، موضوع را خوب ارزیابی کنید و بداخل زندگیش نگاهی بیاندازید، بعد به او مشورت دهید. قبل از اینکه سخنی بگویید باید گوش دهید.

پ) به طرفین منازعه گوش دهید.
بخوانید: امثال ۱۸: ۱۷. این قسمت می‌فرماید: "هر که در دعوی خود اول آید صادق می‌نماید، اما حریفش می‌آید و او را می‌آزماید." وقتی بین دو نفر منازعه‌ای صورت می‌گیرد، کار حکیمانه‌ای نیست که صرفاً سخنان یکی از طرفین را بشنویم. ممکن است این شخص دروغ بگوید، یا اغراق کند و منصفانه در مورد طرف مقابل قضاوت نکند. وقتی شما به سخنان طرف مقابل نیز گوش می‌دهید، می‌توانید اطلاعات بیشتری گرد آورید و بدین ترتیب بهتر به هر دو طرف مشورت دهید. بنابراین قبل از دادن هر گونه مشورتی باید به سخنان هر دو طرف منازعه گوش داد.

ت) به سخنان دیگران گوش دهید، ولی هرگز هرآنچه را که می‌شنوید باور نکنید.
بخوانید: امثال ۱٤: ۱۵. این قسمت می‌فرماید: "مرد جاهل هر سخنی را باور می‌کند، اما مرد زیرك در رفتار خود تأمل می‌نماید".
۱) اگر منازعه‌ای صورت گیرد، مردم معمولاً در مورد آن به سخن‌چینی می‌پردازند. کار احمقانه‌ای است اگر شخص فکر کند حقیقت همان چیزی است که می‌بیند یا می‌شنود. شما هرگز نباید به سخن‌چینیهای مردم گوش دهید، بلکه باید با طرفین منازعه به گفتگو بپردازید و در مورد ماهیت مشکل آگاهی کسب کنید.
۲) همچنین کار احمقانه‌ای است اگر فقط بر اساس برخی واقعیات، درمورد انگیزه‌های کسی نظر دهید. شما باید نخست خوب به سخنان طرفین دعوی گوش دهید، شرایط را از نزدیك مشاهده کنید و به اندازه کافی از هر دو طرف سؤالاتی بپرسید، تا بتوانید قبل از دادن مشورت، به اندازه کافی درمورد اتفاقی که افتاده آگاهی داشته باشید.

۳- یاد بگیرید سؤال کنید.

مقدمه: گاهی اوقات برای مردم دشوار است که درمورد افکار، انگیزه‌ها و تجارب تلخشان گفتگو کنند. بنابراین یك مسیحی باید بتواند سؤالات درستی از مخاطبش بپرسد و کاری کند که او آنچه را که در قلبش می‌گذرد برای او بازگو نماید.
کشف و گفتگو کنید: سؤالاتی که می‌پرسید چگونه می‌توانند به شما در جمع‌آوری اطلاعات لازم و مشورت‌دهی کمك کنند؟

الف) برای جمع‌آوری اطلاعات بیشتر، سؤالاتی را مطرح کنید.
بخوانید: امثال ۲۵: ۲. این قسمت می‌فرماید: "تفحص نمودن امر، جلال پادشاهان است." شما باید دائماً سؤالاتی مطرح کنید تا بتوانید از این طریق اطلاعات لازم را کسب کرده، مشورت درستی به افراد بدهید.

ب) سؤالات متقابل مطرح کنید تا بدینوسیله صداقت یا عدم صداقت طرف مقابل آشکار گردد.
بخوانید: متی ۲۱: ۲٤. عیسی می‌فرماید: "من از شما سخنی می‌پرسم. اگر آن را به من بگویید، من هم به شما می‌گویم...". گاهی بهترین روش پاسخگویی این است که سؤال مخاطبتان را با سؤالی جواب دهید که درست در مقابل پرسش اوست. عیسی بدین طریق به سؤال فریسیان پاسخ می‌داد، زیرا می‌دانست که قصد آنها غافلگیر کردن اوست. او از انگیزه‌های آنها به خوبی

آگاه بود و برای اجتناب از افتادن در دام آنها، کاری می‌کرد که خود در دامی که گذاشته‌اند بیفتند. عیسی آنها را وامی‌داشت پاسخی بدهند که بخوبی عدم صداقتشان را آشکار می‌کرد. شما نیز باید یاد بگیرید سؤالات متقابل از مردم بپرسید.

پ) سؤالاتی مطرح کنید که دیگران را به فکر وادارد.

بخوانید: لوقا ۱۰: ۲۶- ۲۸. این قسمت می‌فرماید: "در تورات چه نوشته شده است و چگونه می‌خوانی؟" همیشه این وسوسه وجود دارد که بجای اینکه به طرف مقابل کمك کنید تا خودش چاره‌اندیشی کند، شما برای مشکل او پاسخی بیابید. عیسی افراد را ترغیب می‌کرد تا خودشان حقیقت یا پاسخ سؤالشان را در کتاب‌مقدس بیابند. او آنها را ترغیب می‌کرد که فکرشان را بکار بیاندازند و پاسخ سؤالات خود را در کتاب‌مقدس بیابند. کلام خدا همیشه از مشورت شخصی شما بسیار متقاعدکننده‌تر است.
بنابراین شما باید یاد بگیرید سؤالاتی را مطرح کنید و به مردم کمك کنید تا حقیقت و پاسخ سؤالات خود را در کتاب‌مقدس بیابند. وقتی انسان شخصاً حقیقتی را کشف کند، بهتر آن را درك می‌کند و به خاطر می‌سپارد.

۴- یاد بگیرید از طریق مطالعه و بررسی کتاب‌مقدس حکمت بیاموزید.

بخوانید: کتاب‌مقدس در رابطه با قادر مطلق بودن خدا و مکاشفه اراده او چه تعلیمی می‌دهد؟
یك مسیحی ایمان دارد که خدا قادر مطلق است و برای جهانی که آفریده، و وقایع موجود در آن، نقشه و برنامه دارد. البته خدا تمام نقشه خود را در رابطه با جهان و تاریخ بشر، برای انسانها مکشوف نساخته است. اشعیا ۵۵: ۹ می‌فرماید: "زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است همچنان طریق‌های من از طریق‌های شما و افکار من از افکار شما بلندتر می‌باشد." خدا بسیاری از مسائل را برای ما آشکار نکرده و نخواهد کرد. خدا وقایع مربوط به زندگی آینده‌مان را برای ما مکشوف نمی‌سازد. ما نباید از امور ناشناخته ترسان باشیم، زیرا به جهت آنانی که خدا را دوست دارند، همه امور برای خیریت ایشان با هم در کار می‌باشند (رومیان ۸: ۲۸). خدا، خدایی است بامحبت و قادر مطلق.
خدا تمام آن اموری را که انسانها باید بدانند و آنها را بر روی زمین انجام دهند، از طریق انبیای عهد عتیق، عیسی مسیح و رسولان عهد جدید آشکار ساخته است. تثنیه ۲۹: ۲۹ می‌فرماید: "چیزهای مخفی از آن یهوه خدای ماست و اما چیزهای مکشوف تا به ابد از آن ما و فرزندان ماست تا جمیع کلمات این شریعت را به عمل آوریم." نقشه مکشوف شده خدا عبارت است از برخی تعالیم خاص، و نیز تعالیمی عام و همگانی.

ضمیمه ۳
طرح‌ریزی برنامه‌های خوب

مقدمه: اجتماع مسیحی (کلیسا یا مشارکتهای خانگی) در وهله نخست یك ارگانیسم یا موجود زنده و متشکل از افرادی است که روح خدا در آنها سکونت دارد. ولی فعالیتهای این سازمان باید دارای نظم باشد (اول قرنتیان ١٤: ٣٣، ٤٠).
بنابراین مسیحیان باید موضوعاتی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی و مدیریت و ارزیابی را جدی تلقی کنند.

الف - دلایل نیاز به برنامه‌ریزی خوب

۱- برنامه‌ریزی منجر به نتایج بهتری می‌شود.

امثال ۲۱: ۵: "فکرهای مرد زرنگ تماماً به فراخی می‌انجامد، اما هر که عجول باشد، برای احتیاج تعجیل می‌کند." (امثال ۱۹: ۲)

۲- برنامه‌ریزی منجر به داشتن روابط بهتر با دیگران می‌شود.

امثال ١٤: ۲۲: "برای کسانی که تدبیر نیکو می‌نمایند، رحمت و راستی خواهد بود."

۳- برنامه‌ریزی منجر به داشتن رابطه بهتر با خدا می‌شود.

اشعیا ۳۰: ۱- ۲. خلاصه: با خدا مشورت کنید و با هدایت روح خدا نقشه‌های او را در زندگی خود پیاده نمایید.

ب - آنچه برای یك برنامه‌ریزی خوب لازم است

۱- برنامه‌ریزی مستلزم سخت‌کوشی در زمان مناسب است.

امثال ۱۰: ٤- ٥ " آدمهای تنبل، فقیر میشوند ولی اشخاص فعال ثروتمند میگردند. کسی که به موقع محصول خود را برداشت میکند عاقل است، اما کسیکه موقع برداشت محصول میخوابد مایه ننگ است."
امثال ۲۰: ٤. "مرد کاهل به سبب زمستان شیار نمی‌کند، لهذا در موسم حصاد گدایی می‌کند و نمی‌یابد".
امثال ۲۷: ۱. "درباره فردا فخر منما، زیرا نمی‌دانی که روز چه خواهد زایید".
امثال ۲۸: ۱۹. "هر که زمین خود را زرع نماید از نان سیر خواهد شد، اما هر که پیروی باطلان کند از فقر سیر خواهد شد."
امثال ۳۰: ۲۵. "مورچه‌ها طایفه بی‌قوتند، لیکن خوراك خود را در تابستان ذخیره می‌کنند."

۲- برنامه‌ریزی مستلزم حضور مشاوران خوب است.

امثال ۱۵: ۲۲. "از عدم مشورت تدبیرها باطل می‌شود، اما از کثرت مشورت‌دهندگان برقرار می‌ماند."
امثال ۱۹: ۲۰. "پند را بشنو و تأدیب را قبول نما تا در عاقبت خود حکیم بشوی."
امثال ۲۰: ۱۸. "فکرها به مشورت محکم می‌شود، و با حسن تدبیر جنگ نما".
امثال ۲۹: ۱۲. "حاکمی که به سخنان دروغ گوش گیرد، جمیع خادمانش شریر خواهند شد".

۳- برنامه‌ریزی مستلزم دعا است.

امثال ١٦: ۳. "اعمال خود را به خداوند تفویض کن، تا فکرهای تو استوار شود." (یعقوب ٤: ۲)

٤- برنامه‌ریزی مستلزم فروتنی است.

امثال ١٦: ۹. "دل انسان در طریقش تفکر می‌کند، اما خداوند قدمهایش را استوار می‌سازد."
امثال ١٦: ۲۵. "راهی هست که در نظر انسان راست است، اما عاقبت آن راه موت می‌باشد."
امثال ۱۹: ۲۱. "فکرهای بسیار در دل انسان است، اما آنچه ثابت ماند مشورت خداوند است."
امثال ۲۱: ۳۱. "اسب برای روز جنگ مهیا است، اما نصرت از جانب خداوند است."

٥- برنامه‌ریزی مستلزم در نظر گرفتن اولویتها است.

امثال ٢٤: ٢٧. "کار خود را در خارج آراسته کن و آن را در ملك مهیا ساز (کارهایی که واقعاً مهم و در اولویت هستند و نمیتوانند به عقب بیافتند) و بعد از آن خانه خویش را بنا نما (کارهای کم‌اهمیت‌تر که چندان اولویت ندارند)."

٦- برنامه‌ریزی مستلزم جمع‌آوری حقایق است.

امثال ٢٤: ٣٢. "پس من نگریسته متفکر شدم، ملاحظه کردم و ادب آموختم".
امثال ٢٥: ٢. "مخفی داشتن امر جلال خدا است، و تفحص نمودن امر جلال پادشاهان است."
امثال ٢٧: ٢٣. "به حالت گله خود نیکو توجه نما، و دل خود را به رمه خود مشغول ساز."
امثال ٢٩: ١٨. "جایی که رؤیا نیست قوم گردنکش می‌شوند، اما خوشابحال کسی که شریعت را نگاه می‌دارد."

٧- برنامه‌ریزی مستلزم وفاداری است.

امثال ٢٧: ١٨. "هر که درخت انجیر را نگاه دارد میوه‌اش را خواهد خورد، و هر که آقای خود را ملازمت نماید محترم خواهد شد."

٨- برنامه‌ریزی مستلزم نظم و تربیت است.

امثال ٢٨: ٢. "از معصیت اهل زمین حاکمانش بسیار می‌شوند، اما مرد فهیم و دانا استقامتش برقرار خواهد ماند."
امثال ٣٠: ٢٧. "ملخها را پادشاهی نیست، اما جمیع آنها دسته دسته بیرون می‌روند."

پ - آنچه برای اجرای یك طرح یا برنامه خوب لازم است.

١- برنامه‌ریزی
برنامه‌ریزی زمانی است که من بر اساس حقایق موجود، اهداف مشخصی برای خود تعیین کرده باشم و به منظور نیل به این اهداف، برنامه روشنی تدارك دیده باشم.

٢- سازماندهی
سازماندهی زمانی است که هر شخص بروشنی می‌داند مسؤول انجام چه کاری است و در برابر چه کسی پاسخگو است.

٣- رهبری
رهبری زمانی است که من در زمان مناسب، تصمیمات درستی اتخاذ می‌کنم و این تصمیمات به‌خوبی به مرحله اجرا در می‌آیند. توانایی ایجاد ارتباط روشن و مشخص یکی از ارکان مهم رهبری است.

٤- ارزیابی
ارزیابی زمانی است که من کاری را که انجام داده‌ام با آنچه باید انجام می‌دادم یا با آنچه طرحش را برنامه ریزی کرده ام، مقایسه می‌کنم و تفاوت بین آنها را تجزیه و تحلیل کرده ام.

ت - محتوای یك برنامه خوب

یك برنامه خوب عبارت است از اطلاعات، هدف، فعالیتها و زمانبندی مناسب (فعالیتها + زمانبندی= یك برنامه). یك برنامه باید در چارچوب سازمانی توسط رهبران و کارکنان، خطمشی، قوانین، اولویتها و منابع محدود آن اعمال گردد.

١- اطلاعات به شما می‌گویند که چارچوب برنامه‌تان چیست.
٢- هدف به شما می‌گوید که چه کاری را می‌خواهید به انجام برسانید.
٣- فعالیتها به شما می‌گویند که چگونه می‌خواهید هدف‌تان را به تحقق برسانید.
٤- زمانبندی به شما می‌گوید که چه وقت می‌خواهید هدف‌تان را به تحقق برسانید.

ث - اول: جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات

برای داشتن یك برنامه‌ریزی درست، آگاهی از اطلاعات مربوطه دارای اهمیت فراوانی است. شما باید درخصوص موارد زیر اطلاعات لازم را بدست آورید:

۱- هدایت

خدا در کلامش و توسط روحش به مسیحیان در نقاط مختلف جهان، و به طور خاص به خود شما، چه می‌گوید؟ خدا درخصوص برنامه‌ای خاص در کلامش چه تعلیمی می‌دهد؟ او چگونه شما را در دعا هدایت می‌کند؟
اهداف مخفی یا مکشوف شده خدا (تثنیه ۲۹: ۲۹؛ مزمور ۳۲: ۸؛ عاموس ۳: ۷) را به هیچ وجه نمی‌توان عقیم گذاشت. خدا بر تمام امور کنترل دارد. نقشه الهی او (هدف، مشیت و تدبیر او) همواره پابرجا و استوار خواهد ماند و به انجام خواهد رسید (ایوب ۴۲: ۲- ۳؛ مزمور ۳۳: ۱۱؛ امثال ۱۶: ۹؛ ۱۹: ۲۱؛ ۲۰: ۲۴؛ ۲۱: ۳۰؛ اشعیا ۸: ۱۰؛ ۱٤: ۲٤، ۲۷؛ ۲۵: ۱؛ ٤۰: ۸؛ ٤٦: ۱۰- ۱۱؛ ٤۸: ۱٤؛ ۵۵: ۱۱؛ ارمیا ٤٤: ۲۹؛ افسسیان ۱: ۱۱؛ مکاشفه ۳: ۷- ۸). بنابراین سعی کنید تا حد امکان مطابق با نقشه خدا برنامه‌ریزی کنید.

۲- سازماندهی

اهداف عمومی اجتماع مسیحی (کلیسا، مشارکت خانگی یا سازمان) که من عضو آن هستم، چه هستند؟

۳- پیشرفت

تا به حال به چه نتایجی دست یافته‌اید؟ در سال گذشته به چه پیشرفتهای نائل شده‌اید؟ (اول تیموتاؤس ٤: ۱۵)

٤- درسهای آموزنده

از تجارب، اشتباهات، موفقیتها و شکستهای سال گذشته خود چه درسهایی باید بیاموزید؟ (امثال ۲٤: ۳۲). این نکات آموزنده را تجزیه و تحلیل کنید.

۵- فرهنگ

مشخصات اصلی فرهنگ (جهان‌بینی، اعتقادات، ارزشها، سنن و سازمانها) شما و فرهنگی که در آن خدمت می‌کنید، چه هستند؟ روح زمانه ما چیست؟
(مراجعه کنید به راه‌هایی منزجرکننده: تثنیه ۱۸: ۹- ۱۳؛ سنتهایی باطل و بیهوده، متی ۱۵: ۱- ۹)

٦- نیازها

کسانی که می‌خواهید به آنها رسیدگی کنید چه نیازهایی دارند؟ نیاز خودتان، همکارانتان و اعضای خانواده‌تان چیست؟
(امثال ۲۷: ۲۳؛ ارمیا ۱۲: ۱۰- ۱۱؛ ۲۳: ۱- ٤۰؛ حزقیال ۳٤: ۱- ۲٤، زکریا ۱۰: ۲- ۳؛ ۱۱: ۱۵- ۱۷، متی ۹: ۳٦)

۷- امکانات و موقعیتها

خدا چه موقعیتها یا درهای بازی پیش روی شما قرار داده است؟ (اعمال ۱٤: ۲۷؛ اول قرنتیان ۱٦: ۸- ۹؛ دوم قرنتیان ۲: ۱۲؛ کولسیان ٤: ۳؛ مکاشفه ۳: ۷- ۸).

۸- مشکلات

با چه نوع مشکلات، مخالفتها، موانع و کمبودهایی مواجه می‌شوید؟ (اعمال ۱٦: ٦- ۹؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۷- ۱۸؛ دوم قرنتیان ۱۱: ۲۸).

۹- منابع

چه منابعی در اختیار دارید؟ آیا نیروی انسانی در اختیار دارید؟ کسانی که حاضرند به شما کمك کنند تا چه حد خود را در این زمینه متعهد می‌بینند (فیلیپیان ۲: ۱۹- ۲۱)؟ آیا جهت ملاقات با یکدیگر مکانهایی در اختیار دارید (اعمال ۱۹: ۹)؟ آیا از وقت کافی، مواد لازم، منابع مالی (کولسیان ٤: ۲- ٤)، حمایت از طریق دعا (کولسیان ٤: ۲- ٤) و غیره برخوردار هستید؟

۱۰- قابلیتها

همکارانتان یا افرادی که می‌خواهید به آنها رسیدگی کنید چه قابلیت‌هایی دارند؟ آیا از قابلیت‌هایی چون استعدادهای طبیعی، عطایای روحانی، نقاط قوت و ضعف، تجربه، ایمان و قابلیتهای دیگر برخوردارند؟

۱۱- هزینه‌ها
شما و دیگران باید از لحاظ وقت (دوم قرنتیان ۱۱: ۲۷)، از لحاظ مالی، توانایی‌ها، آماده کردن مطالب آموزشی و برنامه‌ها، مخالفتها و زحمات احتمالی که ممکن است با آنها مواجه شوید (دوم تیموتاؤس ۳: ۱۲)، چه بهایی را متقبل شوید؟

۱۲- مشورت دیگران
رهبران‌تان یا سایر کسانی که از لحاظ روحانی افرادی بالغ و باتجربه هستند در شرایطی مشابه چه مشورتی می‌دهند؟ تنها پس از توجه به تمام نکات بالا، درصدد مشورت گرفتن از دیگران برآیید.

ج - دوم: تصمیم‌گیری و نوشتن اهداف

۱- تصمیم‌گیری در مورد اهداف

الف) در مورد ایده‌های جدید تبادل‌نظر کنید.
۱) تبادل‌نظر یعنی بحث و گفتگو به منظور رسیدن به ایده‌هایی جدید.
۲) به طور خاص با همکاران، رهبران، مشاوران، و نیز با همسر و فرزندان‌تان تبادل‌نظر کنید.

ب) تبادل‌نظر کردن در فضایی آزاد.
۱) در فضایی آزاد با یکدیگر تبادل‌نظر کنید. تمام راه‌ها را سبك و سنگین کنید و تمام جوانب را خوب بسنجید.
۲) به دقت به واکنشها و سؤالات دیگران گوش دهید. سعی کنید به مقاصد یکدیگر بدرستی پی ببرید.
۳) در مورد عواقب فرضی و واقعی تصمیمات و اقدامات خود با یکدیگر فکر کنید. اشعیا ٤٧: ۷ "در مورد آن چیزی که ممکن است واقع شود فکر کنید."
٤) هر ایده‌ای را با کلام خدا مطابقت دهید.
٥) در رابطه با هر موضوع مهمی دعا کنید.
٦) به کسانی که در روند تصمیم‌گیری‌ها نقش دارند (مانند همسر، فرزندان، اعضای گروه و غیره) به اندازه کافی فرصت بدهید تا در خصوص تصمیمات پیشنهادی به تفکر بپردازند و دعا کنند.

پ) تصمیم‌گیری.
۱) سعی کنید تا حد امکان در جمع تصمیم‌گیری کنید؛ به عنوان مثال، تمام همکاران یا شورای پیران کلیسا یا اعضای کلیسا با هم در مورد مسئله‌ای تصمیم بگیرند.
۲) سعی کنید تصمیمات‌تان به‌اتفاق آراء و با موافقت جمع باشد. (اعمال ۱٥: ۲۸).
۳) برخی از تصمیمات را باید به تنهایی اتخاذ کنید. در این گونه موارد، تنها خودتان مسؤول و پاسخگو خواهید بود.

ت) اتخاذ تصمیمات مهم.
۱) تصمیمات و برنامه‌های شما بر اساس کدام اصول (احکام، تعالیم و وعده‌های) کتاب‌مقدسی است؟
۲) انتظار دارید خدا در میان شما چه کاری انجام دهد؟
۳) می‌خواهید چه نوع تأثیری بر مردم بر جای بگذارید؟
٤) فلسفه خدمتی شما چیست؟ (منظور، اصول یا حقایقی است که تعیین‌کننده عملکردهای شما است)
٥) خطمشی خدمت شما چیست؟ (منظور، نگرش و گامهای اصلی است که برمی‌دارید)؟
٦) چه برنامه‌های دارید؟ (منظور، اهداف و برنامه‌ریزی‌هایی است که نوع فعالیت و زمانبندی انجام این فعالیتها را نیز در بر می‌گیرد)
۷) ساختار سازمان شما چگونه است؟
۸) با سایر گروهها و نهادها چه نوع رابطه‌ای دارید؟ (گروههای دیگر در کلیسا، کلیساها و رهبران دیگر)
۹) سبك، روحیه و روش خدمتی شما چگونه است؟

۲- نوشتن اهداف

الف) محتوای اهداف
اهداف باید منعکس‌کننده موارد زیر باشد:
۱) اهداف باید منعکس‌کننده دعوت خدا باشد.
خدا از شما می‌خواهد چه کاری انجام دهید؟ خدا مایل است زندگی خود را وقف انجام چه کاری بکنید؟ اشعیا ۳۰: ۱- ۲.
۲) اهداف باید منعکس‌کننده احکام و تعالیم خدا باشد.
از کدام احکام و فرامین مهم کلام خدا باید اطاعت نمود؟ لوقا ۱۰: ۲٥- ۲۸.

۳) اهداف باید منعکس‌کننده خواسته‌های ملکوت خدا، کلیسا و همسایگان‌تان باشد.
اهداف کلی اجتماع مسیحی (کلیسا یا سازمانی) که در آن عضویت دارید چیست؟

ب) نقش و عملکرد این اهداف
اهداف شما باید:
۱) انگیزه‌بخش باشد. هدف باید بتواند بروشنی به همگان نشان دهد که چرا شما به انجام کاری بخصوص مشغول هستید.
۲) انتخابی باشد. هدف باید بتواند دیگران را نیز متقاعد کند که خود را نسبت به آن متعهد ببینند.
۳) کارآمد باشد. هدف نباید باعث هدر رفتن منابع (اعم از منابع انسانی، مالی یا وقت) شود. هدف نباید بی‌جهت بر امور غیر ضروری تاکید داشته باشد.
٤) قابل سنجش باشد. هدف، اساس ارزیابی و کنترل است. به همین خاطر است که اهداف را باید بر اساس نتایجی واقعی و قابل سنجش تنظیم نمود.

پ) مشخصات اهداف خوب
هدف شما باید:
۱) مختصر و کوتاه باشد. هر کس باید بتواند هدف را به خاطر بسپارد.
۲) روشن و مشخص باشد. هر کس باید بتواند هدف را یادداشت کند.
۳) انگیزه‌بخش باشد. باید بتواند مردم را وادار به انجام کاری سازد.
٤) ترغیب‌کننده باشد. هدف باید باعث تقویت ایمان و پیشرفت زندگی شخص شود.
٥) واقع‌گرایانه باشد. هدف باید عملی و واقع‌بینانه باشد.
٦) مشخص و جزئی باشد. هدف باید قابل‌سنجش باشد.
۷) آشکار باشد. هدف باید بیانگر نتایج باشد، نه بازگوکننده فعالیتها.

چ - سوم: یادداشت نمودن اهداف، فعالیتها و زمانبندی

"برنامه‌ریزی کردن" یعنی بکار گرفتن منابع در زمینه‌هایی که باعث می‌شود به هدف خاصی که داریم نائل شویم.

۱- نمونه‌ای از یك برنامه سالیانه جهت شاگردسازی.

اهداف	فعالیتها	زمان
الف) من این گروه ٥ نفره را برای مسیح شاگردسازی کرده‌ام.	الف) ٤ کتاب دستورعمل شاگردسازی را که حاوی نکات خلاق و آموزنده هستند، تعلیم دهید.	الف) ٤٨ درس هفتگی در طول سال، هر درس بین ۲ الی ۳ ساعت
ب) من دیگران را تشویق کرده‌ام که کلام خدا را در زندگی خود بکار ببرند.	ب) ملاقاتهای مرتب انفرادی داشته باشید.	ب) هر گاه نیاز بود، ولی حداقل ماهی یکبار
پ) من گروهی را پیرو مسیح ساخته‌ام.	پ) ۱۲ جلسه با شرکت تمام گروههای کوچك یا گروه‌های خانگی ترتیب دهید.	پ) ۱۲ جلسه ماهیانه، در وسط ماه

۲- نمونه‌ای از درس ۳ در دستورعمل شاگردسازی - کتاب اول

اهداف	فعالیتها	زمان
الف) ما با هم فرصت پرستش داشته‌ایم.	الف) خصوصیت: خدا عظیم و قدرتمند است.	الف) ۲۰ دقیقه
ب) ما با یکدیگر اوقات خلوت داشته‌ایم.	ب) متی ۸: ۱- ۱۱: ٢٤	ب) ۲۰ دقیقه
پ) من یك درس جدید شاگردی تعلیم داده‌ام.	پ) مفاهیم پیغام انجیل	پ) ۷۰ دقیقه
ت) ما با یکدیگر دعا کرده‌ایم.	ت) دعا در واکنش به کلام خدا	ت) ۸ دقیقه
ث) من یك تکلیف داده‌ام.	ث) تکلیف کتبی برای درس ٤	ث) ۲ دقیقه

۳- نمونه‌ای از درس ٤ در دستورعمل شاگردسازی - کتاب اول

اهداف	**فعالیتها**	**زمان**
الف) ما با یکدیگر وقت رازگاهان داشته‌ایم.	الف) متی ۱۱: ۲۵- ١٤: ۳٦	الف) ۲۰ دقیقه
ب) ما یك آیه را حفظ کرده، در مورد آن تعمق نموده‌ایم.	ب) اطمینان از پاسخ دعا - یوحنا ١٦: ٢٤	ب) ۲۰ دقیقه
پ) ما با یکدیگر قسمتی از کلام خدا را بررسی کرده‌ایم.	پ) روش ٥ قدم من از کجا می‌آیم؟ پیدایش ۱: ۱- ۲: ٤	پ) ۷۰ دقیقه
ت) ما با یکدیگر دعا کرده‌ایم	ت) دعا کردن برای یکدیگر	ت) ۸ دقیقه
ث) من یك تکلیف داده‌ام	ث) تکلیف کتبی برای درس ٥	ث) ۲ دقیقه

٤- فهرست ارزیابی کارها

الف) آیا من با دیگران مشورت کرده‌ام (امثال ۱٥: ۲۲؛ ٢٤: ٦)؟
ب) آیا خدا این برنامه‌ها را تأیید کرده است (اشعیا ۳۰: ۱- ۲؛ دوم قرنتیان ۱۰: ۱۸؛ اعمال ۱٥: ۲۸)؟
پ) آیا تمام احتمالات را سنجیده‌ام؟
ت) آیا از منابع خود به بهترین نحو استفاده کرده‌ام؟

٥- فهرست انجام کارها

الف) فعالیتهای مربوط به درس بعد را به خوبی آماده کنید (در نهایت با همکارتان که او را تعلیم می‌دهید).
ب) منابع مورد نیاز برای آن درس را که شامل تکالیف کتبی برای تمام اعضای گروه است، جمع‌آوری کنید.
پ) میز و صندلیها، نور، سیستم گرمایی، تخته سیاه، گچ و تخته‌پاك‌کن (یا تخته سفید و ماژیك و تخته‌پاك‌کن)، کتابهای سرود، کتاب‌مقدس، کاغذ و خودکار و نوشیدنیها را یك به یك آماده کنید (یا از همکارتان درخواست کنید که این مسؤولیت را بر عهده گیرد.)
د. دعا کنید و تمام کارهایی را که بنا است انجام دهید به خدا بسپارید تا در برنامه‌های خود موفق شوید (امثال ١٦: ۳). به طور مرتب برای اعضای گروه خود دعا کنید. با همکار خود دعا کنید. به عنوان مثال می‌توانید بر طبق کولسیان ۱: ۹- ۱۲ برای آنها دعا کنید.

ضمیمه ٤
سایر عطایای روحانی

به پنج عطایای روح‌القدس که در دستورعمل بنای کلیسا - کتاب سوم، درس ٣٥ در مورد آنها توضیحاتی داده شده است، مراجعه کنید.

٦- رهبران و مدیران

الف) "رهبری" (اول قرنتیان ١٢: ٢٨) عبارت است از عملکرد (خدمت) یا توانایی خاصی در کلیسا. رهبران پیشاروی مردم حرکت کرده، به آنها جهت می‌دهند و برای آنها الگو قرار می‌گیرند. این مسئولیت به طور خاص بر عهده پیران کلیسا است.

ب) "مدیریت" (اول قرنتیان ١٢: ٢٨) عبارت است از عملکرد (خدمت) یا توانایی خاص در کلیسا. مدیران از طریق رسیدگی به مشکلات کلیسایی و دادن مشورتهای حکیمانه، اعضا را هدایت می‌کنند. پیران کلیسا، مسئولیت اداره امور کلیسا را بر عهده داشتند، اما موعظه، تعلیم و هدایت مردم بر عهده آنها نبود (اول تیموتاؤس ٥: ١٧). در کلیسای اولیه کسانی بودند موسوم به "امداد کنندگان" که مسئول انجام امور اداری کلیسا بودند. اما "مدیران" تا حدی از لحاظ روحانی نیز کلیسا را رهبری می‌کردند.

٧- خدمت کردن و کمك کردن

الف) "خدمت کردن" (رومیان ١٢: ٧) عبارت است از توانایی خاصی در کلیسا، که در کلیسای اولیه احتمالاً عملکرد (خدمت) خادمین بود. خادمین به نیازهای مختلف کلیسا رسیدگی می‌کنند.

ب) "کمك کردن" (اول قرنتیان ١٢: ٢٨) نیز یك توانایی خاص است. کسانی که در این خدمت هستند، در انجام کارهای مختلف کلیسایی به دیگران کمك می‌کنند.

٨- بیان کلام حکمت، کلام معرفت، سخنی بناکننده یا خواندن مزامیر و سراییدن سرودها

الف) "بیان کلام حکمت" (اول قرنتیان ١٢: ٨) یعنی بیان سخنی که حکمت در آن است. این عطای مخصوص، به مردم نشان می‌دهد که بهترین طریق رسیدن به اهداف والا کدام است. مسیحیانی که دارای این عطای روحانی هستند، به دیگران کمك می‌کنند که دریابند چگونه می‌توانند از طریق زندگی خود باعث خشنودی خدا شوند.

ب) "بیان کلام معرفت" (اول قرنتیان ١٢: ٨) یعنی بیان سخنی که معرفت در آن است. این عطای مخصوص، معنای اموری را که برای انسانها مخفی است، روشن می‌سازد. مسیحیانی که از چنین عطایی برخوردارند می‌توانند تشخیص دهند که آیا معرفت یا شناختی خاص از طرف خداست یا نه؛ به عبارت دیگر، آیا با مکاشفه خدا در کتاب‌مقدس مطابقت دارد یا خیر.

پ) "خواندن مزامیر و سراییدن سرودها" (اول قرنتیان ١٤: ٢٦) نیز یکی دیگر از توانایی‌های خاص است. یك مسیحی می‌تواند از طریق خواندن مزامیر و سراییدن سرودهای روحانی جدید باعث بنای دیگران شود (افسسیان ٥: ١٩؛ کولسیان ٣: ١٦). مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند، کلام خدا را از طریق مزامیر، اشعار، سرودها و موسیقی به دیگران منتقل می‌کنند.

ت) "گفتن کلام تشویق یا تسلی" (رومیان ١٢: ٨) عبارت است از توانایی خاصی که فرد مسیحی از طریق آن سایر مسیحیان را به انجام کارهایی که در کلام خدا دستور داده شده است، ترغیب می‌کند. کلام تشویق یا تسلی ممکن است از طریق بیان موعظه یا تعلیم خطاب به جمع بیان شود، و یا به طور خصوصی خطاب به فردی بخصوص. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند، به مسیحیان دیگر در زمینه رشد روحانی و خدمت مشورت می‌دهند. آنها مسیحیان را ترغیب می‌کنند که درسهایی را که هر روزه از کلام خدا می‌آموزند در زندگی خود بکار ببرند تا بدین ترتیب شخصیتشان رشد کند. آنها مسیحیان را ترغیب می‌کنند که رفتار مسیحی داشته باشند و در زندگی خود با ایمان گام بردارند.

۹- بخشیدن یا اهدای اعانه

"بخشیدن" (رومیان ۱۲: ۸) عبارت است از توانایی خاصی که در آن فرد مسیحی قسمتی از اموال زمینی خود را در جهت منافع دیگران و جلال خدا بکار می‌برد. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند، به این نکته توجه دارند که سرمایه و دارایی خود را برای پیشبرد ملکوت خدا بکار گیرند. آنها پول یا اموال خود را در اختیار کلیسا و یا سازمانهای مسیحی قرار می‌دهند تا بدینوسیله ملکوت خدا گسترش یابد.

۱۰- "رحم کردن"

"رحم کردن" (رومیان ۱۲: ۸) توانایی خاصی است در زمینه همدردی با مشکلات دیگران و تسلی دادن و کمك به آنها. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند، غالباً ناظرین و شنوندگان خوبی هستند و مشکلات را خوب تشخیص می‌دهند. آنها قادرند که وضعیت نیازمندان و شرایط کسانی را که از نظر فکری و احساسی دچار ترس، یأس و نومیدی هستند، یا بیمار، معلول، داغدار یا سالخورده و رو به مرگ هستند، بخوبی ارزیابی کنند. اینگونه افراد قادرند با کسانی که دارای چنین مشکلات و نیازهایی هستند همدردی کنند.

۱۱- ایمان

"ایمان" (اول قرنتیان ۱۲: ۹) عبارت است از اشتیاق و توانایی جهت انجام کاری خاص برای خدا. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند، وقتی خدا آنها را به انجام تکلیفی دشوار و سنگین فرا می‌خواند، به او اعتماد می‌کنند. به عنوان مثال، خدا ممکن است از آنها بخواهد در یك کشور غریب زندگی کنند، تحت فشار و جفاهای مختلف باشند یا در جهانی که بی‌عدالتی در آن غوغا می‌کند، عدالت را اجرا کنند. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردارند به خدا اعتماد می‌کنند تا از طریق آنها معجزات و اعمال عظیم ظاهر سازد. آنها ایمان دارند که خدا قادر است موانع و مشکلات را هر قدر هم که بزرگ باشد، از پیش پای آنها بردارد و اعمالی انجام دهد که از نظر انسانها غیرممکن بنظر می‌رسد. اینگونه افراد نیز مانند نوح، ابراهیم و موسی، قادرند اهداف خدا را بواسطه ایمان درك کنند.

۱۲- عطای شفا دادن

"عطای شفا دادن" (اول قرنتیان ۱۲: ۹، ۳۰) عبارت است از توانایی خاصی جهت شفای بیماری جسم، جان و روح مردم. خدا از کسانی که از این عطا برخوردارند بطرزی مافوق طبیعی برای شفای بیماران استفاده می‌کند. تمام شفاها، شفاهای الهی هستند.

۱۳- قوات یا معجزات

"قوات یا معجزات" (اول قرنتیان ۱۲: ۱۰، ۲۸- ۲۹) عبارت است از تواناییهایی خاص جهت انجام اعمال مافوق طبیعی یا علامات و معجزاتی غیرمعمول (دوم قرنتیان ۱۱: ۲۳- ۲۸). هدف از معجزات این است که واقعی بودن خدای کتاب‌مقدس و مکاشفه او را اثبات کنند و باعث شوند مردم به عیسی مسیح ایمان آورده، نجات بیابند (یوحنا ۲۰: ۳۰- ۳۱). معجزات در کتاب مقدس بویژه هنگامی اتفاق می‌افتاد که خدا می‌خواست خودش و حقیقت وجود خودش را از طریق موسی، انبیای عهد عتیق (مخصوصاً الیشع و ایلیا)، عیسی مسیح و رسولان عهدجدید آشکار نماید (متی ۱۰: ۱، ۸؛ لوقا ۱۰: ۱۸- ۲۰؛ اعمال ۲: ۴۳؛ دوم قرنتیان ۱۲: ۱۲؛ عبرانیان ۲: ٤).

۱٤- تشخیص ارواح

"تشخیص ارواح" (اول قرنتیان ۱۲: ۱۰) اشتیاق، توانایی یا دعوت الهی خاصی است جهت تشخیص بین روحهای مختلف. تا زمانیکه هنوز عهد جدید به نگارش در نیامده بود، مسیحیان می‌توانستند با استفاده از این عطای روحانی امور الهی و شیطانی، آنچه را که روحانی و آنچه احساسی یا روانی، آنچه حقیقت و آنچه را که دروغ است، امور درست و اشتباه و امور سازنده و مخرب را از هم تمیز دهند. مسیحیانی که از این عطای روحانی برخوردار بودند، می‌توانستند "روحها را بیازمایند" تا دریابند کدام روح از جانب خدا است و کدام روح از طرف خدا نیست (اول یوحنا ٤: ۱- ٦؛ اعمال ۱۳: ٦- ۱۲). آنها می‌توانستند تشخیص دهند که آیا آنچه که یکی از انبیای عهد جدید می‌گوید درست است یا خیر، و آیا جماعت باید بر طبق نبوت او عمل کنند یا نه (اول قرنتیان ۱٤: ۲۹). و اگر کسی در کلیسا ادعا می‌کرد که از عطای روحانی خاصی برخوردار است، کسانی که دارای عطای تمیز ارواح بودند می‌توانستند تشخیص دهند که آیا این عطا واقعی است، یا دروغین و یا حتی شیطانی.
ارواح شریر در زندگی کسانی که اسیر دیوها بودند و همچنین در زندگی افرادی که خود را با اعمال مرموز و سحرآمیز مشغول کرده بودند، عمل می‌کردند. ارواح شریر حتی در بین جماعت نوایمانان غیریهودی مسیحی شده نیز فعال بودند (اول

یوحنا ٤: ١). چنین روحهای شریری می‌توانستند خود را در قالب نبوتهای دروغین و معجزات کاذب متجلی سازند (اعمال ١٩: ١٣- ١٦). خلاصه آنکه این ارواح قادر بودند بطرزی شیطانی از عطایای روحانی و کار مسیح تقلید کنند (متی ٢٤: ٢٣- ٢٤؛ اعمال ٢٠: ٢٩- ٣١؛ دوم قرنتیان ١١: ١٣- ١٥).

١٥- انواع مختلف زبانها

الف) زبانها در کتاب اعمال رسولان

در کتاب اعمال رسولان "تکلم به زبانها" عبارت بود از توانایی خاصی جهت سخن گفتن درباره خدا و اعمال عجیب او به سایر زبانهای قابل فهم و شناخته شده دنیای آن روز (اعمال ٢: ٧- ١١).

هدف از تکلم بـه زبانهـا، توصیف تحقق تـاریخی نبـوت یوئیـل ٢: ٢٨- ٢٩ در عهد عتیـق و اثبـات ریـزش و حضـور واقعـی روح‌القدس بود (اعمال ٢: ١٦). تکلم بـه زبانهـا علامت قابـل رؤیت اولیـن ریـزش روح القدس در تـاریخ بـشر بـر تمـام یهودیـان (اعمال فصل ٢)، سامریان (کسانی که نیمه یهودی بودند)، (اعمال فصل ٨) و تمام غیر یهودیانی (اعمال فصلهای ٨، ١٠، ١١، ١٥) بود که به عیسی مسیح ایمان آورده بودند (اعمال ١: ٨). در فصل دوم اعمال می‌خوانیم که این علامت، امری قابل رؤیت (بصورت زبانه های آتش) و قابل شنیدن بود (سخن گفتن به زبانهای بیگانه).

کتاب اعمال رسولان، اعمـال خدا را در تـاریخ نجـات بشر بـازگو مـی‌کند. این وقـایع، اموری منحصر بـه فرد بـود و نظیـر آن هیچگاه پیشتر دیده نشده بود. کتاب اعمال رسولان تعلیم نمی‌دهد که امروزه در کلیساهای مسیحی دنیا چه اتفاقاتی باید بـه وقـوع بپیوندد. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که ایجاد کلیساهایی فعـال (اول قرنتیـان ١٢: ١٢- ١٣؛ اعمـال ٢: ٤٢) و حضـور قابـل رؤیـت ثمره روح در زندگیهای ایمانداران (مخصوصاً محبت) (غلاطیان ٥: ٢٢)، از علامات قابل رؤیت ریزش و عملکرد روح‌القدس است. از طرفی کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که ایمانداران حتی آنگاه که دارای برخی عطایای خاص نیستند، همواره باید بر اساس اصل محبت زیست کنند (اول قرنتیان ١٣: ١- ٨). ولی کتاب مقدس چنین تعلیم نمی‌دهد که نبوت به زبانهای مختلف (یا تکلم بـه سایر زبانها) همواره بایستی علامت دریافت روح‌القدس (یا تعمید روح‌القدس) باشد.

ب) زبانها در رسالات قرنتیان

در رساله قرنتیـان (اول قرنتیـان ١٢: ١٠، ٢٨- ٣٠؛ ١٣: ١، ٨- ١١؛ ١٤: ١- ٣٣) "تکلم بـه زبانهـا" عبـارت بـود از توانـایی خاصی جهت بیان سخنانی غیرمعقول، نامفهوم و عجیب (زبانهای فرشتگان). این پدیده همراه با زبانه های آتش نبود، ولی قابل شنیدن بود و در بین مردم ابهاماتی ایجاد کرده بود.

١) پولس رسول راجع به ناگهانی بودن واقعه زبانها صحبت نمی‌کند، بلکه درمورد توانایی دائمی تکلم به زبانها سخن می‌گوید. عبارت "کسی که به زبانی سخن می‌گوید" (اول قرنتیان ١٤: ١٣) به شخصی اشاره نمی‌کند که در یك جلسه کلیسایی ناگهان به سرعت تحت تأثیر روح‌القدس قرار گرفته و به زبانی بیگانه و نامفهوم سخن می‌گوید. بلکه این عبارت به شخصی اشاره دارد که از توانـایی دائمـی تکلـم بـه زبانهـا برخـوردار اسـت (در یونـانی: زمـان حـال). "هر کـه زبـانی دارد" (اول قرنتیـان ١٤: ٢٦، در یونانی: زمان حال) به شخصی اشاره می‌کند که به طور دائمی از توانایی تکلم به زبانها برخوردار است. کلمات "سخن گفتن به زبانی" (اول قرنتیان ١٤: ٢٧- ٢٨) (در یونانی: زمان حال) به شخصی اشاره می‌کند که به طور کامل و پیوسته بر آنچه که بر زبان می‌آورد تسلط دارد. به همین دلیل نیز پولس رسول می‌توانست محدودیتهای خاصی را در استفاده از عطایـای روحـانی در جلسات کلیسایی تعیین کند، در حالیکه اگر مسیحیان به طور ناگهانی قدرت تکلم بـه زبـانی را از روح‌القدس دریافت مـی‌کردنـد، اعمال چنین محدودیتهایی غیر ممکن می‌بود.

٢) تجلی عطایای روحانی مربوط به دوران اولیه کلیسای عهد جدید بود، زیرا انجیل در آن زمان هنوز بـه طـور کامل نگاشـته نشده بود. به همین دلیل امکان وجود خطا و تعالیم اشتباه زیاد بـود. کلیسای قرنتس اغلب از ایمانـدارانی تشکیل شده بـود کـه از زمینه‌ای بت‌پرست بودند و اغلب در محیط غیرمسیحی بـا مشکلات متعددی مواجـه مـی‌شدند. ایمانداران کلیسای قرنتس بطـور تحت اللفظی "برای روحها غیرت داشتند" (در یونانی: اول قرنتیان ١٤: ١٢). آنها احتمـالاً معتقد بودند کـه "روحهـای" مختلـف عطایـای مختلفـی بـه مـردم عطـا مـی‌کننـد. ولـی پـولس رسـول تعلیم داد کـه منشأ تمـام عطایـای روحـانی از یك روح، یعنـی از روح‌القدس است (اول قرنتیان ١٢: ٤، ١١). پولس تعلیم داد که مسیحیان قرنتس باید برای انجام کارهایی غیرت داشته باشند که باعث بنای کلیسا مـی‌شـود، نـه امـوری کـه در کلیسا بـی‌نظمـی ایجـاد مـی‌کند (اول قرنتیـان ١٤: ٣٣، ٤٠). بنـابراین بـا توجـه بـه وضعیت گناه‌آلود کلیسای قرنتس، به برخی عطایای خاص مانند نبوت و تشخیص ارواح نیاز شدیدی وجود داشت (اول قرنتیـان ١٢: ١٠).

٣) از رساله قرنتیان چنین برمی‌آید که تکلم به زبانها تنها یکی از مشکلات موجود در کلیسای قرنتس بود، و آنهـا بـا مشکلات دیگری نیز دست به گریبان بودند. مشکلاتی چون جدایی، حسادت، نزاع، درگیری، انحرافات جنسی، متوسل شدن بـه قضـات دنیوی و خدانشناس، سوءاستفاده از آزادی که داشتند، مشکلات مربوط به ازدواج، خوردن گوشتی که برای بتها قربانی شده بود، حضور زنانی که از موقعیت خود سوء استفاده می‌کردند، جلسات کلیسایی مخرب و استفاده نادرست از شام خداوند، غیرت بیش از حد جهت تکلم به زبانها و انکار رستاخیز جسم.

مشکل اعضای کلیسای قرنتس این بود که بیش از حد به تکلم به زبانها اهمیت مـی‌دادنـد (اول قرنتیـان ١٢: ٣٠) و بـدین ترتیـب باعث ایجاد بی‌نظمی در جلسات کلیسایی می‌شدند (اول قرنتیان فصل ١٤). بـه همین دلیل پـولس بـه بررسـی موضـوع عطایـای روحانی (در یونانی: charismata) می‌پردازد. او ابتدا درخصوص تنوع عطایای روحانی، خدمات و تجلیات روح‌القدس تعلیم

می‌دهد (اول قرنتیان فصل ۱۲). سپس به مهمترین طریق اشاره می‌کند که همان طریق محبت است. محبت باعث می‌شود عطایای روحانی در جای درست خود بکار روند، زیرا تمام عطایای روحانی باید بر اساس اصل محبت بکار گرفته شوند (اول قرنتیان فصل ۱۳). پولس در پایان درمورد تفاوت بین عطای زبانها و عطای نبوت تعلیم می‌دهد (اول قرنتیان فصل ١٤).
برخی از اعضای کلیسای قرنتس که از عطایای روحانی خاصی برخوردار بودند، از جلسات کلیسایی سوءاستفاده می‌کردند تا سخنان خود را به گوش دیگران برسانند. این عده به طریقی ناشایست عمل می‌کردند، در حالیکه خواست خدا این است که تمام امور کلیسا در نظم پیش رود. آنها جلسات معمول کلیسا را مغشوش می‌ساختند. به همین دلیل به جای آرامش و سلامتی، تشویش و اغتشاش و بی‌نظمی در کلیسا حاکم بود (اول قرنتیان ١٤: ٣٣، ٤٠). اگر چه پولس رسول برای تمام عطایا ارزش قائل بود، اما نمی‌توانست چنین رفتارهایی را تحمل کند. حکم او این بود که در جلسات کلیسایی تمام امور باید در جهت منفعت و بنای اعضای کلیسا باشد. هر فرد مسیحی باید در چهارچوب اصل محبت، و به هدف بنا کردن و خدمت به دیگران، از آزادی خود در زمینه بکارگیری عطایای روحانی استفاده کند. همچنین این عطایا باید بر اساس اصولی بکار گرفته شود که پولس رسول در کتاب مقدس مشخص کرده است (اول قرنتیان ١٤: ٢٦- ٤٠).
<u>٤)</u> بدین ترتیب پولس رسول عطای تکلم به زبانها را در جایگاه صحیح خود قرار داد. روی سخن او بویژه با مسیحیانی بود که توانایی دائمی تکلم به زبانها را داشتند یا عادت داشتند که به این زبانها صحبت و دعا کرده یا سرود بخوانند. در اول قرنتیان ١٤: ١٤- ١٧ میخوانیم: " زیرا اگر به زبانی دعا کنم که آن را نمی فهمم، در واقع روح من دعا می کند و خودم از آنچه میگویم بی خبرم. پس چه کنم؟ باید هم به زبانهای غیر دعا کنم و هم به زبان معمول، هم به زبانهای غیر سرود خوانم هم به زبان عادی تا همه بفهمند. زیرا اگر شما خدا را به زبانی شکر گویید که فقط روح خودتان می فهمد، چگونه دیگران بتوانند به دعای شکرگزاری شما آمین بگویند، در حالیکه نمی فهمند چه میگویید؟ شکی نیست که شما بسیار عالی خدا را شکر می گویید اما حاضرین بهره ای نمی برند." وقتی پولس از سخن گفتن، دعا کردن و سرودخواندن به روح صحبت می کند، تنها میتواند این معنا را بدهد که شخص صداهایی را ابراز می کند که هیچکس نمی تواند بفهمد. و وقتی پولس از سخن گفتن، دعا کردن و سرودخواندن به عقل یا ذهن صحبت میکند، تنها میتواند به این معنی باشد که شخص کلماتی را ابراز می کند که هر فردی میتواند بفهمد. پولس این مسیحیان را مخاطب قرار میدهد زیرا آنها فقط بواسطه روح انسانی خود سخن گفته، دعا کرده یا سرود میخواندند و نه از طریق عقل و اندیشه انسانی خود. در نتیجه تنها زبانها و صداهای نامفهوم تولید میکردند (اول قرنتیان ١٤: ١٣- ١٧). بر چنین مسیحیانی بود که دعا کنند تا در آینده بتوانند آنچه را که تنها به زبانی غیرقابل درك بدان متکلم می‌نمودند، روزی ترجمه کنند. پولس از آنها نمی‌خواهد که ابتدا به زبانی بیگانه و غیر قابل فهم تکلم کنند و سپس آن را ترجمه نمایند. بلکه از آنان می‌خواهد که دعا کنند تا در آینده تکلم آنها به زبانها، هم بواسطه روح انسانی باشد و هم با تکیه بر عقل و خرد انسانی‌شان. تا بدین ترتیب بتوانند در جلسات کلیسایی به زبانی معقول و روشن که برای همه قابل فهم است سخن بگویند، دعا کنند و سرود بخوانند. با توجه به اینکه روح انسان مطیع او است (اول قرنتیان ١٤: ٣٢)، چنین ایماندارانی این توانایی را دارند که تصمیم بگیرند که بجای تکلم به زبانی نامفهوم و بیگانه، به زبانی تکلم کنند که باعث بنای دیگر اعضای کلیسا است (اول قرنتیان ١٤: ١٩). تنها از این طریق است که سایر اعضای کلیسا نیز بنا خواهند شد.

۱۶- <u>ترجمه زبانها</u>

الف) <u>"ترجمه زبانها"</u> (اول قرنتیان ١٢: ١٠، ٣٠؛ ١٤: ٢٧- ٢٨).
ترجمه زبانها توانایی خاصی است که به موجب آن، شخص می‌تواند نه تنها زبانهای خارجی قابل فهم را ترجمه کند، بلکه سایر زبانهای مختلف و ناشناخته مردم و فرشتگان را نیز درك و ترجمه نماید تا از این طریق شنوندگان و اعضای کلیسا بنا شوند. این عطای روحانی و عطای روحانی تکلم به زبانهای مردم و فرشتگان، هر دو در جلسات کلیسایی لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند. مسیحیانی که از این عطای دائمی برخوردار هستند می‌توانند تشخیص دهند که آیا مسیحیان دیگر براستی از عطای زبانها برخوردارند یا نه، یا آنچه را که می‌خواهند به زبانی متکلم شوند، باعث بنای شنوندگان در کلیسا خواهد شد یا نه.

ب) <u>تکلم همزمان از طریق روح و فکر</u>
روشن است که آن عده از اعضای کلیسای قرنتس که به زبانی بیگانه و غیر قابل درك تکلم می‌کردند، از عطای روحانی ترجمه زبانها برخوردار نبودند (اول قرنتیان ١٤: ١٣). این امکان وجود داشت که کسانی که از عطای دائمی تکلم به زبانها برخوردار بودند، خودشان آنچه را که می‌گفتند ترجمه کنند. ولی در اینصورت می‌بایست به زبانی قابل درك سخن می‌گفتند تا دیگران بفهمند. یعنی همزمان، هم از طریق روح خود سخن گویند و هم از طریق فکر انسانی خود. به عبارت دیگر، آنچه را که روح آنها می‌خواست به زبانی غیر قابل درك و بیگانه متکلم شود، فکر و دهان آنها می‌بایست به زبانی قابل فهم بیان می‌کرد (اول قرنتیان ١٤: ٥، ١٣- ١٩).
ولی این توانایی امری خودکار نبود (اول قرنتیان ١٤: ٥ ، ١٣). به طور کلی، اگر در جمع مسیحیان مترجمی حضور می‌داشت، آن شخص خود از عطای دائمی ترجمه زبانها برخوردار بود و سایر مسیحیان نیز همگی این موضوع را می‌دانستند، و این شخص معمولاً کسی بود غیر از فردی که به زبانی غیر قابل درك تکلم می‌کرد (اول قرنتیان ١٢: ١٠؛ ١٤: ٢٧- ٢٨). اگر در جلسات کلیسایی هیچ مترجمی حضور نمی‌داشت یا مترجم تمایلی به ترجمه زبانها نداشت، تعلیم پولس رسول این بود که در چنین شرایطی هیچ کس اجازه ندارد در جلسات کلیسایی به زبانی بیگانه تکلم کند (اول قرنتیان ١٤: ٢٨).

پ) محدودیتهای رسولان در زمینه تکلم به زبانها
پولس رسول به روشنی حکم می‌کند که در جلسات کلیسایی حداکثر سه نفر مجازند به نوبت به زبانها تکلم کنند، آن هم در صورتی که سخنان آنها بلافاصله توسط کسی که عطای ترجمه دارد، ترجمه شود. به اعتقاد پولس، مسیحیان اجازه ندارند به طور همزمان در جلسات کلیسایی به زبانها تکلم کنند (اول قرنتیان ۱۴: ۲۷). همچنین او به زنان اجازه تکلم به زبانها یا نبوت در جلسات رسمی کلیسایی را نمی‌دهد (اول قرنتیان ۱۴: ۳۴- ۳۸).

۱۷- تجرد

"تجرد" (اول قرنتیان ۷: ۷، ۳۲- ۳۵؛ متی ۱۹: ۱۰- ۱۲) عبارت است از توانایی، انتخاب یا دعوتی خاص که برخی از مردم از آن برخوردارند تا از این طریق بتوانند خود را با تمام وجود وقف خدمت به خدا و گسترش ملکوت او کنند. این عطا نیز مانند سایر عطایای روحانی ممکن است بر حسب نیازی که وجود دارد، به طور دائمی یا موقت از طرف خدا به فردی داده شود.